





مسجد و خانواده

فروغ مسجد ۸



عنوان کتاب: مسجد و خانواده، فروغ مسجد ۸/ کتاب سال مرکز رسیدگی به امور مساجد
تهیه: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

ویراستار: مهدیه اکبریان مهر

طراح جلد: محمدجواد زهادت

صفحه آرای: سیدمهدی حسینی

نوبت چاپ: اول، مرداد ماه ۹۳

ناشر: دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نشانی: قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته الله علیه، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

کد پستی: ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۳۶

دورنگار: ۰۲۵ - ۳۲۹۲۳۸۳۷

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اسراء

نشانی اینترنتی: www.masjed.ir

مراکز پخش:

۱. قم، ۴۵ متری آیت الله صدوقی رحمته الله علیه، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

۲. تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش

مجتمع محراب، مرکز رسیدگی به امور مساجد / تلفن: ۴-۰۲۱-۶۶۳۴۶۹۴۱

فهرست

- ۲..... □ مقدمه
- نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده (همراه با آسیب شناسی وضع موجود)
- ۹..... □ محمدولی زاده
- کارکرد مسجد و خانواده امتیازات و ویژگی های خانواده مسجد محور
- ۷۹..... □ ایراندخت فیاض
- نقش بازدارنده مسجد در مقابل اهداف برنامه ریزان غربی از هجوم سیاسی - تبلیغی علیه خانواده
- ۱۱۱..... □ معصومه اسمعیلی
- بازشناسی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده
- ۱۳۹..... □ محمد حسین شریفی نیا
- بازخورد تعامل خانواده با مسجد در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان با تمرکز بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام)
- ۱۸۱..... □ سمیه کاظمیان
- بررسی عوامل مؤثر بر جذب خانواده ها به مسجد
- ۷۰۲..... □ حکیمه السادات شریف زاده
- نقش مسجد در فرهنگ سازی برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار
- ۲۳۹..... □ عصمت دانش
- رسالت مسجد در هدایت جامعه به ارزش ها و اهداف الهی از توالد و تناسل
- ۲۸۷..... □ کبری خزعلی
- بررسی تاریخی و فقهی حضور زنان در مسجد
- ۳۱۱..... □ عسکری اسلام پور کریمی

مقدمه

هو العليم

فرمایشات رهبری عظیم الشان انقلاب پیرامون مسجد در ساختار نظام جمهوری اسلامی، و جایگاه آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی نشان از آن است که مسجد وظیفه‌ای بسیار سنگین و همه‌جانبه در این زمینه دارد. وظایفی که هم حوزه فردی و هم حوزه اجتماعی حیات بشری را در بر می‌گیرد. در نگاه ایشان آنچه که دستیابی به تمدن اسلامی را میسر می‌کند، پیوند میان حیات مادی و حیات معنوی زندگی بشری است و این مهم تنها و تنها در صورتی هادی و ثمربخش است که در فضای معنوی مسجد طراز اسلامی واقع شود و اساساً محور و بستر سبک زندگی اسلامی، مسجد است.

از طرفی مهم‌ترین و اصلی‌ترین واحد اجتماعی، که از ابتدای حیات تا لحظه مرگ، در تربیت انسان نقش دارد، خانواده است. چنانچه مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «.. مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است؛ پایه اصلی در جامعه است. سلول اصلی در جامعه است... به این معنا اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.» (سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴)

به اعتقاد همه دانشمندان علوم اجتماعی و روانشناسی اسلامی و غیراسلامی، تربیت اصلی فرد در حیات اجتماعی وی، در خانواده رخ می‌دهد. اهمیت این نهاد زمانی بیشتر درک می‌شود که نگاهی به هدف‌گیری دشمنان ایران اسلامی نسبت به خانواده، این بنیان شکل‌گیری تربیت دینی و اسلامی، بیندازیم. هجمه عظیم فرهنگی و نرم بر علیه زن و خانواده در نظام

اسلامی و تلاش برای بی‌مفهوم کردن و هویت زدایی از آن نشان از اهمیت این نهاد اجتماعی در مسیر حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی است. چنانچه بُعد نرم افزاری تمدن از نظر مقام معظم رهبری که بُعد فرهنگی است تنها در سایه خانواده رخ می‌دهد: «جامعه اسلامی بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنده و با نشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند، به خصوص در زمینه‌های فرهنگی ...» (سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰) در نتیجه پیوند میان خانواده و مسجد پیوندی حساس، راهبردی و مورد توجه در نظام اجتماعی و حتی نظام فردی تمدن اسلامی است.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به اهمیت این پیوند مقدس و آثار و برکات آن، سال ۹۳ را با عنوان مسجد و خانواده نام‌گذاری نمود تا بهانه‌ای باشد برای توجه دادن اذهان دغدغه‌مندان و صاحب نظران و اثرگذاران جامعه به این موضوع.

کتاب حاضر نیز مجموعه مقالاتی است که به تبیین و ترسیم رابطه بین مسجد و خانواده و بایسته‌ها و راهکارهای تحکیم این ارتباط می‌پردازد. امید است این کتاب مورد توجه فعالان مسجد و امامان جماعت مساجد قرار گرفته و در جهت دستیابی به جایگاه اصلی خانواده در مسیر حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی حرکتی مفید و مثمر ثمر باشد.

در کنار سایر اقدامات و برنامه‌های فرهنگی اجتماعی در این زمینه، از تلاش خالصانه نویسندگان ارجمند و همکاران گرامی در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها سپاسگزاری نموده و امیدواریم در نظر شما ائمه گرانقدر جمعه و جماعات مقبول افتد. مشتاقانه پذیرای پیشنهادات و نظرات سازنده اعزّه جلیل‌القدر هستیم.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی



نقش و جایگاه مسجد در تربیت دینی نظام خانواده همراه با آسیب شناسی وضع موجود

محمد ولی زاده^۱

چکیده

نهاد مسجد و خانواده هر دو از اهمیت ویژه‌ای در تربیت انسان برخوردارند طوری که نهاد مسجد همواره مکمل نقش نهاد خانواده در تربیت دینی انسان‌ها بوده است. لیکن امروز نهادهای هم‌عرض متولی تربیت و یا مدعی تربیت، زیاد شده‌اند و ابزارهای تربیتی که همان رسانه‌ها باشند به شدت گسترش یافته‌اند؛ از طرفی نیز سبک زندگی جدید (زندگی ماشینی و شهرنشینی) و فرهنگ منحط غرب، از طریق نفوذ در نهادها و ابزارهای رسانه‌ای، بر نظام خانواده مؤثر واقع افتاده و علاوه بر مواجه ساختن کارکردهای آن با مشکل، آسیب‌های فراوان بدان وارد نموده‌اند. نتیجه آنکه نقش تأثیرگذار مسجد بر خانواده در تربیت، با چالش مواجه شده است.

این تحقیق کتابخانه‌ای - که هدفش ارتقاء بینش متولیان مسجد از وضعیت خانواده و شناسایی راه‌حل‌های برون‌رفت خانواده از وضع موجود از طریق نهاد مسجد است - سؤالش این است که، اولاً آسیب‌های موجود نهاد خانواده به لحاظ کمی و کیفی چیست؟ در ثانی؛ مسجد برای باز یافتن نقش و جایگاه پیشین خود، در شرایط کنونی چه نقش و چه رولی را بازی کند تا بتواند به موازات سایر نهادهای تربیتی و یک قدم جلوتر از آنها در این رقابت تنگاتنگ، با برقراری ارتباط وثیق با نهاد خانواده، ضمن کمک در تربیت دینی خانواده، آسیب‌های آن را بزدايد؟

نتایج این تحقیق تحلیلی حاکی است، باید ضمن واقع‌بینی از فرآیند آموزش در جامعه فعلی و عدم انکار نقش سایر نهادهای تربیتی، به باز تعریف نقش مسجد در فرآیند تربیت پرداخت و جایگاه شایسته و بایسته آن را تعیین نمود. برای این، لازم است چند رویکرد

اصلاحی کلان مورد توجه نهاد مسجد در جهت گیری های اقدامی و برنامه ای قرار گیرد و آنگاه حسب نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدید های هر کدام از مساجد، راهکار های عملی از حیث یاری نمودن آنها برای نهاد خانواده تدوین شود.

کلیدواژه ها: مسجد، خانواده، تربیت دینی، سبک زندگی، تهاجم فرهنگی.

مقدمه

با اینکه نهاد مسجد، والاترین و پاک‌ترین پایگاه تربیت دینی انسان‌ها بوده و خانواده، نخستین و مؤثرترین نهاد در بحث تربیت انسان است و وجود ارتباط معنوی بین مسجد و خانواده به منظور استفاده از جایگاه و پتانسیل همدیگر - که نقش مکملی برای همدیگر دارند - یک ضرورت است، ولی ارتباط فی‌مابین آنها در جامعه امروزی به نحوی سابقه‌ای کاهش یافته و دیگر نشانی از نقش پررنگ و تأثیرگذار نهاد مسجد در تربیت دینی نهاد خانواده نیست و نهاد خانواده با آسیب‌های فراوان دست به گریبان است.

آنچه در اینجا به عنوان سؤالات اصلی تحقیق بشمار می‌رود آن است که:

۱. چرا ارتباط این دو نهاد مقدس کمرنگ شده و مسجد همچون سابق نمی‌تواند به کمک نهاد خانواده در امر تعلیم و آموزش معارف دینی و سبک زندگی اسلامی بشتابد؟ دلایل محیطی و روانی این وضعیت چیست؟

۲. در ساختار پیچیده نظام تربیت موجود - با تمام عناصر و ابزارهای تأثیرگذاری که دارد - جایگاه مطلوب مسجد جهت تأثیرگذاری بر نهاد خانواده در این چینش کجاست؟ نهاد مسجد برای باز یافتن آن ارتباط وثیق و تأثیرگذار پیشین، کدام جایگاه را و با کدام رویکردها و برنامه‌ها بایستی مدنظر قرار دهد؟

طبیعتاً برای نیل به جواب این دو سؤال اصلی، ناگزیر از پرداختن به چند سؤال فرعی نیز خواهیم بود که عبارتند از:

۱. نقش و جایگاه نهاد خانواده در جامعه دینی چیست و چه کارکردهایی از منظر دینی برای آن متصور است که در شرایط کنونی مورد هجمه قرار گرفته‌اند؟

۲. آسیب‌هایی که نظام خانواده در شرایط حاضر با آنها دست به گریبان است به لحاظ کمی و کیفی کدامند؟

۳. کارکردهای مسجد در مواجهه با نهاد خانواده چیست؟ نهاد مسجد چه ظرفیت‌های بالقوه‌ای در جهت به کمال رساندن انسانها از طریق نهاد خانواده دارد؟

فرضیه تحقیق بر آن است که هجوم ارزش‌های منحط نظام غربی و تغییر در سبک زندگی خانواده، عوامل اصلی ورود آسیب‌های فراوان بر پیکره نهاد خانواده هستند و متقابلاً عدم هماهنگی مسجد با واقعیات زمانه و بدور ماندن از پویایی و نوآوری به موازات سایر نهاد‌های تأثیرگذار بر خانواده، سبب کمرنگ شدن ارتباطش با نهاد خانواده شده که برای برون‌رفت از این وضعیت لازم است در رویکردها و جهت‌گیری‌هایش بازنگری نماید و نوع نگاه خود را به مسئله تغییر دهد.

بر این اساس این تحقیق که در پی ارائه شناخت و بینش کافی به متولیان امور مساجد در خصوص وضعیت ارتباط این نهاد با خانواده است در چهار بخش و به شرح ذیل به بررسی موضوع مورد نظر خواهد پرداخت؛ در بخش اول به صورت مختصر، ضمن تبیین نقش و جایگاه والای خانواده، به کارکردهای آن در مقام تربیت دینی انسان پرداخته خواهد شد. در بخش بعدی، آسیب‌های عمده نهاد خانواده و وضع موجود آنها به صورت مستند و حسب آمارها و داده‌های معتبر و رسمی بیان می‌شود. در بخش سوم با ورود به مباحث اختصاصی مسجد، ضمن ترسیم دقیق و علمی از نحوه ارتباط مطلوب مسجد و خانواده، کارکردهای مسجد در این خصوص و در جهت یاری نهاد خانواده تبیین می‌شود و نهایتاً در بخش آخر راهکارها و به بیانی دیگر، رویکردهای اصلاحی مورد نیاز مسجد در شرایط موجود برای مواجهه فعال، پویا و تأثیرگذار بر نهاد خانواده مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

این تحقیق با ابعاد مورد نظر که برای آن ترسیم شد در نوع خود، تحقیقی تازه، نوآورانه و فاقد سابقه است؛ هر چند تحقیقات زیادی در حوزه مسجد و نیز در حوزه خانواده به صورت اختصاصی نگاشته شده‌اند ولی از این حیث که تبیین دقیق و علمی از ارتباط فی‌مابین این دو، خصوصاً حسب اقتضائات زمانی و مکانی امروز، صورت بگیرد، حسب استقراء نگارنده وجود ندارد بماند که حتی آسیب‌های نهاد خانواده به صورت کامل و جامع و همراه با مستندات آمار رسمی و معتبر در تحقیقات موجود، یافت نمی‌شود. لذا این تحقیق از جنبه‌های مختلف می‌تواند نوآورانه و بدیع باشد.

الف) نقش و جایگاه نظام خانواده در تربیت انسان

۱. جایگاه ازدواج و نهاد خانواده

از منظر اسلام، ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده، فی نفسه امر مطلوب و مورد سفارش است طوری که یگانه راه زندگی سالم و سعادت‌مند در پیروی از همین مسیر تعریف شده و راه‌های انحرافی و غیر آن نه تنها مردود اعلام شده بلکه به شدت به مبارزه با آنها دستور داده شده است؛ از زوجیت و مسائل جنسی غیر نظام‌مند (غیرشرعی) گرفته تا فرزندى که از این طریق زاده می‌شود همه و همه تقبیح شده و اثرات زیانبار ملموس و غیر ملموس فراوان بر آنها بر شمرده شده است پیامدهایی چون رخت بر بستن صمیمیت، عاطفه، اعتماد و صداقت و پاکی از نهاد خانواده و بی‌سرپرست ماندن نوزادان نامشروع و مشکلات ارث و دیه آنها و ... و مضاف بر همه اینها، عواقب، مجازات و محرومیت‌های سنگین اخروی برای آن در نظر گرفته شده است. (ر. ک: کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۲۰-۵۷۴؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، جلد ۱۰۳)

لذا رویکرد اسلام در مواجهه با سنت ازدواج موجود در میان اینای بشر، امضای صرف نبوده و مشمول قاعده منطقی «اثبات شیئی نفی ماعدا نمی‌کند» نبوده است بلکه علاوه بر تأیید و نظام‌مند ساختن آن و جعل شرایط ویژه برای تشکیل خانواده و ازدواج شرعی، بر حقانیت و صحت آن تأکید نموده و راه‌ها و مسیرهای معادل و بدل را به شدت مورد نکوهش قرار داده و باطل اعلام نموده است. (همان) لذا جاهلیت مدرن هم که با نهاد خانواده در افتاده و مسیرهای جایگزین برای آن تعریف نموده است، بی‌راهه‌هایش جدید و فاقد سابقه نیستند بلکه اصل آنها که همان ارتباط جنسی خارج از چارچوب ازدواج رسمی است در

زمان شارع نیز بوده و اسلام آن را بشدت رد نموده است. هر چند جاهلیت مدرن تمهیداتی! برای بچه‌های بی سرپرست (برآمده از زنا یا متلاشی شدن نهاد خانواده)، زنان بی سرپرست (برآمده از طلاق زودرس) زنان و مردان تنهای کهنسال، اندیشیده است ولی اینها چیزی جز پاک کردن صورت مسئله و افزودن به مشکلات بشریت نیست، چرا که خروجی این سیستم هیچ وقت شیرینی زندگی با آرامش و در کنار هم بودن توأم با سلامت روح و روان در دنیا و نیل به کمال و سعادت‌مندی در سرای آخرت را برای افرادش ارزانی نخواهد داشت و نهایتاً آن خواهد شد که مشکل تنهایی و انزوا و عدم اطمینان و اعتماد به همدیگر را بایستی در انس‌گیری با حیوانات و مانند آن جستجو نمایند و مدام از بی‌اعتمادی افراد جامعه، تحت عباراتی چون کاهش سرمایه اجتماعی و امثال آن شکوه نمایند.

۲. جایگاه و اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده در متون دینی

تعالیم و آموزه‌های دین اسلام به ازدواج و تشکیل خانواده بسیار سفارش نموده‌اند برخی از آنها چنین است:

۱. خداوند متعال: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور/۳۲) عزب‌های خود و غلامان و کنیزان شایسته خود را همسر دهید. اگر تنگدست باشند خدا از فضل و کرم خویش توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و داناست.

۲. خداوند متعال: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (روم/۲۱) واز نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

۳. پیامبر ﷺ: «مابنی فی الاسلام بناء أحبّ الی الله تعالی واعزّ من التزویج؛ در اسلام هیچ نهادی محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده در نزد خداوند بنا نشده است». (صدوق، الهدایة، ص ۲۵۷)

۴. پیامبر ﷺ: «الْإِنْكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج سنت من است؛ پس هر که از سنت من اعراض کند از من نیست» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۰)

۵. پیامبر ﷺ: «ان الله عزوجل يحب البيت الذي فيه العرس، ويبغض البيت الذي فيه الطلاق؛ خداوند خانه ای را که در آن عطر دل انگیز عروس بوزد دوست می دارد، و خانه ای را که در

آن سخن غم انگیز طلاق سر داده شود دشمن می دارد.» (کلینی، کافی، ج ۶، ص ۵۴)
 ۶. امام باقر (علیه السلام): «رکعتان یصلیهما رجل متزوج افضل من رجل اعزب یقوم ليله ویصوم نهاره؛ دو رکعت نماز مرد معیل افضل و بهتر از نماز مرد مجردی است که شب را به عبادت بایستد و روز را با روزه سپری کند.» (الحرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷)
 ۷. امام صادق (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛ هر که ازدوج کند نصف دین خود را حفظ کرده است. پس تقوای الهی را در نصف دیگر مراعات کند.» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹)

۳. فلسفه تقدیس ازدواج و نهاد خانواده (کارکردهای خانواده)

احکام اسلامی بر پایه مصالح و مفاسد واقعی جعل شده اند و چنان نیست که توصیه های آن عاری از حکمت و مصلحت و نواهی آن فاقد مفسده واقعی و عقلی باشند. هر چند ممکن است عقل بشری به تمام آن مصالح و مفاسد پی نبرد. در موضوع تشکیل کانون گرم خانواده نیز، که این همه توصیه و تاکید آن را همراهی می کند علاوه بر اجر و پاداش اخروی به دلیل امثال امر الهی، در همین سرای دنیوی نیز دارای مصلحت های فراوان و بسیار بزرگ در زندگی بشری است و مزایا و فواید بی شماری را به همراه دارد و متقابلاً عدم پیروی از این مسیر، مشکلات و مضرات بسیار سنگین در پی دارد. بر این اساس برخی کارکردهای عمده تشکیل کانون خانواده چنین اند:

۳-۱. عامل آرامش و اطمینان

خداوند می فرماید: «از نشانه های خداوند این است از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن ها آرامش بیابید و در میان شما مودت و رحمت آفرید، در این نشانه هایی است برای افرادی که تفکر می کنند.» (روم/ ۲۱)

۳-۲. حفظ از گناه و فحشاء

خداوند می فرماید: «أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ بِرِ شَمَا حلال شده است در شب های رمضان نزدیکی نمودن با همسران، زیرا آن ها لباس شمایند و شما هم لباس آن ها هستید.» (بقره/ ۱۸۷) قرآن کریم با تعبیر کنایی «رفث»، هم بستر شدن با زن را که قبلاً حرام بوده است، تجویز و سپس حکمت آن را بیان می کند که

آنان به منزله لباس شمایند و شما به منزله لباس آن‌ها هستید. لباس چیزی است که بدن انسان را می‌پوشاند و آیه اشاره به این است که دو همسر مانع از کشیده شدن دیگری به فحشا و اشاعه آن بین جوامع انسانی می‌شوند. (طباطبایی، المیزان، ج ۲، ص ۴۴)

۳-۳. عامل افزایش رزق و روزی

انسان مجرد، کم‌تر احساس مسئولیت کرده، و تمامی استعداد خود را برای کسب درآمد مشروع بسیج نمی‌کند، ولی پس از ازدواج به یک شخصیت اجتماعی تغییر یافته، در مقابل همسر و خانواده احساس مسئولیت می‌کند و از تمام هوش و استعداد خود بهره می‌گیرد و با صرفه‌جویی و ابتکار و با کمک همسر و فامیل بر مشکلات زندگی فائق می‌آید. (حسینی کوهساری، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش‌های دینی، شماره ۲، ص ۱۵۵) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «الرِّزْقُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْعِيَالِ؛ روزی همراه همسر و فرزند است.» (حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶)

۳-۴. استمرار و بقای نسل

در توحید مفضل می‌فرماید: «تفکر کن در افعال انسان از خوراک و خواب و هم‌بستر شدن و آن‌چه در آن‌ها تدبیر شده است. پس خداوند برای هر یک از آنان محرکی از داخل آفرید که آن‌ها به سوی آن می‌خوانند و تحریک می‌کنند ... شعله‌ور شدن آتش شهوت جنسی آمیزش را می‌طلبد که موجب تداوم نسل و بقای آن می‌شود و اگر چنین بود که آدمی به واسطه میل به فرزند آمیزش می‌کرد بعید نبود کاملاً این میل ضعیف شود به طوری که باعث کاهش یا قطع نسل شود؛ زیرا بعضی از انسان‌ها به داشتن فرزند تمایلی ندارند. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۵۵).

۳-۵. کمال و پویایی جامعه

امام رضا (ع) ضمن خطبه‌ای می‌فرماید: «اگر هیچ دلیل روشنی از کتاب و سنت به اهمیت تشکیل خانواده وجود نداشت، آثار و برکاتی که به سبب این امر نصیب اجتماع می‌شود، تنها برای ترغیب و تشویق انسان‌ها بر ایجاد کانون خانواده کافی بود.» (محمدی ری‌شهری، دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۳، ص ۲۸۶)

۳-۶. جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی

بر اساس تحقیقات صورت گرفته در همه کشورهای دنیا، گسست خانواده مترادف با گسست فرد است و خانواده‌ای که از هم گسیخته یا نیمه گسسته باشد و تربیت فرد در آن به خوبی صورت نگیرد می‌تواند مولد بحران‌های پایدار در جامعه باشد. به عبارت بهتر تربیت فرد و جامعه از یکدیگر جدا نیست و آنچه در خانواده و در طول حیات فرد می‌گذرد تأثیر به‌سزایی در استحکام پایه‌های تربیتی اجتماع دارد. (عالمی، حجاب، نشانه عظمت زن، روزنامه رسالت، شماره ۷۲۶۶، صفحه ۷)

۳-۷. کانون سالم تربیت و آموزش

هر چند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند ولی هیچ کدام به سلامت و پاکی نهاد خانواده نیستند. خانواده سالم‌ترین محیط برای شکل‌گیری شخصیت فرزند است و در انتقال ارزش‌های اخلاقی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم‌عرض آن یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری و امثال ذلک را دارند و یا بسیار کم‌رنگ است.

۳-۸. مراقبت و محافظت از کودکان، ناتوانان و سالمندان

در ادامه محور قبلی، نهاد خانواده سالم‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و موثرترین شکل ممکن در مراقبت و نگهداری از فرزندان و نیز پدر و مادر و یا همسر سالمند می‌باشد. خانواده ساخته و پرداخته شده با الگوی دینی نه تنها وجود آنها را برای خود هزینه مادی و زمانی و امثال ذلک به حساب نمی‌آورد بلکه مراقبت از فرزندان را با طیب خاطر پذیرفته و مراقبت از سالمندان را مایه برکت و قوام زندگی خود می‌داند. بماند که در نگاه عمیق و مبصرانه، آنکه بیش از همه سود می‌برد خود خانواده و متولیان آن است که علاوه بر اخذ سعادت اخروی، در همین دنیا نیز شکل‌گیری بهترین نحوه گذران اوقات فراغت را با حضور فرزندان و پدر و مادر برای خود رقم می‌زنند و نیازهای عاطفی و روانی خود را به بهترین شکل ممکن و نه از طریق سگ و گربه و مانند آن ارضاء می‌نمایند.

این محور و محور قبلی در درون خود محورهای دیگری از کارکرد خانواده را به همراه دارند که از کارکردهای منحصر به فرد خانواده هستند و جایگاه آن را در مقایسه با سایر نهادهای تربیتی ممتاز می‌نمایند. این کارکردها عبارتند از:

۳-۹. نیل به پاداش‌های عظیم الهی و کمالات انسانی

(به دلیل تحمل هزینه‌های مادی و صبر بر سختی‌های تربیت کردن که کمالات انسانی را شکوفا می‌نمایند.)

۳-۱۰. ارضای حس محبت نمودن و مورد محبت واقع شدن

(هر انسانی نیاز به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن دارد که خانواده دینی بهترین شکل آن را فراهم می‌آورد.)

۳-۱۱. انتقال خالصانه تجربیات

(والدین فرزندان را جزئی از وجود خود می‌دانند و خالصانه و بی‌منت تجربیات را به آنها منتقل می‌نمایند طوری که تا این وظیفه خود را انجام ندهند آرام و قرار ندارند.)

نکته: وجود خانواده شرط لازم برای موفقیت جامعه است نه کافی لذا آوردن مثال‌های نقض از فرزندان ناموفق در برخی خانواده‌ها و مثال‌های موفق از تربیت در غیر خانواده کار درستی نیست چرا که اولاً باید کلیت یک جریان و مدل را بررسی و مقایسه نمود نه موردی و در ثانی خانواده نیز برای موفقیت بایستی یکسری وظایف را درست انجام دهد. آری اگر خانواده مطلوب و سالم، زیر بنای اصلی جامعه پایدار است متقابلاً خانواده متأثر از فرهنگ مادی الحادی و ناآشنا با اخلاق دینی، جایگاه مناسبی جهت رشد جسمی و عاطفی زوجین و کودکان ندارد، چنین خانواده‌ای به جای آموزش عشق و محبت و همون دوستی به کودکان، آنها را با انواع عقده‌ها آشنا می‌سازد و خود عاملی می‌شود برای بروز بسیاری از آسیب‌ها همچون فرار از خانه، بزهکاری، روابط فرازناشوئی و

۴. برنامه‌های دشمن برای از بین بردن نهاد خانواده

دشمن برای متلاشی ساختن نهاد خانواده و کاهش گرایش به آن، با برنامه وارد شده است؛ با برنامه نظری که روی افکار و اندیشه‌ها و تغییر آنها کار می‌کند و برنامه عملی که با ترویج و پیاده‌سازی سبک خاصی از زندگی، انسان‌های خانواده‌محور را در تنگنا قرار داده و آنگاه برای خلاصی از مشکلاتش، راهی جز لزوم بی‌توجهی به نهاد خانواده و قوانین و سنت‌های آن پیش پا نمی‌گذارد؛ البته به دلیل برخورداری دشمن از ابزارهای مادی (علم و ثروت و ...) حتی اگر دشمن چنین نیاتی را نیز در سر نداشته باشد، خروجی تعامل با دنیایی

که در چنبره اندیشه‌ها و سبک زندگی غربی است در صورتی که حواس‌ها جمع نباشد و مواجهه آگاهانه با آن صورت نگیرد، باز، چیزی جز متلاشی شدن نهاد خانواده نخواهد بود. بر این اساس در این مجال به بررسی برنامه نظری و عملی دشمن برای متلاشی ساختن نهاد خانواده به تفکیک و به تفصیل می‌پردازیم:

۴-۱. برنامه نظری دشمن در تغییر ارزش‌ها و هنجارهای خانواده

تغییر نگاه غربی‌ها به هستی و زندگی و حذف خدا و انبیاء و معنویات از آن و در مقابل محور قرار دادن انسان و امیال نفسانی و لذت‌جویانه او بر نظام قوانین و تصمیم‌گیری، سر از بی‌قیدی و بی‌تعهدی نسبت به حفظ نهاد خانواده و متلاشی شدن آن در آورده است. چرا که حفظ نهاد خانواده با تعهد و فداکاری و وفاداری و نگاه به پاداش اخروی و در یک کلمه با عقلانیت و دینداری عجین شده است همان چیزی که در نگاه منفعت‌مدار مادی و لذت‌گرایی دنیوی غربی، خبری از آن نیست.

تهاجم فرهنگ و ارزش‌های منحط غربی، بر خانواده دین‌مدار ایرانی تأثیر گذارده تا جایی که به گراف نخواهد بود اگر گفته شود پایه و زمینه بروز و ظهور بسیاری از رفتارهای آسیبی در حوزه خانواده متأثر از همین آسیب‌مبنایی یعنی رخنه فرهنگ غربی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده است؛ اگر بحث از آسیبی تحت عنوان بیکاری می‌شود نامربوط با بحث تهاجم فرهنگی نیست به دلیل آنکه فرهنگ فمینیستی غرب، اشتغال زنان را تحت هر شرایطی یک ارزش و خانه‌داری و مادری را یک عقب‌ماندگی و ضدارزش برای زن معرفی می‌کند که این در جامعه ایرانی مؤثر واقع شده و نتیجه آن ورود خیل زنان در بازار کار و بیکار ماندن بخش عمده‌ای از مردان شده است که وظیفه تأمین معیشت خانواده را بر گردن دارند؛ یا بحث از افزایش طلاق (رسمی و عاطفی) و کاهش ازدواج و رو آوردن به ازدواج سفید و زندگی مجردی و نیز بحث از کاهش زاد و ولد و کوچکتر شدن بعد خانوار و قبح‌ریزی از عمل غیرانسانی سقط‌عمدی جنین و یا بحث از روابط فرازناشوئی و رواج پدیده مانکنیسم، همه و همه متأثر از پاگرفتن و نفوذ ارزش‌ها و نگرش‌های مادی و انسان‌محور غربی در جامعه است.

تهاجم فرهنگی غرب در بیشتر مواقع از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی

اینترنت و پتانسیل‌های موجود در آن صورت می‌گیرد و تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش و ارزش‌های افرادی که از تولیدات فرهنگی غربی در قالب ماهواره، اینترنت و بازی‌های ویدئویی استفاده می‌کنند بشدت تحت تأثیر قرار گرفته است در نمونه‌ای از این تحقیقات که توسط کارشناسان دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی صورت گرفته، میزان تفاوت‌ها و تغییرات بر روی نگرش‌های بچه‌های دبیرستانی مورد بررسی قرار گرفته که اهم نتایج آن در جدول ذیل به اختصار آمده است:

مقایسه نگرش افراد کاربر و غیر کاربر ماهواره، اینترنت و بازی‌های ویدئویی

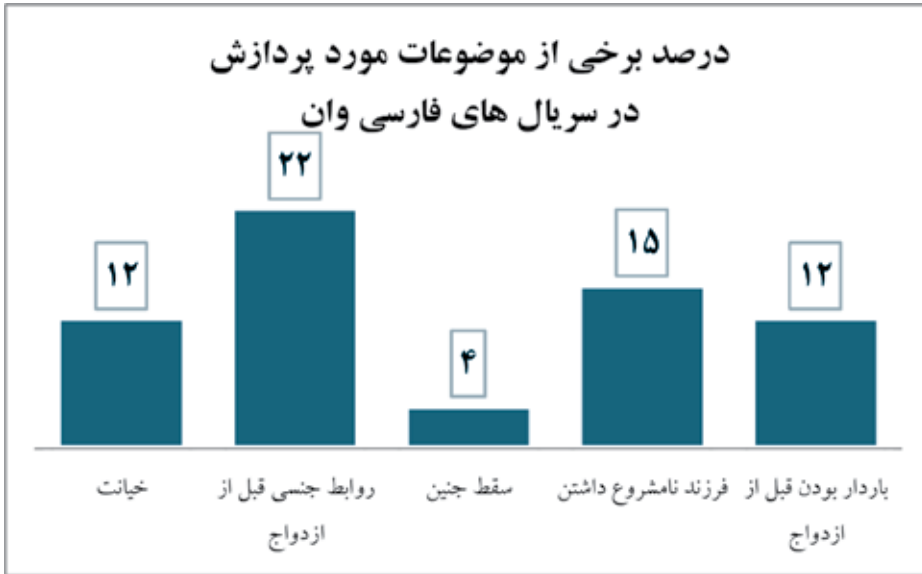
نوع رفتار	کاربر و غیر کاربر
احترام به مقررات و مسئولان مدرسه	غیر کاربر < کاربر
توجه و علاقه به مد و جذاب جلوه‌گر شدن	کاربر < غیر کاربر
علاقه‌مندی به شادی، لذت و رفاه طلبی	کاربر < غیر کاربر
پذیرش روابط دختر و پسر	کاربر < غیر کاربر
پذیرش حضور گسترده تر زنان در جامعه	کاربر < غیر کاربر
برخوداری از استقلال رای در مسایل اجتماعی	کاربر < غیر کاربر
پذیرش سنت شکنی در ارتباط با آداب و رسوم	کاربر < غیر کاربر
توانایی واکنش و کنترل به حوادث پیش آمده	کاربر < غیر کاربر
ترجیح منافع فردی نسبت به منافع جمعی و ملی	کاربر < غیر کاربر
برخورداری از توانایی بهره‌گیری از رایانه و اینترنت	کاربر < غیر کاربر
پذیرش سانسور برنامه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی	غیر کاربر < کاربر
پذیرش پول درآوردن به هر طریق ممکن	کاربر < غیر کاربر
اخذ ارزش‌های زندگی از هنرمندان و ورزشکاران	کاربر < غیر کاربر
علاقه به فرهنگ اسلامی	غیر کاربر < کاربر
علاقه به فرهنگ غربی	کاربر < غیر کاربر
حمایت از جمهوری اسلامی	غیر کاربر < کاربر
علاقه‌مندی نسبت به پیوستن به نیروی بسیج	غیر کاربر < کاربر
پیروی از مراجع تقلید	غیر کاربر < کاربر
تقید نسبت به انجام تکالیف دینی	غیر کاربر < کاربر
تمایل به شرکت در هیئت‌ها و محافل دینی	غیر کاربر < کاربر
برخورد گزینشی با دین	کاربر < غیر کاربر

منبع: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرح نگرش‌سنجی افراد کاربر و غیر کاربر ماهواره،

هم‌اکنون بنابر داده‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۷۱ درصد تهرانی‌ها از ماهواره استفاده می‌کنند و در آینده نزدیک نیز دو هزار شبکه ماهواره‌ای از طریق موبایل قابل دریافت خواهد بود.

از سال ۱۹۶۰ میلادی که ماهواره اختراع شد تاکنون حدود ۲۰ هزار شبکه ماهواره‌ای در جهان فعال است که حدود ۳۰۰۰ شبکه در ایران از طریق دیش و رسیورهای معمولی قابل دریافت هستند. در این مجال برای نمونه به تحلیل محتوای سریال‌های یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی زبان یعنی فارسی‌وان پرداخته شود؛ محورهای عمده مورد نظر در محتوای سریال‌های این شبکه بشرح ذیل است:

- ترغیب به داشتن روابط عاشقانه
- متقاعد کردن زنان به رسیدگی بیشتر به تن و ظاهر خود برای جلب توجه مردان
- برجسته کردن مسائل جنسی در زندگی
- زیر سؤال بردن مستقیم و غیر مستقیم ازدواج و ایجاد تردید در مورد اهمیت و ارزش ازدواج
- طرح سؤال و شبهه و تردید مکرر در مورد دیدگاه‌های افراد مقید به ازدواج و زندگی مشترک
- نمایش مکرر مشروب‌خواری و یاوه‌گویی‌های هنگام مستی و عادی‌سازی آوردن مشروب بر سر سفره
- بیان راه‌های دوست شدن با جنس مخالف
- عادی‌سازی رابطه‌های خارج از چهارچوب خانواده
- خیانت و عدم وفاداری مردان و زنان متأهل به همسران خود که بعضاً با نیت انتقام صورت می‌گیرد. (نصراله‌پور، تحلیل محتوای شبکه فارسی‌وان، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره ۱۷، ص ۵)
- هدف از تهیه و پخش این برنامه‌ها این است که قبح این مسائل شکسته شود. ضمن اینکه نقش اول ۸۷ درصد از فیلم‌ها و سریال‌های فارسی‌وان «زن» است!



(همان)

بخش قابل توجه دیگری از تهاجم فرهنگی -چنان که اشاره شد- از طریق فضای مجازی صورت می گیرد؛ حضور بی ضابطه و غیر هدفمند اعضای خانواده در فضای مجازی یکی از آسیب های خانواده است که هر روز رو به فزونی می گذارد. شبکه های اجتماعی و چتروم ها از عمده ترین فضا های مجازی آسیب زا در این زمینه هستند. در این مجال به عنوان نمونه به بررسی وضعیت محتوای مباحث مطرح شده میان کاربران یکی از چتروم ها (چتروم آسیا) با رویکرد کنترل نامحسوس محتوای پرداخته می شود. بدون آنکه مداخله فعالی در روند بحث های رد و بدل شده کاربران داشته باشند:

جدول فراوانی ساده حاصل از تحلیل محتوای مباحث رد و بدل شده در اتاق‌های گپ اینترنتی کاربران ایرانی

ردیف	مقوله‌ها	جمع	درصد
۱	دوست‌یابی (تبادل شماره تلفن)	۳۹۸۱	۳۳,۹
۲	ارتباط‌های روزمره و تعامل‌های معمولی	۳۹۳۹	۳۳,۶
۳	سکس (انحرافات جنسی، سکس چت، فحشا، صیغه)	۲۵۴۹	۲۱,۸
۴	تبلیغات تجاری و غیرتجاری از طریق کاربران	۳۵۰	۳
۵	شوخی	۲۲۵	۱,۹
۶	فحاشی، اذیت و آزار دیگران	۲۱۳	۱,۸
۷	اظهار نظرهای مختلف	۱۹۱	۱,۳
۸	پر کردن اوقات فراغت (عکس و کلیپ غیرسکسی)	۱۲۲	۱
۹	آموزشی	۶۴	۰,۵۴
۱۰	تبادل فیلتر شکن	۴۵	۰,۳۸
۱۱	تقاضای ازدواج	۳۱	۰,۲۶
۱۲	نوع دوستی	۶	۰,۰۵

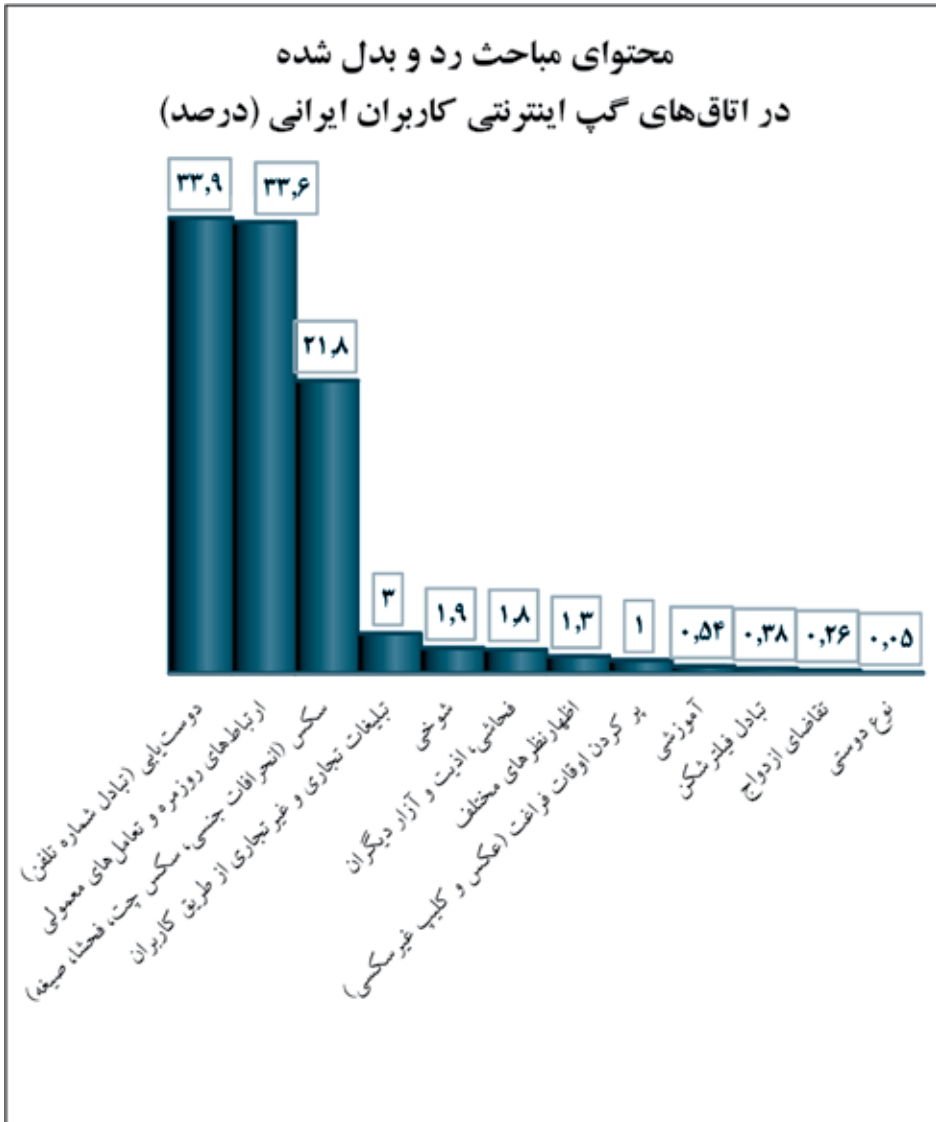
منبع: بلقان آبادی، منطقی، تحلیل محتوای اتاق‌های گپ اینترنتی

(چت روم‌های) ایرانی، مجله علمی پژوهشی سلامت روانی، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹ش

حسب این جدول، «دوست‌یابی (تبادل شماره تلفن)»، «ارتباط‌های روزمره و تعامل‌های معمولی» و «سکس (انحرافات جنسی، سکس چت، فحشا، صیغه)» به ترتیب با ۳۳/۹، ۳۳/۶ و ۲۱/۸ درصد، بیشترین و تقاضای ازدواج، تبادل فیلتر شکن و پر کردن اوقات فراغت به ترتیب با ۰/۳۸، ۰/۵۴ و ۱ درصد کمترین محتوای رد و بدل شده بین چت‌بازان را تشکیل می‌دهند. (ر.ک: جدول و نمودار ذیل)

توجه به برخی کاربران خاص چت‌روم‌ها و اینکه عمق نفوذ این پدیده، در میان چه اقشاری از جامعه رسوخ کرده است واقعا جای تأمل دارد:

(۱) برخی زنان خانه دار در شیفت صبح که همسر و فرزندان در منزل نیستند، حضور بیشتری در



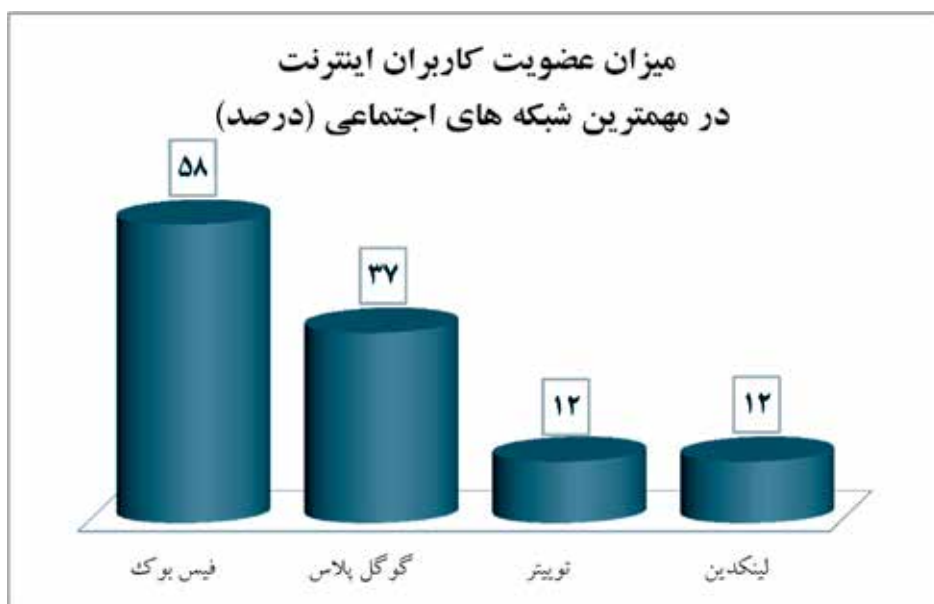
چت روم‌ها داشته و معمولاً کامپیوتر آنلاین خود را رها کرده و کارهای منزل را نیز انجام داده و با حالت وسواس هر از چند گاه صفحه مانیتور را نگاه کرده که آیا پیامی برایش ارسال شده یا خیر؟

۲) حضور توام (معدود) برخی همسران با هم در چت و استفاده مشترک از ویس روم یا حضور پدر یا مادر با فرزند خردسال خود برای سرو صدا در آوردن در روم، از نکات عجیب

و دور از انتظار به شمار می رود. (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کاربران چتروم‌ها، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره ۲۵، ص ۶)

آخرین آمار اعلام شده از ضریب نفوذ اینترنت در کشور از سوی مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت -متما- حاکی است بالغ بر ۶۱ درصد جمعیت کشور به اینترنت متصل می شوند. (۴۵ میلیون و ۸۸۴ هزار) و براساس همین آمار (۸۶ درصد کاربران ایرانی عضو شبکه های اجتماعی) بوده و بعضی از آنها همزمان در چند شبکه عضویت دارند.

منبع: مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت - متما -



در پروسه تهاجم فرهنگی، بخش معظمی از ارزش ها و نگرش های القائی به ارزش ها و نگرش های فمینیستی تعلق دارد که بر اساس رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم آلود است که باید دگرگون شود. دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده، از اصول برنامه های بیشتر فمینیست هاست. به عقیده سیمون دوبوار (Simon de beauvoir) آنچه زن را در قید بندگی نگه می دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان های سالم به شدت مورد حمله قرار

می‌داد و ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل بدبختی زنان می‌داند و با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم مخالفت می‌کند. (مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، ص ۱۷)

فمینیست‌های مارکسیست همچون کریستین دلفی (Christiane delphy) ازدواج را قراردادی کاری می‌داند که در آن شوهر، صاحب کار بدون مزد زن است، و این امر به شیوه تولید خانگی و یک شیوه استثمار مردسالارانه شکل می‌بخشد. (هام ترجمه احمدی خراسانی و دیگران، ص ۲۶۲) از نگاه فمینیست‌های سوسیالیست نیز زنان نه تنها در حیطه سیاست و اقتصاد، بلکه در خانواده هم که مردانشان با آنها مثل برده رفتار می‌کنند، ستم می‌کشند. از نظر آنها، نهاد ازدواج تکامل معنوی، فرهنگی و روانی مردان و زنان را عقیم می‌گذارد و نیز سبب خودخواهی و بی‌کفایتی می‌گردد. (ویلفورد ترجمه قائد، ص ۳۶۱) فمینیست‌های رادیکال نیز روی خوشی به نهاد خانواده نشان نداده‌اند. در نگاه آنان، ازدواج نهادی است که انقیاد مستمر زنان را به لحاظ اقتصادی، مالی، حقوقی، سیاسی و عاطفی تضمین می‌کند. خانواده، هم علت و هم معلول کم‌ارج کردن زنان است. (مشیرزاده، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، ص ۲۸۳)

۲-۴. برنامه عملی دشمن برای از بین بردن نهاد خانواده

دشمن بعد از ترویج باورها و ارزش‌های منحط خود در مقام نظر، برای یکسره کردن کار و قرار دادن خانواده در وضعیت اضطراب و اجبار برای پذیرش ایده مورد نظر وی، دست به اقدام عملی زده و با پیاده‌سازی سبک زندگی غربی که در تضاد با استحکام داشتن نهاد خانواده است با موجودیت نهاد خانواده به دشمنی برخاسته است.

غرب بعد از حاکم ساختن نگاه فمینیستی و امانیستی بر زندگی، ساختارهای اجتماعی و سبک زندگی را به سمتی سوق داده است که در آن، زنان خانواده - که پایه اخلاق خانواده و اجتماع و رکن تربیتی برای فرزندان و نیز ستون مستحکم عاطفه و محبت و آرامش برای شوهران خود هستند - بایستی از نهاد امن خانه بدون وجود ضرورتی عقلانی بیرون آمده و در جامعه حضور فیزیکی داشته باشند و لذا با برداشتن موانع (همچون: تاسیس نهاد مهد کودک برای نگهداری فرزندان که حضور آنها در خانه مانعی بشمار می‌رود، ایجاد نهاد سالمندان برای نگهداری از افراد مسن خانواده، توسعه شهرنشینی و آپارتمان‌نشینی با راه‌آورد اتوماتیک و ارزان فرزند کمتر، تاسیس نهادهای رسمی لازم برای سقط جنین عمدی و نیز

نهادهایی برای نگهداری از فرزندان بی سرپرست، دایر کردن مراکز رسمی فساد و روابط نامشروع و حتی تعریف شغل تحت عنوان روسپیگری و اعطای مجوز فعالیت برای آن (البته فعلاً در غرب، ...) و ایجاد زمینه‌ها و بسترهای لازم (مانند مصرفی کردن جوامع خصوصاً متناسب با روحیات و خواسته‌های زنان، صنعتی نمودن جوامع با توجه به نیاز شدید آنها به نیروی کار زیاد و ارزان زنان، توسعه شهرنشینی که معمولاً همراه با کثیری از مهاجرت‌های لجام‌گسیخته خانواده‌ها که با دور شدن از آشنایان و در نتیجه تنهایی در داور زنان در خانه همراه است، ...) حضور بی تکلف و بی ضابطه زنان در جامعه را مورد پذیرش ناخواسته قرار داده است.

خانواده ترویجی غربی تحت تأثیر اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید که بخشی از آن تبیین شد و نیز حسب اجبار و الزامات زندگی شهری ماشینی، کار همزمان زن و مرد را خارج از منزل فارغ از توجه به سلامت اخلاقی محیط‌های کاری، نه تنها به عنوان یک ارزش و هنجار بلکه به عنوان یک اجبار و اضطرار، در سبک زندگی جدید، ترسیم و عملی نموده است؛ ثمره چنین زندگی‌ای طبیعتاً در مرحله اول کاهش تعاملات عاطفی فیما بین زوجین و واگذارن تربیت فرزندان به نهادهای اجتماعی و در قدم بعدی کاهش فرزندآوری به دلیل مشکلات و هزینه‌های زیاد آن از حیث نیاز به وقت گذاشتن و نیز مزاحم دانستن آن برای خوش‌گذرانی‌های زندگی مادی است. احیاناً در قدم‌های بعدی نیز، کاهش ازدواج، افزایش طلاق، سقط جنین عمدی و بدتر از همه کاهش تعاملات عاطفی و افزایش روابط فرازن‌ناشوئی خواهد بود.

همه اینها را اضافه کنید به ورود سرسام‌آور رسانه‌ها به درون خانه و خصوصی‌ترین حریم خانواده‌ها، که سبب شده تا همین ارتباط اندک باقی‌مانده خانواده‌ها نیز، روز به روز کمتر از هر زمانی شده و حتی نبودن یکی از افراد خانه کمتر احساس شود و این به معنای بحران عاطفی و تجزی شخصیتی است. (سارو خانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۴) در چنین خانواده‌ای اعضای خانواده به هم چندان کاری ندارند. پدر یک جا مشغول، مادر یک جا مشغول؛ نه همدیگر را می‌بینند نه برای هم غذا می‌پزند نه برای هم محبتی و عاطفه‌ای نثار می‌کنند نه از هم دلجویی می‌کنند نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روانشناسان امور کودکان عمل کرده باشند با هم قرار می‌گذارند یک ساعت معینی را پدر و مادر بیایند خانه و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع

خانوادگی را که در یک خانواده سالم به طور طبیعی وجود دارد اینها به صورت تصنعی برای خود به وجود بیاورند. (حاج علی اکبری، مطلع عشق ص ۳۹)

لذا کانون خانواده گرم نیست و خانواده اصلاً واقعیت ندارد. آن انسهای فراوان به هم اینکه مرد خودش را محتاج به زنش ببیند و زن خودش را محتاج به شوهرش ببیند اینها دیگر نیست. دو نفرند به صورت قرار دادی که فقط در یک خانه‌ای زندگی می‌کنند! (همان ص ۴۰)

البته بایستی خاطر نشان کرد که آنچه گفته شد نهایت نقطه سیر خانواده مورد ترویج غرب است و چنان نیست که هر خانواده‌ای که مظاهری از این نشانه‌ها را داشته باشد به تمام آنچه گفته شد گرفتار آمده باشد، آری هر خانواده‌ای به همان اندازه که به این سرطان مبتلا شده، به آثار و نتایج برآمده از آن نیز به همان اندازه گرفتار آمده است.

ب) آسیب شناسی وضع موجود نهاد خانواده در ایران

نهاد خانواده در ایران به دلیل متاثر شدن از فرهنگ منحط غربی با آسیب‌های فراوانی در حال دست و پنجه نرم کردن است که در این قسمت آسیب‌های عمده خانواده حسب آمارهای رسمی کشور، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد تا خوانندگان این مقاله و خصوصاً متولیان امر مسجد که وظیفه خطیری در خصوص حفظ و استحکام بخشی به نهاد خانواده بر گردن دارند به صورت دقیق تر و هر چه شفاف با وضع موجود نهاد خانواده در ایران آشنا شوند تا احیاناً در برنامه‌ریزی‌ها و اولویت‌بندی‌ها برای خانواده، آگاهانه عمل نمایند.

آسیب‌های عمده نهاد خانواده و وضع موجود آن‌ها در ایران بشرح ذیل هستند: ۱. تهاجم فرهنگی غرب

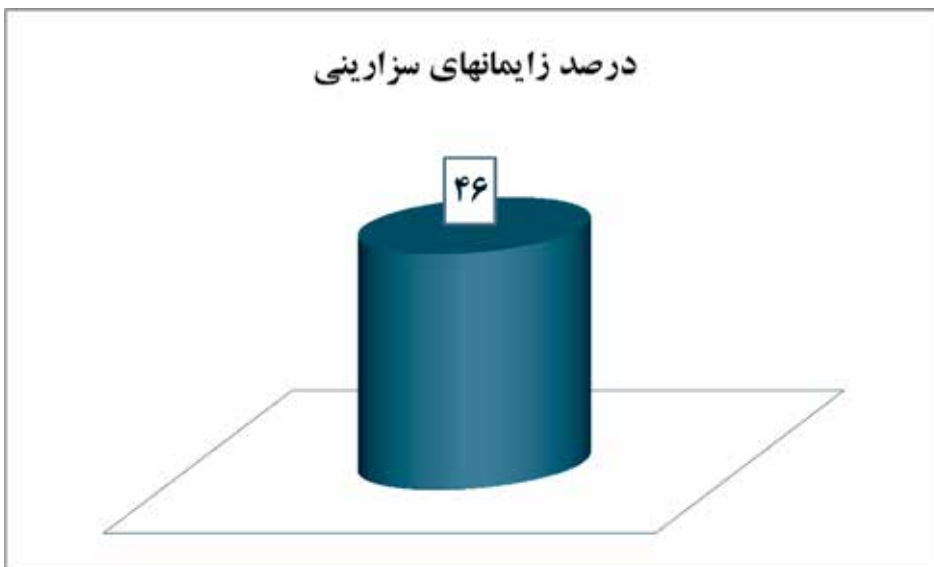
وضعیت آن تا حدودی در قسمت‌های قبلی تبیین شد و نیز بخش قابل توجهی از آن مربوط به آسیب‌هایی است که متاثر از آن هستند و در محورهای بعدی ذکر خواهند شد لیکن در این محور به صورت اختصاصی به مواردی چند از رفتارهای آسیبی نهاد خانواده که متاثر از تهاجم فرهنگی است اشاره می‌شود:

۱-۱. پدیده مانکنیسم و سزارین

به موازات ارزش شدن پدیده مانکنیسم، یکی از نمودهای توجه افراطی به تن و جسم در زنان، استفاده فراوان از روش سزارین در زایمان است. بر همین اساس گفتنی است، ایران در حالی رتبه دوم جهانی آمار سزارین را بنا بر داده‌های وزارت بهداشت به خود اختصاص داده که؛ بنا بر سیاستهای جدید جمعیتی، افزایش موالید و جمعیت از سیاستهای کلان در حوزه

سلامت و بهداشت به شمار می رود چیزی که با زایمان غیر طبیعی یعنی سزارین تقریباً غیر مقدور خواهد بود.

حسب آمار رسمی وزارت بهداشت ۴۶ درصد زایمان ها (حدوداً ۲۳ درصد در بیمارستان های دولتی و ۶۹ درصد در خصوصی) به روش سزارین صورت می گیرد که متوسط آمار سزارین در دنیا بین ۱۵ تا ۲۵ درصد است. این در حالی است که ۷۵ درصد از آمار سزارین ها، غیر ضروری و به صورت انتخابی صورت می گیرد. گفتنی است آمار ۴۰ درصد سزارین، مربوط به سال ۱۳۸۴ است و آمار غیر رسمی سزارین در حال حاضر بالاتر از این درصد است.



۲-۱. پدیده مانکنیسم و مواد مخدر

شیوع و افزایش تبلیغات استفاده از مواد مخدر شیشه برای لاغری در آرایشگاهها و باشگاههای بدن سازی از دیگر دلایلی است که باعث افزایش استفاده از این ماده مخدر شده است. مراکز لاغری با استفاده از مواد شیمیایی که مواد مخدر نیز در آنها دیده می شود، خانمها را تشویق به استفاده از داروهای لاغری و در بعضی مواقع به مصرف شیشه می کنند. (وضعیت پدیده مانکنیسم، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره ۱۸، ص ۸)

۱-۳. آموزش شدن اشتغال زنان

هنجار شدن اشتغال زنان عرصه کسب و کار را بیش از پیش بر مردان تنگ نموده است؛ هنجار شدن اشتغال برای زنان در حالی است که آمار دختران فارغ التحصیل جویای کار به شدت زیاد است و هیچ تناسبی با میزان اشتغال آفرینی های دولت ها ندارد در چنین شرایطی دوافع ممکن است رخ دهد حالت اول کسب شرایط کار و احراز شغل مورد نظر است که زنان شاغل نوعاً از روحیه تعاملی پابینی در زندگی مشترک برخوردارند مضاف بر اینکه اشتغال، احساس نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده را در زنان پایین می آورد. اما حالت دوم آن است که نتوانند شغلی را احراز نمایند در چنین حالتی برخی زنان و دختران، به خاطر هنجار بودن «اشتغال زنان» حاضر خواهند بود تحت هر شرایطی و در هر محیطی تن به هر شغلی بدهند تا صرفاً آن مقبولیت و پذیرش اجتماعی را کسب نمایند و خود را شاغل و لایق نشان دهند.

۱-۴. روابط فرازنشویی

از کلیدی ترین بنیان برافکن های نظام خانواده ظهور پدیده شوم روابط فرازنشویی است که مولود نامیمون فرهنگ و سبک زندگی غربی است. روابط فرازنشویی به دو معنی در این تحقیق آمده است: اول روابط خارج از ضابطه همسران با بیگانگان (خیانت) و دوم زندگی مشترک دختر و پسر بدون ازدواج در کنار هم.

حسب آمار سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، جرائم منافی عفت و اخلاق عمومی آمار بالائی دارد طوری که تعداد پرونده های تشکیل شده برای آن در رتبه پنجم آمار جرائم قرار دارد. نیز داده های مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه در خصوص پرونده های قضائی مرتبط با مفاسد اخلاقی مربوط به سال ۱۳۹۱ وضعیت خوبی را نشان نمی دهد و آمار رشد آنها در مقایسه با سال قبل از آن تأمل برانگیز است.

همچنین «ازدواج سفید» از مصادیق روابط فرازنشویی است؛ «ازدواج سفید» زندگی مشترک زن و مرد بدون ازدواج رسمی است. یعنی به گونه ای که زن و مرد بدون اینکه خطبه عقد یا صیغه بینشان جاری شود برای زندگی زیر یک سقف می روند.

به علت اینکه جامعه ایران یک جامعه اسلامی است و چنین پدیده هایی در آن به

هیچ عنوان تعریف نشده به صورت مخفیانه انجام می شود. به همین منظور نیز آماری در خصوص تعداد این نوع ازدواج ها در دست نیست هر چند شواهد و قرائن، دال بر جریان عادی سازی و رواج این امر و نیز افزایش کمی آن در جامعه دارد. (باقری، ازدواج روی هوا، نشریه ابتکار، شماره ۵۸۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۲/۱۶)

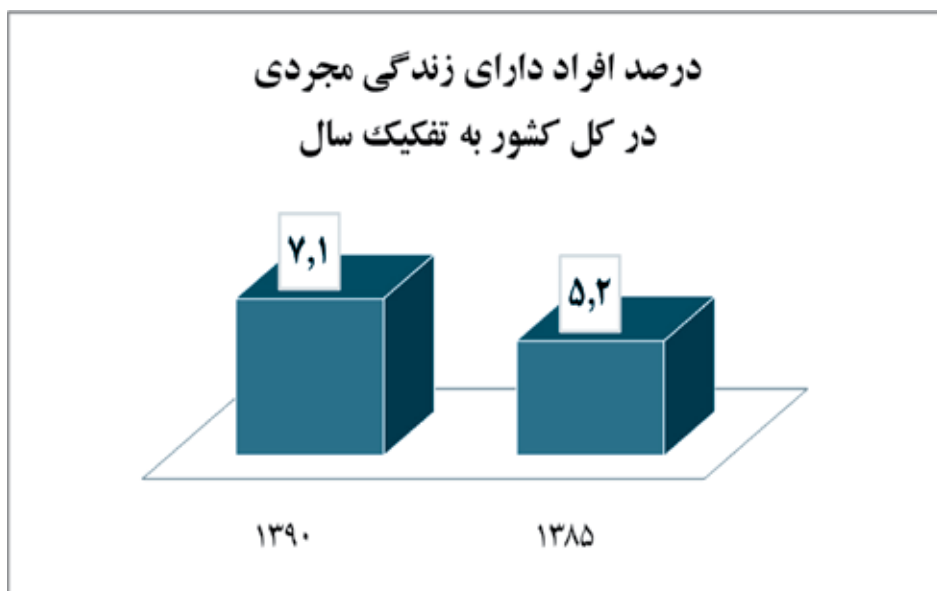
۲. زندگی مجردی

سنجش آماری وضعیت موجود این پدیده حاکی از روند افزایشی این پدیده در جامعه ایرانی است. آمار سازمان ملی جوانان وقت در سال ۱۳۸۷ نشان داد در کلانشهرهای کشور یعنی تهران، اصفهان، مشهد، تبریز، شیراز و اهواز بیش از ۲۵ درصد جوانان زندگی مجردی دارند. که در تهران ۲۷ درصد از جوانان را تشکیل می داد. اما آمار وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۳۸۹ نشان از رشد دوباره «زندگی مجردی» داشت این وزارتخانه آمار زندگی مجردی جوانان در شش کلانشهر مذکور را ۳۰ درصد اعلام نمود. بر اساس این آمار؛ حدود ۲۵ درصد دختران در شهرهای مورد ذکر، در خانه های مجردی زندگی می کردند. (آمار منتشره وزارت ورزش و جوانان در سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹)

منبع: سازمان ملی جوانان

همچنین بر اساس اظهارات وزیر سبق رفاه و تأمین اجتماعی خانوارهای مستقل تک نفره و مجرد از ۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۷/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است. طبق این نتایج در ۵ سال منتهی به ۱۳۹۰، تعداد کسانی که به تنهایی زندگی می کنند و خانواده محسوب می شوند حدود ۲ درصد افزایش داشته است. چنانکه ملاحظه می شود این آمار نیز کلی و مجمل هستند.

منبع: سازمان ملی جوانان



۳. خشونت خانوادگی

رفتارهای خشونت آمیز از آسیب های نهاد خانواده است که با سلب آرامش و امنیت از محیط خانه، در اولین وهله سبب برخی اقدامات نابهنجار مانند فرار از خانه و یا خودکشی و امثال ذلک می شود و در لایه های زیرین سبب سوق یافتن به کسب آرامش های کاذب خارج از خانه توسط زوجین و یا فرزندان می گردد.

طرح ملی «خشونت خانگی علیه زنان» از طریق مرکز پژوهش وزارت کشور با مشارکت مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری و با همکاری جمعی از محققان، در ۲۸ مرکز استان در سال ۱۳۸۳ به اتمام رسید که برخی نتایج این طرح جامع به شرح ذیل است:

۱-۳. پرخشونت‌ترین دوره‌های زندگی در ایران

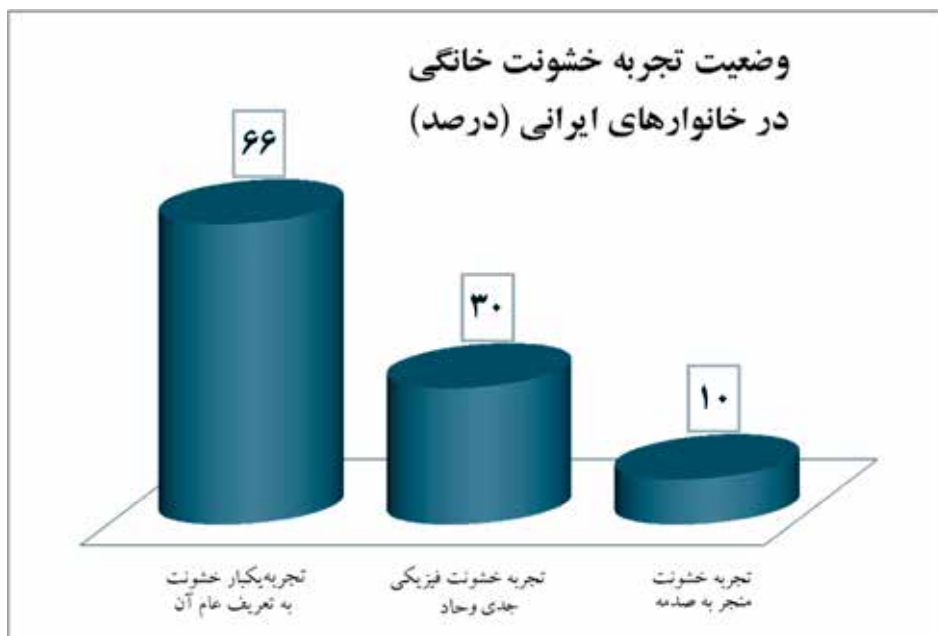
یک سال اول ازدواج، دوران تنگنای مالی، پس از تولد فرزندان حداقل یک بار در ماه، میان‌سالی و دوران بارداری پرخشونت‌ترین دوره‌های زندگی زنان هستند.

۲-۳. رایج‌ترین انواع خشونت در ایران

بهانه‌گیری‌های پی در پی، داد و فریاد و بداخلاقی با زن (۴۳٫۸ درصد)، قهر و صحبت نکردن شوهر با همسر و خودداری از ارائه بحث در مورد مسائل فیما بین (۹۰٫۳۷ درصد)، به کاربردن کلمات رکیک و صحبت‌های بیرون از نزاکت و دشنام (۸۰٫۳۰ درصد)، محکم کوبیدن به در، به هم زدن سفره، انداختن میز ناهارخوری (۲۵ درصد)، سیلی زدن (۶۰٫۲۲ درصد)، ایجاد فشارهای روحی روانی با رفتار آمرانه و تحکم‌آمیز (۷۰٫۲۰ درصد)، منت نهادن مداوم از بابت تأمین معاش و عهده‌داری زندگی و سرکوفت‌های روانی پی در پی (۹۰٫۱۷ درصد)، تحقیر و خجالت زده کردن نظیر بی‌احترامی، بی‌ارزش تلقی کردن و بردن آبرو پیش دیگران (۵۰٫۱۷ درصد)، کشیدن و هل دادن (۸۰٫۱۶ درصد)، ممانعت از کاریابی و اشتغال در بیرون خانه و یا ادامه اشتغال (۸۰٫۱۶ درصد)، ایجاد محدودیت در ارتباطات فامیلی (۶۰٫۱۶ درصد)، ایجاد مداوم احساس درماندگی (۶۰٫۱۵ درصد)، زدن با مشت و یا چیز دیگر (۵۰٫۱۵ درصد)، لگد زدن (۳۰٫۱۶ درصد)، از بین بردن کرامت انسانی و عزت نفس (۵۰٫۱۲ درصد)، ایجاد محدودیت در ادامه تحصیل، مهارت‌آموزی و مشارکت در انجمن‌های اجتماعی (۳۰٫۱۱ درصد)، ۱۶ مورد از رایج‌ترین انواع خشونت‌هایی است که پاسخگویان از اول زندگی مشترک تاکنون تجربه کرده‌اند.

۳-۳. شایع‌ترین خشونت‌های کم‌رواج مردان علیه زنان در ایران

مجبور کردن به انجام کارهای خلاف عرف و شرع و قانون (۱۰٫۱ درصد)، کتک کاری منجر به سقط جنین (۲۰٫۱ درصد)، زدن تا حد نقص عضو (۳۰٫۱ درصد)، زدن تا حدی که فک یا بینی شکسته است (۵۰٫۱ درصد)، زدن تا حدی که پرده گوش پاره شده است (۵۰٫۱ درصد)، از دست دادن دندان (۶۰٫۱ درصد)، زدن تا حدی که دست و پا شکسته است (۲ درصد)، جلوگیری از نگهداری فرزندان در زمان متارکه (۲ درصد)، ازدواج مجدد شوهر بدون رضایت همسر (۲ درصد)، مجبور کردن به سقط جنین (۵۰٫۲ درصد)، زدن تا حدی که دندان‌ها لق شده است (۵۰٫۲ درصد) و عدم مراعات بهداشت زناشویی (۶۰٫۲ درصد) است.



۳-۴. فرار از خانه مولود نامیمون خشونت خانگی

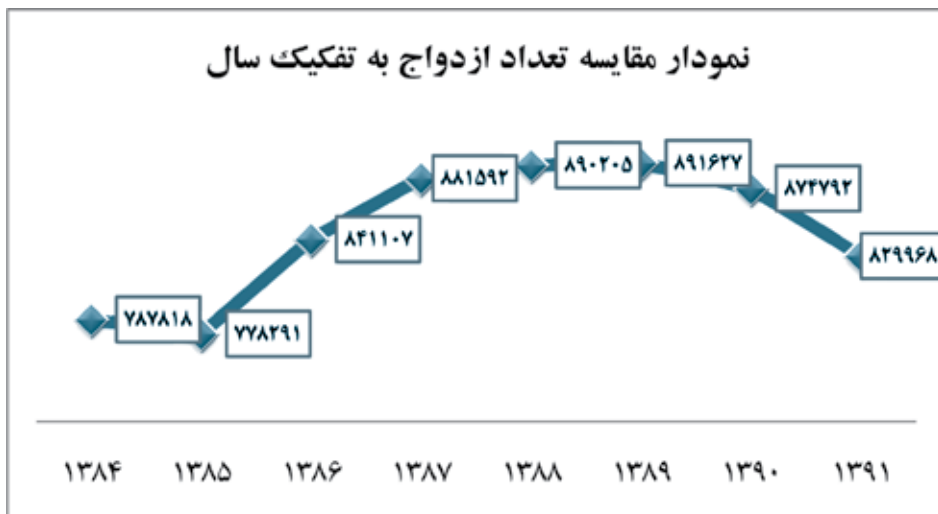
فرار از خانه به مانند بسیاری از آسیب‌های دیگر نقش دوگانه علت و معلولی را باهم دربر دارد بدین معنی که هم معلول آسیب‌های قبلی است و هم خود می‌تواند علت برای آسیب‌های بعدی باشد. عوامل مختلفی از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی و روانشناختی در بروز این پدیده نقش دارند. احساس خشم و جریحه دار شدن شخصیت از سوی والدین می‌تواند از جمله عواملی باشد، که فرد را برای فرار از خانه تحریک می‌کند. در واقع اکثر نوجوانان از مشکلاتشان با خانواده، فرار می‌کنند. بعضی از آنها به دنبال مجادله‌های وحشتناک با خانواده، فرار می‌کنند. با این تفاسیر شاید بتوان علت اصلی این پدیده را در رفتار اهل هر خانه جستجو کرد که معمولاً، پدر، مادر یا نامادری، ناپدری و برادران و خواهران بزرگتر اعضای آن هستند. گاه رفتارهای نادرست و غیر

منطقی آنها در محیط خانواده به گونه‌ای است که کودک و نوجوان را ناگزیر از چاره‌اندیشی‌اش می‌کند. اکثر نوجوانان برای جستجوی شهرت، خوش شانس و ماجراجویی فرار نمی‌کنند، بلکه از آنچه احساس می‌کنند غیر قابل تحمل است و از وضعیت غیر قابل تحمل، می‌گریزند. آنها فرار می‌کنند، زیرا نمی‌دانند چه کار دیگری می‌توانند انجام دهند. اما می‌دانند که مجبور به انجام بعضی کارها هستند. ابتداء فرار از خانه، شکل سده آن اتفاق می‌افتد و هدف کودک و نوجوان اقدام به آن، معطوف نمودن توجه والدین به رفتار غلطشان و جلب محبت آنهاست؛ اما اگر نوجوان پس از بازگشت به خانه در رفتار آنها تغییری مشاهده نکند، بنابراین، فرار بعدی جدی‌تر خواهد بود. (وزارت آموزش و پرورش، فرار از منزل، دانشنامه رشد، ۱۳۹۳ ش)

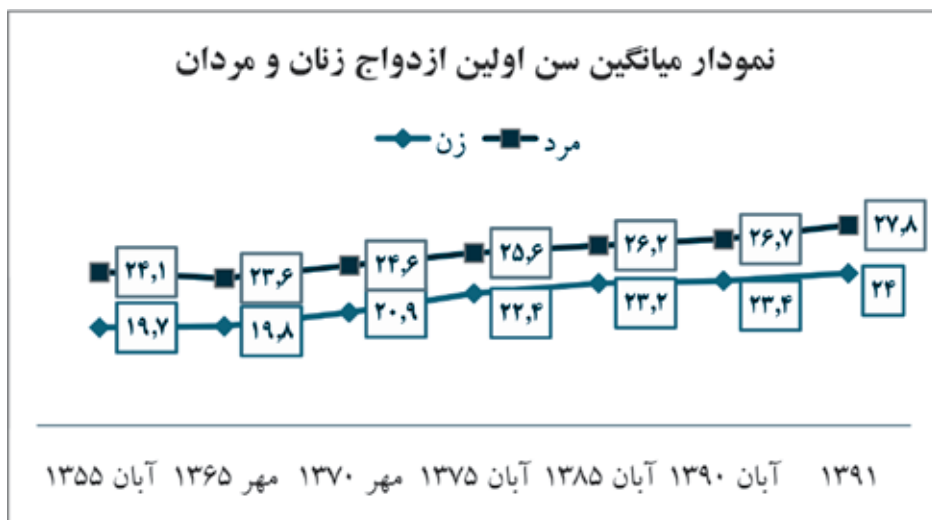
۴. بحران ازدواج

در سال‌های اخیر کانون خانواده با مشکل اساسی و بنیانی کاهش نرخ ازدواج و نیز افزایش سن ازدواج که زمینه‌ای برای ازدواج نکردن و یا باروری کمتر است، مواجه شده است؛ نگاهی به آمارهای زیر این مسئله را نشان می‌دهد: آمار میزان ازدواج در کل کشور نشان دهنده این واقعیت است که تا پیش از سال ۱۳۸۳ شیب مثبت نسبتاً زیادی داشته است اما بعد از سال ۸۳ این شیب کندتر شده، به گونه‌ای که در سال ۹۰ نسبت به ۸۹ روند منفی به خود گرفته است و این نمودار همچنان شیب نزولی خود را در سال ۹۱ ادامه داده است؛ ازدواج‌های ثبت شده در کل کشور در سال ۹۱ به عدد ۸۲۹۹۶۸ رسیده است در حالی که این عدد در سال گذشته ۸۷۴۷۹۲ بوده است که نشان از کاهش نسبتاً زیادی نسبت به سال گذشته است. (ر.ک: نمودار ذیل)

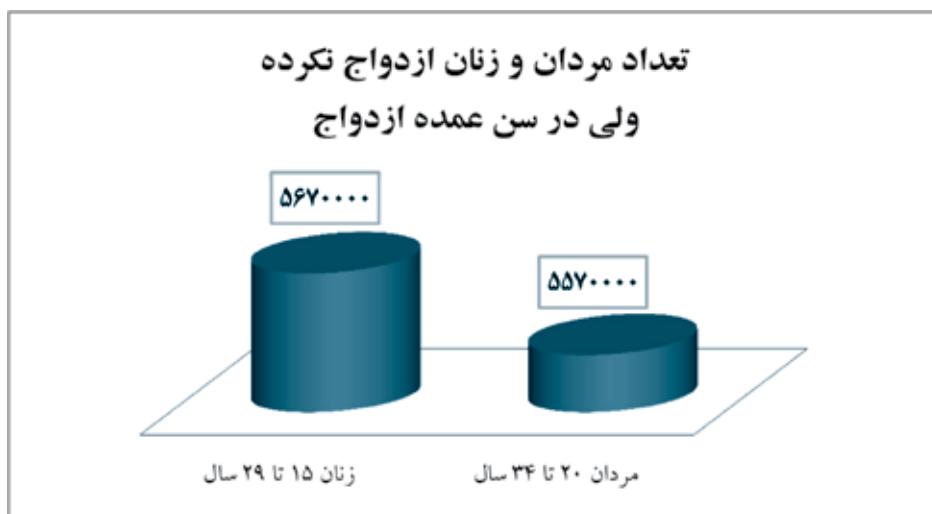
مأخذ: سازمان ثبت احوال و اسناد کشور



میزان ازدواج در سال ۹۲ نیز نسبت به سال قبل از آن ۶/۷ درصد کاهش داشته است. همچنین سن ازدواج زنان و مردان در دو دهه اخیر بالا رفته طوریکه، سن ازدواج مردان از ۲۴/۱ در سال ۱۳۵۵ به ۲۶/۷ در سال ۱۳۹۰ رسیده و سن ازدواج زنان از ۱۹/۷ به ۲۳/۴ رسیده است.



مأخذ - مرکز آمار ایران. (ر. پ). دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

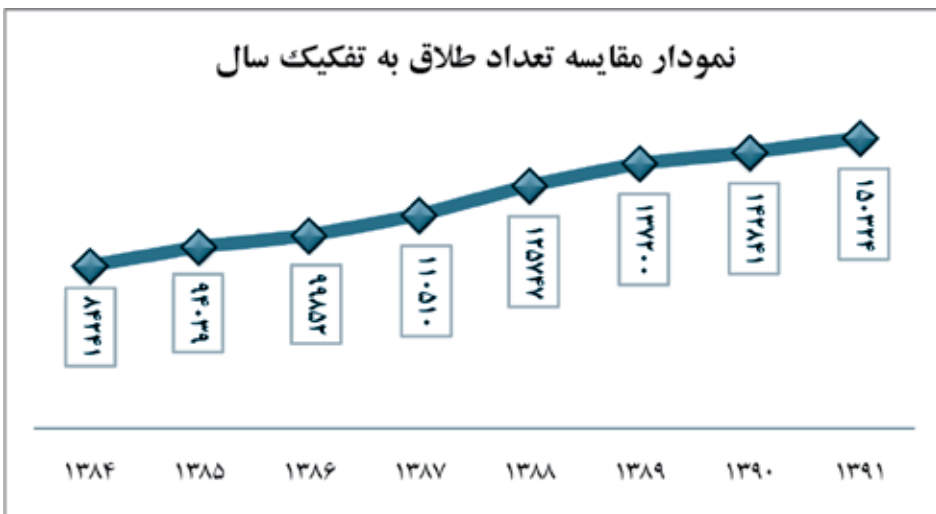


حسب داده‌های سرشماری سال ۱۳۹۰ سازمان ثبت احوال، تعداد آقایانی که ۲۰ تا ۳۴ سال دارند، اما هرگز ازدواج نکرده‌اند، پنج میلیون و ۵۷۰ هزار نفر است و تعداد خانم‌هایی نیز که

۱۵ تا ۲۹ سال دارند، ولی هرگز ازدواج نکرده‌اند، پنج میلیون و ۶۷۰ هزار نفر است. بنابراین می‌توان گفت در کل کشور ۱۱ میلیون و ۲۴۰ هزار نفر در سن متعارف ازدواج هستند، اما هنوز مجرد باقی مانده‌اند. (در سال ۹۲، ۱۱ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر شده‌اند).

۵. افزایش طلاق

نمودار میزان طلاق‌های ثبت شده در کشور نشان دهنده این واقعیت است که میزان طلاق با یک شیب نسبتاً بالا از سال ۸۵ تاکنون سیر صعودی داشته است. میزان طلاق در سال ۹۱ به عدد ۱۵۰۳۵۴ رسیده است در حالی که در سال ۹۰ این عدد ۱۴۲۸۴۱ بوده است و این در حالی است که این آمار در سال ۸۵ عدد ۹۴۰۳۹ بوده است. (ر.ک: نمودار ذیل)



مأخذ: سازمان ثبت احوال و اسناد کشور

حسب جدیدترین آمار سازمان ثبت احوال و اسناد کشور، در سال ۹۲ نیز میزان طلاق ها ۳,۴ درصد نسبت به سال قبل آن از افزایش برخوردار بوده است. در سال ۹۲ به طور متوسط در ازای هر ۵ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده به طوری که در مقابل هر صد ازدواج ۲۰/۱ طلاق ثبت شده است این در حالی است که در مقابل هر صد ازدواج در سال قبل آن ۱۸ طلاق ثبت شده بود. که البته در کل کشور، این شاخص متفاوت است به طوری که استان‌های البرز از هر ۳ ازدواج یک طلاق، تهران از هر ۳/۲ ازدواج یک طلاق و گیلان نیز از هر ۳/۹ ازدواج نیز یک طلاق را داشته‌اند و در مقابل آن در استان‌های سیستان و

بلوچستان از هر ۱۳ ازدواج یک طلاق، ایلام از هر ۱۱ ازدواج یک طلاق و خراسان جنوبی نیز از هر ۹ ازدواج یک طلاق به ثبت رسیده است.

۱-۵. کاهش طول زندگی قبل از طلاق

بر اساس آمارهای موجود سازمان ثبت احوال و اسناد کشور ۱۴/۲ درصد طلاق ها مربوط به سال اول زندگی و حدود ۵۰ درصد طلاق ها نیز مربوط به ۵ سال اول زندگی است.

۲-۵. فرزندان طلاق

فرزندان هم قربانیان مظلوم طلاق هستند که آسیب های زیادی می بینند؛ با طلاق والدین، بچه ها و فرزندان روی دست جامعه می مانند، فرزندان طلاق چه نزد پدر بزرگ شوند و چه در کنار مادر، از نظر روحی و عاطفی ضربه و آسیب جدی می بینند. درصد قابل توجهی از نوجوانان بزهکار، خانواده های متشنج داشته و فرزند طلاق هستند. برخی از کودکان طلاق، به خاطر مشکلات مالی - خانوادگی وارد چرخه کار می شوند و در مواردی هم به خاطر تأثیر همسالان و دوستان خود به اعتیاد یا خرده فروشی مواد مخدر و ... کشیده می شوند.

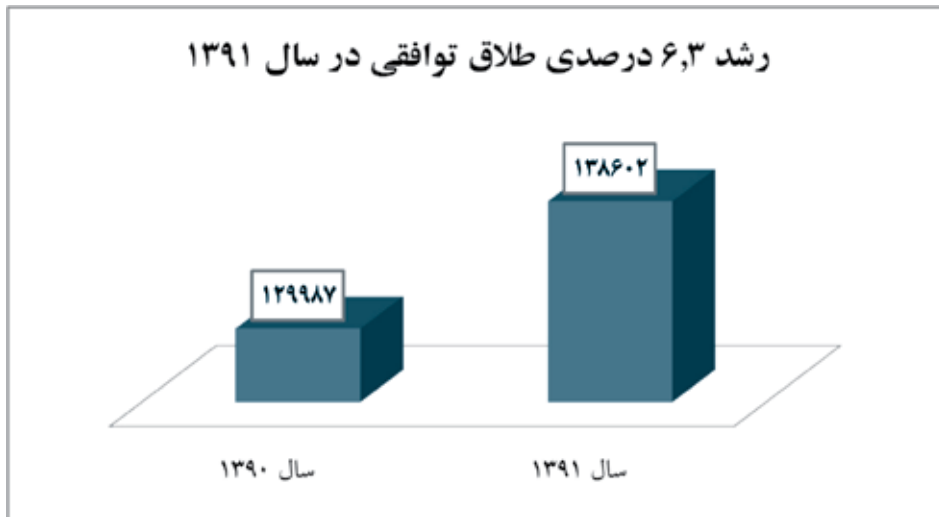
۳-۵. طلاق عاطفی

طلاق عاطفی به سردی روابط میان زن و شوهر گفته می شود که در این رابطه ضعف ارتباط احساسی و عاطفی منجر به سردی تمام روابط یک زوج می شود. آمار دقیقی از طلاق عاطفی در دست نیست اما از دید روانشناسان اجتماعی طلاق عاطفی از طلاق رسمی بسیار خطرناک تر است چون در طلاق فیزیکی خانواده و فرزندان تکلیف خود را می دانند، اما در طلاق عاطفی چنین نیست.

۶. افزایش طلاق توافقی

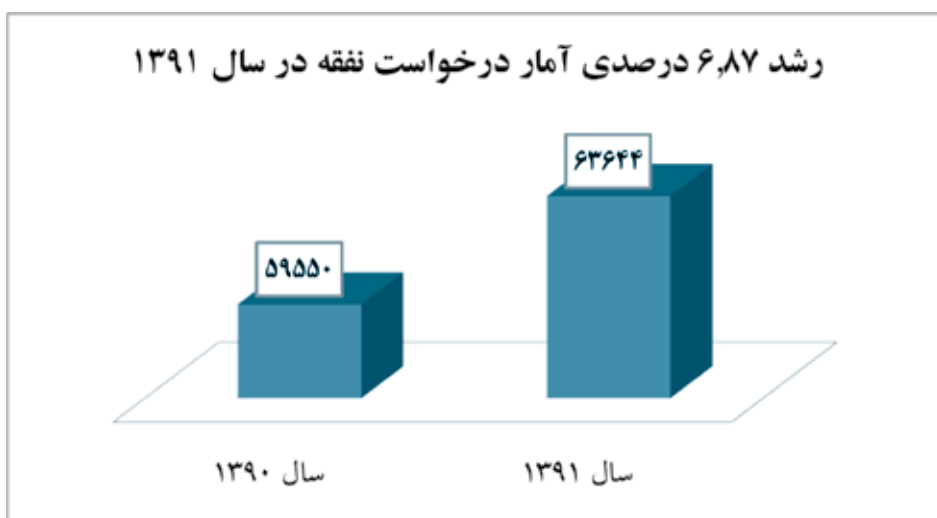
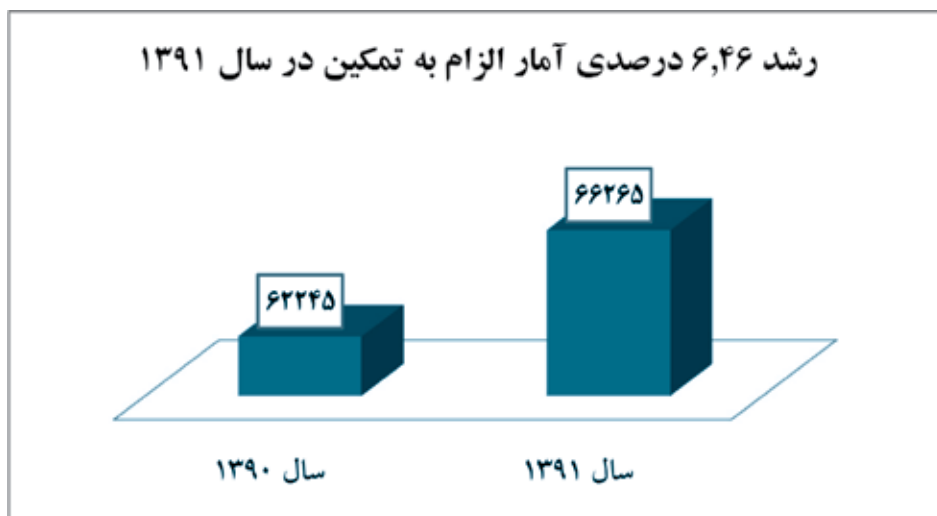
در ایران طلاق توافقی زمانی رخ نمی دهد که زوجین به بن بست کامل برسند و هر دو به نفع مصالح بالاتر از حقوق خود بگذرند بلکه غالباً زنان هستند که بخاطر غیر قابل تحمل بودن زندگی (چه تقصیر از طرف خودشان باشد و چه زوج) از حقوق خود می گذرند تا زوج را راضی به طلاق کنند. بر اساس آمارهای «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه»، درخواست طلاق توافقی در میان ۱۰ مورد بالاترین خواسته های حقوقی، رتبه سوم و درخواست مهریه رتبه چهارم را به خود اختصاص داده اند. و جالب آنکه درخواست طلاق توافقی در سال ۹۱ به نسبت سال

۹۰، حدود ۶/۶۳ درصد افزایش دارد و درخواست مهریه (متناسب با افزایش درخواست طلاق توافقی) چنانکه انتظار می‌رفت رشد منفی ۳/۳۷ درصدی را تجربه کرده است.



منبع: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

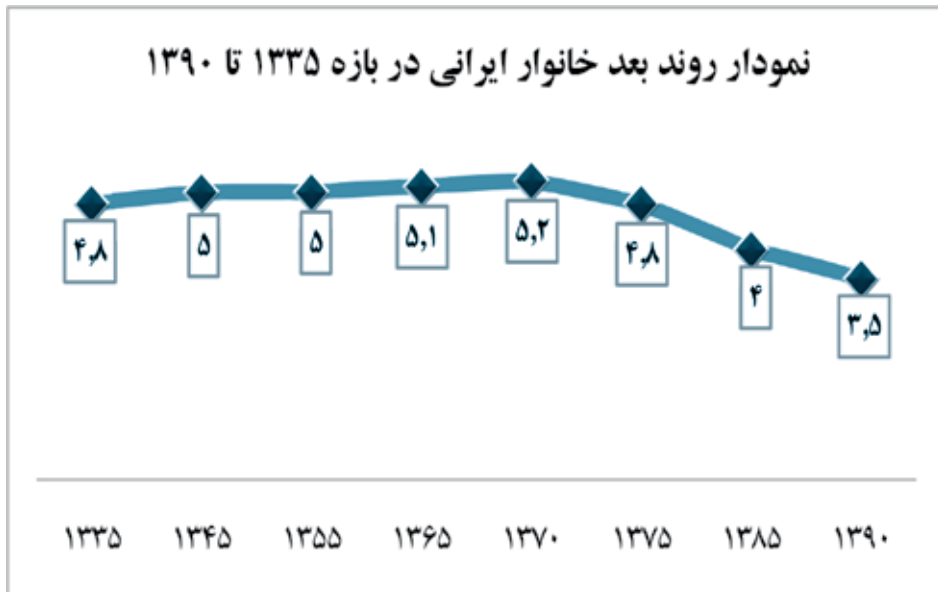
همچنین آمار درخواست الزام به تمکین و مطالبه نفقه رو به ازدیاد نهاده و بر اساس آمارهای «مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه»، درخواست الزام به تمکین در میان ۱۰ مورد بالاترین خواسته‌های حقوقی، رتبه هشتم و درخواست مطالبه نفقه رتبه نهم را به خود اختصاص داده‌اند. جالب آنکه با رشد قابل توجه در سال ۱۳۹۱، درخواست الزام به تمکین نسبت به سال ۱۳۹۰، حدود ۶/۴۶ درصد و درخواست مطالبه نفقه نسبت به سال ۱۳۹۰، حدود ۶/۸۷ درصد افزایش را نشان می‌دهند.



منبع: مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه

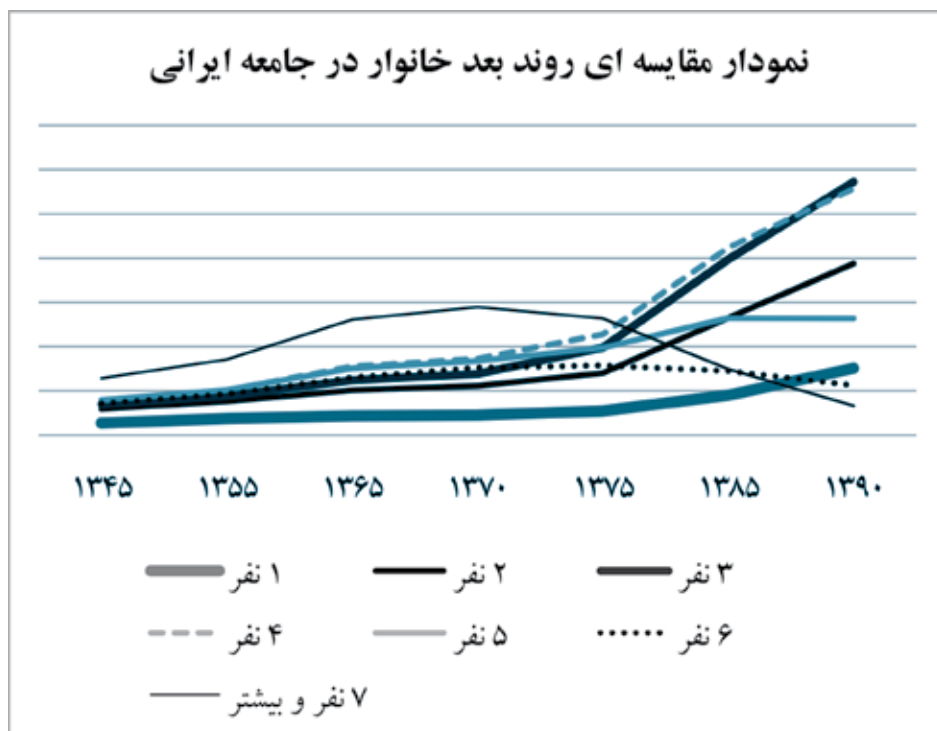
۷. پایین آمدن نرخ باروری و بُعد خانوار

جمعیت ایران روند مناسبی را در طی سال‌های گذشته طی نکرده است نرخ باروری کاهش یافته و بُعد خانوار ایرانی کوچک شده است.



منبع: مرکز آمار ایران

چنان که ملاحظه می شود بُعد خانوار ایرانی هر چند در بازه زمانی ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ روند صعودی را داشته است ولی بعد از آن کوچک تر شده و روند نزولی را طی کرده است و لذا از خانوار ۵/۲ نفری در سال ۱۳۷۰ به ۳/۵ نفری در سال ۱۳۹۰ تقلیل پیدا کرده است. تازه؛ این در حالی است که آمار و نمودار ذکر شده برای مجموع کشور است و چنین نیست که در همه جای کشور، بعد خانوار در سال ۱۳۹۰، ۳/۵ نفر باشد. لذا این بُعد خانوار چنان که آمارها بر آن ادعان دارند و کارشناسان نیز می گویند در کلانشهرها کمتر از این مقدار است. در همین راستا توجه به نمودار انواع خانوارها (بر حسب تعداد) قابل تامل است:



مأخذ - مرکز آمار ایران. (ر. پ). دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری.

نمودار بالا حاکی از آن است که بعد خانوار ایرانی به شدت در حال کوچکتر شدن است. طوریکه؛ خانوارهای یک نفره تا چهار نفره در بازه زمانی مذکور، روند صعودی داشته اند.

۱-۲. کاهش باروری

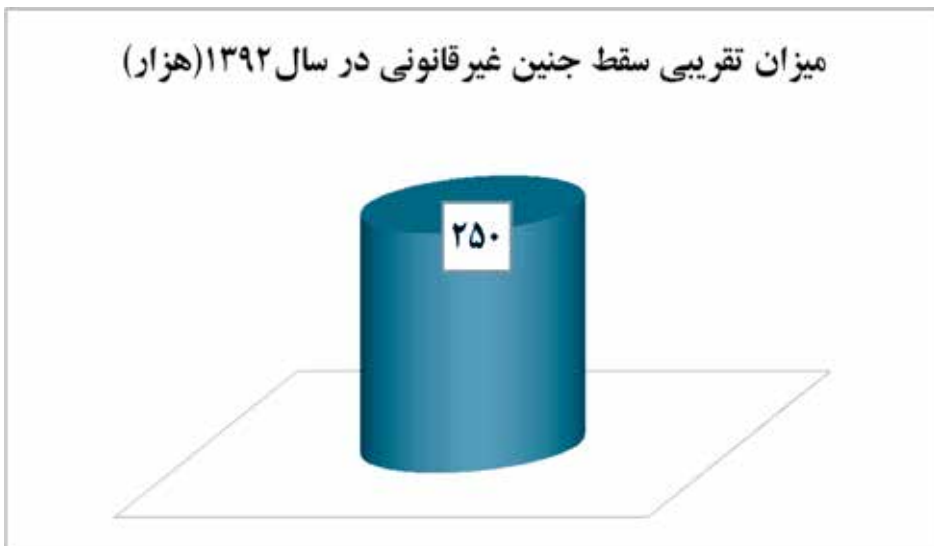
در سال ۶۵، ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار زن در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ سال) در کشور وجود داشت و دو میلیون مولید؛ اکنون جمعیت زنان بارور کشور دو برابر شده و به ۲۳ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر رسیده است این در حالی است که تعداد مولید نصف سال ۶۵ شده است.

۲-۲. سقط جنین غیرقانونی

از عوامل معارض با افزایش جمعیت خانوار، سقط جنین های غیرقانونی و عمدی است. بماند که اغلب سقط جنین های غیرقانونی در کلینیک های خصوصی و زیرزمینی انجام می

شود که ممکن است مادران باردار را در معرض عفونت‌های حاد، خارج شدن رحم، بیماری‌های قلبی و حتی در خطر مرگ قرار دهد.

با اینکه آمار سقط جنین‌های دارای مجوز و قانونی کمتر از ده هزار است (در سال ۹۲ حدود ۷ هزار حسب آمار پزشکی قانونی کشور) ولی آمار سقط جنین‌های غیرقانونی به شدت بالاست و آمارهای رسمی وزارت بهداشت تعداد آن را در سال گذشته بین ۱۵۰ تا ۳۵۰ هزار تخمین زده است. هرچند اندکی این آمار محل تردید است و با نظر به اینکه تعداد کل باروری در سال گذشته در کشور حدود یک میلیون نفر بوده نیاز به راستی‌آزمایی و بررسی‌های دقیق‌تر دارد.



منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

براساس اعلام سازمان پزشکی قانونی استان تهران درخواست سقط جنین در سال گذشته ۸ درصد در استان رشد داشته است. در سال گذشته هزار و ۸۱۸ نفر و در سال ۹۱ هزار و ۶۸۴ نفر برای دریافت مجوز سقط درمانی (جسمانی) به مراکز پزشکی قانونی استان تهران مراجعه کردند.

مهم‌ترین دلایل ذهنی تأخیر در فرزندآوری ایرانیان (از منظر برخی صاحب‌نظران)

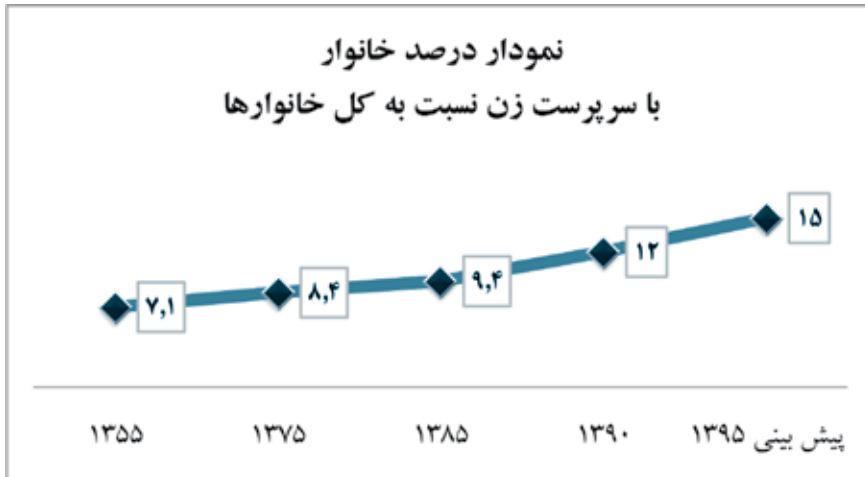
۱	تحصیلات زنان
۲	تمایل به سبک‌بالی در اوایل زندگی
۳	ترس از پذیرش مسئولیت‌ها
۴	تردید نسبت به ثبات زندگی
۵	وقت‌گیر بودن و مانع پیشرفت‌ها!
۶	تأخیر در ازدواج
۷	ضعف تفکر مذهبی
۸	الگوگیری از دیگران کم‌فرزند
۹	توصیه‌های منفی دیگران
۱۰	اشتغال مادر
۱۱	تفکرات فمینیستی و مانکنیسم

منبع: ایمانی، سلطه «فرزند کم‌تر، زندگی بهتر» بر زندگی ایرانی، پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری داماد

۸. زنان سرپرست خانوار

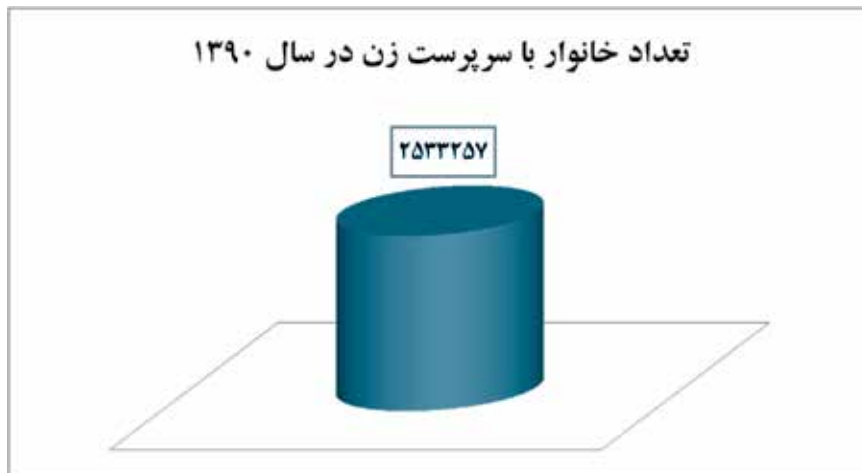
سرپرستی خانوار و تأمین اقتصادی آن بار سنگینی است که نوعاً زنان از عهده آن نمی‌توانند بر آیند و در نتیجه سبب بروز آسیب‌های عدیده اخلاقی و اجتماعی در زنان سرپرست خانوار و نیز فرزندان‌شان شده و در نتیجه نهاد خانواده با مشکل مواجه شده و نمی‌تواند کارکردهای خود را به‌منصه ظهور برساند.

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۵۵، ۷/۳ درصد خانواده‌ها توسط زنان سرپرستی می‌شدند. این آمار با رشد پنج درصدی در سال ۹۰ به ۱۲/۱ درصد رسید که حدود سه درصد از این رشد در پنج سال اخیر رخ داده است. پیش‌بینی می‌شود تا سه سال آینده آمار زنان سرپرست خانوار به ۱۵ درصد برسد.



منبع: مرکز آمار ایران

در حال حاضر، چیزی حدود ۲ میلیون و ۵۳۳ هزار و ۲۴۷ از خانوارها، سرپرستان زنان هستند.

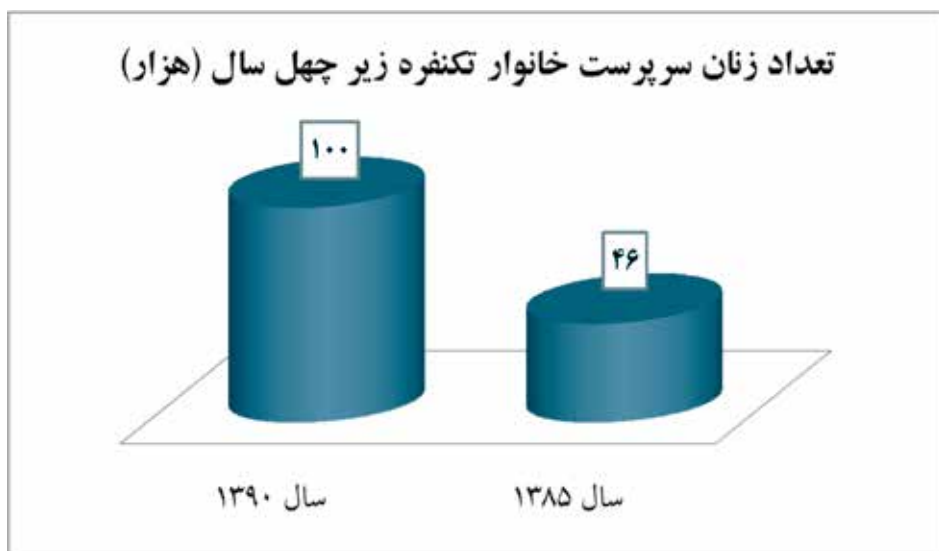


منبع: مرکز آمار ایران

حدود ۸۲ درصد زنان سرپرست خانوار یعنی ۲ میلیون و ۷۷ هزار و ۲۷۱ سرپرست زن خانوار، بیکارند! که البته این نمی تواند دلیل قطعی بر مسئله بودن موضوع باشد چرا که بایستی این مورد را با توجه به سن زنان سرپرست خانوار بررسی نمود. ولی اگر اجمالاً زنان سرپرست

خانوار زیر ۴۰ سال با توجه به شرایط سنی شان و شرایط جامعه، در نوک پیکان آسیب و یا «در معرض آسیب» در نظر گرفته شوند باید گفت؛ حسب داده‌های مرکز آمار ایران، تعداد زنان سرپرست خانوار زیر ۴۰ سال به لحاظ کمی، ۸۰ هزار نفرند که با در نظر داشتن شرایط اجتماع، این تعداد هر چند نسبتاً کم، قابل توجه خواهد بود.

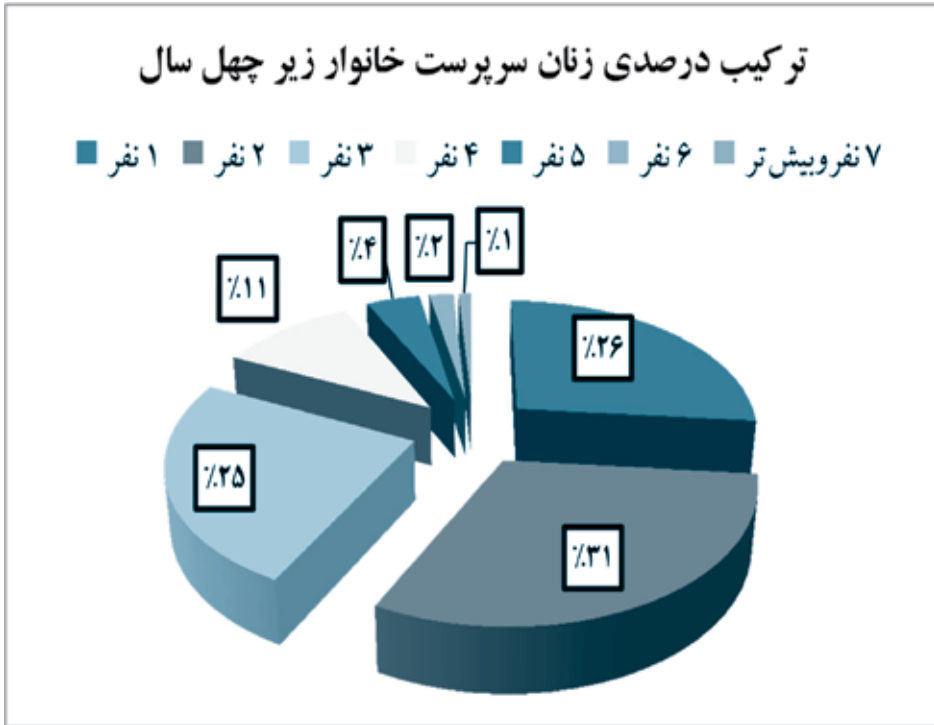
بررسی دقیق‌تر موضوع، برخی از طیف‌های در معرض آسیب را بهتر نشان می‌دهد؛ چنانکه حسب داده‌های مرکز آمار ایران، حدود ۱۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار زیر ۴۰ سال، تنها زندگی می‌کنند و زندگی مجردی را برای خود برگزیده‌اند؛ این آمار برای زنان سرپرست خانوار در این سنین، واقعاً قابل تأمل است خصوصاً که آمار سال ۱۳۸۵ چیزی حدود ۴۶ هزار نفر را نشان می‌دهد و حاکی از رشد بیش از ۱۱۵ درصدی تعداد این افراد است.



منبع: مرکز آمار ایران

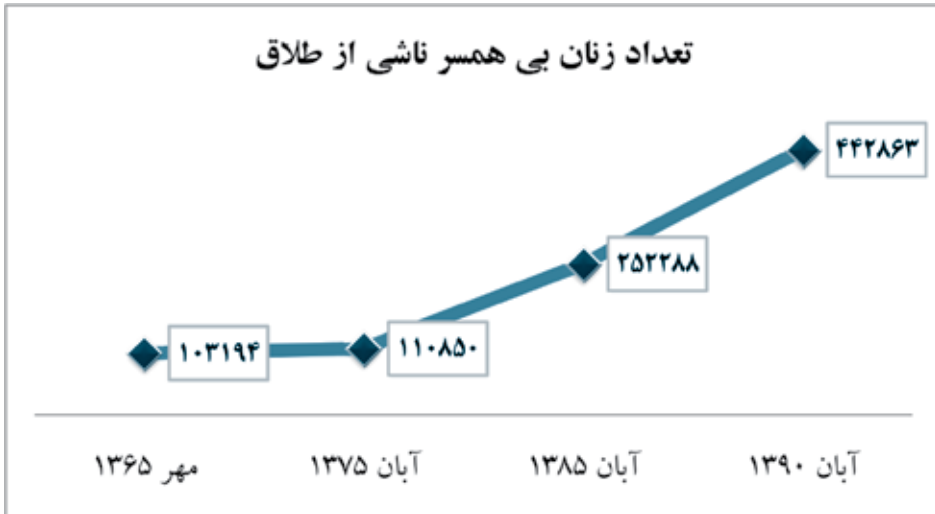
اکثریت قریب به اتفاق زنان سرپرست خانوار زیر چهل سال را زنان تنها و یا دو نفره و سه نفره تشکیل می‌دهند و در واقع زنانی هستند که اغلب طلاق گرفته‌اند و یک یا دو بچه به همراه دارند و زندگی مستقل را نیز برای خود برگزیده‌اند.

ترکیب درصدی زنان سرپرست خانوار زیر چهل سال



منبع: مرکز آمار ایران

نیز، تعداد «زنان بی همسر بدلیل طلاق» طی سال های گذشته رشد شتابداری را تجربه نموده است و از ۱۰۳ هزار در سال ۱۳۶۵ به ۴۴۲ هزار در سال ۱۳۹۰ رسیده است (رشدی حدود ۴۴۰ درصدی) در حالی که رشد سایر آمارهای مربوط به زنان در این داده آماری مانند تعداد «زنان بی همسر بدلیل فوت همسر» همگی، رشد حدود ۱۰۰ درصدی را در بازه زمانی گفته شده داشته اند. (ر.ک: نمودار ذیل)

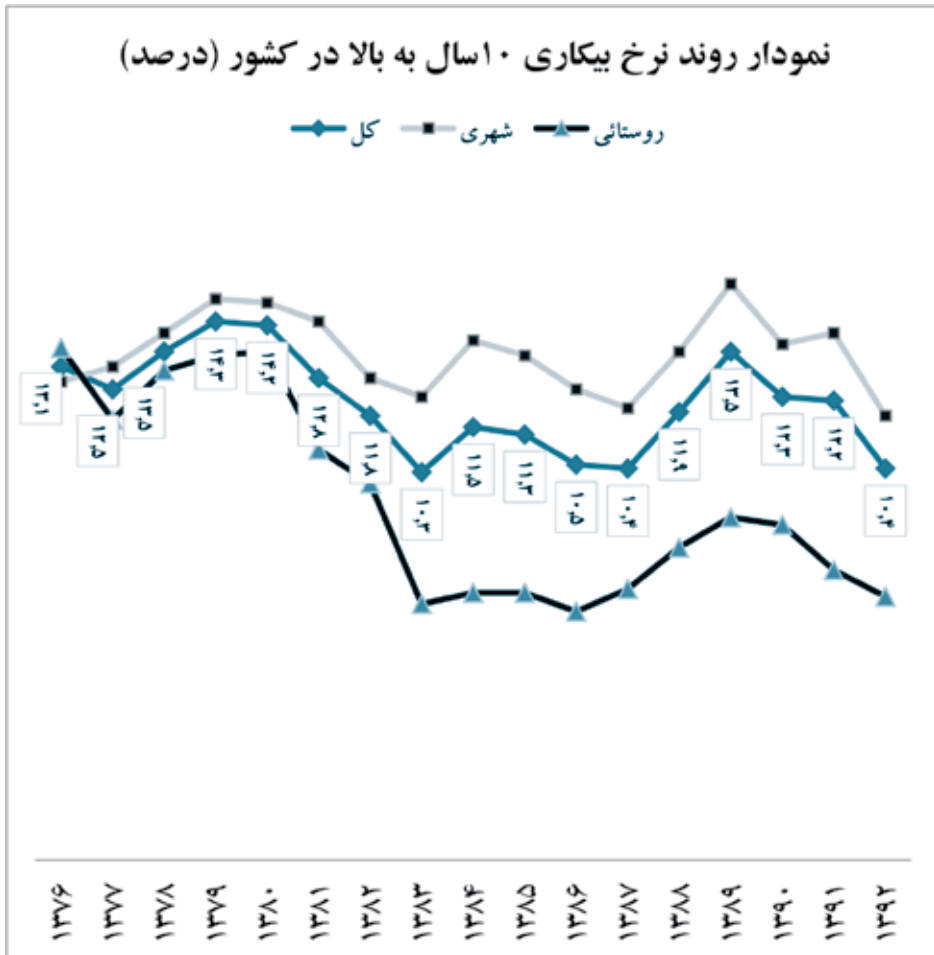


مأخذ - مرکز آمار ایران.

بنابراین در شرایط موجود جامعه ایرانی، به موازات افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار، پدیده نامیمون افزایش زنان بیوه جوان نیز در حال وقوع است که بخش قابل ملاحظه‌ای از این زنان به دلیل نفوذ فرهنگ غربی، بهترین راه نجات خود را در کسب استقلال مادی و در نتیجه بدست آوردن شغل و کار و بی خیال شدن نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده (که احتمال آن در مورد آنان کم نیز هست) می‌دانند.

۹. بیکاری

بیکاری از چند جهت سبب تضعیف نهاد خانواده شده و برای آن آسیب به شمار می‌رود؛ جهت اول مربوط به افراد مجرد است که سبب خودداری آنها از ازدواج و یا به تأخیر انداختن آن می‌شود، جهت دوم مربوط به افراد متأهل سرپرست خانوار است که سبب طلاق و از هم پاشیدگی خانواده و یا ورود در برخی مشاغل کاذب و نامتعارف می‌گردد و جهت سوم مربوط به همه افراد بیکار است که به دلیل خالی بودن وقتشان، زمینه‌ساز ورود آنها در برخی آسیب‌های اخلاقی جامعه می‌شود که به طور غیر مستقیم نهاد خانواده را در معرض خطر قرار می‌دهد. بر همین اساس داریم:



ماخذ: مرکز آمار ایران (نرخ بیکاری عبارت است:
از نسبت جمعیت بیکار به جمعیت فعال (شاغل و بیکار)، ضرب در ۱۰۰)

توجه: حسب داده‌های مرکز آمار ایران در زمستان ۱۳۹۲، تجمع اصلی بیکاران در فاصله
سنی ۱۵ تا ۲۹ سال است.

روند سهم جوانان آسیب‌پذیر در کشور ۱۳۸۵-۱۳۹۰

سال	کل	مرد	زن
۱۳۸۵	۲۵,۰	۲۱,۵	۲۸,۶
۱۳۸۶	۲۴,۱	۲۰,۸	۲۷,۵
۱۳۸۷	۲۴,۱	۲۱,۲	۲۷,۳
۱۳۸۸	۲۳,۸	۲۲,۲	۲۵,۶
۱۳۸۹	۲۳,۶	۲۲,۰	۲۵,۴
۱۳۹۰	۲۲,۵	۲۰,۸	۲۴,۴

منبع: مرکز آمار ایران

شاخصی تحت عنوان جوانان آسیب‌پذیر توسط سازمان بین‌المللی کار وضع شده که به طور مشخص بر جوانان در معرض خطر کشورها متمرکز است. این شاخص نسبت جوانان غیر شاغل غیر محصل را در نظر می‌گیرد یعنی جوانانی که یا بیکار هستند یا چنانچه خارج از نیروی کار تشخیص داده شده‌اند، غیر محصل هستند؛ یعنی خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار یا در سایر وضعیت‌های غیر فعال هستند.

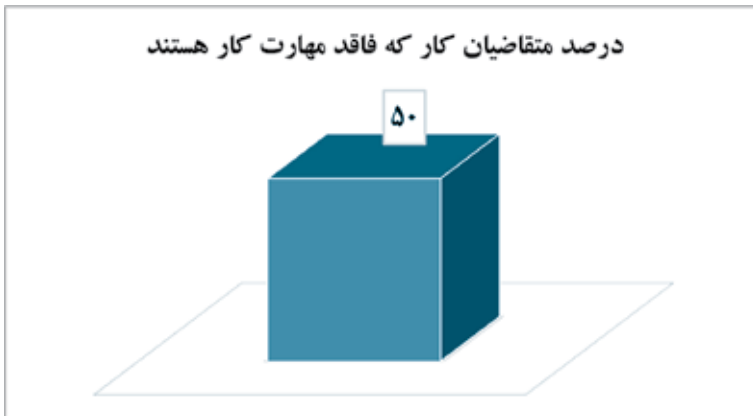
این گروه از جوانان، به دلیل عدم اشتغال به کار و یا تحصیل، در مقایسه با همسالان خود بیشتر در معرض آسیب‌های فردی و اجتماعی هستند. لذا بررسی روند این شاخص در طول زمان و مقایسه آن در زیرگروه‌های خاص مثل جنس، از اهمیت خاصی برخوردار است. به دلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی خاص کشورمان، در محاسبه جوانان آسیب‌پذیر، زنان جوان دارای همسر از شمول تعریف جوانان آسیب‌پذیر خارج شده‌اند. (جوادی و هرندي، جوانان آسیب‌پذیر، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۱ و ۶۲، ص ۱۰۷-۱۲۳)

در چند سال گذشته دغدغه غالب در جامعه، جذب دانشجو در دانشگاه‌ها بود تا ایجاد شغل برای آنان و لذا امروز فارغ از جمعیت ۳/۵ میلیون نفری بیکاران، با ۴/۵ میلیون دانشجوی در انتظار شغل مواجه هستیم که با تأخیر، وارد بازار کار خواهند شد.



منبع: وزارت کار و تعاون اجتماعی

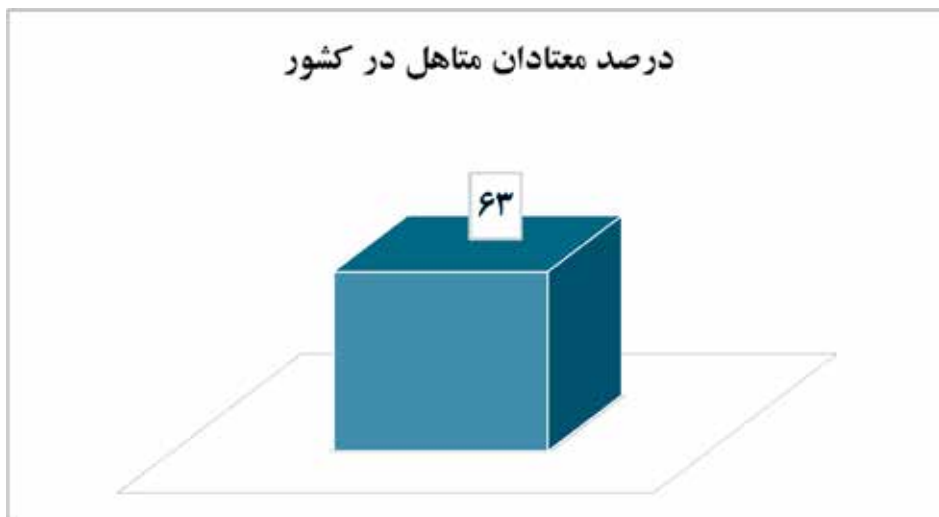
این در حالی است که تنها ۵۰ درصد متقاضیان کار دارای مهارت هستند و مابقی هنگام ورود به بازار کار مهارت لازم را ندارند در حالی که صنایع و بنگاه‌های تولیدی به نیروی ماهر نیاز دارند.



منبع: وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی

۱۰. اعتیاد به مواد مخدر

از آسیب‌های خانمان‌سوز جامعه ایرانی آسیب اعتیاد به مواد مخدر است طوری که داده‌های ستاد مبارزه با مواد مخدر نشان می‌دهد حدود ۶۳ درصد از معتادین متاهلین هستند و با اینکه مجموع معتادین در ایران یک میلیون و خرده‌ای است، ولی مواد مخدر دغدغه بیش از ۹۲ درصد مردم ایران است و بیش از ۱۰ میلیون نفر از همسران و فرزندان معتادان، دغدغه روزمره اعتیاد را دارند.



منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر

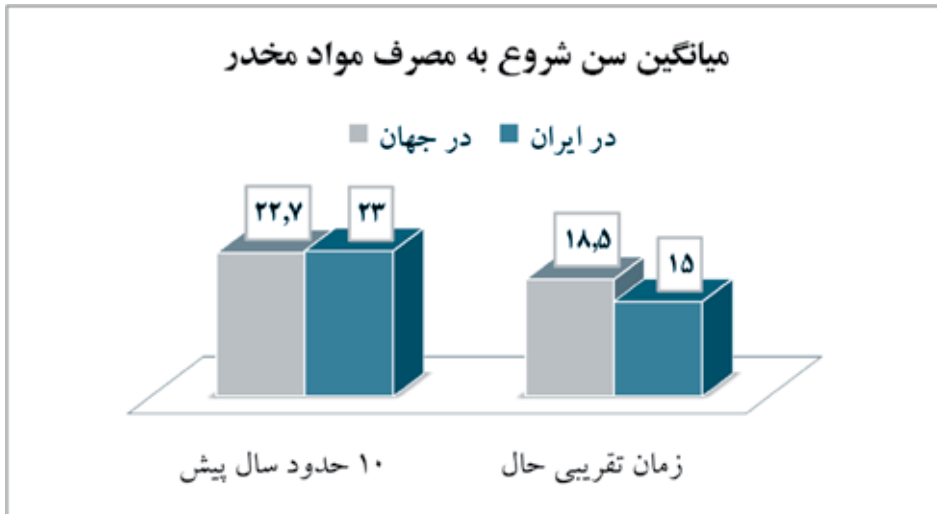
اعتیاد آسیب‌های فراوانی را برای نظام خانواده به دنبال دارد چنانکه حسب داده‌های ستاد مذکور ۶۵ درصد همسر آزاری‌ها با اعتیاد ارتباط مستقیم دارد. افراد معتاد همسران را مجبور به انجام کارهایی می‌کنند که غیر اخلاقی و غیر انسانی است. همچنین ۳۰ درصد کودکان آزاری‌ها و ۲۵ درصد از قتل‌های عمد توسط معتادان انجام می‌شود. نیز، ۲۳ درصد نزاع‌ها و خشونت‌ها در پی اعتیاد حاصل شده و بین ۳۵ درصد تا ۴۰ درصد سرقت‌ها ناشی از اعتیاد به مواد مخدر است.

مطابق آمار ستاد در سال ۱۳۹۲، نرخ شیوع اعتیاد در ایران ۲/۶۵ درصد با آمار تقریبی یک میلیون و ۳۲۵ هزار نفر معتاد است. این رقم در سال ۸۹، یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر بود.

۱-۱۰. وضعیت سنی مصرف‌کنندگان مواد مخدر

بر اساس اعلام دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (unodc)؛ میانگین سنی مصرف‌کنندگان مواد در سال ۲۰۰۱ میلادی در جهان معادل ۷/۲۲ بوده که پس از ۱۰ سال تا میانگین سنی ۱۸/۵ سال کاهش یافته است و به عبارتی طی ۱۰ سال اخیر سن شروع مصرف در جامعه جهانی ۴ سال کاهش داشته است. ایران نیز از این موضوع مستثنی نیست به طوری که بر اساس نتایج تحقیق ارزیابی سوء مصرف در کشور در سال ۸۳، میانگین سن شروع به مصرف مواد مخدر به ۲۳ سال رسیده و تقریباً در سال ۱۳۹۲ میانگین سن شروع مصرف مواد مخدر، ۱۵ سالگی است. البته موضوع کاهش سن اعتیاد در کشور آن هم به

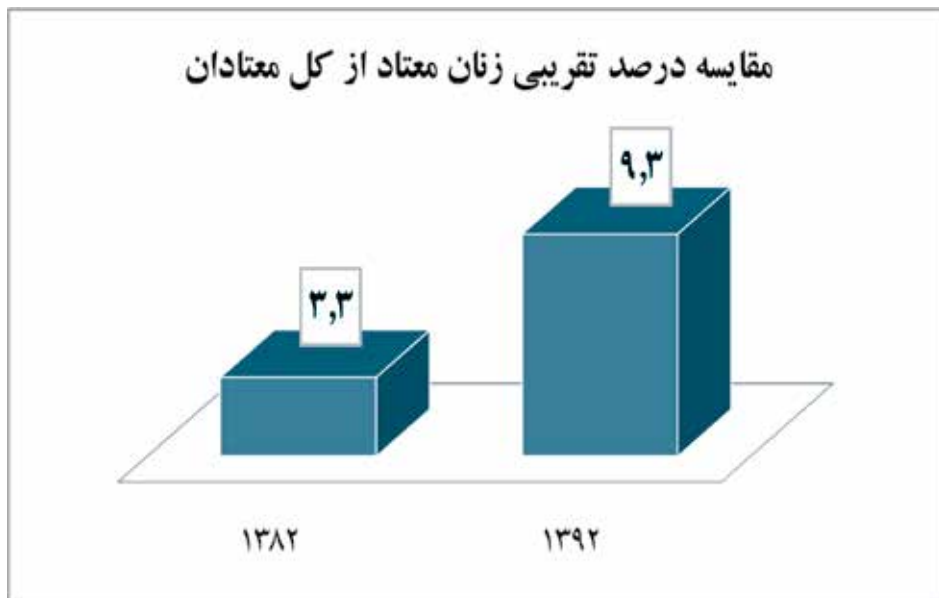
صورت اغراق آمیز مورد تایید کارشناسان نبوده و نیازمند شیوع شناسی و رصد مستمر است.



۱۰-۲. سبقت رشد اعتیاد زنان از مردان

در این میان آنچه مهم‌تر است گرایش برخی زنان به مصرف مواد مخدر و افزایش تعداد آنها در سال‌های اخیر است. دلیل اهمیت از آنجاست که مهم‌ترین عارضه اجتماعی اعتیاد در زنان فروپاشی کانون خانواده است؛ اعتیاد زن، نه تنها خودش بلکه فرزندان و ارگان خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تمایل دختران به الگوپذیری از مادرانشان و در نتیجه انحراف آنها از نمونه‌های این تأثیرگذاری است.

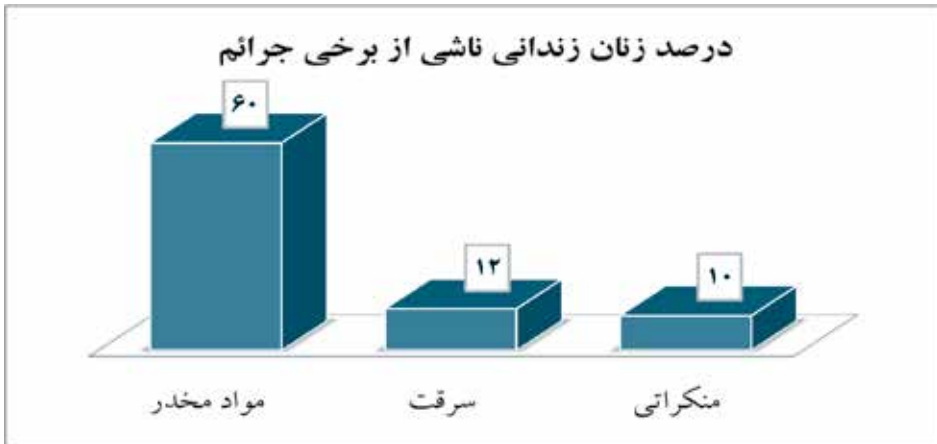
مطابق آمارهای رسمی، در دو دهه قبل نسبت مردان معتاد به زنان معتاد ۳۰ به یک بود، اکنون حدود ۱۰ به یک شده است. ضمن اینکه در جامعه، مصرف مواد در زنان ناهنجارتر از مردان تلقی شده و در نتیجه زنان معتاد گرایش کمتری به رجوع به مراکز درمانی دارند و این نشان می‌دهد که چون بخشی از منابع آماری همین مراکز هستند پس نسبت زنان معتاد به مردان بیشتر از آماری است که در اختیار هست.



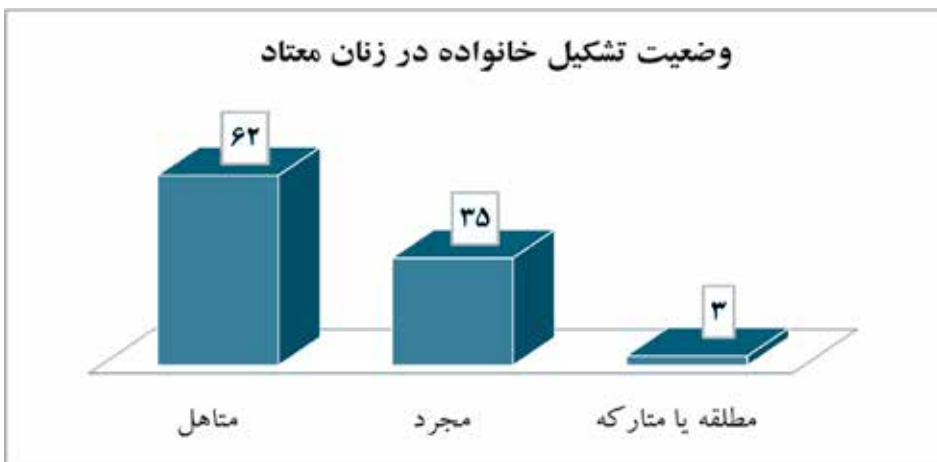
منبع: نیروی انتظامی و ستاد مبارزه با مواد مخدر

بیشترین جرم زنان زندانی، جرایم مرتبط با مواد مخدر است از ۷ هزار و ۳۷۷ زن زندانی در کشور ۶۰ درصد آنها به دلایل مرتبط با جرایم اعتیاد و مواد مخدر به زندان راه پیدا کردند که بیشتر آنها خود از این مواد مخدر استفاده می کردند.

عواقب اعتیاد زنان به مراتب بیشتر از مردان است، چرا که زن معتاد مجبور است با ابزار مختلف پول و یا مواد مخدر خود را تهیه کند و گاه در این میان دست به فعالیت های نامشروع می زند. از سوی دیگر فرد معتاد نمی داند با فرزند آینده خود چگونه رفتار کند و در تربیت فرزندش دچار انحراف شود. حس انتقام از دیگر عواقب اعتیاد زنان است چرا که آنها دائماً فکر می کنند قربانی شرایط جامعه ای که در آن زندگی کرده، شده اند و همواره در صدد گرفتن انتقام از جامعه هستند.



منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر



منبع: ستاد مبارزه با مواد مخدر

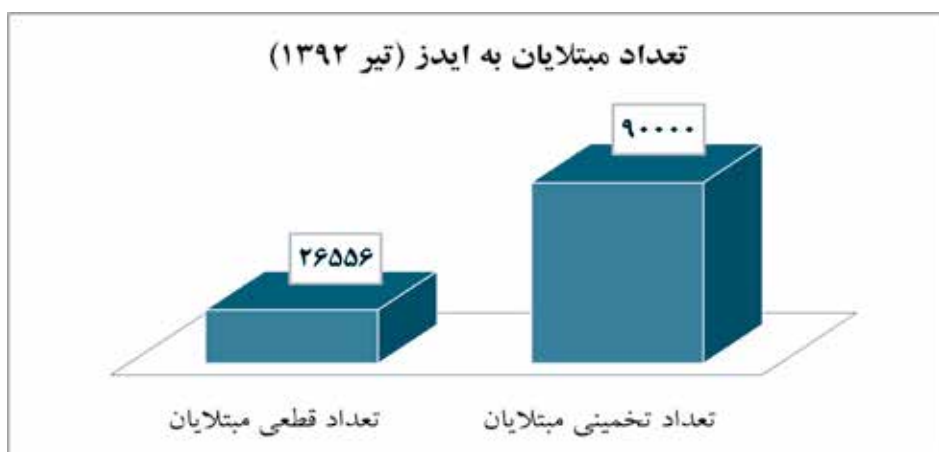
۱۰-۳. نشنگی قبل از تولد! هدیه مادران معتاد به نوزادان

در برخی از بیمارستان‌های دولتی، بخش‌هایی برای ترک اعتیاد نوزادان در نظر گرفته شده است، که هشدار می‌دهد تا نگران آمار زنان معتاد شد؛ زنان معتادی که درصد قابل توجهی از آنان مادر هستند و یا می‌شوند، کودکانی را به دنیا می‌آورند که از روز اول تولد، با درد خماری و عذاب ترک، مواجه هستند. نیز مصرف مخدر باعث می‌شود زنان باردار با زایمان زودرس روبه‌رو شوند. مشکلات ذهنی، گریز از جمع و تأخیر در تکامل از بیماری‌های نوزادان متولد شده از مادران معتاد هستند.

۱۱. ایدز (زائیده انحرافات اخلاقی و اعتیاد)

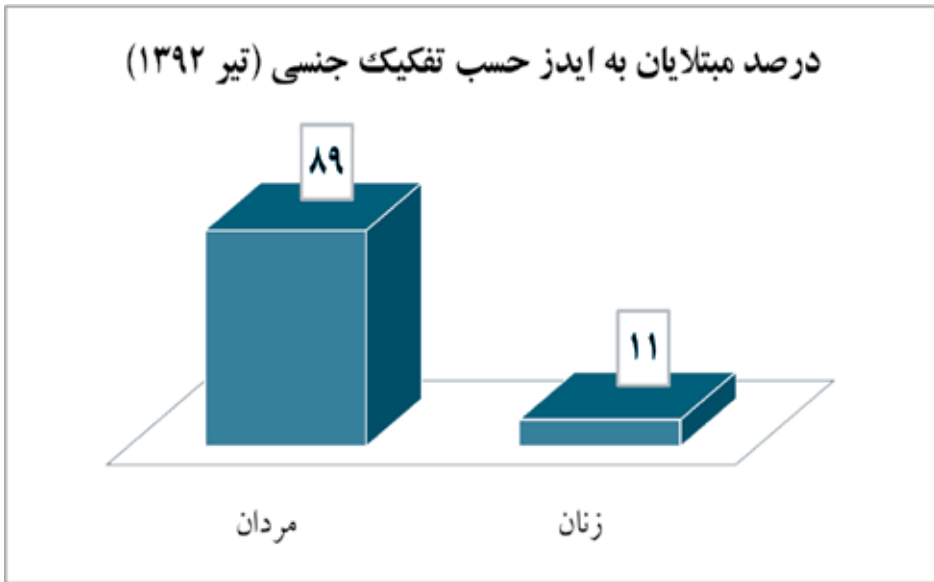
آسیب ایدز عمدتاً زائیده انحرافات اخلاقی و اعتیاد است و غالباً سبب ساز یکی از سه امر ذیل می شود: ۱. طلاق در صورت متأهل بودن و تشخیص آن بعد از ازدواج؛ ۲. عدم امکان ازدواج و تشکیل کانون خانواده در صورت تشخیص قبل از ازدواج؛ ۳. ختم اتوماتیک وار پرونده خانواده با مرگ شخص مبتلا به ایدز. لذا ایدز بسته به زمان تشخیص آن، از آسیب های شکل گیری و یا تداوم نهاد خانواده است.

براساس آمار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، تا اول تیر ۱۳۹۲ تعداد افراد آلوده به ای، وی در کشور ۲۶ هزار و ۵۵۶ نفر است و تخمین زده می شود حدود ۹۰ هزار نفر مورد ابتلا به این عفونت نیز در کشور وجود داشته باشد.



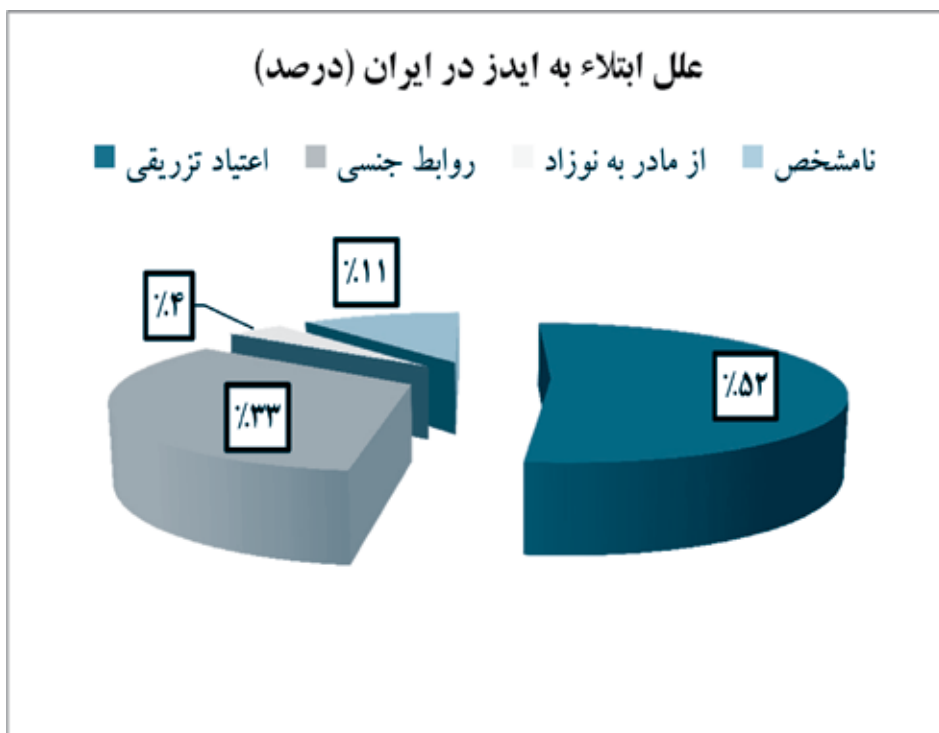
منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

براساس آمار موجود تا اول تیر ۱۳۹۲ ویروس این بیماری در مردان بیشتر بوده است طوری که ۸۹ درصد میزان ابتلا در مردان بوده است و شایع ترین گروه سنی مبتلا به ویروس اچی ای وی و ایدز نیز بین سنین ۲۵ تا ۳۴ سال است.



منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

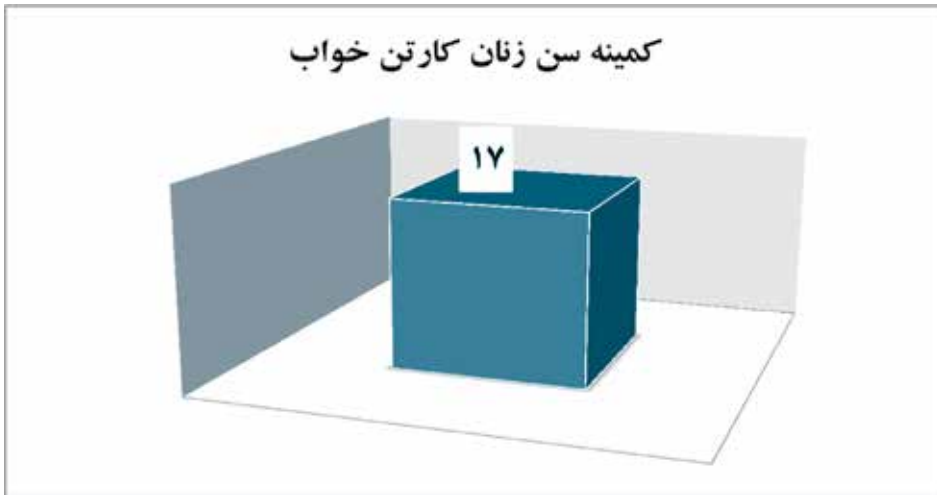
درباره علل ابتلاء به ایدز، اعتیاد تزریقی ۵۲ درصد، برقراری روابط جنسی ۳۳ درصد و انتقال از مادر مبتلا به کودک ۳/۴ درصد را تشکیل داده است. در ۱۱/۶ درصد از موارد شناسایی شده در این سال راه انتقال نامشخص بوده است. که البته اعلام این آمار و انتقال ۳۳ درصدی ایدز از طریق روابط کنترل نشده جنسی نگرانی‌ها برای پیشروی انتقال ایدز از طریق روابط جنسی را افزایش داده است. تا پیش از این مدل ابتلاء به ایدز در ایران با کشورهای جهان متفاوت بود، به طوری که نگرانی در ایران ابتلاء به ایدز از طریق مصرف سرنگ‌های آلوده بود، در حالی که کشورهای جهان به دلیل روابط جنسی کنترل نشده، نگرانی‌هایی برای افزایش ابتلاء به ایدز داشتند.



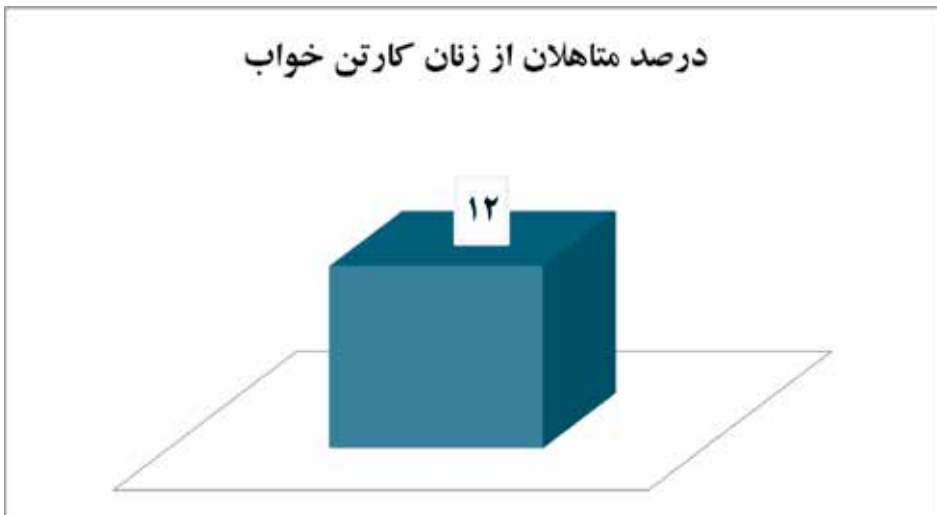
منبع: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۱۲. زنان کارتن خواب

در چند سال گذشته عمده آمار زنان بی خانمان و کارتن خواب شهر تهران به زنان سالمند تعلق داشت اما درصد روند سنی زنان بی خانمان و کارتن خواب در سال های اخیر، نشان از حضور زنان جوان در میان آنان دارد. در جدیدترین آمار سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران درباره آسیب های حوزه زنان، با اشاره به کاهش سن زنان کارتن خواب در پایتخت گفته شده که سن زنان کارتن خواب در تهران به ۱۷ سال رسیده است.

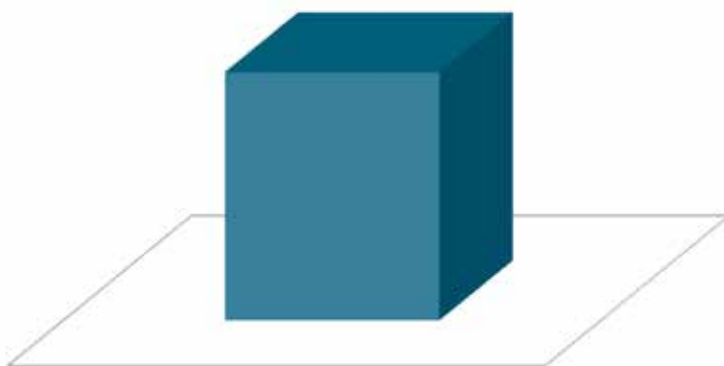


بر اساس آمارهای مراکز بازپروری سازمان بهزیستی ۱۰ تا ۱۲ درصد زنان خیابانی متأهل بوده و اغلب، در سنین ابتدای جوانی و بازه ۲۰ تا ۲۹ سال قرار دارند.



طبق آمارهای سال ۹۰ سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران، «فقر» مهم ترین عامل و «تعارضات خانوادگی» دومین عامل مؤثر در بروز پدیده زنان خیابانی است.

بازه سنی قالب زنان خیابانی



ج) نقش مسجد در تربیت دینی خانواده

۱. تبیین ارتباط مسجد با خانواده

مسجد عبادتگاه عاشقان و بندگان صالح خداوند و بزرگترین و مهم‌ترین پایگاه اسلام است. بسیاری از علما و دانشمندان که به مدارج عالی کمال دست یافتند در پرتوانس با مسجد و تعلیم و تربیت در آن بوده است. این پایگاه عظیم نقش عمده‌ای در تعالی و تحکیم بخشیدن کانون مقدس خانواده دارد. درواقع در نگاه کلان به جامعه اسلامی، مسجد، والاترین و پاک‌ترین پایگاه تربیت دینی انسان‌ها است و از سوی دیگر خانواده نخستین و مؤثرترین نهاد در بحث تربیت انسان است. لذا برقراری ارتباط معنوی بین مسجد و خانواده به منظور استفاده از جایگاه و پتانسیل همدیگر، نقش مکملی داشته و قطعاً ثمرات و آثار بسیار ارزشمندی بر جای خواهد گذاشت؛ فردی که در بستری تلفیق شده از فضای معنوی مسجد و فضای صمیمی خانواده تربیت شود، راه راست را پیدا کرده، در آن گام می‌گذارد. بر همین اساس در قرآن و مبانی دینی ما بر ارتباط همیشگی با مسجد تأکید زیادی شده است و نباید خانواده‌ها حضور خود در مساجد را به مناسبت‌های خاص محدود کنند و بر همین مبنا نیز نخستین اقدام وجود مقدس پیامبر ﷺ در مدینه احداث مسجد بود.

۲. کارکردهای مسجد در ارتباط با خانواده

مسجد خانه‌ خداست و قرارگاهی است که با نام و یاد خدا عجین شده است و لذا با حضور در مسجد و اقامه نماز یا شرکت در جلسات و مناسبت‌های آن، آرامش و نشاط در خانواده اهل مسجد مهیا می‌گردد. درواقع آن‌گاه که مؤمن وارد مسجد می‌شود، در فضایی آکنده از طهارت، سادگی و عاری از پیرایه‌های مادی قرار می‌گیرد؛ اما انباشته از جلوه‌های معنوی و

الهی. هم صحبتی با مسجدیان نه تنها گرفتاری و پریشانی مسلمان را تخلیه می کند، بلکه وی را از موهبت همیاری فکری و عملی آنها بهره مند می کند؛ آن هم مسجدیانی که خود را در برابر گرفتاری های دیگران مسئول می دانند. از نگاه دیگر و بعد سلبی مسئله، ارتباط با مسجد و اهل مسجد، به طور اتوماتیک و ار انسان را تا حد زیادی از رذائل و آسیب ها باز می دارد. بسیاری از متخلفان و بزه کاران اجتماعی که به نوعی امنیت اجتماعی را به خطر می اندازند کسانی هستند که اهل ارتباط با خدا و نماز و مسجد نیستند.

در بیان کارکردهای مسجد به صورت جزئی تر باید گفت که بر اساس تصویری که از ارتباط فیما بین مسجد و خانواده ترسیم شد و نقش مکملی آنها بیان گردید، مهم ترین کارکرد مسجد در ارتباط با خانواده، همان تتمیم و به کمال رساندن تربیت دینی انسان و اعطای حیات طیبه واقعی برای اعضای خانواده است. در همین ارتباط، مسجد دو کارکرد و نقش کلیدی و اساسی را بر عهده دارد:

۲-۱. آشنایی با ارزش ها و نگرش های دینی (معرفت بخشی)

برای رسیدن به تکامل و قدم نهادن در وادی تربیت دینی، نخستین گام کسب «معرفت و آگاهی» از ماهیت و چیستی آموزه های آن است که مسجد به عنوان یک ابزار و بستر زمینه ساز، نقش به سزایی را در نیل بدین هدف می تواند داشته باشد. چنانچه مسجد که در عصر نبوی ﷺ و دوره ی خلفای راشدین، مجمع نومسلمانی شد در باب آشنایی با آموزه های اسلامی و استماع سخنان پیامبر ﷺ در باب آیه های قرآن، تبلیغ دین و ابلاغ احکام شرع، و مسائلی از این قبیل. در واقع، «مسجد» کهن ترین دانشگاه اسلامی و اساسی ترین پایگاه تعلیم در تاریخ اسلام است. و البته مسجد در طول تاریخ این کارکرد را همواره حفظ نموده است و عمده ترین و اصیل ترین مرکز تعلیم معارف دینی بوده است.

البته در حال حاضر و حسب گسترش روز افزون ساختار نهادی جوامع، نهادهای زیادی شکل گرفته اند که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم از طریق رسانه ها در امر تعلیم و آموزش معارف و مهارت های مورد نیاز خانواده فعالیت می کنند که برخی از این نهادها نه تنها کمک کننده به مسجد نیستند بلکه به دلیل رویکردهای مادی و انحرافی از تعالیم دینی، حتی مشکل ساز نیز شده اند و خروجی آنها خانواده متعالی مورد پسند اسلام نیست و لذا بحث از جایگاه مسجد در معرفت بخشی به خانواده صرفاً جنبه ایجابی ندارد بلکه حسب ضرورت، جنبه سلبی نیز به خود گرفته است و در میدان رقابت سنگین موجود که رقبای

آن با تمام تلاش سعی در شکل دهی به خانواده به نحو دیگری دارند، مسجد وظیفه دارد علاوه بر اعطای معرفت اصیل، معارف بدلی را نیز شناسائی و خنثی نماید.

۲-۲. آشنایی با سبک زندگی اسلامی و آموزش عملی تربیت دینی (الگو سازی)

مسجد مکانی است برای تمرین خلق و خوی پسندیده انسانی، زیرا خداوند می فرماید: «فیه رجالٌ یُحِبُّونَ أَنْ یَتَطَهَّرُوا» (توبه/۱۰۸) در مسجدی که بر اساس تقوا و پارسایی تأسیس شده باشد و برخی آسیب های مبتلی به نهاد مسجد را نداشته باشند، انسان های پاکی در آن حضور دارند که دوست دارند از رذائل و بدی ها بدور و پاکیزه باشند اینها افرادی هستند که اهتمام دارند ارزش های دینی را حسب آنچه از قرآن و معصومین علیهم السلام صادر شده است، در رفتارهای عینی و عملی خود متبلور سازند و خود را متخلق به اخلاق دینی و مراعی سبک زندگی دینی نمایند و لذا طبیعتاً رفت و آمد با چنین انسان های پاک و تقوی پیشه ای به عنوان بهترین الگوهای عملی برای خانواده مرتبط با مسجد به شمار آمده و تأثیرات عمیق و سریعی بر رفتارهای خانواده خواهد گذارد.

بماند که اهل مسجد هر چند معصوم از گناه و خطا نیستند و ممکن است مرتکب برخی معاصی شوند ولی بر این امر اهتمام دارند تا در مسجد به گناه آلوده نشوند، سخنان ظالمانه بر زبان نیاورند، به آبروی دیگران تجاوز نکنند، در مسجد غیبت نکنند، سخنان لغو و بی فایده را کنار نهند و از گفت و گوهای بی بوی دنیا پرستی می دهد پرهیز نمایند. چون مسجد نهاد مقدسی است و جای هر رفتار و کردار و گفتاری نیست.

در پایان گفتنی است پیش فرض، چنان که تلویحاً اشاره شد، ارتباط خانواده با مسجد فعال و پویایی است که نماز جماعت شاداب و فعالیت های فرهنگی جذاب با حضور تمام اقشار سنی دارند نه مسجدی که فقط اسم آن را یدک می کشد و یا احیاناً مدیریت آن بر عهده انسان های ناصالح است.

د) راهکارها

آنچه در بحث راهکار می‌خواهد مطرح شود در واقع استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات معنوی و مادی مسجد در جهت رفع مشکلات و آسیب‌هایی است که نهاد خانواده با آنها دست به گریبان است. لذا لازم است به صورت علمی و دقیق ابتدا مشخص شود که نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای مسجد در مواجهه با مشکلات خانواده چیست؟ و آنگاه حسب نگاه سیستمی SWOT به ارائه راهکارهای دقیق پرداخته شود. لیکن این امر در این مجال قابلیت عملیاتی شدن ندارد به دلیل آنکه اولاً نیاز به تفصیل و گردآوری تمام جوانب کار دارد که در این موجز نمی‌گنجد و در ثانی برنامه راهبردی SWOT، یک برنامه استراتژیک و راهبردی است که به دلیل اختلاف ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های هر کدام از مساجد با همدیگر، امکان نگارش آن و نسخه‌پیچی آن برای تمام مساجد به صورت یکجا وجود ندارد و بلکه باید به صورت تک‌تک برای هر کدام از مساجد مورد بررسی قرار گیرد. در این مجال آنچه می‌خواهد بیان شود رویکردهای کلان و تأثیرگذاری هستند که نیاز هست تا حتماً اصلاح شوند. توجه به این رویکردها نقش به‌سزایی در شناسایی واقعی نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها خواهد داشت چون این رویکردها در واقع چشم‌انداز و رسالت غایی مسجد مطلوبی را که در زمان فعلی بتواند در رفع آسیب‌های خانواده مؤثر واقع افتد و خانواده را در نیل به کمال و سعادت دنیوی و اخروی یاری رساند، ترسیم و تبیین می‌نمایند و نقشه راه اجمالی از مسیری هستند که بایستی پیموده شود. بر همین اساس، رویکردهای اصلاحی عمده به شرح ذیل تشریح می‌گردد:

۱. رویکرد واقع‌بینی؛ باید به این واقع‌بینی رسید که:

اولاً؛ هم مسجد و هم خانواده جایگاه تعلیمی و تربیتی سابق خود را در پروسه و فرآیند آموزش ندارند. با این توضیح که؛ نهادهای هم‌عرض در حوزه تعلیم و تربیت به شکل فراوان بروز و ظهور داشته‌اند و نهاد مسجد و خانواده به موازات پیشرفت رقبا، پیشرفت نکرده و خود را با شرایط جامعه خود وفق نداده‌اند و نیز نتوانسته‌اند از ابزارها و پتانسیل‌های موجود در جهت نقش‌آفرینی کارآمد بهره ببرند.

در سبک زندگی جدید، خانواده (شامل هر دوی والدین و فرزندان)، تعالیم آموزشی و تربیتی خود را منحصر از نهاد مسجد نمی‌گیرد همچنان که نقش تربیتی والدین برای فرزندان در داخل خانه چندان پررنگ نیست و خیلی نهادهای دیگر همچون مدرسه، دانشگاه، انواع سرسام‌آور رسانه‌های مکتوب و غیر مکتوب شامل صوتی و تصویری، تعاملی دیجیتالی و ... سایه سنگین خود را بر سر نهاد خانواده و مسجد گسترده‌اند و اختیارات و نفوذ آنها را به حداقل رسانده‌اند.

در ثانی؛ مهم‌تر از اولی این‌که، نباید بدنبال بازیافتن جایگاه پیشین به شکل قبلی آن - که مسجد و خانه نقش‌های تقریباً انحصاری در تعلیم و تربیت داشتند - بود. بلکه بایستی حسب شرایط موجود و با پذیرش کلیت ساختار نظام آموزش موجود، با رویکرد رفرمی و اصلاحی و نه بازگونه‌ای، طرحی نو در انداخت و جایگاه واقعی مسجد را شناسایی نمود.

لذا در رویکرد واقع‌بینی در وهله اول، فارغ از قضاوت ارزشی در مورد نهادهای هم‌عرض، اصل وجود آنها و حتی ضرورت وجود آنها را به دلیل سبک زندگی موجود در جامعه بشری و جامعه ایرانی باید به رسمیت شناخت و دنبال حذف تمام آنها نبود؛ چنانچه در سبک زندگی فعلی اگر نهاد تربیتی هم‌عرضی همچون مدرسه وجود نداشته باشد، واقعاً خانواده با مشقت و حرج مواجه می‌شود و نهادهای هم‌عرض دیگر همین‌طور؛ لذا مسجد و خانواده بایستی در ضمن مفروض دانستن وجود این پازل، جای مناسب خود را پیدا نمایند نه با مفروض گرفتن نبود آنها. آری در گام بعد که بسیار مهم است بایستی مسجد و خانواده به رویکرد مدیریت توجه داشته باشند که در رویکرد بعدی توضیح داده می‌شود.

۲. انضمام رویکرد «مدیریت تربیت» با رویکرد «تولیت تربیت»

در شرایط موجود هر چند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی خانواده غافل

شود و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود در جهت تعلیم معارف دینی برای خانواده خصوصاً به شکل حضوری و چهره به چهره که مؤثرترین روش تربیتی است بهره بگیرد، لیکن چنان که گفته شد بخش اعظم نهادهای تأثیرگذار بر تربیت دینی خانواده و ابزارهای مؤثر بر خانواده خارج از کانال و مسیر مسجد عمل می‌کنند، در چنین شرایطی مسجد که نمی‌تواند و نباید هم جلو همه آنها را بگیرد بایستی مواجهه فعال با این قضیه داشته باشد، به این صورت که مسجد، رویکرد مدیریت کانال‌های تأثیرگذار بر تربیت خانواده را عهده‌دار شود که در این مسیر طبیعتاً لازم است پس از شناخت دقیق از ماهیت نهادها و ابزارهای مزبور و وضعیت تأثیرگذاری آنها بر خانواده، با ارتباطی که با نهاد خانواده برقرار می‌کند وی را در جهت بهره‌مندی از ابزارها و نهادهای سالم و صالح و نیز فاصله گرفتن از نهادها و ابزارهای ناسالم، راهنمایی نماید و حتی در قدم‌های بعدی و عملیاتی‌تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم و زمینه ارتباط خانواده با اینها فراهم آورد و تسهیل سازد و متقابلاً به مقابله نظری و عملی با نهادهای ناسالم و دور نگه داشتن خانواده از اینها بپردازد. مسجد حتی می‌تواند در شکلی ایجابی اقدام به تأسیس و پایه‌گذاری نهادها و ابزارهای سالم نماید و یا تلاش در جهت تأثیرگذاری بر متولیان و محتوای ابزارها و نهادها نماید و با سالم‌سازی آنها فضا را برای استفاده نهاد خانواده از آنها فراهم آورد.

این رویکرد همچنین می‌خواهد بگوید که مسجد باید علاوه بر نقش فردی مستقیم، نقش «محور آسیاب» را نیز بر عهده داشته باشد و با جلب همکاری سایر نهادهای هم‌فکر دغدغه‌مند، به عنوان محور جریان تربیت دینی، ظرفیت‌ها و پتانسیل آنها را برای کمک به نهاد خانواده مدیریت نماید نهادهایی مانند حسینیه‌ها، امام‌زاده‌ها، مدارس معارف اسلامی، هیأت مذهبی و حتی برخی حوزه‌های علمیه و ...

۳. انضمام رویکرد «آموزش ماهیگیری» با رویکرد «اعطای ماهی»

مسجد بایستی خانواده را نیز واقع بین نماید و در پروسه تربیت اعضا و فرزندان، به او بفهماند که زمان قدیم سپری شده و خانواده نقش مستقیم تربیتی و تام‌الاختیار را ندارد بلکه باید خانواده مدیریت توانمند و قوی داشته باشد تا به نحوه استفاده اعضای خود از آموزش‌های نهادها و ابزارهای تربیتی جامعه، سمت و سو بدهد و با ارائه شناخت لازم به اعضا، آنها را به سوی نهادهای سالم رهنمون سازد مسجد بایستی این واقع‌بینی و نحوه

مدیریت صحیح را از طریق مشاوره ها و ... به خانواده تزریق نماید و خود نیز به عنوان پشتیبان و ناظر، حضور پشت پرده داشته باشد.

۴. رویکرد علمی و تخصصی

همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش ها و جدیدترین مدل ها و تکنولوژی ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت بهره برداری می نمایند و از هیچ خلاقیت و نوآوری دریغ نمی ورزند مسجد نیز نباید در این رقابت شدید و تنگاتنگ از این مسائل غافل شود و بایستی با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی - تخصصی و سیستماتیک به مسئله داشته باشد لذا لازم است اولاً؛ برای تمام تصمیماتش از عقبه علمی و پژوهشی قوی و استوار بهره مند باشد و تخصص و علم را چاشنی تمام برنامه ها و تصمیماتش نماید و در ثانی از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد؛ مدیریت مسجد بایستی علاوه بر برخورداری از اخلاق حسنه و تقوای دینی، لزوماً شخصی آشنا با مبانی مدیریت سازمانی، اصول جذب مخاطبان (افراد و خانواده ها) و نگهداری آنها بوده و نیز با موضوع ابزار رسانه و نحوه مواجهه فعال با این پدیده بسیار تأثیر گذار و حاوی ظرفیت تبلیغی بالقوه فراوان، آشنا باشد. لذا نهاد مسجد بایستی فضا را برای کارها و تحقیقات علمی در موضوع مورد نظر و آن هم با رویکرد کاربردی و حسب شرایط جامعه مهیا نماید و حسب خروجی آنها گام بردارد.

۵. رویکرد استفاده از پتانسیل رسانه ها

مسجد باید به موضوع رسانه توجه ویژه داشته باشد و در جهت عملی سازی اهداف و رسالت های خود در خصوص تربیت دینی خانواده و مواجهه با مشکلات آن، از حداکثر ظرفیت رسانه ها حسب انواع مختلفی که دارند بهره ببرد همچنان که رقبایش و نهادهای هم عرض، به نحو احسن از این ابزار استفاده می کنند و توانسته اند از این طریق، حتی خود را وارد خانه ها نمایند و ذهن و فکر اعضای خانواده را حتی در ساعات اختصاصی درون خانه به خواسته های خود مشغول دارند. مسجد بایستی حتماً بخشی تحت عنوان رسانه داشته باشد که در این بخش به شناسایی ظرفیت های موجود در رسانه ها برای برقراری ارتباط هدفمند مسجد با خانواده پردازد و راهکارهای آن را مشخص نموده و عملی سازد.

۶. رویکرد تلفیق سنت و تجدد

آنچه از رویکردها گفته شد نباید موجب غفلت از نقاط قوت نگاه سنتی در اداره مسجد شود خصوصاً که اداره سنتی مساجد در سابق و به مقتضای زمان خود، مدیریت علمی و تخصصی بود. آری؛ مشکل آنجا به وجود آمد که علی رغم تغییر زمان و اقتضائات آن و ابداع روش های نوین و بوجود آمدن نهادهای حرفه ای در حوزه تربیت و آموزش، مسجد متحول نشد و همچنان بر روش قبلی خود استوار ماند. حال آنچه در اینجا می خواهد گفته شود آن است که نگاه سنتی به اداره مسجد علی رغم تمام نارسائی هایی که در زمان حاضر دارد، از نقاط قوت بی شمار و بی نظیری نیز بهره مند است که نباید تحت هیچ شرایطی از آنها غافل شد و کم اهمیت جلوه داد، نقاط قوتی همچون موج زدن اخلاص و معنویت در متولیان آن و احتراز از نگاه مادی صرف و نگاه سودآورانه شغلی به اداره مسجد و متقابلاً ایشار نمودن وقت و فرصت های درآمذزایی خود در جهت مدیریت مسجد بدون هیچ گونه چشم داشت و یا بارضایت به کمترین ها. لذا بایستی نگاه متجددانه و به روز را که در رویکردهای قبلی ذکر شدند با رویکرد سنتی تلفیق نمود و مدیریتی توانمند از طریق بهره گیری از نقاط قوت هر دو و پس زدن نقاط منفی هر دو، برای کمک مسجد برای تربیت دینی خانواده رقم زد.

۷. رویکرد ارتباط عاطفی با خانواده در تمام برنامه ها و کمیته ها و گروه ها

یکی از رویکردهایی که قبلاً بوده و جدیداً مغفول واقع شده است رویکرد توجه به برقراری ارتباط عاطفی متولیان مسجد خصوصاً اخلاق مداران مسجد با مخاطبان است. تاریخ گویای این مطلب است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تک تک مسجدی ها و نماز گزاران ارتباط عاطفی عمیق برقرار می کرد، از حضور و عدم حضور یکایک شان مطلع بود و در صورت عدم حضور، سراغ شان را می گرفت و احیاناً اگر مریض بودند به همراه سایر مسجدی ها به عیادت شان تشریف می بردند. در واقع هر آن کس که در مسجد حضور می یافت به منزله عضوی از اعضای خانواده بزرگ مسجد به شمار می آمد که کاملاً در جریان بودن و نبودن همدیگر و احیاناً بروز مشکلات عارض شده بر همدیگر بودند که اگر می توانستند یاری می کردند. آنچه در اینجا می خواهد ذکر شود آن است که مسجد باید یک متولی بینا و یک میزبان باحرارت و مملو از معنویت داشته باشد که میهمانان مسجد را و خانواده های حاضر شده در مسجد را تحویل بگیرد و به آنها بفهماند که «ما دیدیم و فهمیدیم که شما تشریف آوردید و

شمارا در لیست خانواده خود وارد کردیم و از این پس بودن و نبودنتان برای ما یکی نیست مابه عنوان برادران دینی، ضمن برقراری ارتباط نزدیک و صمیمی با شما، از این پس، رصد حال شما را وظیفه خود می‌دانیم و چنان که ببینیم مشکلی برای شما پیش آمده در رفع آن برادرانه خواهیم کوشید همچنان که در شادی‌ها در کنارتان خواهیم بود.»

این همان چیزی است که گمشده دنیای مدرن است یعنی فقدان و کمبود عاطفه و محبت و دلجوئی از همدیگر و یاری مخلصانه و برادرانه به همدیگر که متأسفانه مراتبی از آن در نهاد مسجد و مسجدی‌های امروز نیز سرایت کرده است طوری که فرد می‌آید و نماز خودش را به صورت فردای و حتی به صورت نماز جماعت می‌خواند و می‌رود و کسی کاری به کارش ندارد؛ حتی ممکن است این حالت برای چندین سال تداوم پیدا کند و بودن و نبودن او برای هیچ کس، مهم و مورد توجه نباشد چرا که کسی وی را رصد نکرده و تحویل نگرفته است.

۸. رویکرد طبیب دوار

حضرت علی علیه السلام در وصف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ يَطْبِئُهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبٍ عُمَى وَأَذَانٍ صُمٍّ وَالْأَسِنَّةُ بَكُمْ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعُ الْغَفْلَةِ وَمَوَاطِنُ الْحَيْرَةِ» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸) «پیامبر صلی الله علیه و آله طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم‌های شفا بخش او آماده، و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده، و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

امروز دیگر زمان آن نیست که نهاد مسجد بنشیند تا نهاد خانواده به سراغش بیاید و از وی خاضعانه و با التماس در جهت تربیت دینی استمداد نماید؛ چرا که اولاً دنیا، دنیای رقابتی شده و نهادهای هم‌عرض دیگر با هزاران حيله و روش، خودشان به سراغ نهاد خانواده می‌روند تا او را در معرض آموزه‌های خود قرار دهند و لذا اگر در این رقابت، مسجد سر جای خود بنشیند و منتظر بماند، قافیه را باخته است و در ثانی در اثر وجود نهادهای تربیتی مضل، نهاد خانواده مریض شده و بر پیکره آن آسیب‌های فراوان وارد شده است طوری که عزم و اراده لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش‌قدم شود.

از جمله مهم‌ترین الزامات این رویکرد، در دسترس بودن نهاد مسجد و آموزه‌های تربیتی

آن برای تمام افراد جامعه است؛ مسجد نباید صرفاً در اوقات نماز باز باشد و تمام؛ اگر هم مشکلی در این زمینه هست بایستی حل شود نه اینکه با تعطیل نمودن این شفاخانه صورت مسئله پاک شود؛ نیز مسجد باید در حداقل بازه زمانی در دسترس خانواده باشد، در زمانه‌ای که میانگین زمان دسترسی به مواد مخدر و مشروبات الکلی چندین دقیقه و از فرار از خانه تا افتادن به دام فساد و انحرافات اخلاقی، آناتی بیشتر طول نمی‌کشد، در دسترس نبودن فیزیکی مسجد امری باور نکردنی است. که البته بایستی مسجدی باشد که واقعاً نقش طبابت را بتواند برای نهاد خانواده ایفا نماید و دردش را علاج نماید و با حضور طبیب حاذقش نسخه شفا بخش برایش بپیچد.

تعامل داشتن مسجد و خانواده پیش نیازها و ابزارهای ویژه‌ای دارد که برخی از آنها بدین شرح است:

- داشتن امام جماعتی با ویژگی‌های: عالم فاضل، متقی، متعهد، دلسوز، روزآمد، دارای سلامت و آراستگی بدنی و ظاهری؛
- داشتن شورای علمی و هیئت امنا با ترکیبی از مسجدیان کارآزموده، باتجربه، جوان و کارآمد؛
- داشتن اتاق فکر خانواده جهت گفتمان درباره موضوع‌ها و محورهای زندگی خانواده و چالش‌های پیش رو؛
- داشتن کمیته‌های علمی و تخصصی درون هر مسجد، به‌ویژه کمیته مشاوره و مهارت زندگی؛
- برخورداری از صندوق مالی خانواده برای کمک‌رسانی‌های مالی و اعطای قرض الحسنه برای کمک به زندگی، ازدواج، بیماری، ایجاد شغل، تحصیل و ماندن؛
- داشتن کمیته آموزش و پرورش مسجد برای برنامه‌ریزی موضوع‌های گوناگون، به‌ویژه تربیت دینی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و جنسی؛
- داشتن شورای حکمیت و دادگاه خانواده مسجد برای رویارویی با چالش‌ها و اختلاف‌های خانوادگی، متشکل از ریش‌سفیدان و معتمدان محل؛
- راه‌اندازی کتابخانه‌های عمومی و تخصصی مسجد، نمایشگاه‌های کتاب و نرم‌افزارها؛
- داشتن سالن و زمین ورزش مسجد و تشکیل تیم‌های ورزشی، به‌ویژه برای

جوانان و نوجوانان؛

- برخورداری از کمیته‌ی اردوهای تفریحی، زیارتی، علمی و بین‌المللی مسجد؛
- داشتن کمیته‌ی هنر؛ مانند سینما، تئاتر، موسیقی، آواز، خطاطی، طراحی، نقاشی و ترویج هنرهای اصیل اسلامی.

■ طراحی و برنامه‌ریزی برای نشست‌های سالانه‌ی امامان جمعه و جماعت؛ با هدف آسیب‌شناسی خانواده‌های مسجدی و برنامه‌ریزی برای دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی مهارت زندگی خانواده‌ها. (شاملی و یوسفی، بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد بویژه در حوزه خانواده، ص ۱۹-۲۰)؛

■ تشکیل کمیته رسانه به منظور بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های رسانه در جهت برقراری ارتباط عاطفی نزدیک با خانواده و تأثیرگذاری در امر تربیت دینی خانواده (ظرفیت‌های رسانه همچون شبکه‌های اجتماعی اختصاصی برای تمام مسجدی‌ها یا بخشی مشخص از آنها مثلاً برای پدران مسجدی، ورزشکاران مسجدی و ...، یا بازی‌های رایانه‌ای با محتوای سالم و جهتدار، ...)؛

■ تشکیل کمیته شناسایی در جهت شناسایی و جذب گروه‌های مرجع و خانواده‌های مستعد و شاخص در حوزه استحفاظی مسجد، به سبب تأثیر ویژه و خاصی که حضور آنها در جذب سایرین به مسجد دارد.

در همین راستا طرحی تحت عنوان طرح مسجد خانواده (به مثابه پزشک خانواده)، توسط یکی از صاحب‌نظران مطرح شده است با این توضیح که منش مسلمانان و دین‌مداران، در طول تاریخ، این بوده است که بانیان حکومتی و مردمی در همه شهرها و روستاها و به فراخور تراکم جمعیت، مساجد مورد نیاز را می‌ساختند. این مسجدها نه تنها محل عبادت و نماز بلکه مرکزی برای آموزش، مشاوره‌گیری و دادگاه قضا و درواقع محلی برای رفع مشکلات زندگی شخصی و اجتماعی مردم بود. طرح مسجد خانواده به این معنی است که هر خانواده‌ی اسلامی در پی یک مسجد خانواده باشد و همانند طرح پزشک خانواده خود را زیر چتر حمایت یک مسجد قرار دهد. (همان، ص ۱۸-۱۹)

نتیجه‌گیری

نتیجه این تحقیق آن است که مسجد و خانواده حسب اهمیت و جایگاه و کارکردهای خاصی که در تربیت انسان دارند علی‌رغم اینکه لازم است تعامل و همکاری نزدیکی با همدیگر داشته باشند در شرایط موجود و حسب تهاجم فرهنگی غرب و نیز تغییر سبک زندگی، این ارتباط، بسیار کم‌رنگ شده و خانواده نیز عملاً با آسیب‌های فراوان مواجه شده است.

برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و نیل ارتباط مسجد و خانواده به وضعیت مطلوب، بایستی چند رویکرد اصلاحی عمده را مسجد و متولیان آن مورد توجه قرار دهند؛ رویکرد اول رویکرد واقع‌بینی است؛ مسجد باید اصل تغییرات جهان جدید را بپذیرد و بر نقش انحصاری خود در تربیت خانواده پافشاری نکند و وجود نهادهای تربیتی هم‌عرض را به رسمیت بشناسد و آنگاه در ضمن مفروض دانستن وجود این پازل، جای مناسب خود را پیدا نمایند که عبارت است از توجه به رویکرد اصلاحی دوم یعنی رویکرد «مدیریت» تربیت و نگاه تخصصی بدان، بدین معنی که هر چند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی خانواده غافل شود لیکن رویکرد مدیریت کانال‌های تأثیرگذار بر تربیت خانواده را عهده‌دار شود و با شناخت دقیق از ماهیت نهادها و ابزارهای مزبور و وضعیت تأثیرگذاری آنها بر خانواده، با ارتباطی که با نهاد خانواده پیدا می‌کند وی را در جهت بهره‌مندی از ابزارها و نهادهای سالم و نیز فاصله گرفتن از نهادها و ابزارهای ناسالم، راهنمایی نماید و حتی در قدم‌های بعدی و عملیاتی‌تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم و زمینه ارتباط‌گیری خانواده با اینها فراهم آورد و متقابلاً به مقابله با نهادهای ناسالم و دور نگه داشتن خانواده از اینها و احیاناً حذف برخی از آنها بپردازد. نیز مسجد بایستی با اتخاذ رویکرد علمی و تخصصی، همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش‌ها و جدیدترین مدل‌ها و تکنولوژی‌ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت بهره‌برداری می‌نمایند و از هیچ خلاقیت و نوآوری دریغ نمی‌ورزند مسجد نیز در این رقابت شدید و تنگ‌تنگ از این مسائل غافل نشود و با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی-تخصصی و سیستماتیک به مسئله تربیت دینی داشته باشد و برای این کار از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد و البته نباید نسبت به نقاط قوت نگاه سنتی به اداره مسجد غافل شود از نقاط قوتی همچون اخلاص و معنویت متولیان آن و

احترار از نگاه مادی سودآورانه به اداره مسجد و نهایتاً اینکه باید رویکرد عاطفی را مورد توجه ویژه قرار دهد بدین معنی که با فردی که در مسجد حاضر می شود ارتباط عاطفی عمیق برقرار نماید و با برقراری ارتباط دوستانه نزدیک، وی را ترغیب به حضور بیشتر در مسجد و برنامه های آن در کنار سایر دوستان نماید و البته مسجد برای جذب افراد بایستی خود پیش قدم شود و منتظر اقدام خانواده برای ارتباط گیری نباشد، به دلیل آنکه نهاد خانواده در شرایط فعلی با مشکلات و آسیب های عدیده مواجه شده و توان و رُمق آن را ندارد که خود برای این کار اقدام نماید.

متولیان امور مساجد لازم است با اتخاذ این رویکردها به صورت مصداقی به وضعیت شناسی (نقاط قوت و ضعف و فرصت ها و تهدیدهای) هر کدام از مساجد از حیث ارتباط گیری با نهاد خانواده در حوزه استحفاظی مسجد مورد نظر پردازند و آنگاه راهکارهای عملی برون رفت را تدوین نمایند. همان چیزی که جای خالی آن بسیار مشهود است و هر آنچه دیده می شود صرفاً تصمیمات و اقدامات روتین و کلاسیک است و از برخورد علمی و کارشناسانه با مسئله و اقدام متخصصانه از طریق بهره گیری از نظرات کارشناسان و صاحب نظران این حوزه چندان نشانی دیده نمی شود.

مساجد در پائین ترین نگاه و در حداقلی ترین کارکرد، بایستی سازمان یافته و نظام مند باشند همانند سازمان حج و زیارت یا سازمان اوقاف و امور خیریه، هر چند آنها نیز در عمل با مشکلات فراوان دست به گریبان هستند و مشکلاتی که برای مسجد گفته شد آنها نیز از برخی از آنها بی نصیب نیستند ولی به هر حال بایستی بدین سمت حرکت کرد و از کارهای دیمی و بدون نظم و برنامه فاصله گرفت. حتی مسجد می تواند و می باید محور تربیت دینی باشد و با جلب همکاری سایر نهادهایی که در این زمینه فعالیت می کنند مانند برخی حسینیه ها و امامزاده ها و ... جلو برخی موازی کاری ها و همپوشانی ها را گرفته و به سمت کار منسجم و هدفمند با چشم انداز و رسالت دقیق و اهداف بلندمدت، کوتاه مدت و میان مدت مشخص، در جهت تأثیرگذاری بر نهاد خانواده قدم بردارد.

منابع

الف) نهادهای آماری کشوری

۱. دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (unodc).
۲. سازمان بهزیستی.
۳. سازمان پزشکی قانونی کشور.
۴. سازمان ثبت احوال و اسناد کشور.
۵. سازمان رفاه و مشارکت های اجتماعی شهرداری تهران.
۶. سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی.
۷. ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۸. مرکز آمار ایران.
۹. مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه.
۱۰. مرکز مدیریت توسعه ملی اینترنت (متما).
۱۱. نیروی انتظامی.
۱۲. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
۱۳. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. وزارت کار و تعاون اجتماعی.
۱۵. وزارت ورزش و جوانان.

ب) کتب و مقالات

القرآن الکریم

۱. نهج البلاغه امیرالمؤمنین (علیه السلام).
۲. ایمانی، سلطه «فرزند کم تر، زندگی بهتر» بر زندگی ایرانی، (مصاحبه)، نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (مدظله العالی).
- <http://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=۲۴۶۲۴>.
۳. باقری، آزاده، ازدواج روی هوا، نشریه ابتکار، نسخه شماره ۵۸۵۶، ۱۳۹۳ ش.
۴. بلقان آبادی، مصطفی و منطقی، مرتضی، تحلیل محتوای اتاق های گپ اینترنتی (چت روم های) ایرانی، نشریه سلامت روانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹ ش.
۵. جوادی، مریم و هرندی، فاطمه، جوانان آسیب پذیر، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۱ و ۶۲، ۱۳۸۶ ش.
۶. حاج علی اکبری، محمد جواد، مطلع عشق (گزیده رهنمودهای مقام معظم رهبری به زوج های جوان)،

- چاپ پانزدهم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۷. حرالعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان، ۱۴۰۳ ق.
۸. حسینی، احمد، نگرش سنجی افراد کاربرو غیرکاربر ماهواره، اینترنت و بازی های ویدیویی، تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۵ ش.
۹. حسینی کوهساری، سید اسحاق، پژوهشی قرآنی در خصوص جایگاه خانواده در اسلام، مجله پژوهش های دینی، شماره ۲، تابستان و پاییز ۱۳۸۴ ش.
۱۰. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، تحلیل محتوای شبکه فارسی وان، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره ۱۷، آذر ۱۳۹۲ ش.
۱۱. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وضعیت پدیده مانکنیسم، خبرنامه رصد فرهنگ و علم، شماره ۱۸، دی ۱۳۹۲ ش.
۱۲. ساروخانی، باقر، جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. شاملی، عباسعلی و یوسفی، ش، بازشناسی ظرفیت ها و کارکردهای مسجد بویژه در حوزه خانواده، دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، بی تا.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایه، چاپ اول، قم، مؤسسه امام هادی (ع)، ۱۴۱۸ ق.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، چاپ پنجم، جلد ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۱۶. عالمی، حسین، حجاب، نشانه عظمت زن، روزنامه رسالت، شماره ۷۲۶۶، مورخ ۱۳۹۰/۲/۲۶ ش.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵ و ۶، ۱۳۸۸ ق.
۱۸. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، قم، معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۱۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت - لبنان، دارالوفاء، ج ۱۰۳، ۱۴۰۳ ق.
۲۰. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن و حدیث، جلد ۳، دارالحدیث، ۱۳۹۰ ش.
۲۱. مرکز پژوهش وزارت کشور با مشارکت مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، طرح ملی «خشونت خانگی علیه زنان»، سال ۱۳۸۳ ش.
۲۲. مشیرزاده، حمیرا، مقدمه ای بر مطالعات زنان، تهران، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.
۲۳. وزارت آموزش و پرورش (سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی - معاونت فن آوری ارتباطات و اطلاعات آموزشی)، فرار از منزل، دانشنامه اینترنتی رشد، ۱۳۹۳ ش.
۲۴. هام، مگی، فرهنگ نظریه های فمینیستی، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران، نشر توسعه، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. یان مکنزی و دیگران، مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی، ترجمه م. قائد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵ ش.



کارکرد مسجد و خانواده

امتیازات و ویژگی های خانواده مسجد محور

ایراندخت فیاض^۱

چکیده

اغلب دانشمندان در بررسی تمدن و عوامل آن، دین را از عوامل و عناصر تمدن ساز به شمار آورده‌اند و این بدان جهت بوده است که تاثیر دین در جامعه‌های بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است در دوران معاصر علی‌رغم تغییرات اساسی در جوامع و شکل‌گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین همچنان حضور مؤثر و پررنگی دارد. به همین دلیل نهادهای دینی که ساختار و قالب‌های حضور دین در جامعه را صورت بندی می‌کنند اهمیت اساسی دارند. در این میان مساجد به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای دینی سهم اساسی را در تمدن سازی و تربیت برعهده دارند. پژوهش‌های تاریخی نشان می‌دهد که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است و یکی از مهم‌ترین مکانها برای هویت‌سازی مؤمنانه مردم به‌شمار می‌رود. با توجه به اینکه انسان، اولین آموزش‌ها را در خانواده می‌بیند، پایه هویت دینی و اخلاق فردی و اولین مراحل اجتماعی شدن او در خانواده شکل می‌گیرد. خانواده‌ها گرایش‌های مختلف، تربیت‌ها و اخلاق و منش و سلوک زندگی خاصی را به فرزندان منتقل می‌کنند. در خانواده‌های مذهبی آنچه که در مورد تربیت و پرورش فرزندان در کانون توجه قرار دارد مذهب و توجه به دستورات دینی درباره تربیت است. این نوع خانواده‌ها سعی می‌کنند نحوه رفتار و گفتار آنها به گونه‌ای باشد که در اثر این تربیت در آینده، دین و اوامر و نواهی آن محور رفتار و نوع سلوک آنها در زندگی‌شان باشد. مسجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه دینی در اسلام جایگاه ویژه‌ای در زندگی خانواده‌های مذهبی دارد تا جایی که به سختی می‌توان خانواده‌ای مذهبی را بر کنار از مسجد تصور کرد و خانواده مذهبی در واقع خانواده مسجدی است. ارتباط با مسجد برای خانواده، ویژگی‌هایی در عرصه شناختی، گرایش و رفتاری به

وجود می‌آورد که شاخص و ممیز این خانواده‌ها از خانواده‌های غیر مسجدی است. در این نوشتار تلاش شده است تا با نظر به اهمیت مسجد در ایجاد هویت دینی و سلوک مؤمنانه در افراد به روش تحلیل اکتشافی به کارکرد مسجد و خانواده و امتیازات و ویژگی‌های خانواده مسجدی بپردازد.

واژه‌های کلیدی: مسجد، خانواده مسجدی، ویژگی‌های خانواده مسجدی، امتیازات خانواده مذهبی.

مقدمه

مساجد یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های دینی هستند که به مثابه کانون جوشان فرهنگی در جوامع اسلامی عمل می‌کنند و با حراست از نظام ارزشی جامعه، مانع فراموش شدن ارزش‌ها از یک سو و منجر به تقویت باورهای مذهبی از سوی دیگر می‌شوند. در متون اسلامی مساجد به عنوان خانه‌های خدا در زمین بسیار گرامی داشته شده است. (حر عاملی ۱۴۰۹ هـ ق، ج ۵، ۲۹۷) و پاداش و فضیلت بسیار برای بنا نهادن مسجد، تعمیر، آبادانی و پر رونق نگاه داشتن مسجد و آمد و شد در آن وجود دارد.

به استناد این متون خداوند برای بناکننده مسجد خانه‌هایی در بهشت بنا می‌کند، (همان منبع، ۲۰۳) و آبادکننده مسجد را با صفاتی مانند ایمان آوردگان به خدا و روز جزا و برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات و کسانی که جز: از خدا خشیت ندارند ستوده‌اند. «أَجْعَلْتُمْ سَقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَمِنْ أَمْنِ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (توبه/ ۱۸) پیامبر اکرم ﷺ دوستداران خود و اهل بیت ﷺ خود و قرآن را دوستداران مسجد نامیده است، (نوری ۱۴۱۴ ق، ج ۳، ۳۵۵ و ۳۶۳) و امیرالمؤمنین ﷺ نیز در سخنی هشت فایده برای رفتن به مسجد بر شمرده است که از آن جمله: پیوند با مؤمنان، فراگیری دانش سودمند و ترک گناه است. (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ۴۰ و ج ۲، ۴۸۳) اغلب دانشمندان نیز در بررسی تمدن و عوامل آن، دین را از عوامل و عناصر تمدن ساز به شمار آورده‌اند، این بدان جهت بوده است که تأثیر دین در جوامع بشری یک واقعیت غیر قابل انکار است. در دوران معاصر علی‌رغم تغییرات اساسی در جوامع و شکل‌گیری ساختارهای نوین اجتماعی، دین همچنان حضور مؤثر و چشمگیری دارد. بدین صورت که نمادهای دینی که

ساختار و قالب‌های حضور دین در جامعه را صورت‌بندی می‌کنند از اهمیت اساسی برخوردار می‌باشند. مسجد به عنوان کانون ابلاغ پیام و رسالت‌های الهی، مهم‌ترین نهاد دینی است. قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَيُخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ...» (احزاب/۳۹) و یا می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» ای رسول ما، آنچه از سوی خدا به تو وحی شده تبلیغ کن. به عبارتی تبلیغ، ابلاغ و رساندن یک فکر یا یک پیام به فکر و روح و خمیر و قلب کسی است. (مطهری ۱۳۶۱، ج ۱، ۲۱۰) به عبارتی تبلیغ یعنی جمیع اقدامات مؤثر در عقیده، تصور و تصمیم‌گیری انسان به گونه‌ای که انسان مشتاقانه به سوی آن هدف کشانده شود و دگرگونی در بینش و رفتار او ایجاد گردد. (رهبر، ۱۳۷۱، ۸۰) بر این اساس مسجد کانونی است برای انتشار و انتقال معارف دینی و ایجاد باورهای عمیقی که منجر به ایجاد دگرگونی و تأثیر در روحیات، افکار و رفتارهای انسان شود. (خندان، ۱۳۷۴، ۶۲) و با نظر به همین اهمیت و جایگاه است که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» (بقره/۱۱۴)

بر این اساس مقاله حاضر در نظر دارد با شیوه تحلیل اکتشافی، تأثیر مسجد را بر خانواده مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. برای رسیدن به این هدف مقاله در دو بخش صورت‌بندی شده است. در ابتدا کارکرد مسجد در خانواده مسجدی تحلیل شده است و در بخش نتیجه‌گیری هم ویژگی‌ها و امتیازات خانواده مسجد محور آمده است.

کارکرد مسجد در خانواده مسجدی

۱. صیانت درونی و بیرونی به چه معناست؟

صیانت یعنی حفظ یک شیء از آنچه بدان آسیب می‌رساند. (باقری، ۱۳۷۹، ص ۵۷) در آموزه‌های دینی صیانت معادل تقوا گرفته شده است. تقوا عبارت است از اینکه نفس تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نگردد. (صار التقوی فی تعارف الشرع حفظ النفس مما یوتر فی ذالک بترک المحذور و یتّم ذلک بعض المباحات) البته این محافظت دارای مراتبی است: در یک مرتبه فرد هنگام لغزش، قدرت محافظت ندارد بنابراین به لغزش تن می‌دهد. اما پس از آن بلافاصله خود را باز می‌یابد، استغفار می‌کند و بر لغزش خود اصرار نمی‌ورزد. «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ» (آل عمران / ۱۳۵) در مرتبه بالاتر صیانت هوشیارانه‌تر است و فرد به محض وسوسه لغزش به آن چیره می‌شود. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف / ۲۰۱) این حالت به هنگام فکر لغزش آشکار می‌شود. مرتبه بالاتر محافظتی است در حد بازبینی و اصلاح دستاوردهایی که فرد آن را توسط مراتب پیشین تقوا به دست آورده است. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (حشر / ۱۸) این مرتبه از صیانت ایجاب می‌کند که فرد با دقت در کیفیت اعمال صالح خویش به محاسبه بپردازد و آن را از حیث نقایص و عدم اخلاص مورد توجه قرار دهد و به اصلاح و جبران آن بپردازد. با توجه به این مراتب تقوا می‌توان گفت، تقوا مبدا است نه مقصد. با این توضیح؛ تقوا تلاش

مستمری است که دست کم مستلزم سه مقدمه شناختی است: شناخت عوامل تهدیدکننده و زمینه‌های خطر خیز، شناخت ظرفیت‌ها و امکانات اصلاحی و همچنین شناخت عوامل و روش‌های بازداري یا پیشگیری از خطر. البته این سه مقدمه اگر چه برای شروع صیانت لازم است ولی برای استمرار آن کافی نیست. صیانت علاوه بر خودآگاهی نسبت به تهدیدها، فرصت‌ها و روشهای اصلاحی و تدافعی در گرو عامل دیگری برای استمرار خود نیز است که عبارت است از: یادداری موقعیت خطرناک و غفلت نکردن از آن. (علم الهدی، ۱۳۸۴، ۲۷۳) براساس آنچه گفته شد توسعه تقوا به عنوان اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و دینی کانون توجه مساجد است. زیرا مساجد کانون ذکر الهی است چنانچه در سوره بقره آیه ۱۱۴ می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ...» ستمکارتر از اینها (قوم یهود) کیست که مانع می‌شود که در مساجد از اسم خدا یاد شود. اینجا اسم خدا مطرح است یعنی مساجد جای ذکر خدا است. و ذکر مستمر خداوند عامل اساسی در صیانت درونی و بیرونی است. در زیر به رابطه ذکر خدا و صیانت می‌پردازیم.

۱-۱. صیانت و ذکر خدا

بر اساس آیات قرآن کریم تقوا و تذکر با یکدیگر همراه هستند. تقوا موجب تذکر است و البته تذکر نیز زمینه تقوا را فراهم می‌آورد. «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ» (اعراف/ ۲۰۱) «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ» (بقره/ ۶۳) «وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (انعام/ ۶۹) شاید بتوان بر اساس این نوع آیات به نوعی هم‌عرضی یا ارتباط ایجابی عمیق میان تذکر و تقوا معتقد شد. چنان که توجه به آیه ۱۶۴ سوره اعراف که عذاب عهدشکنان را با عبارت «لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» تحلیل کرده است، همراه با آیه ۱۳۰ سوره اعراف که عذاب خاندان فرعون را با تعبیر «لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ» تحلیل کرده است، نشان می‌دهد که دو مفهوم تذکر و تقوا کاربرد مشابهی دارند. البته مفهوم ذکر صرفاً واژگان خاص یا تکرار آن واژگان خاص نیست. بلکه منظور از آن توجه کامل به موقعیت منحصر انسانی و یادداری عناصر ویژه‌ای که در آن موقعیت است می‌باشد. منظور از یادداری، یادداری نعمت‌های الهی اعم از طبیعی، اجتماعی است. بر این اساس آنچه که در سوره بقره ۴۷ و ۹۳ بر بنی اسرائیل گذشت یادداری نعمت‌ها برای شکر و نعمت‌ها برای پرهیز از عصیان در این موقعیت‌ها و

پیش‌بینی خطر در موارد مشابه است. بنابراین ضرورت عقلی ایجاد می‌کند برای پیشگیری از ابتلای به نعمت‌های اجتماعی مشابه، مانع از پیدایش عوامل و زمینه‌های آنان شوند. ولی یادداری نعمت‌های اجتماعی موجب سپاس است و احتمالاً ذکر در این نوع آیات معنای شکر را افاده می‌کند. چنان‌که مقایسه تعبیر «لعلکم تذكرون» (اعراف/۵۷) با تعبیر «لشکرون» (اعراف/۵۸) نشان می‌دهد که شکر خداوند روزی دهنده معطوف به یادداری نیاز مستمر انسان به روزی‌های او در نتیجه اطاعت او امر اوست و ذکر خداوند حیات بخش نیز با یادداری نیاز مستمر انسان به حیات بخشی او معطوف است که در نتیجه به اطاعت او امر الهی منتهی می‌شود. (علم‌الهدی ۱۳۸۴، ۹۲ و ۲۳۱) از طرفی ذکر با برخی مفاهیم در تضاد است مثل تضاد ذکر با غفلت: «وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِغْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا» (کهف/۲۸) یا شقاوت و ذکر: «أَفَنَسَىٰ شَرَحَ اللَّهِ صَدْرُهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِیَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِکْرِ اللَّهِ أُولَٰئِکَ فِی ضَلَالٍ مُّبِینٍ» (زمر/۲۲) یا مفهوم اسراف: «أَفَنَضْرِبُ عَنْکُمُ الذِّکْرَ صَفْحًا أَنْ کُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِینَ» (زخرف/۵) و یا فساد و با محبت غیر خدا (اعراف/۷۴) و نسیان: «فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُکِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَیْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَیْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ». (انعام/۴۴) البته ذکر بیانگر آن است که باید آنچه را که به آن علم داریم برای ما باز گفته شود. زیرا دشواری‌های انسان همزاد نادانی او نیست. پاره‌ای زاده نادانی و پاره‌ای دیگر زاده علم است و پاره‌ای زاده نسیان؛ آنچه مایه هبوط انسان شد نادانی نبود. زیرا او همه علم را داشت؛ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ کُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِی بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِنْ کُنْتُمْ صَادِقِینَ» (بقره/۳۱) آنچه نداشت ذکر بود و همین عامل و سوسه‌پذیری عزم او شد؛ «وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَنَسِیَ وَلَمْ یُحِذِّکْهُ عَزْمًا» (طه/۱۱۵) ما پیشتر با آدم عهد کردیم اما او فراموش کرد و او را عزمی نیافتیم. پس تذکر دو گونه ثمر دارد: علم فراموش شده را به یاد می‌آورد و علم فراموش نشده اما بی‌خاصیت را زنده می‌کند و بر می‌انگیزد: «وَذَرِ الَّذِینَ اتَّخَذُوا دِینَهُمْ لِبَاءًا وَهُوَآءُ وَغَرَّتْهُمُ الْحَیَاةُ الدُّنْیَا وَذُکِّرَ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا کَسَبَتْ لَیْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِیٌّ وَلَا شَفِیعٌ وَإِنْ تَعْدِلْ کُلَّ عَدَلٍ لَا یُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَٰئِکَ الَّذِینَ أُبْسِلُوا بِمَا کَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِیمٍ وَعَذَابٌ أَلِیمٌ بِمَا کَانُوا یَکْفُرُونَ» (انعام/۷۰) و آنان را به قرآن تذکر ده مبادا که کسی به کردار ناپسند خویش در معرض هلاکت قرار گیرد. البته مهم‌ترین مطلب در ذکر دریافت توحید حضوری است

یعنی دریافت این واقعیت که عالم محضر خداست. آگاهی نسبت به حضور خدا غفلت زدایی و به طور مستقیم حرمت نگه داشتن در محضر خدا را در پی دارد. نیل به توحید حضوری یا توجه یا یادداشتن موقعیت ویژه انسان در محضر خدا در گرو دو اقدام اساسی است که عبارت است از: «طرده استقلال جهان در سایه گسترش نگرش آیه‌ای به جهان» و «طرده استقلال خویشتن در پرتو توسعه توجه به فقر ذاتی خود» البته باید توجه داشت که پایین‌ترین مرتبه ذکر، ذکر لفظی است و بالاترین مرتبه آن ذکر قلبی که با طمأنینه در قلب انجام می‌شود و تحول در سلوک انسان به وجود می‌آورد.

خانواده اهل مسجد با حضور در خانه خداوند و اقامه نماز نیرو و جان تازه می‌گیرد و خود را پیوسته در محضر خداوند می‌یابد و از این که در محضر الهی معصیت نماید شرمسار می‌گردد. در واقع انس با مسجد عامل بازدارنده از انحرافات در آنها می‌شود. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که با مسجد انس گیرد، خدای تعالی نیز با او انس می‌گیرد.» خانواده مسجدی که خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خود می‌داند پیوسته اهل مراقبت از خویشتن است و به محاسبه نفس خود می‌پردازد و از زشتی‌ها و منکرات دوری می‌گزیند؛ در مقابل معاصی مقاومت می‌کند و ردیلت‌ها و انحرافات چون آشفتگی، حرص و آز، تندى خشم و چیرگی حسد و ضعف شکیبایی و کمی قناعت و خواب غفلت و ترجیح باطل بر حق و اصرار بر شهوت و تند خویی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با راه راست و اصرار بر گناه و کوچک شمردن معصیت در او تکانده می‌شود (صحیفه سجادیه، دعای هشتم) و از زشتی منکرات به دورند: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/۴۵) البته آن ذکرى که باردار از فضیلت است، ذکر مستمر می‌باشد.

۱-۲. استمرار ذکر

ذکر مستمر ذکرى است که فرد فکر و اندیشه خویشتن را متمرکز بر عالم قدسی جبروت کرده است. ذکر از حیث استمرار و تداوم آن در سوره انفال آیه ۴۵ آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر گاه با قوم دشمنی مواجه شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته به یاد آرید باشد که رستگار شوید. یا در سوره جمعه آیه ۱۰ می‌فرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» پس آنگاه که نماز پایان یافت باز در پی کسب و کار خود روی

زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا روزی طلبید و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار شوید و یاد در اعراف آیه ۲۰۵ می فرماید: «وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ» همواره یاد خدا را در دل و نام او را بر لب آرام و آهسته در هر بامداد و شامگاه جاری کنید. این جمله کنایه از استمرار است بدین معنا که یاد مداوم خدا غفلت زدایی می کند و انسان را تطهیر می نماید، یک راه ذکر مستمر، موعظه حسنه است.

قرآن کریم در سوره نحل آیه ۱۲۵ می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِهِمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ.» مردم را با موعظه حسنه به راه هدایت دعوت کنید. این سؤال مطرح است که چه نوع موعظه ای حسنه است و در چه صورتی در مخاطب اثر نافذ دارد. قرآن کریم در سوره فصلت آیه ۳۳ می فرماید: «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.» در این آیه ذکر شده است که دعوت دیگران به راه خدا هنگامی شایسته و خوب است که مبتنی بر عمل صالح و اعتقاد سالم باشد،^۱ پس پند و موعظه دیگران هنگامی اثر گذار است که گوینده خود عامل باشد و عمل او بر خاسته از اعتقاد و التزام نسبت به حق باشد، اگر ویژگی نخست موجود نباشد موعظه لقلقه ای بر زبان است و همچنان که تنها بر زبان گوینده لغزیده است، تنها بر قشر وجود شنونده می لغزد و نه بیش: «إِنَّ الْعَالَمَ إِذَا كَمَّ يَعْمَلُ بِعَمَلِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرَعْنَ الصَّفَا» (الحیاه، ج ۱، ۱۱۳) هرگاه عالم به علم خود عمل نکند موعظه اش از دل ها فرو می چکد چنان که باران بر سنگ صاف می لغزد. (باقری ۱۳۷۹، ۱۴۷)

۲. توسعه طهارت در زندگی

طهارت به معنی وسیع شامل اعتقادات، اخلاق و اعمال می گردد. به عبارتی استعمال واژه های طهارت و نجاست در قرآن از حد محسوسات فراتر رفته و همین معنی محسوس، برای امور معقول اعتبار شده است. بنابراین در اسلام، بر همه معارف و اصول اخلاقی و احکام مسئله طهارت و نجاست ناظر هستند. در اسلام اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده است لذا طهارت یا حیات طیبه «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل/ ۹۷) به معنای زندگی پاک

۱ - در تفسیر المیزان آمده است که مقتضای سیاق آیه این است که «قال» در انتهای آیه به معنی رأی و اعتقاد گرفته شود.

است که جمیع شئون انسان را در بر می گیرد. از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری- عقلی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی. به عبارت دیگر حیات طیبه نوعی زندگی است که انسان در ارتباط با خدا به آن دست می یابد و برای دست یافتن به آن در همه ابعاد وجود اعم از جسمی، اندیشه و اعتقاد، از پلیدی برکنار خواهد بود. انسان طیب جسمش را از هر ناپاکی حفظ می کند و به سلامت و قوت جسمی خود می پردازد. در عرصه اندیشه دارای اعتقاد صحیح و استوار است و از تصورات موهوم و شرک آمیز به دور است، و به درک توحیدی از هستی نایل می آید، به خداوند ایمان دارد و در عرصه گرایشات از وسوسه که نوعی تحریک شیطانی است خود را بر حذر می دارد. (مائده/ ۹۱) «إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ»

در حقیقت کسانی که از خدا پروا دارند، تا وسوسه ای از جانب شیطان به ایشان رسد خدا را به یاد می آورند و بی درنگ بینا می شوند. به عبارتی گرایشات درونی خود را به صورت اخلاقی به قصد قربت ضبط و مهار می نمایند. در عرصه نیت و اراده، در حیات طیب، نیت ها پاک و مطهر است چنان که در قرآن آمده است: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص/ ۸۳) آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام خوش از آن پرهیزگاران است. و در همه اعمال و رفتار اعم از فردی و جمعی از پلیدی دوری می جویند چنان که در سوره مائده آیه ۹۰ می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بت ها، تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطانند پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. یا چنان که در سوره نور، آیه ۲۳ الی ۲۶ می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَخْصِنُونَ الْعَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۲۳) يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۲۴) يَوْمَئِذٍ يُوفِّيهِمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِين (۲۵) الْحَبِيبَاتِ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتِ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (۲۶)» دامن خویش را از زنا پاک می دارند، از فقر و فحشا، تعدی، خشم و ستم به دورند. به طور کلی می توان گفت در این نوع از زندگی مبدأ و غایت حقیقی جهان را باز می شناسند و به او می گروند و در عرصه جسم به پاکی، سلامت و قوت نائل می گردند. گرایش ها و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کنند، اراده معطوف به خیر

می‌یابند و در عرصه فردی و جمعی عمل صالح انجام می‌دهند و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می‌گسترانند. (باقری ۱۳۸۰، ۱۱۱) یک راه طهارت سکنا گزیدن در مسجد است.

۲-۱. سکنی گزیدن در مسجد

سکنی گزیدن در مسجد انسان را از هر گونه آلودگی تطهیر می‌کند: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره/۱۲۵) به یاد آر هنگامی که ما خانه کعبه را مقام امن و مرجع امن دین خلق مقرر داشتیم و دستور داده شد که مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهیم و از ابراهیم و فرزندش اسماعیل پیمان گرفتیم که حرم خدا را از بت بزداید و از هر پلیدی پاکیزه دارید برای اینکه اهل ایمان به طواف و اعتکاف حرم بیایند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آورند. سکنی گزیدن در مسجد اثر دوسویه بر انسان دارد: از یک سو انسان طاهر وارد مسجد می‌شود «لا صلاة الا بطهور» (عاملی، ۱۱۰۴ق) یعنی نماز بدون طهارت تحقق نمی‌یابد به عبارتی کسی که می‌خواهد وارد مسجد شود و عبادت نماید و نماز گذارد با طهارت وارد مسجد می‌شود. (عاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۰، ص ۵۵) از سوی دیگر مسجد با اعطای معرفت و بینش و فراهم‌سازی فضای حشر و نشر با مؤمنین و صالحین انسان را طاهر می‌سازد. کسی که در مسجد معتکف است می‌آموزد که چگونه خود را در عرصه جسم و جان تطهیر نماید. سلوکی را می‌آموزد که برای طهارت و تعالی او مفید است. به عنوان مثال کسانی که در مسجد معتکف می‌شوند از لذایذ جنسی حلال و مانند آن پرهیز می‌کنند: «وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ» (بقره/۱۸۷) یقیناً از حرام نیز چشم‌پوشی می‌کنند. کسی که به فکر آن نیست تا غرایز خود را از هر راهی هر چند حلال ارضا کند. قهراً صفای ضمیر و طهارت روحی بهره‌او می‌شود. حضور در مسجد مایه تقرب است و تقرب به ذات احدیت مایه طهارت است. حکمت عبادات آن است که عابد معبود را در ضمیر خود مشاهده کند برای اینکه به مرحله مشاهده معبود W راه یابیم باید بر چشم و گوش و قلب خود کنترل داشته باشیم. (جوادی آملی، ۱۸۳-۱۹۲) به تعبیری دیگر مسجد جوانه محبت به خدا و دست یافتن به طهارت را در دل انسان می‌شکافد. با این استدلال که در شناخت، ما همیشه واسطه و دلیلی می‌خواهیم ولی در شناخت خدا، ما خدا را با خودش می‌شناسیم و نه با واسطه‌هایی «الهی یک عرفتک»، این شناخت در عبادات و در مسجد و با مانوس بودن با ادعیه اتفاق می‌افتد. در دعای ابو حمزه می‌خوانیم که خدایا

معرفت من دلیل من است به سوی تو و محبت من شفیع من است به سوی تو. یا در دعای کمیل می خوانیم: «الهی وقلبی محبتک متیما» بارالها قلب مرا به محبت و دوستی خود بی قرار کن. یعنی از غیر خودت مرا وارسته ساز. یا در مناجات‌المحبین می خوانیم: خدا یا محبت تو را می خواهم و محبت کسی را که تو را دوست داشته باشد. پس نتیجه می گیریم از آنجا که مسجد کانون دعا و نماز و عبادت است پس مسجد کانون طهارت و معرفت و محبت است. در واقع خانه خدا انسان را از عمل پلید بدور می سازد. چنان که حضرت آسیه می فرماید: «وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةٌ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَخَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَخَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (تحریم/۱۱) و باز خدا برای مؤمنان آسیه زن فرعون را مثل آورد هنگامیکه عرض کرد «بارالها تو خانه‌ای برای من در بهشت نزد خودت بنا کن و مرا از شر فرعون و عملش و از قوم ستمکار نجات بخش.» از این آیه می توان استنباط کرد که در خانه خدا و در جوار رحمت او بودن انسان را از هر نوع عمل ناشایست محافظت می کند.

۲-۲. ارتقا معرفت دینی یا اعطای بینش

بینش نوعی معرفت یا آگاهی عمیق و گسترده‌ای است که آدمی را با واقعیت مورد نظر کاملاً پیوند می دهد و به معنای دگرگونی در تلقی افراد از امور و از جمله لوازم قطعی تغییر رفتارها و اعمال است. زیرا نوعی تلقی یا به عبارت دیگر نحوه ارزیابی امور یکی از مبانی موثر در نوع رفتارها و اعمال می باشد. بینش زمینه تغییر آفرینی در بسیاری از رفتارها و اعمال آدمی را فراهم می آورد. جاگرفتن بینش در ذهن انسان او را آماده به ظهور رساندن رفتار و اعمال تازه می کند. در آموزه‌های اسلامی بینش در مورد خدا، دنیا و انسان از عوامل مؤثر در ایجاد عمل صالح و توسعه فضایل شمار می رود. بینش انواعی دارد که عبارتند از:

۲-۱. بینش در مورد خدا

وقتی انسان در مورد خدا بینش پیدا می کند، با مبدأ گرفتن خدا، جهان را آنچنان که هست بزرگ می بیند و همه را در معرض فیض قیاض می بیند. بدین ترتیب از حسادت‌ها و بخل‌ها و حرص‌ها می رهد و این چنین رفتارهایی جای رستن در انسان نمی یابد. (باقری ۱۳۷۹، ۷۹)

۲-۲. بینش در مورد دنیا

بینش در مورد دنیا بدین معناست که انسان بداند مرحله‌ای ابتدایی از هستی و قشری کم

مایه از آن است که محصور در ضیق آن زندگی می‌کند و با الم و امل در آمیخته است. یعنی دنیا سرای الم است از آن رو که آن را با بلا در پیچیده‌اند «دارالبلا محفوفه». (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۶) دنیا گذرگاهی است که آن را در مسیر آتشفشان و سخره‌های لرزان کشیده‌اند. هیچکس از مؤمن و مشرک، بی بلا و دشواری از این گذرگاه نخواهد گذشت. اما بلای مؤمن از آن روست که او این گذرگاه صعب را برای رفتن به سوی خدا برگزیده است (مقر)، و بلای مشرک از آن روست که او در این مسیر خانه گرفته است (مقر). به همین دلیل بلا برای مؤمن امتحان است و او در امتحان صبر را بر خویش روا می‌بیند. اما برای مشرک «ادب» است: «ان البلا للظالم ادب وللمؤمن امتحان وللأنبياء ورجه وللاولياء كرامه» (مجلسی، ج ۶۴، ۲۳۵)، و با فزع همراه چه او در جایی خفت که باید از آن می‌گریخت. (باقری ۱۳۷۹، ۷۹) پس بلا را از دنیا نمی‌توان برکند، بود و نبود بلا را نمی‌توان برگزید اما نوع آن را می‌توان. با چنین بینشی بلا در دنیا اصالت دارد و از صدفه بر نخاسته است.

درگیری با بلا حتمی است، پس باید خود را آماده کرد و به استقبال آن رفت و یا با غافلگیری به آن تن سپرد. در این میان مؤمن با بلا درگیرتر است. این قضای الهی است که مقرب‌تران جام بلا بیشتر بستانند. قال ابو عبدالله: «لَوْنُ مُؤْمِنًا كَانُ فِي قَلْبِهِ لُبْعَةُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ مِنْ يَوْذِيهِ لِأَجْرِ عَلِيٍّ ذَلِكَ». (مجلسی، ج ۶۴، ۲۲۸) دنیا را سرای الم دیدن آمادگی برای پذیرش دشواری‌ها و رنج‌ها را در انسان بوجود می‌آورد و صبر در شدائد و قدرت رویارویی با مشکل را میسر می‌گرداند: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْحُونَ مِنْ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» (نساء/ ۱۰۴) نیمه دیگر رخسار دنیا امل است و از این روست که خداوند دنیا را زینت‌دهی ساخته است و زمین کانون حیات دنیا را با زینت‌ها آراسته است: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (کهف/ ۷) به علاوه شیطان نیز در این زینت‌دهی ماذون است تا به تزیین بپردازد و زشتی‌ها را زیبا جلوه دهد: «قال رب بما أغويتني لأزينن لهم في الأرض ولأغوينهم أجمعين». (حجر/ ۳۹) حیات دنیا با چنین خصیصه‌هایی امل‌ها را برمی‌انگیزد و در وسعت این آرزوهای بلند، چهره‌ای فربه از خویش بدست می‌دهد. اما قرآن می‌آموزد که دنیا چهره‌ای نحیف و نزار دارد: «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى وَلَا تَظْلُمُونَ فَتِيلًا» (نساء/ ۷۷) بگو کالای دنیا اندک مایه است و آنچه آن را فربه می‌سازد آرزوهای آدمی است. قرآن با چنین بینشی در مورد دنیا زمینه دگرگونی و تحوّل را در انسان فراهم می‌آورد. بدین معنا که با دریافت این که دنیا سرای امل است و

کالای آن در زر ورقِ آرزو پیچیده شده است، انسان را در معامله هوشیار می کند تا برای آن بهایی گزاف نپردازد و جلوه های آن را جدی نگیرد و به گرفتن نصیب خویش کفایت کند: «وَاتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (قصص/۷۷) و به چیزی که بقا و صلاح در آن است یعنی عمل صالح دل ببندد. در این معنا است که دنیا مزرعه آخرت شمرده می شود و اگر کسی در آن بذر عمل صالح بپاشد ثمره پایدار و باقی پیش رو خواهد داشت.

۲-۳. بینش در مورد حقیقت انسان

انسان هزار جلوه دارد در هر موقعیت به گونه ای است و در هر زمان به رنگی، اما هرگاه انسان جلوه معینی از خویش را حقیقت خود ببیند، این گمان با حالات، اعمال و رفتارهای معینی از او متناسب است. از همین جهت است که تصحیح بینش انسان درباره خویش مهم است. انسان ممکن است از خود بیگانه شود و به خویشتن و همی برسد که به مدد خیال بر پامی شود. قرآن چنین انسانی را (مختال) می نامد یعنی انسانی پرداخته از خیال: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا» (نساء/۳۶) اما حقیقت انسان وجود محتاج اوست: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر/۱۵) و باید به غیر خود تکیه کنید.

این بینش انسان را بصیر می کند که اگر آنچه بر دست و دل دارد در پیوند با خدا نبیند جزء این ناتوان می گردد. بر این اساس هرگاه انسان احساس بی نیازی یا استغناء کند یا احساس نیازمندی به غیر خدا کند از حقیقت خویش باز مانده است و از خدا و خویش مستور است و با خویشتن مجازی زندگی می کند. قرار و آرام پایدار انسان هنگامی جلوه می کند که او خود را در ارتباط با خدا ببیند: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸) مسجد جایی است که این بینش را به انسان می دهد زیرا یکی از کارکردهای آن غیر نماز خواندن و ذکر خداوند گفتن، بحث علمی کردن است. چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ابوذر در مسجد هر وقت نشستی بجزء برای سه چیز بیهوده است: نماز خواندن، ذکر خدا گفتن و بحث علمی کردن. (بحار، ج ۹۳، ۳۷۰) البته باید این بینش ها به باور درونی تبدیل شود تا منشاء اثر در عمل باشد.

۲-۴. تبدیل بینش به باور درونی یا ایمان

باور و اعتقادی که عمیقاً در وجود انسان رسوخ می یابد ایمان است. ایمان گره و عقد

قلبی است، گاه در احادیث گفته می‌شود که ایمان عبارت است از اعتقاد قلبی، اقرار به زبان و عمل با اعضا و جوارح. اقرار به زبان و عمل دلیل و علامت ایمان هم تلقی می‌شود. ایمان ناگهانی و ندانسته و نخواستۀ در قلب جای نمی‌گیرد. خلق الساعه نیست، بلکه فعل ارادی و اختیاری است که هم دانسته است و هم خواسته. پس ایمان بر بستر بینش‌ها و دانسته‌ها می‌روید. برای ظهور ایمان در کسی باید بینش‌های مورد نظر، در وی فراهم آید.

مثل تلقی او از هستی، زندگی دنیا، حقیقت وجود انسان، مرگ و پس از آن و مانند آن، علاوه بر این دانسته‌ها باید عزمی در آدمی سر بر آورد تا ایمان در قلب او نفوذ کند. بر این اساس با تکیه بر بینش‌ها، جنبشی در عزم آدمی پدید آید و به این ترتیب بینش‌ها به عقیده یا همان باور درونی تبدیل می‌شود. قرآن کریم این روش را مکرر مورد استفاده قرار داده است تا با تکیه بر عطای بینش، باوری درونی و ایمانی راسخ در افراد بوجود آورد. «آنانکه کفر می‌ورزیدند چنین پنداشتند که هرگز مبعوث نخواهند شد. بگو چرا! سوگند به خدایم که بی‌تردید مبعوث خواهید شد. سپس به حتم به کردار هایتان آگاه خواهید شد و این بر خدا آسان است پس به خدا و رسول او و نوری که در آیات قرآن فرستادیم ایمان بیاورید و خدا بر آنچه می‌کنید آگاه است» (تغابن / ۸ و ۹) در این آیات با تکیه بر بینش‌های مربوط به مرگ و پس از مرگ و احاطه علمی و عملی خداوند بر هستی در پی تحوّل باطنی یا ایمان و اعتقاد درونی است. به عبارتی ایمان در یک مرحله به قلب، «داخل» «قالت الاعراب امنا قل لم تؤمنوا ولكن قولوا اسلمنا ولما ندخل الايمان في قلوبكم.....» (حجرات / ۱۴) و در مرحله دیگر در آن «ثابت» می‌گردد: «لَا تَحْجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ...» (مجادله / ۲۲) «خداوند ایمان را در دل‌های آنها ثابت کرد». در ایمان شما مرحله اول مورد نظر نیست، زیرا ایمانی که در قلب وارد می‌شود در معرض آن است که از آن خارج شود؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَرَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ سَبِيلًا». (النساء / ۱۳۷) از این رو برای ثابت کردن ایمان به روش‌های دیگری باید تمسک جست:

- پیوستگی سلوک ظاهری با نیت‌های درونی

تأثیر و تأثر پیوسته و مستمر اعمال و سلوک ظاهری و افکار و نیت درونی حاصلی در انسان پدید می‌آورد که بتدریج در اعماق وجود نشست می‌کند و رفته رفته با رسوب بیشتر سخت و دیرپا می‌شود. بدین گونه لایه زیرین یا اعتقاد درونی در باطن انسان شکل می‌گیرد.

- استمرار و صیانت بر عمل

استمرار ناظر بر کمیت رفتار است و محافظت و صیانت ناظر بر کیفیت عمل. یعنی همراهی توأمان، استمرار و محافظت بر عمل ضروری است. زیرا استمرار بدون محافظت سازنده، عاداتی سطحی و خشک است و محافظت بدون مداومت و استمرار اصلاً سازنده نیست. چه «حالی» است که هر چند بسیار متعالی باشد زایل خواهد شد. قرآن کریم از نوسان‌پذیری انسان می‌گوید که در مواجهه با ناگواری، نالان و درمانده و در مواجهه با گوارائی خودخواه و انحصارگر می‌شود. مگر کسانی که بر نماز خود مداومت می‌ورزند: «الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ» (معارج/ ۲۴-۲۳). کسی که به خدا ایمان دارد از نیروی بالقوه‌ای در درون خود برخوردار است که در حال سکون حتی از خود او نیز پنهان است، اما اگر این نیرو به جنبش در آید مظهر تحولات درونی عظیم و اقدامات چشمگیر خواهد شد. در پی چنین جنبشی است که حاصل آن احساس تکلیف و برانگیختگی عمیق درونی است که امکان ایستادگی در برابر فشارها و مقتضیات محیطی و بلکه حرکت در برابر آن را فراهم می‌آید. احساس تکلیف نه تنها مؤمن را قادر به انجام تکالیف دشوار می‌سازد، بلکه او را حتی بر مهار زدن به امواج خفیف درونی توانا می‌گرداند. احساس تکلیف و ایمان، توان بند زدن به طغیان‌های بی‌مهار را فراهم می‌آورد. (باقری ۱۳۷۹، ۱۰۸-۱۰۹) توجه به عمل و تکرار برخی اعمال در شریعت اسلام، به خاطر اتّحادی است که نفس با حالات و صفاتی دارد که در نتیجه تداوم آن اعمال حاصل می‌شود. این اتّحاد سبب پیدایش صورتی متلائم با آن صفات در انسان می‌شود و تثبیت این صفات در نهایت، ذات انسان را حقیقتاً فرشته، شیطان یا حیوان و حتی انسان کامل می‌کند. (جوادی آملی، ص ۳۵۹)

تداوم اعمال نیک با استمرار پرهیز از اعمال سخیف به خودی خود یک فرایند مستمر جهت کسب معرفت است. البته انجام فرایض و مستحبات یا پرهیز از معاصی در جریان تزکیه موجب انباشت صفات نیک در کنار یکدیگر نمی‌شود، بلکه نفس را که حقیقت متغیر و نامعینی است به صورت «لبس بعد لبس» دچار تحول می‌سازد. طی چنین تغییری اندیشه یا صفتی نو بر اندیشه یا صفت قبلی سوار شده و فعلیت با صورت نوعی جدیدی برای نفس بوجود می‌آورد و در نهایت فعلیت آخرین که حاوی عناصر فعلیت‌های پیش است و مبتنی بر آنهاست، همان صورت نهایی فرد را تعیین می‌کند. (الاسفار الاربعه، ج ۹، ۶۱-۶۰) بر همین اساس است که قرآن در آیه «فَزَادْهُمْ اللَّهُ إِيْمَانًا»، فزونی را به جان مؤمن نه به ایمان او نسبت

می‌دهد؛ «فَزَادَهُمُ اللَّهُ إِيْمَانَهُمْ» یا اجر عظیم را به نفس نیک نه عمل نیک متعلق می‌داند. «وَإِنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمْ أَجْرًا عَظِيمًا» (احزاب/ ۲۹) یعنی عمل صالح فارغ از نفس مؤمن سبب نجات از خسران یا جلب اجر عظیم نمی‌شود. آنچه زیادت یا نقصان می‌یابد نه عمل صالح است نه صفات صالح، بلکه حقیقت جان انسانی است. اعمال نیک مقدمه برای تکوین نفس نیک است. (علم الهدی ۱۳۸۴، ۱۶۳-۱۶۲)

البته یک راه تضمین استمرار و محافظت از عمل، فریضه‌سازی است. فریضه امری است که به هر حال باید انجام پذیرد «الزامی بودن» حکم و رعایت شرایط معینی که برای آن قرار داده شده مداومت و محافظت بر عمل را میسر می‌سازد. روش فریضه‌سازی در قرآن کریم متعدد بکار رفته است؛ «سُورَةُ أَنْزَلْنَاهَا فَرَضْنَاهَا...» (نور/ ۱۴) توصیه شده است که همت‌ها مصروف حفظ فرایض شود و هر چه مایه آسیب به آنها باشد کنار گذاشته شود.

۳. مسجد و معرفت

مسجد در سوق دادن افراد به سمت شناخت و معرفت عمیق دینی در پرتو عقلانیت به عنوان یک نهاد دینی سهم اساسی دارد. قبل از بیان نقش مسجد در توسعه معرفت دینی باید گفت معرفت انسان به خود شامل شناخت روح و جسم و تبع آن دریافت معنای غنا و تغییر و بقا و شرافت می‌شود. با آگاهی از موانع، دشمنان، ظرفیت‌های انحرافی نفس، چگونگی برانگیختگی آنها، استعدادها و ظرفیت‌های دانشی و گرایشی نفس موجبات تدبیر، زمینه‌یادگیری را از طریق تزکیه و تعلیم فراهم می‌آورد. همچنین معرفت نفس موجبات تدبیر ظرفیت‌های گرایش و دانشی را از طریق تسلط بر هوای نفسانی و توسعه ظرفیت‌های هدایتی آن (اخلاق و عبادات) تدارک می‌بیند. حال آنکه جهل و نادانی نسبت به نفس سبب ابتلای به اعمال سوء و تکوین شاکله سوء و تن دادن به هوای نفس است؛ «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا» (فرقان/ ۴۳) مسجد از طریق حذف عوامل و موانع درونی یعنی آن رشته عوامل و موانعی که به بینش، گرایش، توانایی و رفتار خود فرد باز می‌گردد مثل غفلت و عوامل بیرونی یعنی عوامل و موانعی که به واسطه ارتباطی که انسان با انسان‌های دیگر یا با خداوند یا با طبیعت دارد در او اثر کند، نقش آفرینی می‌نماید.

۴. مرزشناسی و شناخت حدود الهی

مسجد مرکزی است برای آشنایی با مبانی فقهی و احکام دینی مبانی اعتقادی و

فرهنگ‌سازی دینی و زدودن انواع جاهلیت‌ها از طریق مرتفع کردن نقایص معرفت دینی و اصلاح اختلالات احتمالی معرفتی و ارتقاء معرفت‌های نوین و تعدیل دانش و گرایش. بدین معنا که فرد با شناخت حدود و قوانین شریعت حق و دست یافتن به شناخت درست نسبت به حلال و حرام و فضیلت‌ها و ردیلت‌ها می‌تواند معنویت را در خویش رشد دهد. زیرا هر کس از علم بیشتری برخوردار باشد در مقام شناخت امکان بیشتری برای عقل ورزی دارد. به عبارت دیگر: احاطه علمی و برخورداری از اطلاعات گسترده، این امکان را برای فرد فراهم می‌آورد که موارد بیشتری برای ترکیب و مقایسه مطالب در اختیار داشته باشد. بنابراین به شناخت عمیق‌تر یا بازشناسی دقیق‌تری دست یازد. اطلاعات و آگاهی‌های گسترده، به عبارتی مانع از آن می‌شود که فرد به نتیجه‌گیری‌های خام پیردازد.

۵. فضا سازی تعاملی

انسان در بین موجودات هستی، تنها مخلوقی است که فعلیت تمام عیار ندارد و قادر است صورت‌های متفاوت و گوناگونی را بپذیرد، صدر المتألهین می‌گوید: «بدان که در هیچ نوع از انواع موجودات اختلافی که در افراد بشریت یافت می‌شود وجود ندارد و این بدان سبب است که ماده انسانی به گونه‌ای آفریده شده است که در آن استعداد انتقال به هر صورتی از صور و اتصاف به هر صفتی از صفات تحقق دارد.» (شیروانی، ۱۳۷۷، ۳۶) از سوی دیگر آدمی همزمان دارای هویت‌های طولی و عرضی، فردی و جمعی متعدد است که گاه در وضعیت متعارض قرار می‌گیرند. هویت فردی انسان برخاسته از فضای خصوصی و درونی او، دارای اقتضائات درونی و موقعیت آن استعدادها نسبت به فضای عمومی و به عنوان عضوی از گروه مذهب، قبیله، ملت و... بوده و دارای خواسته‌های جمعی متناسب با آن فضای و نحوه قرار گرفتن او در آن فضا و میزان تجلی یافتن خواسته‌های آن فضا در اوست. (خیری، ۲۱۴ و ۲۱۹) از طرفی طبق آموزه‌های اسلامی انسان بریده و مجزا از دیگران در نظر گرفته نشده است، بلکه رابطه او با جمع و امتی که در آن زندگی می‌کند به منظره وجهی اساسی از هویت او در نظر گرفته شده است بدین معنا که شکل‌گیری هویت او به نوع روابطی که با اطرافیان خود برقرار می‌کند بستگی اساسی دارد؛ از این رو راه و رسم جمعی که در آن زندگی می‌کند و با آنان حشر و نشر دارد اهمیت می‌یابد؛ زیرا انسان‌ها با شرکت در روابط معینی با یکدیگر هویت جمعی خویش را می‌سازند از این رو در هر جمع و امتی قرار گیرد و در آن دوام

آورد و با آن همراه شود خود را در شبکه معینی از روابط متقابل قرار داده به این سبب هویت جمعی در وی شکل می گیرد. چنان که خداوند می فرماید «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَتَّبِعُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» (نساء/ ۱۴۰) «و البته (خدا) در کتاب (قرآن) بر شما نازل کرده که هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن در آیند چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود، خداوند منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.» نتیجه می گیریم که انسان با قرار گرفتن در ارتباط متقابل با جمع و گروهی معین و دوام آوردن در این ارتباط، نفس خود را در معرض نوعی شکل گیری قرار می دهد که متناسب نوع ارتباط او با جمع مذکور خواهد بود. از سویی انسان به سبب اتحاد نفس و بدن در وضعیت های مختلف محیطی در معرض حالت ها، احساس ها و افکار معینی قرار می گیرد. این امر در مورد شرایط زمانی و مکانی است. در مورد مکان ها گاه مقارنت رخداد معینی با مکان معین ویژگی خواص به آن می بخشد و آن را منشاء آثار ویژه ای می گرداند. فی المثل سرزمین حجاز نقطه ای است که خداوند آن را برای بنای اولین خانه مردم جهت توجه و عبادت معین فرموده است و از این رو کعبه مکانی بس شریف است که خداوند آن را حرم امن نامید «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَقْبَالَ بَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ» (عنکبوت/ ۶۷) و به آن سوگند خورد و گذشته از شرایط زمانی و مکانی از قدرت چشمگیری برخوردار است. در همین قدرت است که افراد هم سنخ به هم می گرایند و از ناهم سنخ پرهیز می کنند و به سبب همین قدرت است که اگر فردی با جمعی معین محصور باشد رفته رفته به سنخ آنان در می آید. (نساء/ ۱۴۰) در سخن حضرت امیر علیه السلام خوانده ایم که نادر است فردی خود را به قومی شبیه سازد و از آنان نگردد. از این رو تشبیه به کفار حرام است و به ورطه کفر می انجامد و خداوند از نشستن با کفار باز داشته است و درباره هر که به آن تن دهد حکم به همانندی کرده است. بر اساس تأثیر پذیری انسان از شرایط مختلف محیطی اعم از شرایط زمانی و مکانی و اجتماعی ریشه برخی از افکار، نیات و رفتارهای آدمی را باید در شرایط محیطی او جستجو کرد، زیرا حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت ها می روید و از آنها ارتزاق می کند. از این رو شرایط و موقعیت های مختلف حامل بالقوگی های متفاوتی در شکل دهی حالات و اعمال انسان ها هستند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و شرایط به مثابه عامل تسهیل کننده ای

است که امکان شکل‌گیری‌های مطلوب را بالا می‌برد. پس با توجه به تأثیر شرایط مکانی در انسان، هر نقطه‌ای از هستی رنگ و بوی ویژه‌ای دارد و انس با هر موقعیتی حال و هوای معینی در انسان پدید می‌آورد. روابط فرد با موقعیت‌های مکانی انسان را در معرض اندیشه‌ها، افکار و حالات خاص قرار می‌دهد علاوه بر این شرایط مکانی دلیل مقارنت با امور و وقایع، خود مبداء‌آثاری ویژه است. به عنوان مثال خانه کعبه که یادآور حضرت ابراهیم، اسماعیل و هاجر و حوادثی است که بر آنان گذشته، محل الهامات خاصی است و کسی که در این مکان حاضر می‌شود ولو تماشاچی باشد در معرض تأثیرات معینی قرار می‌گیرد. چنان که امام صادق (ع) فرمود: «ان الله تبارک و تعالی حوّل الی کعبه عشرين و مائه رحمه منها ستون للطائفین و اربعون للمصلّین و عشرون للنّاظرین» (کافی، کتاب حج، باب فضل النظر الی کعبه) «خداوند تبارک و تعالی و صد و بیست موج از رحمت خود را به سوی کعبه گسیل می‌دارد: شصت موج آن ویژه طواف کنندگان و چهل موج ویژه نماز گزاران و بیست موج ویژه کسانی است که دیده به کعبه بیاندازند.» نتیجه آن که حفظ و تحکیم روابط اجتماعی مؤمنانه بین افراد، ناراستی‌های آنان را به نحو متقابل در معرض تغییر و اصلاح قرار می‌دهد و امکان رشد و تعالی مؤمنانه را برای آنان فراهم می‌آورد. امیر المؤمنین (ع) فرمودند: «همنشینی با بدان، بدی بدنبال می‌آورد، همانگونه که باد بر چیز گندیده‌ای بوزد حامل بوی گند می‌شود» (تیمی در آمدی، ج ۵۸۴۹) و باز می‌فرماید: «همنشینی با هوا پرستان موجب فراموشی ایمان و حضور یافتن شیطان است.» (نهج البلاغه، خطبه ۸۵) امام صادق (ع) از رسول اکرم (ص) نقل کرد که فرمود: «با بدعت گذاران همراهی و همنشینی نکنید که نزد مردم از آنان خواهید بود.» (مجلسی جلد ۷۱، ۲۰۱) یا از رسول خدا (ص) نقل کرد که فرمود: «آدمی در آیین دوست و همنشین خود است.» (مجلسی، جلد ۷۱، ۲۰۱) یا امام صادق (ع) فرمودند: «به دیدار هم بروید تا دل‌هایتان نشاط گیرد و آنگاه سخنان و احادیث ما را یاد کنید. سخنان ما مایه مهربانی و صمیمیت شما خواهد گشت. اگر به این سخنان چنگ زنید به رشد و نجات می‌رسید و اگر آنها را واگذارید گمراه و نابود می‌شوید.» (شیخ کلینی ۱۳۷۹، ۱۰۱)

بر اساس آنچه گفته شد مسجدی که بر پایه تقوا باشد به دلیل نوع و کیفیت تعاملاتی که صورت می‌دهد هویت جمعی انسان را از دو وجه می‌سازد: یک وجه آن ناظر بر فراهم آوردن شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می‌برد و دیگری ناظر بر جلوگیری از شرایط اولیه‌ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش

می‌دهد. به عبارتی مسجد هر جا امکان لغزشی هست اعم از اخلاقی، اعتقادی، اجتماعی و... از آن پیشگیری می‌کند. حضور در مسجد، تلاوت قرآن، شرکت در مراسم عبادی، توجه به سخنان و نصایح امام جماعت و دیگر خطبا و فراهم سازی موقعیتی که مؤمنین یکدیگر را ملاقات نموده و احادیث اهل بیت (ع) را ذکر نمایند، انسان اهل مسجد را دارای هویت پایدار دینی نموده و اخلاق حمیده را در او توسعه می‌دهد. به طوری که به وضوح می‌توان تفاوت سلوک مسجدی را با دیگر افرادی که ارتباطی با مسجد ندارند دریافت و همین نوع سلوک در زندگی فردی و اجتماعی او تجلی می‌یابد. رفتارش با پدر و مادر، با همسر و فرزندان رفتاری مؤمنانه مسئولانه به همان صورتی که از دستورات دینی آموخته همراه با عطوفت و مهربانی خواهد بود. چنان که خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (لقمان/ ۱۵) به عبارت دیگر بنده مؤمن بر اهل بیت خود علم و ادب نیکو به ارمغان می‌آورد تا همه آنها را وارد بهشت کند تا جایی که ایشان کوچک، بزرگ، خدمتکار و همسایه از این امر بر کنار نمی‌ماند. مسجد به اقتضای فضای هندی و جایگاه فرهنگی قدسی در فرد ظرفیت برای دریافت پیام دینی ایجاد می‌کند و کسی که به مسجد قدم می‌گذارد پیشاپیش و داوطلبانه و ارادی خود را آماده دریافت پیامی دینی می‌کند. حضور در زمان و مکانی مقدس آدمی را از دنیای روزمره و غیر مقدس فراتر می‌برد. (مجلسی ۱۳۴۸، ۳) در مسجد هم نشینان انسان را به یاد خدا و قیامت می‌اندازند و بر دانش انسان می‌افزایند. هنگامی که از رسول خدا (ص) پرسیدند که کدام همنشین بهتر است؟ فرمود: آنکه دیدنش شما را به یاد خدا بیاندازد. بر دانش شما بافزاید و رفتار شما را به یاد قیامت وادارد (من رسول الله ﷺ لمّا قيل له: یا رسول الله ای المجلساء خیر- من ذکرکم بالله رویتہ وزادکم فی علمکم منطقه و ذکرتم بالآخره عملہ) (الطوسی و الامامی، ۱۵۷)، امیرالمؤمنین (ع) هم فرمودند: «با اهل نیکی همنشینی کن تا از آنان باشی و از اهل بدی دوری کن تا از آنان نباشی.» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

به عبارتی دیگر مسجد با اسوه سازی نمونه سلوک مطلوب و مؤمنانه را عملاً در معرض دید مسجدی قرار می‌دهد بدینگونه موقعیت اجتماعی را فراهم می‌سازد تا فرد به پیروی از او بپردازد و حالت نیکویی، مطابق با آن عمل نمونه را در خویش پدید آورد.

چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَمِ هَدَاهُمْ أَقْتَدِهِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام/ ۹۰) آنان پیامبران کسانی بودند که خدا آنان را هدایت نمود

تو نیز به هدایت آنان اقتدا کن. بر همین اساس است که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «هر کس که به مسجد رفت و آمد داشته باشد به یکی از هشت ویژگی دست می‌یابد: برادری که در راه خدا از او سود برد، دانشی تازه، نشانه‌ای محکم، رحمتی که مورد انتظار است، سختی که او را از هلاکت باز دارد، سخنی را بشنود که او را به هدایت راهنمایی کند، گناهی را از روی ترس یا از روی شرم ترک کند.» (الصدوق، ۳۶۸، ج ۱۶) مسجد که کانون عبادت و نماز است انسان را در مقابل بسیاری از رذیلت‌های طمع، حرص، آز و مانند آن ایمن می‌سازد چنان که قرآن کریم ابتدا مفاصد طبیعی انسان را تشریح می‌کند. آنگاه می‌فرماید نماز گزاران از این رذایل محفوظند: «أَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا (۱۹) إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا (۲۰) وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا (۲۱) إِلَّا الْمُصَلِّينَ (۲۲)» (معارف/ ۲۲-۱۹) نماز انسان را از این رذایل محفوظ می‌دارد و تطهیر می‌کند و بسیاری از فضایل را برای انسان تحصیل می‌نماید. قرآن می‌فرماید نماز بخوانید تا یاد مرا زنده کنید: «واقم الصلوه لذكری» (طه/ ۱۴) یا یاد خدا دلها مطمئن و آرام می‌شود: «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (رعد/ ۲۸) پس دل نماز گزار مطمئن است و هرگز از غیر خدا نمی‌ترسد، هیچ دشمنی از درون و چه از بیرون نمی‌تواند موجب هراس او شود مسجد نوعی زیستن با آثار حیاتی و ویژه‌ای را به طرق زیر سامان می‌دهد.

تقویت فرهنگ رجوع جاهل به عالم

مسجد مکانی است که افراد به راحتی به عالم دسترسی دارند و می‌توانند عقاید و مسائل خویش را با او در میان بگذارند و از ظرفیت‌های علمی و اعتقادی و اخلاقی او بهره فراوان ببرند. در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسجد سه مأموریت داشت: عبادت، پاسخ به سؤالات و برنامه‌ریزی برای امور اجتماعی؛ که گفتگو و رجوع به عالم یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های آن است. در سیره اهل بیت علیهم السلام همچنین بوده که ساعاتی در مسجد به مسائل مردم پاسخ می‌دادند. البته منظور از عالم، عالم ربانیست یعنی عالم عامل، چنان که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مردم سه گروهند ۱. عالم ربانی (عالم عامل). ۲. متعلم علی سبیل نجات. ۳. همج رعایه یا سرگردان که عمدتاً دو گروه اخیر در مسائلشان به عالم ربانی رجوع می‌کنند»، در همه زمینه‌ها وقتی عالم به آسانی در دسترس مردم باشد مردم به خود اجتهادی نمی‌پردازند و از عرفی‌گرایی بدورند. منظور از عرفی شدن بدین معناست که مردم دیگر اهل تقلید از مرجع نیستند. هر کس به اندازه فهم خود از دین بهره می‌برد و بر اساس فهم خود هر چه از دین می‌فهمد عمل می‌کند و اهل احتیاط در دین هم نیستند و معتقدند

که امور دینی نیز لازم است مثل سایر امور اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن به روز گردد و هر زمان اقتضاء خود را دارد. در واقع مردم به سمت نوعی تساهل و تسامح دینی گرایش پیدا می کنند به گونه ای که دیگر تکلیف برایشان از اهمیّت لازم برخوردار نمی گردد، بلکه به نیّات درونی و پاک بودن منفک از سلوک رضا می شوند. بر این اساس در مسجد به دلیل اینکه مردم به عالم و فقیه متصلند و بی وقفه از فیض وجود او بهره مند هستند، فرصت و اکاوی عقاید را از طریق ابراز و اصلاح آن در محضر عالم می یابند و بدین طریق معرفت دینی آنها تقویت و تعالی می یابد و از عرفی گری به دور می ماند. البته در همین بخش هم متوقف نمی ماند و به دلیل مواجه بودن با مدل عملیاتی از سلوک مؤمنانه معرفت دینی به باور درونی و اعتقاد تبدیل می گردد و سلوک آنان را سامان می دهد و به همین دلیل امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «با دانشمندان همنشینی کن تا هم دانشت افزون گردد و هم ادبت نیکو شود.» (غرر الحکم، ح ۴۷۸۶)

۶. رشد فرهنگ تواصی به حق

منظور از تواصی به حق یعنی دعوت همگانی و عمومی به سوی حق به گونه ای که همگان حق را از باطل به خوبی بشناسند و هرگز آن را فراموش نکنند و در مسیر زندگی از آن منحرف نگردد. در قرآن کریم آمده است: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً (۳)» (عصر / ۳-۲) انسان ها همه در زیانند مگر کسانی که ایمان آورده اند و اعمال صالح انجام داده اند و یکدیگر را به حق سفارش کرده اند و یکدیگر را به شکیبایی و استقامت توصیه نموده اند. «ان الانسان لفي خسر» یعنی به طور مسلم همه انسان ها در زیانند سرمایه های وجودی خود را چه بخواهند و چه نخواهند از دست می دهند. خسر (بر وزن عسر) و خسران چنان که راغی در مفردات می گوید به معنای کم شدن سرمایه است، گاه به انسان نسبت داده می شود و می گویند فلان کس زیان کرد و گاه به خود عمل نسبت داده می شود و گاه ناظر بر سرمایه های بیرونی مانند مال و مقام است و گاه ناظر بر سرمایه های درونی مانند صحت و سلامت به عقل، ایمان و ثواب است.

این همان است که خداوند متعال به عنوان «خسران مبین» از آن یاد کرده است: «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ» (زمر / ۱۵) زیانکاران واقعی کسانی هستند که سرمایه وجود خود و خانواده

خویش را در قیامت از دست می‌دهند، بدانید این خسران مبین همین است. راه جلوگیری از این خسران ایمان و عمل صالح و توصیه همدیگر به این دو است. در این آیه ایمان به طور مطلق ذکر شده است تا شامل ایمان به همه مقدسات گردد و اعمال صالح نیز ناظر بر اعمال شایسته است. نه فقط عبادات بلکه هر کار شایسته‌ای که وسیله تکامل نفوس و پرورش اخلاق و قرب الهی و شریعت جامعه انسانی در همه زمینه‌ها شود. قرآن در این آیه صالحات را به صورت جمع آورده جمعی که با الف و لام همراه است و معنی عمومی دارد البته در این آیه عمل صالح و ایمان با هم آمده به گونه‌ای که لازم و ملزوم یکدیگرند. همچنین آمده است که: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل/۹۷) هر فرد از مرد یا زن عمل صالح انجام دهد در حالی که ایمان دارد ما آن را با حیات پاکیزه‌ای زنده می‌کنیم، و در سوره مؤمنون آیه ۱۰۰ نیز اصرار به بازگشت به عمل صالح دارد: «رب ارجعون لعلی اعمل صالحا فیما ترکت» از آنجا که ایمان و عمل صالح هرگز تداوم نمی‌یابد مگر اینکه حرکتی در اجتماع برای دعوت به سوی حق و خواست و معرفت آن از یک سو و دعوت به استقامت و صبر در طریق انجام این دعوت از سوی دیگر صورت گیرد. «تواصوا» از ماده «تواصی» در مفردات راغب به معنای آن است که بعضی، بعضی دیگر را سفارش به حق می‌کنند و حق به معنای واقعیت یا مطابقت با واقعیت است. تواصوا بالحق معنی بسیار وسیعی دارد که هم «امر به معروف و نهی از منکر» را و هم «تعلیم و ارشاد جاهل» را و «تنبیه غافل» و «تشویق و تبلیغ» به ایمان و عمل صالح را شامل می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ۳۰۲)

بدیهی است که کسانی که یکدیگر را به حق سفارش می‌کنند خود باید طرفدار حق و عامل به آن باشند و از آنجایی که بعد از مسئله شناخت و آگاهی هر کس در مسیر عمل در هر گام با موانعی روبه رو می‌شود اگر استقامت و صبر نداشته باشد هرگز نمی‌تواند احقاق حق کند و عمل صالح انجام دهد یا ایمان خود را حفظ نماید. صبر هم در این آیه به معنای عام به کار رفته که هم صبر بر اطاعت و هم بر مصیبت و هم بر معصیت را شامل می‌شود بر اساس آنچه گفته شد مسجد که جامعه کوچک مؤمنین است توصیه به حق و تقویت آن از ماموریت‌های محوریش محسوب می‌شود که در اثر تحقق آن مشکلات و آسیب‌های مهم زندگی فردی و اجتماعی سامان می‌یابد. البته قابل ذکر است که توصیه به حق هم

از جهت بعد معرفتی آن مدنظر است و هم از جهت عملیاتی کردن آن.^۱ در تشریح بحث معرفتی روایتی از حضرت امام صادق (علیه السلام) است که می فرماید: علمی که مردم باید داشته باشند چهار چیز است: ۱. علم به پروردگار و شناخت پروردگار تبارک و تعالی (بدان رب تو کیست). ۲. چه چیزی در تو قرار داده است؟ ۳. بفهمی که از تو چه می خواهد. ۴. بدان که چه چیزی تو را از دین خارج می کند. بحث اینک بدانیم چه چیزی از تو می خواهد ناظر بر تکلیف شناسی است. مسجد کانون شناخت تکالیف و وظایف است اهل مسجد یگدیگر را به حق و صبر توصیه می نمایند. از این رو در مسجد هم معرفت عرضه می شود و هم استمرار میابد و این استمرار است که باعث شود معرفت به باور درونی پایدار تبدیل شود و منشا سلوک مؤمنانه و صالح گردد.

۱. مبحث توافقی به حق از تفسیر آیت الله مکارم استفاده شده است.

نتیجه گیری

بر اساس مطالب پیش گفته خانواده مسجدی دارای ویژگی های زیر است:

۱. **آراستگی ظاهری و جسمی:** یکی از ویژگی های افراد مسجدی آراستگی ظاهری و جسمی است. اهل مسجد علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از جهت ظاهری و جسمی نیز باید در رفتن به مسجد، خود را آماده و آراسته نماید. بنابراین، پوشیدن لباس نظیف و تمیز، خوش بو کردن لباس و بدن و اصلاح سر و صورت از جمله وظایف خانواده ها در رفتن به مساجد است.

۲. **معرفت دینی عمیق:** برای رسیدن به تکامل، نخستین گام کسب «معرفت و بصیرت» یعنی نورانیت دل و دیده است. اهل مسجد تحت تأثیر مداوم موعظه حسنه و تذکر و دسترسی آسان به عالم، شناخت عمیقی نسبت به خود، خداوند، وظایف و تکالیف خویش دارند معرفتی که آنان را به سوی تن دادن به سلوک مؤمنانه و متعهد شدن به آن یاری می کند.

۳. **روحیه تکلیف مداری:** احساس تکلیف نه تنها مؤمن را قادر به انجام تکالیف دشوار می سازد، بلکه او را حتی بر مهار زدن به امواج خفیف درونی توانا می گرداند. احساس تکلیف و ایمان، توان بند زدن به طغیان های بی مهار را فراهم می آورد و اهل عافیت و عرفی گری نیستند.

۴. **اهل طهارت همه جانبه:** خانواده مسجدی گرایشات و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کند و اراده معطوف به خیر می یابد و در عرصه های فردی و اجتماعی عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت، عدالت و رافت در جامعه می گستراند و از پاکی و طهارت جسمی گرفته تا فکری-عقلی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی برخوردار است. جسمش را از هر ناپاکی حفظ می کند و به سلامت و قوت جسمی خود می پردازد. در عرصه اندیشه دارای اعتقاد صحیح و استوار دارد. در اندیشه و اعتقاد از تصورات موهوم و شرک آمیز بدور است و به درکی توحیدی از هستی نایل می آید به خداوند ایمان دارد در عرصه گرایشات از وسوسه که نوعی تحریک شیطانی است خود را بر حذر می داند.

۵. **اهل تحمل بلا و رنج:** با توجه به اینکه خانواده مسجدی دنیا را سرای الم می داند و معتقد است که آن را با بلا در پیچیده اند و هیچکس از مؤمن و مشرک بی بلا و دشواری از این گذرگاه نخواهد گذشت خود را آماده می کند و به استقبال آن می رود و آمادگی برای پذیرش دشواری ها و رنج ها و صبر در شدائد و قدرت رویارویی با مشکل را پیدای می کند.

۶. **اهل خیرخواهی:** خانواده مسجدی وقتی در مورد خدا بینش پیدا می کند، با مبدأ گرفتن خدا، جهان را آن چنان که هست بزرگ می بیند و همه را در معرض فیض قیاض می بیند. بدین ترتیب از حسادت ها و بخل ها و حرص ها می رهد و این چنین رفتارهایی جای رستن در او نمی یابد.

۷. **اهل ذکر:** منظور از ذکر، یادداری نعمت های الهی اعم از طبیعی، اجتماعی و نعمت های اجتماعی است. خانواده مسجدی از عصیان در این موقعیت ها پرهیز و خطر در موارد مشابه را پیش بینی می کند و به سرنوشت مشابه توجه دارد. بنابراین برای پیشگیری از ابتلای به نعمت های اجتماعی مشابه، مانع از پیدایش عوامل و زمینه های آنان می شود.

۸. **به دور از انحرافات:** خانواده مسجدی تحت تأثیر بینش نسبت به نظارت مداوم پروردگار و بینش نسبت به دنیا، دامن خویش را از زنا پاک می دارد از فقر و فحشا، تعدی و خشم و ستم به دور است. گرایش ها و هیجانات خود را به صورت موجه و مشروع تنظیم می کنند، اراده معطوف به خیر می یابد و در عرصه فردی و جمعی عمل صالح انجام می دهد و غنا، عفت، عدالت و رأفت را در جامعه می گسترانند و در برابر فشارها و مقتضیات محیطی مقاومت می کنند و توان بندزدن به طغیان های بی مهار را دارند.

خانواده مسجدی که خداوند را حاضر و ناظر بر اعمال خود می داند پیوسته اهل مراقبت از خویشتن است و به محاسبه نفس خود می پردازد و از زشتی ها و منکرات دوری می گزیند. در مقابل معاصی مقاومت می کند و رذیلت ها و انحرافات چون آشفتگی، حرص و آز، تندى خشم و چیرگی حسد و ضعف شکیبایی و کمی قناعت و خواب غفلت و ترجیح باطل بر حق و اصرار بر شهوت و تند خوئی و پیروی از هوای نفس و مخالفت با راه راست و اصرار بر گناه و کوچک شمردن معصیت در او تکانده می شود. امام علی علیه السلام فرمودند: «... همانا نماز، گناهان را چونان برگ های پاییزی فرو می ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردنهای می گشاید.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)

۹. **عدم دلبستگی به دنیا:** خانواده مسجدی تحت تأثیر بینش منفی نسبت به دنیا و کم مایه دانستن آن در معامله با آن هوشیاری می کنند و برای آن بهایی گزاف نمی پردازند و جلوه های آن را جدی نمی گیرند و به گرفتن نصیب خویش کفایت می کنند و به عمل صالح که ثمره پایدار و باقی دارد دل می بندد و در مقابل شدائد آن مهیا است.

۱۰. **اهل انس با خدا:** کسی که با مسجد انس گیرد، خدای تعالی نیز با او انس می گیرد.

اهالی مسجد که با خدا انس گرفته‌اند به او توکل و اعتماد می‌کنند از این جهت خود را از غیر خدا بی‌نیاز می‌بینند.

۱۱. **اهل صیانت از خود و دیگران:** اهل مسجد بر خوردار از سلوک مؤمنانه‌اند و نسبت به ناموس نسبی خویش اهل غیرت، صیانت، محبت، عزت و کرامت هستند و به دلیل نگرشی که نسبت به خود و خدای خود و دیگران دارند، دیگران را ناموس دینی و یا اجتماعی خویش می‌پندارند و همان سلوکی که با ناموس نسبی خویش دارند نسبت به ناموس دینی و اجتماعی خویش دارند. یعنی به دیگرانی که یا در کیش با او همانندند یا در آئین همچون ناموس حقیقی خویش محبت و حمایت و صیانت و مراقبت می‌کنند، عزت و کرامت دیگران را ارج می‌نهد. و از سویی تحت تأثیر اخلاق مؤمنانه از خویش نیز مراقبت و صیانت می‌کنند که از مدار شرع و حق خارج نگردند و دیگران را طعمه خویش نپندارند. به عبارتی اهل صیانت و بازداری مؤمنانه و عقیقانه در عرصه‌های مختلف و خود کنترلی درونی در برابر وسوسه‌ها هستند.

۱۲. **اهل تواصی به حق:** اهل مسجد یکدیگر را به حق و صبر دعوت می‌کنند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه دشتی، محمد، قم، مؤسسه انتشارات حضور، ۱۳۸۱.
۲. نهج البلاغه، صبحی صالح، چاپ بیروت، لبنان، بی تا.
۳. ابوالقاسمی، محمد جواد و سید مهدی سجادی، پژوهشی درچالش توسعه فرهنگ دینی، تهران، انتشارات عرش پژوه، ۱۳۸۳.
۴. ابی جعفر محمد صدوق، علل الشرایع، جلد دوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ ق.
۵. الویری، محسن و جواد نظری مقدم، «بررسی سیره زندگی اجتماعی امامان معصوم علیهم السلام با تأکید بر ابزارها و روش های تبلیغی-ارتباطی»، دو فصلنامه الهیات اجتماعی، سال ۲، شماره ۳، ۱۳۸۹.
۶. الیاده، میرچا، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۷. بابانیا، محمد باقر، «در سایه سار مساجد»، ماهنامه کوثر، شماره ۳۲، آبان ۱۳۷۸.
۸. باقری، خسرو، «پژوهشی برای دستیابی به فلسفه آموزش و پرورش جمهوری اسلامی»، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۸۰.
۹. باقری، خسرو، «نگاهی دوباره به تربیت اسلامی»، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۷۹.
۱۰. تفسیر نمونه، جمعی از نویسندگان زیر نظر آیت ا... مکارم شیرازی، چاپ مدرسه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، قم، بی تا.
۱۱. جوادی آملی، عبدا...، حکمت عبادات، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۹.
۱۲. جوادی آملی، عبدا...، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۰.
۱۳. حرعالملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۴. خندان، محسن، تبلیغ اسلامی و دانش ارتباطات اجتماعی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۱۵. خیری، حسن، «مقایسه فضای تبلیغی تلویزیون و مسجد»، سال ۱۷، شماره ۱۳۱، ۱۴۰۳ ق.
۱۶. طاهریان، مسجد، مسجدها و چند کلمه حرف حساب، مجله زائر، شماره ۷۰، تهران، ۱۳۷۰.
۱۷. عزیزی، عباس، فضایل و آثار مسجد در آیین قرآن و حدیث، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۶.
۱۸. علم الهدی، جمیله، «مبانی تربیت اسلامی و برنامه ریزی برای فلسفه صدور»، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۸۴.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۱ (ط. الاسلامیه)، مترجم: جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. گروه نویسندگان زیر نظر آیت ا... مصباح، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۹۰.
۲۱. لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، قم، انتشارات بهشت بینش، ۱۳۸۵.
۲۲. مجلسی، علامه محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدرا، چاپ نهم، ۱۳۵۹.
۲۴. مطهری، مرتضی، انسان کامل، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۹.
۲۵. مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ هشتم، ۱۳۷۰.
۲۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق.



نقش بازدارنده مسجد در مقابل اهداف برنامه ریزان غربی

از هجوم سیاسی-تبلیغی علیه خانواده

معصومه اسمعیلی^۱

چکیده

امروز جهان در خطر فروپاشی خانواده، مضطرب و نگران است و در میانه دوراهی یک انتخاب بزرگ قرار دارد. در این نوشتار سعی بر این است که به طور خلاصه دو مسیر متنافر از یکدیگر یعنی فراقالب مبتنی بر هستی شناسی غرب و هستی شناسی اسلامی تا حدودی معرفی و سپس دیدگاه این فراقالبها را در مبانی هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی مورد مقایسه قرار دهد. در بخش دیگری از این مقاله سعی شده است تعریف و کارکردهای خانواده با تأکید بر نقش زن از این دو دیدگاه مورد بحث قرار گیرد و در نهایت مسیر نقش گزاری مساجد در جهت دهی خانواده ها به سوی انتخاب فراقالب دینی بررسی شود.

واژگان کلیدی: عزب، خانواده، هستی شناسی غربی، هستی شناسی اسلامی، نقش زن.

مقدمه

خانواده به عنوان نهاد پرورش دهنده و محافظ ایدئولوژی حاکم بر جامعه همواره تحت مطالعه قدرتمندان قرار داشته است و صاحبان سرمایه و سودجویان اقتصادی، از تمام جریانات پیش آمده و یا جریان سازی به نفع طمع خود بهره گرفته اند تا با کنترل و شکل دهی به این نهاد، یا آن را در خدمت اهداف خود در آورند و یا حتی آن را از حیز انتفاع خارج سازند. تاریخ جریانات سودجویانه نشان می دهد آنان که قصد فریب دارند همواره خود را در قالب اصل معرفی می کنند همچنان که صاحبان قدرت جهانی تمام تلاش خود را می کنند تا از طریق مطالعات روان شناختی، مردم شناسی، زبان شناسی و ... درباره انسان مسیرهای سلطه بر روح و جان انسان ها را به دست آورند. آنها برای نیازهای فیزیولوژیک، احساس امنیت، دیده شدن و حتی گرایش به یک وجود برتر یا من برتر^۱ یا تجربیات اوج (مازلو) و یا تفرد (یونگ) هم برنامه سازی کرده اند. خصوصیت ویژه طراحان سلطه جهانی این است که برنامه های خود را مطابق با نیازها تنظیم می کنند تا همراهی و اعتماد شکل بگیرد سپس اهداف خود را بر آن سوار می کنند. لذا تمام برنامه براساس این نیازها شکل داده می شود و اگر یک قدرت بتواند چگونگی پاسخ به نیازهای همگانی را رهبری کند در حقیقت سرچشمه، در تصرف اوست. امروز مؤسسات عظیمی که در سراسر دنیا در حال فعالیت هستند مثل بنیاد راکفلر^۲ با توجه به یافته های مرتبط با این نیازها به دستکاری این نیازها و جهت دهی و معنی دهی به شیوه های خاصی از زندگی می پردازند، تغییر در شیوه برآوردن نیازهای فیزیولوژیک به دلیل ملموس بودنش به وضوح قابل مشاهده است مثلاً در بحث خانواده،

1. Higher self

۲. این بنیاد در ظاهر در خصوص امور مربوط به بهداشت و آموزش در سطح جهانی فعالیت می کند اما در واقع یک شرکت تجاری جهانی محسوب می شود که به همراه شبکه های گسترده مالی و اقتصادی خود، مدیریت بازارهای بین المللی را در دست دارد.

مؤسسات دریافته‌اند تغییر باورها و سبک‌های زندگی در خانواده‌های منسجم و بسته در مقابل تغییرات محیطی بسیار مشکل است مخصوصاً اگر خانواده دارای روابط منظمی با کلیسا به عنوان یک نهاد دینی باشد. لذا از چند ناحیه حمله به این سیستم‌ها را آغاز کردند. آلوده ساختن صاحبان کلیسا از طریق نیازهای فیزیولوژیک و یا یافتن خود آلوده شدگان به دلایل نفسانی.

سست ساختن اعتقاد و پیوند خانواده‌ها با کلیسا از طریق بر ملا کردن وضعیت آلوده شدگان به عنوان ایجاد جو عدم اعتماد.

ارائه معنویت بدون موضوع^۱ به عنوان جایگزینی برای رفع نیاز فطری به وجود برتر. جسمانی ساختن خدا در شطحیات:^۲ برای مثال خدا دستم را گرفت. هر کجا رفتم او مرا دنبال می‌کرد. من در دستهای او احساس گرمی کردم و امثال این.

اینک که نهاد خانواده در معرض خطرات و حملات رنگارنگ قرار دارد و دین پس از شکست انسان‌گرایی بدون خدا در جوامع غربی دوباره مورد توجه قرار گرفته، نهادهای دینی زمینه ساز ساختار و قالب‌های حضور دین در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. در حقیقت این نهادها هستند که مفاهیم و معانی دینی را باز تعریف کرده و در عرصه اجتماع معرفی می‌نمایند، از مهم‌ترین نهادهای شناخته شده قابل اعتماد برای مردم در جامعه ایرانی و اسلامی؛ مسجد است. مسجد که با ظهور اسلام به منظور گرهمایی و تجمعات دینی و سیاسی شکل گرفت، از مهم‌ترین این نهادها است. مساجد در دورترین و مرکزی‌ترین بخشهای کشور در روستاها و شهرها می‌توانند محل خیر و برکت باشند. مساجد در کشور ایران هرگز تنها به عنوان محل عبادت شناخته نشده‌اند بلکه محل تغذیه فکری، حل معضلات و مشکلات مسلمانان، آموزش روش زندگی دینی، محافظت از ایده‌های مذهبی و غنی‌سازی آن و مقابله با دستبردهای شیطانی و در نهایت خیزش حرکت‌های سیاسی بر علیه حکومت‌های جابر بوده است. تاریخ هرگز شکل‌گیری انقلاب‌های کوچک و بزرگ در مساجدی مانند قبا، اراک، گوه‌رشاد و امثال آن را فراموش نخواهد کرد. تاریخ، مبارزه آگاهانه اهالی بیدار مسجد علیه اندیشه‌های ستمگر و موذی را به خاطر خواهد سپرد.

۱. از دید فرانکل: هر چیزی می‌تواند معنوی به حساب بیاید.

۲. شطحیات بیان امور و رموز و عباراتی که حاکی از وصف حال و شدت وجد است. فرم شطحیات عمیقاً فرمی پست مدرنیستی است.

الف) جنگ خاموش و خزانده دو فراقالب در بستر جامعه (جریان فراگیر)

در پاسخ به نیاز فطری انسان ها در داشتن توضیحی برای آنچه با آن در ارتباط هستند، یعنی هستی اعم از هستی خود، خدا یا هستی های دیگر، در کل دو فضای کاملاً متفاوت وجود دارد. هریک از این فراقالب ها خود دارای شاخه های بسیار متعددی هستند ولی این شاخه ها اصول و مبانی مشترکی دارند که در طبقه بندی جزئی آن فراقالب قرار می گیرد. بسیاری از مکاتب فکری انسان شناسی و روان شناختی معتقدند انسانها ذاتاً به دنبال یافتن معنای وقایع اطراف خود هستند. در حقیقت معانی پیوند دهنده اشیاء، وقایع و فاعل شناسا خواهد بود. (کلینگر، ۱۹۹۸، پیاژه، ۱۹۶۹) لذا معنا در حقیقت محصول هستی شناسی شخصی است و اهداف یا مقاصد هر کسی را می توان در دنیای معانی او شناسایی کرد. رویکرد تعامل گرایی نمادین این مطلب را چنین توضیح می دهد: شیوه ای که یک شخص چیزی را تعریف یا ادراک می کند (در واقع همان هستی شناسی وی) رفتارهای او را در رابطه با آن چیز هدایت می کند. (بلومر، ۱۹۶۹) لذا برای ورود به بحث خانواده به طور اصولی و درک چرایی تفاوت در تعاریف در این حوزه، درک تحولات جاری و چگونگی نقش دیگر اندیشان در آن و در نهایت درک وظیفه هدایتی مساجد در مقابل آن، باید فراقالب هایی که این نحوه ارتباط را توضیح می دهند، مرور کرده و موضع خود در مقابل آنها را روشن ساخت. فراقالب هستی شناسی اسلامی و فراقالب هستی شناسی غربی.

۱. فراقالب هستی شناسی اسلامی

در هستی شناسی اسلامی؛ نحوه نگاه به هستی، نحوه نگاه، به انسان به عنوان یک مخلوق و رابطه اش با خدا، ارزش گذاری او در ارتباط با هر واقعیت و جهت گیری ارتباطی با

آن را، برای فرد مشخص می نماید. با توجه به ارتباط بین حیطه های شناخت در می یابیم برای تعریف و معنای هر چیز از جمله تعریف خانواده به عنوان یکی از متغیرهای بحث حاضر از یک دیدگاه باید به هستی شناسی، معرفت شناسی، انسان شناسی و سپس ارزش شناسی آن دیدگاه توجه نماییم.

هستی شناسی در حقیقت فلسفه و نگاه فرد نسبت به جهان و متعلقات آن است. در هستی شناسی اسلامی جهان آفریده خداوند است. بخشی آشکار و قابل دریافت با حس و بخشی پنهان و غیر قابل شناخت با حس است. (بقره) این جهان با هدفی مشخص آفریده شده، تماماً قانونمند است. همه آن لحظه به لحظه در حال آفریدگی و تحول براساس قوانین لایتنیر است. همه اجزاء آن یکپارچه، هماهنگ و زوج است و در مسیر الی الله در حرکت و بازگشت به مبدأ است. انسان جزئی از این جهان و تحت تأثیر همه این قواعد است. انسان به واسطه قدرت تآله یعنی شناخت الوهیت حاکم بر هستی می تواند متفاوت از دیگر اجزاء هستی باشد و تآله در حلقه خواست بشر و توفیق الله صورت می بندد. خدای هستی هیچ نسبت خاصی با هیچ یک از اجزاء هستی ندارد، بی نیاز است، مولود نبوده و مولودی ندارد، یگانه الرحمن و الرحیم است. هستی در حال گستردن دائمی غیر قابل تصور و دارای بطونی بعد از بطون است و انسان می تواند به اذن الله حتی بر غیب آن هم شناخت پیدا کند و ایمان و یقین بیابد. ارزش انسان ها تنها به تقوی آنهاست و هیچ مزیتی الا به تقوا برای هیچ انسانی در نظر گرفته نشده است. (حجرات / ۱۱) پس به این ترتیب می توانیم خانواده را در فراقالب هستی شناسی اسلامی چنین تعریف کنیم. خانواده یک نهاد فطری است که با کشش فطری یک زن و مرد برای سهم گذاری به منظور ساختن سرنوشتی مشترک متولد می شود و طی فرایندهایی قانونمند و مسئولانه با نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی زمان خود تعامل برقرار می کند.

در هستی شناسی اسلامی زوجیت یک قاعده کلی برای همه مخلوقات است.^۱ پس خانواده به تبعیت از همه هستی وجودی واقعی، غایتمند، تابع قوانین و علیت، در حال تغییر، دارای مراتب ارتباطی، تابع اراده مشترک تشکیل دهندگان و مسئول تأثیر و تأثر با خود، اجتماع، حکومت، تاریخ و زمان مرتبط با خود است. این تعریف طبعاً ساختار و محتوی مشخصی دارد که به تابعان خود اجازه هر نوع عمل را نمی دهد. اینجا عمل مسئولانه است. مسئولیت در

۱. شعراء، ۷، لقمان ۱۰، ق ۷، الرحمن ۵۲، رعد ۳، زاریات ۴۹، نجم ۴۵، قیامت ۲۹، یس ۲۶، زخرف ۱۲، طه ۵۳.

این تعریف تنها رفع نیازهای شخصی یا حتی تحقق خود نیست. انسان فطرتاً مسئول آفریده شده است و باید در مقابل اجتماع، حکومت و تاریخ و زمان خود مسئولانه عمل کند.

در این نوع از انسان شناسی، انسان در مسیر تکامل، یا صعود می کند و یا سقوط، گزینه سومی به نام «سکون» وجود ندارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۹) لذا مسئولیت اوست که بداند در حال صعود است یا بقول حضرت علی (ع) گرفتار ارتجاع «فلینظر ناظر؛ سائر هوام راجع» در چنین بینشی انسان هم مسئول صیر^۱ خود است و هم مسئول سیر^۲ خود. و قرآن می پرسد «فاین تذهیون؟» (تکویر، ۲۶) از این ویژگی نتیجه می شود که انسان در این فضا و بینش دارای اختیار است. (رعد/ ۵) در این دیدگاه، انسان قابلیت بازگشت از اراده خود و اتخاذ اراده معکوس را هم دارد و البته بازگشت به صلاح را هم خداوند می پذیرد. (توبه)

از دل این انسان شناسی، ارزش شناسی خاصی قابل درک است و آن اینکه ارزش انسان ها تنها در نزد خالق آنها تعیین می شود و میزان لا یتغیر خالق هستی، برای محک انسان ها، تقوی است و فقط تقوی. اینجاست که یا مرد بودن، از کدام طبقه اقتصادی و قبیله بودن، فرزندی یا پدر و مادر چه کسی بودن، ارزش به حساب نمی آید.^۳ تنها تقوی ملاک ارزش گذاری است و تقوی عبارت است از توان کنترل و تنظیم خود در صیر و سیر.

پس در تعریف خانواده از این منظر، ما با یک واقعیت روبرو هستیم که دارای آثار واقعی نیز هست. واقعیتی که ساختار مشخصی و کارکردهای معینی در قالب اهداف و وظایف دارد. ازدواج در اینجا تنها یک خواست شخصی نیست بلکه وظیفه اجتماعی و همراهی با هستی کل است. و اختلال در آن یعنی عدم انجام تکالیف، عدم توجه به قواعد و هماهنگی با آنها، عدم رعایت حقوق خود، خدا یا انسانهای دیگر، عدم توجه به عهد و قرارداد اولیه با خود، خدا، یا همسر و فرزندان. و طبعاً رفع مشکلات هم با توبه از بد عهدی، زیاده خواهی، کم گذاری، خودخواهی و سهم خواهی میسر می شود.

۲. فرآینب هستی شناسی غربی

هستی شناسی حاکم بر غرب معتقد است جهان محصول بازنمایی ها و تجلیاتی است که

۱. حرکت نفسانی و درونی.

۲. حرکت مکانی و بیرونی.

۳. حجرات ۱۱، آل عمران ۱۹۵، غافر ۴۰، النجم ۲۱، قیامه ۳۹.

افکار و اذهان انسان‌ها به وجود آورده است. به عبارت دیگر آنچه به عنوان امر واقعی تلقی می‌شود صرفاً به این دلیل واقعی است که براساس تصویر ما واقعی تعریف می‌شود. واقعیت چیزی است که انسان‌ها می‌سازند، می‌آموزند و آن را منتقل می‌کنند و دگرگون می‌سازند. (سایر، ۲۰۰)

با حذف واقعیت در بحث هستی‌شناسی، امکان معرفت‌عینی هم در معرفت‌شناسی غیر ممکن می‌نماید. (مجلسی، ۲۰۰) و در حیطه انسان‌شناسی، انسان، محور همه امور است. تحولات قالب فکری غرب چندان جدی به نظر نمی‌رسد. با نگاهی به پیوستار و ریشه‌های این فراقالب روشن می‌شود غرب همواره انسان را محور همه امور می‌داند. در دوران سنت انسانهای خاص (صاحبان کلیسا) تعیین می‌کردند چه چیز درست و غلط است و شهروندان دست دوم یا تابع می‌شدند یا محکوم. در دوره مدرنیته آنچه انسانهای خاصی (دانشمندان) می‌توانستند آن را از طریق اندازه‌گیری با ابزار و روشهای مورد تأیید خود اندازه بگیرند و تصدیق کنند واقعیت به حساب می‌آمد و لا غیر و در دوره پست مدرنیته هر چه که هر کس آن را واقعیت بداند واقعیت است. البته اصلاح آن زود صورت گرفت و آن اینکه هر چه گفتمان حاکم آنرا واقعیت بداند، آن واقعیت است یعنی باز هم انسانهایی خاص که همان صاحبان قدرت و گفتمان سازها باشند واقعیت را تعریف می‌کنند به تعبیر دیگر واقعیت‌ها ساخته می‌شوند نه کشف اما ساز و کارهایی که واقعیت‌ها را می‌سازند اجتماعی است و قراردادی. (بینش، ۲۰۰۰)

انسان در این قالب به همه چیز معنی و در حقیقت هستی می‌بخشد. انسان خالق همه چیز است پس می‌تواند هر طور می‌خواهد آن را تغییر دهد. با توجه به این نوع هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی، تکلیف سیستم ارزش‌گذاری روشن می‌شود. در اینجا ارزش‌ها هیچ وجه واقعیت ندارند بلکه به زمان و فاعل ارزش‌گذار و اجتماع و هر چیز دیگری می‌تواند بستگی داشته باشند و درست و غلطش مشخص نیست. همه چیز می‌تواند درست و یا در عین حال از منظری دیگر غلط باشد. در این صورت سیستم تشویق و تنبیه هم وضع روشنی نمی‌تواند داشته باشد. خانواده در اینجا مجموعه معانی است که دو نفر (نه لزوماً زن و مرد) آن را خلق و تجربه می‌کنند که احتمالاً بیشتر تحت تأثیر گفتمان حاکم است.

مشخصاً گفتمان حاکم همان قدرت حاکم است زیرا وقتی سیستم معنایی خلقی باشد و نه کشفی، کسانی که قدرت بیشتری دارند سیستم معنایی متناسب با اهداف خود را بر اجزاء

جامعه حاکم می سازند. از این منظر، اختلال معنایی ندارد. اینکه دوزن و یا دو مرد تصمیم بگیرند با هم ازدواج بکنند جالب است و خلق معنایی جدید، اگر بازار را تقویت کند حتی می شود آن را به نوعی همه گیر هم کرد. اینکه حتماً قاعده ای و قراردادی و اعلانی وجود داشته باشد مهم نیست، می شود هر کسی تا هر زمانی با هر کسی به هر دلیلی زندگی کند و یا در اصطلاح هم خانه باشد. در این صورت درمان خانواده هم بی معناست اگر مجموعه افرادی احساس کردند داستان زندگی شان جالب نیست می شود کمک کنیم داستان تازه ای خلق کنیم، هر طور که آنها بخواهند.

در هر صورت امروز جهان با دو قالب ذهنی برای خانواده روبروست. هر دوی این جریانات در کشور ما نیز وجود دارد، بیش و کمش مهم نیست، واقعیتی است که هست. در واقع جنگ جدید بین این دو نگاه آنچنان خاموش و خرنده پیش می رود که بسیاری از افراد حضور آن را در جامعه احساس نمی کنند، زیرا در این جنگ کسی پرچم خاصی برای شناخته شدن ندارد. وقتی زبان بر چگونگی درک افراد از واقعیت تأثیر می گذارد و یک تعامل دو جانبه بین زبان و فرهنگ برقرار است. وقتی زبان جهان بینی و شیوه تفکر ما را تحت تأثیر قرار می دهد. چه کسی می تواند بر ورود دنیاها و ناشناخته در دنیای انتخابی ما نگرهبانی کند. اگر بپذیریم که عادات زبانی انتخابهای ما را می سازند، همان گونه که وورف و سایپرو (۱۹۳۰) گفته اند و اگر انسان می تواند معانی را به هستی القا کند پس چگونه می توان انتخابهای آزادی داشت و مسئولیت آنها را پذیرفت.

جدول شماره یک نشان می دهد که نگاه قالب بر گفتمان در فضای اسلامی و غربی چه تفاوت ریشه ای درباره هستی، معرفت، انسان و دیگر ارزشها دارد. با این وصف انتقال اطلاعات از طریق رسانه ها تداخل بسیار نابود کننده ای بوجود آورده است و این، تکلیف مساجد را روشن می سازد.

در جدول زیر نگاهی تحلیلی بر مضامین حاکم بر این دو فراقالب خواهیم داشت:
جدول شماره ۱: مقایسه مضامین مبتنی بر فراقالب هستی‌شناسی اسلامی و هستی‌شناسی غربی

فراقالب هستی‌شناسی غربی	فراقالب هستی‌شناسی اسلامی
جهان محصول بازنمایی‌ها و تجلیاتی است که حاصل افکار و اذهان انسان هاست.	جهان آفریده خداوند است
واقعیت چیزی است که انسان‌ها می‌سازند.	واقعیت امری عینی و حقیقی است که خداوند خالق آن است.
معرفت ذهنی است و معرفت عینی ممکن نیست.	معرفت امری عینی و بیرونی است.
انسان محور همه امور است.	خداوند محور همه امور است.
ارزشها می‌تواند بستگی به زمان و فاعل ارزش‌گذار و اجتماع و هر چیز دیگری داشته باشند.	ارزش انسان‌ها تنها در نزد خالق آنها تعیین می‌شود.
ارزشها معیاری برای تشخیص درست یا غلط ندارند.	میزان لا یتغیر خالق هستی برای محک انسانها تقوی است انسان می‌تواند به اذن الله بر آن شناخت پیدا کند.
خانواده در اینجا مجموعه معانی است که دو نفر (نه لزوماً زن و مرد) آن را خلق و تجربه می‌کنند که احتمالاً بیشتر تحت تأثیر گفتمان حاکم است.	خانواده یک نهاد فطری است که باسهم‌گذاری یک زن و مرد به‌منظور ساختن سرنوشتی مشترک متولد می‌شود و طی فرایندهایی قانونمند و مسئولانه با نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی زمان خود تعامل برقرار می‌کند.
خانواده مختل و آسیب‌زا وجود ندارد.	اختلال در خانواده یعنی عدم انجام تکالیف، عدم توجه به‌قواعد و هماهنگی با آنها، عدم رعایت حقوق خود، خدا یا انسانهای دیگر. عدم توجه به عهد و قرارداد اولیه با خود، خدا یا همسر و فرزندان
هیچ قاعده و قانون و قراردادی در ازدواج و خانواده وجود ندارد.	در خانواده ساختار مشخصی دارد و کارکردهای معینی در قالب اهداف و وظایف
درمان خانواده بی‌معناست و تغییر در واقع خلق داستان جدید است.	درمان خانواده یا تصحیح شرایط یعنی توبه از بد عهدی و زیاده‌خواهی و کم‌گذاری و خودخواهی و سهم‌خواهی
ازدواج یک خواست و تمایل شخصی مبتنی بر هیجان است. هیجانی که آن را عشق می‌نامند.	ازدواج در اینجا تنها یک خواست شخصی نیست بلکه وظیفه‌ای اجتماعی و همراهی با هستی کل است.

در ادامه این بحث لازم است موضع این دو فراقالب را در ارتباط با تعریف از زن به عنوان یکی از دورکن هسته اولیه خانواده بررسی شود.

ب) بررسی تحلیلی تفاوت دیدگاه اسلام و غرب پیرامون زن

ائمه جماعات باید توجه داشته باشند غرب برای کسب قدرت بیشتر از عنصر اساسی خانواده یعنی زن، چگونه بهره گرفته است و چگونه این نیمه جامعه را در تعارض با نیمه دیگر قرار داده است و از ایجاد این تعارض بهره‌های فوق‌تصور را برده است. ائمه محترم جماعات باید مبانی و سیر این جریان را به خوبی بشناسند تا در ارتباط با خانواده دچار خطای استراتژیک نشوند. ائمه محترم جماعات باید توجه داشته باشند که معرفی دقیق و اصیل قرآنی در ارتباط با نیمه‌آزوده خاطر خانواده یعنی زن که دائماً بوسیله رسانه‌های خارجی و البته داخلی برای ایجاد تعارض در خانواده بسیج می‌شوند از اهمیت استراتژیک برخوردار است. از این روی به‌طور بسیار خلاصه و کلی به توضیح این سیر می‌پردازیم.

در فرهنگ غرب قبل از میلاد، ارسطو زن را موجودی ناقص قلمداد می‌کرد. او معتقد بود زنان و بندگان از روی طبیعت محکوم به اسارت هستند و به هیچ وجه سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند. یهودیان نیز بنا بر فرمان یهوه در آخرین بند از فرمانهای ده گانه، زنان در ردیف چهارپایان و اموال غیر منقول قرار دارند و دعای مردان در نمازشان این است که «خدایا از تو سپاسگزارم که مرا کافر و زن قرار ندادی». (بزرگ زاده، بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان، ۱۳۸۴). باز خوانی متون دینی مسیحی نیز منطبق با این نگاه تحقیر آمیز تعبیر و تفسیر شده و زمینه‌های بروز چالشهای سهم خواهانه زنان با سوگیری ضد مذهبی را فراهم آورد و مبارزات آنها را در قالب فمینیسم شکل داد. این جریان سالهاست در غرب در حال رشد و توسعه است جریانی که در مقابل زورمداری و بهره‌وری از زن در غرب ساخته شد و خود به دلیل عدم داشتن میزانی برای حقیقت جویی و بهره‌وری موج سواران اقتصادی، بلای دیگری شد برای انسانیت. این

جریان موجبات جنگ های خانگی، بی خانمانی، عدم آرامش و آسایش فرزندان را فراهم آورد و نه تنها نتوانست به حمایت از زنان کمکی کند بلکه منزلت زن را به شدت کاهش داد و گاه آنقدر تنزل یافت که دست آورد خود را راننده کامیون و تاکسی زنان اعلان نمود و در نهایت موجب شد مردان در خانه، خانه داری کنند و زنان در بازار به فروش بروند. البته این جریان مسیر پریچ و خم را پشت سر گذراند و به مدد پشتیبانی های فرماسونرها تا حد ساختن فلسفه و سیاست هم جای پای برای خود باز کرده و امروز به یک نحله دینی تبدیل شده است و متأسفانه شعارهای زیبا شده آن که اصولاً ضد دین است بدون توجه در جوامعی مثل جوامع اسلامی که به طور زیربنایی درباره زن و مرد دیدگاه کاملاً متفاوتی دارد نیز نفوذ کرده است.^۱ قابل توجه است که در جامعه غربی زنان در متون مقدس با چه چیز روبرو شدند. چیزهایی که بوسیله ارباب کلیسا با وسواس و جزئیات مطرح می شد با بیداری زنان این مباحث موجبات تحولاتی را فراهم آورد که هر چند در اصل خود سؤالهای به حقی بود اما همچون گذشته تاریخ به انحراف کشیده می شد و مورد سوء استفاده جماعت ماهیگیر قرار گرفت. اما آنچه مورد سؤال قرار گرفت عبارت بود از:

ادعای برتری مرد بر زن در خلقت؛ مسئول بودن زن در گناه ازلی؛ فدیة بودن پسر خدا برای آمرزش گناه زن؛ تحمل رنج بارداری به جبران گناهی که انجام داد؛ تمکین بی قید و

۱. رسوخ چنین نگرشی در جامعه ما را یاد این فرموده مولانامی اندازد: اشتري گم کرده ای مُعتمد هر کسی ز اشتر نشانت می دهد/ تو نمی دانی که آن اشتر کجاست لیک دانی کین نشانی ها خطاست/ و آن که اشتر گم نکرد او از مری همچو آن گم کرده جوید اشتری / که بلی من هم شتر گم کرده ام هر که باید اجرش آورده ام/ تا در اشتر با توانبازی کند بهر طمع اشتر این بازی کند/ او نشان کژ بنشناسد ز راست لیک گفت آن مُقلد را عَصاست / هر چه را گویی خطا بود آن نشان او به تقلید تومی گوید همان چون نشان راست گویند و شبیه پس یقین گردد ترا لا رَبِّ فیه / آن شفای جان رنجورت شود رنگ روی و صحت و زورت شود/ چشم توروشن شود پایت دوان جسم تو جان گردد و جانِ روان/ پس بگویی راست گفتی ای امین این نشانی ها بلاغ آمد مبین / فیه آیات ثِقَاتِ یَنینات این براتی باشد و قدر نجات/ این نشان چون داد، گویی پیش رو وقت آهنگ است پیش آهنگ شو / پیر زوی تو کنم ای راست گو بوی بُردی ز اشترم بنما که کو/ پیش آن کس که نه صاحب اشتری ست کو درین جُست شتر بهر مری ست، ازین نشان راست نفزدش یقین جز ز عکس ناقه جوی راستین/ بوی بُرد از چِد و گرمی های او که گزافه نیست این هیهای او/ اندرین اشتر نبودش حق ولی اشتری گم کرده است او هم بلی/ طمع ناقه ی غیر روپوشش شده آن چه ازو گم شد فراموشش شده/ هر کجا او می دود این می دود از طمع هم برد صاحب می شود/ کاذبی با صادقی چون شد روان آن دروغش راستی شد ناگهان/ اندر آن صحرا که آن اشتر شتافت اشتر خود نیز آن دیگر بیافت/ چون بدیدش یاد آورد آن خویش بی طمع شد ز اشتر آن یار و خویش/ آن مُقلد شد مُحقق چون بدید اشتر خود را که انجامی چرید/ او طلب کار شتر آن لحظه گشت می نجسش تانید او را به دشت/ بعد از آن تنها زوی آغاز کرد چشم سوی ناقه ی خود باز کرد/ گفت آن صادق مرا بگذاشتی؟ تا به اکنون پاس من می داشتی

شرط جنسی از همسر؛ عامل فریب بودن زن؛ لزوم حفظ پوشش بوسیله زنان؛ عدم تعلق زن به نوع بشر؛ عدم نیاز به یادگیری و درس خواندن؛ عدم وجود روح برای زنان.^۱

به این ترتیب در غرب این جریان موجب گوشه نشینی متدینین جامعه شد و زنان به حق خواهی برای برقراری حقوق انسانی شان روی آوردند اما دیری نپایید که فمینیست‌های انسان محور که برقراری عدالت و رفع تبعیض را دنبال می کردند به فمینیست‌های زن محور که خواهان جابجایی جایگاه مرد و زن و تبعیض وارونه بودند تبدیل شدند.

سؤالی که جو تحریک آمیزی را بوجود آورده بود، دهان به دهان گشت و منجر به سؤالی دیگر شد از جمله: «چرا یک زن نباید در روابط جنسی حق تصمیم گیری داشته باشد؟ چرا یک زن باید محکوم به باروری و تربیت فرزندان و اتلاف عمر خود برای دیگران باشد.»

و در نهایت به اینجا انجامید که: «روابط جنسی حق شخصی هر فرد است و هیچ کس اجازه ندارد در این مسئله افراد دخالت کند. حال باید دید جامعه ای که زنان و احتمالاً مردان آن مجاز باشند هر کاری در این زمینه میلشان بود انجام دهند چگونه جامعه ای خواهد بود! گنه کار دانستن حوا در مسئله فریب شیطان در سفر پیدایش و تفسیر بعدی عالمان به گنه کار دانستن زنان یا نظر بعضی از علمای مسیحیت مبنی بر اینکه زن برای مرد آفریده شده است و زن بر حسب طبیعتش پایین تر و زیر دست مرد است چون مرد از بصیرت و عقل بیشتری برخوردار است؛ (ریشه یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه های کتاب مقدس، ۱۳۹۰). به آتش تعارضات اجتماعی بیشتر دامن زد. پس از این تلقی ها از زن، زنان به مخالفت با چنین بینشی برخاستند و عروسک گردانان واقعی در بازار، جهت بهره‌وری از موقعیت، وارد صحنه شدند و پایه های لیبرالیسم جنسی را بنیان نهادند.

در میانه قرن هفدهم جورج فاکس^۲ برای حل مسئله گناه حوا و تعدیل برابری زن و مرد اظهار داشت که می شود از مسیح پیروی کنیم به این ترتیب که به جای تبعیت زنان از مردان، هر دوازده خدا تبعیت کنند. (کریمی، ۱۳۸۵) در سال ۱۹۰۵ به دلیل مخالفت مردم با طبقه بندی های سلیقه ای و علاقه ای از طرف حکومت دینی که از قرن چهارم شروع شده بود، رسماً جدایی کلیسا از امور سیاسی در قانون اساسی فرانسه اعلان شد. (جاوید، ص ۴۰) و بالاخره در نیمه قرن بیستم فمینیسم تغییرات عمیقی در نگرش ها و آداب و رسوم غربیان ایجاد کرد. انقلاب جنسی و آزادی به معنای رهایی روابط جنسی از قید و بندهای وابسته

۱. افتخاری، زن از دیدگاه ملت ها، ادیان و بزرگان جهان، زن از دیدگاه مسیحیت.

به فضیلت‌های سنتی مسیحیت تلقی شد. (لکنهاوزن، اسلام در رویارویی با فمینیسم) لذا ممنوعیت روابط جنسی برای زنان به جز با همسران خود، پوشاندن زیبایی‌های زنانه، انحصار روابط با جنس مخالف، نگهداری از خانه و فرزندان بوسیله زنان و مواردی مثل این با انتقاد جدی روبرو شد و منجر به یک اعتراض لجوجانه خانمان سوز شد.

همانطور که قابل پیش‌بینی بود؛ میل به بی‌بند و باری جنسی میدان سوء استفاده بازار قرار گرفت و هزارها هزار زمینه تولید و فروش که مجال بررسی آن در اینجا وجود ندارد بوجود آمد و زنان و مردان، جوانان و نوجوانان و حتی کودکان و متأسفانه حتی حیوانات هم در آتش این بی‌بند و باری کشیده شدند. نتیجه روانی آن بی‌اعتمادی، ناامیدی، افسردگی، خودکشی، بی‌میلی جنسی؛ نتیجه اجتماعی آن از هم پاشی نهاد خانواده، از دست رفتن کارکردهای خانواده، احساس عدم نیاز به ازدواج و تشکیل خانواده و شکل‌گیری هم‌خانگی به جای ازدواج، ازدواج زنان با یکدیگر، مردان با یکدیگر و خروج از رفتارهای فطری، فرزندان بی‌پدر و مادر و سرگردان؛ نتیجه اقتصادی آن اما بسیار جالب است نیاز به تنوع، سیر نشدن و حرص دریافتن چیزهای جدید برای ارضاء و بالا رفتن تقاضا و طبعاً سود عرضه‌کنندگان کالای مورد نیاز و کنترل بر ذهن و رفتار مردم و تشکیل دین‌های جدید از جمله حتی معنویت‌گرایی بدون موضوع. معضلات ناشی از آزادی جنسی در جهان بالاخره به اوج خود رسیده و نهضت‌های متعددی مانند TLW^۱ در امریکا و سراسر جهان برای آموزش خویشتن‌داری جنسی مشغول برنامه‌نویسی شدند. تا آنجا که حتی دولت امریکا بودجه خاصی را برای این مؤسسات در نظر گرفت. البته متأسفانه انسان خطا کرده، آنچنان مغرور و گم شده است که بازگشت به گذشته را بر خود حرام کرده و نمی‌تواند خانواده سالم دین‌محور که پرورش دهنده انسان سالم رشد‌یابنده است را با ارتباطاتی که نتیجه آن جز سرگردانی، بی‌معنایی، بیماری‌های متعدد جسمی و روانی، فرزندان بی‌سرپرست و بی‌خانمانی، ثمری نداشته را مقایسه کند و به تعبیر قرآن آنها بر گوشه‌های خود مهر زده اند همچون متحجرین قبل از اسلام که گوش خود را می‌گرفتند تا صدای حقیقت را نشنوند. اما لازم است دیدگاه اسلام درباره این موضوعات را هم مورد بررسی قرار دهیم تا ببینیم آیا شتر گم شده ما شباهتی با شتر گم شده غرب دارد یا مسیر ما از جای دیگری می‌گذرد.

قرآن کریم در باره جایگاه زن و مرد می‌فرماید: ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم و برای

1 . True love waits

اینکه یکدیگر را بشناسید قبیله قبیله ساختیم، گرمی ترین شمانزد خدا با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است. (حجرات/۱۳)

در توضیح گناه کار بودن زن یا مرد آیت الله جوادی آملی در کتاب زن در آئینه جمال و جلال می فرماید: «هیچ یک از ارزشها و ضدارزشها نه مذکر است و نه مؤنث، زیرا بدن موصوف این اوصاف نیست، یعنی بدن، مسلمان یا کافر؛ صادق یا کاذب؛ عالم یا جاهل؛ محق یا مبطل نمی شود. پس جنسیت نیست که مشمول این حالت ها می شود بلکه «عقل نظری»؛ علم و اندیشه؛ دل، کشف و شهود؛ جان، فجور و تقوا؛ عقل عملی، اراده و امور، آن را شامل می شود که هیچ یک نریا ماده نیستند.

درباره ی بارداری زنان که آن را در متون کلیسایی جبران گناه حوا معرفی کرده اند پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «هنگامی که زن باردار می شود همانند روزه دار شب زنده دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند و هنگامی که فارغ می شود، پاداشی دارد که نمی دانی عظمت آن چه قدر است.» (صدوق، ۱۳۸۰)

در بحث پوشش و عفاف درک این حقیقت ساده است که پوشش برای زن محدودیت و حصار نیست و برای راحتی مردان نیست، و حق برای همسر یا پدر نیست که جواز رعایت یا عدم رعایت آن را صادر کنند. رعایت عفاف و حجاب حتی مربوط به خود او هم نیست. حرمت زن «حق الله» است یعنی حیثیت زن، حریم خداوند است زیرا که زن سرمایه عاطفه آفرینش است. زن معلم عاطفه است. قرآن دلیل مراقبت های ویژه برای زنان را وجود احتمالی افراد بیمار در جامعه معرفی می فرماید.^۱

در بحث تمکین هم که می تواند در واقع به عنوان یک ابزار در روابط زناشویی استفاده شود، از آنجا که قرآن هرگز اجازه سوءاستفاده از یک داشته را نمی دهد، بحث تمکین خاص را مطرح نموده است و البته این دستوری انسانی است که در کل به نفع خانواده است و برای آنکه نیازهای همسران به بیرون از مجموعه برده نشود و در نهایت سود آن به همه اعضا خانواده برمی گردد در مورد تمکین عام در حقیقت بحث شرایط فرهنگ در هر زمان است که از محدوده این بحث خارج است. در جدول زیر به مقایسه متون کلیسایی در مقایسه با متون اسلامی در «موضوع محوری زن» خواهیم پرداخت.

۱. اقتباس از آیت الله جوادی آملی.

جدول شماره ۲: مقایسه متون کلیسایی در مقایسه با متون اسلامی
در «موضوع محوری زن»

متون کلیسایی	متون اسلامی
برتری مرد بر زن در خلقت عدم تعلق زن به نوع بشر عدم وجود روح برای زنان	ای مردم ما شما را از یک زن و مرد آفریدیم. گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست
تمکین بی قید و شرط جنسی از همسر، عامل فریب بودن زن، مسئول بودن زن در گناه ازلی	تمکین با شرایطی صرفاً بخاطر رفع نیازهای همسران در فضای سالم و اختصاصی صورت می‌گیرد. هیچ یک از ارزشها و ضد ارزشها نه مذکر است و نه مؤنث زیرا بدن موصوف به این اوصاف نیست یعنی بدن، مسلمان یا کافر؛ صادق یا کاذب؛ عالم یا جاهل؛ محق یا مبطل نمی‌شود. پس جنسیت نیست که مشمول این حالت ها می‌شود.
لزوم حفظ پوشش بوسیله زنان	عفاف حق الله است
فدیه بودن پسر خدا برای آمرزش گناه زن، تحمل رنج بارداری به جبران گناهی که انجام داد	زن باردار همچون مجاهد فی سبیل الله است
عدم نیاز به یادگیری و درس خواندن	آموزش به انسانها از جمله زنان از دستورات اسلام بوده است

حال در مقابل آن می‌توانیم اثرات آزادی جنسی در غرب را شاهد باشیم که یک «جامعه آرنجی» یعنی بانوک تیز آرنج هایت بزن و برو جلو! بدون توجه به دیگران! بوجود آمد.
(کوادر و مایر^۱، ۲۰۰۳) در واقع تنها راه پیشرفت در جامعه خودخواهی و رقابت و بیرون راندن

دیگران بانوک تیز آرنج هاست. دوربریتز^۱ مدیر پژوهش جمعیت شناختی آلمان دو عامل اصلی امتناع از فرزندآوری را میل به پیشرفت شغلی و ترس از مزاحمت فرزندان در لذت های زندگی و دردسر بودن آنها معرفی می کند.

اشنی ویند (۲۰۰۰) استاد روان شناسی مونیخ اختلالات روانی، رفتاری، بویژه سرپیچی، حرف ناشنوی، پرخاشگری و اضطراب کودکان را ناشی از آزادی و بی بندوباری معرفی می کند. برگردیم به اینکه چنین خودخواهی، رقابت جویی و بی بند و باری که جریان اجتماعی و تاریخی است ناشی از چه نوع هستی شناسی و انسان شناسی است.

داو کینز^۲ درباره ژن های خودخواهی می گوید: «موجودات زنده در حقیقت ناقل و تسلیم ژن های خودخواهی هستند که سودایی ندارند غیر از تکثیر و نشر خود، لذا محیط خود را به نفع این منظور تغییر می دهند. ویژگی برجسته ای که مادر ژنهای موفق مشاهده خواهیم کرد فقط یک خودخواهی بی رحم است!

اما انسان اسلام به گونه دیگری است زیرا\

- انتخاب گر از بین موقعیت ها است و نه تنها سازگار؛
- امنیت خواه است ولی نه به هر قیمت؛
- جهت خواه است؛
- میزان محور^۳ است.

1 . Dorbtitz
2 . Dawkins. R

۳. سوره الرحمن / ۷، ۸، ۹، ۵۶ و سوره شوری / ۴۲.

ج) نگاهی تحلیلی بروظایف مسجد امروز در مقایسه با مسجد دیروز

طبعاً وظیفه مسجدیان امروز با دیروز کمی و شاید زیادی هرچند نه در اصل بلکه در شکل اجرای برنامه‌ها متفاوت شده است. مثلاً دیروز در مساجد احکام را می گفتند امروز تمام افراد از دوره ابتدایی و تا پایان دوره اول دبیرستان احکام مورد نیاز روزانه خود را در کتب درسی مدرسه تعلیم می گیرند و چنانچه مشکلی وجود داشته باشد با یک تلفن و یا بررسی اینترنتی آن مشکل را حل می کنند. دیروز هر چیزی در قالب مباحث مرتبط با دین مطرح می شد و به دلیل نداشتن معارض و ان قلت های وسوسه کننده به سادگی حل می شد و میزان سؤال کنندگی در ارتباط با آن بسیار پایین بود، لذا حرف زدن بالای منبر آسان بود چون آسان پذیرفته می شد و از آنجا که ذهن مردم بوسیله رسانه ها و جریانات تحریک نشده بود، تعاملات دینی به سادگی به نتیجه می رسید. در حالیکه امروز سخنان باید کاملاً دقیق و حساب شده باشد چون جمعیت مخاطب هر چند کاملاً علاقمند هستند ولی اذهان دست کاری شده ای دارند لذا سخنان باید کاملاً اقناع کننده و دقیق باشد و ابعاد گوناگون سؤالهای اجتماعی باید در نظر گرفته شوند.

صحبتها باید نشان دهنده آگاهی گوینده از موقعیت های جدید باشد. استدلالها در هر ارتباط بایستی متقن و راسخ باشد. در گذشته واژه حرام و حلال کافی بود تا مجموعه ای از رفتارها تصدیق و تعدادی از رفتارها تعطیل شود اما امروز واژه حلال و حرام تفاسیر متعددی می شود و با دهها سؤال روبرو می شود البته این سؤالها در کنار دهها سؤال دیگر قبلاً برای مجتهد طرح شده و پاسخ داده شده است ولی دیروز مردم عادی این سؤالها را مطرح نمی کردند و حال آنکه امروز اینها در ذهنشان پر رنگ شده و مبلغ خود باید به این مسائل اشراف داشته باشد و پاسخگو باشد. دیروز اگر به مردم می گفتیم سؤال درباره این موضوعات ذهن شما را پریشان می کند و به دلیل حسن نیتی که در مبلغ احساس

می کردند، قانع و ذهن خود را مشغول نمی کردند اما امروز حسن نیت احساس شده در گویندگان مذهبی به دلایلی مورد تردید قرار گرفته است که از مهم ترین آنها می توان به ورود افراد ناصالح و غیر قابل اعتماد (هرچند به تعداد انگشت شمار) به مساجد اشاره کرد که طبعاً با توجه به در بوق و کرنا کردن کوچکترین تخلفی، رسانه های بیگانه اذهان مردم و اعتماد عمومی را خدشه دار می کنند و البته در اینجا مطمئناً دشمن را نمی توان سرزنش کرد چرا که این ماهیت اوست که دشمنی کند بلکه باید از خود پرسید که چرا دقت کافی در انتخاب بعضی گردانندگان مسجد نشده است؟

مسجد در ساده ترین شکل خود بزرگترین پیام را برای انسانها دارد. مسجد حرف می زند، مبارزه می کند، فراقالب ایجاد می کند، فرهنگ می سازد. مسجد فقط با یک علامت و آن «قبله» به انسانها می گوید ای انسانها «قولوا لا اله الا الله» پس تنها یک خدا، تشبث ممنوع! دیگر پرستی ممنوع! خودپرستی ممنوع! قدرت پرستی! قبیله پرستی! جنسیت پرستی! اشرافیت ممنوع، سنت پرستی ممنوع! مسجد یعنی غرور ممنوع! غیبت ممنوع! تهمت ممنوع! ببینید قبله یعنی به یک سو بروید! تفرق ممنوع! تکثر ممنوع و همه تنها در یک علامت ساده تجلی پیدا می کند. در جای بی آلاش که می نشینی تفکر و رهایی و یک سوئی ممکن می شود. پس تفلحوا صورت می پذیرد؛ رها می شوی و این نیاز بشر دیروز، امروز و فردا است.

اما مسجد معنی گرهایی هم دارد و آن معنی گرها؛ خطیب ها، ائمه جماعات و صحنه گردانان مسجد هستند. اینکه آنها این فراقالب ها را بشناسند، در مقایسه قرار دهند، اهمیت اساسی دارد، جهاد امروز در یافتن شرایط جدیدی است که با آن روبرو هستیم. صحنه گردانان مسجد امروز باید درک کنند که در جهادی جدید قرار دارند و مقابله موفق آنها تنها از طریق مطالعه بیشتر و مردم داری و بادقت سخن گفتن است. صحنه گردانان مسجد امروز باید نقش حساس خود را در طرح مطالب با مردمی که در تعارض قرار داده شده اند را درک کنند.

مسجد می تواند در ساختن و تصحیح تفکرات و باورهای فراقالب یا بالاسری شرکت کنندگان برنامه ریزی کند و الویت بندی نماید مثلاً اگر خطیبی ۴۰ دقیقه سخنرانی کند و هر ۴۰ دقیقه آن یک سری وظایف کاری روزانه باشد حتماً به فضای ذهنی مخاطب خود توجه نداشته است. زمینه سازی ذهن برایش مهم نبوده است و داشتن یک قبله در کار و فعالیت خود را فراموش کرده است. مسجد معلم است.

امام علی (علیه السلام) درباره مسجد فرمودند: «هر که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را بدست آورد. برادری که در راه خدا از او بهره مند گردد، دانشی برگزیده، نشانه ای استوار، رحمتی مورد آشکار، سخنی که او را از تباهی بازدارد، سخنی که بشنود و او را به راه هدایت رهنمون شود و یا گناهی را به سبب بیم یا شرم ترک کند.» (صدوق، ۱۳۸۲) اگر دقت کنیم حضرت علی (علیه السلام) این مراحل را در فرمایش خود طرح نموده اند:

- همدلی و همراهی و برادری
- آگاهی یافتن
- میزان شناسی
- عقلانیت محوری
- ارشاد شدن و تمایز از گنه کاری و باطل
- هدایت یافتن
- توبه پذیر شدن (مرور و تشخیص خطا و درست)

در حقیقت آنچه گردانندگان مسجد باید انجام دهند در اینجا روشن شده است و شگفت آور است که کل مسیر در یک بند کوتاه مشخص شده است. ابتدائاً همراهی و همدلی، پذیرش ورود کنندگان به گونه ای که احساس کنند برادری یافته اند و این اولین برادر باید خود امام جماعت باشد. بعد از ایجاد ارتباط، آگاهی دادن است. دانش برگزیده، یعنی دانشی که یک فراقالب کامل است و انسان را با تمام هستی و وظایف در مقابل آن آشنا می کند. سپس یافتن میزان و یافتن چیزی که می شود آن را انتظار داشت و بعد عمل کردن، ارشاد به حق و جدا شدن تدریجی از فراقالب های شیطانی و گمراه کننده. پس از آن هدایت یافتن است. اما از آنجا که انسان همواره ممکن است دچار خطا شود، چون آفرینش جان او همراه با فالهمها فجورها و تقواهاست. پس درهای توبه باز است و وظیفه انسان مرور دائمی و تشخیص خطاها و تنظیم مجدد خود با میزان که این مسیر روشن یک زندگی سالم و با نشاط است. لذا ائمه جماعات باید توجه داشته باشند که دیروز در مساجد از وظایف زن و مرد از پرهیزهایی سخن گفته می شد که مناسب روزگار خود بود اما امروز سخن گفتن درباره این وظایف باید با توجه به موقعیت جدید باشد.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به اینکه یکی از کارکردهای مهم خانواده ایجاد، حفظ و یا حتی تغییر گفتن‌های دینی و غیر دینی در اعضای خود و در نتیجه جامعه است، وظیفه مبلغان و نگهبانان نگاه دینی که پایگاهشان مسجد است در هدایت خانواده‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. باید دید امروز مسجیدیان برای مقابله با غلبه آن فراقالب ذهنی که می‌رود کیان جامعه ما را فراگیرد و بالاخص بنیاد اصلی‌ترین و عالی‌ترین نهاد جامعه که پرورش دهنده فراقالب دینی و زندگی دینی است را از بین برده و در بستر جریان تخریب کننده، چه برنامه‌ای می‌توانند داشته باشند. دین اسلام؛ دین متعلق و متوقف در یک کشور نیست پس وظایف صحنه گردانان عرصه آن نیز منحصر به یک کشور، یک موقعیت و یک زمان نمی‌شود.

هدف استراتژیک ما حفظ آن فراقالبی است که به خانواده به عنوان یک نهاد فطری می‌نگرد. نهادی که با قراردادی به نام خدا بین یک زن و مرد براساس ساختار وجودیشان شروع می‌شود و وظایف این نهاد تنها لذت بردن و رفع نیاز جنسی نیست که بتواند به شکل‌های دیگری هم برآورده شود. فراقالب پیش رو، اما، که متأسفانه به فرهنگ ما نیز نفوذ یافته؛ معتقد است نهاد خانواده با یک قرارداد شروع می‌شود ولی نه صرفاً بین یک زن و مرد بلکه با هر دو نفری (مرد با مرد - زن با زن) که تصمیم داشته باشند برای مدتی زیر یک سقف زندگی کنند. اینجا داستان کاملاً متفاوت است از آنچه بازار سرمایه غرب برای اداره و کنترل مشتریان خود پیش بینی کرده است تنها با شکستن تمام هسته‌هایی میسر می‌شود که به نوعی کاهش دهنده میزان کنترل این بازار است و یا با شکستن اتصال به حلقه و ریسمان دینی که تحت کنترل قواعد و قوانینی باشد که انسان را به ساده زیستی، عدم مادی گرایی و تنوع مادی، عدم رقابت در دنیاخواهی و زور و زیور دنیوی که همه کالای این بازار است سوق می‌دهد مطمئناً دین‌سازان غربی مخالف تشکیل نهادی هستند که انسان‌ها را به گونه‌ای پرورش می‌دهد که، جز از خدای واحد تبعیت نکنند و جز از قدرت او به هراس نیفتند و جز به خاطر او که خدای صلح و آرامش است نجنگند و ظلم نکنند و هماهنگ با هستی حرکت کنند و در این نهاد به پرورش خود و افرادی بپردازند که در جهت قدرت طلبی خود به تخریب جهان نپرداخته و در جهت خلاف جریان الهی حرکت نکند و آگاه باشند که دنیا مطاعی نیست که برای به دست آوردن آن باید همه ارزش‌ها را زیر سؤال برد

بلکه بدانند دنیا تنها محل سکونت موقتی است برای آزمودن و آزموده شدن، نه چسبیدن به آن و جنگیدن برای آن.

لذا ائمه جماعات باید توجه داشته باشند که دیروز در مساجد از وظایف زن و مرد و پرهیزهایی سخن گفته می شد که مناسب روزگار خود بود اما امروز سخن گفتن درباره این وظایف باید با توجه به موقعیت جدید همراه با استدلالهای مناسب با اشکالات طرح شده باشد.

یکی از هشدارآمیزترین موقعیتها در این زمینه، موضع بازار جهانی و تصمیم گیران سیاستهای جهانی درباره ایران است. برای نمونه کشورهای گروه هشت مقرر می کنند در بخش طرح خاورمیانه بزرگ (مثلا) برای پر کردن شکاف اقتصادی در خاورمیانه از طریق سرمایه گذاری به ویژه با تأکید بر نوعی سرمایه گذاری به قصد سودآوری به خصوص در طرحهایی که زنان به انجام آن رو می آورند، مؤسسه اعطای وام با سود کم امکان اعطای وام ۴۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلاری را فراهم آورد و طی ۵ سال به ۱/۲ میلیون فعال اقتصادی که حتما ۷۵۰ هزار نفر آنها زنان باشند، داده شود تا از فقر رهایی یابند. «(روزنامه شرق، بهار ۸۳) از این لطف فراوان در می یابیم که دشمن نه یک کشور، بلکه یک ایده و یک فراقالب است که طی برنامه های بسیار مدون می رود که ساختار جامعه را از طریق برهم زدن ساختار خانواده تغییر دهد و محور اساسی تغییراتی که قصد دارد در جامعه انجام دهد زن است. موضوع موضع زنان یکی از اساسی ترین و کلیدی ترین مواضع به نفع فراقالب توهم زایی در جامعه انسانی و بهره وری از منابع کشور است.

فراقالب غرب در تلاش است که فراقالب هستی گرایی اسلامی را از طریق تشتت در جوامع اسلامی به لحاظ سیاسی، اقتصادی و مهمتر از همه فرهنگی مغلوب سازد. مهم ترین حرکت های غربی ها در جوامع اسلامی ایجاد نوعی آگاهی تعارض آمیز بین زنان بوده است. آنها به صورت خزنده ای به تغییر تعاریف و زبان ارتباطی اعضای خانواده با یکدیگر پرداخته اند. نقش و جایگاه زن را مورد سؤال اذهان زنان قرار داده است تا همان کاری که در خود غرب اتفاق افتاد و بنیاد خانواده را از بین برد و غرب و جامعه انسانی را با معضلات بسیار زیاد رویارو ساخت، در اینجا نیز رخ دهد، با این تفاوت که مبانی هستی شناسی و انسان شناسی غرب در هیچ دوره ای واقعا پاسخگوی سؤالهای ذهن آزرده زنان نبود، حال آنکه در اصول و فرامین اسلامی چنین بی عدالتی و تحقیر جنسیتی وجود ندارد و زنان برای دست یابی به حقوق خود و خانواده می توانند با طرح اصول و مبانی اسلامی دولت ها را به وظیفه خود

هدایت کنند و البته این یک حق نیست بلکه مسؤولیت همهٔ زنان و مردان مسلمان است که همواره پاسدار حقوق خود و جامعه بر اساس مبانی و میزان الهی باشند. لذا امروز جایگاه مبلغان و مفسران دین برای نجات جامعه اساسی ترین نقش را ایفا می کنند. دقت در طرح مباحث فوق الذکر برای مخاطبان از اهمیت استراتژیک برخوردار است. آنچه می تواند ما را در مسیر بازگشت شده ی غرب قرار ندهد باز خوانی دقیق اصول و مبانی مرتبط با زن در قرآن کریم، احادیث و روایت ائمه معصومین و حذف تعابیر و تفاسیر شرایطی و غیر اصیل است. از آنجا که مساجد حلقه ارتباط مردم با مراجع دینی هستند، ائمه جماعت باید در خط مقدم با بهره مندی از زبان مشترک با جامعه امروز، روشن سازی شرایط، نقش ها و اثرات دو نوع فرا قالب موجود در جامعه فعلی به مدیریت آحاد جامعه به سوی روش زندگی دینی بپردازند. البته با توجه به موقعیت باید؛ نوع تبلیغ، نوع روشن سازی و نوع برنامه ها در حلقه های مشاوره متشکل از متخصصان روان شناسی و جامعه شناسی با ائمه جماعات مورد بحث و برنامه ریزی قرار گیرد. با توجه به مرور آنچه پیش روی ماست. برنامه های تعلیمی، ارشادی و تبلیغی مساجد باید حول محورهای زیر صورت گیرد:

■ تبیین نظر راستین قرآن مبین درباره انسان، خانواده و نقش زن در ارتباط با یکدیگر

■ ترغیب دوستی و مودت در خانواده

■ ترغیب احترام بین همسران و والدین و فرزندان

■ ترغیب به حفظ عدالت و انصاف بین اعضای خانواده

■ ترغیب به رعایت حقوق اعضای خانواده توسط یکدیگر

■ تبیین عظمت نقش مادری

■ ترغیب به حفظ و افزایش احترام ویژه در دوران بارداری به زنان و حمایت جدی

همسران به عنوان یک واجب

■ تأکید بر اصل وفاداری و حفظ پاکدامنی بوسیله همسران

■ تأکید بر نقش خوش خلقی و خوشحال نگه داشتن همسران یکدیگر را

■ تأکید بر اصل سازگاری دو جانبه بایکدیگر و فرزندان

منابع

۱. افتخاری، احمد علی، زن از دیدگاه ملت ها، ادیان و بزرگان جهان. تهران، انتشارات مهشاد (۱۳۷۵).
۲. جاوید، محمد جواد، لائسیسته، مسیحیت و سیاست، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۸.
۳. جوادی آملی، جامعه در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، محقق حجه الاسلام مصطفی خلیلی، قم: انتشارات اسراء. چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۴. سبحانی، محمد تقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه ای دیدگاه اسلام و غرب)، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۲.
۵. سبحانی، توفیق، زندگی نامه مولانا جلال الدین بلخی رومی، چ ۲، تهران: قطره، ۱۳۸۶.
۶. سومرز، خیانت زنان به هم نوعان خود. ترجمه و تلخیص: پریسا پور علمداری. ناشر: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
۷. سخایی، سیده مرگان، ریشه یابی بحران زنان در غرب با تکیه بر آموزه های کتاب مقدس، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، سال چهاردهم، شماره ۵۳، ۱۳۹۰.
۸. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه صادق حسن زاده انتشارات ارمغان طوبی. تهران، ۱۳۸۲.
۹. کریمی، فرشته، زن در طول تاریخ، شیراز: انتشارات نوین، ۱۳۸۵.
۱۰. لگنهاوزن، محمد، اسلام در رویارویی با فمینیسم، ترجمه نرگس جواندل. بانوان شیعه، شماره ۲۰، ۱۳۸۳.
۱۱. بزرگ زاده، مهدی، زروندی، مهدی، بررسی رویکرد غرب به زنان در طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه مطالعات فرهنگی دفاعی زنان سال اول شماره ۱، ۱۳۸۴.
12. Blumer, H. (1969). Symbolic interactionism: perspective and method. Berkeley: university of California press
13. Fischer, M. (1986). Anthropology as cultural critique, Chicago: university of Chicago press.
14. Hammersley, M. (2000). Taking sides in social research : essays on

partisanship and bias, London : routledge

15. Kerlinger, F. N. (1986). Foundations of behavioral research (3 Rd ed.). New York: Harcourt Brace.

16. Piaget, J. (1969). The psychology of the child. New York: Basic Books.

17. Quader & Meier. (2003). Til death do us part: a study and guide to long-term marriage. New York: Harington park.

18. Wind, S, C. (2000). Focus on the family - abstracts from American journals. Social Work/Maatskaplike Werk 3(3): 146150-.

19. Worf. s & spiro. M. (2002). Subjective well-being: The Science of happiness and life satisfaction. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), The handbook of positive psychology, (pp. 6373-). New York: Oxford university press.



بازشناسی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در تحکیم بنیان خانواده

محمد حسین شریفی نیا^۱

چکیده

در دین مبین اسلام مسجد از چنان جایگاه رفیعی برخوردار است که به طور قطع می‌توان اذعان کرد پس از کعبه، مقدس‌ترین مکان محسوب می‌شود. این اهمیت از همان ابتدا به وسیله پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به تمامی مسلمانان آموخته شده است.

از بدو تأسیس حکومت اسلامی در صدر اسلام، مهم‌ترین مراکز تجمع، عبادت، آموزش معارف دینی و علمی، تصمیم‌گیری و حل مسائل مهم مسلمانان مساجد بوده‌اند. در جریان انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی ره کوشید مساجد را احیا نماید و آنها را به جایگاه اصلی خودشان برگرداند. به همین دلیل، پس از انقلاب، مساجد بیش از پیش مورد توجه قرار گرفتند و با گسترش خدمات و فعالیت‌های آنها، در عرصه‌های گوناگون فردی و اجتماعی نقش آفرین شدند.

از سوی دیگر، خانواده به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی و سنگ بنای شکل‌گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ‌ها از اهمیت والایی برخوردار است. خانواده نه تنها به وجود نوع انسانی استمرار می‌بخشد، بلکه پایه زندگی سالم فردی و اجتماعی نیز هست.

بر این اساس، نوشتار حاضر در پی آن است تا کارکردها و ظرفیت‌های مسجد را در تعالی و تحکیم بنیان خانواده بازنمایی کند. از این رو پس از نگاهی کوتاه به جایگاه مسجد در اسلام و راهبردهای جذب خانواده‌ها به مساجد، مهم‌ترین کارکردهای مسجد در رشد و تعالی خانواده بدین شرح شمرده شده‌اند: عبادت و معرفت، اخلاق و معنویت، آرامش و نشاط، نظم و انضباط، صبر و استقامت، حیا و عفاف، تقویت عواطف انسانی و بازداری از انحرافات کجروی‌ها.

در ادامه با بیان ظرفیت‌های مسجد در حل مشکلات خانوادگی، به برخی از این ظرفیت‌ها نظیر آموزش مهارت‌های زندگی، مداخله در بحران‌های خانوادگی، سرکشی از خانواده‌های آسیب‌دیده و ایجاد مراکز مشاوره خانواده در مساجد اشاره شده است. در پایان با توجه به جایگاه رفیع امام جماعت در مساجد و اعتمادی که اغلب مردم به آنها دارند، امام جماعت به مثابه مشاوره‌ی امین و دلسوز معرفی شده و خصوصیات رفتاری و اطلاعات مشاوره‌ای مورد نیاز ایشان به اختصار ارائه شده‌اند.

کلیدواژه: کارکردهای مسجد، تحکیم خانواده، آسیب‌های خانوادگی، مشاوره خانواده، امام جماعت مشاور.

مقدمه

مسجد همواره مهم‌ترین پایگاه عبادت، معرفت، آرامش و خودسازی بوده است. نخستین خانه‌ای که در زمین بنا شده، خانه خدا بوده^۱ (سوره آل عمران، آیه ۹۶) و اولین کاری که پیامبر اکرم ﷺ پس از هجرت به مدینه انجام داد، ساختن مسجد بود. (قراستی، ۱۳۸۶) در طول تاریخ، مساجد برای جوامع اسلامی آثار و برکات ارزشمندی همچون پایگاه عبادت و دفاع از حاکمیت اسلامی، تعلیم و تربیت و آشنایی با مبانی اسلام و احکام شرعی، کانون وحدت، همدلی و انسجام در میان مسلمین، فرهنگ سازی معاشرت عمومی، زدودن جهالت‌ها و خرافات از جامعه اسلامی، پایبندی به قوانین دینی و اجرای شریعت الهی، تحکیم بنیان نظام خانواده و ... را به ارمان آورده‌اند.

با نگاهی به تاریخ اسلام به خوبی روشن می‌شود که اکثر اجتماعات دینی، سیاسی، فرهنگی و علمی-آموزشی در مساجد برگزار می‌شده و بسیاری از خطابه‌های انسان‌ساز پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام و عالمان دینی در این اماکن مقدس ایراد شده‌اند. در منابع دینی بر حضور و توقف مؤمنین در مساجد بسیار تأکید شده است؛ تا جایی که امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «برای من نشستن در مسجد از نشستن در بهشت برتر است؛ زیرا نشستن در بهشت خشنودی نفسم را به دنبال دارد؛ ولی نشستن در مسجد مایه رضایت پروردگارم است.»^۲ (حرالعالمی، ۱۴۱۶ق) در واقع مسجد پایگاه اصلی دین و کانون حیات معنوی انسان در جامعه اسلامی به حساب می‌آید. در احادیث آمده است فرشتگان برای

۱. إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ.

۲. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْجَلْسَةُ فِي الْجَامِعِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ، فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رُحَى النَّفْسِ وَالْجَامِعُ فِيهِ رِضَى رَبِّي (وسائل الشیعه، جلد ۳، ص ۱۹۹).

شخصی که از مسجد خارج می‌شود، دعا می‌کنند که سلامت باشد، خواسته‌هایش برآورده شود و پاداش وی بهشت باشد. (توانایان فرد، ۱۳۷۷)

جایگاه رفیع و نقش سازنده و مؤثر این پایگاه دینی در انتقال آموزه‌های دینی و اعتلای تربیت اسلامی و حل مشکلات مردم سبب شده است که مسجد به عنوان مرکز فعالیت‌های عبادی، آموزشی، فرهنگی، تربیتی و اخلاقی هر محله، شهر و روستایی شمرده شود.

این پایگاه مقدس در کنار سایر کارکردهای دینی و اجتماعی، می‌تواند نقش عمده‌ای در تعالی و تحکیم کانون مقدس خانواده ایفا کند. در واقع انس خانواده با مسجد و بهره‌گیری از اثرات معنوی آن باعث می‌شود تربیت دینی و بصیرت معنوی در نظام خانواده حاکم گشته و خانواده تجلی‌گاه ارزش‌های الهی شده و در نهایت زمینه سعادت‌مندی خانواده و اجتماع مهیا گردد. از این رو، می‌توان گفت ارتباط خانواده‌ها با مساجد تأثیر زیادی در پویایی و شکوفایی معنوی و همچنین حل مشکلات فردی و خانوادگی آنان دارد. چون حضور در مساجد علاوه بر عبادت و تأمین نیازهای معنوی انسان‌ها، زمینه تقویت روابط عاطفی و افزایش صمیمیت و مهرورزی توأم با معنویت را در میان والدین و فرزندان فراهم می‌سازد.

الف) اهمیت نهاد خانواده در اسلام

از سوی دیگر، خانواده به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی و سنگ بنای شکل گیری جامعه در همه ادیان و فرهنگ ها از اهمیت والایی برخوردار است. (ساروخانی، ۱۳۷۰)

خانواده نه تنها به وجود نوع انسانی استمرار می بخشد، بلکه پایه زندگی سالم فردی و اجتماعی نیز هست. نیازهای جسمی، روانی، اقتصادی، اجتماعی و معنوی آدمی در سایه خانواده سالم برآورده می شود. به همین دلیل خانواده دارای ابعاد زیستی، عاطفی، اجتماعی و معنوی می باشد.

به جهت اهمیت این نهاد مقدس، در طول تاریخ همواره عالمان و مصلحان و نیز ادیان گوناگون، سعی در تحکیم آن نموده و قوانین و توصیه هایی برای استحکام آن عرضه کرده اند. هرچند خانواده با تولد فرزندان گسترش می یابد، ولی در همه حال رکن اساسی آن زن و شوهر هستند. زن و مرد برای ارضای نیازهای جنسی، عاطفی، اجتماعی، اقتصادی و سایر نیازهای خود به ازدواج رو می آورند. تحقیقات روان شناسان نشان می دهد که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد از احساس رضایت مندی و سلامت جسمانی و روانی بیشتری برخوردارند. (هاو کینز^۱ و بوث^۲؛ ۲۰۰۵؛ هلمز^۳ و بوهلر^۴؛ ۲۰۰۷؛ ویلیامز^۵، ساسلر^۶ و نیکلسون^۷،

1 . Howkins, D.

2 . Booth, A.

3 . Helms, H.

4 . Buehler, C.

5 . Williams, K.

6 . Sassler, S.

7 . Nicholson.

۲۰۰۸؛ نقل از پور محسنی، ۱۳۸۹) همچنین افراد متأهل از حمایت اجتماعی بیشتری برخوردارند و کمتر با مشکلات اقتصادی مواجه می‌گردند. (ویت^۱ و گالا کر^۲، ۲۰۰۰)

دین اسلام مانند سایر ادیان، انسان‌ها را به ازدواج توصیه کرده و خانواده را محبوب‌ترین و عزیزترین نهاد بشری معرفی کرده است.^۳ (مجلسی، ۱۴۱۲ق) قرآن کریم وجود دو جنس متفاوت و ایجاد صمیمیت و مهربانی بین آن دو را از نشانه‌های الهی شمرده و ازدواج را مایه آرامش زن و مرد، دانسته است.^۴ (سوره روم، آیه ۲۱) پیامبر اسلام ﷺ تشکیل خانواده را بخشی از سنت خود می‌داند و تأکید می‌کند هر کس آن را ترک کند، از روش پیامبر ﷺ فاصله گرفته است.^۵ (مجلسی، ۱۴۱۲ق)

در قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام آیات و روایات فراوانی وجود دارد که در آنها بر آثار مثبت فردی و اجتماعی نهاد خانواده تأکید شده است که از جمله آنها می‌توان به رشد فوق العاده دینداری^۶ (حر العاملی، ۱۴۱۶ق) و کامل شدن شخصیت (مطهری، ۱۳۷۲) اشاره کرد.

روشن است که بیشتر آثار فردی و اجتماعی خانواده در پرتو برپایی خانواده سالم و موفق شکل خواهد گرفت. با این وجود، اکنون حفظ و استمرار خانواده سالم و بی‌مشکل در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف دشوار شده است. (وایتمن^۷، مک‌هال^۸ و کروتر^۹، ۲۰۰۷ و بیکر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۹ نقل از پور محسنی، ۱۳۸۹) رشد فزاینده آمار طلاق که معتبرترین شاخص برای آشفستگی خانوادگی است، نشانگر وجود آسیب‌های جدی در بنیان نهاد خانواده است. (هال^{۱۱}، ۲۰۰۶ رزن گراندن^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۴)

در سال‌های اخیر آمار طلاق در ایران رشد فزاینده‌ای داشته است، به طوری که از ۹/۴٪

1 . Waite, L.

2 . Gallagher, M.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا بَنَى فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ (بحار الانوار، جلد ۱۰۰، ص ۲۲۲).

۴. وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.

۵. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: النِّكَاحُ سُنَّتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۰).

۶. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ تَزَوَّجَ أَخْرَزَ نَصْفَ دِينِهِ؛ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْآخِرِ (وسائل الشیعه، جلد ۲۰، ص ۱۷).

7 . Whiteman, S.

8 . McHale, S.

9 . Crouter, A.

10 . Baker, E.

11 . Hall, S.

12 . Rosen Grandon, J.

در سال ۱۳۸۰ به حدود ۲۰٪ در سال ۱۳۹۲ رسیده است.^۱ (سایت سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۳) این آمار به جز خانواده‌های آشفته‌ای است که زن و مرد به دلائل گوناگون از هم جدا نمی‌شوند.

به همین دلیل، در عصر حاضر تلاش برای حل تنش‌ها و اختلافات خانواده‌ها بیشتر مورد توجه صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه مسائل رفتاری و اجتماعی قرار گرفته است. در قرن بیستم با توسعه دانش جدید روان‌شناسی به تدریج خانواده درمانی در اغلب کشورها گسترش یافت.

پس از چند دهه رشد خانواده درمانی، روان‌شناسان به جنبه‌های معنوی خانواده‌ها توجه نمودند و بدین ترتیب، درمانگران وارد فضای جدیدی از مداخله‌ها شدند که در آن، نه تنها به دینداری زوج‌ها می‌پردازند، بلکه از آن برای حل سایر مشکلات و ناهنجاری‌های خانوادگی نیز استفاده می‌کنند. (والش^۲، ۲۰۰۹) این امر سبب شد که در کشورهای اسلامی، آموزه‌های اسلامی در باب ازدواج و خانواده بیشتر مورد توجه مشاوران خانواده قرار گیرد. این روند از آن جهت اهمیت دارد که در اسلام، توصیه‌ها و روش‌های بسیاری برای حل مشکلات خانوادگی ارائه شده است.

۱. در سال ۱۳۹۲ در برابر ۱۹۲۷۵۷ ازدواج، ۱۵۸۷۵۳ طلاق ثبت شده است. بیشترین طلاق مربوط به استان‌های تهران و البرز و کم‌ترین طلاق متعلق به استان‌های سیستان و بلوچستان و یزد می‌باشد. (سایت‌های خبری ۱۳۹۲/۴/۲۴ به نقل از تویسرکانی رئیس سازمان ثبت احوال کشور).

2 . Walsh, f.

ب) ضرورت تلاش برای بهسازی خانواده

سلامت خانواده تأثیرات مهمی بر زوجین، فرزندان و کارآمدی فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد. نارضایتی و ناکامی در ارضای نیازهای عاطفی-روانی خانواده، جامعه را در معرض آسیب‌های زیادی قرار می‌دهد که دامنه آن از افسردگی، پرخاشگری و وسواس تا استعمال مواد مخدر و روابط نامشروع جنسی گسترده است. فرزندان چنین خانواده‌هایی نیز، اغلب سرنوشت شوم و ناخوشایندی در پیش دارند.

از آنجا که بسیاری از خانواده‌ها مؤمن و ملتزم به احکام و آموزه‌های اسلام هستند، مایلند مسائل خانوادگی خود را براساس مبانی اسلامی و در چارچوب احکام دینی تنظیم نموده و مشکلات احتمالی را نیز از طریق آن حل و فصل نمایند. به همین دلیل، در ایران قرن‌ها آموزش امور خانوادگی و مشاوره اخلاقی و خانوادگی توسط روحانیون و معتمدین محل، انجام می‌شده است. معمولاً ریش سفیدان و بزرگان فامیل به حل مشکلات جوان‌ها می‌پرداختند. به علاوه وجود روابط خویشاوندی گسترده بسیاری از مسائل را حل می‌کرد. والدین زوجین نیز در حل مشکلات آنها نقش فعالی داشتند.

اما در دهه‌های اخیر به علت پیچیدگی‌های عوامل اجتماعی-فرهنگی، تخصصی شدن امور مشاوره‌ای و تمایل خانواده‌ها به استفاده از روان‌شناسان و مشاوران، اغلب مردم مشکلات خانوادگی خود را از طریق مراکز مشاوره و مشاوران کارآمد حل و فصل می‌کنند. با این وجود بیشتر مردم ترکیبی از روش‌های علمی و دینی را بر توصیه‌های صرفاً غربی که سازگاری چندانی با فرهنگ اسلامی ندارند، ترجیح می‌دهند و به مشاورین روحانی، دین‌باور

و مذهبی بیشتر اعتماد می کنند. یافته های تحقیقات متعدد نیز حاکی از آن است که استفاده کاربردی و نظام مند از آموزه های اسلامی، در کنار فنون روان شناسی مدرن باعث حل بهتر و مؤثرتر مشکلات زوجین و خانواده ها شده است. (به عنوان نمونه: سالاری فر، ۱۳۹۳ و ۱۳۸۵؛ دولتخواه، ۱۳۹۲؛ صفورایی، ۱۳۸۸؛ جدیری، ۱۳۸۹) در واقع، استفاده ترکیبی از آموزه های اسلامی و روان شناسی در مسائل خانواده بستر مناسبی برای تدوین خانواده درمانی اسلامی و حل مشکلات خانواده ها براساس آموزه های دینی و علمی ایجاد کرده است.

ج) راهبردهای جذب خانواده‌ها به مسجد

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان کم‌رنگ شدن نقش مساجد از آنجا ناشی می‌شود که بیشتر متولیان مساجد با نیازهای روز جامعه آشنایی ندارند. از این رو، لازم است ائمه جماعات، هیئت امناء و سایر مسئولین و دست‌اندرکاران امور مساجد با استفاده از کارشناسان خبره، نیازهای خانواده‌ها را به صورت علمی مورد مطالعه قرار داده و برای برطرف کردن این نیازها برنامه‌ریزی نمایند. به عقیده نگارنده، برای جذب خانواده‌ها و حضور آنها در مسجد نخست باید موانع حضور آنان شناخته شود تا با حذف این موانع، زمینه حضور خانواده‌ها در مسجد فراهم گردد. به نظر می‌رسد عدم حضور مردم به ویژه جوانان در مساجد علل متعددی دارد که از جمله آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: غفلت از ارزش حضور در مسجد و نماز جماعت، بدرفتاری برخی نمازگزاران یا مسئولین مسجد، کثیفی و تمیز و مرتب نبودن برخی مساجد، کم‌سوادی یا معنوی و اخلاقی نبودن بعضی امامان جماعت، سیاسی کردن فعالیت‌های مسجد، عیوب احتمالی برخی بستگان و نزدیکان امام جماعت، طولانی بودن نماز جماعت، رفتارهای نامناسب متولیان و دست‌اندرکاران مسجد، نداشتن فعالیت‌های جنبی مورد نیاز مردم و ...

علاوه بر موارد مذکور که بیشتر در مورد نمازخوان‌ها است، پاره‌ای از مردم هم که اساساً نماز نمی‌خوانند و به تبع آن رفت و آمدی به مسجد ندارند. بر اساس یک پژوهش میدانی بیش از ۵۰٪ کسانی که مورد پرسش قرار گرفته بودند، نماز نمی‌خواندند. (به نقل از محمدی عراقی، ۱۳۷۶) نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد بسیاری از خانواده‌ها اساساً با ارزش نماز و حضور در مساجد آشنا نیستند. از این رو، یکی از وظایف مهم ائمه جماعات و مسئولین فرهنگی کشور آشناسازی خانواده‌ها با ارزش‌ها، فواید، اسرار و فلسفه نماز، به ویژه نماز جماعت و حضور در مسجد است.

با این وجود، به منظور جلب مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های دینی و ترغیب آنان به حضور در مساجد راهبردهای گوناگونی وجود دارد که متناسب با شرایط و امکانات هر منطقه می‌توان از آنها بهره برد. از باب نمونه در اینجا به چند راهبرد اصلی اشاره می‌کنیم:

۱. مشارکت خانواده‌ها در اداره امور مسجد

یکی از راه‌های جذب خانواده‌ها به مسجد، مشارکت دادن آنان در اداره امور مسجد و انجام فعالیت‌های مسجد است. معمولاً، یک مسجد فعال و پویا دارای فعالیت‌های متعدد و متنوعی می‌باشد که گاه دامنه آن از برنامه‌های عبادی تا فعالیت‌های امدادی و تربیتی گسترده است. واگذار کردن بخشی از این فعالیت‌ها به خانواده‌ها نقش مؤثری در جذب آنان به مسجد دارد.

۲. توجه جدی به بهداشت و نظافت مساجد

به طور کلی مردم به مکان‌های پاکیزه، زیبا، جذاب و دلپذیر بیشتر گرایش دارند. به همین دلیل، برای جذب آنان به مساجد باید این مکان‌ها همیشه آراسته و پاکیزه باشند. متأسفانه یکی از مشکلات برخی مساجد کمی بهداشت و تمیزی آنهاست. فرش‌ها بو می‌دهند و پرده‌ها از شدت کثیفی سیاه شده‌اند؛ قرآن‌ها، مفاتیح‌ها، رساله‌ها و سایر کتب اغلب پاره و به صورت نامرتبی در قفسه‌ها رها شده‌اند؛ در و پنجره و قفسه‌های مسجد غبار گرفته‌اند؛ حیاط مسجد هم غالباً پر از مصالح ساختمانی یا برگ درختان است. متولیان مسجد هم تنها به طهارت شرعی و پاک بودن مسجد توجه دارند، غافل از این که در دنیای امروزی تمیزی و زیبایی اهمیت زیادی دارد. به همین دلیل ما نباید در باب نظافت مساجد فقط در حد طهارت و مسائل فقهی اکتفا کنیم. چون آن چه در احکام شرعی آمده بیان حداقل‌های نظافت است و ما نمی‌توانیم انواع آلودگی‌ها، کثیفی‌ها و چیزهایی که مردم را متنفر می‌کند، ندیده بگیریم. (هاشمی رفسنجان، ۱۳۷۶)

ابی بن کعب روایت می‌کند: «پیامبر خدا ﷺ بر دیوار مسجد، آب دهانی دید که بر آن چسبیده بود. فوراً آن حضرت با پارچه‌ای آن را پاک و تمیز کرد و آن پارچه را به بیرون مسجد انداخت و جای آن را با عطر خوش بو نمود.» (نمیری، ۱۴۱۷ق)

اتفاقاً مسجد چون محل رفت و آمد دائمی مردم است، بیش از سایر مکان‌ها نیاز به نظافت و

پاکیزگی دارد. در حدیثی از رسول اکرم ﷺ آمده است: «کسی که مسجد را نظیف و خاکروبه‌های آن را بیرون بریزد، مورد رحمت خداوند قرار خواهد گرفت.»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق)

متصدیان مساجد توجه داشته باشند که حیاط و دیوارها، شبستان‌ها و فضای درونی، درها و پنجره‌ها، پرده‌ها، فرش‌ها، سجاده‌ها و هر چیزی که در مسجد مورد استفاده قرار می‌گیرد باید تمیز و پاکیزه باشند. نور، صدا و دما در حد مطلوب باشد و مسجد همواره معطر و خوشبو نگه داشته شود؛ نمازگزاران هم با لباس پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. (انصاری راد، ۱۳۸۸)

۳. توجه به قسمت بانوان مساجد

زنان بخش عظیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و حضور آنان در مساجد، فرصت مناسبی برای بهره‌گیری معنوی از این جایگاه مقدس و آشنایی با معارف اسلامی فراهم می‌آورد. با این وجود، یکی از مسائلی که در اغلب مساجد به چشم می‌خورد؛ نامناسب بودن قسمت خانم‌ها است. متأسفانه محل اجتماع خانم‌ها از نظر نور، تهویه، فرش، مسیر رفت و آمد و غیره به مراتب بدتر از قسمت آقایان است. مخصوصاً اگر به این نکته توجه کنیم که خانم‌ها اغلب همراه فرزندان‌شان وارد مسجد می‌شوند و اگر قسمت بانوان مطلوب و خوشایند نباشد، اثر منفی بر روی کودکان خواهد داشت و آنها را از مسجد بیزار خواهد کرد. مطمئناً حضور بانوان در مساجد سهم به‌سزایی در جذب همسران و فرزندان آنها به مساجد خواهد داشت. به همین دلیل باید محل استقرار خانم‌ها بیش از قسمت آقایان از جذابیت، راحتی و مطلوبیت برخوردار باشد.

۴. باز بودن دائمی مسجد به روی مردم

درهای مسجد باید همیشه برای عبادت‌کنندگان باز و چراغ‌هایش روشن باشد. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: کسی که در مسجدی چراغی بی‌فیروزه، تازمانی که مسجد از نور آن روشن است فرشتگان و حاملان عرش برای او طلب آمرزش می‌کنند.^۲ (طوسی، ۱۴۱۲ق)

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ، لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنَ التُّرَابِ مَا يَذُرُّ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ (من لا يحضره الفقيه، جلد ۱، ص ۲۳۳).

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ أَسْرَخَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سَرَّاجًا لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنْ ذَلِكَ السَّرَّاجِ (التهذيب، جلد ۳، ص ۲۶۱).

بی تردید منظور پیامبر از روشن کردن مسجد، مهیا داشتن آن برای عبادت و فعالیت‌های دینی است. که در آن عصر نمونه برجسته آن روشن نگه داشتن مسجد بوده است. ولی امروزه، نیازهای دیگری مانند وسایل سرمازا و گرمازا، تلفن، آب، کتابخانه و حتی رایانه و خطوط اینترنتی نیز بدان افزوده شده است.

۵. برخورداری از امام جماعت خوش فکر و مردم‌دار

در میان تمام کسانی که به نوعی در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیت‌ها، شایستگی‌ها، عملکرد، شخصیت و چگونگی برخورد او با مردم اثر شگرفی بر جذب یا دفع افراد به مسجد دارد. (نوبهار، ۱۳۷۵) امام مسجد بایستی به عنوان یک الگوی اخلاقی و رفتاری تمام عیار مطرح باشد تا مردم، به ویژه جوانان در تمام امور فردی و اجتماعی به او تأسی نمایند. در واقع محتوای اخلاقی، معرفتی و دینی مسجد در امام جماعت خلاصه می‌شود. اگر وی با مسائل روز جامعه آشنا باشد و در زمینه کاری خود از آگاهی کامل برخوردار باشد، مطمئناً مسجد مورد توجه خانواده‌ها قرار خواهد گرفت.

۶. برخورداری از هیئت امنای فعال و به‌روز

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای هیئت امنای مسجد را می‌طلبد. آنان می‌توانند با همفکری و همدلی، مسجدی فعال و با نشاط ایجاد کنند. مهم‌ترین خصوصیات که این افراد بایستی واجد آن باشند، عبارتند از: داشتن روحیه کار جمعی و همکاری صمیمانه با یکدیگر، تقسیم کارها و داشتن شرح وظایف مشخص، علاقه به کارهای مسجد و جدی بودن در پیگیری امور، آشنایی با نیازهای جوانان و خانواده‌ها، اعتقاد به کار علمی و استفاده از تخصص‌های گوناگون در فعالیت‌های مسجد.

۷. ارائه فعالیت‌های عام المنفعه

با نگاهی گذرا به تاریخ مساجد در می‌یابیم که مساجد علاوه بر نقش محوری خود که مکان عبادت پروردگار می‌باشد، کارکردهای گوناگون دیگری هم داشته‌اند. مدیریت مسجد نوعی مدیریت معنوی است که با قلمرو فعالیت‌های متنوع آن سروکار دارد. از این رو، اداره امور آن مستلزم دانش و بینش عمیق در ابعاد مختلف می‌باشد. امام

جماعت و مسئولین مساجد در صورتی موفق خواهند بود که علاوه بر نقش عبادی مسجد که البته محوری‌ترین کارکرد مسجد به شمار می‌آید، از سایر فعالیت‌های مسجد غافل نباشد.

بنابراین، مسجدی مطلوب است که در کنار توجه به مسائل عبادی، برای جنبه‌های فرهنگی، تربیتی، آموزشی و امدادی خانواده‌ها نیز برنامه داشته باشند و به صورت جدی به این امور اهتمام ورزند. مساجد فعال می‌توانند با انجام اقدامات مؤثر فوق گامی بزرگ در جهت تحکیم نهاد خانواده بردارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد مساجدی که دارای محلی برای فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، آموزشی و درمانی هستند، در جذب خانواده‌ها بسیار موفق بوده‌اند.

۸. اجتناب از انحصاری کردن مسجد

مساجد از آن خداوند است^۱ (سوره جن، آیه ۱۸) و به هیچ شخص، نهاد یا گروهی اختصاص ندارد. مسجد متعلق به عموم مردم است و همه افراد فارغ از وابستگی‌های قومی، سیاسی، فرقه‌ای و نژادی باید بتوانند آزادانه از آن استفاده نمایند. متأسفانه امروزه در اغلب مساجد، پاره‌ای نهاد‌های جانبی نظیر کانون‌های فرهنگی و پایگاه‌های مقاومت، برخی مساجد را به صورت پایگاه انحصاری جناح یا نهاد خاصی در آورده‌اند و همین امر باعث دوری بسیاری از جوانان و خانواده‌ها از مساجد شده است.

۱. وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا.

د) کارکردهای مسجد در رشد و تعالی خانواده

این مکان شریف به سبب تقدس و معنویتی که دارد تأثیر زیادی بر رشد و تعالی افراد و خانواده‌ها می‌گذارد. کم نبوده‌اند کسانی که با رفت و آمد به مسجد، از ضلالت و گمراهی نجات یافته و راه سعادت و نیک بختی را پیدا کرده‌اند.

ظرفیت‌های مسجد در بازسازی روح و روان مؤمنین به گونه‌ای است که یک فرد یا خانواده مسجدی، تفاوت آشکاری با افراد یا خانواده‌های غیر مسجدی دارند. افراد و خانواده‌های مسجدی اغلب مؤمن‌تر، معنوی‌تر، اخلاقی‌تر، مهربان‌تر، با نشاط‌تر، منظم‌تر، با حیات‌ر و در مسائل دینی آگاه‌ترند. این امر به خاطر خصوصیات ویژه و منحصر به فردی است که مسجد واجد آن است و به تدریج در اشخاصی که با مسجد انس دارند، تجلی می‌یابد.

از این رو، هر قدر اعضای خانواده‌ها بیشتر در مساجد حضور یابند، امکان تعالی آنها بیشتر می‌شود و آرامش درون خانواده نیز افزایش می‌یابد. در اینجا به برخی از ویژگی‌های تعالی بخش مسجد که آثار و نتایج آن در خانواده‌های مسجدی مشهود است، اشاره می‌کنیم:

۱. مسجد کانون عبادت و معرفت

همانند هر عبادت‌گاه دیگری، مهم‌ترین کارکرد مسجد، انجام عبادت و کسب معرفت است. مؤمنین با حضور در مسجد می‌کوشند زمینه‌ایمان‌افزایی و دانش‌اندوزی را در خود مهیا کنند. پیامبر ﷺ ضمن نصایحی به ابوذر فرمودند: ای ابوذر! جز برای سه چیز در مسجد حضور نداشته باش: نماز گزاردن، ذکر گفتن و بحث علمی کردن.^۱ (مجلسی، ۱۴۱۲ق)

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَغْوٌ إِلَّا ثَلَاثُهُ: قِرَاءَةُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرٍ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ سَائِلٍ عَنْ عِلْمٍ (بحار الانوار، جلد ۸۰، ص ۳۷۰).

در واقع یکی از اهداف نبی مکرم اسلام ﷺ از برپا نمودن مسجد این بود که به مردم تفهیم نماید در نظام الهی علم و ایمان همواره با یکدیگر توأم هستند و کانون های توحید و عبادت مطلوب ترین مکان برای افزایش شناخت و معرفت، علم و آگاهی، تزکیه و تعلیم و اصیل ترین پایگاه برای بهسازی فکری، اخلاقی و رفتاری جامعه است.

بنابراین هر مسجدی باید هم کانون عبادت و نیایش خانواده و هم مرکز آموزش خودشناسی و خودسازی و آگاهی از اصول و مهارت های حیات طیبه و زندگی سعادت‌مندانه و خانواده باشد.

۲. مسجد پایگاه رشد اخلاق و معنویت

همانگونه که قبلاً بیان شد مسجد علاوه بر مکانی برای عبادت و بندگی، مکانی برای فراگیری علوم قرآن و معارف و دستورات اسلام نیز هست. مساجد از دو جهت در رشد فضائل اخلاقی تأثیر می گذارند:

۲-۱. آثار فضای معنوی مسجد

نفس حضور در فضای ملکوتی مسجد و رفت و آمد و نشستن در خانه خدا روح آدمی را جلا می دهد و آن را از غبار زشتی ها و ناروایی های پیراید. مساجد یکی از بهترین پایگاه های تأمل در خویشتن و تطهیر درون از ردائیل و بدی ها است. مردم در مساجد با پروردگار خویش راز و نیاز کرده و روح و روان خویش را از آلودگی ها تصفیه می نمایند و با استغفار و انابه راه تقرب الی الله را می پیمایند.

۲-۲. سخنرانی های اخلاقی و معنوی مسجد

مسلمین از طریق نشستن در پای منابر و استماع سخنان عالمان دینی که به بیان آموزه های اعتقادی و اخلاقی و احکام اسلام می پردازند، با اندیشه و روش تربیتی و اخلاقی اسلام آشنا می شوند. خانواده های مسجدی با تأثیری که از این مباحث می پذیرند، فضایل اخلاقی را درونی ساخته و دستورات اسلام را در عمق روح و جان خود، نهادینه می کنند. به همین دلیل، سخنرانان در سخنرانی های خود بیشتر به مسائل اخلاقی، تربیتی، آداب معاشرت، مسائل خانوادگی، فنون همسر داری، شیوه های فرزند پروری، سبک زندگی اسلامی، رفتار معصومین با همسر و فرزندان و همچنین الگوهای برتر اخلاقی بپردازند. همچنین توصیه می شود در صورت امکان جلسه های پرسش و پاسخ هم در پایان سخنرانی ها انجام شود تا خانواده ها با میل و رغبت بیشتری در سخنرانی ها و برنامه های مسجد شرکت کنند.

۳. مسجد مکانی آرام بخش و نشاط آفرین

مسجد، جای عبادت و تفکر و اندیشیدن درباره خود و خدای خود است و بدین جهت محیط آن سرشار از آرامش است. توصیه شده که برای حفظ آرامش و سکوت مسجد لازم است مؤمنان نماز، قرآن، دعا و مناجات را به طور آهسته انجام دهند تا مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود. پیامبر ﷺ فرمود: «در مساجد، صداها ی تان بلند نشود و در آن به گفتگوهای بیهوده نپردازید.»^۱ (مجلسی، ۱۴۱۲ق) امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز تأکید می کند که همگان در مسجد باید آرامش و طمأنینه داشته باشند؛ چون مسجد خانه خدا و محبوب ترین مکان در نزد پروردگار است.^۲ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق)

روشن است که حضور خانواده ها در چنین محیط آرام و دلپذیری از یک سو باعث آرامش و نشاط خود آنان می شود و از سوی دیگر، به طور غیر مستقیم به آنها می آموزد که در خانه یا سایر مکان ها نیز با ایجاد سر و صدا و همه هم زیاد موجب آزار و اذیت دیگران نشوند. به همین دلیل، حضور والدین و فرزندان شان در مسجد و شرکت در جلسات سخنرانی و سایر برنامه های دینی روحیه خانواده را شاداب و با نشاط می کند.

۴. مسجد الهام بخش نظم و انضباط در زندگی

وقتی یک خانواده مقید می شود که نمازها را در اوقات معین و همراه با جماعت و حضور در مسجد به جا آورد، به تدریج آنها وقت شناس و منظم می شوند. در حقیقت خانواده مسجدی از طریق حضور در مسجد و اقامه نماز جماعت در اوقات معین، نظم و وقت شناسی در زندگی را نیز می آموزد و یاد می گیرد که در سایر کارهایش منظم باشد. شایان ذکر است که یکی از عمده ترین عوامل موفقیت در زندگی برنامه ریزی و نظم در امور است و حضور خانواده در مسجد زمینه را برای برنامه ریزی زندگی بر اساس ارزش های دینی فراهم می آورد.

۵. مسجد جلوه گاه نظافت و آراستگی

مؤمنین در هنگام رفتن به مسجد باید علاوه بر آمادگی روحی و معنوی، از جهت ظاهری و

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَرْفَعُ فِيهَا الْأَصْوَاتُ، وَلَا يُخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ (بحار الانوار، جلد ۸۰، ص ۳۷۰).

۲. قَالَ الْأَمَامُ عَلِيُّ (عليه السلام): مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سَكُونٍ وَوَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ اللَّهِ وَأَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ (من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۷۰).

جسمی نیز خود را آماده و آراسته نمایند. در قرآن تأکید شده است که هنگام حضور در مساجد آراسته باشید.^۱ (سوره اعراف، آیه ۳۱)

امام مجتبی علیه السلام در هنگام نماز بهترین لباس هایش را می پوشید و می فرمود: «خداوند متعال زیبایی را دوست دارد، پس خود را برای پروردگارم می آرایم.»^۲ (نوری، ۱۴۰۸ق) از امام رضا علیه السلام نقل شده است که محل جلوس جدش امام صادق در مسجد از بوی عطر آن حضرت شناخته می شد. (طبرسی، ۱۴۰۸ق) امام صادق علیه السلام دو رکعت نماز با عطر را بهتر از هفتاد رکعت نماز بی عطر می دانست.^۳ (کلینی، ۱۴۱۳ق)

همه موارد مذکور، نشانگر اهمیت نظافت و بهداشت فردی نماز گزار است. هنگام صحبت دهان نماز گزار بوی بد ندهد؛ لباس نماز گزار کثیف و بدبو نباشد و پا و بدن او بوی عرق ندهد. هم چنین باید از استفاده چیزهایی که باعث ناراحتی دیگران می شود، مانند غذاهایی که بوی بد می دهند، استعمال دخانیات و سیگار و یا پوشیدن لباس های زننده و امثال آن، پرهیز کرد. محمد بن مسلم می گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد خوردن سیر پرسیدم. امام فرمود: پیامبر ﷺ به خاطر بویش از خوردن آن اجتناب می کرد و توصیه می کرد پس از خوردن سیر به مسجد نروید.»^۴ (همان)

وقتی فردی خود را موظف بداند که در هنگام رفتن به مسجد لباس تمیز و زیبا بپوشد؛ به خودش عطر بزند و بدنش را خوش بو نماید؛ و سر و صورتش را اصلاح کند، بی تردید کم کم به عادت پاکیزگی و آراستگی دائمی مزین می گردد.

۶. مسجد پایگاه صبر و استقامت در مشکلات و سختی ها

نماز به انسان می آموزد چگونه در مقابل امیال ناروا از خود پایداری نشان دهد. خداوند متعال در قرآن به مؤمنین سفارش می کند از شکیبایی و نماز یاری بجویند^۵ (سوره بقره، آیه ۴۵) و با تقویت اراده خویش، از انواع تمنیات و هوس های و سوسه انگیز نامشروع اجتناب کنند.

۱. یا بَنی آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ.
 ۲. إِذَا قَامَ الْمُجْتَبَى إِلَى الصَّلَاةِ لَيْسَ أَجُودَ نِيَابَهَ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لِمَ تَلْبِسُ أَجُودَ نِيَابِكَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ فَأَحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجُودَ نِيَابِي (مستدرک الوسائل، جلد ۳، ص ۲۲۶).
 ۳. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلَاةٌ مُطَيَّبٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ صَلَاةً بِغَيْرِ طَيِّبٍ (فروع الكافی، جلد ۷، ص ۵۱۱).
 ۴. قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْهُ لِرِيحِهِ؛ فَقَالَ: مَنْ أَكَلَ هَذِهِ الْبَقْلَةَ الْخَبِيَّةَ فَلَا يَقْرُبُ مَسْجِدَنَا (فروع الكافی، جلد ۶، ص ۳۸۸).
 ۵. وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ.

خانواده مسجدی با حضور در مسجد، وجودشان سرشار از عشق الهی شده و با صبر و استقامت آموخته شده از نماز، با ثبات قدم در صراط مستقیم به حرکت خود ادامه می دهند. شایان ذکر است که صبر و بردباری و تحمل، بهترین زیور ایمان و شریفترین صفات انسان به حساب می آید؛ به گونه ای که نسبت صبر به ایمان همچون نسبت سر به بدن معرفی شده است.^۱ (کلینی، ۱۴۱۱ق)

۷. مسجد خاستگاه حیا، حجاب و عفاف

بی تردید هر انسانی علاقمند است از عزت و کرامت نفس برخوردار باشد. یکی از عوامل مؤثر برای دستیابی به کرامت و عزت نفس حیا است. حیا از جمله صفات زیبای الهی و انبیاء و امامان و بندگان صالح و شایسته حضرت حق می باشند. افراد مسجدی به خاطر احترام خاصی که برای این جایگاه مقدس قائلند، پیوسته مراقب خویش هستند که سخن بیهوده یا رفتار ناشایستی از آنها سر نزنند. این مراقبت باعث تقویت حیا در آنان می شود. زنان در هنگام نماز با پوشش کامل به نماز می ایستند. بانوان در مساجد بیشتر مراقب حجاب و عفاف خود هستند و پایبندی به دستورات الهی در خصوص حریم میان زن و مرد در افراد مسجدی بیشتر است.

تقویت حیا در اعضای خانواده، خود به خود بهبود وضع حجاب و عفاف را در پی دارد. همان طور که در مسجد مردان و زنان در دو قسمت جداگانه به نماز جماعت می ایستند و حریم میان زن و مرد را رعایت می کنند، در خارج مسجد نیز این رفتار ارزشمند و خداپسندانه را رعایت کرده و به تدریج روحیه غیرت و عفاف بر جامعه حاکم می شود. بدیهی است که این امر بر خانواده ها تأثیر خواهد گذاشت و میزان وفاداری زن و شوهر نسبت به هم را بالا خواهد برد. افزون بر این، والدین مسجدی که با وقار و حجاب در جامعه حضور پیدا می کنند، این فرهنگ اسلامی را به فرزندان شان منتقل کرده و آنان را با حیا و عفاف آشنا می نمایند.

۸. مسجد پرورش دهنده عواطف انسانی

با حضور در خانه خدا و انس با مسجد و انسان های نیک سرشت، بستر مناسبی برای پرورش عواطف انسانی در خانواده اهل مسجد مهیا می گردد که نتایج ارزنده آن علاوه بر کانون خانواده، در سطح جامعه نیز تجلی می یابد.

۱. قال علی ابن الحسین (علیه السلام) الصبر من الایمان بمنزله الرأس من الجسد فإذا ذهب الرأس، ذهب الجسد، كذلك إذا ذهب الصبر، ذهب الایمان (اصول کافی، جلد ۲، ص ۹۴).

از این رو، معمولاً در بین افراد مسجدی، محبت و عطوفت بیشتری وجود دارد. آنها اغلب خوش اخلاق بوده و با دیگران رفتار گرم و صمیمانه‌ای دارند. به علاوه در اهالی مسجد روحیه جمع‌گرایی و همکاری بیشتر مشاهده می‌شود. در واقع حضور در خانه خدا، زمینه را برای آراسته شدن به صفات خداگونه‌ای همچون رحمت، عطوفت و شفقت فراهم می‌سازد. با رشد عواطف مثبت انسانی و صفات پسندیده الهی، اموری نظیر صداقت، صمیمیت، مهرورزی، عفو و گذشت، تعاون و همکاری در خانواده و جامعه گسترش پیدا می‌کند.

۹. مسجد پناه‌گاهی امن و مطمئن

مساجد پناه‌گاهی مطمئن و مأمنی آرامش بخش برای مؤمنان و مسلمانان به حساب می‌آیند. به همین دلیل در گذشته هرگاه مسلمانان با فشارهای حکومت، مخالفان عقیدتی و یا افراد ناباب روبه‌رو می‌شوند، به مساجد پناه می‌بردند. از پیامبر ﷺ نقل شده است که هرگاه بلاها و گرفتاری‌ها نازل شوند، اهل مسجد در عافیت و امنیت به سر خواهند برد.^۱ (النوری، ۱۴۰۸ق)

بنابراین، مسجد مکانی امن برای خانواده‌هاست و خانه خدا زمینه امنیت خانوادگی و اجتماعی را مهیا می‌سازد. خانواده‌ای که پیوسته به مسجد رفت و آمد دارد و از برکات آن بهره‌مند می‌شوند، خداوند را حاضر و ناظر اعمال خود می‌دانند و پیوسته مراقب رفتار خویش هستند. از این رو، جامعه از خانواده‌هایی که اهل مسجدند، بیشتر احساس امنیت خاطر می‌کند و اعتماد مردم نسبت به آنان بیش از دیگر افراد جامعه است.

۱۰. مسجد عامل بازدارنده از کجروی‌ها

مساجد نقش مهمی در کاهش انحرافات و کجروی‌های فردی و اجتماعی دارند. تحقیقات متعدد نشان داده است کسانی که اهل عبادت و حضور در معابد و مساجد هستند، بسیار کمتر در معرض بزهکاری قرار می‌گیرند. خداوند متعال در آیه ۴۵ سوره عنکبوت یکی از آثار و برکات نماز را دوری از زشتی‌ها و منکرات ذکر کرده است.^۲ امام علی (ع) می‌فرماید: «همانا نماز، گناهان را چون برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْآفَاتُ عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۶).

۲. إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

و زنجیر معاصی را از گردن‌ها می‌گشاید.»^۱ (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹)

اغلب بزه‌کاران از کسانی هستند که ارتباطی با خدا و نماز و مسجد ندارند و با ارزش‌های اخلاقی بیگانه‌اند. این افراد از معنویت تهی بوده و احساس طرد شدن از درگاه الهی را دارند. اما خانواده‌های اهل مسجد با حضور در خانه خدا و اقامه نماز خود را پیوسته در محضر خدا می‌بینند و همین امر آنها را از پلیدی‌ها و انحرافات باز می‌دارد.

حضور در مسجد علاوه بر آثار فوق، فواید فراوان دیگری مانند: تقویت اعتدال و ساده زیستی، مبارزه با تجملات و اسراف کاری، بخشندگی و کمک به نیازمندان، افزایش هدفمندی و معناداری زندگی، کم شدن احساس تنهایی و بی‌کسی، پر تحرکی و میل به فعالیت‌های اجتماعی، یاری‌رسانی و خدمت به هموعان، رانیز در بردارد.

ظرفیت‌های مسجد در حل مشکلات خانوادگی

با توجه به تقدس و حرمتی که مساجد در نزد مردم دارند، این مراکز می‌توانند نقش برجسته و بی‌بدیلی در حل مشکلات خانوادگی مردم ایفا کنند. در صورتی که امام جماعت و متولیان مسجد، تحکیم نهاد خانواده را به مثابه وظیفه‌ای دینی و اخلاقی تلقی نمایند و از ظرفیت‌ها و امکانات مسجد برای تحقق این امر خدا پسندانه استفاده کنند، می‌توانند اولاً با آموزش مهارت‌های زندگی از بسیاری آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی پیشگیری نمایند؛ ثانیاً با مداخله به موقع و مؤثر در بحران‌های خانوادگی و سرکشی از خانواده‌های آسیب‌دیده، در جهت کاهش آلام و رنج‌های خانواده‌های پیرامون مسجد، گام بردارند.

این فعالیت‌ها که هدف آنها کمک به استحکام و پایداری خانواده‌هاست بسیار متنوعند و از تشکیل صندوق قرض الحسنه و کمک مالی به خانواده‌های نیازمند یا ایجاد درمانگاه و تلاش برای درمان بیماری‌های آنان گرفته تا برگزاری جلسات آموزش مهارت‌های زندگی و سبک زندگی اسلامی و سرکشی از خانواده‌های آسیب‌دیده را شامل می‌شود. در اینجا برای نمونه به چند مورد از این راهبردها که اجرای آنها در اکثر مساجد کشور به آسانی میسر است، اشاره می‌کنیم.

۱. آموزش مهارت‌های زندگی

در آموزش مهارت‌های زندگی سعی می‌شود هر رفتاری به اجزای کوچک‌تر تقسیم شود

۱. قَالَ عَلَى ﷺ وَ أَنَّهَا لَتَحْتَ الذُّنُوبِ حَتَّ الْوَرَقِ وَ تُطْلَفُهَا إِطْلَاقَ الرَّيْقِ.

تا افراد بتوانند به راحتی آنها را تمرین کنند. در این آموزش‌ها علاوه بر یادگیری رفتارهای جدید، افراد می‌کوشند با شناخت خود، خدا، اطرافیان، جامعه و محیط زیست، شیوه تعامل بهینه با آنان را فرا گیرند. (شریفی نیا، ۱۳۹۱)

آموزش مهارت‌های زندگی به افراد خانواده کمک می‌کند تا در زندگی واقعی راحت‌تر بوده و از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار شوند و خودشان را صادقانه‌تر ابراز کنند و در نتیجه زندگی موفق‌تر و شادتری را تجربه نمایند.

مساجد می‌توانند با استفاده از کارشناسان مجرب و متخصص در امور خانواده این کلاس‌ها را برای بانوان، آقایان و حتی فرزندان برگزار نمایند. البته در برگزاری این کلاس باید نکاتی همچون تناسب زمانی، محیط آموزشی مناسب، سطح دانش فراگیران، نیازها و اولویت‌های گروه هدف و تلفیق آموزه‌های دینی با فنون علمی مدرن به دقت رعایت شود.

۲. مداخله در بحران‌های خانوادگی

یکی از مؤثرترین اقدامات برای مهار آسیب‌های خانواده‌های در معرض خطر، مداخله افراد آشنا به مسائل خانوادگی، با تجربه، خیرخواه، دلسوز و خوش‌بین در درگیری‌های خانوادگی و رویدادهای بحران‌زای خانواده‌هاست. این نوع مداخلات باعث کنترل نسبی اوضاع و کاهش تنش و درگیری پیش آمده در خانواده است.

با توجه به این که اغلب اعضای هیئت امنای مساجد انسان‌هایی مؤمن، خیر، خوش نام و مورد اعتماد مردم هستند، می‌توانند با مداخله به موقع و مناسب خود در بحران‌های خانوادگی نقش برجسته‌ای در پیشگیری از نزاع‌های خانوادگی و احیاناً طلاق و از هم پاشیدگی خانواده‌ها داشته باشند.

۳. سرکشی از خانواده‌های آسیب دیده

به دلایل مختلف بعضی خانواده‌ها دچار آسیب و پریشانی می‌شوند. حوادثی از قبیل ورشکستگی، تصادف، مرگ عزیزان، بیماری سخت و صعب‌العلاج، زندانی شدن یکی از اعضای خانواده، اعتیاد، از دست دادن شغل و اموری از این دست می‌تواند یک خانواده را با فاجعه‌ای بزرگ مواجه سازد. در چنین شرایطی انسان‌هایی که از هر چیزی نیاز به تسلی خاطر و حمایت اجتماعی دارند. اگر بعضی نمازگزاران سرشناس و موجه مسجد به همراه امام جماعت برنامه‌ای منظم برای شناسایی و سرکشی از این نوع خانواده‌ها داشته باشند

و ضمن شنیدن درد دل‌ها و مشکلاتشان، تا حد امکان کمک‌هایی به آنان ارائه دهند، بی‌تردید تأثیر شگرفی بر آرامش خانواده و کاهش اثرات آسیب‌خواهدداشت. پژوهش‌های متعدد تأیید کرده‌اند که ارائه حمایت‌های عاطفی و اجتماعی به میزان زیادی، تنش، تنهایی، اضطراب و سایر شرایط آسیب‌زا را کاهش داده و سلامت روانی دین‌داران را از طریق بهبود شرایط محیطی افزایش می‌دهد. (پولنر^۱، ۱۹۸۹؛ کیرک پاتریک^۲ و هود^۳، ۱۹۹۰؛ آرگیل^۴، ۲۰۰۰) افزون بر این، روحانیون و مبلغان دینی می‌توانند با ایجاد فضای حمایتی معنوی، بعضی از اختلالات خلقی مثل افسردگی، احساس تنهایی و کمرویی را درمان نمایند. پژوهش‌های انجام شده بیانگر آن است که حمایت‌های اجتماعی باعث می‌شود که افراد کمتر دچار اعتیاد به مواد مخدر شوند. (گورساک^۵، ۱۹۹۵)

۴. ایجاد مراکز مشاوره خانواده

ایجاد مراکز مشاوره خانواده در مساجد موضوع جدیدی است که می‌تواند به جذابیت مسجد بیفزاید. در شرایط کنونی زوجین و خانواده‌ها بیش از هر زمان دیگری نیازمند حمایت و راهنمایی هستند، به همین دلیل، ایجاد این گونه اماکن در مساجد که بیش از سایر مکان‌ها مورد اعتماد خانواده‌ها و مردم قرار دارند، ضروری به نظر می‌رسد.

البته مراکز مشاوره مساجد باید کلیه معیارها و استانداردهای یک مرکز مشاوره خوب و قابل قبول را داشته باشند. این مراکز علاوه بر این که بایستی از سازمان نظام روان‌شناسی دارای مجوز رسمی باشند، لازم علاوه بر فراهم آوردن مکانی امن، آرامبخش و دلنشین برای مراجعان، از نیروهای روان‌شناس و مشاور توانمند و با تجربه استفاده نمایند.

حداقل استانداردهای لازم برای یک مرکز مشاوره قابل قبول عبارتند از:

۱. دست کم دارای یک اتاق اداری، یک سالن انتظار، یک آبدارخانه و سه اتاق برای مشاوره باشد. مرکز باید حداقل یک اتاق گروه درمانی، یک اتاق روان‌سنجی و یک اتاق آموزش گروهی داشته باشد.

1. Pollner, J. O.
2. Kirkpatrick, L. A.
3. Hood, R. W.
4. Argyle, M.
5. Gorsuch, R. L.

۲. از تجهیزات و لوازم اداری مانند رایانه، میز اداری، صندلی راحتی و کاناپه، فایل، قفسه کتاب، وسایل کمک آموزشی مثل اورهد و ... به مقدار کافی برخوردار باشد.
۳. کلیه اتاق‌های مرکز مشاوره با رنگ‌های روشن و آرام بخش مثل سبز روشن، سفید استخوانی، آبی کمرنگ، کرم ملایم و ... رنگ‌آمیزی شوند، تا محیط برای مراجعین دلنشین و آرامبخش باشد.
۴. محیط مشاوره باید با گل‌های طبیعی یا مصنوعی و تصاویر زیبا از طبیعت تزئین گردد. دقت شود که در مراکز مشاوره عکس افراد یا شخصیت‌ها وجود نداشته باشد؛ چون ممکن است نشان دهنده جهت‌گیری سیاسی مرکز بوده و برای پاره‌ای افراد ناخوشایند باشد.
۵. کلیه روان‌شناسان و مشاوران علاوه بر دارا بودن مدرک دکتری یا کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مشاوره، یا علوم تربیتی باید از اطلاعات دینی خوبی هم برخوردار باشد و از آنها در مشاوره‌های خود استفاده نمایند.

و) امام جماعت به مثابه مشاوری امین و دلسوز

در میان تمام کسانی که به نوعی در اداره امور مسجد دخالت دارند، امام جماعت دارای نقشی ممتاز و ویژه است؛ به طوری که صلاحیت‌ها، شایستگی‌ها، عملکرد، شخصیت و چگونگی برخورد او با مردم اثر شگرفی بر جذب یا دفع افراد به مسجد دارد. (نوبهار، ۱۳۷۵) معمولاً ائمه جماعات مساجد به عنوان الگوهای اخلاقی و معنوی بیش از دیگران مورد وثوق و اعتماد مردم هستند و بسیاری از خانواده‌های مذهبی ترجیح می‌دهند مشکلاتشان را با امام جماعت در میان بگذارند و از آنها راهنمایی بخواهند.

اگر امام جماعت بخواهد مسئولیت خود را به بهترین نحو انجام دهد، باید رابطه صمیمانه‌ای با مردم برقرار کند. بدین منظور او باید واجد سه عنصر مقبولیت، محبوبیت و موفقیت باشد.

مقبولیت یعنی مردم او را واقعاً بپذیرند و به او اعتماد کنند. اگر امام جماعت مقبول نمازگزاران و اهل محل نباشد، کلام او تأثیری در مردم نخواهد داشت. از جمله عوامل مؤثر در مقبولیت امام جماعت این است که علاوه بر آگاهی کامل از مسائل دینی، فردی روشن فکر، آگاه و برخوردار از دانش روان‌شناسی و مسائل خانوادگی باشد.

محبوبیت به معنای آن است که علاوه بر پذیرش وی توسط مردم، آنها او را قلباً دوست بدارند و علاقمند به صحبت و ارتباط با وی باشند. مهربانی، خوش‌رویی، صداقت، گرمی و صمیمت در برخورد‌ها، انعطاف‌پذیری، شوخ طبعی و فروتنی باعث محبوبیت فرد می‌شود. موفقیت هم زمانی حاصل می‌شود که اولاً امام جماعت در برقراری ارتباط مؤثر و همدلانه با مردم موفق باشد و ثانیاً با استفاده صحیح از تکنیک‌های آموزشی و تربیتی بتواند آنان را به درستی راهنمایی کند.

رابطه امام جماعت با نمازگزاران باید صمیمانه و مبتنی بر احترام و محبت متقابل باشد. بدین منظور باید همواره با آنان گفتگو کند؛ از مشکلات شان آگاه باشد؛ موفقیت‌هایشان را تبریک بگوید و از ناراحتی و غم‌هایشان ابراز تأسف کند.

ویژگی‌های امام جماعت مشاور

یک امام جماعت مشاور برای مشاوره دادن به خانواده‌ها، علاوه بر داشتن شرایط امام جماعت نظیر تقوا و عدالت، توانایی علمی و خصوصیات اخلاقی، باید از ویژگی‌های زیر نیز برخوردار باشد:

- دارای سلامت جسمی و روانی باشد.
- باهوش باشد و توانایی توجیه و متقاعدسازی دیگران را داشته باشد.
- به انسان‌ها و حل مشکلات آنها علاقمند باشد.
- انعطاف‌پذیر باشد و کسی را به پیروی و اطاعت از خویش مجبور نکند.
- رازدار باشد و هرگز اسرار مردم را فاش نسازد.
- متقی؛ خوش‌نام و قابل اعتماد باشد.
- به توانایی و محدودیت‌هایش آگاه باشد و در مسائلی که تخصص ندارد، مداخله نکند.
- ضمن آشنایی با علم روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، به فنون و روش‌های مشاوره مسلط باشد.
- ذهن فعال و پویایی داشته باشد و بتواند سؤالات دقیق و مناسب را به موقع مطرح سازد.
- به راحتی با دیگران ارتباط برقرار کند و از روابط اجتماعی خوبی برخوردار باشد.
- از سعه صدر برخوردار باشد و توان شنیدن مطالبی را که با آنها موافق نیست داشته باشد.
- انتقادپذیر باشد و خود را کامل و بدون عیب و نقص نداند.
- دارای یکپارچگی درونی و انسجام شخصیتی باشد.
- عفیف و پاکدامن باشد و در گفتگوی با زنان و دختران مسائل شرعی و اخلاقی را کاملاً رعایت نماید.
- دارای اعتماد به نفس بوده و در ارائه راه حل‌ها از خود خلاقیت و ابتکار نشان دهد.

- دارای همدلی و خلوص بوده و درد و رنج مراجعین خود را درک نموده و با آنان همدلی نماید.
- انسان‌ها را با ارزش بداند و برای حل مشکلات آنها تمام توان خویش را به کار گیرد.
- مثبت اندیش و امیدوار باشد و همواره دیگران را امیدوار و خوش‌بین به حل مشکلاتشان نماید.
- خوش تیپ، خوش لباس و آراسته باشد. مواظب نظافت دهان و دندان و احیاناً بوی بد دهان خود بوده، و هرگز از پاکیزگی لباس و بدن خود غافل نشود.
- رفتارش با مراجعین توأم با احترام و تواضع باشد و از خودخواهی، تکبر، خشکی و تندخویی بپرهیزد.

اطلاعات مورد نیاز امام جماعت مشاور

کاری که یک مشاور خانواده باید برای مراجعینش انجام دهد دارای سه بعد شناختی، رفتاری و عاطفی است. در بعد شناختی مشاور باید کاری کند که مراجع، نخست به خودشناسی برسد و بعد دیگران را بشناسد و آنان را همان گونه که هستند، بپذیرد. در بعد رفتاری مشاور سعی می‌کند مراجع را از یک رفتار غیر اخلاقی به یک رفتار اخلاقی سوق دهد. مثلاً می‌کوشد یک فرد دروغ‌گو را به جایی برساند که دیگر دروغ نگوید. در بعد عاطفی مشاور تلاش می‌کند روابط از هم پاشیده شده اعضای خانواده را تبدیل به روابط صمیمانه کند. مثلاً فردی که وجودش پراز کینه و خشم است را به کسی تبدیل کند که وجودش پراز عشق و محبت است. برای رسیدن به این اهداف لازم است مشاور تا حدودی با دانش خانواده و فنون مورد نیاز آشنا باشد. دامنه این دانش‌ها و فنون بسیار گسترده است که در اینجا امکان پرداختن به همه آنها وجود ندارد. ولی سه مورد اساسی برای مداخله در مسائل خانوادگی عبارتند از: آشنایی با ویژگی‌های خانواده سالم، آگاهی از مشکلات کنونی خانواده‌ها و اطلاع از فنون مداخله در مسائل خانوادگی. در ادامه هر یک از موارد فوق را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱. آشنایی با ویژگی‌های خانواده سالم

بدون شناخت ویژگی‌های خانواده سالم، نمی‌توان درک درستی از آسیب‌ها و مشکلات خانوادگی داشت. از این رو، در این قسمت برخی از مهم‌ترین خصوصیات خانواده سالم را توضیح می‌دهیم.

از نظر روان‌شناسان خانواده سالم خانواده‌ای است که در رسیدن به اهداف و کارکردهای خود موفق باشد و اعضای آن احساس شادی و رضایت کنند. سلامت خانواده فرآیندی تعاملی است که با روابط و نتایج مثبت مرتبط است و به ساختار، کنش‌ها و ثمرات آن بستگی دارد. از آنجا که اساس خانواده زن و شوهر می‌باشند، روابط سالم و رضایت‌بخش بین زوجین شاخص مهمی برای خانواده سالم محسوب می‌شود.

حسینی (۱۳۹۰) خانواده‌ای را متعادل و سالم می‌داند که نیازهای مادی، عاطفی و روانی اعضای آن تأمین می‌شود؛ علائم مرضی ندارد و در شرایط مطلوب به سر می‌برد؛ اعضای خانواده شامل شوهر، زن و فرزندان با هم زندگی می‌کنند؛ پدر اقتصاد خانواده را اداره می‌کند و مادر به مدیریت داخلی منزل و همچنین تربیت فرزندان می‌پردازد؛ بین اعضای خانواده صمیمیت، پذیرش، توجه و رسیدگی نسبت به هم وجود دارد؛ والدین و فرزندان در روابط خود حدود شرعی و ارزش‌های اخلاقی را رعایت می‌کنند؛ فرزندان به والدین احترام می‌گذارند و بین آنها مشارکت، صمیمیت، عطف و همدلی وجود دارد.

بدین ترتیب می‌توان گفت خانواده سالم خانواده‌ای است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. اعضای خانواده دارای عقاید دینی و ارزش‌های اخلاقی مشترکی هستند و خود را ملتزم و عامل بدان می‌دانند.
۲. متناسب با توانایی، ظرفیت و رضایت زوجین و فرزندان، نقش‌ها و وظایف هر یک از اعضای خانواده به طور واضح و شفاف مشخص و تعریف شده است و هر کس با انجام درست وظایفش، نقش خود را به خوبی ایفا می‌کند.
۳. اعضای خانواده ضمن مراقبت، مشارکت و همدلی با همدیگر، به استقلال شخصیت هم احترام می‌گذارند و تفاوت‌های فردی یکدیگر را می‌پذیرند.
۴. برای اعضای خانواده مجال بروز طیف گسترده عواطف، از احساسات ملایم و محبت‌آمیز تا احساسات متعارض و غمگین وجود دارد و آنها می‌توانند بدون نگرانی از عواقب آن، احساسات خود را بروز دهند.
۵. اعضای خانواده نسبت به هم وفادار بوده و همگی برای رشد و بهزیستی سایر اعضای خانواده تلاش می‌کنند.
۶. اعضای خانواده با عشق و احترام با هم رفتار کرده و قدردانی و تشکر قلبی خود را نسبت به سایر اعضا ابراز می‌نمایند.
۷. اعضای خانواده درباره همه مسائل زندگی و مشکلات خانوادگی با آرامش با هم گفتگو

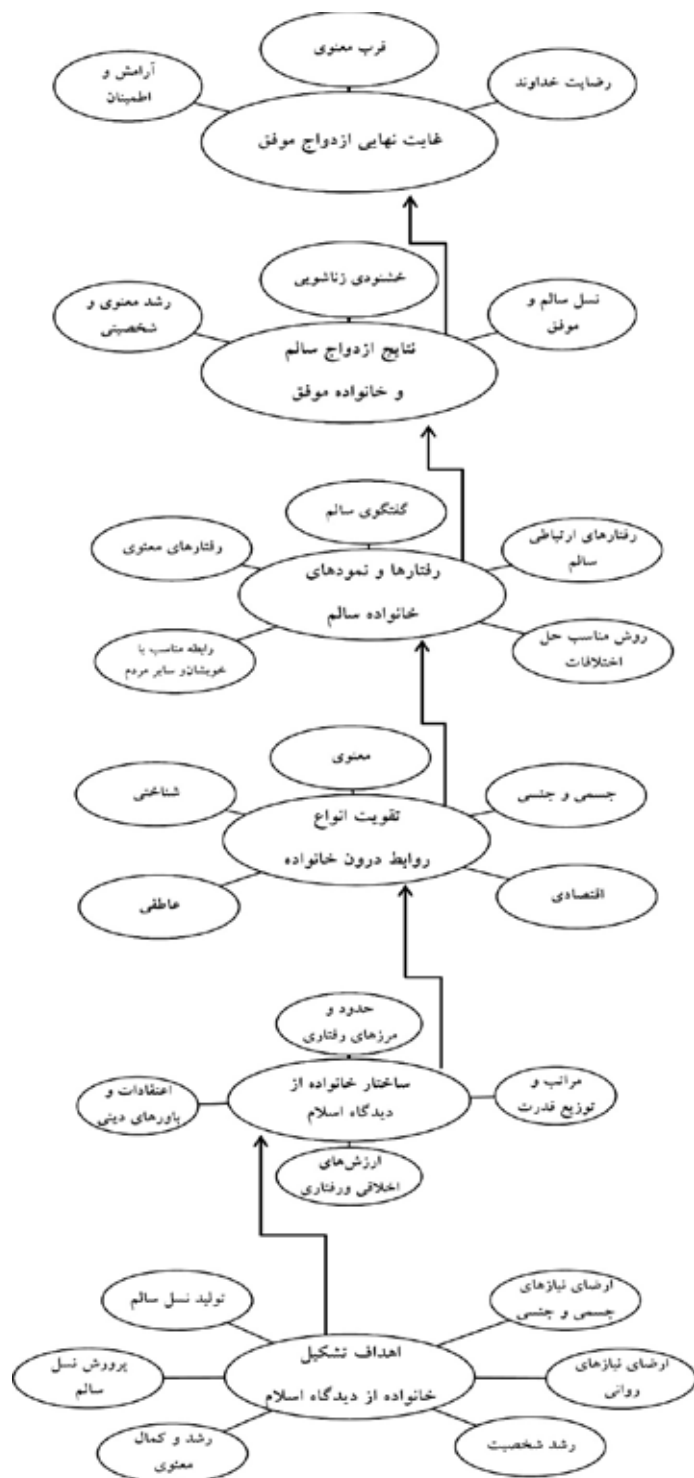
می‌کنند و به جای انکار یا سرکوبی مشکلات، آنها را با صمیمیت و تفاهم بررسی می‌نمایند. ۸. اعضای خانواده از صرف کردن وقت با هم لذت می‌برند و از نظر کمی و کیفی اوقات خوشی را با هم می‌گذرانند.

۹. اعضای خانواده در مراحل مختلف زندگی به جای سرزنش و تحقیر، طرد و تمسخر، اجبار و تحمیل به یکدیگر، روش تعریف و تشکر، تأیید و پذیرش تشویق و پاداش و تأمین حق انتخاب و آزادی‌های مشروع را به کار می‌گیرند.

۱۰. در هنگام وقوع اختلافات بین فردی یا بحران‌های خانوادگی می‌کوشند از طریق گفتگو، شوخی و بذله‌گویی و ابراز احساسات سازنده و مثبت نسبت به هم، مداخله بزرگترهای فامیل یا نزدیکان آگاه و دلسوز، و یا درخواست مشاوره از روان‌شناسان و متخصصان، مشکلات خود را حل نمایند.

به طور خلاصه می‌توان گفت با تقویت روابط و مناسبات مطلوب در خانواده، رفتارهای خانواده سالم در جلوه‌های زیر ظاهر می‌شود: گفتگوی سالم و مؤثر، رفتار ارتباطی خوب، رفتارهای معنوی، رفتار مناسب با خویشان و سایر مردم و روش‌های مؤثر برای حل اختلافات و تعارض‌ها. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸)

شکل یک ساختار پویای خانواده سالم از دیدگاه اسلام را نشان می‌دهد. هر گونه اختلال در این مراحل به آسیب و آشفته‌گی خانواده منجر می‌شود.



۲. آگاهی از آسیب‌های رایج خانواده

برای این که بتوانیم به خانواده‌ها کمک کنیم، بایستی عوامل آسیب‌زا و چگونگی مقابله با آنها را بشناسیم. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توانیم مهم‌ترین علل آسیب‌های خانوادگی را به سه دسته عوامل اجتماعی، عوامل شخصی و عوامل ارتباطی تقسیم کنیم.

۱-۲. عوامل اجتماعی

شیوع گسترده اموری مانند احساس از خود بیگانگی فرهنگی، پیدایش شیوه‌های جدید زندگی جنسی، تغییر نقش‌های زن و شوهر، آسان شدن جابجایی و مهاجرت، هسته‌ای شدن خانواده‌ها، در هم آمیختگی فرهنگی، اشتغال زوجین، عادی شدن طلاق و سست شدن ارزش‌های دینی و اخلاقی زمینه آسیب‌پذیری خانواده‌ها را افزایش داده است.

۲-۲. عوامل شخصی

مسائلی مثل برداشته‌ها و انتظارات غیرواقعی از ازدواج، ناهمخوانی اهداف زوجین، تغییر نگرش‌ها، سبک‌های احساسی و رفتاری متفاوت، مشکلات رفتاری و شخصیتی افراد و حالات روانی کنونی همسران، از جمله اموری هستند که باعث آشفتگی خانواده‌ها می‌شوند.

۳-۲. عوامل ارتباطی

مجموعه مسائلی که به کیفیت روابط والدین و فرزندان مربوط می‌شود، در این حیطه قرار می‌گیرند. مشکلاتی نظیر کمبود ارتباط کلامی و عاطفی، پرخاشگری‌های کلامی، رفتار ناخوشایند متقابل، الگوهای ارتباطی نامناسب، ناتوانی همسران در حل مشکلات بین فردیشان و روابط ناسالم فراخانوادگی از جمله عوامل آسیب‌زا به شمار می‌آیند. این عوامل که منبع بسیاری از پریشانی‌ها و ناهنجاری‌های خانوادگی در عصر ماست، باعث بروز مشکلات عدیده‌ای در خانواده‌ها می‌شود که می‌توان آنها را در ۵ گروه اصلی مشکلات شناختی، رفتاری، کلامی، عاطفی و روانی جای داد.

عقاید خرافی، باورهای غلط، ارزش‌های نادرست، نگرش‌های معیوب و انتظارات نامعقول مهم‌ترین مشکلات شناختی افراد خانواده را تشکیل می‌دهند معمولاً افکار و باورهای نادرست، باعث انجام رفتارهای ناسالم و آسیب‌زایی شوند. این رفتارها نظیر پرخاشگری بی‌تفاوتی، کناره‌جویی و ... خود منشأ بسیاری از مشکلات خانوادگی است که گاه فروپاشی بنیان خانواده را در پی دارند.

مشکلات کلامی نیز سهم بزرگی در آشفتگی روابط زوجین و فرزندان دارند. بسیاری از

زوج‌ها، و خانواده‌ها از نحوه ارتباط و گفتگوی با یکدیگر ناخشنود هستند. برخی بسیار ساکتند و به ندرت با هم صحبت می‌کنند؛ بعضی از لحن و نحوه گفتگو شکایت دارند و می‌گویند اغلب با لحن تحکم‌آمیز و غیر مؤدبانه با آنها صحبت می‌شود؛ پاره‌ای هم نمی‌توانند همدیگر را درک کنند و از حرف‌های طرف مقابل برداشت منفی می‌کنند.

گاه وقتی یکی از اعضای خانواده با دیگری صحبت می‌کند، او متوجه نمی‌شود که گوینده در حال تلاش برای برقراری رابطه با اوست؛ در نتیجه پاسخ تند و ناامید کننده‌ای می‌دهد همین امر اختلاف بین آنها را تشدید می‌کند. بسیاری از زوجها از گفتگو و مشاجره‌های رنج‌آور گله دارند و اظهار می‌دارند که اغلب سخنان طرف مقابل حاوی سرزنش کردن، حمله کردن، دفاع کردن، کناره‌گیری کردن یا آمیزه‌ای از اینهاست. برخی زوج‌ها هم خبر میدهند که گفتگوهایشان با هم عمقی ندارد و برای همین احساس دوری و جدایی می‌کنند. بخش دیگری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از عواطف و احساساتی است که نسبت به هم ابراز می‌کنند. برخی شدیداً هیجانی هستند و نمی‌توانند احساسات ناراحت کننده خود را مهار نمایند. این افراد با افراط در احساسات منفی، مدام بر ناراحتی‌ها و مشکلاتی که به طور طبیعی در زندگی روزانه پدید می‌آید، انگشت می‌گذارند. گاهی تمرکز بر این هیجان‌های منفی به اندازه‌ای شدید می‌شود که همه ابعاد زندگیشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آنان نمی‌توانند حتی وقتی سرکار هستند یا در موقعیت‌های لذت‌بخش به سر می‌برند، فکرشان را از احساسات آشفته و ناراحت کننده رها سازند. گاهی این تمرکز افراطی بر احساسات منفی، به اندازه‌ای اعضای خانواده را از نظر عاطفی خسته می‌کند که دائماً احساس ناراحتی و فشار روانی می‌کنند و نمی‌توانند از جنبه‌های مثبت زندگیشان لذت ببرند.

و در نهایت گاهی مشکلات خانواده‌ها ناشی از اختلالات روانی و ناهنجاری‌های رفتاری یک یا چند نفر از اعضای خانواده است. ابتلای به افسردگی، اختلالات اضطرابی، وسواس فکری و عملی، اختلال دوقطبی، بدکار کردی‌های جنسی، مصرف مواد مخدر و الکل یا اسکیزوفرنی، تأثیرات شدیدی بر نابسامانی‌های خانوادگی دارند. (اپشتاین و باکوم، ۲۰۰۲) نکته بسیار مهم در آسیب‌شناسی خانواده، ماهیت تعاملی آن است. یعنی در بیشتر مشکلات خانوادگی حتماً هر دو یا چند طرف نقش دارند. وقتی زن و شوهر در برابر مشکلی قرار می‌گیرند که نمی‌توانند آن را بین خود حل و فصل نمایند، ممکن است به یکی از چهار الگوی تعاملی نامناسب زیر رو آورند:

حمله متقابل: در این الگوی رفتاری همسران به جای حل مشکلاتشان به رفتارهای پرخاشگرانه متقابل نظیر انتقاد از هم، تهدید یکدیگر و گاه بدرفتاری‌های بدنی و عاطفی رو می‌آورند.

درخواست-کناره‌گیری: در این سبک رفتاری یکی از همسران دیگری را اغلب به شیوه پرخاشگرانه و تهاجمی دنبال می‌کند تا توجه و پذیرش او را به دست آورد؛ اما طرف مقابل از کناره‌گیری می‌کند یا از توجه به او خودداری میکند.

کناره‌گیری متقابل: در این حالت هر دو همسر با هم قهر کرده و از یکدیگر فاصله می‌گیرند تا درگیر تعامل‌های تنفرآمیز نشوند.

جدایی متقابل یا یک طرفه: در این شیوه یکی از همسران یا هر دو علاقه‌ای به طرف مقابل ندارد و حتی وقتی یکی از آنها به دیگری نزدیک می‌شود، او خود را کنار می‌کشد و از او دوری می‌کند.

به هر حال وقتی انتقادها و بی‌حرمتی‌های یکی از همسران، عزت نفس دیگری را به مخاطره می‌افکند، این باعث گوشه‌گیری یا رفتار دفاعی طرف مقابل می‌شود. همسران اغلب رها کردن یک رابطه خصمانه را بر این که با کسی زندگی کنند که دائماً موجب ناراحتی و افسردگی شود، ترجیح می‌دهند.

براساس تحقیقات انجام شده در حال حاضر مهم‌ترین علل اختلافات زناشویی در ایران ناسازگاری و عدم تفاهم، بی‌کاری و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، دخالت خانواده‌های زوجین، تعارض شدید با خانواده همسر، سوءظن و بدگمانی، اختلال دو قطبی، خشونت خانگی، خیانت‌های زناشویی و روابط جنسی نامشروع می‌باشد. (حسینی، ۱۳۸۶، محسن‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰ و هنریان و یونسی، ۱۳۹۰)

بی‌تردید مشکلات فوق ریشه در مسائل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد و بدون توجه به آنها نمی‌توان چندان امیدی به حل ریشه‌ای مشکلات و تحکیم نهاد خانواده داشت. مشکلات فوق مسائلی همچون: تضعیف باورهای دینی در جامعه و خانواده‌ها، آشفتگی و جابجایی نقش‌های زن و شوهر در خانواده، استقلال اقتصادی زنان و تجملی شدن زندگی‌ها، کاهش نقش والدین و بزرگان فامیل در حمایت اجتماعی از زوج‌های جوان، و در نهایت تغییر ارزش‌های خانوادگی مانند کاهش قبح طلاق، بی‌صبری در مشکلات و کم‌اهمیت شدن حفظ خانواده را در پی داشته است. (قدسی، ۱۳۹۰؛ یونسی و بهرامی ۱۳۸۸)

۳. اطلاع از فنون مشاوره خانواده

مشاوره خانواده یک فعالیت تخصصی و حرفه‌ای است که طی آن مشاور در یک رابطه چهره به چهره، از تکنیک‌ها و فنون متنوعی برای حل مشکلات خانوادگی استفاده می‌کند. مهم‌ترین کار یک مشاور این است که اعضای خانواده از علل مشکلاتشان درک بهتری پیدا کنند و برای حل آن به راه‌حل‌های سازنده و مؤثری دست یابند؛ زیرا مشکل اساسی بسیاری از خانواده‌ها آن است که در عین رنج بردن، هیچ‌گاه مسئله خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار نمی‌دهند و اغلب از عوامل ایجاد کننده آن آگاه نیستند. وظیفه مشاور این است که با استفاده از فنون مشاوره‌ای آرام آرام مراجع را نسبت به ماهیت مشکل و راه‌حل‌های آن آگاه سازد. برای کمک به خانواده‌ها نخست باید با والدین یا فرزندان بزرگ‌تر ارتباط برقرار کرد. مهم‌ترین اهداف این رابطه آن است که اولاً مشاور را به عنوان شخصی بپذیرند که می‌تواند برای حل مشکلات آنها مفید و مؤثر باشد؛ ثانیاً مطمئن شوند که مشاور فردی امین، رازدار، دلسوز، اخلاقی و بی‌طرف است و از هیچ کس جانبداری نمی‌کند.

مشاور خانواده باید همواره به این نکته توجه داشته باشد که تمامی مشکلات و آشفتگی‌های خانوادگی ماهیت زوجی و طرفینی دارد و در هر مشکلی حتماً دو طرف در آن نقش دارند. به همین دلیل، برای موفقیت‌آمیز بودن هر نوع مداخله‌ای باید طرفین مشارکت داشته و مسئولیت خود در بروز مشکل و حل آن را بپذیرند. یکی از مؤثرترین شیوه‌های تأثیرگذاری یک زوج بر دیگری، تغییر دادن رفتار خودش است. البته اگر یکی از زوجین با مشارکت خود، رفتارش را تغییر دهد ولی از طرف مقابل پاسخ مناسبی دریافت نکند، ممکن است او خشمگین یا رنجیده شود و کوشش خود را کاهش دهد. بنابراین مشاور بایستی هر دو طرف را به مشارکت در فرایند تغییر رفتار مشکل‌زا ترغیب کند و مسئولیت هر یک از آنها را در انجام توصیه‌های مشاوره‌ای گوشزد نماید. در واقع هر فرد باید به شیوه‌ای رفتار کند که با معیارها یا نظام ارزشی او به عنوان یک همسر خوب مطابقت داشته باشد. بدین منظور هر شخص می‌تواند از خود بپرسد: آیا من شیوه رفتار خودم را می‌پسندم و با آن موافقم؟ آیا این همان شیوه‌ای است که من دوست دارم همسر من نیز همان طور با من رفتار کند؟

بنابراین مشاور قبل از هر چیز باید بداند که آیا طرفین حاضرند در خود تغییر رفتاری انجام دهند؟ این موضوع خصوصاً زمانی که یک فرد نسبت به همسرش بدرفتاری می‌کند، بسیار اهمیت دارد. نظر به این که بسیاری از شکایات خانواده‌ها، مربوط به مشکلات ارتباطی

اعضای خانواده با یکدیگر می‌باشد، آموزش مهارت‌های کلامی و شیوه گفتگوی والدین و فرزندان اهمیت مضاعف می‌یابد. معمولاً گفتگوهای زوجین عمدتاً یا برای تبادل افکار و احساسات است یا برای تصمیم‌گیری و حل مسئله. مشاور باید این دو نوع ارتباط کلامی را به همسران و فرزندان آموزش دهد. به این مداخله مهارت‌آموزی می‌گویند. فرض این است که همسران فاقد این مهارت‌ها، با آموزش آنها را به کار خواهند گرفت. هدف مشاور آن است که اعضای خانواده افکار و احساسات خویش را به شیوه باز و محترمانه، مبادله کنند.

رهنمودها در مورد شیوه گفتگوی سالم و سازنده بایستی خلاصه و آسان باشد تا همه اعضای خانواده آن را به خوبی بفهمند و بتوانند براساس آن عمل نمایند. مشاور برای تشخیص مشکلات خانواده‌ها می‌تواند از سؤالات زیر استفاده نماید:

۱. چقدر به همسر یا فرزندان ابراز محبت می‌کنید؟
۲. هنگام اختلافات چگونه خشم خود را کنترل می‌کنید؟
۳. آیا از روابط زناشویی خود راضی هستید؟
۴. آیا به راحتی با هم صحبت می‌کنید و در هنگام گفتگو شنونده خوبی هستید و با دقت به حرف‌های همسر یا فرزندان گوش می‌دهید؟
۵. چقدر به هم احترام می‌گذارید یا باعث تحقیر و آزار همدیگر می‌شوید؟
۶. آیا با حقوق همسر و فرزندان و وظایف خود نسبت به آنها آشنایی دارید؟
۷. در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده و خود چقدر با هم مشورت می‌کنید؟
۸. چقدر به رعایت حدود شرعی در روابط زن و مرد نامحرم مقید هستید؟
۹. چقدر مشکلات و اختلافات خود را به خانواده‌های اصلی انتقال می‌دهید؟
۱۰. در خانه چقدر به احکام الهی توجه دارید و رضایت خداوند را در نظر می‌گیرید؟

نتیجه‌گیری

مسجد مهم‌ترین و عالی‌ترین کانون الهی در جهت رشد و شکوفایی معنوی، علمی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی، خانواده‌ها در اعصار مختلف بوده است. این مکان‌های مقدس علاوه بر نقش مهمی که در عبودیت و بندگی خداوند دارند، می‌توانند زمینه تقویت همبستگی و تحکیم نهاد مقدس خانواده را نیز فراهم سازند. از این رو، اگر جوامع اسلامی خواستار نظام خانوادگی مطلوب و سرشار از معنویت و اخلاق هستند، باید به این کانون‌های مقدس و بوستان‌های الهی که در طول تاریخ مهبط عبادت، معرفت و ارزش‌های اسلامی بوده‌اند، بیشتر توجه نمایند و با فراهم آوردن زمینه حضور خانواده‌ها در مساجد، نهاد خانواده را پایدار و مستحکم نموده و از این طریق با کاهش آسیب‌ها و مفاسد، به ایجاد جامعه‌ای سالم و پویا کمک کنند. بدین منظور می‌توان اقدامات و برنامه‌های زیر را در دستور کار فعالیت‌های مساجد قرار داد:

۱. امام جماعت، هیئت امناء و سایر مسئولان مساجد باید با برگزاری جلسات و نشست‌های مشترک، طرحی جامع برای استفاده از تمامی ظرفیت‌ها و کارکردهای مسجد در جهت تحکیم بنیان خانواده تدوین نمایند. مسجد باید به درون خانواده‌ها برود و خانواده‌ها باید مسجد را پناهگاهی امن و مطمئن برای خود و فرزندان‌شان بدانند.

۲. جلسات سخنرانی، بحث و گفتگو پیرامون مسائل خانوادگی در مساجد برگزار شود و در آنها نکات تربیتی مربوط به فنون همسرداری، شیوه‌های فرزندپروری مسائل اخلاقی و حقوق خانواده‌ها و هر آنچه به خانواده مربوط می‌شود، مطرح شود تا از آسیب‌های فردی و اجتماعی خانواده‌ها و فرزندان کاسته شود. در این جلسات، باید از روان‌شناسان برجسته و کارشناسان تربیتی خبره استفاده شود تا بتوانند برای مسائل و مشکلات حاد و پیچیده امروزی که در بسیاری از خانواده‌ها و فرزندان پدید آمده است، راه‌حل‌های مناسب و کاربردی ارائه دهند.

۳. برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان برنامه‌ریزی‌های جامع و صحیح انجام گیرد. در ایام تعطیلات، بیشتر وقت کودکان و نوجوانان و جوانان به بطالت می‌گذرد. همین امر گاه زمینه ساز ناهنجاری‌های رفتاری و اختلافات خانوادگی در خانواده‌ها می‌شود. از این رو، لازم

است مساجد با اجرای برنامه‌های متنوع، جذاب و شاداب این قشر عظیم را به سوی مسجد فراخوانند. نوجوانان و جوانان به دلیل آمادگی‌های معنوی، نداشتن وابستگی به امور مادی و آزاد بودن فکر و ذهن‌شان، بهتر مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی را درک می‌کنند و رفتارهای پسندیده زودتر در آنها شکل می‌گیرد.

۴. مساجد فقط در ساعات نماز باز هستند و در بقیه اوقات بی‌استفاده‌اند. متولیان می‌توانند با اختصاص قسمتی از مسجد برای ارائه مشاوره و حل بحران‌های خانوادگی، از ظرفیت‌های مسجد برای تحکیم نهاد خانواده استفاده کنند. البته، بهتر است این کار با حضور امام جماعت، معتمدان و افراد خوش‌نام و نیکوکار محله انجام شود.

۵. در هر منطقه، افراد مسن نیکوکار و متخصصی هستند که مایلند از تجارب و دانش خود برای کمک به خانواده‌ها استفاده کنند. متولیان مساجد می‌توانند با سازماندهی این افراد، از آنها برای اجرای برنامه‌های آموزش خانواده، حل تعارضات زوجین، شیوه‌های تربیت فرزند و همچنین حل مشکلات خانوادگی استفاده کنند تا علاوه بر بهره‌بردن از کمالات و تجارب گران‌قدرشان، زمینه آشنایی خانواده‌ها با این افراد نیز فراهم گردد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهد فولادوند، تهران و قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
۲. نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۱.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳.
۴. انصاری راد، علی اکبر، راهکارهای جذب جوانان به مساجد، ۱۳۸۸. مقاله در پایگاه: www.andishegom.com
۵. پورمحسنی، فرشته، طراحی برنامه توانمند سازی زوجین بر مبنای الگوی رضایتمندی زناشویی و مقایسه آن با برنامه توانمند سازی انریج، رساله دکتری تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۹.
۶. توانایان فرد، حسن، چهل ابتکار برای مساجد، تهران: راهیان نور، ۱۳۷۷.
۷. جدیری، جعفر، ساخت و اعتباریابی مقیاس رضامندی زناشویی، اسلامی دین و روانشناسی شماره ۸، ۱۳۸۹.
۸. حرالعالمی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. ۳۰ جلد، تحقیق مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث. قم: مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۶.
۹. حسینی بیرجندی، سید مهدی، نظریه ها و فنون خانواده درمانی، تهران: رشد، ۱۳۹۰.
۱۰. حسینی، حسن، جامعه شناسی نظام گسیختگی خانواده و طلاق، نقل از بررسی مشکلات حقوقی زنان در دادگاه ها توسط شورای فرهنگی اجتماعی زنان، تهران: سلمان، ۱۳۸۶.
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، درسنامه اخلاق خانوادگی، تهران: دریا، ۱۳۸۸.
۱۲. دولت خواه، محمد، کاربرد نظریه روان درمانگری چند وجهی لازاروس در حل مشکلات زوجین بانگرش به منابع اسلامی، رساله دکتری، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۲.
۱۳. ساروخانی، باقر، مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده، تهران: سروش، ۱۳۷۰.
۱۴. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۵. سالاری فر، محمدرضا، طراحی زوج درمانی شناختی رفتاری مبتنی بر متون اسلامی و مقایسه کارآمدی آن با زوج درمانی شناختی رفتاری توسعه یافته در افزایش رضایت زناشویی زوج ها، رساله دکتری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳.
۱۶. صفورایی، محمد مهدی، ساخت و اعتباریابی پرسش نامه سنجش کارآمدی خانواده از دیدگاه اسلام.

- رساله دکتری، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.
۱۷. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، بیروت: دارالحوراء، ۱۴۰۸ق.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، لبنان: دارالمتعارف المطبوعات، ۱۴۱۲ق.
۱۹. قدسی، علی محمد و همکاران، بازدارنده‌ها و تسهیل کننده‌های اقتصادی-اجتماعی طلاق، مطالعات راهبردی زنان، ۱۳۹۰.
۲۰. قرائی، محسن، اولین سرمایه داران دنیا، مجله رشد مدیریت مدرسه. شماره ۷، ۱۳۸۶.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، فروغ الکافی، لبنان: دارالمتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۳.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول الکافی، تحقیق محمد جواد الفقیه، فهرست و تصحیح ۱۸۱، ۱۴۱۱ق.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفا، ۱۴۱۲ق.
۲۴. محسن زاده، فرشاد، نظری، علی و مختار، عارفی، مطالعه کیفی عوامل نارضایتی زناشویی و اقدام به طلاق. مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۳ گروه اجتماعی)، ۱۳۹۰.
۲۵. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت از نظر اسلام، قم و تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۲۶. نمیری البصری، عمر بن شبه، تاریخ المدینة المنورة، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۷. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، تهران: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵.
۲۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ق.
۲۹. هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، جایگاه نماز در حکومت، مجموعه سخنرانی و مقالات نمازراهی به سوی کامیابی، بی جا: ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۶.
۳۰. هنریان ویونسی، بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران، مطالعات روان شناسی بالینی، ۱۳۹۰.
۳۱. یونسی، سید جلال و فاضل، بهرامی، پیش بینی رضایت زناشویی و تفکر قطعی نگر در زوجین، فصلنامه روان شناسان ایرانی، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۸۸.

32. Argyle, M. (2000). Psychology and religion. London: Routledge.

33. Epstein, B.N. and Baucom, D.H. (2002). Enhanced Cognitive-Behavior Therapy for Couples. Washington DC: APA.

34. Gorsuch, R. L. (1995). "Religious aspects of substance abuse and recovery". Journal of Social Issues, 83-65, (2)51.

35. Hall, Scatt (2006). Marital meaning exploring young adults, belief system about marriage Journal of Family Issues. 1437-1458, 27.
36. Kirkpatrick, L. A., & Hood, R. W. (1990). "Intrinsic religious orientation: The boon or bane of contemporary psychology of religion". Journal for the Scientific Study of Religion, 462-442, 29.
37. Pollner, M. (1989). "Divine relations, social relation, and well-being". Journal of Health and Social Behavior, 104-22, 30.
38. Rosen Grandon, J.R. Myers, J.E. & Hattie, J.A. (2004). The relationship between marital characteristics, marital interaction processes and marital satisfaction. Journal of Counseling & Development, 68-58, (1) 82
39. Walsh, Froma (2009). Spiritual Resources in family Therapy. New York : The Guilford Press.



**باز خورد تعامل خانواده با مسجد
در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان
با تمرکز بر سیرهٔ پیامبر ﷺ
واهل بیت علیهم السلام**

سمیه کاظمیان^۱

چکیده

با اعتقاد به اینکه محیط، تأثیر به سزایی در شکل گیری شخصیت هر فرد دارد، می توان گفت کانون های عبادی و مذهبی نقش مهمی در فرآیند تربیتی انسان ایفا می کنند. چرا که بعد روحی انسان به جهت اینکه برخاسته از خاستگاه فطری و الهی است و به لحاظ انعطاف پذیری در امر پذیرش آموزه های تربیتی و اعتقادی، در چنین محیط هایی بهتر قابل رشد و تربیت پذیری است. در بین کانون های مذهبی، مسجد در صورت برخورداری از فضای مناسب از نظر علمی، معنوی، امکانات آموزشی، مدیریتی و اجرایی به عنوان امن ترین و مأنوس ترین مکان به لحاظ اقبال عمومی (یعنی حضور از هر گروه سنی و تحصیلی و با هر پایگاه اجتماعی و در هر سطح اعتقادی) در بین مسلمانان از جایگاه تربیتی ممتازی برخوردار است. هدف از نگارش این مقاله فراهم شدن فرصتی است برای آگاهی بیشتر از قابلیت های آموزشی و پرورشی مسجد و استمداد از آن در جهات گوناگون به خصوص در فراگیری آداب اجتماعی و نحوه تعامل فرزندان با جامعه در مسیر صحیح و کاربردی و متناسب با آموزه های دینی.

حاصل مباحث پرداخته شده در این نوشتار با این استدلال بیان می شود که در میان محیط های اجتماعی، مسجد با قابلیت باروری استعدادها و زمینه های بالفطره و بالقوه در کودکان و نوجوانان به جهت امتیاز دسترسی در همه ایام و با فضایی عامه پسند، برای تعامل خانواده و تربیت فرزندان در فرآیند کسب مهارت های اجتماعی و آداب معاشرت در جامعه مسلمین از کارکرد بالایی برخوردار است.

واژگان کلیدی: تربیت، آداب اجتماعی، مسجد، سیره، تعامل.

مقدمه

در نظام خلقت ساختار روحی و روانی انسان به گونه ای طراحی شده است که از همان طفولیت و نوجوانی مهیای پذیرش و باروری است و به فرموده امیر مؤمنان علی (علیه السلام) همچون زمینی کاشته نشده آماده پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود. بعد از وراثت و خانواده، جامعه و محیط پیرامون، نقش انکار ناپذیری در قوام بخشی ساختار فکری و تربیتی انسان دارد. انسان برای حضور در محیط جدید نیاز به سطحی از آگاهی و شناخت دارد تا آمادگی لازم را جهت پذیرش آن محیط پیدا کند. برای ورود به عرصه اجتماع نیز فراگیری و کسب مهارت در ایجاد روابط صحیح تحت عنوان آداب معاشرت و نیز تعامل مداراگرانه به شرط حفظ استدلال و هویت شخصی تحت عنوان عزت نفس امری ضروری می نماید. پرورش قابلیت ها و استعداد های بالقوه توأمان با احساس ارزشمندی و شرافت نفس منشأ عزت نفس است. تحصیل این مرحله و دیگر مراحل عالی تربیتی نیازمند کسب یک سری آموزش ها و تجربیاتی است که اگر با ممارست همراه شود نتیجه ای قابل قبول و مثمر ثمر به دنبال خواهد داشت.

انسان دانا نیز می تواند با بهره گیری از راه و روش تربیت یافتگان فرهنگ متعالی اسلام در الگو گیری از شخصیت های ممتازی چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) مقصد و مسیر مستقیم تربیتی خود و فرزندان را بیابد و خردمندانه و با اطمینان خاطر در آن قدم بگذارد. در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و معصومین (علیهم السلام) مسجد به عنوان مرکز حکومتی و نیز تربیتی کانون توجه ایشان بود و چنان که سابقاً ذکر شد صرفاً به عنوان مرکز عبادی محسوب نمی شد. در میان محیط های اجتماعی، اماکن مذهبی از جمله مناسب ترین و مؤثر ترین فضاهای رشد و

تربیت است که با پیاده کردن اصول صحیح و آموزه های دینی و اجرای مراسم و مناسک اسلامی مبتنی بر سیره پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام از نتایج پر بارى برخوردار است. بدین منظور در این مقاله به طور تفصیلی به کارکرد تربیتی و آموزشی مسجد در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان با نقش آداب پذیری و رشد اجتماعی به طور کاربردی توجه خواهد شد.

الف) نگرش آیات و روایات بر فضیلت محوری مسجد

در بین کانون های عبادی، مساجد به علت دعوت و فراخوان عمومی و منظم جهت اجرای مراسم مذهبی و عبادی هر روزه در چند نوبت از پرکارکردترین مراکز مذهبی هستند که از زمان پیامبر ﷺ و معصومین (علیهم السلام) به غیر از امور عبادی در امور سیاسی، دفاعی و علمی نیز فعالیت داشته اند.

نظر به سیره پیامبر اکرم ﷺ و معصومین (علیهم السلام) نشانگر این مطلب است که ایشان از مسجد به عنوان پایگاه تربیتی انسان های بیشترین بهره برداری را می کردند. با درنگی بر آیات و روایات، اهمیت و فضیلت حضور در مسجد و جماعت مسلمین را به وضوح مشاهده می کنیم. از جمله آیه ۳۱ سوره مبارکه اعراف با این مضمون که: «ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی برگیرید و بخورید و بیاشامید اما زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد.» و در همین سوره: «بگو پرورگدارم به دادگری فرمان داده است و (اینکه) در هر مسجدی روی خود را مستقیم (به سوی قبله) کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده اید وی را بخوانید همانگونه که شما را پدید آورد (به سوی او) بر می گردید.» (اعراف/۳۲) و در سوره جن آمده است: «مساجد ویژه خداست پس هیچ کس را با خدا نخوانید.» (اعراف/۱۸) و همچنین در روایات گوناگون بر این موضوع پرداخته شده است از جمله در روایتی در باب حرمت اهل مسجد آمده است: «زمانی که امراض مسری و آفات نازل شود، اهل مسجد از آن در امان اند.» (محدث نوری، ۱۴۰۸ ه.ق، ج ۳، ص ۳۵۶)

این همه تأکید دین بر حضور در جمع مسلمین گویا در بردارنده حکمت و حکمت هایی است که اهل دنیا از آن غافل اند و بارها و بارها معصومین (علیهم السلام) در مواضع مختلف بدان اشاره

کرده‌اند. در خطبه ۱۲۷ نهج البلاغه امام علی علیه السلام مردم را به سمت اجتماع و جماعت بزرگتر سوق می‌دهند و این گونه استدلال می‌فرمایند: «همراه جماعت بزرگتر باشید زیرا دست خدا با جماعت است و از تفرقه حذر کنید زیرا کسانی که از جماعت کناره می‌گیرند طعمه شیطان اند، مانند گوسفندی که از گله جدا می‌افتد و گرگ او را می‌درد.» (شریف الرضی، ۱۳۷۹)

ب) تربیت اصولی در خانواده کارآمد

غالب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری استوار است و اولین و مهم ترین پایگاه یادگیری، کانون خانواده است. زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می یابد و نگرش ها و رغبت ها و رفتارهای درست و نادرست نسبت به پدیده های مختلف، از خانه سرچشمه می گیرد. (فخار، مسجد و خانواده، ۱۳۹، ج ۱) رسول اکرم ﷺ می فرمایند: هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می آید و پرورش می یابد مگر اینکه پدر و مادر، او را به سوی یهودی گری یا مسیحی گری بکشانند. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۲۸۱)

از مسائلی که خانواده ها نباید به آن بی توجهی کنند تربیت فرزندان از سنین نوجوانی است که هنوز بر صفحه دل او چیزی نوشته نشده و از رقت آن کاسته نشده است و به فرموده حضرت علی (ع) به فرزند گرامیشان امام حسن مجتبی (ع) در نوجوانی به تربیت و تأدیب ایشان اقدام کرده اند که هنوز قلب ایشان مثل زمین خالی از کشت و زرع است قبل از اینکه سخت شود (شخصیت نوجوان شکل بگیرد) و فکر و اندیشه شان مشغول گردد. (الشریف الرضی، ۱۳۷۹، نامه ۳۱)

اقدام به تربیت در سنین بالاتر بهای سنگینی برای هر دو طرف (مربی و متربی) دارد از یک سو به جهت آمیختگی شخصیت فرزند با آن چه از بیرون از محیط خانه به او القاء شده است لجام گسیخته شده و رام کردن او به مهارت بالایی نیاز دارد و از جهت دیگر والدین باید به عنوان مربی با توان مضاعف و سعه صدری دو چندان به تربیت او همت گمارند که از تبعات آن زمان بری و شاید به خاطر درک کمتر شرایط درونی طرف مقابل ناامیدی از نتیجه تلاش باشد.

این نکته حائز اهمیت است که گاهی فرهنگ حاکم بر خانواده خود فراهم کننده شرایط نامساعد در مسیر تربیتی است که عملاً فرزند را به سوی شخصیتی نامتعادل سوق می دهد. فقدان دانش کافی در راهنمایی و آموزش، حاکمیت فضای ناسالم و عدم اعتماد، سستی اعتقاد دینی و ضعف، دیگر از عوامل مؤثر در بد تربیتی و ایجاد فقدان امنیت روانی است که چنین فرزندى حکم همان سبزه مزبله را پیدا می کند.

بنابراین هر خانواده ای صلاحیت به عهده گرفتن امر مقدس تربیت را ندارد و بدین ترتیب خانواده ای که بیشتر با استانداردهای اسلامی انطباق دارد، خانواده برتر است. اسلام اهل بیت پیامبر ﷺ را برترین خانواده می شمارد و همگان را به الگوگیری از آن دعوت می کند. در صدر اسلام، مساجد صرفاً مراکز انجام دادن اعمال عبادی تلقی نمی شدند، بلکه همچنین مکان هایی برای انجام دادن فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی جامعه مسلمان محسوب می شدند. برخلاف محراب که از قبل به صورتی در عبادت گاه ها رایج بود، منبر از سوی پیامبر اکرم ﷺ در مساجد به کار گرفته شده پیامبر ﷺ از منبر برای انتشار و ابلاغ فرمان های مهم مانند اعلام حکم جهت شراب خوری، مقررات و احکام زندگی جمعی یا جهت سخنرانی عمومی استفاده می کردند. (ماهنامه مسجد، ۱۳۸۷، ص ۴۵)

زمانی شرایط اقتضا می کرد تا حکومت در مساجد اداره شود اما در جامعه امروز می طلبید که مساجد به فعالیت های خاص خود پردازند. (همان) مساجد مرجع فکری جامعه هستند و پایگاه بسیج عمومی جهت پاسداری از ولایت و حریم دین مبین اسلام محسوب می شوند و هر چه جماعت مسجد عالم تر باشد، رونق مسجد نیز بیش تر است. از مهم ترین فواید حضور در مسجد نیز برپایی نماز جماعت، نمایش همبستگی و پیوستگی مسلمین است و نیز احیای روح برادری بین مسلمانان است. در مسجد همه همراه و هم رنگ اند و هیچ ممنوعیتی برای حضور طبقه ای از طبقات اجتماعی وجود ندارد و ثروتمندترین و قدرتمندترین فرد در کنار فقیرترین و ناتوان ترین فرد می ایستد. (فجرى، ۱۳۸۹، ص ۱۲۹)

از دیگر فعالیت های حضور در مسجد بیدار شدن فطرت ها است: یکی از کارهای شیطان تبدیل روح خداجوی انسان به روح هوس آلود است تا جایی که وعظ و تذکر برایش ملالت آور باشد. مشغولیت به ظواهر بعضی لذت های بی ارزش و انس با محیط های کاذب و خلأ آفرین و سرگرم شدن به تکنیک های روز دنیا در حد افراط، دیگر جایی برای استقبال از مکان ها و جلسات ارزشمند و ضروری علمی و مذهبی نمی گذارد در حدی که گاهی جوانان

مكلف از مسائل مبتلا به روزمره و مسائل اخلاقی و حلال و حرام چیزی نمی دانند و در کنار آن روحیه خیرخواهی و نصیحت پذیری خود را از دست داده اند.

یکی از مسائل مهم در سالم نگاه داشتن فطرت فرزندان و تقویت روحیه دینداری آن ها داشتن همنشین مناسب و سالم می باشد. از آن جا که انسان موجودی اجتماعی و انس پذیر است در روابط اجتماعی ناگزیر از انتخاب دولت و همنشین می باشد. اهمیت همنشین صالح را در پیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اباذر بهتر می توان درک کرد که: «ای اباذر، همنشین خوب بهتر از تنهایی و تنهایی بهتر از همنیشین بد است.» (عاملی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۲۱)

یکی از ارکان دوستی های صحیح و سالم مکان های مقدس مثل جمعه و جماعت است. گزینش چنین دوستانی عادتاً بر اساس تولی و تبری صورت می گیرد. از مهم ترین معیارهای دوست مناسب، ادب، علم و تقوا است. مجالست با این گروه دوستان موجب تقویت و بصیرت اندیشه و فضیلت های اخلاقی می شود و معمولاً شرکت کنندگان در جماعات مقدس مثل مسجد از چنین روحیات و کنش هایی برخوردارند.

ج) کارکردهای تربیتی مسجد در مقوله جامعه پذیری و بلوغ اجتماعی

برای ورود به محیط اجتماعی یادگیری یکسری هنجارهای مناسب با آن جامعه لازم است که این اقدام باعث ایجاد نظم و انضباط در روابط جمعی می شود. از هنجارهای جامعه اسلامی اظهار دوستی بوسیله سلام است. در فضیلت این عمل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «شایسته ترین مردم نزد خدا و رسولش کسی است که سلام را آغاز کند.» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۴۶۰) تا جائی که حتی سفارش فرموده اند که به کسی که پیش از سلام کردن سخن آغاز کند پاسخ دهید. (همان، ص ۴۵۹)

از آداب حضور در مکان های مذهبی و عبادتی تقدیم سلام به جمع حاضر است. کسی که به هنگام دیدار گروه هم سنخ خود در مکان مقدس ابلاغ سلام می کند یاد می گیرد در زمان حضور در اجتماعات دیگر که برای ورود به آن یقیناً در زمینه ای با آنان تجانس داشته ابتدا سلام کند خواه این زمینه عقیدتی باشد خواه وجه اقتصادی داشته باشد و خواه در زمینه های سیاسی و حکومتی و حتی به جهت ارتباط دوستانه و محافل خویشاوندی و رفاقت با دیگر اعضای گروه پیوندی داشته باشد.

از دیگر کارکردهای اعلان سلام در فضای مسجد عدم ملاحظات پایگاهی و طبقاتی است و این خصیصه در فرمایش حضرت رضا علیه السلام با این بیان آمده است که: «هر کس فقیر مسلمانی را ببیند و به گونه ای بر او سلام کند که با ثروتمند تفاوت داشته باشد در روز قیامت خدا را در حالتی دیدار می کند که بر وی خشمگین است.» (عالمی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)

از دیگر آداب اجتماعی که می توان از آن به عنوان تکمیل آداب سلام گفتن استفاده کرد رسم مصافحه یا همان دست دادن است به طوری که در روایات معصومین از آن برای رفع

کدورت‌ها و افزایش محبت یاد شده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرمایند: «مصافحه کنید زیرا مصافحه کینه را از بین می‌برد.» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۲۶۴، ج ۱۸) و حضرت امام باقر (علیه السلام) نیز در فضیلت این کار فرموده‌اند: «چون دو مؤمن به هم برسند و به یکدیگر دست دهند، خدا دستش را در میان دست آن‌ها گذارد و با آن که محبتش نسبت به رفیقش زیادتر است مصافحه کند.» (همان، ص ۲۵۹، ج ۲)

یکی دیگر از آداب حضور در محافل اجتماعی سکوت و بجا سخن گفتن است چه بسا در جمعی که فردی در حال ایراد سخن است، صحبت کردن مستمع را نوعی بی‌احترامی به خود خطاب کند. اما در باب سکوت و فضیلت آن روایاتی نقل شده بر ارزش آن نسبت به گفتار زیاد و نابجا تأکید شده است. از جمله امام صادق (علیه السلام) فرموده‌اند: «بنده مؤمن تا زمانی که خاموش است از نیکوکاران نوشته می‌شود و چون لب به سخن گشود نیکوکار یا بد کار نوشته شود (یعنی نیکی و بدی او بسته به کلامش است.)» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۳، ص ۳۰۹)

در محیط مقدسی مثل مسجد باید به این نکته بیشتر بها داد و توجه کرد چرا که محلی برای عبادت و تفکر در کار خدا و مناجات با او محسوب می‌شود و سخن گفتن غیر ضروری و خارج از حوزه اعتقادات و معنویات حرمت مقام و جایگاه شریف مسجد را زایل می‌کند.

تربیت فرزند در جهت حفظ هنجارهای مسجد سبب تقلید او به این امر در محیط اجتماع می‌شود. کودک یاد می‌گیرد هنگام شرکت در مجالس و عظم سکوت اختیار کند و حق مجلس را ادا کند و در محافل غیر از این، از پرگویی و سخن پراکنی خودداری نماید و البته باید به او یاد داد که به هنگام نیاز و ضرورت سکوت را رها کند و آن چه را لازم است بیان نماید چنان که در مضمون به نقل از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «سخن گفتن در راه حق بهتر است از سکوت بر باطل» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۹۶)

یکی از فواید مهم شرکت در جماعت مسلمین فراگیری آداب نظم و انضباط است. حضور به موقع برای اقامه نماز جماعت با اعلان اذان و تشکیل صفوف منظم نماز وسیله‌ای است برای آموزش نظم و انضباط اجتماعی که از رموز موفقیت در هر کاری شمرده شده و تأمین هدف زندگی به وجود آن بستگی دارد.

منابع دینی تأکید بسیاری بر این رفتار فردی و اجتماعی دارند و جایگاه آن را بعد از تقوای خدا دانسته‌اند. (أوصیکم بالتقوی و نظم امرکم)

تقسیم اوقات شبانه روز، دیدار اقوام و دوستان، انجام امور شخصی و اشتغالات، امور

بهداشتی و نظافتی، مخارج و هزینه های زندگی و ... با قرار گرفتن در دایره نظم از بهره وری لازم برخوردار می شود. در سیره پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت ﷺ ایشان مشاهده می شود که چگونه ارزش این نکته اخلاقی صورت عملی به خود گرفته است از تقسیم کارهای خانه و بیرون از خانه تا تقسیم زمان بیتوته و هم خوابگی بین همسران متعدد که به این نحو رنگ عدالت نیز به خود گرفته است که حکایت از رعایت نظم در تمام ارکان زندگی دارد. سفارش به مدارا با مردم از توصیه های دیگر دین جهت حفظ آرامش و وحدت جامعه مسلمین است که در معاشرت های شخصی هم به آن تاکید شده است تا جائیکه از شرایط عقل شمرده می شود. امام صادق علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم ﷺ: «خداوند مرا به سازگاری با مردم دستور داد همان طور که به انجام واجبات امر فرمود.» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۴، ص ۳۵۵، ح ۵) و در جایی دیگر امر فرموده اند: «مدارا کردن با مردم نصف ایمان و لطف کردن به آن ها نصف زندگی است. با نیکان به طور پنهانی و با بدان آشکارا معاشرت داشته باشید و بدان رغبت زیاد نشان ندهید که بر شماستم می کنند.» (همان) در این روایت حدود و نحوه معاشرت با هر گروه از نیکان و بدان نیز مشخص گردیده است.

در یک جامعه انواع تفکرات و سلیقه ها و آداب و رسوم ناشی از فرهنگ منطقه ای وجود دارد که برای تداوم حضور در اجتماع پذیرفتن و سازگاری نشان دادن، در رأس ارتباطات است. همان طور که در محیط مسجد همه قشر از طبقات فرهنگی جامعه حضور می یابند، با نظر به اینکه حکومت انگیزه واحد در تجمع است افراد ناگزیر از معاشرت صلح طلبانه هستند، در غیر این صورت هدف و مقصد اصلی را نیز از دست خواهند داد. حضرت علی علیه السلام نفسی را گرامی و کریم می دانند که نفاق و ناسازگاری و اختلاف و عدم موافقتش کم باشد. (همان، ج ۴، ص ۱۱) به طور کامل آرامش و ثبات جامعه بر آیند روحیه مسالمت آمیز افراد آن است، با این تفسیر مسلمانان در رعایت آن مسئولیت دو چندان دارند به طوری که باید در اوج کثرت بتوانند وحدت جامعه را حفظ کنند.

از دیگر کارکردهای مسجد کسب مهارت ابراز وجود است. برخورداری از روحیه متعادل و سالم در فرد نتیجه استقلال شخصیت و احساس قدرت و کارآمدی وی می باشد به گونه ای که هر قدر در بروز و ظهور توانمندی ها ضعیف عمل شود انگیزه حضور در نقش های اجتماعی نیز کم رنگ تر می گردد. در این بین حمایت روانی فرزند در موقعیت هایی که وی نسبت به محبت و توجه اعلام نیاز می کند موجب تقویت حس تکریم نفس نزد او می

شود به این شیوه اعتماد به نفس وی را قوت بخشیده و زمینه ابراز وجود و بالندگی فرد را در صحنه‌های مختلف فراهم می‌سازد. خانواده‌ای که در امر تربیت فرزند از سیاست و کیاست برخوردار است سعی در فراهم نمودن فرصت‌هایی برای ابراز وجود فرزندش می‌نماید. به‌طور مثال گفتن اذان و اقامه جهت فراخوان برای امر نماز قرائت اشعار مذهبی و مناسبتی یا سروده‌های خود فرد، قرائت قرآن مخصوصاً با صوت و لحن، به عهده گرفتن اجرای مسابقات فرهنگی و اعطای جوایز توسط کودکان و نوجوانان به خصوص در مساجد محلات بستر مناسبی برای کسب تجربه است.

سیره عملی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این رابطه مؤید این مطلب و همچنین نمونه‌ای کاربردی برای الگوگیری خانواده‌ها در شیوه صحیح تربیت قلمداد می‌شود. نقل شده است: روزی علی (علیه السلام) در هنگام سخنرانی در مسجد رو به مردم کرد و فرمود از من پیرسید پیش از آن که مرا از دست بدهید اما هیچ کس بلند نشد تا سؤالی نماید. آن گاه امام علی (علیه السلام) پس از به جای آوردن حمد و ستایش پروردگار و درود فرستادن بر پیامبر بزرگوار اسلام (صلی الله علیه و آله) نگاهی به امام حسن مجتبی (علیه السلام) کرد و فرمود:

«فرزندم حسن برخیز بر منبر برو، سخنی بگو تا قریش پس از من تو را کوچک نشمارند و نگویند حسن چیزی نمی‌داند.» امام حسن (علیه السلام) فرمود: «پدر جان، چگونه بر منبر بروم و سخن بگویم، در حالی که شما در میان مردم نشسته‌ای و به سخنان من گوش فرامی‌دهی و مرا می‌بینی؟» علی (علیه السلام) فرمود: «پدر و مادرم فدای تو باد! من خود را پنهان ساخته به سخنان تو گوش می‌دهم و تو را در حال سخنرانی می‌بینم در حالی که تو مرا نخواهی دید و امام حسن (علیه السلام) به دستور پدر بزرگوارش به منبر رفت.» (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۱۱۷) از این داستان نکاتی را می‌توان برداشت نمود، نکته اول اینکه حضرت به‌طور غیر مستقیم فرزندان را در موقعیت دیده شدن و ابراز وجود قرار دادند و استدلالشان برای وادار کردن در سخنرانی بر روی منبر، در امان ماندن آن‌ها از تحقیر در آینده و برچسب نادانی بود. ضمناً با این کار و در همین فرصت مقام و منزلت الهی و جایگاه حکومتی امام حسن و امام حسین (علیه السلام) را برای آینده مسلمین ترسیم کردند که این نشان از درایت و دوراندیشی آن حضرت دارد. از نکات دیگر اینکه با توجه به اینکه قصد تربیت کردن و آموزش در میان بود بنا به درخواست امام حسن (علیه السلام) در اجرای خواسته‌شان شرایط احساس آرامش و رضایت خاطر ایشان را با پنهان کردن خود ضمن گوش فرادادن فراهم کردند.

باید اذعان کرد روحیه نصیحت پذیری و پندآموزی در جوان امر تربیتی را سهل تر جلوه می دهد، گاهی اندرزی آن قدر نقش سازنده دارد که اثر زحمات خانواده ها و مراکز آموزشی در برابر اثر گذاری آن هیچ انگاشته می شود. نیاز است که یک جوان در فرآیند تربیتی به خودآگاهی و خداشناسی رسیده باشد تا برای ادامه مسیر از غفلت و جهالت او سوء استفاده نشود. حصول این امر با رساندن آیات نورانی الهی و احکام شرعی در ایام کودکی و نوجوانی امکان پذیر است زیرا در این سنین طینت پاک او آلوده به غبارهای بدآموزی و شیطنت ورزی نگشته و در جستجوی هستی شناسی و خداشناسی است و از لجاجت در پذیرش حقیقت دور است. هر چقدر انسان در معرفت نسبت به خدا و هدف او از آفرینش انسان از معلومات و شناخت کافی برخوردار باشد از نیاز او به یادآوری آن ها از طریق موعظه کم نمی گردد زیرا از خصوصیات زندگی دنیوی و رخدادهای آن و نیز از خصیصه های انسان تنوع حالات است. گاهی در خوشی و راحتی به سر می برد و گاهی با ناملایمات دست و پنجه نرم می کند.

بی صبری و کفرگویی؛ هر دو حالت نتیجه غفلت زدگی است. چنانچه انسان در شرایط قرار گرفتن در محیط های موعظه و تذکر باشد با یادآوری الطاف و موهبت های پروردگار و اهداف او از خلقت انسان در پرتو محبت و عشق سعی در حفظ آرامش و تعادل خود دارد در احادیث نیز آمده است که دل را با شنیدن موعظه زنده بدار و به پرهیزگاری و پارسایی بمیران و به یقین نیرومند گردان و به حکمت روشن ساز و به ذکر مرگ خوار ساز. (الشریف الرضی، ۱۳۷۹، نامه ۴۱)

با این تفاسیر مسجد بهترین مکان برای شنیدن اندرز و زنده داشتن دل است. وقتی نوجوان در مکانی مقدس مثل مسجد در معرض تذکر و وعظ قرار می گیرد دل او با آن حکمت ها انس می گیرد و مستعد پذیرش می گردد. خانواده متعهدی که فرزند خود را با این فضا انس دهند نفس او را آماده می کنند تا در محیط های دیگر برای قبول تذکر و نصیحت در حالی که جنبه خیرخواهی دارد، مهیا گردد. این دسته از فرزندان هستند که امر به معروف و نهی از منکر در اجتماع را می پذیرند و حتی خود با هدف اصلاح معایب خویش خواهان نصیحت و راهنمایی می باشند. در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام می خوانیم: «پندپذیری انسان عاقل به وسیله ادب و تربیت است، چهارپایان و حیواناتند که تنها با ضرب و زدن تربیت می شوند.» (الحدیث، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۴۸)

به این ترتیب چه بهتر که والدین برای تربیت فرزندان از کانونی ترین محیط یعنی مسجد

بهره گیرند چرا که مرکز شنیدن وعظ و اندرز محسوب می شود و از نظر چنین مشخصه ای جنبه همگانی دارد طوری که با موعظه عموم از نصیحت و موعظه شخصی در جمع و به نوعی از سرزنش و تحقیر جلوگیری به عمل می آید، به این نحو شأن و شخصیت انسان ها نیز محترم می ماند. در فواید روحیه نصیحت پذیری و پندگیری حضرت علی علیه السلام می فرماید: «کسی که اندرز و نصیحت را بپذیرد از رسوایی مصون خواهند ماند.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۵۰) با این تفاسیر روشن است که حفظ حرمت مسجد با شرکت در آن و رعایت آداب آن حاصل می شود و یکی از آداب آن استقبال از سخنان و حکمت های نورانی از منبع وحی و عترت و به عبارتی تقلین می باشد که در سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن تأکید شده است. از ثمرات رفت و آمد در مساجد هشت مورد ذکر شده که از آنها آموختن سخنانی است که انسان را از لغزش و خطا باز می دارد و نیز یاد گرفتن راه های صحیح و هدایت بخش و ترک گناه از ترس خداوند و دوری از معصیت به خاطر شرم از مردم و ترس از رسوایی می باشد که همه این نتایج از قبل روحیه اندرز پذیری و شنیدن نصایح و تذکرات دینی و اعتقادی به سرانجام می نشیند.

رعایت ادب، احترام و معاشرت صحیح در اجتماع از دیگر ثمرات و آموزه های حاصله از شرکت در مسجد است: رشد و شکوفایی خصلت های انسانی و شخصیت کمال یافته بدون شاخصه ادب قابل توجیه نیست و در اصل ارزش مقام علمی انسان و مرتبه انسانیت او با این خصیصه اعتبار می یابد و بار معرفتی آدمی با آن نشان داده می شود. یکی از مصادیق ادب، تواضع در برابر بزرگان به خصوص بزرگان دین و در رأس آنها ائمه اطهار علیهم السلام است. در رعایت ادب و احترام نسبت به بزرگترها از قول پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «کسیکه به کودکان ما رحم نکند و به بزرگان ما عزت و احترامی نگذارد از ما نیست.» (مجلسی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶)

ایشان احترام به سالخوردگان را در مرتبه اول اهمیت و توجه بالاتری قرار می دهند و آن را از نشانه های تجلیل از خدای عز و جل می شمرند با این بیان که: یکی از صورت های تکریم و تعظیم ذات اقدس الهی احترام و تجلیل سالخوردگان مسلمان است (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۶ ص ۵۵۱) و در جای دیگر نیز فرموده اند، کسی که پیر مسلمانی را توقیر (احترام) و تجلیل نماید خداوند او را از ترس روز قیامت ایمن می دارد. (ابن بابویه، ۱۳۷۲، ص ۱۸۱)

جماعت شرکت کننده در مسجد را خردسال، نوجوان، جوان و کهنسال تشکیل می دهد. با توجه به فرمایشات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله توجه به جایگاه و ارزش قشر ضعیف (بحث کهولت سن

و ضعف جسمانی) و کهنسال باید بیشتر مد نظر قرار گیرد چرا که با طی کرن دوران تلاش و خدمت در ایام جوانی و نشاط اکنون با کسب تجارب در پناه سعه صدر و استقامت به صفت وقار و متانت آراسته شده و از کوچکترها و جوانان که هنوز به جایگاه آنها نرسیده اند انتظار احترام دارند. کودکان و نوجوانان در این بستر تربیتی آداب احترام و تواضع به بزرگترها و به خصوص سالخورگان را فرا می گیرند؛ در هنگام ورود به آنها سلام می گویند از رها کردن خود در حضور آنها و دراز کردن پاها خودداری می کنند و در پذیرایی، از آنها آغاز می کنند و در مواقع نیاز دست آنها را می گیرند و عصای آن ها می شوند و از نصیحت ها و تجربیات آن ها استفاده می کنند و این آموزش ها را در محیط بیرون از مسجد و در اجتماعات دیگر پیاده می کنند چون این آداب را قبلا مکرر در مسجد تمرین کرده اند و به آن خو گرفته اند و هر جا حضور آن ها به چشم بخورد با اعتقاد به برکت وجودشان و ضرورت حفظ حرمت مقام و منزلت آنها می دانند چگونه ادب کنند.

از دیگر مصادیق ادب سخن گفتن به نیکویی و صوت کوتاه با عبارات عاری از الفاظ ناپسند و سخیف می باشد. بر زبان آوردن کلمات زشت و سبک، نشان دهنده حقارت نفس است. از دستورات دین این است که اگر دیگری با شما به بدی سخن گفت شما به نیکی پاسخ او را بدهید. حضرت رسول ﷺ می فرمایند: «هیچ کس را ناسزا نگویند و هر گاه کسی شما را ناسزا گفت و رازی را از شما بر ملا ساخت، رازی را شما از او می دانید افشا نسازید.» (سهروردی، ۱۳۵۳، ص ۳۵)

محیط آموزشی و تربیتی مسجد بستر مناسبی است برای مشاهده رفتارهای معاشرتی از نمازگزاران به کرات و شنیدن مواعظی در این رابطه و فراگیری آن ها و عادت به آن. این فرآیند کمک می کند تا خردسال و نوجوان آداب اسلامی و اجتماعی معاشرت را در کانون مسجد فراگیرد و در بیرون از محیط به آن عمل کند و یاد می گیرد که نسبت به هر احسان کننده ای از خانواده و والدین خود گرفته تا مربیان و مسئولان و دیگر هموعان خدمتگزار قدرشناس و سپاسگزار باشد.

قابل اجرا ترین و تکرار پذیر ترین و بایسته ترین و شایسته ترین شکل تشکر سر نهادن به خاک در برابر منعم ترین بی منت، خدای عز و جل است که از آداب هر نمازی است که در پایان آن به آن عمل شود.

از دیگر شاخه های ادب حفظ احترام والدین و اطاعت امر آنها است که در متون دینی

اعم از آیات و روایات به این موضوع تأکید فراوان شده چنانچه در سوره اسراء توصیه شده به پدر و مادر احسان کنید اگر یکی از آن دو و یا هر دو در کنار توبه، پیری رسند، به آن ها اف نگو و بر آن ها فریاد نزن و با آن ها کریمانه سخن بگو.

رعایت حال پدر و مادر به خصوص در ایام پیری، رعایت ادب و احترام و تواضع در هنگام حضورشان با مصادیق کوتاه بودن صدا نسبت به صدای ایشان، رها نکردن خود به هر نحوی در حضور آنها، راه رفتن و قدم برداشتن پشت سر یا در کنار ایشان، نیکو سخن گفتن و خود را بزرگ نشمردن در مرتبه علمی و معلومات و دیگر فضایل و ... در کنار اطاعت امر ایشان و برآوردن حاجاتشان در غیر موارد منع شده از آداب حفظ شأن و جایگاه والدین است. تربیت شده مسجدی با سفارشات مؤکد دین از زبان امام جماعت و سخنران مدعو به این امر آشنا و مقید شده و در هر مکانی و هر محیطی به اجرای آن مبادرت می ورزد.

از کارکردهای اجتماعی مسجد ایجاد تقویت روحیه مشارکت اجتماعی و تعاون می باشد؛ معصومین خود در همکاری در کارهای پسندیده جامعه شرکت می کردند و مردم را یاری می کردند. حضرت امام سجاد (ع) به طور ناشناس در کاروان ها شرکت می کرد و نیازهای کاروانیان را برآورد می ساخت. (مجلسی، ۱۳۶۴، ج ۱۶، ص ۲۷۱) قرآن کریم به این موضوع بدین عبارت اشاره کرده است: «در نیکی و پرهیز کاری یکدیگر را یاری رسانید و در گناه و تجاوز یکدیگر را کمک نکنید.» (مائده / ۲)

بدین ترتیب مسلمانان باید به هدف و ضرورت یاری و تعاون دقت و توجه کافی داشته باشند تا از هدف مقدس خدمت رسانی دور نیفتد. حضرت علی (ع) نیز تعاون و همکاری در امر خدمت رسانی را حق واجب خدا دانسته اند: «از حقوق واجب خدا بر بندگان، خیرخواهی به اندازه تعاون و یاری کردن یکدیگر برای برپایی حق در میان خود است.» (الشریف الرضی، ۱۳۷۹، خطبه ۲۱۶) پیامبر گرامی اسلام (ص) مثل مؤمنان را در پیوند و دوستی و رحمت به هم (و اهمیت دادن به سرنوشت یکدیگر) مثل یک پیکر زنده می دانند اگر به درد آید دیگر اجزا پیکر با آن همدردی می کنند. (نوری طبری، ۱۴۰۸، ق، ج ۱۲، باب ۳۲، ص ۴۲۴)

با در نظر گرفتن ویژگی های حیات دنیوی و احتیاج آدمی به هم نوع خود به جهت فقر ذاتی تربیت خصلت نیکوکاری و همکاری از توجه خاصی برخوردار است. لازم است به این مهم در کانون خانواده بیشتر توجه شود و زمینه پرورش این خوی و خصلت اجتماعی ابتدا در محیط خانواده فراهم گردد تا فرزند با تمرین در محبت و احسان به دیگری خصیصه

خودخواهی را در خود ضعیف کرده و با تقویت روحیه تعاون در جامعه کاملاً محو نماید. نقش مسجد در فرآیند ایجاد و تقویت روحیه مشارکت در امور اجتماعی می تواند بسیار کار کردی و عملی باشد. مکان مسجد به علت برگزاری مراسم و مناسبت های مختلف و نبود نیروی رسمی در به عهده گیری آن نیاز به همکاری و همدلی بیشتری دارد خانواده در تعامل با مسجد می تواند از این فرصت (همکاری و مشارکت) در راهنمایی و تربیت فرزندان بیشترین بهره را ببرد.

به عهده گرفتن مراسم از امور پذیرایی، امکانات صوتی، دکور، دعوت از سخنران و مداح، پخش اعلامیه و دیگر ملزومات آن و کارهایی از قبیل جمع آوری کمک های مردمی، سازماندهی تشکیلات هیئت و در صورت وجود پایگاه بسیج همکاری با این نهاد قبول مسئولیت در آن، به عهده گرفتن امور نظافتی و انضباطی همه از زمینه های امکان همکاری فرزندان است که در حد سن و تجربه می توانند در آن فعالیت کنند. با فراهم شدن چنین زمینه هایی برای همکاری فرزندان در محیط اجتماع از فواید آن در جامعه بهره مند خواهند شد به طوری که آثار این تجارب در محیط مسجد در محیط خانواده و اجتماع مشهود است. از فواید این تجارب ایجاد روحیه نشاط در فرزندان در تعامل و همکاری با مسجد و نیز کسب تجارب فنی و تجربه روابط عمومی با امتیاز مصونیت از انحرافات دیگر محیط ها و تربیت افراد با شخصیتی فعال و پویا در اجتماعات دیگر می باشد. و چنانچه فرزندی دارای روحیه انزواطلبی و یا ضعف اعتماد به نفس و کمرویی باشد به تعدیل آن کمک می کند تا حدی که در مشارکت های سیاسی و نظرخواهی ها و مثل انتخابات خود را صاحب سهم می داند.

از دیگر کارکردهای مؤثر و در عین حال ضروری مسجد بصیرت و آگاهی سیاسی اجتماعی و فرهنگی است. یکی از حقوق مسلمانان برگردن هم اطلاع از اوضاع و احوال یکدیگر است و از این حیث همه انسان ها مسئول هستند. پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ کسی را مسلمان می داند که با آغاز روز به امور مسلمین اهتمام ورزد. (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۱۶۳، ح ۱) برای اقدام به هر کار و خدمتی و انجام هر مسئولیتی باید از آگاهی و دانش کافی بهره مند بود. در غیر این صورت چه بسا به اشتباه عمل شود و عده ای را نیز به ورطه هلاکت بکشاند. بصیرت نسبت به زمان و اتفاقات پیرامون اعم از حوادث سیاسی، مسائل فرهنگی و اجتماعی از مصادیق دانایی می باشد در این خصوص پیامبر ﷺ میفرماید: «خردمند باید به زمان خود بصیرت داشته باشد.» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۹۷) عالم به زمان از امتیاز در امان ماندن

از فتنه‌ها برخوردار بوده و حق و باطل را بهتر تشخیص می‌دهد البته باید در نظر داشت علمی مفید تلقی می‌شود که با تعقل و سنجیدن بدست آید.

تربیتون مسجد وسیله مطمئنی است برای افزایش بصیرت و شناخت حق از باطل، از این امکان غیر از مسائل فرهنگی و موضوعات تربیتی و اخلاقی باید در مسائل سیاسی و تاریخی و اجتماعی بهره گرفت. اگر امام جماعت مسجد خود از درایت و بصیرت نسبت به تاریخ اسلام و اهل بیت و شناخت دشمن و اتفاقات روز برخوردار باشد زمینه راهنمایی جماعت مسلمین در مسجد و تربیت سیاسی و فرهنگی آن‌ها را به خوبی فراهم خواهد ساخت و در غیر این صورت بهتر است از عالم با تقوا و خبره در علوم روز و آشنا به جامعه و سیاست و حقوق و وظایف مسلمین جهت تبیین معارف اجتماعی و سیاسی و نظامی دعوت بعمل آورد تا با روشنگری اذهان دشمن و توطئه‌های او را بشناساند.

بی تفاوتی نسبت به وقایع جامعه خود و جوامع دیگر و سر در لاک خود فرو بردن نتیجه ای جز استعمار و استثمار فکری و فرهنگی دشمن و قبول و تن دادن به خواسته‌های او ندارد. حضرت علی (علیه السلام) نیز در این رابطه هشدار می‌دهند آن‌که به خواب رود دشمن او نخواهد (شریف الرضی، ۱۳۷۹، نامه م ۹۲) و در جایی دیگر آمده است: «آنکه در برابر دشمنش به خواب غفلت فرو رود نیرنگ‌ها او را بیدار می‌کند.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ح ۲۸۴)

بنابراین خانواده‌ها ملزم هستند فرزندان نوجوان و جوان خود را برای حضور در مسجد و شنیدن معارف الهی تشویق کنند تا با کسب بصیرت کافی از هجمه فرهنگی دشمنان و توطئه‌های آنان در امان بمانند و اندیشه و عقایدشان نیز از کشیده شدن به این سو و آن سو حفظ گردد.

برای انسان شناخت عوامل غیر اختیاری در مسیر تربیت امکان پذیر نمی‌باشد و گاهی عوامل ژنتیک، تغذیه و در این مسیر تداخل ایجاد کنند و یا اراده و انتخاب خود شخص علت انحراف او از مسیر حق گردد و یا دیرتر به مقصد برسد. مهم ایجاد بستر مناسب جهت رشد و هدایت فرزندان توسط خانواده است که با انجام وظیفه و استمداد از خداوند در تحقق این امر مسئولیت از دوش والدین برداشته می‌شود.

حضرت علی (علیه السلام) در انتهای نامه ۳۱ خطاب به فرزندان امام حسن مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: «استودع الله دینک و دیناک (دین و دنیای تو را به خدای سپارم).» ایشان تمام تلاش خود را در ابلاغ معارف و احکام دین و همه همت خود را در آموزش و تربیت فرزندانشان به کار می‌گیرند اما نتیجه کار را به خدا واگذار می‌کنند.

نتیجه گیری

دستاورد این بحث با این تفسیر قابل ذکر است که شاید بتوان گفت مراکز و کانون های تربیتی فراوانی همچون مدرسه، دانشگاه، محافل مذهبی و حسینی ها، جلسات قرآن و ادعیه خانگی یا صنفی، زیارتگاه ها و موسسات و کانون های قرآنی وجود دارد که می توان از فضای آموزشی و تربیتی آن ها جهت رشد و هدایت گری فرزندان بهره برد اما با نظر به چند ویژگی امتیاز مسجد را بر سایر محیط های تربیتی ثابت می کنیم:

- تقدس و ویژه مکان مسجد تا جائیکه در لسان پروردگار به بیت الله شهرت دارد و به حفظ حرمت و جایگاه آن بسیار سفارش شده است.
- پراکنده بودن مساجد در تمام نقاط شهر یا روستا و معمولا با فواصل کم و قابل دسترس بودن برای عموم از جهت مکانی.
- امکان حضور همگان از طیف ها و صنف های مختلف.
- برپایی روزانه و چند نوبته جهت تجمع مسلمین.
- مشمولیت و دربرگیری حوزه های مختلف (اعتقادی و دینی، اجتماعی، علمی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و دفاعی).
- امکان تشکیل نهاد بسیج محلات (که این موقعیت از کارائی و بازدهی خاص و بالائی در تربیت نسل نوجوان و جوان برخوردار است).
- قرار گرفتن در شرایط اطمینان بخش و اعتمادآور به جهت سلوک دینی و مشی خیرخواهانه با تمرکز بر گزینش ائمه جماعات و هیئت امنا معتمد و متعهد.
- تایید به جهت عملکرد مثبت تربیتی و بصیرت افزائی در حوزه های مختلف.

با توجه به ویژگی های شمارش شده و شرایط منحصر به فرد مسجد این نتیجه حاصل می شود که مساجد در روند تعاملی خانواده با آن در صورت استمرار نقشی بی بدیل ایفا می کنند و والدین می توانند با بهره گیری از فضای قابل اعتماد و معنوی مسجد در فرآیند تربیت اجتماعی فرزندان شان با منشأ دینی و با قابلیت جامعه پذیری و بلوغ اجتماعی از پشتوانه محکم و مناسبی برخوردار باشند.

در این میان نمی توان از نهاد مقدسی به نام بسیج بعنوان مبلغ خستگی ناپذیر ارزشهای اسلامی غفلت کرد چرا که دغدغه اصلی این نهاد ارزشی تربیت دینی نسل جوان است و

در این راستا از یکطرف با صبغه اسلامی و انقلابی پای در میدان گذاشته و از سویی دارای بهترین موقعیت در هدایت و رشد اجتماعی فرزندان می باشد که این هدف با ایثار و گذشت و اخلاص در عمل امتیاز ویژه ای را به خود اختصاص داده است. بدین منوال تعامل مساجد با نهاد بسیج در ایفای نقش تربیتی دستاورد بالایی را متوجه خود می سازد.

به این ترتیب پیشنهاد می شود مدیران نظام آموزشی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی با همکاری اساتید علوم تربیتی و جامعه شناسی، مراکز حوزوی و امور مساجد با پژوهش بیشتر و تدوین کتب در تبلیغ نقش کارکردی و کاربردی مساجد در تلفیق با نهاد کارا و پویای بسیج و سیاست گذاری های آن در امر تربیت همت گمارده تا شأن و منزلت رفیع آن ناشناخته نماند و از موقعیت ممتاز آن بیشترین بهره برداری به عمل آید.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ترجمه جعفری، قم نسیم کوثر، ۱۳۸۲.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبارالرضا، ترجمه مستفید و غفاری، قم صدوق، ۱۳۷۲.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالاحکم و دررالکلم، قم دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰.
۶. چنارانی، محمد علی، رفتار امامان شیعه با کودکان و نوجوانان، مشهد جلیل، ۱۳۸۲.
۷. حکیمی، محمدرضا، محمد و علی، الحیة، ترجمه اکرامی، تهران دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.
۸. داوری، محمود، حسینی زاده، سید علی، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، قم پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مشهور، ۱۳۷۹.
۱۰. صادق زاده، قمصری علیرضا و حاجی آبادی محمد علی، مقالات برگزیده (همایش تربیت و درسیه و کلام امام علی ﷺ، تربیت اسلامی، ۱۳۷۹).
۱۱. طاهرزاده، اصغر، فرزندان این چنین باید بود، اصفهان لب المیزان، ۱۳۸۳.
۱۲. عاملی، شیخ حر، آداب معاشرت از دیدگاه معصومین ﷺ، مشهد آستان قدس، ۱۳۸۹.
۱۳. علامه سهروردی، نهج الهدایه، ترجمه خطیب، افتخاریان، ۱۳۵۳.
۱۴. فجرى، محمد مهدی، رواق پرواز، قم مهرا میرالمؤمنین ﷺ، ۱۳۸۹.
۱۵. فلسفی، محمدتقی، الحدیث، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
۱۶. فرید، مرتضی، الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اهل بیت ﷺ)، تهران دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه مصطفوی، تهران کتابفروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ و ترجمه کمره ای، قم اسوه، ۱۳۷۵.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، تحفة الاولیاء (ترجمه اصول کافی)، ترجمه اردکانی، قم دارالحدیث، ۱۳۸۸.
۱۹. گروه پژوهشی علوم قرآن و حدیث، فرهنگ روابط اجتماعی درآموزه های اسلامی، مشهد دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۷.

۲۰. ماهنامه مسجد، (مدیرمسؤل: سبحانی نیا حسین)، شماره ۱۲۷ و ۴۹، تیر ۱۳۸۷.
۲۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ترجمه موسوی همدانی، تهران کتابخانه مسجد ولیعصر، ۱۳۶۴.
۲۲. مجلسی، محمد باقر، زندگانی حضرت زهرا (ترجمه جلد ۴۲ بحارالانوار)، ترجمه نجفی، قم اسلامیه، ۱۳۷۷.
۲۳. محمدی ری شهری، غلامعلی احمد، حکمت نامه جوان، ترجمه مهریزی، قم دارالحديث، ۱۳۸۴.
۲۴. معاونت فرهنگ آموزش و پرورش، نماز، مسجد و خانواده (مقالات برگزیده)، ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۰.
۲۵. نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، قم موسسه آل البيت: لاحياء التراث، ۱۴۰۸.



بررسی عوامل مؤثر بر جذب خانواده‌ها به مسجد

حکیمه السادات شریف‌زاده^۱

چکیده

مقصود اصلی به وجود آمدن مسجد، ایجاد مکانی برای عبادت و برگزاری نماز می باشد. اما در طول تاریخ، این مکان، مرکزی برای اهداف نبوت و رسالت و رساندن پیام های اجتماعی، سیاسی، آموزشی و تربیتی و فعالیت ها و کارکردهای گسترده تری بوده است. از همان ابتدای ظهور اسلام مسجد پایگاهی برای آموزش خواندن و نوشتن، احکام و قرآن و حتی مکانی فرهنگی بوده است. همچنین مسجد مرکزی برای تبلیغ دین اسلام و مکانی برای همبستگی اجتماعی و سیاسی مسلمانان به شمار می آمده است. اما متأسفانه امروزه به دلایل مختلفی استفاده و تأثیر گذاری این مکان مهم کمرنگ شده و نیاز است با توجه به تغییرات اجتماعی عصر حاضر، عوامل جذاب سازی مساجد برای حضور خانواده ها مطرح گردد و راه کارهای مناسب ارائه شود. بر این اساس و با وجود چنین اهمیتی پرداختن به عوامل مختلف در رابطه با مسجد می تواند تأثیر به سزایی در جذب خانواده ها به چنین مکان مقدسی داشته باشد. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی می باشد. در این روش از نظر منطقی جزئیات مربوط به موضوع تحقیقی در قالب پاسخ گویی به سؤالات تحقیق، بررسی شده و نتیجه گیری گردیده است. بنابراین سعی شده براساس آیات و روایات و نظر متخصصان و اندیشمندان، موضوع مورد نظر توصیف گردد و سپس با نگاهی تحلیلی به این عوامل پرداخته و در نهایت استنتاج به عمل آید. نتایج حاصل از بررسی یافته های تحقیق نشان می دهد که عملکردها و شایستگی های امام جماعت و متولیان فرهنگی و همچنین عوامل پیرامونی مسجد مانند معماری، زیبایی، فضاآرایی و بهداشت در جذب خانواده ها

تأثیر به‌سزایی دارد. در مجموع این مقاله با درک جایگاه مهم مسجد در جامعه اسلامی، ویژگی‌های مسجد مورد توجه خانواده‌ها را مورد بحث و مطالعه قرار داده است.

کلیدواژه‌ها: مسجد، جذاب‌سازی مساجد، زیبایی‌شناسی، معماری مسجد، امامان جماعت.

مقدمه

مسجد مهم‌ترین بنایی است که رابطه نزدیکی با فرهنگ و آداب مذهبی دارد. مسجد به عنوان عبادتگاه مسلمین باید نسبت به دیگر بناها، ساختمانی مشخص داشته باشد. زیرا مردم در آن به پرستش می‌نشینند. (شفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

به نظر می‌رسد به رغم جایگاه برجسته مسجد در آموزه‌های دین و نیز در تحولات تاریخی جوامع اسلامی، در عصر کنونی با ظهور فزاینده فناوری‌های گوناگون اطلاعاتی و ارتباطی و افزایش ضریب نفوذ این فناوری‌ها در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و نیز شکل‌گیری و گسترش نهادهای فرهنگی موازی و رقیب، تا حدودی جایگاه کنونی نهاد مسجد دستخوش تغییرات شده است. امروز در ایران، مسجد به عنوان اصلی‌ترین پایگاه نشر دین، از جایگاه مورد انتظار برخوردار نیست. عدم اهتمام به ظرفیت‌های مسجد برای پیشرفت جامعه و عدم بهره‌گیری اقشار جامعه از ظرفیت‌های ارتباطی و اجتماعی مسجد به عنوان اصلی‌ترین شبکه ارتباطی و زمینه‌ساز پیوند و اعتماد اجتماعی، سبب تنزل جایگاه و اهمیت این نهاد دینی در جامعه و بروز آسیب‌ها و چالش‌هایی در این زمینه شده است. (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۳۱)

در دنیای پیچیده امروزی، احیا، حفظ و توسعه جایگاه مسجد که می‌بایست در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... دارای نقش باشد نیازمند تلاش علمی و تخصصی است. در این راستا مساجد باید تمام همت خود را به تجهیز مادی و معنوی معطوف نمایند و بابه کارگیری تمامی امکانات و فناوری روز دنیا، همانند گذشته، استوار باقی بمانند. (میرزایی و پژمان، ۱۳۹۱، ص ۵۱)

بنابراین پرداختن به عوامل جذب خانواده‌ها یکی از با اهمیت‌ترین مسائل جامعه‌ما می‌باشد. از این رو در این مقاله این عوامل در دو بخش امامان جماعت و متولیان فرهنگی و زیباسازی مساجد مطرح شده است.

آن طور که تاریخ نشان می‌دهد، ساختمان مساجد در گذشته پاسخ‌گوی روحانی نیازهای ماوراءالطبیعه انسان‌ها و مرجع کسب اطلاع و اطلاع‌رسانی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری روزگار خود بوده است که انعکاس همه اینها را می‌توان در این بنا جست‌وجو کرد. (شفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۴)

مسجد اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که از تمامی اخبار و وقایع خبر می‌داد. زمانی که مؤذن اذان نابهنگام می‌گفت همگان می‌فهمیدند که حادثه‌ای مهم اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می‌رساندند تا از آن خبر مطلع گردند. (محراب بیگی، ۱۳۷۶، ص ۵۷۴) امروزه مساجد، برخلاف بعضی از پرستش‌گاه‌ها در ادیان مختلف، نه تنها دور از دسترس نیستند که عموماً در دل بازارها و مجموعه‌های پررفت و آمد بنا می‌شوند و با درهای باز و گشاده و بهره‌مندی از زیباترین نموده‌های معماری و هنری هر دوره، پذیرای نمازگزاران هستند. (محمدی و روزبهانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱)

امام خمینی رحمه‌الله در زمینه مسجد می‌گوید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده، از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است.» (صحیفه امام، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۶۵)

مسجد مقدس‌ترین، پاک‌ترین، سرنوشت‌سازترین و اجتماعی‌ترین مکان و موقعیت حضور مسلمانان است. (حرعاملی، وسائل الشیعه ج ۵، ص ۲۴۱)

مولانا در سراسر مثنوی خویش به اهمیت جایگاه مسجد اشاره می‌نماید و در سطح تمثیلی، مسجد را دل پاک عارف قلمداد می‌کند که هر پدیده‌ای در آن به پرستش خداوند متعال مشغول است. تأکید بر نماز جماعت و فضیلت آن، پیراستگی مسجد از آسودگی‌های صوری و معنوی نیز از نکات دیگری است که در داستان‌های مثنوی بدان پرداخته شده است. (محمدی و روزبهانی، ۱۳۹۲)

مسجد محل سجود و خضوع و کرنش بندگان خدا در پیشگاه «الله» و جایی برای ایجاد

رابطه با پروردگار و اظهار عبودیت و کوچکی در برابر ربوبیت و عظمت خالق هستی است. قداست مسجد، در همین رابطه متقابل «عبودیت عبد و ربوبیت رب» نهفته است بنابراین عظمتش هم در معنویت آن است. (محدثی، ۱۳۸۶، ص ۲۸۶)

با توجه به این اهمیت، ضرورت پرداختن به این بحث در عصر حاضر فراهم می گردد چرا که خانواده‌ها همچنان می‌بایست در ارتباط با این مرکز و پایگاه مهم قرار گیرند تا رسالت تبلیغ اسلام و تربیت اسلامی به معنای واقعی کلمه به وقوع بپیوندد. در تحقیق حاضر به دنبال پاسخ گویی به این سؤالات هستیم:

۱. امامان جماعت و متولیان فرهنگی چه نقشی در جذب خانواده‌ها به مسجد دارند؟
۲. عوامل پیرامونی مسجد، معماری، زیبایی ظاهری، فضاآرایی و بهداشت چه نقشی در جذب خانواده‌ها به مسجد دارند؟
۳. راه کارهای جذاب سازی مساجد برای حضور خانواده‌ها چه می‌باشد؟

الف) بررسی مفهوم و کارکردهای مسجد

۱. مفهوم مسجد در قرآن

مسجد جایگاه مؤمنان بوده و در دین مبین اسلام اهمیت والایی دارد. به طوری که کلمه «مسجد» در قرآن ۲۲ بار و «مساجد» ۶ بار تکرار شده است. (عبداللطی، المعجم المفهرس) واژه مسجد در قرآن به معنای پرستش گاه، مقام معبد اسلامی، پرستش خاص، مسجد الحرام و مسجد الاقصی به کار رفته است. در قاموس های عربی نیز به معنای مکان مسجد، مواضع سجده و هر مکانی که در آن عمل پرستش انجام شود، مورد استفاده است. معنای ضریح، کلیسا، نیایش گاه و معبد، معادل مسجد در زبان های سامی است و ریشه معنای عربی مسجد را که همان مزگت در فارسی است، از زبان آرامی دانسته اند، در نتیجه این واژه هر چه از سال های صدر اسلام فاصله می گیرد به صورت پررنگ تری تنها یک پرستش گاه اسلامی را به ذهن متبادر می کند. (آذرنوش و مکنوی، ۱۳۸۹، ص ۵)

در اینجا نمونه هایی از آیات قرآن در زمینه مسجد آورده می شود.

قرآن راجع به حرمت مسجد و آداب اخلاقی - فرهنگی آن می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا» (سوره جن، آیه ۱۸)

مسجدها ویژه خداست پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید.

همچنین در مورد جایگاه مسجد می فرماید: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (سوره نور، آیه ۳۶)

در خانه هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه ها] هر بامداد و شامگاه او را نیایش می کنند.

همچنین در مورد جایگاه اجتماعی مسجد در نهضت‌های دینی فرموده: «... ولولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع وبيع وصلوات ومساجد يذكر فيها اسم الله كثيرا...» (سوره حج، آیه ۴۰)
اگر خدا دفع شر بعضی از مردم را به بعض دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و مساجدی که در آن ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود....

خداوند در قرآن در مورد ویژگی کسانی که به آبادی مسجدها همت می‌ورزند می‌فرماید: «ما كان للمشركين ان يعمروا مساجد الله شاهدين على انفسهم بالكفر اولئك حبطت اعمالهم وفي النار هم خالدون» (سوره توبه، آیه ۱۷)

مشرکین را حق آن نیست که مساجد خدا را تعمیر کنند، با آن که خود شاهد بر کفر خوشتن هستند، چه ایشان اعمالشان بی‌اجر و باطل و خود در جهنم جاودانند.
«انما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر و اقام الصلوة و آتى الزكاة و لم يخشى الله» (سوره توبه آیه ۱۸)

مسجدهای خدا را تنها کسی تعمیر می‌کند که به خدا و روز جزا ایمان داشته و نماز به پا دارد و زکات دهد و جز از خدا نترسد.

علامه طباطبایی در ذیل این آیات اشاره می‌کند که کلمه مسجد اسم مکانی است که سجده در آن انجام می‌شود. مانند خانه‌ای که برای سجده برای خدا ساخته می‌شود. البته در این آیه مقصود از مساجد هر چند مطلق بناهایی است که برای عبادت خدا ساخته شده و لکن سیاق آیه دلالت دارد بر این که مقصود از آن عمارت مسجد الحرام است و در آیه بعدی حق تعمیر مسجد را برای مؤمنینی منحصر کرده که خدا ترس بوده و معتقد به روز جزا، زکات و نماز باشند. (طباطبایی، ۱۳۷۰، تفسیر المیزان، جلد ۹، ص ۳۰۲-۳۰۵)

۲. کارکردهای مسجد

۲-۱. آموزشی

روزگاری مسجد، یگانه پایگاه مهم آموزشی در کشورهای اسلامی بوده است. در فرهنگ مردم ما، مسجد کارکرد آموزشی نیز دارد و این مسئله از چندین جهت قابل تأمل است. خطبه‌های نماز، تلاش‌های آموزشی و مکتب‌ها، کتابخانه‌ها و حوزه‌های علمیه در مساجد خود دست‌آوردی آموزشی دارد.

جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم (ص)

به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنان که در روایت است که روزی رسول خدا (ص) به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر (ص) فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی گام برمی دارند؛ دسته ای خدا را می خوانند و گروهی نیز آموزش می بینند و نادانان را تعلیم می دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلم) کار برتری انجام می دهد. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده ام. آنگاه پیامبر (ص) در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.

۲-۲. فرهنگی

پیامبر اسلام (ص) محیط مسجد را کاملاً فرهنگی می دانستند، تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان برخی مسابقات برگزار می شد و حضرت ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل از چنین مسائلی استقبال می کردند. گرچه امروزه مراکز آموزشی و فرهنگی گسترش یافته است؛ اما نباید از این کار کرد مهم مسجد و بارور نمودن فرهنگی آن غافل شد. برگزاری جلسات شبی با قرآن، مسابقات کتابخوانی و... از جمله برنامه هایی هستند که می توان اجرا نمود. همچنین حضور امام جماعت مدتی قبل و بعد از نماز در مسجد برای پرسش و پاسخ، مشاوره و... شرایط ویژه جهت رشد فرهنگی مردم را به وجود می آورد.

۳-۲. تبلیغی

هدف از تبلیغ، رشد و افزایش معرفت دینی مردم و آشنا کردن آنان برای ادای وظایف دینی و اسلامی می باشد. شاید هیچ پایگاهی به اندازه «مساجد» در تبلیغ اسلامی ایفای نقش نکرده باشد؛ از زمان رسول خدا (ص) تا کنون اذان، نماز، وعظ و خطابه از مهم ترین برنامه های مساجد بوده و می باشد.

۴-۲. اجتماعی

اصولاً یکی از علل تأکید پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) بر حضور در نماز جماعت به صورت صفوف فشرده و منسجم، ایجاد روحیه تعاون در میان نمازگزاران و افزایش بُعد اجتماعی مسلمانان در کنار انجام اعمال عبادی آنان می باشد. و این حضور می تواند از هرج و مرج و عنان گسیختگی که جامعه به مرور زمان دچار آن می شود، جلوگیری کند و تشکیل

این اجتماعات در مکان مقدس مسجد، باعث می‌شود تا مؤمنین تحت توجه و ارشاد عالمان و مبلغان دینی قرار گیرند.

۲-۵. سیاسی

یکی از کارکردهای مهم مسجد، کارکرد سیاسی است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن تأکید شده و هم اکنون نیز اهمیت آن کاملاً مشخص است. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محل تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز بیشتر امور سیاسی آن روز مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و... در مسجد صورت می‌گرفت.

۲-۶. جهادی

بررسی کتب تاریخی به خوبی روشن‌گر آن است که از ابتدای اسلام تمامی فعالیت‌ها از جمله: گردآوری، تجهیز، سامان‌دهی و تجمع نیرو به هنگام احساس خطر و بیم از تعرض دشمن، در مسجد صورت گرفته است. مسجد نه تنها محل اعزام نیروها و طرح نقشه‌های جنگی بوده، بلکه رسول خدا ﷺ دستور می‌دادند در صورت وجود مسجد، چادر فرماندهی ایشان را در کنار آن نصب کنند.

۲-۷. رسانه‌ای

دین‌مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. به همین دلیل کارکرد رسانه‌ای ارتباط جمعی با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود. (فجری، ۱۳۸۸، ص ۶۹-۷۷)

ب) بررسی سؤالات بر اساس یافته‌های پژوهش

۱. امامان جماعت و متولیان فرهنگی

مدیریت مسجد در سه سطح کلان، میانه و فرد قابل بررسی است. در لایه کلان مدیریت مساجد، حاکمیت و رأس نظام و نیز دولت و مجلس قرار می‌گیرند. در سطح مدیریت میانه مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی و سازمان‌های متولی امور مساجد جای می‌گیرند. مدیریت خرد مساجد نیز مدیریت بر لایه داخلی مسجد با محوریت امام جماعت است. در واقع، امام جماعت را مدیر مسجد می‌دانند. از این رو برای وضعیت مسجد در ایران می‌بایست به مدیریت ائمه جماعت بر مسجد توجه کرد. در توضیح لایه‌های مربوط به مدیریت باید گفت دولت اسلامی وظیفه آبادانی و ساخت مسجد را عهده‌دار است. متولیان امور فرهنگی نیز در اموری نظیر تولید محتوی، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد دخیل‌اند. متولیان مستقیم اداره مسجد هم در جامعه ما و هم در لایه درونی مدیریت مسجد پرشمارند، در لایه درونی مدیریت مسجد نیز امام جماعت، هیأت امناء، خادم، بسیج، کانون‌های فرهنگی-هنری، مأمومین و مخاطبان هم حضور دارند. (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۳۸)

امام جماعت و یا «پیش‌نماز» به فردی اطلاق می‌شود که مردم در نماز جماعت، به او اقتدا می‌کنند. امام جماعت مدیر مجموعه مسجد است. به همین دلیل، محور اصلی اداره مسجد محسوب می‌شود.

از دیگر عناصر لایه داخلی مدیریت مسجد، هیأت امناء است. هیأت امناء را می‌توان شورای مدیریت مسجد نیز نامید. نظارت بر برنامه‌ریزی‌ها، حل مشکلات، برگزاری مراسم و برنامه‌های جانبی و مدیریت منابع مالی مسجد با همکاری امام جماعت به عهده این

شورا است. خادم نیز به شخص یا اشخاصی گفته می‌شود که در مساجد به امور نظافت، نگهداری، خدمات‌رسانی به مراجعه‌کنندگان و مانند آن اشتغال دارند. سابقه حضور بسیج و شکل‌گیری پایگاه‌های بسیج در مسجد مقارن با آغاز پیروزی انقلاب اسلامی است. پس از پایان جنگ، پایگاه‌های بسیج به عنوان نهادی تثبیت‌شده در کنار مساجد، به فعالیت خود ادامه دادند و به تدریج به فعالیت سیاسی و فرهنگی پرداختند. **کانون‌های فرهنگی** نیز در دهه اخیر به جمع عناصر دخیل در مدیریت مسجد پیوسته است. گروهی دیگر از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مسجد، نهادهای متولی امور فرهنگی کشور هستند. این قبیل نهادها، به رغم عدم دخالت مستقیم در اداره مسجد، به عنوان نهادهای زمینه‌ساز حضور فعال، پویا و اثربخش مسجد در جامعه، نقش به‌سزایی دارند. ضعف عملکرد متولیان امور فرهنگی می‌تواند برای مساجد آسیب‌زا باشند. این نهادها در اموری نظیر تولید محتوا، زمینه‌سازی و فرهنگ‌سازی برای حضور اقشار مختلف مردم در مسجد و مانند آن دخالت دارند. حوزه‌های علمیه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آموزش و پرورش، کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، صدا و سیما از جمله این نهادها محسوب می‌شوند. در میان این نهادها، جایگاه حوزه علمیه به دلیل تربیت روحانیون و ائمه جماعت مساجد از اهمیت بیشتری برخوردار است. (کرم‌اللهی، ۱۳۹۱، ص ۳۹-۴۲)

۱-۱. ویژگی‌های امامان جماعت

ابعاد وجودی امام جماعت به دو بعد «شناختی» و «رفتاری» تقسیم می‌شود: بُعد شناختی، شامل دانش، آگاهی و اطلاعات دینی، اجتماعی و همچنین دانش مدیریت مسجد می‌شود. بعد رفتاری، شامل رفتار و اخلاق فردی و اخلاق و رفتار اجتماعی است. «رفتار فردی» یعنی آراستگی باطن و آراستگی ظاهر و «رفتار اجتماعی» یعنی توانایی تعامل و برخورد مناسب با اقشار گوناگون جامعه، اعم از مخاطبان و غیر مخاطبان مسجد. توانایی اعمال مدیریت بر مسجد نیز در بعد کنشی قرار می‌گیرد.

بعد شناختی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت، بهره‌مندی از دانش دینی و نیز دانش موردنیاز جهت مخاطب‌شناسی و برقراری تعامل سازنده و اثربخش با مخاطبان است. امام جماعت باید عالم به علوم و معارف دینی و نیز آشنای با مسائل مستحدثه و دانش‌های زمانه باشد. از سوی دیگر، آشنایی با دانش مدیریت، امام جماعت را در مدیریت مسجد یاری می‌رساند.

بعد رفتاری: توصیه‌های اکید دین به این بُعد از ابعاد شخصیتی امامان جماعت که مهم‌ترین مبلغان دین به‌شمار می‌آیند نشان از اهمیت آن دارد. در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «مردم را با غیر زبان و با عمل و کردار خود به دین حق دعوت کنید.» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۷۸) اخلاق فردی و اجتماعی امام جماعت در میزان اقبال مردم به مسجد نقش به‌سزایی دارد. بعد رفتاری امام جماعت به نوبه خود، شامل مؤلفه‌های فردی و اجتماعی به شرح ذیل است:

- کنش و رفتار فردی: رفتار فردی شامل دو مؤلفه آراستگی باطن و ظاهر است. مقصود از آراستگی باطن، بهره‌مندی امام جماعت از فضایل و صفات نیک اخلاقی است و منظور از آراستگی ظاهر، اهتمام امام جماعت به پاکیزگی، نظم در فعالیت‌ها، رعایت بهداشت فردی و مانند آن می‌باشد.

- کنش و رفتار اجتماعی: این حوزه، چگونگی تعامل و برخورد امام جماعت با اقشار گوناگون جامعه، اعم از مخاطبان و غیر مخاطبان مسجد را شامل می‌شود. علاوه بر این، افراد پیرامون امام جماعت نیز در این حوزه قرار می‌گیرند. این افراد شامل خانواده، دوستان و آشنایان امام جماعت می‌شوند. چگونگی تعامل و رفتار امامان جماعت با افراد پیرامون و همچنین ویژگی‌های ایشان در میزان جاذبه و توجه مردم به سمت مسجد تأثیر گذار است. توانایی عملی امام جماعت در مدیریت امور مسجد و برقراری توازن و انسجام میان عناصر مرتبط با مسجد نیز در این مقوله جای می‌گیرد. (کرم اللهی، ۱۳۹۱، ص ۴۰)

۲-۱. شایستگی‌های امام جماعت و کارگزاران مسجد

در این قسمت سعی می‌شود شایستگی‌های اساسی مورد نیاز امام جماعت مطرح شود. برابر نظر مرکز رسیدگی به امور مساجد، ویژگی‌های امام جماعت به عنوان مدیر اسلامی عبارتند از: ۱- ایمان و تقوا ۲- عدالت و امانت داری ۳- توانایی ۴- اخلاق و برخورد نیکو و زیبا ۵- سعه صدر و تسلط بر خود ۶- خردورزی و دوراندیشی ۷- تعادل ۸- تواضع ۹- جدیت و تلاش ۱۰- صداقت و وفای به پیمان ۱۱- خواهان دانش جدید و افق‌های نوین فعالیت، مرکز یاد شده، ویژگی‌های دیگر امام جماعت را چنین برمی‌شمارد: امام جماعت باید از نظر علمی با قرآن و تفسیر، روایات و سخنان ائمه (ع) آشنا باشد و توان پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی و شبهات جدید کلامی را داشته باشد و از اخبار کشور و جهان آگاه باشد. از نظر گفتاری باید از پر حرفی و کلمات بیهوده، غیبت و بدگویی پرهیز کند. از نظر برخورد نیز

باید گشاده‌رو و خوش‌برخورد باشد؛ شخصیت افراد را حفظ کند و از تحقیر و تمسخر و پوزخند پرهیز کند. امام جماعت دارای چهار وظیفه اساسی است: ۱- اقامه نماز جماعت ۲- تعلیم و تربیت و نشر معارف ۳- رهبری و مدیریت مسجد ۴- برقراری ارتباط. (مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۶)

پیروی از سنت و سیره پیامبر ﷺ برای موفقیت امام جماعت در مسئولیت خود بسیار خطیر و مهم است. برخی از اصول سیره فردی و اجتماعی پیامبر ﷺ عبارتند از: نظافت، آراستگی ظاهر، معطر بودن، سلام کردن، مصافحه، گشادگی چهره، برقراری ارتباط صمیمانه و احترام و ادب. (طالقانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۶۰)

همچنین براساس دیدگاه ائمه اطهار نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **محبوبیت:** مهم‌ترین ویژگی امام جماعت محبوبیتی است که در میان نماز گزاران دارد. پیامبر فرمود: «ثانیه لا یقبل الله لهم... و امام قوم یصلی بهم وهم له کارهون...» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ه. ق، ۵۹/۱) یعنی هشت طایفه‌اند که خداوند از آنها نمازی را نمی‌پذیرد، یکی از آنها امام جماعتی است که مردم از نماز خواندن پشت سر وی کراهت داشته باشند و....

از طرف دیگر رضایت آنان نیز پاداش فراوانی را برای او به دنبال می‌آورد، چرا که آن حضرت فرمودند: «من ام قوما باذنهم وهم به راضون... فله مثل اجر القوم ولا ینقص من اجورهم شیء» (عاملی، ۱۴۰۳ ه. ق، ۳۴۹/۸) یعنی هر کس امامت جمعی را با اجازه خودشان به عهده بگیرد و آنان به امامت او راضی باشند... پس برای او مانند ثواب نماز همه مأمومین خواهد بود، بی آنکه از اجر آنان چیزی کاسته شود.

- **برخورداری از مراتب علم و تقوی:** اگر امام جماعت بخواهد مسئولیت خود را به نحو احسن انجام دهد، باید روشنفکر، آگاه و برخوردار از مراتب علم و تقوا باشد. علاوه بر آن باید دارای قرائتی صحیح باشد و احکام نماز را نیک بداند. پیامبر اکرم ﷺ در این باره می‌فرماید: «ان سرکم ان ترکوا صلاتکم فقد مواتکم» (عاملی، ج ۵، ابواب صلاة الجماعة، باب ۲۶، حدیث ۴). یعنی اگر پاکیزه نگه داشتن نماز شما را خوشحال می‌کند، پس بهترین خود را پیشوا قرار دهید.

- **آشنایی با شیوه‌های تبلیغ:** از مهم‌ترین ویژگی‌های امام جماعت، نحوه آموزش و تبلیغی است که در پیش می‌گیرد. وی در این زمینه، اولاً باید مخاطب خود را بشناسد و ثانیاً باید به آن چه می‌گوید عمل نماید. امام صادق (ع) در این مورد فرموده است: «اگر عالم و دانشمند

به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دل‌های لغزد، آن چنان که باران از روی سنگ صاف و نشیب‌های لغزنده کوه لغزان است.» (کلینی، ۱: ۱۳۸۲/۸) (به نقل از مصطفوی نیا و همکاران، ۱۳۹۲، صص ۱۸۹-۲۰۷)

۳-۱. وظایف امام جماعت

امام جماعت علاوه بر مدیریت صحیح مسجد و اقامه نماز جماعت، لازم است مواردی را مدنظر قرار دهد:

۱-۳-۱. مدیریت مسجد

یکی از مهم‌ترین مسائل در مسجد مدیریت آن است؛ اما با توجه به اهمیت برنامه‌ریزی در برنامه‌های دینی، فرهنگی و آموزشی مسجد، ضروری است که ائمه جماعات اولین برنامه‌ریز باشند تا بتوانند اهل مساجد را هم به منظور تقویت بنیه دینی و مذهبی آنان و هم به منظور بهره‌برداری در مسائل سیاسی و اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم مهیا سازند. رسیدن به اهداف مذکور نیازمند برنامه‌ریزی، سازمندی امکانات و نیروها و نهایتاً کنترل و نظارت بر اجرای برنامه‌هاست. بنابراین آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که ائمه جماعات با آگاهی کامل به مدیریت مسجد علاوه بر مشورت با نمازگزاران و هیئت امنای مسجد، تصمیم‌نهایی را خود اتخاذ و اعمال نمایند. اهمیت این موضوع تا آنجا است که رسول اکرم ﷺ شخصاً مدیریت و امامت مسجد النبی را به عهده داشتند و در غیاب ایشان، مدیریت مسجد به عهده کسانی بوده است که به تشخیص آن حضرت صلاحیت امامت را داشته‌اند. (فجری، ۱۳۸۸، ص ۳۲)

۲-۳-۱. مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان

از جمله مهم‌ترین مسائل قابل دقت در مسجد این است که نماز جماعت در اول وقت شرعی و بدون فوت وقت آغاز گردد. و برنامه‌هایی مثل سخنرانی‌ها و دعا‌های طولانی، بعد از اتمام نماز صورت پذیرد. با کمال تأسف در برخی مساجد، مستحبات بین نماز به اندازه‌ای طولانی می‌شود که عده‌ای نماز دوم را فردای خوانده و گاه به همین دلیل اصلاً در مسجد حاضر نمی‌شوند و از فیض جماعت محروم می‌مانند. به یقین ثواب نماز جماعت با انجام حداقل مستحبات همراه با جمعیت بیشتر بسیار بهتر از نماز طولانی با انجام همه مستحبات

خواهد بود. آمار نشان می‌دهد آنچه که مردم را از مسجد گریزان می‌سازد، طولانی کردن نماز و فاصله بین دو نماز است. (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۷۹)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْزَأَكَ تَكْبِيرُهُ وَاحِدَةً لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَ الضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ» (الكافی، ج ۳، ص ۳۱۰)؛ هرگاه امام جماعت بودی، یک الله اکبر برای تو کافی است؛ زیرا افرادی که کار دارند یا ضعیف و پیر هستند با تو می‌باشند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «أَخْرُماً فَارْقُتْ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةً أَضْعَفَ مَنْ خَلْفَكَ...» (وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۴۷)؛ آخرین سخنی که با آن از محبوب قلبم جدا شدم، این بود که فرمود: یا علی! به هنگام نماز [جماعت]، نمازی متناسب با حال ضعیف‌ترین کسی که به تو اقتدا کرده است بخوان.

این حدیث شریف گویای آن است که یکی از راه‌های جلب و جذب مسلمانان به کانون مسجد و نماز جماعت، کوتاه برگزار نمودن نماز جماعت است.

در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقُعُودِهِ وَقِيَامِهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَلَمْ تُجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَكَانَتْ مَنْزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةَ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدٍّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعَائَتِهِ وَلَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ». (وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۰)

کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشست و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف‌های او تجاوز نمی‌کند و جایگاه چنین امامی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیت خود تلاش ننموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است.

۱-۳-۳. تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات

اگرچه اجرای این برنامه در همه مساجد ضروری نمی‌باشد؛ اما مناسب است امام جماعت با توجه به نیاز محل، ساعتی را به صورت روزانه یا هفتگی در مسجد حضور یابد و به سؤالات پاسخ گفته و به رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی بپردازد و در صورت نیاز با مراکز حوزوی و متخصصین در تماس باشد تا سؤالات به خوبی پاسخ داده شود.

۱-۳-۴. حفظ آرامش مسجد

امام جماعت موظف است از هرگونه برنامه‌ای که نظم مسجد را برهم زده و یا در شأن

مسجد نمی‌باشد، جلوگیری نماید. همچنین لازم است از هرگونه سیاسی‌بازی و طرفداری از گروه خاص که باعث تشنج در مسجد و از بین رفتن فضای عبادت است جلوگیری کند.

۱-۳-۵. ارائه برنامه‌هایی که بر جذابیت مسجد بیافزاید

در برنامه سخنرانی مسجد، حتی المقدور از افراد آگاه به مسائل سیاسی و روز، متعهد و جذاب استفاده شود تا مردم علاوه بر تنوع و جذابیت، از اوضاع کشور و منطقه محل زندگی، مطلع شده، سوالات خویش را مطرح نموده و جواب دریافت نمایند.

۱-۳-۶. تشکیل هیئت امناء

هر امام جماعتی نیاز به افرادی دارد که در اداره مسجد، او را یاری نمایند؛ اما مهم این است که این افراد چه با نام هیئت امناء (که از افراد مورد اطمینان محل می‌باشند) و چه با دادن مسئولیت‌های مختلف به افراد دارای صلاحیت، مثل: مسئول واحد پشتیبانی-مالی، واحد عمرانی-خدماتی، واحد فرهنگی-هنری و ورزشی، واحد روابط عمومی و... تحت نظارت و مدیریت امام جماعت برنامه‌های مسجد را پیگیری نمایند. همچنین برخی مساجد که هیئت امناء داشته و آنها مسئول دعوت از امام جماعت می‌باشند، لازم است به این مسئله واقف گردند که انتخاب امام جماعت، به معنای انتخاب مدیر در تمام فعالیت‌های مسجد است و تمام برنامه‌های مسجد باید با موافقت و هماهنگی امام جماعت انجام گیرد. (فجری، ۱۳۸۸، ص ۳۲-۳۳)

۱-۴. شایستگی‌های فعالان (کارگزاران)

فعالان یا کارگزاران یک مسجد، علاوه بر انجام امور عملیاتی، هم چون بازو و معاون امام جماعت عمل می‌کنند. (خصوصاً اعضای هیئت امناء) از این رو، از یک سو ویژگی‌های فردی این افراد مانند توانمندی‌های آنها اهمیت پیدا می‌کنند و از سوی دیگر، ویژگی‌های بین فردی (گروهی) آنها حائز اهمیت است. در نتیجه، شایستگی‌های فعالان طبق این توضیحات در دو مؤلفه ویژگی‌های فردی و بین فردی طبقه‌بندی شده است. عناصر توانمندی شخصی، فضایل ایمانی-اخلاقی و انگیزش این افراد (شامل مهارت و دانش، شجاعت، صداقت و وفای به عهد، نیت خدمت‌گزاری، امانت‌داری و مسئولیت‌پذیری، سعه صدر و مدارا و تلاش و پشتکار در مسجد) در مؤلفه «ویژگی‌های فردی» معرفی شده‌اند. از آن جهت که این افراد، گروه یا تیمی از فعالان اداره امور مسجد را شکل می‌دهند، برخی ویژگی‌های اثرگذار بر

عملکرد گروه مانند همبستگی، برادری و انسجام، وجهه یا اعتبار محلی، احترام و اعتماد متقابل و الفت و محبت بین قلوب آنها به عنوان جمعی از مؤمنین در ویژگی‌های بین فردی مطرح شده‌اند. انسجام گروه، احساس ما بودن است که اعضای یک گروه را به یکدیگر پیوند می‌دهد. اعتماد و ایمان متقابل به رفتار و مقاصد دیگران نیز، از جمله عوامل مهم در رفتار یک گروه است. نیت خدمت به خانه خدا، از شاخص‌های مهم این بخش است و ارزش کارها به نیت انجام آنهاست. در فضیلت خدمت‌گزاری به مسجد، اشاره به این حدیث، مناسب است: «هر کس مسجدی را جارو کند، خداوند برای او ثواب آزاد کردن یک بنده را بنویسد و هر کس مسجد را غبارروبی کند، خدای عز و جل وی را از رحمتش دوچندان برخوردار گرداند.» (طالقانی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۶۱-۶۲)

ج) زیباسازی مسجد

۱. اهمیت زیبایی‌شناسی در اسلام

یکی از اهداف جذب خانواده‌ها به مسجد، پرورش شور و شوق افراد نسبت به مفاهیم اساسی دین هم چون تقوی، ایثار است و تنها ارائه مستقیم معارف الهی نیست. پس نقش اساسی مسجد رفتن، فراهم آوردن شرایطی است که فرد با تجربه واقع‌های درونی به دین گرایش یابد. در واقع نمی‌توان از طریق تبلیغ بدون ترغیب و تربیت بدون تمایل درونی، فردی را به دوست داشتن چیزی واداشت. متولیان فرهنگی و سازندگان مساجد می‌توانند مایه‌های فطری درون خانواده‌ها را از طریق کشش‌های زیبایی‌شناختی پرورش دهند. بنابراین هدایت احساسات و عواطف خانواده‌ها از طریق توجه به ابعاد زیبایی‌شناختی و تأثیر روش‌های مبتنی بر بعد زیبایی میسر می‌شود. زیبایی عشق را می‌آفریند و عشق حرکت و شور در عمل را ایجاد می‌نماید و برای انتقال فرهنگ اسلامی از طریق مسجد نیازمند انسان‌هایی هستیم که در این ابعاد پرورش یافته باشند. (شریف زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵)

اساساً یکی از نیازهای فطری انسان میل به زیبایی و جمال دوستی است. در انسان گرایش به جمال و زیبایی وجود دارد، چه به معنای «زیبایی دوستی» و چه به معنای «زیبایی آفرینی» که نامش هنر است. (مطهری، ۱۳۷۳)

در دین اسلام به عناصر زیبایی‌شناسی اشاره شده است. اساساً آفرینش از نظر قرآن کریم با جمال و زیبایی آمیخته است. در قرآن می‌فرماید: «انا جعلنا ما علی الارض زینته لها» (سوره کهف، آیه ۷) یعنی ما آنچه از مناظر طبیعی که در روی زمین است به عنوان زینت زمین قرار دادیم و کره زمین را بدان مزین ساختیم. در واقع ترغیب و تشویق به کار جمیل و زیبا در قرآن کریم بارها مورد اشاره قرار گرفته است.

۲. معنای زیبایی و زیبایی شناسی

برای استفاده از نمادهای هنری در جذب خانواده‌ها به مسجد باید مفهوم زیبایی و تربیت هنری را بشناسیم، مفهوم نمادها، سطح و انواع آن را نیز شناسایی کنیم.

نماد در اصطلاح به معنای نشانه و حکایت از معنای ماورای خود است، با این تفاوت که نشانه مانند علائم راهنمایی به نحو اعتباری و قراردادی بر و رای خود دلالت می‌کند، اما نماد بر حسب نوع دلالت طبیعی، و رای خود را حکایت می‌کند. (قدردان قراملکی، ۱۳۸۱، ص ۶۵)

منظور از زبان نمادین این است که زبان، واژگان و گزاره‌های آن بر معنای ظاهری آن دلالت نمی‌کند. موضوع نماد از دو منظر قابل بررسی است؛ بیان نمادین و هستی شناسی نمادین. در نگاه نمادین که مرتبط با زیبایی هنری است، مفهوم نمادها و زبان‌ها به هم نزدیک می‌شوند. در لغت نامه ورد رفرنس (word reference، ۲۰۰۶)، زیبایی شناسی «درک زیبایی یا چیزهای زیبا» و «مطلوبیت چیزی از نظر زیبایی» تعریف شده است. (صابری و رضوانی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۴)

ویژگی‌های زیبایی شناسی دامنه متنوعی از حیطه‌ها را دربر می‌گیرد. سیبلی (۱۹۵۹) فهرستی فراهم می‌کند که دامنه مفهوم زیباشناسی را نشان می‌دهد. این دامنه شامل حیطه‌های هماهنگی، آرامش، قدرتمندی، دلپذیری، پراحساسی، گیرایی و جلب‌کنندگی است. از نظر وی با دستیابی به این فهرست در هنر معماری، می‌توان مفهوم کلی یک ویژگی زیباشناختی را در زندگی نشان داد. برای مثال، هماهنگی یک ویژگی صوری است. خشم (مانند آرامش) یک ویژگی عاطفی است، و قشنگی (همانند دلپذیری) یک ویژگی صوری و ارزشی است. اگر بتوان این فهرست را چنین گسترش داد و ویژگی‌های دیگر آثار هنری و معماری نظیر رنگ، شکل یا دوام را کنار گذاشت، می‌توان ویژگی‌های زیبایی شناسی را از دیگر ویژگی‌ها متمایز ساخت. (گلدمن، ۱۳۸۸، ص ۹۴)

زیبایی شناسی محیط یکی از حوزه‌های جدید زیبایی شناسی است که در نیمه دوم قرن بیستم ظهور کرده است. این نوع زیبایی شناسی بر مباحثی تأکید دارد که به درک زیباشناختی جهان نه تنها محیط‌های طبیعی، بلکه فضاهایی که به دست انسان ساخته شده یا تحت تأثیر انسان بوده منجر می‌شود. (کارلسون، ۱۳۸۸، ص ۲۹۲)

بنابراین این موضوع در سه مقوله: زیبایی فضای مسجد؛ معماری و مهندسی مسجد و فضای فیزیکی و بهداشتی قابل پی‌گیری است.

۳. تأثیر زیبایی مسجد بر جذب خانواده‌ها

مسجد، محل تجلی مجموعه‌ای از هنرهای است که مصداق مسلم هنر شهودی است. در مساجد نه تنها دین با هنر ملاقات می‌کند بلکه مهم‌ترین نمود هنر اسلامی، معماری مساجد و ویژگی‌های بارز آن است. معماری مسجد به گونه‌ای مسیر تحولات و تغییرات ایجاد شده در شیوه زندگی جوامع مسلمان را نشان می‌دهد و نمایانگر عمق برداشت‌های فرهیختگان و سازندگان هر زمان از جوهره ذهنیت و ایمان جامعه مسلمان معاصر آن است. بنای مسجد زمانی معنا می‌یابد که انسان مسلمان در آن پناهده و قدم به قدم فضاهای آن را طی می‌کند تا به فضای غایی آن برسد و در زیر سقفی مدور که نمادی از آسمان است رو در روی محراب بایستد. و اینها همه مقدمه‌اند، تا وی در این فضای مهیا شده برای عبادتش، آغاز گراز و نیازی شود که خود آداب و مراحل منظم دارد. تمام نظم تجریدی هنر متعالی اسلامی، بازتابی است از محتوای عارفانه‌ای که بر پایه ایدئولوژی اسلام بنا شده است. به یقین نمی‌توان، مسائل عقلانی و انتزاعی را از ابعاد احساسی و عاطفی آن جدا دانست. تا این احساس برانگیخته نشود و وجدان و فطرت انسانی احیا نگردد ایمان، ریشه ندوانیده است. بنابراین می‌توان مسجد را از آن حیث، جایگاه تجلی هنر و معماری اسلامی قلمداد کرد که هنرهای گوناگون، بر روی هم فضا و مکان خاصی را پدید می‌آورند، فضا و مکانی که برای ایجاد رابطه میان خدا و خلق او مناسب باشد و در عین شکوه و جلال، آراستگی و تزیین آن، ذهن انسان را به جای توجه به خداوند سبحان به خود مشغول نسازد.

نکته‌ای که در اینجا حائز اهمیت می‌باشد این است که مهندسان مسلمان باید به طراحی و اجرای مسجد نیز آشنا باشند. نکته مهم در ساخت مساجد این است که هنر و معماری ایران از دیرباز دارای چند اصل بوده است. این اصول چنین هستند: «مردم داری، پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی و درون گرایی که مهندسان سازه برای ساخت و طراحی مساجد باید این اصول را محور توجه خود قرار دهند.» (پیرنیا، ۱۳۸۳)

«زیبایی معناداری که در معماری اجزاء و عناصر مسجد موج می‌زنند نه تنها انسان را از یاد خداوند غافل نمی‌سازد بلکه او را متوجه وزن اشکال و صور روحانی آن می‌کند. چرا که معمار به واسطه هنر و با استفاده از مصالح و ملزومات کار هنری، هم زمان با خلق یک بنای زیبا به مفهوم سازی نیز می‌پردازد. به طوری که بنای ساخته شده با اعتقادات سازندگان آن پیوندی ناگسستنی دارد، در واقع ساختمان زیبا، جمال باطن پدید آورنده آن را هویدا

می‌سازند.» (مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته حال آینده، ۱۳۷۶، ص ۲۴۴)
تأثیر شکل و فرم در انتقال معانی و مفاهیم از دو منظر حس زیبایی شناختی و گرافیک محیطی قابل بررسی است.

- **حس زیبایی شناختی:** یکی از نیازهای روان شناختی انسان، نیاز به حس زیبایی شناختی است و زیباشناختی از آن جهت که کیفیت درونی و ناظر بر حالات درونی آدمی است، ارضاء آن می‌تواند مقدمه‌ای برای رویکرد آدمی به معنویت و پرستش خداوند باشد.

- **گرافیک محیطی:** در یک محیط، باید میان زیبایی و عملکرد ارتباط برقرار نمود. طراحی محیطی برای زیبا ساختن محیط بصری، آگاه کردن و ارتباط برقرار کردن به عنوان یک اهرم پر قدرت عمل می‌کند. در گرافیک محیطی یا طراحی، برای ایجاد ارتباط بصری با مخاطبان، طراح باید پیامی به ایشان القاء نماید، پیامی هدفدار در جهت شناساندن و معرفی محیط، این پیام باید در وهله اول، کاربردی بوده و بعد زیباشناسانه آن مراعات گردد. به عبارت دیگر، در جهت زیبایی و مطلوب نمودن محیط تلاش صورت پذیرد. نمادهای وحدت در اجزاء و عناصر مسجد نه تنها در یک قالب کلی و پیکره ظاهری در محیط زندگی ما می‌تواند به عنوان مکانی وحدت آفرین محسوب گردد، بلکه تک تک عناصر و اجزاء متشکله آن نیز در درون و ماهیت خود نمایی از مؤلفه‌های وحدت را آشکار می‌سازند. منتهی در این بخش استنباط مفاهیم وحدت به صورت زیر کانه، ماهرانه و به شیوه‌ای هنرمندانه تجلی پیدا می‌کند که تنها اهل فن و متخصصان برجسته این رشته هستند که توانایی کشف راز و رمز و مصادیق این وحدت را دارا می‌باشند. برای نمونه، در اثبات این مدعا از چند مورد می‌توان نام برد. نخست این که مساجد اسلامی را می‌توان مجموعه بی‌نظیری از انواع و اقسام هنرهای اسلامی دانست. از طراحی بنا و معماری کلی ساختمان گرفته تا کاشی کاری و گچبری و آینه کاری و خوشنویسی و شعر و نجاری و منبت کاری و ... حتی فرش‌های مساجد و این یعنی مجموعه‌ای تمام عیار از آثار هنری. این هنرهای مختلف و گوناگون، در عین تکثری که دارند؛ باید نهایتاً اثر واحدی بنام مسجد را خلق کنند. نقش و نگاره‌های اسلیمی دیواره‌ها و خطوط کوفی و نستعلیق اطراف محراب و گنبد درونی و برجستگی و فرو رفتگی مقرنس‌ها و نهایتاً قوس منحنی حاکم بر کلیت معماری مسجد، باید در کمال سازگاری و هماهنگی با یکدیگر قرار گیرند و اوج هماهنگی و وحدت میان اعتقادات و باورهای دینی مردم با مسجد، این پایگاه توحیدی را می‌توان در آثار هنری و معماری خاص بکار رفته در آن که نمود ظاهری پیدا کرده، مشاهده نمود.

۴. عوامل مؤثر در زیباسازی مسجد

رنگ و نور و آب سه گانهٔ اعظم زیبایی‌شناسی معماری اسلامی‌اند. نور جلوهٔ «الله نور السموات والارض» است که حضورش در معماری اسلامی، به ویژه در مسجد، تجلی نورالله است در کاستن از صعوبت و سختی و سردی سنگ و بنا. تأثیر رنگ در معماری اسلامی، انکارناشدنی است و از اهمیت و گستردگی معنایی زیادی برخوردار است و یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم در فضاسازی معنوی و روحانی مسجد می‌باشد. استفاده از رنگ‌های سبز، فیروزه‌ای و آبی در معماری اسلامی بسیار معمول و فراگیر می‌باشد. کاربرد رنگ آبی لاچوردی و آبی فیروزه‌ای از عمده‌ترین رنگ‌های زمینه‌ای دیوارها، کاشی‌ها، محراب و گنبد و صحن و شبستان و... مساجد است. حضور جدی آب در معماری اسلامی به ویژه در مسجد، نه تنها آن را عاملی فیزیکی برای تطهیر عابدی قرار می‌دهد که برای عبادات خود به این تطهیر نیاز دارد، بلکه به بنا نیز صفت تطهیر عطا می‌کند، همچنین **گنبد و مناره** دو نماد اصلی در معماری خارجی مسجد، مهم‌ترین نماد کالبدی مسجد از دور است، پوسته‌ای که آسمان را خیمه زده و به درون برده است و سر در درون دارد، و در نقطهٔ مقابل آن دستی از زمینی که بر آسمان برآمده و به گل نشسته است (گلدسته). گنبد رو به فضای درون و منار سر بر آسمان بیرون تمثیلی از دو سیر انسان، سیر در آفاق و سیر در انفس، و تمثیلی از فضایی مناسب برای خودسازی و خودآگاهی «شبستان» و فضایی مناسب پیام‌رسانی و جامعه‌سازی و تعهد در مقابل از قوه به فعل در آوردن استعدادهای فطری فرد و مسئولیت در مقابل امت است. یکی از ویژگی‌های بارز معماری مساجد، **حیاط** است، حیاط نخستین فضایی است که نمازگزار در هنگام ورود به مسجد به منظور وضو گرفتن و ورود به شبستان در آن قرار می‌گیرد. صحن مسجد به عنوان فضایی با معنا و هویت‌دهنده بر مسجد، از ویژگی‌های معنوی و ابعاد عملکردی مهمی برخوردار است که در تفسیر فضای مسجد و شکل دادن به ساختار نظام فضایی آن مهم‌ترین نقش را ایفا می‌کند. **شبستان** اصلی‌ترین فضای تجمع، انسجام و تمرکز مسجد محسوب می‌گردد و در واقع نقطه گرانگاه و اصلی تجمعات عبادی می‌باشد. در شبستان بسیاری از حرکات و برنامه‌های وحدت‌آفرین شکل می‌گیرد و در واقع قلب تپندهٔ حرکات‌های وحدت‌زا و توحیدی به شمار می‌رود. **محراب** در واقع نقطهٔ ارتباط معنوی بین عبد و معبود و نقطه وحدت و ارتباط بین عالم ظاهر با عالم معنا و اتصال این جهان

مادی به جهان ماورایی است. محراب نقطه پرواز و عروج و نقطه اتصال زمین و آسمان از بعد معنوی می باشد. محراب نمایانگر قلب مسجد و موقعیت دیوار سمت قبله است. (بررسی هنر وزیباسازی در طراحی مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۱)

۵. روش های مختلف، برای بیان مفهوم در معماری مسجد

- تشبیه: معادل «قرینه سازی» در معماری؛
 - استعاره: معادل «نمادگرایی» در معماری؛
 - کنایه: معادل «رمزگرایی» در معماری؛
 - تمثیل: معادل «آوردن نمونه و نشانه» در معماری؛
- در همه اینها حرکت از مصداق به مفهوم برای بیان یک مفهوم به کار رفته که روش عام تری است.
- **رمزگرایی (وجودگرایی):** مساجد نمونه بارزی از تلفیق فرم های نمادین با باورهای عمیق اعتقادی می باشند و ارتباطات نمادین در این هنر بارز است.
- **درون گرایی و برون گرایی (درون و بیرون):** درون گرایی در مسجد از دو جنبه فیزیکی و مفهومی مطرح است. «در این معماری هر فضای داخلی، خلوتگاه و محل توجه به باطن و هر فضای خارجی جلوه گاه و محل توجه به ظاهر است.» (شفایی، ۱۳۸۶، ص ۱۶)

۶. فضای فیزیکی و بهداشتی

- پیروی از قوانین متعارف هندسی و نظم، تناسبات هندسی دقیق قوی و پرگاری، نسبت مشخص برای طول و عرض و ارتفاع در پلان و نما و تمامی اجزاء و... در مسجد کاملاً مشهود است.
- قرینه سازی در مسجد از بطن روحیه متعادل ایرانی اسلامی و فلسفه شرقی حاکم بر این ملت می باشد که در واقع تقارن را می توان «آوردن چیزی برای شناخت و یادآوری چیز دیگر و در نهایت به معنای فراتری دانست. تقارن از نظر بصری یک تعادل و نظم را ایجاد می کند که کلیت یک سیستم و سازمان اجزاء آن سهل الدرك می شود و در نتیجه انسان خود را در فضای درک شده اش پیدا می کند.» «قرینه ها حضور عبادت را در میان گرفته، محرم یکدیگرند و سازنده فضای محرم و آشنا می شوند. پنجره ها درگاه ها و طاق نماها در دیوارها، قرینه نشسته و انعکاس نگاه تعالی طلب می باشند. نقش این طرف، طنین زیبایی

نقش آن طرف است.» (شفایی، ص ۲۰)

مساجد وقتی می‌توانند نقش واقعی خود را در تربیت دینی عبادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی ایفا کنند که بتوانند خانواده‌ها را جذب و حفظ نمایند. رسیدگی به بهداشت مساجد مانند تغییر در معماری امکانات گرم‌آزا و سرمازا و وجود فعالیت‌های فرهنگی مانند کتابخانه و ... از راهکارهای عملی جذب خانواده‌ها به مسجد می‌باشد.

- نظافت و بهداشت مساجد تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی به شمار می‌رود که باعث گرویدن خانواده‌ها به مسجد و نماز می‌شود، لذا مسئولان مسجد باید در خصوص غبارروبی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش‌ها و عطر افشانی اقدام کنند. نظافت دستشویی، ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون، مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان‌ها و شستشوی مرتب و منظم محیط دستشویی‌ها و به کار بردن خوشبوکننده‌های مناسب از ضروریات مساجد است.

- وسایل صوتی و گرم‌آزا و سرمازا مسائل ناخوشایندی مثل نامناسب بودن صدای بلندگوها، سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد، تنظیم نامناسب نور در مسجد و دیگر عواملی از این قبیل باعث ایجاد سابقه ذهنی منفی در اذهان افرادی که به مسجد می‌روند، شده و موجبات نارضایتی و گریز خانواده‌ها از مسجد است. رفع این مشکل مدیریت مدرانه هیئت امنای مسجد و افراد اداره کننده امور و مناسبتهای مسجد را می‌طلبد.

و- نتیجه گیری و ارائه راه کارهای عملی

نظر به این که در این مقاله مشخص گردید که ویژگی های مثبت امامان جماعت و متولیان فرهنگی و زیباسازی مساجد موجب جذب خانواده ها برای رفتن به مسجد می شود. بنابراین در این راستا می توان با در نظر گرفتن کارکردهای مختلف مساجد، راه کارهای زیر را مطرح کرد:

۱. در حوزه انتخاب امامان جماعت، از روحانیون شایسته و فعال استفاده شود، زیرا برای جذب خانواده ها مناسب است. از دیگر ویژگی های مهم برای انتخاب امام جماعت، می توان به این موارد اشاره کرد: محبوبیت و مقبولیت، آشنایی با کارکردهای مسجد، آشنایی با دانش مدیریت، توجه به وظائف امام جماعت، مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان، تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات، حفظ آرامش مسجد، ارائه برنامه هایی خلاقانه (مانند تبدیل سخنرانی های رسمی به کلاس های صمیمی).

۲. در حوزه فرهنگی می توان گفت مسجد باید کانون انرژی و شور و هیجان باشد و فقط از ساختارهای سنتی استفاده نکند بلکه از ساختارهای به روز استفاده نماید. برای تقویت نقش فرهنگی مساجد می توان با اقدام به تأسیس کتابخانه، عرضه و فروش کتاب با تخفیف های مناسب، تأسیس مراکز توزیع فیلم و سی دی، کلاس های آموزشی و فرهنگی، برگزاری جلسه های سخنرانی، نصب و راه اندازی خدمات رایانه ای و اینترنتی زمینه های جذب خانواده ها را افزایش داد.

۳. در حوزه زیباسازی مساجد باید به این نکته مهم اشاره کرد که یکی از ویژگی ها و جاذبه های مساجد ارضاء حس زیبایی شناختی است تا از این طریق بتوان به پرورش دینی افراد کمک نمود. سوق دادن افراد به سمت خدا و متوجه ساختن ایشان به فرامین الهی اگر

چه از کارکردهای مساجد است اما این خود مستلزم توجه به زیبایی شناسی است. اگر مسجد بتواند احساس نیاز به پرستش کردن و فواید، اهمیت و ضرورت آن را بررسی و تبیین نماید و همچنین بتواند جنبه‌های زیباشناختی کارکردهای خود را به درستی به مردم نشان دهد، در واقع به میزان جاذبه خود افزوده است. در این مسیر در نظر گرفتن این موارد ضروری است: اهمیت دادن به زیبایی و شکوه مسجد در عین سادگی و پرهیز از اسراف و دنیاگرایی؛ تنظیم نور مسجد به اندازه‌ای، که نه مصداق اسراف باشد، نه آن قدر کم نور و دلگیرکننده که بر روحیه اشخاص بازتاب منفی ایجاد کند؛ معماری در پی خلق فضایی باشد تا فرد بتواند حضور خدا را احساس نماید؛ نوآوری و ابتکار در عرصه ساخت و ساز مسجد که هماهنگی با توصیه‌های دینی داشته و از مایه‌های سنتی الهام گرفته باشد مانند مسجدی که دارای صحن و حیاط و حوض و آب‌نما بوده و باعث ایجاد نشاط و سرزندگی و عامل معنوی مؤثری برای جذب افراد خواهد بود.

در پایان انتظار می‌رود براساس دستاوردهای این پژوهش، مسئولین و سازندگان مساجد در جهت بهبودی وضعیت این مکان مقدس برای دستیابی به هدف جذب خانواده‌ها برای حضور در مساجد اقدام کنند.

منابع

۱. قرآن مجید.
۲. آذرنوش، آرتاش و مکوندی، محمود، «بررسی زبان شناختی واژه قرآنی مسجد»، دوفصلنامه تحقیقات علوم قرآنی و حدیث، شماره ۱۳، ۱۳۸۹.
۳. بختیار نصرآبادی، آمنه و بختیار نصرآبادی، حسنعلی و انصاری، مریم، تحلیلی بر مؤلفه‌های زیبایی شناختی در معماری فضاهاى آموزشى با توجه به رویکرد اسلامى، دوفصلنامه تربیت اسلامى، شماره ۱۷، سال هشتم، ۱۳۹۲.
۴. بررسی هنر و زیباسازی در طراحی مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۱.
۵. پیرنیا، محمدکریم، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر معمار، ۱۳۸۳.
۶. حرعالملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت وسائل الشیعه، ۱۴۰۹ ق.
۷. حرعالملى، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ترجمه محمد رضا ضمیری، قم، مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۸۷.
۸. خمینی، روح الله، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۹. رضی مصطفوی نیا، سید محمد و همکاران، ویژگی‌های امام جماعت موفق و شایسته، مجموعه مقالات نماز و نهضت مسجد سازی، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی ستاد اقامه نماز، ۱۳۹۲.
۱۰. شریف زاده، حکیمه السادات و تسلیمیان، ناصر، نقش عنصر زیبایی شناسی در تربیت دینی، فصل نامه کاوش های دینی، شماره سوم، ۱۳۸۹.
۱۱. شفائی، رضا، رابطه موسیقایی نماز و بنای مسجد: باز شناخت معماری مسجد، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶.
۱۲. صابری، رضا و سعیدی رضوانی، محمود، کاربرد زیباگرایی و هنر در تربیت دینی، دوفصلنامه تربیت اسلامى، ۱۳۹۱.
۱۳. طالقانی، غلامرضا و همکاران، مدیریت مسجد: تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۹.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۷۰.

۱۵. عبدالبطلی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس الالفاظ القرآن کریم، مصر، مطبعه دارالکتب قاهره، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۵۴.
۱۶. فجری، محمد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، مجله مبلغان، شماره ۱۲۰، ۱۳۸۸.
۱۷. قدردان قراملکی، محمد حسن، زبان قرآن از منظر علامه طباطبائی، فصلنامه قبسات، شماره ۲۵، ۱۳۸۱.
۱۸. قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، مؤسسه مسجد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱۹. کارلسون، آلن، زیبایی شناسی محیط زیست، ترجمه کریم پورزبید، مجله نیم سالانه زیباشناخت، سال دهم، شماره ۲۰، ۱۳۸۸.
۲۰. کرم اللهی، نعمت الله و کاشانی زاده امیر مسلم، تبیین الگوی مفهومی آسیب شناسی وضعیت مسجد در ایران، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۱.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تصحیح محمد آخوندی و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۲۲. گلدمن، آلن، امرزیبایی شناختی، ترجمه ابوالفضل مسلمی، مجله نیم سالانه زیباشناخت، سال دهم، شماره ۲۰، ۱۳۸۸.
۲۳. محراب بیگی، محمد علی، مسجد فرهنگ مردم، فصلنامه هنر و معماری، شماره ۳۳، ۱۳۷۶.
۲۴. محدثی، جواد، هنر دینی: واکاوی هنر در قلمرو مکتب، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۲۵. محمدی، علی و روزبهانی، علی رضا، مسجد در آئینه مثنوی، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب فارسی، سال چهارم، بهار ۱۳۹۲.
۲۶. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد گذشته حال آینده، دانشگاه هنر پردیس اصفهان، انتشارات دانشگاه هنر، ۱۳۷۶.
۲۷. مطهری، مرتضی، فطرت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳.
۲۸. میرزایی، خلیل و پروین، پژمان، مسجد، خانواده، سلامت اجتماعی، فصلنامه علوم تربیتی، شماره ۱۲۸، ۱۳۹۱.



نقش مسجد در فرهنگ سازی برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار

عممت دانش^۱

چکیده

در فرهنگ اسلامی، ازدواج و تشکیل خانوادهٔ مقدس و خانواده به مثابه دژ استوار و اصلی‌ترین نهاد اجتماع محسوب می‌شود که بیشترین مسئولیت را در تحوّل و شکوفایی شخصیت، تربیت و تعالی، پرورش مهارت‌های اجتماعی و سعادت انسان، و نیز سلامت و اعتلای جوامع بشری برعهده دارد. در تعالی خانواده مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی قوی اسلام می‌تواند نقش چشمگیری در مسجدمحوری شدن خانواده‌ها و تربیت دینی جوانان برای ازدواج آسان و به‌هنگام و همچنین استحکام بنیان خانواده‌ها داشته باشد. هدف از این مقاله تحلیلی-پژوهشی، شناسایی و معرفی نقش مسجد، در فرهنگ سازی برای ازدواج و تشکیل خانواده‌ای پایدار در عصر پیچیده کنونی است. روش این پژوهش از یک سو توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای و از سوی دیگر میدانی می‌باشد که با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته پدید آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد به رغم اهمیتی که مساجد در صدر اسلام در همهٔ ابعاد زندگی بشری و رفع مسائل و مشکلات مسلمانان از جمله مشکلات اقتصادی، فرهنگی، دینی و عبادی، آموزشی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی داشته است، در حال حاضر از این پایگاه امن، بیشتر برای مراسم عبادی و مجالس ختم و یادبود استفاده می‌شود. در این مقاله با آزمون سه فرضیهٔ پژوهش، راهکارهای کاربردی اسلامی برای فرهنگ‌سازی به منظور برجسته کردن نقش محوری مساجد در جامعه و پذیرش این نقش از سوی جوانان و خانواده‌ها برای ازدواج و تشکیل خانواده ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: ازدواج آسان، خانواده، فرهنگ‌سازی، مسجد محوری.

مقدمه

ازدواج در فرهنگ اسلامی، پیوندی مقدس و عاملی مؤثر در حفظ پاکدامنی و طهارت دل‌ها است که موجب حفظ دین، افزایش ثواب عبادات، به‌وجودآورنده مودّت و رحمت می‌شود. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: هر کس می‌خواهد خدا را در حال پاکیزگی و طهارت ملاقات کند به وسیله ازدواج، عفت پیشه سازد. (احمدپناهی، ۱۳۸۵، ۳۶-۳۵) ازدواج مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل ارتباطی میان انسان‌ها است که صمیمی‌ترین نوع رابطه بین زن و مرد و به تبع آن خانواده شکل می‌گیرد و کلیه نیازها اعم از جسمی، روانی، عاطفی و اجتماعی زن و شوهر با این پیوند مقدس برآورده می‌شود. (روزن-گرانندن، مایر و هاتی، ۲۰۰۴، ۵۹)

همه مکاتب از اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده سخن گفته‌اند، ولی ارزش و اعتباری که اسلام برای ازدواج قائل شده است در هیچ مکتبی دیده نمی‌شود. به گونه‌ای که خداوند رحمان یکی از آیات و نشانه‌های قدرت خود را در ازدواج و آفریدن همسرانی از نوع خود انسان برای او می‌داند تا در کنار یکدیگر با دوستی و رحمتی که بین آنان قرار داده است به آرامش و سکون نایل آیند. (روم / ۲۱) البته چیزی که مایه سکون است همان مودّت و رحمت الهی است که جاذبه‌ای معنوی بین زن و مرد ایجاد می‌کند، و گرنه شهوات نمی‌تواند نشانه‌ای از نشانه‌های خدا باشد و موجب آرامش گردد. (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ۴۰-۳۹)

اسلام معتقد است هر اقدام نیکو کارانه‌ای باید از خانواده آغاز شود و این سخن پیامبر گرامی ما است که فرمود: «إِنِّدَأْمَأَتُعُولُ» یعنی نخست از خانواده آغاز کن. (قائمی امیری، ۱۳۹۲) اسلام بنا به اهمیت موضوع، مهر تأیید بر ازدواج و روابط زناشویی تمام اقوام و ملل زده است (مطهری، ۱۳۹۲، ۱۹۰) و می‌خواهد خواسته‌ها و نیازهای طبیعی انسان در چارچوب قواعد

الهی برآورده شود، تابیی بندوباری و هرج و مرج در همه زمینه‌ها، از جمله در اقناع غریزه جنسی، از جامعه اسلامی رخت بربندد. (قائم‌امیری، ۱۳۹۲، ۱۷)

به خاطر تمامی این مزایا است که برای رشد همه جانبه شخصیت و سلامت جسمی و روانی انسان از دواج امری اجتناب‌ناپذیر است. نتایج پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند از دواج نقش مهمی در سلامت جسمی و روانی زوجین ایفا می‌کند؛ (وود، گیزلینگ و ایولر، ۲۰۰۷، ۱) و به‌طور کلی، افراد متأهل سالمتر از کسانی هستند که از دواج نکرده‌اند؛ (شونبورن، ۲۰۰۴، ۲۲) همچنین رابطه مثبتی بین از دواج و آرامش روانی وجود دارد؛ (ویلسون و اسوالد، ۲۰۰۵، ۹۱) و صرف‌نظر از جنس و سن، افراد متأهل نسبت به افراد مجرد به‌طور معناداری سطح شادکامی و سطح کلی سلامت جسمی و روانی بیشتر و نشانه‌های بدنی، علائم اضطراب، اختلال در خواب، میزان افسردگی و اختلال در کارکرد اجتماعی کمتری دارند. (دانش، ۱۳۸۹، ۵۷)

اسلام به همان میزان که به تشکیل خانواده تأکید فراوان دارد، برای حفظ و تداوم آن و دور نگه داشتن آن از خطر تزلزل و از هم‌پاشیدن نیز برنامه‌هایی را پیش‌بینی و تهیه کرده است. از جمله آن که ارضاء همه لذات را در چارچوب نظام خانواده مشروع می‌داند و وزن و مرد را از حرکات و رفتار بدون رعایت نظام دین برحذر می‌دارد. این مراقبت‌ها و رعایت‌ها به دلایل مهم و به دلیل نقش‌های سازنده و متعددی است که خانواده باید ایفاکننده آنها باشد. (قائم‌امیری، ۱۳۹۲، ۱۸-۱۷) پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند افرادی که تقیّدات مذهبی دارند بهتر از عهده این مسئولیت‌ها برمی‌آیند و سازگاری و تداوم زندگی زناشویی آنها بیشتر است. هانلر و گنکوز نیز (۲۰۰۵، ۱۳۳) دریافتند تأثیر مثبت مذهب بر رضایت زناشویی و تداوم زندگی زوجین به لحاظ این است که مذهب نه تنها رهنمودهایی برای زندگی دارد بلکه ارائه دهنده نظام ارزش‌ها و باورها است. پژوهش اورتینکال و ونستیوجن (۲۰۰۶، ۴۹۸) نیز نشان داد افرادی که مذهبی‌ترند در زندگی ثبات بیشتری دارند و از زندگی خود راضی‌ترند.

از این رو با توجه به نقشی که تقیّدات مذهبی در رضایت از زندگی، سازگاری و تداوم زندگی زناشویی دارد، از یک سو فراهم آوردن بستر و زمینه تربیت و پرورش دختران و پسران مذهبی و با ایمان و آماده‌سازی آنها برای ازدواجی سنجیده و به‌هنگام بسیار ضروری به نظر می‌رسد؛ و از سوی دیگر لازم است برای داشتن یک چنین ازدواجی از همان سال‌های آغاز کودکی برنامه‌ریزی کرد. در این راستا، در تعالی خانواده مسجد به‌عنوان پایگاه اجتماعی قوی

اسلام می‌تواند در استحکام بنیان خانواده نقش شایان توجهی در جامعه داشته باشد. مسجد در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و والایی برخوردار است، به گونه‌ای که به عنوان خانه خدا بر روی زمین معرفی شده است. (حر عاملی، ۱۴۱۴ه ق) این پایگاه اجتماعی در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات، بلکه مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و نیز مکان نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان‌های متعهد به‌ویژه جوانان؛ و همچنین جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانه محکمی برای حکومت اسلامی بوده است. (امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۵، ۶۵)

این پایگاه عظیم نقش عمده‌ای در تعالی و تحکیم کانون مقدس خانواده داشته و دارد. در واقع با انس خانواده با مسجد و بهره‌گیری از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد است که تربیت دینی، بصیرت و معرفت والا در نظام خانواده حاکم و خانواده تجلی‌گاه ارزش‌های الهی می‌شود و به این طریق زمینه سعادت‌مندی خانواده و اجتماع فراهم می‌آید. از این رو با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تحلیل «نقش مسجد در ازدواج آسان، به‌هنگام و پایدار» به اجرا درآمد که به این سؤال پاسخ دهد: «چه برنامه‌ها و تدابیری توسط دانشمندان اسلامی، مسئولین، روانشناسان و جامعه‌شناسان باید اتخاذ و انجام شود تا این پایگاه مقدس بتواند نقش الهی و محوری دیرینه خود را در ازدواج و تشکیل و تحکیم بنیان خانواده ایفا کند؟

الف) بیان مسئله

۱. ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله

ازدواج به عنوان سنگ بنای تشکیل خانواده با بستن پیمان زناشویی بین زن و مرد صورت می گیرد (دانش، ۱۳۸۴، ۱۱) و در منطق قرآن کریم به وجود آورنده مطمئن ترین و آرامش بخش ترین رابطه ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. (احمدپناهی، ۱۳۸۵، ۳۵) در اهمیت ازدواج پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز فرموده است: «در نزد خدای عزوجل هیچ چیز محبوب تر از خانه ای نیست که با ازدواج آبادان شود.» (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۲۸) هر چند خانواده از نظر ظاهری کوچک ترین، ساده ترین و طبیعی ترین نهاد اجتماعی است، ولی در ارزیابی واقعی یکی از مهم ترین و پرازش ترین نهادهای هر جامعه است. این ادعا به آن جهت است که به نظر جامعه شناسان و آسیب شناسان اجتماعی و روانی، پایه و اساس یک جامعه سالم یا فاسد و همچنین استواری یا ناپایداری جوامع، به خانواده بستگی دارد (قائم امیری، ۱۳۹۲، ۱۶) و چگونگی بافت، روابط اعضای خانواده با یکدیگر، روابط آنها با محیط اجتماعی و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی بر ساختار جامعه تأثیر شایانی بجای می گذارد و متقابلاً این ساختارها، خانواده و کارکرد آن را تحت تأثیر قرار می دهد. (مهدوی و غیمی، ۱۳۸۷، ۷۸) در این میان نحوه روابط و چگونگی تعاملات زن و شوهر از همه مهم تر است؛ زیرا پایه و اساس نخستین سلول اجتماعی به عنوان خانواده و تداوم آن، سلامت نسل های آینده، انتقال ارزش ها، اعتلای فرهنگ و پیشرفت هر جامعه ای در گرو روابط منطقی و سازگارانه زن و شوهر نهفته است. (دانش، ۱۳۸۴، ۱۱) بنابراین، سلامت و سعادت و بهر روزی جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط بین «زن» با «شوهر» و والدین با فرزندان بستگی

دارد. به بیان دیگر، تعالی هر خانواده در سایه تربیت و اخلاق اسلامی نمود پیدا می کند. (پسندیده، ۱۳۸۴، ۷)

اما به رغم نقش و تاثیر متقابلی که خانواده و جامعه بر یکدیگر دارند، پژوهش ها نشان می دهند که در سال های اخیر احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه میان زن و مرد به سستی گراییده و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشی شده است (حمید، عیدی بایگی و دهقانی، ۱۳۹۱، ۸۶) و طلاق، نفرت انگیزترین کار حلال نزد خداوند (مجیدی خوانساری، ۱۳۸۵، ۴۳۴) به میزان زیادی افزایش یافته است. همچنین بر اساس داده های موجود، نرخ کلی ازدواج افراد در میهن اسلامی ما کاهش یافته است. اکنون نسبت به ده سال قبل افراد کمتری مایل به ازدواج هستند. از سوی دیگر آمارها بیانگر آنند که میانگین سن ازدواج نیز در کشور ما افزایش یافته است. بنابراین با وجود خوشایند بودن پیوند ازدواج پژوهش ها حکایت از آن دارند که رضایت زوجین به آسانی به دست نمی آید در نتیجه قوی ترین پیوند انسانی یعنی ازدواج در مستحکم ترین قرارگاه آن یعنی سامانه خانواده در معرض خطر جدی قرار دارد. (دانش، ۱۳۸۹، ۱۶۹) بدیهی است با سست شدن بنای خانواده و از هم پاشیدن کانون خانواده ها، جامعه نیز متزلزل خواهد شد و در نتیجه جرایم و انحرافات در جای جای این کره خاکی گسترش خواهد یافت. خانواده به علت حصار که بر اطراف خود دارد، مانع بروز بسیاری از فجایع و جنایات است. هنگامی که این حصار شکسته یا برداشته شود، نابسامانی و آشفتگی به وجود می آید و در نهایت زمینه بروز انحرافات و آسیب های اجتماعی فراهم می شود. (قائم امیری، ۱۳۹۲، ۲) اکنون برای جلوگیری از سست و متزلزل شدن کانون خانواده و پیامدهای نامطلوب آن در جامعه، باید دید عوامل موثر در تحکیم ازدواج و خانواده چیست؟

۲. عوامل موثر در تحکیم ازدواج

۲-۱. اعتقادات مذهبی

پیش بینی می شود اعتقادات مذهبی یکی از عواملی است که نقش مهمی در تداوم زندگی زناشویی، حفظ و استمرار خانواده داشته باشد. پژوهش کال و هیتون (۱۹۹۷، ۳۸۲) نشان داد رابطه ای مثبت بین خودشناسی و سازگاری زناشویی وجود دارد، از سوی دیگر رابطه بین دو نهاد مذهب و خانواده نیز مثبت است چون هر دو ارزش های مشابهی را مورد تأکید قرار

می‌دهند، بنابراین مذهب می‌تواند روابط و سازگاری زناشویی را تقویت کند و استحکام بخشد. پژوهش دانش (۱۳۸۹، ۱۶۷) نشان داد، مشاوره اسلامی با تأکید بر خودشناسی و استفاده از مجموعه‌ای از آموزه‌های اسلامی روش مداخله‌ای مؤثری برای حل اختلاف‌های زناشویی و افزایش سازگاری در زوجین ناسازگار و تحکیم خانواده آنها است. سولیوان (۲۰۰۱، ۶۱۴) دریافت افرادی که در سطح بالاتری از مذهبی بودن قرار دارند نسبت به افراد دارای سطح مذهبی پائین‌تر، ثبات زناشویی بیشتری دارند و از ازدواج خود راضی‌ترند. احمدی نوده، فتحی آشتیانی و عرب نیا (۱۳۸۵، ۵۵) نیز با بررسی ۱۳۲۰ نفر (۶۶۰ زوج) ساکن استان تهران به این نتیجه دست یافتند که میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی که تقيّدات مذهبی زیادی دارند به‌طور معنی‌داری بیش از کسانی است که دارای تقيّدات مذهبی کم هستند. یافته‌های پژوهش خدایاری فرد، شهبابی و اکبری زردخانه (۱۳۸۶، ۱۲۶) نشان داد رابطه سازگاری زناشویی و نگرش مذهبی مثبت و معنادار است، و از بین چهار خرده مقیاس سازگاری زناشویی، نگرش مذهبی بیشترین رابطه را با رضایت دو نفری دارد. به اعتقاد ماهونی (۲۰۰۵، ۷۰۱) این که افراد ازدواج را به عنوان مسئولیتی برای تمام عمر، مهرورزی به یکدیگر، فراهم آوردن اسباب آرامش همدیگر و وفاداری و تعهد به همسر، بر مبنای مذهب تفسیر می‌کنند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد.

همچنین پژوهش مارش و دالاس (۲۰۰۱، ۳۵۰) در مورد زوج‌های رومی دارای مذهب کاتولیک نیز نشان داد اعتقادات و باورهای مذهبی اثر بالقوه‌ای بر کنترل خشم در وقایع استرس‌زای زندگی و تعارضات خانوادگی دارد و ارتباط با خدا فاصله‌ای را که بین زوجین وجود دارد پر می‌کند. در نتیجه ارتباطی بین روابط زناشویی و ارتباط با خدا وجود دارد. چندین مطالعه نشان داده است که مورد توجه قرار دادن باورهای مذهبی در طی درمان می‌تواند در بهبود روابط زن و شوهر ناسازگار مفید باشد. بدین صورت که هرگاه تعارض خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند از طریق مفاهیم معنوی و ارزش‌های مذهبی مشترک، اختلاف نظر بین زوجین را تعدیل کند. از این رو درمانگران می‌توانند نقش باورهای مذهبی و بُعد متعالی رابطه زناشویی را طی فرایند حل اختلافات زناشویی مورد توجه قرار دهند. (روس وستفیلد و انسلی، ۲۰۰۱ و پترسونز، های وورث، ترنر و رسگین، ۲۰۰۰)

۲-۲. انتظارات زن و شوهر

عامل دیگر در ازدواج و استمرار خانواده توقعات و انتظاراتی است که زن و شوهر از یکدیگر

دارند. در تمام روابط بین فردی از جمله در ازدواج، افراد با اعتقادات و انتظارات معینی وارد رابطه می‌شوند، که بر رفتار آنها به شیوه‌ای مثبت یا منفی تأثیر گذار است. ریوز (۲۰۱۰) انتظارات را به عنوان تصویری از ازدواج تعریف کرده است که زن و شوهر در بافت ارتباط با یکدیگر برای خود خلق می‌کنند. عده‌ای از پژوهشگران انتظارات زناشویی را معیارها، فرضیه‌های ذهنی، چارچوب‌های از پیش تعیین شده و باید و نبایدهایی می‌دانند، که زنها و شوهرها درباره همسر و زندگی زناشویی خود دارند که ممکن است مبتنی بر واقعیت باشد و یا نباشد. (خمسه، ۱۳۸۲) پژوهش والر و مک‌لاناها (۶۵، ۲۰۰۵) نشان داد توقعات غیرمنطقی و رویاپردازی غیر واقع بینانه زن‌ها در اولین سالهای ازدواج، منجر به عدم رضایت از زندگی زناشویی و یا طلاق در سال‌های بعد می‌شود. در همین راستا گالووی (۲۰۱۳) ارتباط بین دفعات مشاهده فیلم عاشقانه و شکل‌گیری باورهای ناکارآمد در روابط عاشقانه را در ۲۲۸ دانشجوی دانشگاه نوادا، لاس وگاس، بررسی کرد. نتایج او یافته‌های پژوهش سرگین و نابی (۲۰۰۲، ۲۶۰) را تأیید کرد؛ مبنی بر این که تماشای مکرر فیلم‌های عاشقانه در تلویزیون باعث می‌شود باورهای اسطوره‌ای و آرمان‌گرایانه درباره عشق تقویت شود و انتظارات غیرواقعی از رابطه جنسی، عشق و ازدواج شکل گیرد و در نتیجه اختلافات زناشویی بین زن و شوهر به وجود آید. انتظارات یکی از پنج پدیده شناختی است که چنانچه نادرست و افراطی یا تحریف شود، منجر به آشفتگی و اختلاف در زندگی زناشویی می‌شود. پنج پدیده شناختی شامل انتظارات، ادراکات، اسنادها، معیارها و فرضیه‌ها هستند که هریک از آنها به شدت بر باورها و رفتار انسان تأثیر گذارند. (شارپ و گانگ، ۲۰۰۴، ۷۲) به اعتقاد لورنس، نیلن و کاب (۲۰۰۷، ۱۵۷) انتظارات به افراد اجازه می‌دهد که در مواجهه با موقعیت‌ها و افراد جدید، براساس انتظارات خود رفتار و وقایع را درک، پیش‌بینی و کنترل کنند. عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انتظارات شامل خانواده مبدأ، روند اجتماعی شدن، ساختار فرصت‌ها، و فرهنگ است. (بخشوده و بهرامی احسان، ۱۳۹۱، ۲۸)

۳-۲. مهارت‌های ارتباطی

عامل دیگری که پیش‌بینی می‌شود نقش چشمگیری در تداوم ازدواج و زندگی زناشویی داشته باشد، مهارت‌های ارتباطی مؤثر برای مبادلات سالم بین زوجین است. با تشکیل خانواده زوج‌های جوان با شماری از وظایف رو به رو می‌شوند، که طی این فرآیند روابط آنها براساس میزان مهارت‌های ارتباطی و توانایی آنها در استفاده از این مهارت‌ها شکل

می‌گیرد. در واقع کلید دستیابی به خانواده مطلوب، تعامل و روابط سالم بین زوجین است. در این زمینه نتایج پژوهش بخشوده و بهرامی احسان (۱۳۹۱، ۴۲) نشان داد که از میان مولفه‌های «مبادلات سالم» و «انتظارات زناشویی» بالاخص ارتباط عاطفی و تأمین عاطفی می‌تواند به طور معناداری ابعاد «رضایت» و «توافق» را در مقیاس رضایت زناشویی تبیین کند و «سلامت جسم و روان» زوجین را تحت تأثیر قرار دهد. پژوهش کار (۲۰۰۲) نشان داد زوج‌های آشفته که فاقد مهارت لازم برای زندگی زناشویی هستند از طریق تحقیر، سرزنش، انتقاد و بی تفاوتی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. این تعاملات منفی به احساس ترس، آسیب روانی و خشم منتهی می‌شود. این پژوهشگر با استفاده از معادله‌ی گروهی زوجین، به این نتیجه دست یافت که خودکنترلی و ارتباطات عاطفی زوجین با تغییر معنایی که به زندگی دادند، افزایش یافته است. مطالعات گاتمن (۲۰۰۳، ۲۹) نشان داده است که زوج‌های آشفته چون بیشتر امیال خود را دنبال می‌کنند به فکر امیال خود هستند، در نتیجه بیشتر درگیر تعامل‌های منفی هستند تا مثبت.

در مقابل زمانی که خانواده از الگوهای ارتباطی مؤثر استفاده می‌کند، بدیهی است که انتقال و درک واضحی از محتوا به قصد هر پیام اتفاق می‌افتد؛ در این صورت نیازهای روانی زوجین و اعضای خانواده ارضا می‌شود و ارتباط زوج‌ها با یکدیگر و شرکت آنها در اجتماع تداوم می‌یابد. به عبارت دیگر ارتباطات پویا، حس ایمنی را برای زوجین در ارتباطات صمیمی به ارمغان می‌آورد. (استانلی، مارکمن و ویتون، ۲۰۰۲، ۶۶۲) به همین جهت است که خانواده در مانگران و زوج درمانگران، اغلب به درمان نقص مهارت‌های ارتباطی می‌پردازند و با بهبود بخشیدن ارتباط میان زوجین بسیاری از مسائل آنها را حل می‌کنند. به عنوان مثال دانش (۱۳۸۹، ۳۸۸) در پژوهش خود با استفاده از روش درمانگری تحلیل ارتباط محاوره‌ای (T.A) به زوج‌های ناسازگار مهارت‌های ارتباطی مؤثر را آموزش داد و آنها توانستند با کاربرد این مهارت‌ها، مشکلات ارتباطی خود را با استفاده از انواع نوازش کارآمد از جمله گوش دادن فعال و پرهیز از سرزنش حل کنند. همچنین زوج‌ها توانستند با ماندن در وضعیت «من خوبم، تو خوبی» مانع بازی‌های نقش قربانی و نجات‌دهنده یا منفعت طلبی یک جانبه و زجردهنده شوند، و از طریق مهارت‌های حل مسئله و انتقادهای سازنده، توانستند به رفع مشکلات ارتباطی خود بپردازند و با بهبود عملکرد «بالغانه» خود، حس سودمندی و ارزشمندی یعنی حرمت نفس را در خود ایجاد و تقویت کنند. لیدر (۲۰۰۶، ۱۰) معتقد است زن و شوهرهای

خشنود و سازگار نه تنها یکدیگر را سرزنش نمی کنند، بلکه به دنبال عواملی هستند که تأثیر مثبتی بر روابط آنها بر جای بگذارد. راگ و برادبوری (۲۰۰۳، ۳۳۰) نیز با بررسی ۵۶ زوج تازه ازدواج کرده به این نتیجه دست یافتند که ۶۸ درصد از دواچه‌ها را می توان بر اساس متغیرهای ارتباط و پرخاشگری و پیامدهای آن طبقه‌بندی کرد؛ به علاوه، عدم مهارت‌های ارتباطی و پرخاشگری متمایزکننده زوج‌های جداشده یا طلاق گرفته از زوج‌هایی است که متاهل باقی مانده بودند. بدین ترتیب این پژوهشگران پیشنهاد می کنند تمرکز بر هر دو عامل در درمان و تلاش‌های مربوط به استحکام زناشویی و جلوگیری از طلاق ضرورت دارد. لای و بن آری (۲۰۰۴، ۲۱۳) با پژوهش خود نشان دادند تعاملات بین فردی با تظاهرات هیجانی رابطه دارد. تعاملات مبتنی بر خودشناسی و هشیاری به رفتار، به صمیمیت و اعتماد و هیجان‌های مثبت منتهی می شود و تعاملات مبتنی بر رفتارهای دفاعی و ناآگاهانه به تحقیر و بدبینی و هیجان‌های منفی منجر می گردد. تامپسون، ویفن و بلاین (۲۰۰۵، ۱۰۳) نیز دریافتند هیجان‌های منفی با ناسازگاری زناشویی رابطه دارد.

۲-۴. مهارت‌های ارتباطی دین‌محور

پژوهش‌ها نشان می دهند آموزش مهارت‌های ارتباطی دین‌محور تأثیر چشمگیری بر رضایت و سازگاری زناشویی و تداوم آن داشته است. به عنوان مثال خدایاری فرد، غباری بناب، فقیهی و وحدت (۱۳۸۱، ۳۹) در مطالعه موردی خود با آموزش عفو و گذشت مبتنی بر رویکرد اسلامی توانستند سازگاری زناشویی آزمودنی خود را افزایش دهند. دانش (۱۳۸۹، ۱۷۹) با آموزش خودشناسی و ده اصل و روش ایمانی مبتنی بر رویکرد اسلامی از جمله رعایت اعتدال در زندگی، عفو و گذشت، دلبستگی به یکدیگر، سکوت به جا، احترام متقابل و جز آن، توانست زوجین را ترغیب کند به هدف از آفرینش فکر کنند و پاسخ‌ها و رفتارهای خود را با این معانی تطبیق دهند. این پژوهشگر با این آموزش‌ها توانست سطح سازگاری زناشویی زوج‌ها را به طور معنی داری افزایش دهد و به آنها بیاموزد به منظور مهار کردن رفتار خود برخلاف امیال غیرمنطقی خود عمل کنند.

بنابر آنچه گفته شد به نظر می رسد از بدو تولد کلیه آموزه‌ها، الگوها، رسانه‌ها، دیده‌ها و شنیده‌ها بر اعتقادات، انتظارات و مهارت‌ها و رفتار و شخصیت انسان تأثیر گذار است و آنها را شکل می دهد. مهم‌ترین متون دینی ما یعنی قرآن و کلمات پیامبر ﷺ و معصومین علیهم السلام سرشار از توصیه‌های کارآمد و متناسب با عصر حاضر است که در مورد اساسی‌ترین تا

جزیی ترین موارد تربیتی، آموزه‌های کاربردی دارد. مجموعه تعالیم اسلامی درباره خانواده، ما را به نظام و ساختاری رهنمون می‌کند که پاسخگوی همه نیازهای مادی، روانی، معنوی و ارتباطی خانواده است. خانواده به این دلیل در اسلام اهمیت فراوانی دارد که وجود آدمی از درون خانواده ریشه می‌گیرد و در آن تکوین می‌یابد. در واقع، آثار خلقت انسان با خانواده شروع شده است. آیا چنین ویژگی‌ای سر این نیست که خانواده رکن عالم هستی است و به کل هستی جهت می‌دهد؟ خانواده سنگ بنای اجتماع است و اگر خانواده‌ها سالم و متعالی و استوار باشند، می‌توان به داشتن جامعه‌ای سالم و متعالی و استوار امیدوار بود. هر قدر روابط همسران بهتر، سالم‌تر و پرجاذبه‌تر باشد، زندگی شیرین‌تر، باصفا تر و بهداشت روانی فردی و خانوادگی بیشتر می‌شود و در نتیجه فرزندان پر نشاط و موفق‌تر تربیت می‌شوند. البته، عکس این قضیه نیز صادق است. به طور کلی سلامت و استحکام و اقتدار عاطفی و منطقی خانواده و برخورداری پدران و مادران از بصیرت و بینش اجتماعی و نیز آگاهی‌های مستمر آنها، ضامن رشد مطلوب ابعاد مختلف شخصیت در کودکان و نوجوانان است و پیشگیری از تعارضات، تضادها، کج‌روی‌ها و اختلالات روانی و اجتماعی نیز در گرو سلامت خانواده است.

۲-۵. اهمیت مسجد در خانواده

در این راستا، در تعالی خانواده مسجد به عنوان پایگاه اجتماعی قوی اسلام می‌تواند در استحکام بنیان خانواده نقش چشمگیری داشته باشد. با نگاهی حتی اجمالی به دوران زندگی پر بار وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در می‌یابیم که نخستین اقدام ایشان در مدینه احداث مسجد بود. ایشان همت زیادی برای ساخت مسجد داشتند و حتی خود بیش از دیگران زحمت می‌کشیدند و مسجد را خانه عموم مسلمانان می‌دانستند. در زمان ایشان در مسجد تمام مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زناشویی و جنسی و روانی، دفاعی و پزشکی مردم مطرح می‌شد و پیامبر صلی الله علیه و آله با تدبیر خاص خود مشکلات را حل می‌کردند و با انجام این امور، تعالیم و سنت زیبای دین اسلام را به نمایش می‌گذاشتند. به طوری که خیلی از مردم با دیدن رفتار و منش و خلق و خوی پیامبر مسلمان شدند و قرآن هم البته این خلق و خوی رفتاری پیامبر را تأیید می‌کند و می‌فرماید: «اگر این خلق و خو و رفتار نیک تو نبود مردم از دور تو پراکنده می‌شدند.» (قلم / ۴) پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مورد مسجد و اهمیت و جایگاه آن می‌فرماید: «محبوبترین جای شهرها نزد خدا مسجدها است.» (نهج الفصاحه، حدیث شماره ۷۱) از سوی دیگر در اهمیت ازدواج فرموده اند: «هیچ بنیانی محبوب‌تر از بنیان ازدواج

و تشکیل خانواده نیست.» (وسائل الشیعه، جلد ۱۴، ۳۰) اکنون باید دانست چه اقداماتی باید صورت گیرد که محبوب‌ترین کار نزد خدا «ازدواج» در محبوب‌ترین مکان نزد خدا «مسجد» انجام شود؟ از این دیدگاه نوآوری این پژوهش و ضرورت انجام آن برای کشف راهکارهایی مقبول و کاربرپذیر در جامعه کنونی برجسته می‌شود.

ب) فرضیه‌های پژوهش

بنابر آنچه تا کنون ذکر شد در پژوهش حاضر فرضیه‌های زیر طرح شد تا با آزمون آنها از طریق بررسی کتابخانه‌ای و میدانی مشخص شود برای ازدواج آسان، به هنگام و پایدار چه اقداماتی باید انجام شود تا خانواده، مسجدمحور و مسجد، بستری برای نهضت خانواده‌سازی گردد.

انس خانواده با مسجد باعث بهره‌گیری خانواده از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد، ازدواج آسان و به‌هنگام جوانان می‌شود.

وجود جاذبه‌هایی در مسجد باعث حضور مسلمانان به‌ویژه جوانان در مسجد، تقویت بُعد فردی و شکل‌گیری دوستی‌های ایمانی بین آنها و ازدواج آسان می‌شود.
با تغییر طرحواره‌های ذهنی مردم، آنها می‌پذیرند برای ازدواج آسان مراسم عقدشان در این مکان مقدس انجام شود.

ج) روش پژوهش

روش این پژوهش از یک سو توصیفی-تحلیلی و کتابخانه‌ای است؛ که با استفاده از آیه‌های قرآن کریم، سخنان انبیاء، معصومین، اولیاء، دانشمندان اسلامی و روان‌شناسان و نیز تجربیات بالینی و مطالعات نگارنده تدوین شده است. از سوی دیگر این تحقیق یک پژوهش میدانی است که با استفاده از یک پرسشنامه محقق ساخته، و انتخاب ۵۰ نفر از اهالی شهر محمدیه قزوین با روش نمونه‌گیری در دسترس دیدگاه‌های آنها نسبت به مسجد و کارکردهای مسجد در حال حاضر ارزیابی شده است.

د) داده‌ها و مباحث تفصیلی

بررسی و آزمون فرضیه‌ها

۱-۱. آزمون فرضیه اول

فرضیه اول پژوهش این بود: «انس خانواده با مسجد باعث بهره‌گیری خانواده از اثرات ارزنده و نورانیت معنوی مسجد، ازدواج آسان و به هنگام جوانان می‌شود.»

انس خانواده و افراد با مساجد نیاز به رفت و آمد به مسجد و حضور مداوم در مسجد دارد. به همین جهت در بیان فضیلت پاداش رفت و آمد به مسجد سخنان ارزنده‌ای از معصومین (علیهم‌السلام) ذکر شده که ضرورت فرهنگ سازی برای ارتباط مردم با مساجد را به عنوان یک فریضه ارزشمند و عامل عمده در پویایی و شکوفایی معنوی آنان و تقرب به خداوند نشان می‌دهد. حضور در مساجد مورد تأکید قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) است. زیرا نه تنها زمینه کسب علم و دانش را فراهم می‌سازد بلکه منجر به تعالی و تحکیم بنیان خانواده می‌شود و زمینه ایجاد روابط عاطفی و سرشار از صمیمیت، مهرورزی، صلح و صفا توأم با معنویت را در میان والدین و فرزندان در کانون خانواده مهیا می‌سازد و باعث رشد و بالندگی جامعه اسلامی می‌شود. در حدیثی از رسول خدا نقل شده است: «هر کس بامدادان به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را یاد بگیرد یا به دیگری یاد بدهد، اجر به جای آورنده عمره کامل را دارد و کسی که در شب به مسجد برود و هدفی جز این نداشته باشد که کار خوبی را فراگیرد یا به دیگری آموزد، پاداش یک حج کامل برای او است.» (بحار الانوار، ج ۱، ۱۸۵)

از دید نگارنده این مقاله معانی زیادی در این حدیث زیبا نهفته است. اول آن که به رفت و آمد مسلمانان در بامدادان و شامگاهان اشاره می‌کند که موجب عادت به مسجد رفتن و انس و الفت با مسجد می‌شود. دوم آن که هدف و قصد از رفتن به مسجد نه تنها برگزاری فرایض دینی بلکه یاد گرفتن کاری خوب و یاد دادن آن به دیگری است، که این به خودسازی خود و دیگران و نیز برقراری ارتباط و دوستی با دیگران اشاره دارد. سوم آن که مسجد رفتن در بامدادان ثواب حج عمره و در شامگاهان پاداش یک حج کامل دارد، که نشان می‌دهد حضور

در مسجد در شامگاهان بعد از کار روزانه و تعارضات ناشی از تعاملات گوناگون با افراد مختلف، تاثیر بیشتری در رفع خستگی، خودسازی، یادگیری و یاددهی و تقویت روحیه انسان دارد.

پیامبر برای ترغیب مردم به حضور در مسجد و مسجد محور شدن فرموده است: «به آنها که در ظلمات شب به سوی مساجد می روند بشارت ده که در روز رستاخیز، روشنی کامل دارند.» (نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۹: ۴۱۶) و در ذم نرفتن به مسجد فرموده است: «نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل در نماز جماعت شرکت نکند، ارزش ندارد.» (تفسیر نمونه، ج ۷، ۲۰۹) امام علی (ع) بارها می فرمود: «هر که به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست آورد؛ برادری که در راه خدا از او بهره مند گردد، دانشی برگزیده، نشانه ای استوار، رحمتی مورد انتظار، سخنی که او را از تباهی باز دارد، سخنی که بشنود و او را بر راه هدایت رهنمون شود و یا گناهی را به سبب بیم یا آرزم ترک کند.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ۷۵) امام حسن (ع) همواره می فرمود: «اهل مسجد زائران خداوند و بر میزبان سزاوار است که به دیدار کننده اش هدیه بدهد.» (نهج الحیاه، ج ۵، ۵۰۸) امام صادق (ع) از پدرانش (ع) روایت نموده که پیامبر خدا (ص) فرموده است: «هر که قرآن گفتارش و مسجد خانه اش باشد خداوند خانه هایی برای او در بهشت بنا نهد» و نیز فرمود: «هر که پیاده سوی مسجدها می رود پای خویش را بر هیچ خشک و تری نهد، جز آن که این زمین تا زمین هفتم برای او خدا را تسبیح گویند و به پاکی یاد کنند.» (شیخ صدوق، ۱۳۸۲، ۷۵) در خصوص پاداش نماز جماعت امام صادق (ع) فرمود: «نماز جماعت بر نماز فرادا بیست و چهار درجه برتری دارد و معادل بیست و پنج نماز فرادا به شمار می آید.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶، ج ۵)

بدیهی است این همه تأکید و ترغیب معصومین برای حضور در مسجد یقیناً مزایای زیادی برای انسان دارد از جمله این که از بُعد فردی، حضور افراد خانواده در مسجد برای خواندن نمازهای یومیّه که توصیه شده در اوقاتی معین و اول وقت همراه با جماعت خوانده شود، ضمن ثواب و پاداش فراوان که از ناحیه حق تعالی به آنان وعده داده شده است و عنایت می گردد، زمینه وقت شناسی و نظم در زندگی را بر اساس معیار دینی به آنان می آموزد؛ که عمده ترین عامل موفقیت در همه ابعاد زندگی از جمله زندگی زناشویی است. به گونه ای که امام علی (ع) تقوی و نظم را هم ردیف هم قرار داده و فرموده است: «اوصیکم به تقوی الله و نظم امرکم.» (نهج البلاغه، ۴۲۱) این حدیث نشان می دهد که جایگاه نظم در زندگی چقدر والا است؛ به حدی که پس از امر به تقوی، به نظم در امور توصیه شده است. بدیهی است تمرین و استمرار حضور

فرزندان با پدر و مادر در مسجد در اوقات معین، هم تقوی و نظم و هماهنگی رفتاری و موقعیت شناسی را به افراد خانواده می آموزد و هم انس و الفت بین افراد خانواده با یکدیگر بیشتر می شود. از بُعد اجتماعی انس با مسجد زمینه آشنایی خانواده های مسجد محور را با یکدیگر فراهم می کند که باعث می شود بزرگترها و افراد خانواده ها به روحیات، شخصیت، اعتقادات، وضعیت اقتصادی و اجتماعی یکدیگر پی ببرند، که این امر می تواند در انتخاب همسر هم کفو و تسهیل ازدواج آسان و به هنگام فرزندان آنها و جوانان نقش داشته باشد.

کفو در لغت به معنای شبیه و مانند است. (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ۳۵۹) در قرآن کریم و روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) در مورد تناسب بین زوجین و سنخیت دختر و پسر سفارش زیادی شده و دینداری مهم ترین تناسب و سنخیت یا هم کفوی است که بین دختر و پسر باید لحاظ شود. خداوند می فرماید: «زنان ناپاک از آن مردان ناپاکند و مردان ناپاک نیز به زنان ناپاک تعلق دارند، و زنان پاک از آن مردان پاک، و مردان پاک از آن زنان پاکند.» (نور/ ۲۶) رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) درباره هم کفوی دختر و پسر می فرماید: «کسانی را که همتا و هم شأن یکدیگر هستند، از دواج دهید و از کسانی که همتا و هم شأن شما هستند همسر بگیرید تا برای فرزندانان مادر مناسبی باشد.» (بحار الانوار، ج ۱۰۳) «مرد مؤمن هم شأن زن مؤمن و مرد مسلمان نیز هم شأن زن مسلمان است.» (وسائل الشیعه، ج ۱۴، ۴۴) حدیثی از علی بن الحسین زین العابدین (علیه السلام) نقل شده است که: «خداوند با اسلام هر پستی را از میان برداشته و هر نقصانی را کامل نموده و انسان های مورد ملامت را کرامت بخشیده است. پس بر مسلمان ملامتی نیست و به راستی که ملامت ها، ملامت های جاهلی است.» (الکافی، ج ۵، ۳۴۵) امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «کفو در ازدواج مردی است که پاکدامن و قادر بر نفقه باشد.» (الکافی، ج ۵، ۳۴۷) دین مقدس اسلام، پسر معتقد و مسلمان را کفو دختر مسلمان می داند نه امتیازات و ملاک های دیگر از جمله مال و ثروت و نظایر آن را. البته دختر و پسر از آن جا که با همدیگر ترکیب می شوند بهتر است نه تنها از جهت دینداری و تدین و اخلاق نیکو، بلکه از نظر تحصیلات علمی و از حیث فکری و فرهنگی و مسائل جسمانی و تناسب سنی و زیبایی و شرافت خانوادگی و ظاهر و قیافه نیز کفو هم باشند. بنابراین فرضیه اول پژوهش تأیید می شود؛ زیرا انس با مسجد منتهی به دینداری و تربیت دینی جوانان می شود و می تواند به ازدواجی سنجیده و آسان با افرادی هم کفو منتهی شود.

اما آنچه باید بیش از پیش برای انس مردم با مسجد به آن توجه کرد این است که هر

چند حضور در مسجد نشان از تعهد اخلاقی و پابندی اهل خانواده به معتقدات و دستورات الهی و شریعت مبین دارد و با حضور والدین و فرزندان شان در مسجد که خانه خدا و قرارگاهی است که با نام و یاد خدا آرامش بر قلوب و اهل خانواده حاکم می شود، و با اقامه نماز یا شرکت در جلسات و مناسبت های دینی، سخنرانی، عزاداری و اعیاد اسلامی، روحیه نشاط و آرامش و شادابی در خانواده اهل مسجد و آشنایی آنها با یکدیگر ایجاد می شود؛ اما طبق اصل اقتصاد روانی، نزدیکی راه و تجهیزات و فضای مناسب و در دسترس در مسجد برای وضو و آماده شدن برای اقامه نماز، می تواند عامل مهمی برای ترغیب افراد خانواده برای حضور باهم در مسجد باشد و موجب استمرار این حضور و انس با مسجد شود.

بررسی های این پژوهشگر نشان داد که تعداد مساجد در روستاها، شهرها و استان های ایران اسلامی به اندازه کافی نیست. در این پژوهش نیز برای جمع آوری اطلاعات در زمینه وجود تعداد کافی مساجد در محل زندگی افراد، که نقش مهمی در حضور مستمر افراد در مسجد دارد، از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد که توسط ۵۰ نفر (۴۰ زن و ۱۰ مرد) در شهر محمدیه استان قزوین تکمیل گردید. ویژگی های جمعیت شناختی آنها در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱ ویژگی های جمعیت شناختی آزمودنی ها

جنس	زن	فروانی	درصد
	مرد	۱۰	۲۰
	زن	۴۰	۸۰
سن	۲۰-۳۰ سال	۳۲	۶۴
	۳۰-۴۰ سال	۱۲	۲۴
	بالای ۴۰ سال	۶	۱۲
وضعیت تاهل	مجرد	۲۶	۵۲
	نامزد	۹	۱۸
	متاهل	۱۵	۳۰
میزان تحصیلات	دیپلم	۲۸	۵۶
	فوق دیپلم	۱۲	۲۴
	لیسانس	۱۰	۲۰

همان طور که جدول ۱ نشان می دهد ۶۴ درصد آزمودنی ها از لحاظ سن در دهه ۲۰ سال؛ ۲۴ درصد در دهه ۳۰ سال و ۱۲ درصد آنها در دهه ۴۰ سال قرار دارند. بنابراین می توان گفت اکثر آزمودنیهای این پژوهش جوان هستند. از نظر وضع تأهل ۵۲ درصد یعنی اکثرشان مجردند و از نظر تحصیلات نیز اکثرشان یعنی ۵۶ درصد مدرک دیپلم دارند.

آزمودنیهای این پژوهش به این سؤال که آیا در محله تان مسجد است؟ ۳۸ درصد (۱۹ نفر) پاسخ آری و ۶۲ درصد (۳۱ نفر) پاسخ خیر دادند؛ و علت عدم حضور یا حضور گاه گاهی خود را نبود مسجد در محله شان ذکر کردند. بدیهی است این امر مانع رفت و آمد و انس خانواده با مسجد و برخورداری از مزایایی می شود که پیشتر به آنها اشاره شد. همخوان با این یافته پژوهش حاضر، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه امام صادق (ع) اصفهان در گفت و گو با خبرنگار صاحب نیوز مطرح کرده است که در اصفهان با کمبود مسجد مواجهند و در آنجا هم تعداد مساجد با تعداد جمعیت از لحاظ پراکندگی هماهنگی ندارد و در مناطقی با حدود ۱۲ هزار نفر جمعیت هنوز یک مسجد در محل احداث نشده است. همچنین وی عنوان کرده است که مساجد موجود نیز پویایی و نشاط لازم را برای جذب مردم به مسجد ندارند. (مقواساز، ۱۳۹۳/۳/۲۰)

بی جهت نیست که در بیان فضیلت اهمیت بنا و آبادانی مساجد پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: «هر که مسجدی بسازد گرچه به اندازه جایی باشد که شتر مرغ در آن تخم بگذارد، خداوند برای او خانه ای در بهشت می سازد» (نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۱۱، ۴۱۶؛ وسائل الشیعه، باب ۸، از ابواب احکام مساجد) و فرمود: «خداوند وقتی مرضی را از آسمان بر مردم فرود آورد آن را از بانیان مساجد دور می گرداند» (نهج الفصاحه، حدیث ۳۰۰۸، ۴۱۶) و نیز فرمود: «کسی که چراغی در مسجدی برافروزد فرشتگان و حاملان عرش الهی مادام که نور آن چراغ در مسجد می تابد برای او استغفار می کنند.» (تفسیر نمونه، ج ۷، ۳۱۸)

یکی از نکات قابل تأمل در مطالعه منابع قرآنی و روایتی مربوط به مساجد، توجه خاص خداوند متعال به ساخت مساجد و آبادانی آنها است. ساخت مساجد به عنوان مرکز نشر معارف دینی و شکل گیری حرکت های اجتماعی، از بنیادی ترین پیشنهاد های اسلام برای ترمیم فرهنگ جامعه و تربیت دینی یک اجتماع است. آیات و روایات مختلفی که مؤمنان در آن به ساختن مساجد و رسیدگی به امور آن توصیه، تشویق و ترغیب شده اند، به دلیل رابطه مستقیم میان آبادی مراکز دینی و استحکام خانواده و نیرومندی جنبش های فرهنگی و اجتماعی

است. به عنوان نمونه ای بارز، می توان فرهنگ سکولار را پس از کناره گیری کلیسا از جامعه مسیحیت مدّ نظر قرار داد. به بیانی واضح تر می توان گفت که تعطیلی یک مرکز مذهبی باعث شد تا دین از صحنه زندگی اجتماعی کناره گیرد. (قلی زاده، ۱۳۹۲)

در همین راستا آگاهی و درایت پیامبر عظیم الشان اسلام ﷺ از آثار و برکات ارزشمند انس مردم با مسجد، پیامدها و آثار مطلوب آن در انسان سازی، اتحاد افراد خانواده و مسلمانان بود که باعث شد نخستین اقدامشان به محض ورود به مدینه، تهیه و تدارک احداث مسجد باشد. این اقدام موهبت هایی به ارمغان آورد، که از آن میان می توان به ایجاد مرکزیت عبادی، تعلیم و تربیت و علم و دانش آموزی، آشنایی با مبانی فقهی و احکام دینی، وحدت، همدلی و انسجام در میان احاد مختلف جامعه مسلمین، و نیز تحکیم مبانی اعتقادی و فرهنگ سازی دینی در معاشرت با مردم، زدودن انواع و اقسام جاهلیت ها، پایبندی به قوانین دینی، اجرای شریعت الهی، تحکیم بنیان نظام خانواده و مهمتر از همه انس با مسجد اشاره کرد. مقام معظم رهبری نیز می فرماید: اگر مسجد محور باشد، آسیب ها و تهدیدهای اجتماعی ما کم می شود. (حر، ۱۳۹۰، ۲۷)

اما در مورد احداث مساجد و برخورداری افراد خانواده از آثار و برکات انس با مسجد، طبق دستورات خداوند متعال توجه به نکاتی ضروری است و اهمیّت دارد؛ زیرا در قرآن کریم مساجد به عنوان مرکز شکل گیری و سرچشمه فعالیت های فرهنگی - اجتماعی، از دو بُعد و منظر مورد توجه قرار گرفته است. منظر اول، توجه ویژه به ساخت و تلاش در جهت آبادانی مساجد؛ و منظر دوم، توجه به روح معنوی و مذهبی مساجد با مراقبت بر ابعاد باطنی آن است. (قلی زاده، ۱۳۹۲) خداوند در قرآن، به وضوح صفات کسانی را که سازندگان مساجد هستند بیان می کند و می فرماید: «مساجد الهی را تنها کسانی می توانند آباد کنند که ایمان به خدا و روز قیامت دارند و نماز برپا می دارند و زکات می پردازند و از چیزی جز خدانمی ترسد، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.» (توبه/ ۱۸) توجه به هر دو منظر می تواند نقش مهمی در حضور مردم، خانواده ها و به ویژه جوانان در مسجد داشته باشد. زیرا مسجد در روایات حضرت محمد ﷺ خانه مؤمن است و تنها جایگاه عبادت نیست بلکه خانه حاجات مؤمن و حلقه اتصال مؤمن با خالق یکتا و بی نیاز است.

در زمان پیامبر اسلام ﷺ مساجد به همّت و به دست مبارک پیامبر و یاران مؤمن ایشان احداث می شد. بنابراین جایگاهی بسیار عزیز و مقدّس بود و به علاوه بقیه مسلمانان هم به

قدر وسع جسمی و مالی خود به پیامبر یاری می رساندند. این همکاری و سرمایه گذاری باعث می شد که مسلمانان مسجد را خانه خود بدانند. همچنین یکی از درخشان ترین دوران مسجد در تاریخ اسلامی، دوران حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مسجد کوفه بود که نمادی از نیرومندی مسجد به عنوان یک مرکز مذهبی در مبارزه با فسادهای فرهنگی، اجتماعی و برقراری عدالت برای جذب مردم و خانواده ها و جوانان به مسجد بود. (حر ۱۳۹۰، ۲۷) در مورد تأکید خدای سبحان بر حفظ روح مذهبی و توجه به باطن افراد و جریانات در ساخت مسجد، می توان استدلال کرد که گاهی ممکن است افراد و جریان های منحرف که از قدرت مسجد در اثر گذاری فرهنگی در اجتماع مطلع اند، از مسجد به عنوان وسیله ای برای ایجاد و ترویج افکار انحرافی و نادرست خود استفاده کنند. چنان که در زمان پیامبر عده ای از اهل مدینه برای محو آثار پیامبر در جامعه و مبارزه با مؤمنان، دست به تأسیس مسجدی در کنار مسجد قبا زدند تا به واسطه آن و با کمک ابی عامر راهب که از محاربان بود، بتوانند پیامبر اکرم را از مدینه بیرون کنند. خداوند نیز در آیات ۱۰۷ تا ۱۱۱ سوره توبه، مسجدی را که منافقان برای اهداف شوم خود بنا کرده بودند، مسجد ضار نامید و آن را در مقایسه با مسجد قبا که اساس آن بر تقوا و پیراسته بودن از زینت ها و حجاب های معنوی بود، فاقد هر گونه ارزشی دانست. آیات و روایات مربوط به این داستان که حکایت از آتش زدن این مسجد به دستور پیامبر خدا دارد، بیانگر این مطلب است که مسلمان نه تنها نباید در حمایت جنبش های فرهنگی و اجتماعی منحرف قد علم کند، بلکه باید تمام قد در جهت مبارزه با آن بکوشد. (قلی زاده، ۱۳۹۲)

بنابراین هنگامی این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون های انسان سازی و کلاس های عالی تربیت در می آیند که بنیانگزاران و پاسداران شجاع داشته باشند، که از هیچ کس جز خدا نترسند، و تحت تاثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند، و برنامه ای جز برنامه های الهی در آن پیاده نکنند. (تفسیر نمونه، ج ۷، ۳۱۷) مسجد، خانه خدا و مکان مقدسی است که قلب جامعه است و باید توسط مؤمنین احداث شود. چنین مسجدی روزی پنج نوبت مسلمانان را از مجموعه ها و اجزاء شهر در خود جمع می کند و ایمان آنان را تازه می سازد. همچنین اقامه نماز جمعه و وسیله ای برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفتگو درباره مسائل خانواده، بهداشت، مسکن و تصمیم گیری های سیاسی، آشنایی و انس خانواده های مسجد محور بایکدیگر است. از این رو مسجد از جهات مختلف در به کمال رساندن افراد و جامعه نقش دارد.

روژه گارودی فیلسوف مسلمان فرانسوی در کتاب خود مسجد آئینه اسلام می نویسد: «در دوران عظمت اسلام تمام زندگی شهر در مسجد جریان داشت، در آنجا بود که قراردادهای تجاری بسته می شد، زیرا اسلام تمایزی میان مقدس و نامقدس نمی شناسد، اجرای شریعت بیش از هر چیز به این معنی بوده است که انسان ۲۴ ساعت شبانه روز در محضر خداوند به سر می برد و هر عملی در زیر نگاه او انجام می شود، بنابراین هر عملی که توام با تقوی باشد یک بُعد قدسی دارد و نماز درنگی است در سلسله لحظات گوناگون، درنگی که به سایر لحظات معنی می دهد. بنابراین نماز از بقیه اعمال جدا نیست.» (بی آزار شیرازی ۱۳۷۷، ۸۶) برای رسیدن به تکامل و آماده شدن برای یک ازدواج پایدار، نخستین گام کسب «معرفت و بصیرت» یعنی نورانیت دل و دیده است؛ که بخش عمده ای از آن را می توان در مسجد و اقامه نماز جماعت به دست آورد. شناخت و معرفتی که به فهم مقام والای پروردگار، شناخت دین برگزیده آن یعنی اسلام و شناخت نسبت به دستورات ارزنده آن بیانجامد؛ سرمنشأ این معرفت و رسیدن به کمال یعنی قرب الی الله است. در ارتباط با اهمیت بصیرت و معرفت در قرآن آمده است: «آیات الهی و کتاب آسمانی که سبب بصیرت شما است البته از طرف خدا آمده است، پس هر که بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس کور بماند خود در زیان افتاد و من نگهبان شما از عذاب نیستم.» (انعام/ ۱۰۴)

۱-۲. آزمون فرضیه دوم

فرضیه دوم این بود: «وجود جاذبه هایی در مسجد باعث حضور مسلمانان به ویژه جوانان در مسجد، تقویت بُعد فردی و شکل گیری دوستی های ایمانی بین آنها و ازدواج آسان می شود.»

در راستای بررسی فرضیه دوم باید گفت: «هر چند موضوعیت مکان هایی همچون مسجد در ایجاد تجمعات و به راه انداختن حرکت های گروهی است، اما در عین حال نباید از اهمیت و توانایی مسجد در تقویت بُعد فردی افراد مسلمان نیز غافل شد. مسجد به عنوان مرکز عبادی مسلمانان، محل رویارویی انسان با حقیقت نفس شیطانی خود است. نمود این جنبه کارایی مسجد را می توان در اعمالی عبادی چون اعتکاف به نظاره نشست که فرد با عزلت گزینی از اجتماع و با خلوت با خدای خویش، در صدد ارتقای سطح فکری و اخلاقی خود است. همین اعمال از آن جهت که ضامن سلامت روحانی تک تک افراد جامعه است، باعث جریان سازی فرهنگی در سطح وسیعی از اجتماع خواهد شد.» (قلی زاده، ۱۳۹۲)

افزون بر این کارکرد پر جاذبه‌ای که به آن اشاره شد، جاذبه و رسالت مهم دیگر مسجد از بدو شروع خود، تقویت بُعد اجتماعی و شکل‌گیری دوستی‌های ایمانی و نیز حفظ خانه و خانواده و تلاش برای رفع مشکلات خانوادگی و اجتماعی مسلمانان بوده است. در مساجد تمام مشکلات شخصی، خانوادگی و اجتماعی مردم اعم از فقر، بیماری و نظایر آن اطلاع‌رسانی و رفع می‌شد. رسول خدا ﷺ مسجد را جایگاه تعالی روح و جسم قرار داده بود و آن را خانه و حریم مأمونی کرده بود و مسلمانان با روح و جسمشان پیامبر را در پیشبرد اهداف الهی یاری می‌نمودند. (قرائتی، ۱۳۸۱) در دوران بعد از رسول خدا ﷺ نیز مسجد پایگاه حل مشکلات اجتماعی و خانوادگی مردم بود. (قرائتی، ۱۳۷۲)

جاذبه دیگر مسجد، مشورت مسلمانان با پیامبر گرامی اسلام ﷺ بود که مشورت در تمام مراحل زندگی پر افتخار پیامبر خدا حضرت محمد ﷺ جایگاه خاصی داشت و مساجدی که رسول خدا ﷺ با همکاری مؤمنین می‌ساختند، پایگاه رسمی برای مشاوره‌های سلامت جسمی و روانی، ازدواج، حفظ خانواده، مشاوره اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی بود؛ به گونه‌ای که افراد گوناگون بدون محدودیت نزد رسول خدا می‌آمدند و پس از مشاوره برای اجرای راهکارهای پیشنهادی رسول خدا از او جدا می‌شدند و پس از موفقیت در اجرا و یا احتمالاً ناهم‌واری در اجرا دوباره نزد رسول خدا باز می‌گشتند و از پیشرفت‌ها و یا احتمالاً چرایی ناتوانی خود می‌گفتند تا رسول خدا با بینش الهی خود راهکار دیگری را برای موفقیتشان تعیین کند. (نوبهار، ۱۳۷۸)

در این پژوهش نیز برای جمع‌آوری اطلاعاتی در مورد میزان جاذبه مساجد، انواع فعالیت‌های مساجد و میزان جاذبه آنها از سوی آزمودنی‌های این پژوهش ارزیابی و در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد انواع فعالیت‌های مسجد و میزان جاذبه آنها برای آزمودنیها

گویه ها	دینی	اجتماعی	سیاسی	فرهنگی	سرگرمی	دیگر (ذکر کنید)
مسجد شما بیشتر به چه اموری می‌پردازد؟	۳۸ نفر ۷۶ درصد	۷ نفر ۱۴ درصد	۲ نفر ۴ درصد	۳ نفر ۶ درصد	-	-
فعالیت‌های فرهنگی مسجدها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟	۲۹ نفر ۵۸ درصد	۱۱ نفر ۲۲ درصد	۸ نفر ۱۶ درصد	۲ نفر ۴ درصد	۵ نفر ۱۰ درصد	۴۵ نفر ۹۰ درصد
کیفیت برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی در مسجد چگونه است؟	۱۴ نفر ۲۸ درصد	۱۸ نفر ۳۶ درصد	۱۳ نفر ۳۶ درصد	-	۱۲ نفر ۲۴ درصد	۳۸ نفر ۷۶ درصد

جدول ۲ نشان می‌دهد فعالیت دینی مسجد با رقم ۷۶ بیشترین درصد را در میان دیگر فعالیت‌ها؛ و فعالیت فرهنگی رقم ۶ درصد را به خود اختصاص داده است. به علاوه هیچ برنامه‌ای برای فعالیت‌های سرگرم کننده یا ارائه خدمات مشاوره‌ای برای جذب جوانان در نظر گرفته نشده و مهمتر این که فقط ۱۰ درصد از فعالیت‌های فرهنگی از نظر افراد اهل مسجدی جذاب بوده است. کیفیت برگزاری جشن‌ها و اعیاد مذهبی در مسجد وضعیت بهتری نسبت به فعالیت‌های فرهنگی دارد، زیرا ۲۴ درصد افراد آن را جذاب اعلام کرده‌اند و این در حالی است که ۷۶ درصد آن را خسته کننده و غیر جذاب اعلام کرده‌اند. بدیهی است اگر مسجد برای خانواده‌ها و جوانان جاذبه نداشته باشد، در مسجد حضور پیدانمی‌کنند و نه تنها از نظر بُعد فردی رشد پیدانمی‌کنند بلکه باهم آشنا نمی‌شوند و روابط دوستانه نیز در آنها شکل نمی‌گیرد. حال آن که مسجد جایگاه ویژه‌ای در روابط اجتماعی و سطح جامعه دارد، تجربیات نشان داده است بسیاری از دوستی‌ها و برادری‌های اصیل و مؤثر در همین فضای مسجد شکل می‌گیرد. مؤلفه‌های مختلفی در جذابیت مسجد و شکل‌گیری روابط دوستی بین جوانان و خانواده‌ها نقش دارد؛ مثلاً می‌توان از میان آنها به فضای مسجد، امام جماعت، برنامه‌های جنبی مسجد، افرادی که به مسجد رفت و آمد می‌کنند و گروه‌ها و حلقه‌هایی که در مسجد شکل می‌گیرد اشاره کرد. (دبیری، ۱۳۹۲)

از میان مؤلفه‌ها امام جماعت مسجد، نقش بسیار مهمی در ایجاد و هدایت رابط دوستی جوانان و انس و الفت خانواده‌ها با یکدیگر دارد. در درجه اول، توان یک امام جماعت در چنین امر مهمی به شخصیت فردی خود او و در درجه دوم به مهارت‌های اجتماعی او بستگی دارد. در بعد شخصیت فردی رفتار امام جماعت در فضای مسجد در شکل‌گیری فضای غالب در مسجد بسیار مؤثر است. امامی که ذاتاً فردی خوش برخورد، گرم و موفق در روابط اجتماعی باشد، به تبع او چنین فضایی در مسجد نیز شکل می‌گیرد. مسئله لطافت روحی و سلامت و صافی روحی در ایجاد فضای دوستی و جذب جوانان و خانواده‌ها به مسجد بسیار مؤثر است. قرآن کریم خطاب به پیامبر می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضَّوْا مِنْ حَوْلِكَ؛ اگر با آنها درشت خوی و سنگدل بودی قطعاً از گرد تو پراکنده می‌شدند.» (آل عمران/ ۱۵۹)

در تاریخ صدر اسلام آنجا که درباره شخصیت پیامبر ﷺ صحبت می‌شود به تواتر به مسئله خوش برخوردی و جذابیت شخصیت ایشان اشاره شده است. در علم کلام آنجا که از اوصاف انبیای الهی بحث می‌شود نظر متکلمان اسلامی و به خصوص شیعه درباره ویژگی‌های شخصیتی انبیا آن است که طبق قاعده لطیف هر صفتی که در امر ابلاغ و ترویج وحی الهی مؤثر باشد، در شخصیت نبی هر عصر موجود است؛ از جمله آن کمالات شخصیتی، رابطه با مردم است. موارد بسیاری در زندگی پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که صرف برخورد کریمانه و اخلاق متعالی ایشان باعث جذب و هدایت افراد به سوی دین اسلام شده است. بی‌جهت نیست که در روایات مختلف در مورد شخصیت امام جماعت و ویژگی‌های مختلف او حساسیت‌های ویژه‌ای نشان داده شده و حتی در برخی نظریات فقهی خوش چهره بودن پس از تقوا و فضیلت از مرجحات امام جماعت بر شمرده شده است. (دبیری، ۱۳۹۲)

مهارت‌های اجتماعی امام جماعت نیز نقش به سزایی در تحکیم فضای روابط دوستی اسلامی در مسجد دارد. امام جماعتی که فاقد مهارت‌های اجتماعی باشد، فقط به رفت و آمد ساده به مسجد و اقامه نماز اکتفا کند، نه خود در ایجاد رابطه با دیگران اقدام می‌کند و نه سعی دارد با ایجاد فضای مناسب دیگران را به روابط محکم دوستی ایمانی تشویق کند؛ که در نتیجه این امام جماعت فاصله بسیاری با امام جماعت از دیدگاه اسلام دارد. امام جماعت می‌تواند در سخنرانی‌ها و متناسب با مجالس، مسئله دوستی و اهمیت آن را در سعادت آینده هر فرد از منظر اسلام تبیین کند؛ چرا که آگاهی از معارف دینی در این امر مهم، بالاترین وسیله برای ایجاد انگیزه در افراد برای مشارکت در ایجاد روابط دوستی ایمانی است.

بنابر این فرضیه دوم پژوهش حاضر تایید می‌شود؛ زیرا با ایجاد جاذبه‌هایی در مسجد برای حضور مسلمانان به ویژه جوانان در مسجد، نه تنها بستر رشد فردی، بلکه زمینه رشد اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی نیز برای آنان فراهم می‌شود؛ و دوستی‌های ایمانی بین آنها و خانواده‌هایشان شکل می‌گیرد و زمینه ازدواج آسان، سنجیده و منطقی افراد با ایمان با یکدیگر مهیا می‌گردد. آثار و پیامدهای حضور در مسجد برای تعالی و آمادگی دختران و پسران جوان برای ازدواجی سنجیده و به هنگام و نیز تحکیم بنیان خانواده متعدد است که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌شود.

دوری از گناه و جرم. انس با مسجد عامل بازدارنده از انحرافات است. رسول خدا ﷺ در این راستا فرمود: «کسی که با مسجد انس گیرد خدای تعالی نیز با او انس گیرد.» (عزیزی، ۱۳۷۶، ۵۰) در واقع خانواده‌اهل مسجد با حضور در خانه خدا و اقامه نماز نیرو و جان تازه می‌گیرند و خود را پیوسته در محضر خداوند می‌بینند و از این که در محضر الهی معصیت نمایند، شرمسار می‌شوند. امام علی (علیه السلام) فرمودند: «... همانا نماز، گناهان را چون برگ‌های پاییزی فرو می‌ریزد و غل و زنجیر گناهان را از گردن‌ها می‌گشاید»؛ و نیز فرمود رسول خدا پس از بشارت به بهشت، خود را در نماز خواندن به زحمت می‌انداخت زیرا خداوند به او فرمود: «خانواده خود را به نماز فرمان ده و بر انجام آن شکیبا باش، پس پیامبر ﷺ پی در پی خانواده خود را به نماز فرمان می‌داد و خود نیز در انجام نماز شکیبا بود.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹، ۳۰۷)

با مراجعه به آمار جرایم در کشور و بررسی مجرمان، این نکته به خوبی مشخص می‌شود که کسانی که مرتکب جرائم می‌شوند، با مسجد بیگانه هستند. اهل مسجد حتی اگر مجازاتی هم برای قانون شکنان وجود نداشته باشد، در بیشتر موارد به دلیل رعایت حق الناس و ترس از عذاب اخروی، قانون را زیر پا نمی‌گذارند؛ و خود را موظف به رعایت قانون می‌دانند. در حالی که در پیشرفته‌ترین کشورها هنگامی که ابزارهای کنترل از میان برداشته می‌شود، افراد خود را رها می‌یابند و قانون را زیر پا می‌گذارند. اما انسان‌های دین‌دار برای قانون ارزشی الهی قائل هستند به نحوی که هیچ‌گاه حاضر نیستند پا را از محدوده آن فراتر بگذارند (مغانلو، ۱۳۹۲) و این از موهبت‌های مسجد محور شدن در تقویت بُعد فردی و الهی انسان است.

امنیت فردی. یکی از آثار و برکات عمده نماز همانطور که خداوند می فرماید: «دوری از زشتی ها و منکرات است.» (عنکبوت/ ۴۵) به علاوه مهار نفس برای دوری از گناه منجر به افزایش عزت نفس و اطمینان نفس در فرد می شود و آرامشی وصف ناشدنی را در او به وجود می آورد که رضایت خدا و رضایت فرد در آن جاری است. خداوند می فرماید «ای نفس قدسی و دل آرام به یاد خدا، امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از تو است.» (بلد/ ۲۷ و ۲۸)

امنیت اجتماعی. خداوند می فرماید «آنان که به خدای یکتا ایمان آوردند و نیکو کار شدند، آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند.» (زلزله/ ۷) خانواده های مسجد محور نه تنها از گناهان دوری می کنند بلکه نیکو کار نیز هستند. از این رو جامعه به خانواده اهل مسجد اعتماد بیشتری نسبت به بقیه افراد جامعه دارد و از مجاورت و مجالست با آنها امنیت خاطر بیشتری احساس می کند. اکثر مجرمان و بزه کاران که به نوعی امنیت اجتماعی و خانوادگی را به خطر می اندازند اهل ارتباط با خدا و نماز و مسجد نبوده اند. پس مسجد و نماز باعث دوری از گناه و ایجاد امنیت در جامعه و حیطه اجتماعی می شود.

صبر و بردباری. صبر و تحمّل و شکیبایی بهترین زیور ایمان و شریف ترین صفات انسان به حساب می آید. به گونه ای که صبر نصف ایمان و یقین تمامی ایمان معرفی شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «با صبر پرتوان و یقین نیکو و پر نشاط، غم ها و غصه های خویش را دور نما.» (لقمانی، ۱۳۸۵، ۱۲۱) خانواده اهل مسجد که انس حضور در مسجد، تمامی وجودشان را مملو از عشق به خدا نموده از صبر و نماز در زندگی کمک می گیرند.

حیا. «حیا» از صفات زیبای الهی و انبیاء و معصومین علیهم السلام و بندگان صالح و شایسته خدا است. با حضور در مسجد و احترام خاص به این جایگاه مقدس و مراقبه در مورد دوری از سخنان بیهوده یا حرکات ناشایست، زمینه حیا از خداوند فراهم می شود. امام علی علیه السلام در خصوص احترام و حرمت مسجد می فرمایند: «هر کس حرمت مسجد را حفظ کند خدا را در روز قیامت با چهره های خندان و شادمان ملاقات می کند و خداوند نامه اش را به دست راستش می دهد.» (زینالی، ۱۳۷۲، ۴۵) این مراقبه در زمینه های دیگر زندگی از جمله «حیا در خانواده» را به ویژه برای دختران و پسران جوان که در حال حاضر بسیار کم رنگ شده است، به ارمغان می آورد.

حجاب. زنان در هنگام نماز باید «تمام بدن» حتی سر و موی خود را بپوشانند (مکارم

شیرازی (۱۳۹۱، مسئله ۷۲۷، ۱۴۳) و با پوشش صحیح و کامل به نماز بایستند. این دستور ارزنده الهی یعنی رعایت «حجاب» در مساجد و مراقبت بر آن، پایبندی به دستورات الهی در خصوص حریم میان زن و مرد، وقار و حجاب و عفاف را برای زنان و مردان به ارمغان می آورد و آنها را قادر می سازد این فرهنگ و ارزش متعالی اسلام را در کانون خانواده به فرزندانشان منتقل نمایند.

رشد عاطفی. نماز این توانمندی را دارد که بخاطر پشتوانه عظیم معارف اسلامی از انسان های عادی نمونه های فضیلت، تقوا و شیفتگان کرامت انسانی و ره یافتگان به شاخه طوبی را تربیت کند. (سعیدتهرانی ۱۳۸۷، ۱۰۸) با حضور در مسجد و آگاهی از مشکلات هموعان در زمینه های مختلف خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و مسائل مربوط به بیماری و تلاش برای رفع آنها از یکسو صفات پسندیده الهی و عواطف انسانی در وجود انسان رشد می کند. از طرف دیگر رشد عواطف انسانی، باعث می شود کانون خانواده مسجدی، محل آرامش و صداقت، صمیمیت، مهرورزی، عفو و گذشت، تعاون و همکاری شود و به این طریق زمینه برای شکوفایی استعدادها و نبوغ و خلاقیت، نوآوری و مهارت های ارتباطی افراد خانواده فراهم شود.

قانون گرایی. مسجد مکانی است که ضمن آشنایی مردم با قوانین، اهمیت رعایت آن نیز گوشزد می شود. نماز جماعت عبادتی است که افراد در آن به صورت غیرمستقیم، آموزش قانون گرایی را می بینند. متابعت از امام جماعت، مثال بسیار بارز این ادعاست. کم یا زیاد کردن یک رکن در نماز، باعث ابطال آن می شود. در نماز جماعت، تبعیت از امام جماعت چنان مهم است که اضافه کردن عمدی یک رکن آن را باطل نمی کند؛ مثلاً اگر کسی به گمان این که امام جماعت سر از رکوع برداشته، سر از رکوع بردارد و متوجه شود که امام جماعت هنوز در حال رکوع است، باید به رکوع باز گردد. فرد در اینجا می آموزد که تبعیت از امام جماعت بر همه چیز اولویت دارد. این فرد در جامعه نیز می آموزد که قانون بر تمام مصالح فردی اولویت دارد. حس پذیرش این واقعیت در این فرد، با حضور در نماز جماعت تقویت می شود. مساجد به صورت دیگری نیز به قانون گرایی و قانون پذیری آحاد جامعه کمک می کنند و آن آموزش احکام و فقه است که شاید در ابتدا رابطه بین فقه مدار بودن و قانون گرا بودن مشخص نباشد. فقه همانند قانون مجموعه ای از بایدها و نبایدها است و درواقع، خود قانون است؛ متنها قانون دین.

لذا کسانی که دستورهای دینی را اجرا می کنند و به مسجد رفت و آمد دارند، راحت تر، تن به قانون می دهند. این افراد در مسجد آموزش رعایت و احترام به قانون را دیده اند. کسانی که به مساجد رفت و آمد دارند، به طور طبیعی از دیگران قانون مدارترند و برای قانون ارزش بیشتری قائل هستند. (مغانلو ۱۳۹۲)

فضایل و کمالات. با حضور در خانه خدا و انس با مسجد و نماز انواع کمالات برای خانواده اهل مسجد مهیا می شود که نتایج ارزنده آن علاوه بر کانون خانواده در جامعه نیز بروز می کند چند نمونه از این فضایل عبارتند از: شخصیت رشد یافته، اعتماد به نفس، عزت نفس، رعایت اعتدال و عدالت، نظم و انضباط در امور، پابندی به اصل مهم مشورت، اعتدال و ساده زیستی و مبارزه با تجملات و اسراف، تربیت دینی توأم با عقلانیت، نورانی شدن دل و شکوفایی فکر و اندیشه، هدفمند بودن و امید داشتن و پر تحرک و علاقه مندی به خدمت به هموعان، پابندی به دانش و حقیقت طلبی، طهارت جسم و جان. (حر، ۱۳۹۰، ۳۴)

بنابر آنچه گفته شد فرضیه دوم پژوهش نیز تایید می شود. زیرا جذب مردم به مسجد باعث بلوغ و پختگی نظام خانواده می گردد. خانواده مسجدی خانواده ای مطلوب و سرشار از معنویت، اخلاق و شکوفایی و پویایی است، و همه این سجایای اخلاقی نقش به سزایی در ازدواج آسان و به هنگام جوانان و تحکیم خانواده دارد. طبق بررسی های به عمل آمده در این پژوهش که پیشتر به آن اشاره شد مساجد کنونی برای مردم جاذبه ندارند. از این رو باید به این کانون های مقدس و بوستان های الهی و بهشتی یعنی «مسجد» که در طول تاریخ کانون های بیداری و معرفت و بصیرت اسلامی نیز بوده اند، بیشتر توجه و جاذبه هایی در مسجد ایجاد شود که ارتباط مردم به ویژه جوان نسل امروز با مساجد را حفظ کند و استمرار بخشد.

۱-۳. آزمون فرضیه سوم

فرضیه سوم این بود: «با تغییر طرحواره های ذهنی مردم، آنها می پذیرند برای ازدواج آسان مراسم عقدشان در این مکان مقدس انجام شود.» برای آزمون فرضیه سوم نظرات مردم در مورد کارکردهای کنونی مسجد در برگزاری مراسم عقد ارزیابی و در جدول ۳ ارائه شد.

جدول ۳. فراوانی و درصد نگرش آزمودنیها
نسبت به برگزاری مراسم عقد در مسجد

گویه ها	بله	خیر
تاکنون در مسجد محل شما مراسم عقد صورت گرفته است؟	۲ نفر ۴ درصد	۴۸ نفر ۹۶ درصد
نظر شما درباره برگزاری مراسم عقد در مسجد چیست؟	موافق	راجع به آن فکر نکرده ام
	۱۶ نفر ۳۲ درصد	۱۸ نفر ۳۶ درصد
خودتان حاضر بودید یا هستید که مراسم عقدتان را در مسجد برگزار نمایید؟	بلی	خیر
	۲۱ نفر ۴۲ درصد	۲۹ نفر ۵۸ درصد

همان طور که جدول ۳ نشان می دهد، فقط ۴ درصد افراد مراسم عقدشان در مسجد برگزار شده است و ۳۶ درصد از افراد تا کنون راجع به برگزاری مراسم عقد در مسجد فکر نکرده اند و ۵۸ درصد افراد حاضر نیستند مراسم عقدشان در مسجد برگزار شود. ولی خوشبختانه ۳۲ درصد با برگزاری مراسم عقد در مسجد موافقت و ۴۲ درصد نیز حاضرند مراسم عقدشان در مسجد برگزار شود.

دلایل مخالفت آزمودنی های این پژوهش با برگزاری مراسم عقد در مسجد با طرح سؤالاتی بررسی شد که نتیجه آن در زیر آمده است. ۸۰ درصد آزمودنی ها فعالیت های مذهبی و فرهنگی مسجد را در جهت ترغیب جوانان و خانواده ها برای ازدواج و حتی برگزاری عقد در مساجد کافی نمی دانند و حتی بسیار اندک می دانند. این افراد معتقدند برای حفظ حرمت مسجد باید مردم آموزش ببینند زیرا تاکنون چنین برنامه های آموزشی در مساجد اجرا نشده است. ۷۵ درصد آنها گزارش دادند که عمده فعالیت مسجد محلشان برای نماز و نیز مراسم عزاداری، ختم و یادبود است، بنابراین برگزاری مراسم عقد در مسجد دور از ذهنیت مردم و با طرحواره های ذهنی آنها ناسازگار است. ۶۵ درصد آنها پیشنهاد کردند برای ترغیب جوانان به ازدواج آسان، باید کلاس های آموزشی و مشاوره فردی و گروهی و نیز تسهیلاتی ولو اندک

برای کمک به برگزاری مراسم ازدواج ایجاد شود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که برای برگزاری مراسم عقد در مسجد و احیای سنت دیرینه اسلام نیاز به فرهنگ سازی، آموزش برای حفظ حرمت مسجد و نیز تجهیز مسجد به فضاها و وسایل مناسب است.

مسجد با فرهنگ سازی می‌تواند جایگاهی شایسته برای برگزاری مراسم عقد ازدواج باشد، پیامبر اکرم، مراسم عقد ازدواج فاطمه زهرا (علیها السلام) و علی (علیه السلام) را در مسجد برگزار کردند (بحار الانوار، ج ۴۳، ۱۲۰) و به دستور آن حضرت، سفره وسیعی در مسجد گسترده و بسیاری از مردان و زنان مسلمان اطعام شدند (همان، ۱۱۴) و آنگاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست فاطمه را در دست علی (علیه السلام) گذاشتند و برای آن دو دعا کردند. (همان، ۱۱۶)، به پیروی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بعضی از مساجد مانند مسجد مالزی و اندونزی نیز بخشی فعالیت‌های خود را به برگزاری مراسم عقد اختصاص داده‌اند. (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۸۹) در چنین مراسمی، اجتماع مسلمانان گره می‌خورد و سبب استحکام خانواده نیز می‌شود. زن و شوهر با برگزاری این مراسم می‌توانند از نظر اخلاقی متعهد شوند که یاور خوبی برای یکدیگر باشند و برگزاری مراسم آنان در مسجد سبب تقویت روحیه دینی، باقی ماندن محبت و آرامش بین آنان و باعث می‌شود بنیان خانواده‌شان با رعایت عفاف و عدم بی‌بندوباری جنسی محکم شود. بی‌بندوباری در اسلام و برای کسی که مسجدی است، صحیح نیست. این روحیه می‌تواند استحکام بیشتری به زندگی بدهد. به علاوه برگزاری مراسم عقد در مسجد برای زوجین این تعهد مذهبی را ایجاد می‌کند که به جامعه و محیط اسلامی وابسته‌اند. (علوی مهر، ۱۳۹۱/۱۱/۱۹)

نتیجه گیری و ارائه راهکارها

مشخص شد که زوجیت بنیادی است که خلقت الهی مبتنی بر آن و قانونی است عمومی که گستره هستی را در بر گرفته است. از سوی دیگر بررسی ها نشان داد که امروزه این امر مقدس و حیاتی تحت الشعاع اندیشه ها و ارزش های مادی و غیر انسانی قرار گرفته و این نیاز فطری بشر در حصار قواعدی سخت، محبوس و زندانی شده است؛ تا آنجا که جوانان برای گریز از قواعد انسانی، به ارضای غریزه جنسی در خارج از چارچوب ازدواج اقدام و به این وسیله نهاد خانواده را متزلزل می کنند و در نتیجه سلامت اخلاقی و آرامش روانی خود و جامعه را به خطر می اندازند. همچنین بیان شد با توجه به نقشی که ازدواج در تنظیم روابط جنسی و جلوگیری از فساد و ناهنجاری های اجتماعی دارد و نیز ارزش والایی که دین اسلام به این امر مقدس داده است و باتوجه به این که در حال حاضر کانون بسیاری از خانواده ها به سستی گراییده و سن ازدواج نیز در جامعه اسلامی ما رو به افزایش است؛ ضروری است مسئولان مملکتی، دانشمندان و روانشناسان اسلامی و دست اندر کاران امور فرهنگی، تدابیری مناسب اتخاذ کنند.

همچنین با تأیید فرضیه های این پژوهش مشخص شد از جمله تدابیر و اقدامهای موثری که می تواند در ازدواج ساده و آسان، کم هزینه اما با دوام نقش داشته باشد، تربیت دینی جوانان اعم از دختر یا پسر است و بهترین و کارآمدترین شیوه تربیت جوان ها در گذشته، حال و آینده که تجربه موفق هم بوده است، هدایت جوان های جامعه به سوی مساجد است. در این زمینه بیان شد مساجد به عنوان مهم ترین پایگاه تربیتی لازم است به برنامه ها و وسایلی مجهز شوند؛ و با آموزش خانواده ها زمینه رشد فردی، اجتماعی، تقوا و تعهد را در افراد فراهم کنند تا گامی مؤثر در جهت رفع موانع ازدواج آسان و به هنگام جوانان برداشته شود. بیان شد جوان چه دختر یا پسر در فضای روحانی مسجد، اتکای به کلمه الله و این که به ظواهر دنیایی کم توجه باشد را می آموزد. در عین آن که می آموزد از زیبایی های دنیوی که خداوند آفریده است باید به درستی و به اندازه بهره بگیرد؛ و یاد می گیرد که ازدواجی آسان و بعد از آن یک زندگی زناشویی ساده و کم هزینه اما آرامش بخش در کنار همسری هم کفو خود طلب کند و عرصه را بر خود و خانواده و نزدیکان دشوار و گاه غیر ممکن نسازد. بزرگترها نیز در همین فضای خوب و ساده می آموزند که در انتخاب عروس یا داماد برای خانواده، دینداری را ملاک قرار دهند و به دور از نگرانی های معمول، سخت نگیرند اما دقیق باشند.

بنابر این نتیجه‌گیری می‌شود تربیت انسان در همه ابعاد زیستی، روانی و اجتماعی از همان بدو تولد باید بر اساس قوانین الهی و تربیت دینی باشد که این خود متضمن راهکارهای زیربنایی دیگری است، که با برنامه‌ریزی حساب‌شده از سوی مسئولین و اجرای آن توسط اسلام‌شناسان، روان‌شناسان، مشاوران و مربیان، که در زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود، به اجرا در آید.

۱-۲. راهکارها برای انس خانواده با مسجد

۱. در هر کوی و محله‌ای مسجدی با فضایی پویا و پر نشاط با یاری مردم همان محله ساخته شود، تا مردم و خانواده‌ها بتوانند به آسانی در آن حضور یابند، مسجد را از آن خود بدانند و با مسجد انس بگیرند.

۲. فضای داخلی مسجد، لوازم و همچنین فضای بیرونی مسجد باید به گونه‌ای باشد که همه بتوانند از آن استفاده نمایند؛ برای مثال باید چیدمان مهر و قرآن و سایر کتاب‌های دعا به نحوی باشد که هم کودکان و هم بزرگسالان بتوانند از آن استفاده نمایند.

۳. یکی از راهکارهای مهم، ایجاد زمینه برای حضور پررنگ بانوان در برنامه‌های عبادی و آموزشی است. زیرا بانوان به عنوان همسر، خواهر، دختر و به‌ویژه مادر، می‌توانند نقش مستقیم و غیرمستقیمی در انس افراد خانواده با مسجد داشته باشند. مدیران مساجد باید توجه داشته باشند که برای حضور بانوان در مساجد مهم‌ترین نکته ایجاد محیطی امن و بدون استرس، چه در مسیر مسجد و چه در داخل مسجد است. فضایی را که در مساجد برای خانم‌ها در نظر می‌گیرند، می‌توان با استفاده از ابزار و دیواره‌هایی که قابلیت باز و بسته شدن دارند در مواقع لزوم افزایش یا کاهش داد و دلنشین کرد. تا بانوان بیشتر بتوانند از سخنرانی و دیگر برنامه‌های آموزنده مسجد استفاده کنند. تشکیل کلاس‌های آموزشی و مهارتی در زمینه‌های اخلاقی، قرآنی، مهارت‌های زناشویی، تربیت فرزند و نظایر آن می‌تواند در ایجاد انگیزه برای حضور بانوان در مسجد مؤثر واقع شود.

۴. دست‌اندرکاران مساجد می‌توانند با برنامه مناسب برای ایجاد انگیزه در کودکان، آنها را مورد اکرام و احترام قرار دهند و آنها را از دیگران جدا نکنند و در بین بزرگ‌ترها بنشانند. حضرت امام باقر (ع) می‌فرمایند: «کودکان و نوجوانان را در قسمت عقب صفوف قرار ندهید، بلکه آنان را در میان بزرگسالان پراکنده سازید.» (طوسی ۱۳۶۴، ج ۲، ۳۸۰) تشکیل کلاس‌های

آموزشی مناسب با سن کودکان و نوجوانان و اداره صحیح و اصولی به طوری که دل زدگی در آنها ایجاد نکند و نیز آموزش قرآن و احکام در لابه لای آموزش ها علاوه بر اینکه سبب رفع خستگی می شود (بحار الأنوار، ج ۷۵، ۱۳۷) می تواند در ایجاد انگیزه آنها نیز مؤثر باشد. ۵. در مورد حضور بزرگسالان در مسجد همان طور که پیامبر ﷺ فرمودند: «برکت با سالمندان شما قرین است» (محمدی ری شهری ۱۳۸۶، حدیث ۹۹۲۷)، و نیز می فرمایند: «احترام به فرد سالخورده از امت من، احترام به من است.» (محدث نوری طبرسی، ج ۳، ۴۴۶) بنابراین لازم است حضور کهنسالان در مجامع و جلسات و خانه ها مغتنم و موجب برکت شمرده شود و مهندسی ساختمان مسجد با در نظر گرفتن همه مخاطبان به ویژه این قشر انجام شود. مثل کوتاه کردن پله ها، سرویس های بهداشتی در دسترس و توالت فرنگی، ایجاد جایگاه مناسب برای نشستن آنها و تهیه وسایل و تجهیزات مورد نیاز آن دسته از کهنسالانی که دچار بیماری هستند جهت تسهیل در انجام عبادات مثل صندلی هایی که برای این منظور تهیه شده است در کنار حفظ کرامت و منزلت آنان می تواند در این امر بسیار مؤثر باشد. (بانشی ۱۳۹۲) پس برای حضور و انس خانواده با مسجد نه تنها باید مسجد به اندازه کافی در تمام مناطق احداث شود، بلکه ساختمان و تجهیزات آن باید مناسب همه اقشار و به گونه ای باشد که در آنجا افراد حتی بیشتر از خانه خود احساس راحتی، آرامش و امنیت کنند.

۲-۲. راهکار برای ایجاد جاذبه در مسجد برای مسلمانان به ویژه جوانان

۱. برای جذب مردم به سوی مسجد امام جماعت باید فردی باشد که علاوه بر تأثیر مستقیم بر دوستی های ایمانی بین مردم، بتواند راهکارهای تأثیر هوشمندانه و غیر مستقیم را هم در نظر بگیرد و بسیاری از دوستی ها و برادری ها را در قالب گروه ها و همکاری های گروهی شکل دهد. برای تنظیم کارهای مسجد با کمک بزرگان و هیئت امنای مسجد گروه هایی را به خصوص از جوانان برای انجام و مدیریت کارها انتخاب کند. امام جماعت باید مردم و جوانان را به مشارکت و فعالیت های روزانه و هفتگی مسجد تشویق کند؛ مثلاً فعالیت های مسجد را برای برگزاری مجالس و مناسبت ها به گروه هایی از جوانان مستعد و علاقه مند اهل مسجد بسپارد.

۲. فعالیت های مسجد در زمینه کتابخانه، سالن مطالعه مجهز به فناوری های جدید و کامپیوتر، ورزش، کارگاه های آموزشی معارف دینی، صندوق های مالی جهت فعالیت در

امور خیریه و نظایر آن همگی فعالیت‌هایی است که امام جماعت باید با مدیریتی هوشمندانه، بسیاری از مردم و جوانانی را که به مسجد رفت و آمد دارند به مشارکت و دخالت مستقیم به این امور تشویق کند. این مهم علاوه بر این که در افراد این حس اصیل را ایجاد می‌کند که مسجد از آن خودشان است و خودشان در شکل‌گیری و فرآیند امور مسجدشان مستقیماً دخیلند، به تشکیل روابط مستحکم بین فردی در قالب گردهمایی مشارکت‌کننده منتهی می‌شود. تجربه نشان داده است که دوستی‌هایی که در چنین فضاهای مقدسی شکل می‌گیرد بسیار اصیل، طولانی و تأثیرگذار در شخصیت و آینده فرد است و مثل اعلاي اخوت اسلامي و برادری ایمانی است و موجب جذب افراد به سوی مسجد می‌شود.

۳. امام جماعت می‌تواند با حمایت‌های مردمی مراکز مشاوره را در مسجد خود در فضا و موقعیت مناسب دایر کند و از بهترین متخصصان متعهد در حیطه روانشناسی، مشاوره، روانپزشکی، پزشکی و جز آن دعوت کند تا این متخصصان با ارائه خدمات در زمینه استرس‌های کاریابی، ازدواج، تحصیلات، پدیده‌های نظیر اعتیاد، طلاق، خودکشی، زندان، بزه‌های انفرادی و جمعی، اختلال‌های رفتاری و روانی به حل و درمان مشکلات مردم بپردازند و با برگزاری کارگاههای آموزشی بتوانند مهارت‌های زندگی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زناشویی را به جوانان و به خانواده‌ها آموزش دهند.

۴. برای این که افراد کم درآمد نیز بتوانند از خدمات مشاوره در زمینه‌های گوناگون استفاده کنند لازم است امام جماعت برنامه‌ریزی کند تا این افراد با حداقل پول و یا رایگان بتوانند از منابع مالی که مسجد در اختیار دارد و نیز از کمک‌های مردم خیر استفاده کنند. نیاز به مشاوره در این دوره از زمان بیش از پیش احساس می‌شود و چون اکثر مردم توان پرداخت هزینه‌های مشاوره خصوصی را ندارند، ممکن است دست به رفتارهای ناهنجار بزنند. برای پیشگیری از ناهنجاری‌های رفتاری و عواقب شوم آن، باید مساجد به عنوان پایگاه فکری اسلام سنت دیرینه خود را احیاء کنند. با مشاوره تخصصی و به هنگام دیگر ناهنجاری‌های اجتماعی در این حد نخواهد بود. قرائتی (۱۳۷۲) عنوان کرده است زندانیانی که در زندان خدمات مشاوره دریافت کرده اند همگی ادعا کرده اند که اگر در بیرون از زندان جایگاهی برای مشورت داشتند هرگز پایشان به زندان کشیده نمی‌شد و هرگز دچار لغزش و اشتباه نمی‌شدند.

۵. همچنین برای ایجاد جاذبه در مسجد می‌توان در زمینه فرهنگی و پژوهشی در طول

سال - به ویژه در ایام تابستان و اوقات فراغت - کلاس‌های متنوع آموزشی و غیر آموزشی و پژوهشی تشکیل داد و روحیه پژوهش و تحقیق و تفکر در زمینه‌های مختلف را در نوجوانان و جوانان تقویت کرد، و آنها را ترغیب نمود برای پاسخ به سؤالات و کنجکاوی‌های خود به ویژه در زمینه اعتقادی و معنوی به تحقیق و تفحص بپردازند. برای آموزش می‌توان از استادان متعهد و مجرب محل و حتی خود دانش‌آموزان و دانشجویان در زمینه‌های علمی، پژوهشی و هنری مانند خط، نقاشی، طراحی، آشپزی، خیاطی و غیره استفاده کرد. این کار علاوه بر پر کردن وقت‌های مرده و جلوگیری از هدر رفتن وقت، زمینه ارتباط و جذب مردم به ویژه جوانان را به مسجد ایجاد می‌کند. از سوی دیگر به این طریق می‌توان عده‌ای از جوانان را مشغول به کار و صاحب درآمد کرد و بر جاذبه مسجد افزود.

۶. برای نفوذ مسجد در خانواده‌ها می‌توان واحدهای ویژه برای افراد گوناگون خانواده تأسیس کرد. تشکیل واحد یا کمیته ویژه جوانان، زنان، سالمندان، کودکان، نوجوانان و نظایر آن که این کار موجب آشنایی افراد خانواده، با مسجد و تألیف قلوب و جذبشان به این نهاد اجتماعی می‌شود.

۷. تشکیل کمیته حل اختلافات خانوادگی و محلی در مسجد قبل از مراجعه به مراکز قضایی و حل و فصل آن توسط کارشناسان خبره در مسجد و یا تشکیل انجمن مسجد و مدرسه محل، تشکیل انجمن رفع گرفتاری‌های مردم در زمینه مشکلات تحصیلی، اداری، بیماری و به ویژه تأسیس مرکز ازدواج جهت شناسایی و معرفی افراد مناسب به یکدیگر توسط متخصصان متعهد، اعطای وام مناسب، اجرای مسابقه‌های گوناگون و نظایر آن می‌تواند زمینه جذب و ارتباط فعال میان خانه و مدرسه و مسجد را فراهم سازد.

۲-۳. راهکار برای تغییر طرز حواره‌های ذهنی مردم برای برگزاری مراسم عقدشان در مسجد

۱. طبق یافته‌های این پژوهش مشخص شد اکنون برای مساجد یکسری کارکردهای حداقلی تعریف شده و طرز حواره‌های ذهنی مردم این است که مسجد غیر از برگزاری نمازهای یومیه، مناسبت‌های مذهبی و مجالس ختم در گذشتگان کاربرد دیگری ندارد. این در حالی است که مسجد توانایی بالقوه آن را دارد که از آن در امور مختلف اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، ازدواج و غیره، به عنوان یک پایگاه امن در جامعه استفاده شود.
۲. همه ما انسان‌ها از طریق «ارتباط» به «یادگیری» می‌پردازیم. در صورتی که با

ارائه روش‌های گوناگون و ابتکاری به ارتباط بین مسجد و خانه دست‌یابیم، یادگیری در زمینه‌های مذهبی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و روابط زناشویی به صورت مناسب صورت خواهد گرفت و ارتباط دو سویه بین خانواده و مسجد بسیاری از مشکلات را برطرف خواهد کرد. بنابراین از طریق برنامه‌های متنوع خانوادگی، ورزشی، علمی و دینی باید پویایی و نشاط در مساجد به وجود آید و مساجد بتوانند از عهده کارکردهایی که در گذشته داشتند برآیند تا جوان امروز و خانواده‌ها به سمت آمدن به مساجد سوق پیدا کنند و به مساجد وصل شوند و نگرش و ذهنیت درستی نسبت به ظرفیت‌ها و کارکردهای این مکان مقدس پیدا کنند.

۳. با اجرای راهکارهایی که ذکر شد، وقتی خانواده مسجد محور شود، به ازدواج به عنوان یک امر ارزشی دارای جایگاه اساسی در اخلاق جنسی می‌نگرد و به عنوان یک سنت حسنه در کلام الله، آن را به وجود آورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار می‌بیند. از این رو چه برای خانواده‌ها و چه برای دختران و پسران جوان مهم‌ترین معیار در انتخاب همسر ایمان و اخلاق اسلامی و معیار برای برگزاری مراسم عقد و ازدواج در این مکان مقدس، دوری از تجملات بیهوده، اسراف و بی‌بندوباری می‌شود.

۴. برای مثبت کردن طرحواره‌های ذهنی مردم نسبت به کارکردهای مسجد، می‌توان با رعایت شئونات اسلامی فیلم‌های متعدّد و جذابی از زندگی معصومین علیهم‌السلام تهیه کرد، و روش و سیره آنها را در مراحل مختلف تشکیل خانواده اعم از خواستگاری، مراسم عقد، مراسم عروسی، تهیه جهیزیه و حتی نحوه ارتباطات آنها در زندگی زناشویی به تصویر کشید. در این زمینه می‌توان از مراسم عقد کشورهای مسلمانان چون اندونزی و مالزی که در مسجد برگزار می‌شود، فیلم تهیه کرد. به علاوه می‌توان از تجربیات این کشورها برای پیشگیری از مشکلاتی که ممکن است در زمینه اقتصادی، اجتماعی و اعتقادی و حرمت مسجد به وجود آید استفاده کرد.

۵. پس از این که اطلاعات لازم در زمینه مذکور جمع‌آوری شد، لازم است سالنی زیبا و مجهز به تجهیزات سفره عقد برای برگزاری مراسم عقد در مسجد در نظر گرفته شود. بدیهی است برگزاری این مراسم مقدس در خانه خدا تبرک و برکت بیشتری برای عروس و داماد به ارمغان می‌آورد. زیرا با این کار از بی‌بندوباری‌های احتمالی و نیز هزینه‌های آنچنانی برای چیدمان سفره عقد در باشگاه‌ها، باغ‌ها، و منازل جلوگیری و وجوه آن صرف امور خیریه یا آبادانی مسجد می‌شود.

۶. از آنجا که رفتار و کردار پیامبر ﷺ الگو است، برای تغییر ذهنیت مردم برای برگزاری مراسم عقد در مسجد و در ضمن حفظ حرمت مسجد، لازم است ابتدا روحانیون شاخص، امام جماعت، افراد مؤمن، و نیز ثروتمندان معتقد به اسلام، مراسم عقد خود یا فرزندان شان را در مسجد برگزار کنند. نوع پوشش، رفتار، گفتار، نوع خوردها و آشامیدنی آنها در برگزاری این جشن و سرور اسلامی می تواند الگوی مطلوبی برای برگزاری مراسم عقد دیگر خانواده های مسجدی در مسجد باشد.

۷. برگزاری مراسم عقد در مسجد محاسن بسیاری دارد. همین که مدعوین در کارت دعوت بخوانند که مکان مراسم در مسجد است، سعی خواهند کرد از پوشیدن لباس های نامناسب و آرایش های خاص اجتناب کنند و با ظاهری مناسب وارد عروسی شوند. در نظر برخی از مردم، مسجد جای عزاست و صوت قرآن هم فقط آنها را یاد مردگان و مراسم فاتحه خوانی می اندازد. با نهادینه شدن مراسم ازدواج و عروسی در مساجد چنین تفکر غلطی کم رنگ خواهد شد.

۸. رسانه ها به ویژه صدا و سیما می تواند نقش حائز اهمیتی در مثبت کردن ذهنیت مردم داشته باشد. به عنوان مثال با فیلم برداری از برگزاری مراسم عقد و عروسی در مسجد به ویژه روحانیون شاخص و پخش این فیلم ها و دادن جلوه های ویژه به آن می توان ازدواج معنوی، آسان، به هنگام و به دور از اسراف و بی بندوباری ها را در اذهان عمومی جا انداخت.

۹. برای مثبت کردن ذهنیت مردم به مسجد مسئولین باید در ایام تعطیلات مناسبت های مذهبی تجدید نظر کنند. در حال حاضر بیشتر، ایام وفات ائمه معصومین (ع) تعطیل است؛ و مساجد و رسانه ها در این ایام به نوحه خوانی و مرثیه سرایی می پردازند که در نتیجه مسجد به عنوان جایگاهی برای عزاداری در طر حواره ذهنی مردم تثبیت می شود. می توان با ایجاد توازن بین ایام وفات و تولد ائمه معصومین (ع) برای تعطیلات، و با برگزاری مناسب مراسم جشن و سرور در مسجد و رسانه ها این ذهنیت را که مسجد جای جشن و سرور نیز می تواند باشد پرورش داد. به علاوه هم اکنون مساجد و شبکه های صدا و سیما در سالگرد تولد یا ازدواج ائمه معصومین (ع) نوحه می خوانند و گاهی سینه می زنند که در این مورد نیاز به آموزش و برنامه ریزی حس می شود.

۱۰. با ارتباط هیئت امناء مساجد با معاونت پژوهشی دانشگاه ها می توان پژوهش های مقطعی و طولی با پرداخت کمک هزینه پژوهشی به دانشجویان ترتیب داد و دانشجویان

مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا را به سمت انجام پژوهش‌هایی برای مقایسه سلامت زندگی، صمیمت، پایداری ازدواج، مسایل اقتصادی و سایر مفاهیم ارزشی در ازدواج مسجدی‌ها و غیرمسجدی‌ها ترغیب کرد و با انتشار نتایج این پژوهش‌ها، ذهنیت مردم را به سمت مسجدمحوری و دینداری سوق داد.

منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمدآیتی، تهران، سروش، واحد احیای هنرهای اسلامی، ۱۳۷۴.
۲. قرآن مجید، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، قم، آجود، پخش و نشر کتاب جواد الائمه، ۱۳۹۰.
۳. امام علی بن ابی طالب علیه السلام، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر جمال، ۱۳۸۵.
۴. خمینی، روح الله، صحیفه نور، جلد ۷، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۵.
۵. احمدپناهی، علی، ازدواج در اسلام بانگاهی به کارکردهای تربیتی و روان شناختی، ماهنامه معرفت، مرداد ۱۳۸۵.
۶. احمدی نوده، خدابخش و علی فتحی آشتیانی و علیرضا عرب نیا، بررسی رابطه بین تقیّدات مذهبی و سازگاری زناشوی، فصلنامه خانواده پژوهی، ۲، ۱۳۸۵.
۷. بانشی، علی، نقش متولیان در مرکز شدن یک مسجد، خانه ای برای همه، ۱۳۹۲. سایت مسجد:
<http://www.masjed.ir/fa/article/۷۵۰>
۸. بخشوده، اسماء و هادی بهرامی احسان، نقش «انتظارات زناشویی» و «مبادلات سالم» در پیش بینی «رضایت زناشویی زوجین»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۹. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، مسجد قلب جامعه اسلامی، نشریه فرهنگ کوثر، ۱۳۷۷.
۱۰. پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۴.
۱۱. جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، زن در آیین جلال و جمال، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۷۱.
۱۳. حر، سید حسین، نقش مسجد در تعالی و تحکیم بنیان خانواده، فصلنامه قرآنی کوثر، ۱۳۹۰.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البيت دار احیاء التراث، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۵. حمید، نجمه و مجید عیدی بایگی و مصطفی دهقانی، اثربخشی «روان درمانی شناختی-رفتاری مذهب محور» بر «سازگاری زناشویی»، دو فصلنامه مطالعات اسلام و روان شناسی، بهار و تابستان ۱۳۹۱.
۱۶. خدایاری فرد، محمد و روح الله شهابی و سعید اکبری زردخانه، رابطه نگرش مذهبی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل، فصلنامه خانواده پژوهی، ۱۳۸۶.
۱۷. خدایاری فرد، محمد و باقر غباری بناب و علی نقی فقیهی و شادی وحدت، روش درمانی عفو و گذشت با تأکید بر دیدگاه اسلامی، بررسی يك مطالعه موردی، فصلنامه اندیشه و رفتار، ۱۳۸۱.

۱۸. خنسه، اکرم، آموزش قبل از ازدواج، تهران دانشگاه الزهرا، پژوهشکده زنان، ۱۳۸۲.
 ۱۹. دانش، عصمت، نقش خودشناسی در درمان اختلالات زناشویی، انتشارات گلشن اندیشه، ۱۳۸۴.
 ۲۰. دانش، عصمت، افزایش سازگاری زناشویی زوجهای ناسازگار با مشاوره از چشم اندازی اسلامی، فصلنامه مطالعات روانشناختی، تابستان ۱۳۸۹.
 ۲۱. دانش، عصمت، بررسی اثربخشی روش ارتباط محاوره ای در افزایش سازگاری زناشویی زوج های ناسازگار، فصلنامه خانواده پژوهی، پاییز ۱۳۸۹.
 ۲۲. دانش، عصمت، مقایسه سطح شادکامی و سلامت جسمی و روانی دانشجویان دختر و پسر متأهل و مجرد دانشگاه، فصلنامه روان شناسی کاربردی، زمستان ۱۳۸۹.
 ۲۳. دبیری، حمیدرضا، راه کارها و ظرفیت های پیش روی امام جماعت در مسجد برای ایجاد فضای دوستی و برادری، ۱۳۹۲. سایت مسجد:
- <http://www.masjed.ir/fa/article>
۲۴. زینالی، حسین، چهل حدیث مسجد، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
 ۲۵. سعیدتهرانی، جواد، فروغ نیایش، نشر شارق، تهران، ۱۳۸۷.
 ۲۶. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه صادق حسن زاده، انتشارات ارمغان طوبی، تهران، ۱۳۸۲.
 ۲۷. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، محقق احمد حسینی اشکوری، ناشر مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵.
 ۲۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، جلد ۲ مصحح حسن خراسان، چاپ سوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴.
 ۲۹. عزیزی، عباس، فضایل و آثار مسجد در آیین قرآن و حدیث، قم، انتشارات نبوغ، ۱۳۷۶.
 ۳۰. علوی مهر، حسین، نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان، سایت مسجد، ۱۳۹۱.
 ۳۱. قائمی امیری، علی، خانواده در اسلام، وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، ۱۳۹۲.
 ۳۲. قرائتی، محسن، تفسیر سوره اسراء، ناشر مرکز فرهنگی درسهای از قرآن، تهران، ۱۳۸۱.
 ۳۳. قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، ناشر طرح اقامه نماز، قم، ۱۳۷۲.
 ۳۴. قلی زاده، مهدی، نقش مسجد در دگرگونی های فرهنگی، سایت مسجد، ۱۳۹۲.

۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ترجم، گروه مترجمان اشراف رحیمیان، محمدحسی، قم، ناشر قدس، ۱۳۸۸.
۳۶. لقمانی، احمد، بهترین آرزوهای زندگی، قم، انتشارات بهشت بینش، ۱۳۸۵.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
۳۸. مجیدی خوانساری، غلامحسین، نهج الفصاحه، چاپ دوم، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۵، ۴۳۴، حدیث ۲۳۰۶.
۳۹. محدث نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، تحقیقات و نشر معارف اهل البيت:، منبع الکترونیکی.
۴۰. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، چاپ هفتم، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث قم، ۱۳۸۶.
۴۱. مغانلو، علیرضا، نقش حیاتی و حمایتی مسجد در قانون‌گرایی و قانون‌پذیری افراد جامعه، سایت مسجد، ۱۳۹۲.
۴۲. مقواساز، علی، فعالیت‌های محلی «مسجد محور» شود/ مناطقی با حدود ۱۲ هزار نفر جمعیت هنوز یک مسجد در محل ندارند، ۱۳۹۳. سایت خبرنگار صاحب نیوز: <http://sahebnews.ir>
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، چاپ پنجاه و نهم، تهران، نشر فکریتر، ۱۳۹۱.
۴۴. مطهری، مرتضی، داستان راستان، جلد اول، چاپ هفتاد و سوم، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۹۲.
۴۵. مهدوی، محمدصادق و حسن غنیمتی، بررسی آثار و نتایج ازدواج دانشجویی در ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، مجله علوم اجتماعی، جامعه شناسی، فروردین ۱۳۸۷.
۴۶. نهج الحیاه، ج ۵، ترجمه محمد دشتی، فرهنگ سخنان امام حسن (علیه السلام)، قم، نشر محدث، ۱۳۸۲.
۴۷. نهج الفصاحه، تنظیم محمد امین شریعتی و عبدالرسول پیمانی، اصفهان، انتشارات خاتم الانبیاء، ۱۳۸۶.
۴۸. نوبهار، رحیم، ویژگی‌های مسجد نمونه، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، سایت اندیشه قم، ۱۳۷۸.

49. Call, V. R. A., & Heaton, T. B. Religious influence on marital stability, Journal for the Scientific Study of Religion, 1997, 36, 382-392.

50. Carr, A. Family Therapy: Concepts, process and practice, New York, Wiley, 2002.

51. De Vaus, D. Marriage and Mental Health Family Matters, winter 2002, 62: 2632–
52. Galloway, L. Does Movie Viewing Cultivate Unrealistic Expectations about Love and Marriage? (April 15, 2013). Graduate Research Symposium (GCUA). Paper 11. http://digitalscholarship.unlv.edu/grad_symposium/2013/april_1511/
53. Gottman, J. The role of conflict engagement, escalation and avoidance in marital interaction. Journal of Counseling and Clinical Psychology. 2003, 76, 2632–.
54. Huñler, O. S. & Genc, o'z, T. I. The effect of religiousness on marital satisfaction, Testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. Contemporary Family Therapy, 2005, 27(1), 123136–.
55. Lawrence, E., Nylen, K., & Cobb, R.J. Prenatal Expectation and Marital Satisfaction over the Transition to Parenthood. Journal of Family Psychology, (2007), 21(2), 155164–.
56. Lederer, W. The mirage of marriage. New York, Norton Co. 2006.
57. Lavee, Y., & Ben-Ari, A. Emotional expressiveness and neuroticism: Do they predict marital quality. Journal of Family Psychology. 2004, 48(3), 206–217.
58. Mahoney, A. Religion and conflict in marital and parent-child relationship, Journal of Social Issues, 2005, 61(4), 689706–.
59. Marsh, R. & Dallos, R. Roman Catholic couples: wrath and religion, Family Process, Fall 2001, 40(3), 34360–.
60. Orathinkal, J. & Vansteewegen, A. Religiosity and Marital Satisfaction, Contemporary Family Therapy, 2006, 28, 497504–.

61. Patterson, J., Hayworth, M., Turner, C., & Raskin, M. Spiritual issues in family therapy: A graduate-level course, *Journal of Marital and Family Therapy*, 2000, 26, 199-210.
62. Rose, E. M., Westefeld, J. S., & Ansley, T. N. Spiritual issues in counseling, Client's beliefs and preference, *Journal of Counseling Psychology*, 2001, 48, 677-691.
63. Rios, C. M, The Relationship between Premarital Advice, Expectations and Marital Satisfaction, unpublished Master Thesis, University of Logan, 2010, [On-Line], Available: www.proquest.com.
64. Rogge, R. D., & Bradbury, T. N. Till Violence do us part: The differing roles of communication and aggression in predicating adverse marital outcomes, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 2003, 77(2), 320-335.
65. Rosen-Grandon, J. R., Myers, J. E. & Hattie J. A, The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital Satisfaction, *Journal of Counseling & Development*, 2004, 82, 586-598.
66. Schoenborn, Ch. A. Marital Status and Health, United States, 1999-2002, *Advance Data*, 2004, 351, 133-144.
67. Stanley, S. M., Markman H. J., & Whitton, S. W, Communication, Conflict, and Commitment: Insights on the Foundations of Relationship Success from a National Survey, *Family Process*, 2002, 41, 659-675.
68. Sharp, E. A., & Ganeng, L. H, Raising Awareness about Marital Expectation, Are Unrealistic Beliefs by Integrative Teaching? *Family Relations*, 2004, 49(1), 71-76.
69. Segrin, C., & Nabi, R. L, Does television viewing cultivate unrealistic expectations about marriage? *Journal of Communication*, 2002, 52(2), 247-263.

70. Sullivan, T, Understanding the relationship between religiosity and marriage: An investigation of the immediate and longitudinal effects of religiosity on newlywed couples, *Journal of Family Psychology*, 2001, 15: 610–628.
71. Thompson, J. M., Wiffen, V. E., & Blain, M. D, Depressive symptoms, sex and perceptions of intimate relationships, *Journal of Social and Personal Relationship*, 2005, 37, 102109–.
72. Waller, M R. & McLanahan S. S, His and her marriage expectations, Determinants and consequences, *Journal of Marriage and Family*, February 2005, 67(1), 5367–.
73. Wilson, Ch. M., & Oswald, A.J, How Does Marriage Affect Physical and Psychological Health? A Survey of the Longitudinal Evidence, University of East Anglia, UK, University of Warwick, UK, and Harvard University, 2005.
74. Wood, R. G., Goesling, B., & Avellar, S, The Effects of Marriage on Health, A Synthesis of Recent Research Evidence, Washington, DC, U.S. Department of Health and Human Services, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation, Office of Human Services Policy, 2007, p. 1.



رسالت مسجد در هدایت جامعه به ارزش‌ها و اهداف الهی از تو والد و تناسل

کبری خزعلی^۱

مقدمه

رسالت مساجد که مظهر تجلی اسم ربّ ودود و مربیگری الهی است و در تداوم مسیر تزکیه و تعلیم انبیاء به نقش آفرینی می‌پردازد بیش از هر زمان در بحران‌ها و تهاجمات علیه اسلام از صدر اسلام مشهود است، به نحوی که آغاز و انجام هر غزوه و دفاع پیامبر ﷺ و مسلمین از مسجد بوده و به مسجد ختم شده است، امروز که این رسالت به عهده علمای عظام و روحانیت معزز و اولیاء خدوم مساجد است، ضرورت اهتمام به امور مسلمین و پیشگیری از خطراتی که جامعه اسلامی و حرث و نسل را تهدید می‌کند بیش از پیش احساس می‌شود، از مهم‌ترین این مسائل تهاجم دشمن یا جنگ نرم تدارک دیده شده آنها به سبک زندگی و فرهنگ اسلامی ماست که با تغییر نگرش خانواده و به ویژه زنان سعی در تغییر سبک زندگی، برنامه‌ها و اولویت‌های مادران از توجه به خانواده و تربیت نیروی انسانی صالح و سالم و شاداب به حضور اجتماعی و شغل و تحصیل است و آن را به عنوان اولویت تربیت و رشد خود مطرح می‌کنند و در این عرصه وسوسه شیطانی حتی مؤمنین متوکل ما را هم هدف قرار داده است و آنها تأکید می‌کنند که می‌دانیم که رزق و روزی انسان‌ها با خداست و فرزند برکت می‌آورد اما تربیت او برای ما مهم است، لذا از اولویت‌های اساسی مساجد، آشنا کردن با آیات و روایات در تشخیص دقیق وظایف مؤمنین است که در دو بخش به بررسی آثار تکثیر نسل در آیات و روایات می‌پردازیم.

الف) تکثیر نسل، نشانه‌ها و آثار آن از منظر قرآن و روایات

هدف تزویج در آیات و روایات

در قرآن یکی از اهداف تزویج به آرامش رسیدن مرد و زن در کنار هم می‌باشد. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم / ۲۱) و از نشانه‌های قدرت اوست که برای تان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید.

از آنجا که ادامه این پیوند در میان همسران خصوصاً، و در میان همه انسان‌ها به صورت عموم، نیاز به یک جاذبه و کشش قلبی و روحانی دارد به دنبال آن اضافه می‌کند: و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» و در آیه دیگر می‌فرماید: «فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم ازواجاً و من الانعام ازواجاً یذروکم فیه لیس کمثله شیء و هو السميع البصیر» (شوری / ۱۱) «او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید و شما را به وسیله همسران تکثیر می‌کند، همانند او چیزی نیست و او شنوا و بیناست.»

طبق آیه فوق هدف دیگر تزویج، تکثیر نسل (فرزنددار شدن می‌باشد) که خود از لوازم تحقق هدف اولی یعنی به آرامش رسیدن همسران نیز هست، چنانچه می‌دانیم که زن و مرد بالفطره علاقمند به فرزنددار شدن می‌باشند، یعنی یکی از خصوصیات طبیعی و غریزی انسانی در دنیا، گرایش به فرزند است که مسلماً ارضاء این نیاز فطری موجب آرامش آنها در زندگی خواهد بود و عدم وجود آن در برخی اوقات موجب سردی و حتی سست شدن پایه‌های زندگی خواهد شد. لذا همانطور که از دواج در اسلام امر مقدسی قلمداد شده و به انجام آن در آیات و روایات تأکید و توصیه فراوان شده است، به فرزنددار شدن نیز که از لوازم پایداری و

بنای زندگی است سفارش بسیار گردیده، چنانچه در روایاتی مشهور در ترغیب به سنت حسنة ازدواج پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «النکاح سنتي فمن رغب سنتي فليس مني» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۳، ص ۲۲۰، ح ۱۰۳) «ازدواج سنت من است پس هر که از سنت من روی گرداند از من نیست» و در روایتی دیگر ایشان ﷺ فرمود: «تزوجوا فاني مكاثر بكم الامم ولا تكونوا كرهبانية النصارى» (پاییز، ۱۳۷۴، ح ۱۱۴۴؛ مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۲) «ازدواج کنید که من به زیادی جمعیت شما مسلمانان بر ملل دیگر افتخار می کنم و مانند مسیحیان راه رهبانیت پیش مگیرید.» و باز می فرمایند: «تزوجوا الودود الولود، فاني مكاثر بكم الانبياء» (پاییز، ۱۳۷۴، ح ۱۱۴۴؛ نوری، ۱۴۱۴، ق، ص ۱۷۸) «بازن مهربان و بچه آور ازدواج کنید زیرا من به کثرت جمعیت شما مسلمانان بر سایر پیغمبران افتخار می کنم.»

در هیچ یک از این آیات و روایات قید فرزند صالح شرط فرزندآوری قرار نگرفته چرا که چنین شرطی محال است زیرا انسانی که به دنیا نیامده صالح یا غیر صالح بودنش معلوم نمی شود؛ ضمن اینکه توصیه به فرزند زیاد آوردن و توصیه به تربیت نیکو و صالح نیز با هم منافاتی ندارد و قاعدتاً از خانواده مؤمن که رعایت موازین اسلامی و اخلاقی را می کند انتظار پرورش فرزند صالح وجود دارد مگر در موارد استثناء.

۲-۱. گشایش روزی

وسعت و گشایش روزی از وعده هایی است که خداوند همراه با آوردن فرزند داده است. در ادامه آیه قبل می گوید: «مقاليد السموات والارض يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه بكل شيء عليم.» (شوری، ۱۲) «کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، روزی را برای هر کس بخواهد گسترش می دهد و برای هر کس بخواهد محدود می سازد، او از همه چیز آگاه است.» به نظر می رسد این آیه نتیجه ای برای آیه قبل «فاطر السموات والارض جعل لكم من انفسكم ازواجاً» باشد چنانچه می فرماید آفریننده آسمان و زمین خداست و کلیدهای آسمان و زمین (خزائن عالم) نیز دست اوست، تمام رزق و روزی ها نیز در قبضه قدرت خداوند است و بر طبق مشیتش که از حکمت او سرچشمه می گیرد و مصالح بندگان در آن ملحوظ است آن را تقسیم می کند و از آنجا که بهره مند ساختن همه موجودات زنده از روزی ها نیاز به علم و آگاهی از مقدار احتیاجات و محل و سایر خصوصیات آن دارد؛ در آخرین توصیف اضافه می کند او به همه چیز داناست. «انه بكل شيء عليم»

این آیه به قرینه آیه قبل و با توجه به آیاتی که دلالت بر آن می‌کند که از ترس فقر فرزندان را نکشید «ولا تقتلوا اولادکم خشية املاق نحن نرزقکم وایاهم» (اسراء، ۳۱) که خداوند روزی آنها را می‌دهد. بیانگر آن است که استنباط عوام از آنکه آوردن فرزند که موجب ازدیاد مخارج خانواده می‌شود ممکن است آنها را به فقر بکشانند غلط است، چرا که طبق آیه شریفه خداوند وعده می‌دهد که هر فرزندی را که به شما می‌دهد روزی آن را نیز جلوتر از آن که حتی به دنیا بیاید می‌فرستد چنانچه هنگام به دنیا آمدن نوزاد روزی اش را جلوتر در سینه مادر قرار داده است بنابراین افزایش فرزندان با افزایش روزی رابطه مستقیم دارد؛ بلکه قرآن فراتر از آنچه شما نگران آن هستید (روزی فرزند به دنیا آمده)، به روزی شما هم اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وایاهم» روزی شما هم به دست ما است، (پس از چه هراس دارید؟) لذا می‌توان نتیجه گرفت که نه تنها اینکه فرزند بار مضاعف بر دوش خانواده نمی‌باشد بلکه به مجرد آمدن فرزند درآمد خانواده وسعت و برکت نیز می‌یابد.

۳-۱. علم و اراده خداوند

علم و اراده خداوند بر کل هستی و جهان حاکم است و فرزنددار شدن به علم و اراده اوست چنانچه می‌فرماید: «ان الله یخفی علیه شی فی الارض ولا فی السماء هو الّذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم» «بی گمان هیچ چیز نه در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نیست. اوست که شمارا در رحم‌ها هر گونه که بخواهد صورت‌گیری می‌کند. خدایی جز او نیست که شکست‌ناپذیر حکیم است.» (آل عمران، ۵ و ۶) «والله خلقکم من تراب ثم من نطفه ثم جعلکم ازواجاً وما تحمل من انثی ولا تضع الا بعلمه ولا ینقص من عمره الا فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر» (فاطر، ۱۱) «و خداوند شمارا از خاکی آفرید، سپس نطفه‌ای، آنگاه شما را زوج‌ها گردانید و هیچ زنی باردار نمی‌شود و بار نمی‌نهد مگر به علم او، هیچ کهن سالی عمر طولانی نمی‌کند و یا از عمرش کاسته نمی‌شود مگر آنکه در کتابی [مسطور] است. بی شک این [کار] بر خدا آسان است.» آیات قرآن در جای دیگر نیز به علم خداوند در فرزنددار شدن انسان اینگونه اشاره می‌کند که: «افریتم ما تمنون. انتم تخلقونه ام نحن الخالقون» (واقعہ / ۵۸ و ۵۹)؛ آیا از نطفه‌ای که در رحم می‌ریزید آگاهی‌د؟ آیا شما آن را آفرینش می‌دهید یا ما آفریننده ایم. آیا یقین دارید که این نطفه به جنین و فرزند تبدیل شود و آیا شما مراحل آفرینش آن را در رحم و شکم‌هایتان به عهده دارید یا به دست پر قدرت خداوند این کار صورت می‌گیرد.

این آیات بیانگر آن است که فرزندان شدن انسان به علم و اراده خداوند است، و نه خواست و اراده انسان به تنهایی. از این آیات و آیه قبل که وعده خداوند در دادن روزی فرزندان است نتیجه می‌گیریم که خداوند که با علم و آگاهی و اراده خود فرزندی را عطا می‌کند روزی آن را هم حتماً عطا می‌کند. شاید اگر فرزندان شدن تنها به خواست و اراده انسان بود و خداوند هم به روزی آن وعده نداده بود مشیت عطاء روزی توسط خداوند، گاهی بر خواست ما تعلق نمی‌گرفت؛ حال آنکه خداوند، خلقت و روزی نه تنها انسان، بلکه تمام موجودات را نیز از آن خود می‌داند و می‌فرماید: «هیچ جنبنده‌ای در روی زمین نیست مگر این که رزق و روزی آن بر خداست، و قرارگاه او را می‌داند، و از نقاطی که از قرارگاهش به آن منتقل می‌شود (نیز) باخبر است و در هر جا باشد روزیش را به او می‌رساند.» وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا؛ تمام این حقایق (با همه حدود و مرزهایش) در کتاب مبین و لوح محفوظ علم خداوند ثبت است. «كُلُّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود / ۶)

طرز روزی رساندن خداوند به موجودات مختلف، بسیار حیرت انگیز است، از جنینی که در شکم مادر قرار گرفته تا حشرات گوناگونی که در اعماق تاریک زمین و لانه‌های پر پیچ و خم و در لابلای درختان و بر فراز کوه‌ها و در قعر دره‌ها زندگی دارند، از دیدگاه علم او هرگز مخفی و پنهان نیستند، و همانگونه که قرآن می‌گوید خداوند، هم جایگاه و «آدرس اصلی» آنها را می‌داند و هم محل سیار آنان را، و در هر جا باشند روزیشان را به آنان حواله می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۲۶)

و در پاسخ این سؤال که آیا روزی هر کس از آغاز تا پایان عمر تعیین شده، و خواه ناخواه به او می‌رسد؟ باید بگوییم درست است که روزی هر کس مقدر و ثابت است، ولی در عین حال مشروط به سعی و تلاش و کوشش می‌باشد، و هرگاه این شرط حاصل نشود مشروط نیز از میان خواهد رفت.

نکته مهم این است که آیات و روایات مربوط به معین بودن روزی در واقع ترمزی است روی افکار مردم حریص و دنیاپرست که برای تأمین زندگی به هر در می‌زنند، و هر ظلم و جنایتی را مرتکب می‌شوند، به گمان این که اگر چنین نکنند زندگیشان تأمین نمی‌شود. آیات قرآن و احادیث اسلامی به این گونه افراد هشدار می‌دهد که بیهوده دست و پا نزنند، همین اندازه که آنها در طریق مشروع گام بگذارند و تلاش و کوشش کنند، مطمئن باشند خداوند از این راه همه نیازمندی‌های آنها را تأمین می‌کند. چرا که طبق آیات، خداوند عالم

است و توانا، عالم است بر نیاز موجودی که خلق کرده و تواناست بر خلق او و عطاء روزی (رفع نیازش) چنان که وعده کرده است، صَادِقًا لَا يُخْلَفُ (قمی، بی تا، جوشن کبیر، فراز ۱۰۰) یعنی راست و وعده‌ای است که خلاف وعده نمی‌کند.

۴-۱. حکمت پروردگار

همانطور که در قبل اشاره کردیم که عطاء فرزند به علم و اراده خداوند است چگونگی و زمان آفرینش آن نیز براساس حکمت و اراده خداوند است، لذا هر زمان که صلاح بداند و برای هر کس که بخواهد و مشیّت او تعلق بگیرد فرزند عطا می‌کند. زود هنگام و یا در کهنسالی، چنانچه در آیات قرآن اشاره می‌کند که اسحاق و اسماعیل را براساس حکمت خود در پیری به ابراهیم علیه السلام بخشیدیم.

«الحمد لله الذي وهب لي عليّ للكبر اسمعيل واسحق ان ربي لسميع الدعاء» (ابراهیم / ۳۹)؛ ستایش خدای را که در وقت پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا کرد. به راستی پروردگار من شنونده دعاست.

این آیات نشانگر آن است که خداوند چقدر حکیمانه فرزند عطا می‌کند که زمان آن هم براساس حکمت اوست. چگونه خداوندی که علاوه بر اصل آفرینش، زمان آفرینش را نیز حکیمانه تقدیر می‌کند نیازها و ملزومات بقاء و زندگی آفریده و مخلوق خود را در نظر نداشته باشد و روزی او را حکیمانه تقدیر ننماید؟! او که چگونگی خلقت انسان را نیز حکیمانه تقدیر می‌کند. چنانچه درباره شیوة بارداری حضرت مریم و تولّد حضرت عیسی می‌فرماید: «اذکر فی الكتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیاً فاتّخذت من دونهم حجاباً...» (مریم / ۲۱-۱۵) و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود در ناحیه شرقی [بیت المقدس] خلوت گزید و میان خود و آنها پرده‌ای افکند [برای عبادت] پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد. مریم گفت: من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزکار باشی. گفت: من فقط فرستاده پروردگار توام بر این که به تو پسری پاکیزه ببخشم. گفت چگونه مرا پسری باشد با آن که دست بشری به من نرسیده و بدکاره هم نبوده‌ام. گفت: اینگونه پروردگار تو فرمود: آن بر من آسان است و برای این است که او را آیتی برای مردم قرار دهیم و رحمتی از جانب ما باشد و این امری حتمی است. «البته لازم به ذکر است که خداوند همه آنچه را که برای ما تقدیر می‌کند براساس اسباب و لوازم آن محقق

می‌شود نه به معنای این که خداوند قادر نیست بدون اسباب و علل کاری انجام دهد، بلکه استثنائاتی است که از آن تعبیر به معجزه می‌شود که آن هم برای معرفی حجت خداست و قدرت آن نیز در دست اوست؛ اما مشیت او نیست که همه کارها به این نحو انجام شود. لذا داشتن فرزند در هر سنی به مشیت پروردگار امکان پذیر است.

۱-۵. عامل نزدیکی به خداوند

۱-۵-۱. توسل و توکل به خدا

همانطور که گفتیم داشتن فرزند از مواهب بزرگ و نیاز فطری و غریزی انسان است که موجب آرامش، استحکام و بقاء خانواده می‌باشد و اسلام هم به آوردن آن توصیه می‌کند. اما زمان و چگونگی اعطاء آن براساس علم و حکمت خداوند است، یکی از حکمت‌های تأخیر در اعطاء این موهبت این است که بنده به واسطه دعا و درخواست از خداوند به او تقرب بیشتری پیدا می‌کند. قرآن به استجابت دعای حضرت زکریا و حضرت ابراهیم اشاره می‌کند. «و زکریا اذ نادى ربّه رب لا تذرنى فردا وانت خير الوارثين فاستجبنا له ووهبنا له يحيى واصلحنا له زوجه انهم كانوا يسارعون في الخيرات ويدعوننا رغبا ورهبا وکانوا لنا خاشعين»؛ (انبیاء / ۹۰-۸۹) و زکریا را هنگامی که پروردگار خود را خواند: پروردگار مرا تنها [بی فرزند] مگذار و تو بهترین وارثانی. پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را بدو بخشیدیم و [نازایی] همسرش را برای او اصلاح کردیم به راستی آنها را در کارهای نیک پیشقدم بودند و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند، و پیوسته در برابر ما فروتن بودند و البته آزمایشی است برای بندگان خدا که آیا از رحمت خداوند مأیوس می‌شوند یا به او توکل و اعتماد دارند. «ویدعوننا رغبا ورهبا وکانوا لنا خاشعين» (مریم / ۲) «و با بیم و امید ما را می‌خواندند و در برابر ما خاشع بودند.» و تأکید بر این نکته که فرزنددار شدن به امر و اراده خداوند است و نه فقط خواست و اراده انسان یعنی اگر خواست خداوند بر اعطاء آن باشد مسلماً بر خواست بنده غالب خواهد شد و مسلماً از خواست او هیچ مفرّ و گریزی وجود ندارد. «وکان امرامقضیا» «و این امری حتمی است» «فاجاءها المخاض الى جذع النخلة قالت یا لیتنى مت قبل هذا وکنت نسیا منسیا» (مریم / ۲۳)؛ آنگاه درد زایمان او (حضرت مریم) را بسوی تنه نخلی کشاند. گفت: ای کاش پیش از این مرده و یکسره فراموش شده بودم!» (انبیاء / ۹۰) «پس (به ناگاه فرزندش) از زیر (پای) او، وی را نداد که اندوه مخور، همانا خداوند در زیر پایت جویی روان قرار داده است...» (مریم / ۲۴) و اینگونه خداوند به وی آرامش داد.

۲-۵-۱. نیکی کردن

از دیگر عوامل نزدیکی به خداوند نیکی کردن به بندگان اوست، خصوصاً کسانی که بر گردن ما حقی دارند:

«وقضي ربك الا تعبدوا الا اياه وبالوالدين احسانا»؛ (اسراء/ ۲۳) و خدای تو حکم فرموده که جز او هیچکس را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید. امام صادق (ع) می فرماید: «برالرجل بولده بره بوالديه» «نیکی مرد به فرزندش، نیکی اوست به پدر و مادرش.» (طبرسی، ۱۳۷۰، ۱/ ۴۷۵ / ۱۶۳)

یکی از مصادیق نیکی به دیگران دعای خیر درباره آنهاست از آنجا که در قرآن به والدین و فرزند هر دو سوگند یاد شده که به نوعی اهمیت هر یک را می توان نتیجه گرفت «ووالدو ما ولد» (بلد/ ۳) در دعای متقابل والدین و فرزندان در حق یکدیگر، دعای والدین تأثیر بسزایی دارد، لذا توصیه شده که والدین علاوه بر انجام تکالیف و وظایف خود در قبال فرزندان، در حق آنان و برای اصلاح و عاقبت به خیری آنها دعا کنند و زمینه باقیات الصالحات را برای خود فراهم کنند.

حضرت رسول (ص) می فرماید: «رحم الله من اعان ولده علی بره وهوان یعفو عن سیئه ویدعوله فیما بینه وبنائه؛ خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر نیکی کردن به خود یاری رساند، بدین گونه که از گناه و خطای او درگذرد و به درگاه خدا برایش دعا کند.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۰، ص ۹۸، ح ۱۰۴)

والبته این محقق نمی شود مگر اینکه ما صاحب فرزند باشیم و مسلماً کثرت فرزندان با کثرت دعا و کثرت نیکی می تواند رابطه مستقیم داشته باشد.

۶-۱. مغفرت و بخشش

۱-۶-۱. پاداش سختی

برخی با استناد به روایتی ضعیف که «قَلَّتْ عِیَالٌ» را «احدالیسارین» عنوان می کند سعی در اثبات ضرورت کنترل جمعیت دارند و این مطلب را توصیه به کم فرزند می کنند در حالیکه اگر از ضعف روایت صرف نظر کنیم آیا هدف از زندگی راحت طلبی است و آیا برای تحصیل و تربیت به سختی نمی افتند و آیا معنی روایت توصیفی است یا تکلیفی و تعیین

مسیر زندگی؟ پس معنی لقد خلقناه الانسان في كبد چیست؟ آیا راه رشد از میان سختی‌ها عبور کردن نیست؟

در آیات و روایات بسیاری آمده که هر سختی که به مؤمن وارد شود باعث مغفرت و بخشش گناهان اوست.

طبق فرموده حضرت رسول ﷺ: «هیچ درد و رنج و اندوه و حزن و غمی به مسلمان نمی‌رسد، حتی تیغی که به پای او می‌رود، مگر این که خداوند متعال، گناهان وی را به خاطر آن می‌آمرزد.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۷، ص ۱۴۴) لذا رنج و مشقت دوران بارداری و شیرخواری برای مادر اجر و ثوابی بسیار داشته موجب مغفرت وی می‌باشد، پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ما من مرض او وجع يصيب الومن الا كفارة لذنبه. هیچ بیماری یا دردی نیست که به مؤمن برسد، مگر این که كفارة گناه او باشد.» (ترمذی، ۱۳۵۷، ق، ص ۲۶۴۸) همچنین تحمل سختی کار و تلاش پدر برای اداره زندگی و تهیه ملزومات و مایحتاج فرزندان و رفع نیازهای مادی و معنوی آنها نیز اجر و ثوابی بسیار دارد و موجب مغفرت وی است؛ جای دیگر از رسول خدا ﷺ آورده: «من بات كالأ في طلب الحلال بات مغفوره له»؛ هر که برای کسب درآمد حلال، خود را به رنج افکند، آمرزیده است. (متقی هندی، ۱۴۰۹، ق، ص ۹۲۱۵)

به همین دلیل در آیات قرآن به حق پدر و مادر سفارش شده است. «ووصینا الانسان بوالديه حملته امه وهنأ علي وهن وفضاله في عامين ان اشكرلي ولوالديك الي المصير» (لقمان / ۱۴) «و ما به انسان در حق پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با ضعف روز افزون حمل کرد و دوران شیرخواری او در دو سال است که شکر گذار من و پدر و مادرت باش که به سوی من است باز گشت.»

۲-۶-۱. خدمت به خانواده

از عوامل دیگر مغفرت، خدمت به خانواده است؛ چنانچه اجر کسب روزی حلال، بیشتر از جهاد فی سبیل الله بیان شده است. «ان الذی یطلب من فضل یکف به عیاله اعظم اجرا من المجاهد فی سبیل الله» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۲۹، ص ۳۳۹، ح ۷۸) کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش در طلب روزی خدا بر آید پاداشش بیشتر از کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند و در جای دیگر كفارة گناهان بزرگ شمرده شده؛ پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «خدمة العیال كفارة للكبائر و تطفي غضب الرب» «خدمت کردن به خانواده، كفارة گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرو می‌نشانند.» (شهیدی، ۱۳۶۳، ص ۷۵۱، ح ۲۷۶)

در آیات و روایات فوق وجود فرزند وسیله‌ای برای مغفرت و آمرزش والدین ذکر شده است. عکس این حقیقت نیز در آیات قرآن وجود دارد که مغفرت و بخشش خداوند موجب نزول رحمت و برکت می‌شود و یکی از این رحمت‌ها اعطاء فرزند است. چنانچه می‌فرماید: «فقلت استغفروا ربکم انه کان غفاراً» (نوح/ ۱۰) «از پروردگار خویش طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است و شما را می‌بخشاید.» «یرسل السماء علیکم مدراراً و یمدکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهاراً» (نوح / ۱۲) «خدا از آسمان باران‌های پر خیر و برکت را پیاپی می‌باراند. [و اینگونه زمینه را برای افزایش دارایی شما فراهم کرده و شما را کمک می‌کند] و با اعطاء فرزند شما را یاری می‌کند.»

از جمع آیات و روایات این بخش نتیجه می‌گیریم که فرزند رابطه مستقیمی با بخشش و مغفرت خداوند دارد یعنی نسبت آنها سبب و مسبب می‌باشند، چنانچه رنج و سختی حاصل از رشد و تربیت فرزند موجب مغفرت والدین است، یکی از پاداش‌های مغفرت و بخشش انسان نیز اعطاء فرزند است.

البته گاهی اوقات سختی‌ها و رنج و مصائبی که به انسان مؤمن، خصوصاً اولیاء خدا و پیامبران می‌رسد بخاطر آزمایش و علوّ مقام آنها می‌باشد، اما نتیجه یکسان می‌باشد چنانچه حضرت ایوب نتیجهٔ آزمایش و صبر خود را بر مصائب و بلاهای زنده شدن دوبارهٔ فرزندان و دو برابر شدن آنها مشاهده نمود. «فاستجینا له فکشفنا ما به من ضرّ و اتیناه اهلّه و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکرنا للعابدين» (انبیاء / ۸۴) «پس دعای او را اجابت نمودیم و آسیب وارد شده بر او را برطرف کردیم و خانوادهٔ او و نظیرشان را همراه با آنان مجدداً به وی عطا کردیم تا رحمتی از جانب ما و تذکری برای خداپرستان باشد.»

۳-۶-۱. درخواست مغفرت

یکی دیگر از عوامل آمرزش، دعا و درخواست مغفرت برای درگذشتگان است، خصوصاً دعای متقابل والدین و فرزندان نسبت به هم، به سبب علاقه و حقوقی که بین آنهاست. «یلزم الوالد من الحقوق لولده مایلزم الولد من الحقوق لوالده» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۴۵۳۴۴) «همچنان که پدر بر فرزند حقوقی دارد، فرزند را نیز بر پدر حقوقی است.»

لذا، دعای فرزندان نیز در حق والدین خویش و طلب آمرزش برای آنها نیز مؤثر و نزدیک به اجابت است، از همین روی توصیه شده که فرزندان برای والدین خود در زمان حیات

ایشان و چه پس از مرگ ایشان دعا کنند چنانچه در قرآن فرموده: «وقل رب ارحمهما کما ربياني صغیرا» (اسراء/۲۴) «بار پروردگارا پدر و مادر مرا مشمول رحمت خویش قرار ده (رحم کن) همانگونه که در کودکی مرا تربیت کرده‌اند.»

از دیدگاه علامه طباطبایی: آیه بیش از این دلالت ندارد که دعای فرزند در مظنه اجابت است و همچنین دعائی بی خاصیت نیست، زیرا هم گفتیم که ممکن است به اجابت برسد و هم اینکه ادبی است دینی که فرزند از آن استفاده می‌برد، ولو در موردی مستجاب نشود و پدر و مادر از آن بهره‌مند نگردند. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ش ۱۱۱/۱۳)

و طبرسی نیز گفته است: این آیه دلالت دارد بر این که دعای فرزند برای پدر و مادرش که از دنیا رفته‌اند مسموع است، زیرا اگر مسموع نبود و برای آنها اثری نداشت معنا نداشت که در این آیه امر به دعا کند. (طبرسی، ۱۴۱۵ ق، ۱۲۴۶)

در موارد فراوانی از قرآن از زبان پیامبران برای والدین ایشان طلب مغفرت شده «ربنا اغفر لی و لوالدی و للمؤمنین یوم یقوم الحساب» (ابراهیم / ۴۱) «ای پروردگار من روزی که حساب برپا میشود، مرا و پدر و مادرم و مؤمنان را ببامرز.» البته طلب مغفرت پیامبران برای خویش و پدران و مادرانشان که در قرآن به طور مکرر بیان شده با عصمت پیامبران منافات ندارد زیرا طلب مغفرت برای ترک اولی بوده است و یا اینکه ایشان بخاطر آنکه به نظر خودشان، حق خدا یا عبادت خدا را ادا نکرده بودند طلب مغفرت می‌کردند.

۱-۷. باقیات الصالحات

۱-۷-۱. اولاد صالح

همانطور که می‌دانیم و در متون دینی هم اشاره شده، با مرگ پرونده اعمال انسان کاملاً بسته نمی‌شود؛ بلکه اثرات برخی از اعمال انسان در هنگام حیات تا مدت‌ها و شاید ابد باقی بماند و لذا اثرات و نتیجه آن مستوجب پاداش و عقوبت برای بنیانگذار و عامل آن شود. یکی از این اعمال تربیت صحیح فرزند (فرزند صالح) است که بعد از مرگ والدین می‌تواند موجب باقیات الصالحات پدر و مادر شود یا بالعکس. لذا می‌فرماید: «آن جا (بود که) زکریا پروردگارش را خواند و گفت: پروردگارا، از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی» و «ابراهیم عرضه داشت، ای پروردگار من مرا (فرزندی) از شایستگان بخش.» «رب هب لی من الصالحین» (صافات / ۱۰۰) «ربنا هب لنا من ازواجنا وذریاتنا قره‌اعین و

اجعلنا للمتقين اماما» (فرقان / ۷۴) «پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان روشنی چشم عطا کن و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان.»

روایتی است از امام صادق (ع) فلانی - حضرت نام این مرد را برد - گفت: من علاقه‌های به داشتن فرزند نداشتم تا این که روزی در عرفه جوانی را در کنار خود دیدم که دعای می کرد می گریست و می گفت: خدایا، پدر و مادرم، پدر و مادرم. از آن موقع که این را شنیدم به داشتن فرزند علاقه مند شدم. (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۳/۵)

پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره می فرماید: «الولد الصالح رجحانه من الله، قسمها بین عباد» «فرزند شایسته دسته گلی است از جانب خداوند که میان بندگان قسمت می کند.» (کلینی، ۱۳۷۵، ص ۱ و ۲) از آنجا که کثرت دعا کنندگان در استجابت آن مؤثر است لذا کثرت فرزندان صالح به مؤمنین توصیه می گردد.

۲-۷-۱. نیکنامی

یکی دیگر از مظاهر باقیات الصالحات به نیک نامی یاد کردن انسان است پس از مرگ او. حضرت علی (ع) در این باره می فرمایند: «الولد الصالح اجمل الذکرین» «فرزند صالح، زیباترین نام نیک است.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۵، ص ۱۰۱، ح ۱۰۴)

امام صادق (ع) از قول رسول خدا (ص) فرمودند: «میراث خداوند عز و جل از بنده مؤمن خود فرزند است که، پس از مرگ او، خدا را عبادت کند.» حضرت صادق (ع) سپس آیه زکریا را تلاوت کرد: «از جانب خود به من ولی (و جانشینی) ببخش که از من ارث برد و از خاندان یعقوب ارث برد.» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۸۵، ص ۱۰۱، ح ۱۰۴)

۳-۷-۱. صدقه جاریه

فرزندان صالحی که باعث نیک نامی والدین خود می شوند؛ اعمال و کردار خوب آنها نیز صدقه جاریه والدین، موجب آمرزش آنهاست. روایتی دیگر پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «عیسی بن مریم بر گوری گذشت که صاحب آن عذاب می کشید سال بعد نیز از همان گور گذشت و دید دیگر عذاب نمی شود. عرض کرد پروردگارا پارسال از این گور عبور کردم و صاحبش عذاب می شد و امسال که از آن می گذرم دیگر عذاب نمی کشد؟ خداوند جل جلاله به او وحی فرمود: ای روح الله فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی را درست کرد و یتیمی را سرپرستی نمود و من بخاطر این کارهای فرزندش او را آمرزیدم.» (حرالعالمی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۵۶۰، ح ۱۱)

از آنجا که وزر و گناه فرزندان در صورت عدم مشارکت والدین بر عهده آنها نیست و بلعکس هر عمل خوب آنها که مستوجب پاداش است بعنوان خیرات برای والدین صالح ایشان ثبت می گردد، لذا عقل نیز حکم می کند که قصاص قبل از جنایت نکرده و به گفته برخی عوام از ترس اینکه فرزندان ما ناشایست و غیر صالح شوند از آوردن فرزند اعراض نکنیم. چنانچه فحوی روایات و آیات نیز این را می رساند که باید لوازم صلاح و تربیت صحیح آنها را فراهم کنیم و ضمن دعا و توکل بر خدا نتیجه را به خدا بسپاریم و در این صورت نتیجه هر چه شود ما مأجوریم همانطور که حضرت نوح نیز بخاطر داشتن فرزندی ناخلف مورد عقاب واقع نشد.

از فحوای آیات و روایات در می یابیم کثرت فرزندان صالح؛ موجب کثرت دعا گوینان، صدقات جاریه، نیک نامی و در نتیجه باقیات الصالحات والدین است.

۲. کنترل جمعیت اهداف و نتایج آن از منظر قرآن و روایات

۲-۱. تغییر فرهنگ و نگرش

از آنجا که ارزش های یک جامعه فرهنگ آن جامعه را تشکیل می دهد و فرهنگ هویت یک ملت است، بنابراین هجوم فرهنگی، بهترین راه انحطاط ارزش هاست. یکی از ارزش های اسلامی و دینی ساده زیستی و قناعت همراه با صمیمیت و همدلی است و توکل به خداوند و مایوس نشدن از رحمت و اسعاده او و اعتماد به آنچه خداوند وعده داده است.

با همین توکل است که انسان می تواند در برابر شدائد و سختی ها ایستادگی کند و از وسوسه ها و تهدیدهای دشمن در امان بماند. «التوکل علی الله نجاه من کل سوء، وحرز من کل عدو» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵۶، ص ۷۹، ح ۷۸) «توکل بر خداوند مایه نجات از هر بدی و محفوظ ماندن از هر دشمنی است.» چنانچه از صدر اسلام تاکنون از شعب ابی طالب تا تحریم اقتصادی ایران پیروان اسلام با توکل به خدا، به مقاومت و ایستادگی پرداختند و بهترین الگو و سرمشق کشورها بودند و هستند.

ترس از فقر از جمله اموری است که همه جوامع در همه اعصار و در هر طبقه از آن گریزان بودند؛ اما برای مؤمنینی که ضمن تلاش و کار به خدا توکل داشته و از او مدد می جویند معنی و مفهوم ندارد. اما نگرش اینکه تعریف فقر و رفاه چیست چنانچه امام هادی (علیه السلام) می فرمایند: «الفقر شرة النفس و شدة القنوط؛ فقر، سیری ناپذیری نفس است و نومیدی شدید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۳۶۸، ح ۷۸) و نگرش سبک و چگونگی زندگی مرفه، چیزی است که

دشمنان برای رسیدن به هدف خود به وسیله آن به فرهنگ ما هجوم آوردند و برای رسیدن به اهداف خود از هیچ عملی مضایقه ننمودند، چنانچه امام علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «ضرر الفقر احمد من أشر الغنى (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۵۹۰۴)؛ زیان فقر، پسندیده‌تر از سرمستی توانگری است.» و «افقر الناس من قتر علی نفسه مع الغنى السعه، وخلفه لغيره (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ۳۳۴۲)؛ فقیرترین، مردم کسی است که با وجود توانگری و برخورداری، زندگی را بر خود تنگ گیرد و مالش را برای دیگری باقی گذارد.»

خودداری از آوردن فرزند به بهانه ترس از فقر و سختی زندگی یکی از دسیسه‌های شیطانی است، چرا که خداوند در آیات متعدّد فرزند را موجب نزول رحمت و برکت دانسته و روزی وی را خود وعده داده است. «ولا تقتلوا اولادکم خشیه املق نحن نرزقکم وایاکم ان قتلهم کان خطئاً کبیر (اسراء / ۳۱)؛ فرزندان خود را از بیم تنگدستی نکشید این ما هستیم که آنان و شما را روزی می‌دهیم. یقیناً کشتن آنان گناهی است بزرگ!»

آیه فوق مربوط است به رسوم دوران جاهلیت، زمانی که اعراب بجای توکل بر خدا و پرستش او بت‌ها را شریک خداوند قرار داده و بر شیطان تأسی می‌نمودند و گمان می‌کردند که خود روزی ده آنها هستند و چون خود را ناتوان می‌دیدند و از شریکانشان (بت‌ها) هم کاری ساخته نبود و آنها را در زندگیشان مؤثر نمی‌یافتند فرزندان خود را زنده به گور می‌کردند و یا قربانی بت‌ها می‌نمودند. در حالی که خداوند می‌فرماید: «ان ربی یسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر له؛ (سبا / ۳۹) وسعت رزق دست خداوند است که برای هر کس از بندگان که بخواهد وسعت ایجاد می‌کند و برای هر کس نخواهد تنگ می‌گرداند.»

نکته جالب اینکه طبق آیه می‌فرماید: نه تنها رزق فرزندان دست خداست و فرزند عامل فقر نیست بلکه گاهی رزق و روزی ما در سایه روزی فرزندان است. «نحن نرزقهم وایاکم»

پس کثرت فرزندان موجب فقر نیست؛ چنانچه در روایات بسیاری به عوامل فقر و تنگدستی اشاره شده است، از آن جمله؛ دم از ناداری زدن، حرص زدن، از فضل خداوند نطلبیدن، خیانت در امانت، کاهلی و ناتوانی، سرکیسه کردن مردم و نفرین فرزند؛ (محمدی‌ری شهری، ۱۳۷۵، باب فقر، قسم عوامل فقر) امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «ایما رجل دعا علی ولده أو رثه الفقر (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۷، ص ۹۹، ح ۱۰۴)؛ هر مردی که فرزند خود را نفرین کند فقر برایش به ارث گذارد.» البته مسلماً این منافاتی با این قضیه ندارد که لوازم و اسباب ترقی و زندگی بهتر و دارای امکانات بیشتر را انسان باید با ساماندهی و برنامه‌ریزی فرصت‌ها و البته با

توکل و حسن ظن به خداوند بدست بگیرد، چنانچه پیامبر اکرم ﷺ سعی می کردند برای نیازمندان به جای برطرف کردن نیاز آنی آنها کار و سرمایه ایجاد کنند؛ مثلاً با دادن طیور زنده به آنها که منجر به تولیدمثل و افزایش آن می شد زمینه کار و سرمایه را برای آنها فراهم می نمودند. مانند مثل معروف که می گوید بجای دادن ماهی، ماهیگیری را یاد دهید. اما متأسفانه تغییر نگرش در فرهنگ مردم از قناعت و توکل به سمت کسب حداکثر رفاه و امکانات؛ تسهیلاتی، که شاید بیشتر آنها در بیشتر اوقات و به دلایل متعدّد از جمله نداشتن وقت، همدلی، صمیمیت و... نه تنها به آسایش و راحتی آنها کمک نمی کند، بلکه اضطراب ناشی از، از دست رفتن آن نیز دغدغه ای بر مشکلات فکری و روحی آنها می افزاید.

در واقع دشمنان اسلام با تغییر سبک زندگی و تغییر فرهنگ و نگرش مسلمانان برنامه های بلند مدت قطع نسل مسلمین را دنبال می کنند.

۲-۲. زیبا جلوه دادن گناه

یکی از دسیسه های شریکانی که مشرکین برای خداوند برگزیدند این است که اعمال حرام و گناه را در نظرشان زینت دهند یعنی بعد از قدم اول که تغییر نگرش و فرهنگ یعنی عدم توکل به خدا و شریک قرار دادن و مؤثر دانستن غیر اوست؛ پا را فراتر می گذارند و گناهان و اعمال حرام را که دست مایه نگرش های غلط است در نظرشان جلوه می دهد. همانطور که در روایات هم آمده، انسانی که از راه صراط خارج شده ابتدا ذهن و نگرش او دچار تردید و شبهه و خطا می گردد و سپس این نگرش و افکار موجب نزدیکی او به گناه و ارتکاب عمل حرام می شود و این گناهان کم کم قلب او را سیاه می کند؛ چنانچه توبه نکند و بر گناه اصرار ورزد اعمال زشت ملکه او شده، تردید و ترس از گناه در او از بین برود و تا حدی پیش می رود که اعمال خود را بر حق می بیند و برایش زیبا جلوه می کند.

«من کثر فکرة فی المعاصی دعتة إلیها (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۳۲۱)؛ کسی که در مورد گناهان زیاد فکر می کند، گناهان او را به سوی خود می کشند.»

«لا زینت لهم فی الارض ولا غوینهم اجمعین (حجر / ۳۹)؛ [شیطان گفت] من هم [باطل را] در روی زمین حتماً برایشان می آریم (زینت می دهیم) و همه را گمراه می سازم.»

و باز می فرماید، کشتن فرزند فعل حرام است. «فَلْ تَعَالُوا اَنتُمْ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَیْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوَالِدَیْنِ إِحْسَاناً وَ لَا تَقْتُلُوا اَوْلَادَکُمْ (انعام / ۱۵۱)؛ بیائید آنچه پروردگارتان بر شما حرام

کرده بخوانم و آن اینکه چیزی را شریک او قرار ندهید و به پدر و مادر نیکی کنید و فرزندان را از بیم فقر نکشید.»

همان چیزی که در نظرشان زینت داده بودند: «و كذلك زين لكثير من المشركين قتل اولادهم شركائهم» (انعام / ۱۳۷) در این آیه می فرماید: «همچنین برای بسیاری از مشرکین، شریکانشان کشتن فرزند [یعنی همان فعل حرام] را زینت داده بودند.»

حضرت رسول ﷺ فرمودند: «دل بنده همیشه پذیرای بیم و امید است، تا آنگاه که خونی را به ناحق بریزد؛ پس چون خون ریخت دلش واژگون شود و بر اثر گناه کوره آهنگری تقطیده و سیاه شود و دیگر نه کار خوب را، خوب داند و نه کار بد را، زشت شمارد.» (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ۳۹۹۵)

۳-۲. هلاکت مسلمین

چنانچه گفتیم در ادامه آیه قبل خداوند می فرماید «قتل اولادهم شركائهم» (انعام / ۱۳۷)؛ کشتن فرزندان را زینت داده بودند که آنها را هلاک کنند.» یعنی کشتن فرزندان موجب هلاکت می شود که می توان دو نتیجه از آن گرفت. یکی اینکه به دلیل انجام حرام (قربانی کردن فرزندان خود برای بت ها و یا زنده به گور کردن آنها) به دلالت قرآن، هلاک می شدند و دوم آنکه تعداد نفرات آنها که به دلالت آیات متعدد که (فرزند را) موجب قوت و قدرت می داند رو به کاهش و سستی می رود.

«يمددكم باموال وبنين (نوح / ۱۲)؛ و شما را به اموال و پسران مدد کند.»

و نیز می فرماید:

«كالدّين من قبلكم كانوا اشدّ قوه و اكثر اموالا و اولادا فاستمتعوا بخلاقهم و خضمّ كالذي خاضوا اولئك حبّطت اعمالهم في الدنيا والاخره و اولئك هم الخاسرون (توبه / ۶۹)؛ (شما منافقان) که همانند کسانی هستید که قبل از شما بودند (و راه انفاق پوئیدند) و آنها از شما نیرومندتر و اموال و فرزندان شان فروتر بود، آنها از بهره خود (در دنیا در راه هوس ها و گناه) استفاده کردند، شما نیز از بهره خود در این راه استفاده کردید و اعمال شان در دنیا و آخرت نابود شد و آنها زیانکارانند.»

از فحوی آیات می توان استفاده کرد که یکی از بهره هایی که نصیب انسان می شود اموال و فرزندان است که موجب قدرت و قوت انسان می گردد. لکن به واسطه انجام گناهان

و پرداختن به هوس‌ها و کارهای باطل این نعمت از انسان گرفته می‌شود و هنگامی که این نعمت که موجب قدرت و نیروی ما بوده با معاصی از بین برود هلاکت ما امری حتمی است.

۴-۲. مشتبّه ساختن دین

در ادامه همان آیه می‌فرماید «لیردوهم ولیلبسوا علیهم (انعام / ۱۳۷)؛ و دینشان را بر آنان مشوش و مشتبّه سازند. [و یگانه پرستی را با خرافات بیامیزند]» حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اشبهه علی اربع شعب: اعجاب بالزینة وتسویل النفس، وتاؤل العوج، ولبس الحق بالباطل؛ شبهه چهار شاخه دارد: دل باختن در برابر زیور (دنیا)، و سوسه نفس، توجیه کردن کجی‌ها و آمیختن حق به باطل.» (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۹۳، ح ۲)

عشق به بت‌ها کار را به جایی رسانده بود که این عمل زشت از نظر آنها زیبا جلوه می‌کرد و حتی به آن افتخار می‌کردند؛ این آداب و رسوم غلط باعث شد تا کم‌کم آئین حق ابراهیمی تحریف و دگرگون گشته و خرافات به عنوان عبادت تلقی شود. کاری که مایه هلاکت نسل آنان می‌گردید. از قسمت قبل آیه پی بردیم که گناه باعث هلاکت انسان می‌شود و بدتر از آن توجیه و تزئین آن گناه است که علاوه بر آنکه عامل سقوط و هلاکت انسان است، دین آنها را هم مشتبّه ساخته و با خرافات آمیخته می‌کند. اینچنین طبق آیه قرآن، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال جلوه می‌دهند. «قل أرأیتم ما أنزل الله لکم من رزق فجعلتم منه حراماً وحلالاً قل والله أدن لکم ام علی الله تفکرون (یونس / ۵۹)؛ آن روزی‌هایی که خدا برای شما نازل کرده و شما برخی از آنها را حرام و برخی را حلال قرار داده‌اید. آیا خدا به شما اجازه داده است یا بر خدا دروغ می‌بندید.

لذا دشمنان اسلام که بزرگترین خطر را افراد دین‌دار می‌دانند ضمن اینکه برای هلاکت آنها از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند پیوسته در صدد هستند تا دین آنها را مشتبّه ساخته با انواع خرافات بیامیزند.

و برای خداوند شریک قائل می‌شدند. «وما یتبع الذین یدعون من دون الله شرکاء إن یتبعون الا الظن وان هم الا یخرون (یونس / ۶۶)؛ و کسانی که غیر از خدا شریکانی (برای او) می‌خوانند، از چه پیروی می‌کنند آنها صرفاً از پندار پیروی می‌کنند و جز دروغ نمی‌گویند.»

و قربانی کردن فرزندان را برای بت‌ها مایه تقرب خود به خدا می‌دانند. «قتل اولادهم شرکاءهم» بخاطر شرکائشان (بت‌ها) گاهی فرزندان خود را قربانی می‌کردند و یا نذر می‌نمودند که اگر فرزندی نصیب آنها شد آن را برای بت قربانی کنند و اینگونه حرام خداوند را حلال می‌نمودند.

۵-۲. استراتژی دشمنان

چنانچه گفتیم اموال و اولاد مایه قوت و قدرت است، در قرآن آیات متعددی وجود دارد که نشانگر افتخار و برتری جویی کفار بر مسلمین به دلیل کثرت اولاد و فرزندان و یا تعداد نفرات و سربازان بیشتر می باشد. «وقالوا نحن اکثر اموالا و اولادا و ما نحن ليعذبين (سباء/۳۴)؛ و گفتند اموال و اولاد ما بیشتر است [این آستانه تقرب ما به خداست] و ما عذاب نخواهیم شد.» و باز می فرماید: «اعلموا انما الحیوة الدنيا لعب و لهو و زينة و تفاخر بینکم و تکاثرفی الاموال و الاولاد؛ (حدید/۲۰) بدانید که زندگی دنیا بازی و سرگرمی و زینت و فخر فروشی شما به یکدیگر و افزون خواهی در اموال و اولاد و فرزندان است.»

خداوند پیامبر خود را هشدار می دهد که مبادا فکر کنی چرا اموال و اولاد که مایه قدرت و قوت است خداوند به کافران و مشرکان عطا نموده است، چرا که ما همین نعمت اولاد و ثروت را برای کفار و کسانی که گناهکارند و از کفر خویش بر نمی گردند، از آنجا که خود فکر نمی کنند مایه عذاب و نعمت قرار می دهیم.

«فلا تعجبك اموالهم انما يريد الله ليعذبهم بها في الحیوة الدنيا و تزيق انفسهم و هم کافرون (توبه/۵۶)؛ پس مبادا اموال و اولاد آنها تو را به شگفت آورد، جز این نیست که خدا می خواهد در زندگی دنیا با اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بر آید.»

اکنون نیز دشمنان اسلام با تلاش برای کاهش جمعیت کشورهای دیگر و برنامه ریزی دقیقی برای افزایش جمعیت و توان خود تلاش می کنند تا اهداف سلطه گرانه خود را با هزینه کمتری پیگیری کنند.

تنظیم خانواده که همواره مورد توجه و حمایت سازمان ملل و قدرت های بزرگ جهان از جمله آمریکا بوده است، از نوعی سلطه طلبی و برتری طلبی قدرت های بزرگ جهانی آغاز و با گذشت زمان، رنگ و لعاب کمک های بشر دوستانه و رفاهی و توسعه ای به خود گرفته است.^۱ این شعار بشر دوستانه پوششی است برای اجرای مخفیانه و مکارانه برنامه های سیاسی آنها، جهت تقطیع نسل مسلمین و هلاکت آنها و دست یافتن بر منابع و امکانات حداکثری و با هدف قرار گرفتن در قله اقتدار جهانی و سلطه بر سایر کشورها.

فرازی ازدعای امام در صحیفه سجادیه

«بار خداوندا تحیت و درود بر محمد و آل او بفرست و با مقام عزت خود سرحداتی کشور مسلمین را محفوظ بدار! و مرزداران و نگهبانان آن را به قوت خودت تأیید فرما! و از ثروت و هدیه‌های خود عطایشان را گوارا بنما (تا آن که عرض می‌کند). خداوندا بدین جهت، دشمنانشان را اسست گردان... و در جمعیت و تعدادشان کاهش بده و قلوبشان را از ترس و وحشت سرشار نما و دستشان را از گشادگی ببند!»

تا آن که عرض می‌کند: «بار خداوندا! رحم زن‌هایشان را عقیق کن و اصلا ب مردانشان را از نطفه خشک نما.... بار خداوندا به واسطه آن اهل اسلام را قدرت بخش و خانه‌هایشان را مصون بدار و اموالشان را بدان بارور و با ثمر کن و آنان را از جنگ و نبرد با آنها فارغ گردان تا به عبادت تو پردازند و از کارزار و منازعه با آنها آسوده کن تا با تو خلوت نمایند تا به جایی برسد که در هیچ نقطه از بسیط خاک غیر تو پرستیده نشود! (اشعرانی، ۱۳۸۶، ص ۹۴ تا ۹۶)

۱. قرآن کریم.
۲. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم ودرر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۳. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار پیامبر ﷺ با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۴. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۵۷ق.
۵. حرالعالمی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱۴، لبنان، دارالاحیاء التراث لبنان، ۱۴۰۳ق.
۶. شعیری، تاج الدین محمد بن محمد، جامع الاخبار، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۶۳.
۷. صحیفه کامله سجادیه، ترجمه و شرح: علامه آیت الله میرزا ابوالحسن شعرانی، انتشارات قائم آل محمد، ۱۳۸۶.
۸. طبرسی، امین الاسلام ابوعلی فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، انتشارات شریف رضی، قم، ۱۳۷۰.
۹. قمی، عباس، سفینه البحار، انتشارات اسوه، قم، ۱۴۱۴ق.
۱۰. قمی، عباس، مفاتیح الجنان.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۵ق. میزان الحکمة، ویراش جدید، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ویراش جدید، قم، دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق: سید جواد علوی، ناشر: دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۶۲ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲.
۱۵. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۱۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.



بررسی تاریخی و فقهی حضور زنان در مسجد

عسکری اسلامپور کریمی^۱

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین حضور بانوان در مسجد، از منظر تاریخ و فقه پویای اسلامی است. نویسنده با استناد به شواهد تاریخی و آیات و روایاتی که جواز یا عدم جواز حضور زنان در مسجد را بیان می‌کند، به تبیین این موضوع پرداخته است. مقاله در پنج گفتار تنظیم شده است:

در گفتار اول، تاریخچه حضور زنان در مسجد مورد بررسی قرار گرفت. شواهد تاریخی دال بر حضور در قبل اسلام و بعد از ظهور اسلام و عصر ائمه اطهار: تشریح شد. در گفتار دوم، حضور زنان در مسجد از نگاه فقه و فقها مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا، ادله فقها و دانشمندان قائل به افضلیت نماز برای زنان در خانه و قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد مورد نقد و بررسی قرار گرفت. در گفتار سوم، به تبیین و تشریح شرایط لازم برای حضور زنان در مسجد و دیگر عرصه‌های اجتماعی پرداخته شد.

در گفتار چهارم، به نقش برجسته زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل و شاخصه‌های زنان و مادران مسجدی پرداخته شد. در گفتار آخر (پنجم)، نقش مسجد در غنی‌سازی اوقات فراغت زنان و خانواده‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: مسجد، زنان، تاریخچه حضور زنان در مسجد، عدم جواز حضور، شرایط حضور، نقش برجسته زنان و مادران مسجدی، غنی‌سازی اوقات فراغت زنان و خانواده.

مقدمه

تربیت نفوس انسانی و رسیدن به کمال، از مهم‌ترین اهداف ارسال رسل و احکام‌ادیان الهی است. اسلام برای تربیت الهی مردان و زنان، دستورها و راهکارهایی در نظر گرفته است که از جمله مهم‌ترین آنها حضور در مسجد، اماکن و معابد مذهبی است.

زنان به عنوان نیمی از پیکر جامعه انسانی، همانند مردان در مشارکت عمومی، پایگاه و جایگاه مناسب دارند و نمی‌توان از نقش سازنده آنان چشم پوشید.

اسلام، با حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی مخالف نیست و آن را منع نکرده است؛ بلکه وظیفه اصلی وی را مادری، تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ و وارسته می‌داند؛ البته در کنار آن نیز به آنان اجازه داده تا با حفظ حریم، عفت و پاکدامنی خود، در اجتماع حضور یابند و برای رشد و ترقی خود و جامعه گام بردارند. تاریخ اسلام سرشار از صحنه‌هایی است که زنان آفریدگار آن بودند. در این نوشتار بر آنیم تا با مطالعه و بررسی تاریخ اسلام، (شواهد تاریخی) منابع فقهی و روایی اسلام به جواز حضور زنان در مسجد و نقش زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل بپردازیم.

الف) گفتار اول: بررسی تاریخچه حضور زنان در مسجد

قبل از اسلام

با بررسی تاریخچه حضور زنان در مسجد از منظر قرآن و روایات، به روشنی درمی یابیم که حضور زنان در مساجد و معابد (همزمان با حضور مردان) در ادیان الهی گذشته امری مشروع و عادی بوده است و هیچ گونه منعی در این مورد وجود نداشته است؛ چنان که مستندات قرآنی زیادی بر این مدعا وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می کنیم:

۱-۱. وحی به عمران بن اُشهم

خداوند پیش از ولادت حضرت مریم علیها السلام به پدرش «عمران بن اُشهم» که از نوادگان حضرت سلیمان بود، وحی کرد که فرزندی به او عطا خواهد کرد که به اذن خدا بیماران را شفا خواهد داد و مردگان را زنده خواهد کرد و او را به سوی بنی اسرائیل مبعوث خواهد کرد. وی این مطلب را برای همسرش «حنّه» بازگو کرد. (عیاشی ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ۱۷۱) پس از اینکه حنّه باردار شد، به تصوّر این که، این جنین همان فرزند موعود خواهد بود، او را نذر معبد کرد. (مجلسی ۱۴۰۴ ق، ج ۱۴، ۲۰۳) تا در آنجا به عبادت کنندگان خدمت کند. (عیاشی ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ۱۷۰) پس از ولادت حضرت مریم و فهمیدن آنکه این مولود دختر است، تعجب کرد که چگونه این دختر، همان پیامبر موعود خواهد بود. (قمی ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ۱۰۱) نگرانی مادر حضرت مریم علیها السلام جهت ایّام حیض وی بود، نه از جهت اصل حضور وی. او با این که زن بود، معاف نشد بلکه مشکل حضور دائمش برداشته شد و احتمال دارد خداوند حضرت مریم علیها السلام را از مشکلاتی که زنان را از حضور در مسجد منع می کند پاک کرده باشد. پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه ای

که به نجاشی می نویسد از حضرت مریم علیها السلام با صفت طیبه «بتول» یاد می کند. (ابن خلدون ۱۳۶۳، ۴۳۴) واژه «بتول»، در اینجا به زنی گفته می شود که خون حیض نبیند. شیخ صدوق از امام علی علیه السلام روایت کرده که از پیامبر صلی الله علیه و آله سؤال شد: ای رسول خدا! «بتول» یعنی چه؟ از شما شنیده ایم که گفته اید مریم و فاطمه هر دو بتول هستند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بتول آن زنی را می گویند که حیض نمی شود؛ زیرا حیض برای دختران انبیا ناپسند است. (صدوق، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ۱۸۱، ح ۱۴۴)

۲-۱. ساخت محرابی اختصاصی برای حضرت مریم در مسجد

در روایت آمده است محرابی اختصاصی برای حضرت مریم علیها السلام در معبد ساخته شد. خداوند به حضرت مریم علیها السلام دستور داد همراه مردان به عبادت پروردگار بپردازد. حضرت مریم علیها السلام در محراب به عبادت خداوند می پرداخت. «هر وقت که زکریا، (که شوهر خاله اش بود) به محراب نزد او می رفت، پیش او خوراکی می یافت.» (آل عمران/ ۳۷)

۳-۱. ایجاد حجاب بین خود (حضرت مریم) و مردان در مسجد

۴-۱. رسیدن دستور مبنی بر عبادت حضرت مریم همراه مردان

قرآن کریم در آیه ۴۳ سورة آل عمران می فرماید: «ای مریم! پروردگارت را خاضعانه فرمانبردار باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع بگزار.» از عبارت «با رکوع کنندگان رکوع بگزار» استفاده می شود که حضور زن در نماز جماعت همراه مردان در مسجد، جایز است.

۵-۱. عبادت حضرت مریم در محراب مسجد

همچنین خروج آن حضرت هنگام وضع حمل از مسجد که نشان دهنده جواز حضور او در مسجد است، چون ابتدا باید وارد شده باشد تا سپس جهت وضع حمل خارج شود.

۲. در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

بعد از ظهور اسلام و عصر پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به مواردی برمی خوریم که نه تنها نشان دهنده جواز حضور زنان در مسجد، بلکه بیانگر اهمیت حضور آنان و اهتمام و رغبت آن حضرت به این امر است. پس از ظهور اسلام، زنان جایگاه ممتازی در جامعه پیدا کردند. اسلام بسیاری

از آداب، رسوم و باورهای غلط درباره زنان را رد و ابطال نمود. در ذیل به نمونه‌هایی از حضور زنان در مسجد اشاره می‌کنیم:

۲-۱. برپایی اولین نماز جماعت در مسجد الحرام با حضور حضرت خدیجه که به پیامبر ﷺ اقتدای کرد

هنگامی که پیامبر ﷺ و امیر مؤمنان علی ﷺ و حضرت خدیجه ﷺ تنها مسلمانان روی زمین بودند، نماز را به جماعت می‌خواندند. عقیق کندی می‌گوید: من تاجر بودم، سالی به مکه آمدم، امر بس شگفتی را مشاهده نمودم، دیدم همه مردم به بت‌های چوبی و فلزی و سنگی در کعبه متوجه هستند، در این میان فقط سه نفر به سوی شام (مسجد الاقصی) عبادت می‌کنند.

عباس بن عبدالمطلب نزد من بود از او پرسیدم: اینها چه کسانی هستند و چه می‌کنند؟ گفت: آن مرد که جلو ایستاده برادرزاده‌ام «محمد» است و پسری که سمت راست او ایستاده، برادرزاده دیگرم «علی» است و زنی که با آنها نماز می‌گذارد، «خدیجه» همسر «محمد» است. پرسیدم: آیا مردم هم به دین و آیین او آمده‌اند؟! جواب داد: «به خدا سوگند، که به کران تا کران این زمین پهناور، جز این سه تن و انسان توحیدگرا، کس دیگری را بر این دین نمی‌شناسم.» (ابن اثیر، ج ۳، ۴۱۴)

۲-۲. بیعت زنان با پیامبر ﷺ در مسجد

بیعت در لغت به معنای عهد و پیمان و در اصطلاح به معنای پذیرش ریاست و حکومت کسی است. (لسان العرب، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ۵۵۷، «بیع») بیعت از سنت‌های عصر جاهلی است که به دوره اسلامی منتقل شده و مورد تأیید دین اسلام نیز قرار گرفته است. افزون بر مردان، زنان نیز در موارد متعدد با پیامبر ﷺ بیعت کرده‌اند که از میان آنها بیعت زنان پس از فتح مکه به «بیعت نساء» مشهور شده است.

پیامبر ﷺ با فتح مکه پس از بیعت مردان با ایشان، زنان را نیز به بیعت فراخواند که در آیه ۱۲ سوره «ممتحنه»، مواد بیعت این گونه طرح شده و فاقد هر گونه تعهد سیاسی است: «ای پیامبر! چون زنان با ایمان نزد تو آیند که با تو بیعت کنند [با این شرط] که چیزی را شریک خدا قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند و فرزندان خود را نکشند، دروغی را که در میان دست و پایشان بر بافته باشند پیش نیاورند، [فرزند دیگران را به شوهران خود نسبت ندهند]

و در هیچ کار شایسته‌ای مخالفت فرمان تو نکنند، با آنها بیعت کن و برای آنها از خداوند آمرزش بطلب که خداوند آمرزنده و مهربان است.»

۳-۲.

زنان هنگام تغییر قبله در مسجد ذوقبلتین حضور داشتند. یکی از زنان مسجدی عصر پیامبر ﷺ «نوله بنت اسلم» است که در روز تغییر قبله، در نماز جماعت مسجد بنی حارثه شرکت داشت و ماجرای آن روز را چنین تعریف می‌کند: دو رکعت از نماز ظهر یا عصر را در مسجد بنی حارثه رو به قبله بیت المقدس خوانده بودیم، که شخصی خبر آورد: پیامبر ﷺ به طرف بیت الله الحرام روی کرده است؛ بلافاصله مردان به مکان زنان و زنان به مکان مردان تغییر محل دادند و چرخیدند و دو رکعت دیگر را رو به بیت الله الحرام گزاردیم. (اسد الغابه، ج ۵، ۵۵۷)

۴۲. سفارش پیامبر ﷺ به خروج زنان از مسجد بعد از مردان

روایت است که روزی پیامبر ﷺ بیرون مسجد بودند و دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند، ایشان رو به زنان کردند و فرمودند: بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما. (ابوداود، ج ۲، ۵۳۳، ح ۵۲۷۲)

۵۲. وجود «باب النساء» در مسجد پیامبر ﷺ که نشان دهنده رغبت پیامبر ﷺ و کثرت حضور زنان است به طوری که باب مخصوص داشتند. اگر بنا بود زنان به مسجد نیایند، «باب النساء» مفهومی نداشت. در روایت آمده است که روزی پیامبر ﷺ به یکی از درهای مسجد اشاره کردند و فرمودند: خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم. (ابوداود، ج ۲، ۵۳۳، ح ۵۲۷۲)

۶-۲. اعتکاف همه ساله پیامبر ﷺ با همسران خود در مسجد و جواز اعتکاف زنان در مسجد

امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «اعتکاف یا در مسجد الحرام یا مسجد پیامبر ﷺ یا مسجد جامع هر شهری منعقد می‌شود و سزاوار نیست معتکف از مسجد خارج شود؛ مگر اینکه ضرورت باشد و وقتی کارش را انجام داد، بدون اینکه بنشیند برگردد، و زنان مثل مردان هستند.» (کلینی، ۱۴۰۵ ق، ج ۴، ۱۷۶، ح ۲ و ۱۷۷، ح ۱) بنابراین، معلوم می‌شود زنان هم می‌توانند به مسجد بیایند و معتکف شوند. در روایتی آمده است: زنان پیامبر ﷺ گاه با آن حضرت در مسجد معتکف می‌شدند. (ابوداود، ج ۱، ۵۲۳، ح ۲۴۷۶) قرآن کریم هم می‌فرماید: «با زنان هنگام

اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید.» (بقره/۱۸۷) بنا بر این روایت، اگر زنان بیرون از مسجد باشند، این سخن خداوند در قرآن معنا ندارد؛ از این رو یا معتکفان یا زنانشان معتکف بودند یا زنان در مسجد به دیدار مردان می آمدند. در روایتی آمده است:

«امام صادق علیه السلام فرمود: اگر زنی که در حال اعتکاف است، [به واسطه حیض] از نماز باز ماند و از مسجد بیرون رود و دوباره پاک شود، شایسته نیست همسرش با او نزدیکی کند تا اینکه زن به مسجد بیاید و اعتکاف خود را به پایان برساند.» (طوسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ۳۹۸، ح ۱۲۴۰)

۷-۲. تاریخ از وجود زن مسلمان سیاه پوستی به نام محجنه (ام محجن) در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله خبر می دهد که خادم و نظافت کننده مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است.

ابوسعید می گوید: زنی سیاه چرده، که مسجد را جارو می کرد، شبی وفات کرد. هنگامی که صبح شد، پیامبر صلی الله علیه و آله را از مرگش با خبر کردند. ایشان فرمودند: چرا مرا از مرگ او آگاه نکردید؟ آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله با اصحابش بر قبر او حاضر شدند، آن حضرت کنار قبر ایستاد و تکبیر گفت و در حالی که مردم نیز پشت سرش بودند، بر او نماز گزارند و برای او دعا کردند. (بخاری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ۱۱۹ و ۱۱۶، ج ۲، ۹۲) طبق برخی روایات، حضرت فرمود: اینک او را در بهشت می بینم. (اسدالغابه، ج ۵، ۶۱۷)

۸-۲. پرستاری زنان از مجروحان در مسجد

در تاریخ نقل شده است که در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر صلی الله علیه و آله و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می کردند. واقدی می نویسد:

«در ماجرای جنگ اُحُد مردم در مسجد، چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم بندی می کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر صلی الله علیه و آله ایشان را در خیمه «کعبیه»، دختر سعد بن عتبه در مسجد پیامبر، جای داد. این زن زخمی هارا معالجه می نمود و از اشیاء گمشده و پراکنده نگهداری می کرد.» (سباعی مکی، ۱۳۷۳ش، ۴۷)

۹-۲. همراهی پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در رفتن به مسجد

نقل شده است: روزی امام علی علیه السلام وارد منزل می شود و همسرش، فاطمه علیها السلام را نمی یابد؛ از منزل خارج می شود و به سوی مسجد روانه می گردد، در مسجد نماز می خواند و سپس مقداری شن در مسجد جمع می کند و به آن تکیه می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه علیها السلام در حالی که

حسنین علیه السلام را در آغوش داشتند و دست امّ کلثوم را در دست گرفته بودند به مسجد می آیند. در مسجد می بینند که امام علی علیه السلام همان گونه که بر شن ها تکیه داده بود خوابش برده است. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پای مبارکش را روی پای مبارک امام علی علیه السلام می گذارد و مقداری فشار می دهد و می گوید: «قُمْ يَا أَبَا تُرَابٍ» (بلند شو ای ابوتراب). در این حدیث مشاهده می شود که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به مسجد تشریف برده اند، در حالی که ضرورتی هم نبوده است. (واقعی مغازی، ۱۳۶۱ ش، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۱۸۰)

۲-۱۰. علم آموزی زنان مسلمان در مساجد

شواهد نشان می دهد که تعلّم در مساجد، خاصّ مردان نبوده است. زنان مسلمان نیز مجاز بودند به مساجد بروند و به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله گوش دهند و گاهی از آن حضرت سؤال کنند. اگر احساس می شد زنان، به هر دلیل، سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله را نشنیده اند، پیامبر صلی الله علیه و آله آنان را دوباره موعظه و نصیحت می کرد. (ابوداود، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۵۱۷)

۲-۱۱. حضور زن در مسجد برای رفع آلودگی مسجد

حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد محراب امام جماعتی شد و چون محراب به آب دهان آلوده شده بود، با امام جماعت برخورد کرد. همسر امام جماعت از علت برخورد با شوهرش با خبر شد و آب دهان را از محراب پاک کرد. حضرت فرمودند: شوهر را به علت همسرش بخشیدم. (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ۳۷۶، ح ۳۸۲۱) به نظر می آید این زن در مسجد بوده است که مطلع شده است یا بعد از اطلاع، به مسجد آمده است و در محراب حاضر شده است و پیامبر صلی الله علیه و آله به این حضور اعتراض نکرده اند.

۲-۱۲. سرعت نماز پیامبر صلی الله علیه و آله بخاطر گریه نوزاد که معلوم می شود آمدن زن و بچه به مسجد نه اینکه پیامبران انا را حث نکرده، بلکه بخاطر مادری، جماعت را کوتاه کرده است.

امام صادق علیه السلام از پدر گرامیش نقل می کند که فرمود: «پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام خواندن نماز جماعت، صدای گریه طفلی را شنید که مادرش او را با خود به مسجد آورده بود. آن حضرت نماز را کوتاه کرد تا مبادا نگرانی در مادرش پیدا شود.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ۴۷۰)

۲-۱۳. نماز صبح را حضرت زودتر می خواندند که تا هوا تاریک است زنان به خانه ها برسند

در منابع اهل سنت نقل شده است: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز صبح را در تاریکی می خواندند و زنان

مؤمن پس از نماز، در همان تاریکی به منزل برمی گشتند. به علت تاریکی، دیگران آنها را، و حتی خودشان یکدیگر را نمی شناختند. (بخاری ج ۱، ص ۲۱۱)

۱۴-۲. حضور «فاطمه بنت اسد»، مادر امام علی (ع)، در مسجد الحرام هنگام وضع حمل
او که زنی پارسا بود به مسجد آمده بود، در صورتی که اگر منع بود، نمی آمد و در این مورد کسی ایشان را سرزنش نکرد بلکه سند افتخار هم شد.

۱۵-۲.

در منابع اصیل اهل سنت آمده است: فاطمه بنت قیس می گوید: «چون زمان عده ام سپری شد، صدای منادی نماز جمعه را شنیدم، و به همراه دیگر مردمان که می رفتند، روانه شدم و در صف اول صفوف زنان که به دنبال صفوف مردان بود، ایستادم.» (قشیری نیشابوری، ج ۲، ۳۲-۳۳؛ بخاری ۱۴۱۹ق، ج ۱، ۴۳۹ و ج ۳، ۱۱۹)

۱۶-۲.

در زمان خلیفه دوم (عمر)، زنان به امامت شخصی به نام «سلیمان بن ابی خثیمه» انصاری در رجه مسجد، نماز جماعت می خواندند چنان که مردان به امامت ابی بن کعب نماز جماعت برگزار می کردند. (ابن سعد، ج ۵، ۲۶-۲۷)
در روایتی آمده است: «زنی قریشی به نام «عاتکه بن زید» پیوسته در نماز جماعت مسجد النبی حاضر می شد، عمر بن خطاب از او خواستگاری کرد؛ وی به این شرط که او را از نماز جماعت در مسجد منع نکند، پذیرفت با عمر ازدواج کند؛ عمر نیز با نارضایتی پذیرفت؛ بعد از مرگ عمر، وقتی زییر از او خواستگاری کرد باز همین شرط را مطرح نمود، زییر هم به ناچار پذیرفت، و او به نماز جماعت مسجد می رفت...» (احمد حنبل، ج ۴۰، ۱)

۱۷-۲.

در تاریخ آمده است که: خلیفه سوم (عثمان) مردان و زنان را در نماز جماعت مسجد در یک جا جمع کرد، ولی امیر المؤمنین (علیه السلام) در زمان خلافتش دوباره زنان را از مردان جدا کرد و شخصی به نام «عرفجه» با زنان نماز می خواند. (ابن سعد، ج ۵، ۲۶-۲۷)

۱۸-۲.

در برخی روایات نبوی (ص) آمده است که هرگاه زنان اذن حضور در مسجد را در شب هنگام

خواستند، اجازه دهید؛ «هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید.» (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ۶۷۷ ح ۲۰۸۷۲)

پیامبر ﷺ در دو بیان جداگانه می فرماید: «لَا تَمْنَعُوا نِسَاءَكُمْ مِنَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِاللَّيْلِ» (همان، ج ۷، ۶۷۷ ح ۲۰۸۷۲) و نیز فرمود: «شب هنگام که زنان تن برای رفتن به مسجد اجازه می خواهند، رخصت دهید.» (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۶۷۷ ح ۲۰۸۷۲)

در شب که خوف بیشتر برای زنان است می فرماید: اجازه دهید، پس در روز اولی است که به مسجد بروند.

۲-۱۹. سیره خود پیامبر ﷺ، دلیل گویایی بر جواز حضور زنان در مسجد است

چنان که ابن عباس درباره پیامبر ﷺ و عملکرد ایشان چنین می گوید: «پیامبر ﷺ دختران و زنان خود را برای اقامه جماعت در نمازهای عیدین به خارج خانه می بردند.» (ابن جوزی ۱۴۱۷ق، ۲۰۱)

۲-۲۰.

امام علی علیه السلام درباره حضور زنان در نماز جماعت مسجد، در روزهای آغازین رسالت نبوی ﷺ چنین می فرماید: «زنان در عصر پیامبر ﷺ نماز را با پیامبر ﷺ به جای می آوردند. به زنان دستور داده شده بود که چون لباس مردان کوتاه بود، قبل از مردان سر از سجده برندارند.» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۳۹۶ و قشیری نیشابوری، ج ۴، ص ۱۶۱) بنابراین، حتی در منابع اهل سنت نیز روایات و شواهد تاریخی فراوانی وجود دارد که بیانگر حضور زنان در مسجد و جماعات است.

با توجه به مطالب یادشده، به خوبی درمی یابیم که حضور زنان در مسجد و جماعات هادر عصر پیامبر ﷺ، از نظر تاریخی امر ثابت و مسلم است.

۳. در عصرائمه اطهار

۳-۱.

روایتی از عایشه نقل شده است: «لَوْ أَدْرَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا أَخَذَتْ النِّسَاءُ لَمَنْعَهُنَّ مِنَ الْخُرُوجِ» این گفته نشان دهنده حضور زنان در مسجد در زمان امام علی علیه السلام است.

۳-۲. حضور حضرت زهرا (ع) در مسجد برای احقاق حق

در تاریخ آمده است که حضرت زهرا (ع) برای دفاع از حق خود (فدک) و دفاع از امام علی (ع) به مسجد آمدند، (ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ۲۱۱ و اربلی ۱۴۰۵ ق، ۱۰۲) (البته با حفظ کامل حجاب) و سخنرانی مشهور خود (خطبه فدکیه) را در محاجه با ابوبکر عنوان کردند. (قشیری نیشابوری، ج ۴، ۱۶۲) به طوری که ابوبکر مجبور شد قبالة فدک را به او برگرداند. (هرچند توسط عمر پس گرفته شد).

سخنان نخست فاطمه (ع) در مسجد النبی، سینیای صلابت و خطبه خدایی آن حضرت بود که تا روز رستاخیز همگان را از گنجینه معارف و حقایق بهره‌مند ساخت و دایرة المعارفی از ناب‌ترین آموزه‌های آسمانی را ارائه نمود. (صدوق، ۴۰۵ ق، ج ۳، ۵۶۷)

۳-۳. در تاریخ خونبار تشیع در مورد حضرت زینب (ع) آمده است

خطبه کوبنده سفیر کربلا در مسجد اموی، چنان اوضاع مجلس آراسته یزید و او را آشفته کرد که یزید دچار سردرگمی شد و ترسید با افشاگری‌های دختر علی بن ابی طالب (ع) پایه‌های حکومتش دچار تزلزل شود. ترس زمانی بیشتر شد که حضرت زینب (ع) در مسجد شام هنگامی که امام سجاد (ع) مشغول ایراد خطبه افشاگرانه خود بود، با فریادهای رسا آن امام را یاری کرد.

در سیره رفتاری آن بانوی بزرگوار ثبت است: برای این که نامحرمی ایشان را نبیند، شبانه به زیارت قبر جدش، رسول الله (ص) می‌رفت، با وجود این مشاهده می‌کنیم وقتی که اسلام در خطر می‌افتد، همراه برادر به میدان کربلا آمد و آن گونه در بازار کوفه، آتشین سخنرانی کرد یا در مسجد اموی شام و مجلس یزید آن گونه در میان نامحرمات سخنرانی نمود و از اسلام و امام سجاد (ع) دفاع کرد. (ابومخنف الازدی، ۲۰۵ و ۲۲۶)

ب) گفتار دوم: بررسی فقهی حضور زنان در مسجد

روایات وارده در خصوص حضور زنان در مسجد، بر دو قسم قابل تقسیم است:

دسته‌ای از روایات، مسجد زن را خانه و منزل مسکونی وی دانسته است، و دسته‌ای از روایات، بیانگر جواز حضور بانوان در مسجد است. فقها و اندیشمندان شیعه با توجه به این دو دسته از روایات و نیز دسته دیگری از روایات که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مسجد برای انسان - اعم از زن و مرد - است، نسبت به حضور زنان در مسجد، اختلاف نظر دارند.

عده‌ای همچون، علامه حلی حضور بانوان را در مساجد مکروه دانسته‌اند. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ۹۰) عده زیادی از فقها گرچه حکم به کراهت نداده‌اند، ولی خواندن نماز در خانه را برای زن افضل شمرده‌اند؛ دلیل این دو دسته، برخی آیات و روایات است که در ذیل به تشریح آن می‌پردازیم. برخی از فقه‌های عظام شیعه نه تنها جواز، بلکه استحباب را در حضور زنان در مساجد دانسته‌اند.

ادله فقها و دانشمندان قائل به افضلیت نماز برای زنان در خانه

۱-۱. آیات

خداوند در قرآن کریم به زنان پیامبر ﷺ دستورهای خاصی داده است تا ارزش و احترام آنان محفوظ بماند. از جمله:

۱-۱-۱. «ای زنان پیامبر! اگر تقوا پیشه کنید، مانند هیچ یک از زنان نیستید؛ پس در گفتار، نرمی نکنید تا آن که بیمار دل است، طمع کند و سخن پسندیده بگویید.» (احزاب/۳۲)
 علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ...» می‌نویسد: «خداوند آنها را از خضوع در گفتار که همان نازک و نرم ساختن کلام با مردان به گونه‌ای هوس‌انگیز و

شهوت زاست، نهی کرده است؛ تا آنان که بیمار دلند، یعنی از ایمان قوی و بازدارنده از میل به فحشا برخوردار نیستند، به طمع خام نیفتند.» و در ذیل جمله «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» می فرماید: «سخن معمولی و درست و استوار که مورد قبول دین و عرف اسلامی است بگویند. یعنی سخنی که آهنگ آن به بیش از مدلول و معنای آن اشاره نداشته و از اشاره به فساد و هوس و شهوت خالی باشد.» (طباطبائی ۱۳۹۲ق، ج ۱۶، ۱۷۴)

در تفسیر نمونه آمده است: بلکه هنگام سخن گفتن، جدّی و خشک و به طور معمولی سخن بگوئید؛ نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با تعبیرات تحریک کننده که گاه توأم با اداء و اطوار مخصوصی است که افراد شهوتران را به فکر گناه می افکند سخن بگویند. (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۶۸ش، ج ۱۷، ۲۸۹)

«خضوع در قول (گفتار)»، حالت خاصی از گویش، همراه با نرمی در گفتار و نازکی صدا در ادای کلمات است؛ نظیر سخن گفتن زن با همسر خود در موارد خاص یا حرف زدن مادر با کودک خردسال خود در مواقعی که می خواهد توجه او را به خود جلب کند. ویژگی این نوع گویش آن است که احساس ویژه‌ای در مخاطب ایجاد کرده، و دل او را به گوینده جلب می کند. قرآن کریم در این آیه شریفه از همسران پیامبر ﷺ خواسته است که در ارتباط گفتاری خود با مردان، این گونه سخن نگویند؛ زیرا این امر سبب طمع مردان ضعیف‌الایمان در آنان می شود. بنابراین، معنای آیه این است: هنگام سخن گفتن با مردان اجنبی، صدای خود را نازک نکنید و کلمات و جملات را نرم و دلربا ادا نکنید؛ زیرا این گونه سخن گفتن آنان را (نسبت به مسائل جنسی) به طمع می اندازد. (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۸، ۱۵۵ و تفسیر صافی، ج ۴، ۱۸۶)

گرچه آیه شریفه در ردیف آیاتی است که زنان پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار داده و نهی در آن با «فاء» بر جمله «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنَّ اتَّقِيْنَ» (احزاب/ ۳۲) که خطاب به زنان پیامبر ﷺ تفریع و بر آن مترتب شده و ظاهرش این است که دستوری که در آیه بیان شده ویژه زنان پیامبر ﷺ است و آنان را از خضوع در گفتار نهی کرده، اما روشن است که رعایت این ادب برای همه زنان است و به زنان پیامبر ﷺ اختصاص ندارد؛ زیرا اولاً، نزول آیه در مورد همسران پیامبر ﷺ دلیل بر اختصاصی بودن حکم آیه به آنان نیست. ثانیاً، «فاء» در «فیطمع»، سببیه است و به علّت و سببیت این گونه سخن گفتن در تحریک و تهییج مرد و تمایل او به زن اشاره دارد و چون این علّت در کیفیت گویش جنس زن وجود دارد و مربوط به

طبیعت زن است، پس عمومیت دارد و مختص همسران پیامبر ﷺ نیست. در نتیجه، رعایت این ادب مخصوص زنان پیامبر ﷺ نبوده، همه زنان را شامل می شود. (موسوی خوئی ۱۴۱۰ ق، ج ۱، ۱۰۳) گرچه از فاء تفریع فهمیده می شود که رعایت این ادب برای زنان پیامبر شایسته تر است. (طباطبائی ۱۳۹۲ ق، ج ۱۶، ۳۰۸)

پس از آنکه آیه زنان را از کیفیت نامطلوب ارتباط گفتاری نهی کرد، به بیان کیفیت صحیح اشاره کرده و فرموده است: «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا».

این قسمت از آیه شریفه پاسخی به این پرسش است که زن در ارتباط گفتاری خود با مردان، به چه طرز و با چه کیفیتی سخن بگوید. جوابی که آیه داده این است که زن باید به گونه معروف و به شیوه پسندیده سخن بگوید.

قول معروف چیست؟ جمله «وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا» در این آیه، در مقابل «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» قرار گرفته است. از این رو، به قرینه مقابله فهمیده می شود «قول معروف» چیزی در مقابل «خضوع در قول» است. بنابراین، «قول معروف» گفتاری است که در طرز ادای آن ناز و کرشمه، ادا و اطوار و ناز کی صدا و هر چیزی که مخاطب را به طمع بیندازد و دل او را به زن جلب کند وجود نداشته نباشد. (طباطبائی ۱۳۹۲ ق، ج ۱۶، ۳۰۸)

نکته شایان توجه این که، زن به خاطر جاذبه طبیعی خود، در همه جنبه های رفتاریش می تواند بر مردان تأثیر بگذارد؛ مثلاً هنگام سخن گفتن، بانرم و نازک کردن صدایش و استفاده از لحن فریبنده، حرکات لب و دهان و شوخی ها، می تواند تأثیر زیادی در قلب افرادی که بیمار دل هستند و ایمانی ندارند تا در برابر تحریک ها مقاومت کنند، بگذارد.

۱-۲. «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید. (احزاب/۳۳)

واژه «قرن» از وقر- یقر به معنای استقر، مستقر شدن و بر جای ماندن است. «سید قطب» با توجه به این معنا، نوشته است: «قرن، تعبیر لطیفی است؛ یعنی: خانه، پایگاه زن است؛ از این رو، زن به قدر نیاز و حاجت می تواند از منزل خارج شود.» (سید قطب، ج ۵، ۲۸۵۹) در تفسیر «فرقان» نیز آمده است: قرن از قرّ یقرّ، امر آن: «اقررن» است. آیه شریفه، زنان را به قرار گرفتن در خانه امر می کند و اینکه بدون حاجت از منزل خارج نشوند. (صادقی تهرانی، ج ۲۲، ۱۰۵)

«تبرج» به معنای خودنمایی و جلوه‌گری است. در کهن‌ترین متن لغوی یعنی کتاب «العين» آمده است: آنگاه که زن زیبایی‌های گریبان و چهره را بنمایاند، گفته می‌شود: تبرج کرده است. (فراهیدی ۱۴۰۹ق، ج ۶، ۱۱۵)

صاحب مصباح المنیر نیز جلوه‌گری و عرضه‌ی زیبایی‌ها را مفهوم تبرج دانسته و نوشته است: «تبرجت المرأة؛ یعنی: زن، زیبایی‌ها و زینت‌هایش را در مقابل نامحرم، آشکار سازد.» (فیومی، ج ۱، ۲۳۸)

صاحب کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن» پس از آن که اقوال مختلف را نقل کرده، نتیجه گرفته است: ماده برج، به معنای ظهور و آشکار ساختن است. از این رو، بر قصر مرتفع، ساختمان بلند و... همچنین بر زنی که زیبایی‌هایش را در مقابل نامحرم ظاهر می‌سازد، اطلاق می‌شود.

همچنین در تفسیر المیزان در تعریف تبرج آمده است: «کلمه تبرج به معنای ظاهر شدن در برابر مردم است. همان طور که برج قلعه برای همه هویدا است...» (طباطبائی ۱۳۹۲ق، ج ۱۶، ۴۶۲)

در تفسیر نمونه، ذیل آیه «لَا تَبْرَجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى...» آمده است: همچون جاهلیت نخستین، در میان جمعیت ظاهر نشوید و اندام و وسایل زینتی خود را در معرض تماشای دیگران قرار ندهید... تبرج به معنی آشکار شدن در برابر مردم است... (مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان ۱۳۶۸ش، ج ۱۷، ۲۸۷)

این آیه شریفه، بیانگر اهمیت حجاب اسلامی و نهی از خودنمایی است که به زنان مسلمان دستور می‌دهد همانند زنان عصر جاهلیت نخستین، برای حضور در اجتماع، از خودنمایی و خودآرایی بهره‌نمایند. روشن است که مراد، محصور و محبوس نمودن زن در خانه و بریدن او با اجتماع نیست؛ زیرا مخاطبان آیه، یعنی زنان پیامبر ﷺ به شهادت تاریخ همراه آن حضرت به مسافرت رفته، در جنگ‌ها شرکت جسته و پیامبر ﷺ نیز منعی نفرموده است.

۱-۳. «ای پیامبر! به زنان و دختران خود و به زنان و مؤمنان بگو که چادر خود را بر خود فرو پوشند. این مناسب‌تر است، تا شناخته نشوند و مورد آزار قرار نگیرند.» (احزاب/ ۵۹)

این آیه شریفه، فلسفه پوشش زنان را با تعبیر «ذَلِكَ أَذَى أَنْ يُعْرِفَنَّ فَلَا يُؤْذَنَنَّ» بیان کرده است: یعنی پوشش، نزدیک‌ترین راه است که زنان به ستر و عفاف شناخته شوند و نااهلان

و فاسدان در مقام تعقیب آنان برنیایند و به آنها اذیت و بی احترامی نکنند و نگاه هوس آلود و پرتما به آنان نداشته باشند. (طبرسی، ۱۴۲۳ق، ج ۲۰، ۱۷۷)

زینت زن اگر برای خود و محرّمش حفظ شود، پاداشی ارزنده نزد خدا برای وی در نظر گرفته شده و زنان باید بکوشند تا با خویشتنداری به آن پاداش دست یابند و خدا خواسته تا ارجمند باشند و جایگاه آنان بر جا باشد. به هر صورت، این دستورات فقط برای همسران و اهل بیت پیامبر ﷺ نیست. وقتی زنان پیامبر ﷺ باید در خانه بمانند تا حرمت آنان خدشه دار نشود، دیگر زنان هم چنین هستند این سفارش به خودداری از بیرون آمدن از خانه، به دلیل حفظ شئون اسلامی است. (طبرسی، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۳۷۰؛ علی بن ابراهیم قمی، ج ۲، ص ۱۹۶؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۰۷)

۲-۱. روایات

همچنین قائلین به افضلیّت نماز برای بانوان در خانه، به برخی از احادیث وارده از معصومان: که بر افضلیّت نماز زنان در خانه دلالت دارد، تمسّک جسته‌اند. جهت اختصار به نمونه‌هایی از این روایات از منابع شیعه و سنی، اشاره می‌کنیم:

پیامبر ﷺ فرمودند: «به تنهایی و در خانه نماز خواندن زن، مثل نماز در جمع است در حالی که بیست و پنج درجه فضیلت دارد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۵، ۲۳۷ و مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۸۰، ۳۷۱)

همچنین فرمودند: «بهترین مسجد زنان، خانه است؛ و نماز در خانه برتر از نماز او در ایوان است؛ و نماز او در ایوان برتر از نمازش در حیاط خانه‌اش است؛ و نماز او در حیاط خانه، برتر از نمازش بر پشت بام خانه است.» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۳۷۴، ح ۱۰۸۸)

در «نهج الفصاحه» نیز از آن حضرت چنین نقل شده است: «بهترین مسجد زنان، کنج خانه آنها است.» (پاینده، ۱۳۷۴ش، ۴۷۴، ح ۱۵۳۲)

«نمازی که زن، در تاریک‌ترین گوشه خانه خود بجا می‌آورد، از همه نمازهای او نزد خدا محبوبتر است.» (همان، ۶۹۰ ح ۲۵۸۸)

امام صادق (ع) در این باره فرمودند: «بهترین مساجد برای زنان شما خانه‌ها است.» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۲۳۸ و مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۸۰، ۳۷۱)

همچنین فرمودند: «نماز زن در اطاق عقبی (پستو)، برتر از نماز او در اطاق جلویی است و نماز او در اطاق نشیمن، برتر از نمازش در خانه‌اش است.» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ۳۹۷ و حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۵، ۲۳۶)

یکی از همسران پیامبر ﷺ از آن حضرت نقل می کند که فرمودند: «بهترین مساجد برای زنان، اطاق های عقب خانه های آنان است.» (زرکشی ۱۴۰۳ق، ۳۰۹)

همانند این روایات، در منابع اهل سنت نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است. (ابوداود، ج ۱، ۱۳۷، ح ۵۷)
پیامبر ﷺ به امام علی ؑ فرمود: «ای علی! بر زنان نماز جمعه و جماعت و اذان و اقامه واجب نیست.» (مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۸۱، ۱۱۵)

از نظر فقهی، در فقه شیعه و سنی در این مسئله تقریباً نظریه واحدی وجود دارد و آن این که ادله وجوب نماز جمعه به چند دسته تریخص داده است؛ یک دسته از آنها زنان هستند. نماز جمعه یک تکلیف واجب است که در زمان حضور معصوم ؑ واجب تعیینی بود. چند گروه از این حضور معاف بودند؛ بنابراین، بیان و لسان ادله، رفع کلفت و الزام است، نه ایجاد ممانعت؛ به عبارت دیگر، وجوب نماز جمعه منوط به مذکر بودن است، نه جواز آن. بر همین اساس، فتوای اکثر قریب به اتفاق فقه های عظام این است که در صورت حضور، نماز جمعه زنان صحیح و کفایت از نماز ظهر آنان می کند. حتی برخی از این هم فراتر رفته و فرموده اند: زنان در صورت عدم حضور، تکلیفی نسبت به نماز جمعه ندارند؛ ولی اگر در جماعت حضور پیدا کردند، بر آنها واجب می شود. مانند صاحب سرائر که می نویسد: در صورت عدم حضور، نماز جمعه جایز و گر نه واجب است. (مروارید، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۷۱۸)

شهید اول، در «دروس الشرعیّه» می گوید: «و مع الحضور، تجب.» (همان، ج ۲۸، ۶۴۷)
برخی از علما، فتوای فوق را درباره باقی معذورین غیر از زنان؛ مانند بیماران، صحیح می دانند، ولی در زنان صحیح نمی دانند. چنان که محقق اردبیلی با این نظر مخالفت نمودند. وی گرچه نماز جمعه زنان را فقط مجزی دانسته، نه واجب؛ ولی برای فرق میان زنان و سایر معذورین؛ چه از نظر اجزاء و عدم اجزاء و چه از حیث وجوب و عدم وجوب، ادله وارده را تمام نمی داند، بلکه می فرماید:

«فهو رخصة لمنوة بالعلّة فعلی تقدیر عدمها لا یسقط... لأن الساقط هو السعی والشهود... و سقوط الشهود لا یستلزم سقوط الصلاة مطلقاً...» بعد می فرماید تمام ادله در مورد زنان هم جاری هستند: «فالفرق بینها و بین غیرها محل تأمل.» (محقق اردبیلی ۱۴۰۹ق، ج ۲، ۳۴۵)
امام خمینی ؑ نیز نماز جمعه برای زنان را جایز و مجزی از نماز ظهرشان می داند. (امام خمینی، ج ۱، کتاب الصلاة، فیمن تجب علیه صلاة الجمعة، ۲۳۷)

به هر حال، حکم فقهی مسئله در کلمات فقه‌های عظام موجود است و غرض از این توضیح، ارائه گزارشی از جواز حضور زنان در نماز جمعه، سنت بودن آن در کتاب‌های روایی و فقهی بود. مبنی بر اینکه فتوای مشهور فقه‌های عظام، جواز و اجزای نماز جمعه زنان است. همچنین منابع روایی اهل سنت نیز روایاتی که رجحان نماز در خانه را بر نماز جماعت زنان ثابت می‌کنند، وجود دارد؛ از جمله، روایت ذیل که ابوداود و حاکم نقل کرده‌اند: «نماز زن در خانه‌اش، از نماز در مسجد برتر است؛ البته در کتاب «تحریر المرأة فی عصر الرسالة» در صحت این روایت خدشه شده است.» (ابوشقه ۱۴۱۱ق، ج ۱۳، ص ۲۲۰)

در کتاب‌های فقهی معاصر فقه‌های اهل سنت، مسئله خروج زنان برای اقامه جماعت، منوط به ایمنی از وقوع در فتنه، عدم ازدحام مردان در خیابان‌ها و بازارهای منتهی به مساجد ذکر شده است. برخی نیز برای جمع میان هر دو فضیلت؛ یعنی جماعت زنان و عدم حضور در میان مردان، نماز جماعت زنان در خانه را پیشنهاد داده‌اند. (العک - الشیخ - خالد - موسوعة فقه المرأة المسلمة من الكتاب والسنة)

به نظر می‌رسد با وجود روایات فراوانی که در کتاب‌های روایی اهل سنت وجود دارد که هم ترغیب پیامبر ﷺ به شرکت زنان در جماعت را می‌رساند و هم سیره متشرعین عصر رسالت را بیان می‌کند، منع تنزیهی علمای اهل سنت از شرکت زنان در جماعت کمی عجیب می‌باشد.

بسیاری از فقه‌های عظام نیز با توجه به اهمیت حفظ حجاب، از روایات «منع خروج زنان از خانه»، همین معنا (افضلیت نماز در خانه) را استنباط کرده‌اند.

در کتاب «روضة المتقین» در شرح روایت امام صادق (ع) که فرمود: «خَيْرُ مَسَاجِدِ نِسَائِكُمُ الْبُيُوتُ» (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۸؛ حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۷، ح ۶۴۳۲ و ۶۴۳۴؛ مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۸۰، ص ۳۷۱، ح ۳۲) آمده است: «لَأَتَمَّهَا أَقْرَبُ إِلَى عِصْمَتِهِنَّ وَ سِتْرِهِنَّ؛ نماز خواندن زنان در خانه به عصمت و عفاف آنان نزدیک‌تر است.» (مجلسی، محمدتقی، ج ۲، ص ۱۰۷)

صاحب مفتاح الکرامه در جمع‌آوری اقوال در این باره آورده است: «هل شرعية إتيان المساجد للرجال خاصة أولهم وللنساء؟ في نهاية الأحكام وكشف الإلتباس، هذا الحكم يعني: إتيان المساجد مختص بالرجال دون النساء لأنهنَّ أمره بالاستتار وفي (حاشية الميسي): إِنَّمَا تَسْتَحِبُّ الْفَرِيضَةَ فِي الْمَسْجِدِ فِي حَقِّ الرِّجَالِ أَمَّا النِّسَاءُ فَبُيُوتُهُنَّ مُطْلَقاً. وفي مجمع البرهان خبر يونس بن ضبيان يدلّ على اختصاص

فضيلة المسجد بالرجال كما هو المذكور في الكتب والمشهور بينهم وفي التذكرة يكره للنساء الإتيان الى المساجد وفي (الدروس) للنساء الاختلاف اليها كالرجال وإن كان البيت أفضل و خصوصاً لذوات الهيئات وفي (النفلية) صلوة المرأة في دارها في (الذكرى) الاقرب شرعية اتيان المساجد للنساء وفي موضع آخر من كشف الالتباس ان صلوة المرأة في بيتها أفضل من صلاتها في المسجد وفي (اللمعة والزوجة) الافضل المسجد لغير المرأة أو مطلقاً بناءً على اطلاق المسجد على بيتها وقالوا ايضاً: ومسجد المرأة بيتها بمعنى ان صلاتها فيه افضل من خروجها الى المسجد أو بمعنى كون صلاتها فيه كالمسجد في الفضيلة فلا تفتقر الى طلبها بالخروج وهل هو كمسجد مطلق أو هو كما تريد الخروج اليه، فتخلف بحسبه الظاهر الثاني قلت: ومن تتبع مباحث الجماعة والأوقات ومباحث الحيض والاستحاضة وغيرها، ظهر له ان الاصحاب قائلون بشرعية اتيان المساجد للنساء فينبغي التأمل في محل النزاع؛ آیا رفتن به مسجد فقط برای مردان مشروع است یا برای زنان نیز جایز است؟

در «نهاية الأحكام» و «كشف الالتباس» این امر مختص مردان شمرده شده است، نه زنان؛ زیرا به زنان دستور پوشش و پنهان شدن داده شده است. در حاشیه «میسى» آمده است: خواندن نماز در مسجد برای مردان مستحب است، اما استحباب نماز در خانه برای زنان به طور مطلق ثابت است. و در «مجمع البرهان» در خبر یونس بن ضبیان آمده: فضیلت رفتن به مسجد برای مردان ثابت است، نه برای زنان.

همان طور که مشهور بین فقها هم همین است. و علامه حلی در «تذکره» می نویسد: رفتن زنان به مسجد مکروه است. و در «نفلیه» آمده است: نماز زن باید در خانه اش برپا شود. و علامه در «ذکرى» می گوید: نماز زن در خانه اش افضل از مسجد است. و شهید اول و دوم در «لمعه» و «روضه» می گویند: بهتر این است که بگوییم مسجد برای غیر زنان است یا این حکم به طور مطلق جاری است. بنابراین که خانه برای زنان در حکم مسجد است.

و شهید اول و ثانی نیز در معنای «مسجد المرأة بیته» گفته اند: یعنی نماز خواندن زنان در خانه افضل از رفتن آنها به مسجد است یا به این معنا است که فضیلت نماز زنان در خانه مثل مسجد است و نیازی به رفتن به مسجد نیست. البته صاحب «مفتاح الکرامه» بعد از نقل اقوال می گوید: «کسی که مباحث احکام جماعت، اوقات، مباحث حیض، استحاضه و غیر

آنها را تتبع کند، برایش روشن می‌شود که اصحاب، قائل به شرعیت رفتن زنان به مسجد هستند. بنابراین، سزاوار است در خصوص این موضوع دقت شود.» (حسینی عاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹)

شهید ثانی؛ در «شرح لمعه» می‌گوید: «بهتر آن است که بگوییم رفتن به مسجد برای غیر زنان است یا این که بگوییم: خانه به طور مطلق «مسجد» زن است. ناگفته نماند معنای این که مسجد زن، خانه اوست، این است که نماز زن در خانه‌اش از رفتن او به مسجد برتر است یا به این معنا که اقامه نماز در خانه در فضیلت، مثل مسجد است و نیازی به رفتن او به مسجد نیست.» (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۳)

در کتاب «عروة الوثقی» آمده است: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الْمَسْجِدِ؛ نماز زن در خانه بهتر از نماز او در مسجد است.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۶)

امام خمینی رحمته الله در تحریر الوسیله آورده است: «برای زن‌ها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوق خانه و اطاق عقب بهتر است.» (موسوی الخمینی، ج ۱، ص ۱۵۲) بنابراین از مجموع دلائل یادشده (آیات و روایات) می‌توان این گونه استفاده کرد که خواندن نماز در خانه نسبت به مسجد برای زنان بهتر است. اما با تأملی در روایات یادشده، درمی‌یابیم که معمولاً تلاش شده تا به نحوی به مسئله حجاب و پوشش اسلامی اهمیت بدهند و به همین دلیل هم به نماز در خانه فضیلت داده‌اند.

۳-۱. نقد و بررسی

بدون تردید، اندام زن به ویژه اگر با آرایه‌ها و پیرایه‌هایی، آراسته گردد، هیجان‌انگیز و هوس‌آفرین است. از سوی دیگر زن، نیمی از پیکره جامعه انسانی را تشکیل می‌دهد و در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌تواند نقش‌آفرینی داشته باشد.

اسلام با طرح پوشش زن در حقیقت جواز حضور وی در عرصه‌های مختلف اجتماعی را رقم زده است و با دستورات حکیمانه‌ای که در چگونگی منش و روش او ارائه داده، از یک سو این نیروی عظیم را از تباه شدن و در گوشه‌ای بی‌هدف و بی‌اثر ماندن نجات داده و از سوی دیگر جلوی فسادگری و ناهنجاری‌های ناشی از اختلاط زن و مرد را گرفته است. از این رو، وجود عدم امنیت در جامعه و اهمیت و لزوم مصونیت زن از هر گونه تجاوز، شریعت اسلام دستور به حفظ حجاب و پوشش داده است.

اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم بپوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد. چنان که در مباحث گذشته گفته شد، زنان در عصر پیامبر ﷺ با حفظ حجاب و پوشش اسلامی به نماز جماعت در مسجد حضور پیدا می کردند، بنابراین حضور زنان در مسجد با حفظ شئون اسلامی و فوائد فراوانی که برای این حضور مترتب است، امری مستحب و نیکوست و توصیه به بجا آوردن نماز در خانه، از باب احتیاط در حجاب و پوشیده بودن آنهاست. بر همین اساس، صاحب «دروس» فرموده است: «رفتن به مسجد برای زن مستحب است مانند مردان، گر چه خانه بهتر است.» (حسینی عاملی، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹)

همچنین فقهای معاصر نیز این دیدگاه را تأیید کرده اند؛ امام خمینی رحمته الله علیه در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند.» (موسوی الخمینی، مسئله ۸۹۳)

همچنین حضرت آیت الله مکارم شیرازی می فرماید: «برای زن ها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند.» (مکارم شیرازی، مسئله ۸۱۷) بنابراین، اگر کسی بگوید چون برای زن بهتر است که در خانه نماز بخواند و روایات و آیات و نیز دیدگاه های دانشمندان بزرگ اسلامی هم گواه بر این است، دلیل استواری نخواهد بود؛ از این رو که، این برتری در روایات نمی تواند مانعی باشد برای ارزش نمازی که زن می تواند در مسجد به دست آورد.

اگر نماز در خانه برای زن سزاوارتر باشد، به همین اندازه نیز خواندن نماز در مسجد یا شرکت در دعاها و دیگر مراسم های معنوی، سفارش شده و اهمیت هر کدام در جای خود محفوظ است.

و نیز به همین مقدار که کراهت رفتن زنان به مساجد در روایات اشاره شده، در برابر، روایات بسیاری هم وجود دارد که حضور بانوان در مسجد را جائز می داند. به جهت اختصار به برخی از روایات، اشاره می کنیم:

پیامبر ﷺ فرمودند: «همسران را از رفتن به مساجد خدا منع نکنید، البته باید موقع بیرون رفتن بوی خوش (عطر) استعمال نکنند.» (ابوداود، ج ۱، ص ۱۵۵، ح ۵۶۵ و ۵۶۶ و ۵۶۷)

همچنین در روایتی دیگر نیز از آن حضرت آمده است: «هنگام شب به زنان برای رفتن به مساجد اذن دهید.» (همان، ح ۵۶۸)

در کتاب کنز العمال نیز در باب «حکم اذن زنان»، از پیامبر ﷺ آمده است: «شب هنگام که زنانان برای رفتن به مسجد اجازه می‌خواهند، رخصت دهید.» (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۱، ص ۶۷۷ ح ۲۰۸۷۲)

همچنین آن حضرت می‌فرماید: «وقتی که زنان شما برای رفتن به مسجد جهت اقامه نماز اجازه می‌خواهند، منع نکنید.» (همان، ح ۲۰۸۷۳) در منابع معتبر اهل سنت، روایاتی از پیامبر ﷺ به همین تعبیر آمده است: «همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد اذن خواست، مانع نشوید.» (بخاری، ۱۴۱۹ ق، ج ۲، ص ۴۰۶، باب ۵۵۵ و ۵۵۸؛ قشیری النیشابوری، ج ۴، ص ۱۶۱؛ شعیب النسائی، ۱۳۴۸ ق، ج ۲، ص ۴۲) همچنین آن حضرت می‌فرماید: «باز ندارید زنان را از فیض مسجد، آن هنگام که از شما اجازه می‌خواهند.» (قشیری نیشابوری، ج ۴، ص ۱۶۱)

برخی از روایات مزبور علاوه بر تصریح در جواز خروج زنان برای اقامه جماعت در مسجد، حاکی از این است که بحث حضور زنان برای اقامه جماعت عشاء یا صبح که مستلزم خروج در تاریکی بوده، برای مردان مشکل به نظر می‌رسیده و حضرت با کلام فوق می‌خواهد که مردان رفع ممانعت نمایند، بنابراین، چنانچه زنان بتوانند حجاب اسلامی و شئون زن مسلمان و پاکدامنی خود را حفظ کنند، افضل بودن نماز در مسجد برای زنان همچون مردان است و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست و طبق این روایات نباید آنان را از فضایل و آثار معنوی مسجد محروم کرد.

در اینجا، به بعضی از افرادی که دیدگاه مخالفی نسبت به حضور اجتماعی زنان دارند و آموزه‌های دینی و قرآن کریم را به عنوان پشتیبانی برای حبس کردن زن به چهار چوب خانه می‌دانند، می‌گوییم: آیا به راستی آموزه‌های اصیل دینی و قرآنی با حضور اجتماعی زنان مخالف است و یا این مقوله نیز همچون بسیاری از موارد دیگر، نظر متحجرانه‌ای است که با نام دین در جوامع اسلامی و حتی جوامع غربی شیوع پیدا کرده است؟

قرآن کریم درباره حضور زنان در اجتماع، مؤمنان راستین را چنین معرفی می‌فرماید: «مؤمنان راستین کسانی هستند که هم از نظر عقیده، به خدا و پیامبر ﷺ معتقدند و هم از نظر درک مسائل اجتماعی و هوش جمعی، جامعه را خوب می‌شناسند و در مسائل جمعی حضور دارند. آنها منزوی نیستند در فعالیت‌های اجتماعی حضور دارند.» (نور/ ۶۲)

«أَمْرٌ جَامِعٍ»، در این آیه شریفه همان مسائل جمعی یک نظام است. این حضور می‌تواند

اشکال مختلفی پیدا کند، مثل حضور در مسجد برای نماز جماعت و فراگیری احکام و دستورات دینی، انتخابات، نماز جمعه، و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی که در سرنوشت افراد جامعه تأثیر گذار است که این شمول هم شامل مردان می‌شود و هم شامل زنان. ملاحظه می‌کنیم اطلاق آیه شریفه به گونه‌ای است که این حکم برای زن و مرد (هر دو) قابل اجرا است.

روایات یادشده نیز گذشته از خلل در اسناد آنها، از جهت دلالت نیز مورد تأمل اند. گذشته از دلایلی که تا کنون بدان استناد شد، روایات زیادی (روایات عام) از طریق ائمه معصومان: به ما رسیده است، مبنی بر این که مسجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است و اختصاص به گروهی ندارد. (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۶۵۰؛ نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴)

علاوه بر اینها، حضور زنان و مردان در مسجد، زنده نگه داشتن شعائر الهی است؛ چنان که ائمه اطهار: تأکید و تشویق فوق العاده‌ای نسبت به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن کرده‌اند؛ زیرا بزرگداشت شعائر آسمانی و گرمی داشتن آیین دینی، نشانه دینداری و پایبندی به مقدّسات آن است. این مطلبی است که شامل بسیاری از باورهای دینی می‌شود که از آن دسته است: مسجد و روزه‌داری و روزهای ویژه‌ای مانند عیدها، که امام خمینی ره آنها را «یوم الله» می‌خواندند: امام خمینی ره کرامت و برتری این اماکن را این گونه بیان می‌نمودند: «در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجدها، مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیامبر ص و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدّس و بعد مسجد جامع هر شهر و بعد از آن مسجد محله، بعد مسجد بازار است.» (موسوی الخمینی، مسئله ۸۹۳)

مسجد که به فرموده پیامبر ص خانه خدا (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۲۶۸)، انوار الهی (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۴۴۷)، جایگاه پیامبران (همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹) و نیز بوستان بهشتی شمرده شده است، بهترین مصادیق شعائر الهی است. ارج نهادن به این شعائر به فرموده قرآن کریم، نشان دهنده پرهیزکاری است: «و هر کس شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.» (حج/۳۲) بر این اساس، حضور زنان در مساجد برای انجام فرایض دینی مصداق تعظیم و بزرگداشت مساجد است و محروم کردن آنان از این فیض بزرگ، یکی از اقسام هتک و بی‌احترامی است که خود ستمی بس بزرگ است.

ادله فقها و دانشمندان قائل به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد

عده‌ای از فقهای عظام شیعه معتقدند که نه تنها حضور بانوان در مسجد مانند دیگر عرصه‌های اجتماعی (البته با رعایت شئون اسلامی) جائز است، بلکه امری نیکو و مستحب می‌باشد. (محقق اردبیلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۵۹؛ شهید اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۵۵) حتی بعضی از فقهای معاصر می‌فرمایند: برای زنان در صورتی که خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است نماز را در مسجد بخوانند و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند. (مکارم شیرازی، مسئله ۸۱۷) ادله قائلین به جواز و استحباب حضور زنان در مسجد، عمومات و اطلاقات روایاتی است که بیانگر ترغیب و تشویق بر رفت و آمد به مساجد و بهره‌مندی از فضائل مسجد بر انسان، قطع نظر از جنسیت است. این عده که اکثریت علما را تشکیل می‌دهند بر این مدّعی خود به برخی از شواهد تاریخی نیز تمسک نمودند.

در منابع روایی اسلام، روایات زیادی وجود دارد که همگی بیانگر این است که مساجد متعلق به تمام مردم، اعم از زن و مرد است. با اندکی دقت در این روایات، به روشنی درمی‌یابیم که میان مرد و زن هیچ‌گونه تفاوتی وجود ندارد؛ زیرا واژه‌هایی مانند، «انسان‌های با تقوا، مؤمن، متّقین، اهل مسجد، منع نکردن و جز آن»، اختصاص به گروهی ندارد و برای عموم مسلمانان است.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمودند: «هنگامی که دیدید شخصی بر رفت و آمد به مسجد مداومت دارد، او را مؤمن بدانید؛ زیرا مسجد خانه انسان‌های با تقوا و صالح است.» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۳۶۲)

همچنین در روایتی دیگر فرمودند: «مسجد خانه هر مؤمنی است.» (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶۵۰؛ نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴) آن حضرت در بیانی دیگر مسجد را خانه همه متّقیان و پرهیزکاران دانسته‌اند. (حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۷، ص ۶۵۹؛ ح ۲۰۷۸۵؛ پاینده، ۱۳۷۴ ق، ص ۵۹۶، ح ۳۰۸۳)

و نیز فرمودند: «هر کس خانه‌اش مسجد باشد، خداوند کارش را با رحمت و شادی قرار داده، و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد.» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۷، ص ۶۵۹)

امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) فرمود: «اهل مسجد، زائر خدا هستند و بر صاحب خانه است که بر

زائرش هدیه‌ای بدهد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۲۰۱، صدوق، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۹۱)
همچنین روایات متعدّدی که در آنها واژه «مشی» و «مَن اَسْرَج» آمده است. پیامبر ﷺ فرمود: «کسی که به مسجدی از مساجد خدا برود، برای هر گامی که برمی‌دارد تا به منزل برگردد، ده حسنه برایش نوشته می‌شود و ده گناه از او برداشته و ده درجه ترفیع می‌یابد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۵، ص ۲۰۱؛ صدوق، ۱۳۶۳ ش، ص ۲۹۱)

و همچنین در روایتی دیگر فرمود: پیامبر ﷺ: «خداوند فرمود: آگاه باش که خانه‌های من در زمین مساجد هستند و برای اهل آسمان‌ها همچون ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند؛ آگاه باش، خوشحال کسی که مساجد خانه‌های اوست [بیشتر وقت‌ها در مساجد، نمازهایش را می‌خواند]؛ آگاه باش، خوشحال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو بگیرد، سپس مراد را در خانه‌ام زیارت کند؛ آگاه باش، بر زیارت شده واجب است که زائرش را تکریم کند؛ آگاه باش، به کسانی که در تاریکی‌ها به مساجد می‌روند بشارت بده به نور ساطع در روز قیامت.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۱، ص ۳۸۲؛ ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۵۷، ح ۷۸۱)

امام صادق ﷺ نیز می‌فرماید: «هر کس به طرف مسجد برود، پایش را بر هیچ‌تر و خشکی نمی‌گذارد، مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه‌اش برای او تسبیح می‌گویند.» (صدوق ۱۴۰۵ ق، ج ۱، ص ۲۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۸۴، ص ۱۳)

امام علی ﷺ در مورد همسایه مسجد فرموده است: «نماز همسایه مسجد - در خانه - نماز کامل نیست؛ جز اینکه عذری داشته باشد. از آن حضرت سؤال شد که همسایه مسجد چه کسی است؟ فرمود: کسی که صدای اذان را بشنود.» (مجلسی، ۱۴۰۵ ق، ج ۸۳، ص ۳۷۹؛ نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۳۵۶؛ تیممی مغربی، ۱۳۸۵ ق، ج ۱، ص ۱۴۸)

همچنین آن حضرت ﷺ فرمودند: «همسایه مسجد اگر مانعی برایش نبوده و سالم باشد و در این حال برای نماز واجب در مسجد حاضر نشود، نمازش مقبول در گاه الهی نخواهد بود.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۴۷۹، روایت ۵) حتی رسول خدا ﷺ در مقام تأکید بر این امر می‌فرمایند: «لَا صَلَاةَ لِجَارِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي مَسْجِدِهِ؛ یعنی همسایه مسجد نمازش مقبول نیست، مگر در مسجد. (همان، ص ۴۷۸، روایت ۱) این احادیث و دهها روایت دیگر همه دلالت بر این دارد که نماز خواندن همسایه مسجد بدون عذر در غیر از مسجد کراهت دارد، و سیره و فتاوی فقهای مانیز رد طول تاریخ برگرفته از همین تأکیدها می‌باشد.

در روایتی دیگر آمده است: «امام علی ﷺ در جواب عده‌ای که به حضرت گفتند: عده‌ای

از همسایگان مسجد در نماز جماعت حاضر نمی‌شوند، فرمود: باید در نماز جماعت ما حضور یابند، یا اینکه از ما دوری گزینند و همسایه‌مان نشوند و ما هم همسایه‌ آنها نشویم.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۴۷۹) از این رو، روایاتی که با کلمات: «مَن»، «مَن مَشی»، «مَن أَسْرَجَ» «مَتَّقین»، «مؤمن» و «اهل المسجد، جار المسجد» و امثال این واژه‌ها شروع شده، دلالت بر عموم می‌کند.

همچنین دیگر روایاتی که به طور عام، (اعمّ از زن و مرد) مورد تأکید و تشویق بسیاری به رفت و آمد به مساجد و حضور مستمر در آن و روشنائی بخشیدن به مساجد شده است. (صدوق ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۲۳۸، ح ۷۱۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۳۹)

ج) گفتار سوم: شرایط حضور زنان در مسجد

به طور کلی در شریعت اسلام برای حضور بانوان در عرصه‌های مختلف اجتماع، مانند شرکت در مساجد و جماعات، دستوراتی ارائه شده است که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

رعایت حجاب و پوشش اسلامی

از روایات بسیاری که درباره وظایف و چگونگی روابط اجتماعی زنان از حضرات معصومان صادر شده است، به خوبی استفاده می‌شود که یکی از مسائل مهمی که زنان در هنگام حضور در صحنه‌های اجتماعی باید رعایت کنند، حفظ حجاب و عفت و به طور کلی حفظ جامعه از ایجاد فساد و فحشا و منکرات است.

وجوب رعایت حجاب (پوشش) در زنان، حکم ضروری دین و از امور بدیهی قرآن کریم است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خویش را - جز آن مقدار که قهراً نمایان می‌شود - بر بیگانه آشکار نسازند، جز برای شوهران، و گوشه‌های روسری خویش را بر سینه افکنند. (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)» (نور/۳۱)

این آیه شریفه بیانگر این است که مسلمان، چه مرد و چه زن، باید از چشم‌چرانی و نگاه‌های هوس‌آلود دوری کند و شخصی پاکدامن و منزّه باشد. این آیه شریفه نه تنها زنان را به نحوه رفتارشان آشنا می‌کند، بلکه مردان را نیز به وظایفی که در برخورد با بانوان دارند، تنبیه می‌دهد. قرآن کریم، از اهل ایمان می‌خواهد که برای حفظ عفت و پاکدامنی خود و جامعه، نگاهشان را مهار سازند: «به مؤمنین بگو: دیدگان خویش را از نگاه به زنان اجنبی باز گیرند و فرج‌های خویش را نگهدارند؛ این برای ایشان پاکیزه‌تر است که خدا از کارهایی که می‌کنید آگاه است.» (نور/۳۰)

در روایات اسلامی، جملاتی مشاهده می‌شود که بیانگر عقوبت و آثار مخرب نگاه حرام (ر.ک: اسلامپور کریمی، ش ۱۴۲ مجله پیام زن، ص ۶۸ و پاسدار اسلام، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ش ۲۸۱، سال ۱۳۸۴ ش) در دنیا و آخرت است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «نگاه پیاپی، بذر شهوت را در دل می‌افشاند و همین امر برای هلاکت بیننده‌اش کافی است.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۱۳۹، ابواب مقدمات النکاح، باب ۱۰۴، ۷)

نگاه حرام، قدرت تصمیم‌گیری صحیح و استفاده از عقل را از انسان سلب می‌کند، و بیشتر انحرافات جنسی و خلاف اخلاق اسلامی، از یک نگاه آغاز شده است.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

شایان ذکر است آنچه گذشت، ویژه نگاه مرد به زن نیست؛ بلکه نگاه معنادار (حرام) زن به مرد نیز همین آثار را در پی دارد. از اینکه می‌بینیم در آموزه‌های دینی در خصوص زنان درباره رعایت حجاب و پوشش اهتمام بیشتری شده، به این دلیل است که در زنان زمینه بیشتری برای خودنمایی وجود دارد.

پس زنان باید پوشش مناسبی داشته باشند و آرایش و زیور خود را آشکار نسازند و در صدد تحریک و جلب توجه مردان بر نیایند. بنابراین، پوشش اسلامی برای زنان در همه حال امری واجب است و باید به دستور قرآن کریم و حضرات معصومان: رفتار کنند. اصولاً زیبایی انسان‌ها به ویژه زنان، برای خود آنان یا شوهرانشان است و اگر در رفت و آمدها به نمایش درآید، موجب خشم خدا می‌شود و کارهایی هم که سبب جلب توجه نامحرم می‌گردد پسندیده نیست. اگر نحوه راه رفتن و یا سخن گفتن، توجه دیگران را جلب نماید، سبب می‌شود که از فضیلت‌هایی که برای رفتن به مسجد ذکر شده است، به گناه تبدیل شود و گاه ممکن است با بی‌توجهی، به جای خشنودی خداوند، خشم غضب خداوند برای او ثبت شود.

۲. عدم تعطّر و تزئین

در منابع اسلامی، برای حفظ حرمت مسجد، آدابی ذکر شده است که رعایت آنها مستحب و ترک آنها با جایگاه مساجد منافات دارد. یکی از آن آداب زینت کردن به هنگام رفتن به مسجد است.

خداوند متعال به عنوان یک قانون همیشگی که شامل تمام اعصار و قرون می‌شود،

دستور می‌دهد: «ای فرزند آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشی.» (اعراف/۳۱)

زینت این در آیه شریفه هم شامل «زینت‌های جسمانی» است که عبارت از پوشیدن لباس‌های مرتب و پاک و تمیز، و شانه زدن موها، و به کار بردن عطر و مانند آن می‌شود، و هم شامل «زینت‌های معنوی» یعنی صفات انسانی و ملکات اخلاقی و پاکی نیت و اخلاص. (علی بابائی، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۴۰)

طبق احادیث و کتاب‌های تفسیری، مقصود از زینت در آیه شریفه، پوشیدن لباس پاکیزه و فاخر، شانه زدن موی، در دست کردن انگشتر فاخر، عطر زدن و... است. (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۶)

در روایات رسیده، استفاده از بوی خوش از اخلاق پیامبران و سیره آنان شمرده شده و تأکید گردیده است که: مردان نباید از استعمال بوی خوش غافل باشند. صاحب کتاب «عروة الوثقی» می‌گوید: «مستحب است به هنگام رفتن به مسجد از بوی خوش و لباس‌های تازه استفاده کند.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۲۶)

در سیره پیامبر ﷺ آمده است: «پیامبر ﷺ در زندگی خویش، برای خرید عطر بیشتر از خوراک هزینه می‌کرد.» (طبرسی، ۱۳۷۶ش، ص ۴۳؛ مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۲۴۸) آن حضرت ﷺ به پیروان خویش توصیه می‌فرماید: «از شایستگی مرد آن است که در هر روز به خویش عطر بزند و اگر ممکن نیست، هر دو روز یکبار و اگر این هم ممکن نیست، پس در هر جمعه آن را ترک نکند.» (مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۱۶، ص ۲۴۸؛ کلینی، ۱۴۰۵ق، ج ۶، ص ۵۱۰، ح ۴) در سیره امام حسن ﷺ آمده است: «خیثمه بن ابی خثیمه گفت: امام حسن ﷺ هنگامی که به نماز برمی‌خاست، بهترین لباس‌هایش را می‌پوشید. به او گفتند: ای فرزند رسول خدا، چرا بهترین لباس‌هایت را می‌پوشی؟ فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و من نیز خود را برای پروردگارم می‌آرایم، چنان که خدای تعالی می‌فرماید: زینت خود را به هنگام عبادت در مسجد بگیر. بنابراین، دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم.» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۲۲۶؛ تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۱۲) بنابر مطالب یادشده درمی‌یابیم که استفاده از لباس‌های تازه و بوی خوش و زینت دادن سر و صورت به هنگام رفتن به مسجد، یکی از مصادیق «زینت» در آیه شریفه است که امری مطلوب و نیکو شمرده شده است. اما همین امر مستحب که این قدر تأکید شده است در مورد زنان روا

نیست؛ زیرا تزئین (آرایش) زنان باید برای شوهرانشان باشد و بیرون از خانه سبب تحریک دیگران می‌گردد که از نظر شرع مقدّس ممنوع است. بر این اساس، در منابع روایی اسلام تأکید شده است که حضور زنان در مسجد باید بدون استفاده از عطر و بوی خوش باشد؛ چنان که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «زنان هنگام حضور در مسجد، از بوی خوش استفاده نکنند.» (النووی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۹؛ قشیری نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳)

و در روایت دیگر نبوی ﷺ آمده است: «هرگاه زنی خود را خوشبو کند، سپس به مسجد برود، نمازش قبول نمی‌شود، تا آنکه آن بوی خوش را از خود برطرف کند.» (ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶، ج ۴۰۰۲)

و همچنین آن حضرت در روایتی دیگر چنین می‌فرماید: «پیامبر ﷺ می‌فرماید: زنان را از مسجد منع نکنید و آنها نیز نباید با خوشبویی از خانه خارج شوند و به مسجد روند؛ همچنین امام علی (ع) می‌فرماید: وقتی زنان با بوی خوش و زینت کرده بیرون روند، خداوند را نافرمانی (معصیت) می‌کنند؛ زیرا بر خلاف دستورات او عمل کرده‌اند، در این صورت جایز نیست که اجازه داده شود.» (ابن حزم اندلسی، ج ۴، ص ۱۹۸)

پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر زنی خود را معطر کند و بر گروهی (مردانی) بگذرد که بوی او را دریابند، زناکار است.» (پاینده، ۱۳۷۴ق، ص ۳۴، ج ۱۷۷) در حدیث دیگر از آن حضرت آمده است: «هرگاه زنی برای غیر شوهرش خود را معطر نماید، سپس از خانه‌اش بیرون رود، تا زمانی که به منزلش برمی‌گردد، مورد لعنت خداوند است.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۱۴؛ مجلسی ۱۴۰۵ق، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷) بر این اساس، آن حضرت ﷺ درباره شرط خروج بانوان از منزل و حضور در مسجد می‌فرماید: «هنگامی که یکی از شما (زنان) قصد مسجد کرد، نباید از بوی خوش استفاده نماید.» (النووی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹۹؛ قشیری نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳)

همان گونه که عطر زدن و استعمال بوی خوش در مقابل نامحرم مفسده دارد. تزئین و آرایش نیز به لحاظ فسادانگیز بودن، به شدّت منع شده است.

پیامبر اسلام ﷺ در این باره فرمود: «حکایت زنی که دامن کشان و آمیخته به زینت در بیرون خانه راه می‌رود، چون ظلمتی است در روز قیامت که از خود نور ندارد.» (پاینده، ۱۳۷۴ق، ص ۵۶۲، ج ۲۷۲)

فلسفه این امر نیز روشن است و آن این که شریعت اسلام برای عفت و پاک‌زیستی

اهمیت فوق العاده قائل است، به هیچ وجه از بی عفتی و بدحجابی که مقدمه آلوده شدن و ارتکاب حرام و فرورفتن در محرّمات جنسی است، چشم پوشی نمی کند. بنابراین، درباره حضور زنان برای عبادت در مسجد چون در انظار مردان نامحرم قرار می گیرند و معطر بودن آنان، موجب التهاب مردان و تحریک غریزه جنسی آنان می شود، عبادتی که باید سازنده باشد و آثار مفیدی برای پاکی و پرهیزگاری داشته باشد، منشأ گناه و ارتکاب حرام می گردد. برای اینکه از چنین پیامدهای ناسالم جلوگیری شود، اسلام دستور می دهد که زنان بدون زینت و خوشبوئی به مسجد بروند.

افزون بر این، ممکن است در صورت تعطر و تزین زنان برای رفتن به مسجد، در مسیر راه مورد آزار و اذیت افراد هرزه و بی بندوبار قرار گیرند. از این رو، ضرورت ایجاب می کند که زنان خداجو حضورشان برای عبادت در بهترین مکان ها بدون زینت و خوشبوئی باشد؛ زیرا این کار به تقوا و پاک زیستی نزدیک تر و ارزنده تر است. در روایتی از پیامبر ﷺ آمده است: «زنان را با ساده پوشی عادت و یاری دهید؛ زیرا اگر یکی از آنان بالباس تجملی و زیورهای نیکو بیرون رود، در نظر بینندگان خوش آید. (باعث هیجان شهوت و فتنه می شود)» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۱۸۲؛ حسام الدین هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۷۲؛ ابن ابی الحدید، ج ۱۲، ص ۶۹)

نکته در خور توجه این که گفته شد شایسته نیست زنان از بوی خوش استفاده کنند یا خود را بیارایند، بدین منظور است که اسباب و سوسه نامحرمان و مورد ملعبه بیمار دلان قرار نگیرند؛ و گر نه اگر در مکانی تنها زنان باشند و یا مسجدی فقط برای زنان باشد و راه رفت و آمدشان ویژه زنان در نظر گرفته شده باشد، روشن است که کسی آن را ناروا نخواهد دانست و یا اگر زن در خانه تنها برای خرسندی شوهرش خود را بیاراید، نه تنها منعی ندارد، بلکه مستحب است. چنان که فقها گفته اند: «...استعمال بوی خوش، پوشیدن لباس های زیبا و اظهار زیور (برای شوهر) ظاهراً از مستحبات مؤکد است.» (بحرانی، ج ۲۳، ص ۱۱۹)

لزوم اجازه شوهر

بر اساس اصل برائت و اباحه اعمال، در راستای آزادی و کرامت زن و برابری انسان ها، خروج زن از منزل برای حضور عرصه های اجتماعی و معاشرت وی بدون آنکه مفسده ای داشته باشد، باید عملی روا و جائز تلقی شود؛ اما با توجه به حقوق شوهر و تکالیف متقابل زن، به خصوص تمکین او در برابر استمتاع شوهر و نیز با در نظر گرفتن مصالح خانواده و

مسئولیت شوهر در حفظ و صیانت زن، این حق زن با اشکالات و ابهاماتی مواجه شده است. در اینجا - با توجه به تناسب مطلب - به اختصار به تشریح آن می پردازیم. در منابع روایی اصیل اسلامی، احادیث و روایات متعددی بر این مطلب تصریح دارد و فقهای عظام نیز بدان فتوا داده اند. به جهت اختصار، به ذکر چند روایت (به عنوان نمونه) بسنده می کنیم:

۱-۳. علی بن جعفر می گوید: از برادرم، موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم، آیا زن می تواند بدون اذن شوهر از خانه خارج شود؟ حضرت فرمود: خیر... «حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۳، ح ۵»

۲-۳. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «هر زنی که بدون اجازه شوهرش از منزل خارج گردد، نفقه او بر شوهر واجب نیست تا آنکه باز گردد.» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۵۰۶)

۳-۳. پیامبر صلی الله علیه و آله از بیرون رفتن زن بدون اجازه شوهر منع کرد؛ اگر چنین کند تمام فرشتگان آسمان و هر جن و انسی که بر او گذر کند او را نفرین کند تا به خانه برگردد. «حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۴، ص ۱۵۴، ب ۱۱۷، ح ۵»

۴-۳. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر چیست؟ حضرت فرمودند: بیش از آن است که تصوّر شود. گفت: برخی از آن را بیان فرما. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: زن نمی تواند بدون اذن شوهر روزه مستحبی بگیرد و نمی تواند بدون اذن از خانه خارج شود...» (همان، ۱۴، باب ۷۹، ص ۱۱۲، ح ۲)

۵-۳. در روایتی معتبر از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: زنی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! حق شوهر بر زنش چیست؟ حضرت فرمود: اینکه از شوهر اطاعت کند و نافرمانی نکند... و بدون اذن او از خانه خارج نشود و اگر بدون رضایت شوهر از خانه بیرون رود، فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعنت و نفرین می کنند، تا زمانی که برگردد. (همان، ۱۴، ص ۱۱۲-۱۱۱)

در فقه پویای امامیه، نظریه مشهور فقهای عظام بر این است که زن برای خروج از منزل شوهر، لازم است رضایت شوهر را جلب نماید. فقهای عظام شوهر را محق می دانند که از بیرون رفتن زن منع کنند. جهت تبیین مطلب به کلام برخی از فقیهان اشاره می کنیم:

شیخ طوسی رحمته الله فرمود: «مرد حق دارد زن را از بیرون رفتن منع کند؛ زیرا، شوهر در تمام شبانه روز مستحق استمتاع و بهره‌وری از زن است؛ و چون این حق را دارد، می تواند از همراهی

جنازه پدر، مادر و فرزندش جلوگیری کند و...؛ زیرا اطاعت شوهر واجب است و حضور در این مراسم مباح است یا استحباب دارد، و امر واجب (امر شوهر) بر آنها مقدم است.» (طوسی، ۱۳۸۸ق، ج ۴، ص ۳۳۱) همچنین شهید ثانی رحمته الله در «مسالك الافهام» می نویسد: «از جمله تکالیف زن در برابر شوهر این است که از منزل بدون اذن او خارج نشود؛ حتی اگر برای دیدن بیماران و حضور در مراسم فوت یکی از اقوامش باشد.» (شهید ثانی، ۱۴۱۶ق، ج ۸، ص ۳۰۸) مرحوم محمد باقر سبزواری (سبزواری، کفایة الاحکام، ص ۱۸۶) و مرحوم صاحب جواهر (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۳۱، ص ۳۰۶) نیز چنین عقیده‌ای داشته‌اند.

همچنین امام خمینی رحمته الله در «تحریر الوسیله» فرموده است: «هر یک از زن و شوهر حق بر دیگری دارد که باید بدان قیام کند؛ گرچه حق شوهر عظیم‌تر است؛ از جمله حقوق مرد آن است که زن از وی اطاعت کرده و نافرمانی ننماید، از خانه‌اش بدون اجازه او خارج نشود، اگرچه برای ملاقات یا عیادت پدر و بستگانش؛ حتی در مراسم عزای آنان بدون اذن شرکت نکند.» (موسوی خمینی، ج ۲، ص ۳۰۳) آیت ... خوئی رحمته الله نیز در این باره فرمود: «زن نمی‌تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون رود؛ در صورتی که بیرون رفتن وی با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد؛ البته احتیاط مستحب آن است که مطلقاً بدون اذن نرود. خروج بدون اذن، سبب نشوز است. انجام سایر کارها بدون اذن شوهر بر زن حرام نیست؛ مگر اینکه با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد.» (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۹) بعضی از حقوق‌دانان نیز متأثر از چنین باور غالبی، گفته‌اند: «از نظر فقهی، اصولاً خروج از خانه به هر منظور که باشد، باید با موافقت شوهر انجام پذیرد.» (حائری (شاهباغ)، ۱۳۷۹ش، ص ۹۶۴؛ محقق داماد، ۱۳۷۲ش، ص ۳۱۶)

به هر حال، مبانی این باور می‌تواند از یک سو، اعتقاد به لزوم اطاعت زن از شوهر به صورت مطلق باشد. (نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۳۱، ص ۱۴۷)

و از سوی دیگر می‌توان اساس نظریه ذکر شده را بر این ادعا قرار داد که حق کامجویی شوهر مطلق است و هیچ قید و شرطی آن را محدود نمی‌سازد. از این رو، زن باید برای خروج از منزل که زمینه بهره‌جویی مرد را از میان می‌برد، اجازه بگیرد. (همان، ج ۱۷، ص ۳۳۳) البته در اثبات این نظریه برخی به آیه ۳۳ سوره احزاب استناد کرده‌اند. (مشکینی، علی، ص ۲۲۶) با ملاحظه مطالب ذکر شده در می‌یابیم که نظریه «منع خروج زن از منزل» بدون اذن شوهر هم از جهت ادله و هم از جهت قائل از وجاهت به ظاهر مناسبی برخوردار است؛ اما

با این وجود، جمعی از فقها و اندیشمندان به مخالفت با این نظریه و ردّ مبانی آن اهتمام ورزیده‌اند و حقّ منع شوهر برای خروج زن را به حقّ کامجویی وی که حقّ مسلمّ و اصلی شوهر در زندگی خانوادگی است، مربوط دانسته‌اند. (شمس الدّین، محمد مهدی، ۱۹۹۶م، ص ۱۱۲) آیت... خوئی^۱ نیز به رغم آنکه در نهایت از باب احتیاط، مطابق نظر مشهور فتواداده است، خروج زن از منزل را از توابع حقّ استمتاع شوهر دانسته‌اند. (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۸۹) به نظر نگارنده، با توجّه به در نظر گرفتن اصل اولی و اباحه اعمال و ملاحظه نظام حقوق و تکالیف متقابل ناشی از زندگی خانوادگی زناشوئی و با بررسی و امعان نظر در ادلّه قول مشهور، پذیرش و تأیید دیدگاه اخیر از ارجحیت ویژه‌ای برخوردار است.

امّا درباره استناد به آیه ۳۳ سوره مبارکه احزاب، باید گفت: که این آیه شریفه در خطاب به همسران پیامبر^ص و اصولاً در مقام توصیه و سفارش به حفظ عفت و حجاب نازل شده است، که به زنان پیامبر^ص و دیگر زنان مؤمنه دستور می‌دهد که در خانه‌های خود بمانند و همچون جاهلیت نخستین ظاهر نشوند و خودنمایی نکنند؛ چون واژه «تبرّج» که در آیه شریفه آمده، به معنای خودنمایی و خودآرائی و نمودن زیبایی‌ها در مقابل دیگران است. (زبیدی، ج ۵، صص ۴۱۷ و ۴۱۸)

پس روشن است که این آیه شریفه، به ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، هیچ ارتباطی ندارد.

نکته شایان توجّه درباره روایات این است که این روایات، در مقام منع خروج زنی است که از انجام وظیفه‌اش سر باز زده و با بی‌اعتنائی به حقّ مسلمّ شوهر (حق استمتاع)، خانه و خانواده را رها کرده است. بدین سان، روایات ذکر شده هیچ‌گونه منافاتی با بیرون رفتن متعارف و معقول بانوی خانه به گونه‌ای که با حقوق شوهر موافق باشد، ندارد؛ مؤید این تحلیل، هماهنگی میان عمل ناپسند ترک شوهر و بیرون رفتن زن از خانه، با کیفری که در روایات آمده (نفرین فرشتگان و لعن جن و انس) است که بدون تردید باید گفت: این کیفر برای زنان سازگار نیکوکاری که برای اموری چون، حضور در مسجد برای انجام عبادت و یادگیری احکام اسلامی و صلّه رحم از خانه خارج می‌شوند، پنداشتی است که با انبوه آموزه‌های دینی و اخلاقی و نظر علمای اسلام ناهماهنگ و در تضاد است. بنابراین، روایات ذکر شده هیچ‌گاه در مقام ممنوعیت بی قید و شرط بیرون رفتن زن از خانه شوهر نیست؛ بلکه تنها به ملاحظه حقّ شوهر در کامجویی از همسرش، خروج زن از منزل شوهر محدود می‌شود.

ناگفته نماند که منع خروج زن از منزل، تنها در صورت منافات با حق استمتاع شوهر، خلاصه نمی‌شود؛ بلکه معیار مهم دیگری نیز وجود دارد که کمتر مورد توجه فقهای عظام واقع شده است؛ این معیار که در مورد رفت و آمدها و معاشرت‌های زن بسیار تعیین کننده می‌باشد، موقعیت ریاست شوهر و مدیریت وی در خانواده است.

بر اساس ریاست شوهر و مقام سرپرستی او بر خانواده و اعضای آن که مسئولیتی برای حفظ و رعایت مصالح خانواده و پاسداری از حرمت و حیثیت آن است، این اختیار برای او وجود دارد که برای حفظ نظام خانواده و حراست از ناموس و عفت آن، معاشرت‌ها و رفت و آمدهای زن را تحت کنترل و نظارت خویش قرار داده و حتی در صورت اقتضای اوضاع و احوال محیطی و...، محدودیت‌هایی را برای وی در نظر بگیرد؛ چنان که متفکر شهید استاد مطهری رحمته‌الله با درک همین واقعیت، گفته است: «مصلحت خانواده ایجاب می‌کند که خارج شدن زن از خانه توأم با حلیت رضایت شوهر و مصلحت‌اندیشی باشد؛ البته مرد هم باید در حدود مصالح زندگی نظر بدهد، نه بیشتر.» (مطهری، ۱۳۶۷ ش، ص ۸۸)

بنابراین، شوهر به عنوان رئیس خانواده می‌تواند با تشخیص مصلحت، رفت و آمد و معاشرت‌های همسرش، حتی رفتن او به مسجد را با محدودیت مواجه سازد؛ مثلاً در مواقعی که خوف تعرض یا اختلاط‌های ناشایست و معاشرت‌های بی‌بندوبار می‌رود و یا زمانی که شوهر بیرون رفتن زن را خطر و آسیبی برای کانون گرم خانواده می‌بیند، حق دارد از خروج او ممانعت نماید؛ البته در مواردی که مفسده و منع شرعی وجود نداشته باشد، محدودیت شوهر مستندی ندارد. به عنوان مثال هنگامی که زن برای استیفای حقوق قانونی خویش مانند، شرکت در انتخابات، اقامه دعوا در دادگاه و...، یا انجام فرائض دینی، (انجام حج، ادای خمس و...) و یا عیادت و مراقبت از والدین خود از منزل خارج می‌شود، نیازی به موافقت شوهر ندارد و او نیز نمی‌تواند مانع شود.

با توجه به این مطالب، اگر زن برای رفتن به مسجد اجازه خواست و شوهر مفسده‌ای در این حضور وی نمی‌بیند، شایسته است که منع نکند. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این باره فرمودند: «هنگامی که زنان از شما اجازه رفتن به مسجد می‌خواهند، آنان را از بهره و نصیبشان از مسجد محروم نکنید و اجازه دهید.» (قشیری نیشابوری، ج ۲، ص ۳۳)

عدم اختلاط زن و مرد در مسجد

بدون شک، یکی از عوامل شیوع فساد که دامن گیر جهان امروز، به ویژه کشورهای

غربی شده است، برداشتن حائل و حریم میان زن و مرد در ادارات، کارخانه‌ها و دیگر اماکن و محافل عمومی است. در این برخوردها معمولاً بذر فساد و گناه افشاندن می‌شود و روز به روز ریشه می‌دواند.

قرآن کریم نیز بر این مطلب، تأکید کرده است؛ به این آیات الهی به دقت بنگریم: «هرگاه از ایشان (زنان پیامبر) چیزی خواستید، از پشت پرده و حائل طلب نمائید؛ این برای دل‌های شما و آنها، به طهارت نزدیک‌تر است...» (احزاب/۵۳)

صراحت آیه شریفه در عدم اختلاط زنان و مردان، قابل انکار نیست. گرچه شأن نزول این آیه شریفه، ویژه زنان پیامبر ﷺ است، اما روشن است که مورد نمی‌تواند شمول مفهومی آیه را محدود و به اصلاح علمی «مورد نمی‌تواند مخصّص باشد». بنابراین، این آیه شریفه در منع اختلاط زن و مرد و حفظ زنان از محرکات شهوانی، وارد شده است.

علامه شهید مطهری رحمته الله در تفسیر آیه شریفه مزبور می‌نویسد: «... طبق این دستور، مرد نباید وارد جایگاه زنان شود، بلکه اگر چیزی می‌خواهد و مورد احتیاج اوست باید از پشت دیوار (حائل) صدا بزند...»

جمله: «ذَلِكُمْ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ...» این برای دل‌های شما و آنها، به طهارت نزدیک‌تر است (احزاب/۵۳)؛ مانند جمله: «وَأَنْ يَسْتَغْفِنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ...» که در آیه ۶۰ سوره نور آمده است، دلالت می‌کند که هر اندازه مرد و زن، جانب ستر و پوشش و ترک برخوردهایی که مستلزم نظر است را رعایت نمایند، این عمل به تقوا و پاکی نزدیک‌تر است. چنان که گفتیم: رخصت‌های تسهیلی و ارفاقی که به حکم ضرورت داده شده است، نباید رجحان اخلاقی ستر و پوشش و ترک نظر را از یاد ببرد. (مطهری، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۵۴)

همچنین این متفکر اسلامی درباره‌ی زبان‌های اختلاط در این عصر ارتباطات و دهکده جهانی می‌نویسد: «جامعه امروزی، زبان‌های اختلاط زن و مرد را به چشم خود می‌بیند؛ چه لزومی دارد که زنان، فعالیت‌های اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می‌دهد؟ از جمله اثر بارز این دوشادوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت باز می‌دارد و هر یک را به جای توجّه و دقت به کار خود، متوجّه «همدوش» می‌کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هم آغوشی‌ها منتهی می‌گردد.» (همان، ص ۲۳۷)

شریعت حیات‌بخش اسلام در عین این که به زنان، اجازه می‌دهد که در امور عبادی

مسجد و سایر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت کنند، از اختلاط نهی فرموده است تا مبادا روزی بستر آلودگی‌های اخلاقی فراهم آید.

پیامبر ﷺ فرمود: «میان مردان و زنان نامحرم فاصله اندازید؛ زیرا، بر اثر ملاقات و اختلاط، گرفتار درد و بلایی می‌شوید که دوا ندارد. بر شما باد که از اختلاط با زنان اجتناب نمایید.» (نوری مازندرانی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ ادهمی مصری، ص ۱۴۰) بر همین اساس آن حضرت در زمان رسالتش برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد در مسجد، دستور داد که برای زنان؛ در جداگانه‌ای به مسجد النبی بسازند. (ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹) که هنوز هم به نام «بابُ النساء» وجود دارد.

مولوی می‌گوید:

هیچکس را با زنان محرم مدار

که مثال این دو پنبه است و شرار (مولوی، دفتر پنجم، بیت ۳۸۷۲)

در روایت آمده است روزی پیامبر ﷺ در بیرون مسجد بودند، دیدند مردان و زنان با هم از مسجد بیرون می‌آیند؛ حضرت خطاب به زنان فرمودند: «بهتر است صبر کنید ابتدا مردان بروند، سپس شما» (ابوداود، ج ۲، ص ۵۳۳)

همچنین درباره خروج زنان و مردان از مسجد و رفت و آمد در کوچه‌ها فرمود: «شب هنگام پس از اتمام نماز، ابتدا زن‌ها و سپس مردها از مساجد خارج شوند و در مسیر کوچه و خیابان، مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان بروند.» (کلینی، ۱۴۰۵ ق، ج ۵، ص ۵۱۸) امام علی ؑ در بیانی به مردم عراق که به این امر (لزوم عدم اختلاط) توجه نمی‌کردند، با اعتراض می‌فرماید: «ای اهل عراق! با خبر شده‌ام که زنان شما در راه (کوچه و خیابان) با مردان برخورد می‌کنند. (به هم تنه می‌زنند) آیا حیا و شرم نمی‌کنید؟ و در حدیث دیگر فرمود: آیا حیا نمی‌کنید و غیرت نمی‌ورزید که زانتان به بازار می‌روند و با افرادی ایمان مواجه می‌شوند؟» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۱۷۴)

به هر حال اهمیّت مسئله تا بدانجاست که پیامبر اسلام ﷺ در هنگام بیعت با زنان، به عدم اختلاط آنان با مردان تأکید نموده است. «پیامبر ﷺ از زنان پیمان گرفت که دوست نداشته باشند، در خلوت با مردان بنشینند.» (همان)

ج) گفتار چهارم: نقش برجسته زنان و مادران مسجدی در تربیت نسل

۱. اهمیت تعلیم و تربیت در اسلام

تعلیم و تربیت نقش شگفت‌انگیزی در زندگی انسان دارد. شکوفایی استعدادها و ارزش‌های والا مبتنی بر تعلیم و تربیت است و انسان شدن انسان و وصولش به کمال نهایی همه مرهون تعلیم و تربیت صحیح است.

انسان نه تنها تربیت‌پذیر است بلکه تنها مخلوقی است که به تعلیم و تربیت نیازمند است و اگر این فرصت را از دست دهد، چیز ارزنده‌ای را برای همیشه از دست خواهد داد.

تعلیم و تربیت می‌تواند به رشد و ارتقای جسمی و روحانی انسان یاری کند و نیازهای فردی و اجتماعی، اقتصادی و... انسان را تأمین کند. به عبارتی تمام امور زندگی بشر با امر تعلیم و تربیت ارتباط دارد. از نظر اسلام کسی که از تعلیم و تربیت بی‌بهره است هم‌چون کسی است که در بیابان خشکی سرگردان و متحیر است و نمی‌داند از کدام راه برود تا به سر منزل مقصود برسد.

خداوند در قرآن کریم فرموده است: «پیامبران برای تزکیه و تعلیم بشر برانگیخته شده‌اند که آیات خدا و کتاب و حکمت را به آنان تعلیم دهند.» (جمعه/۲)

در تعالیم اسلامی عالی‌ترین نوع توجه در مورد کودک سفارش شده است. همچنین مجاهدت و تلاش پدر و مادر و مربیان در راه تربیت و حسن اداره زندگی و ایجاد رفاه و آسایش و تأمین نیازهای فرزندان توصیه شده است. یکی از حقوق فرزند بر پدر و مادر اهتمام در «تربیت» است.

از مسائل بسیار مهم در زندگی هر انسانی، احساس مسئولیت در برابر فرزندان و اهتمام در ادب‌آموزی آنهاست. امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «مردی به حضور پیامبر رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمود: نامی نیک برای او انتخاب کنی

و تربیتش را نیکو گردانی و او را در جایگاه خوبی قرار دهی.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ۴۷۹)
امام صادق (علیه السلام) نیز در روایتی زیبا می‌فرماید: «حق فرزند بر پدر سه چیز است: دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند، نام خوبی برایش بگذارد و در تربیتش بکوشد.» (مجلسی ۱۴۰۴ ق، ج ۷۵، ۲۳۶)

پیامبر (صلی الله علیه و آله) مهم‌ترین وظیفه پدر و مادر را تربیت نیکوی فرزندان می‌شمارد و می‌فرماید: «بی‌تردید، اگر مرد به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکوتر از آن است که هر روز نیم صاع [گندم، جو و مانند آن] در راه خدا صدقه بدهد.» (نوری ۱۴۰۸ ق، ج ۱۵، ۱۶۶)
آن سرچشمه آفرینش، بهترین هدیه پدر و مادر را تربیت شایسته فرزندان می‌داند و در حدیثی زیبا می‌فرماید: «هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به پسر، بهتر از تربیت نیکو نیست.» (همان، ۱۶۵) در حقیقت، همان‌گونه که امام علی (علیه السلام) اشاره فرمود: «ادب، بهترین میراث برای فرزندان است.» (حسام الدین هندی ۱۴۰۹ ق، ج ۱۶، ۴۵۶)

۲. نقش مادر در تربیت صحیح نسل

خمیرمایه مولفه‌های اصلی شخصیت متعادل و پویا یا متزلزل و آسیب‌پذیر فرزندان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین، به ویژه مادر، شکل می‌گیرد.
با متولد شدن کودک و پا گذاشتن او در محیط خانواده رسالت تربیتی پدر و مادر درباره فرزند به طور عینی و با جدیت شروع می‌شود و به خصوص نقش مادر بسیار نمایان است. نقش مادر تنها مربوط به جنبه‌های روانی و اجتماعی مخصوص نیست، بلکه مادر در آشنا ساختن کودک با جامعه، هدایت، رهبری و جهت دادن به افکار کودک بازندگی جمعی نقش اساسی دارد؛ کودک به علت زودباوری و تقلید مطلق در سال‌های اول زندگی از مادر این افکار را به راحتی می‌پذیرد و بعد مادر در صدد دفاع از آن برمی‌آید و به خاطر همین است که رهبری مادر در سعادت و پرورش کودک نقش اساسی دارد.

مادر، اولین مربی کودک و مؤثرترین فرد بر کودک در تمامی مراحل رشد است. این تأثیرات، در واقع قبل از تولد و حتی از زمان انعقاد نطفه وجود دارد. زیرا هر گونه خلق و خوی مادر و حالت‌های روحی او در شکل‌گیری شخصیت جنین مؤثر است.

مادر مبدأ پیدایش فرزندی است که هر کدام به دیگری وابسته است؛ نه مانند میوه‌های یک درخت و نه مانند بچه‌های یک حیوان ماده. او بین اعضای نسبی یک خانواده ایجاد

رحامت می‌کند و بین خانواده خود و بستگان سببی هم ایجاد عطوفت کرده و دو خانواده را به منزله یک خانواده قرار می‌دهد.

قرآن کریم از زحمات مادر جداگانه و به طور مستقل سخن می‌گوید: «و انسان را نسبت به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج، او را به دنیا آورد و بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است.» (احقاف/۱۵) واژه «اُمّ» به معنای ریشه و سرچشمه است. به علت اینکه کودک حداقل شش ماه و حداکثر نه ماه در رحم زن است و در این مدت تمام نیازهای جسمی و روحی او از مایه‌های وجود زن تأمین می‌شود از وجود مادر نسبت به کودک تعبیر به «اُمّ» شده است.

پیامبر ﷺ درباره عظمت مقام مادر فرمودند: «الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ؛ بهشت، زیر پای مادران است.» (حسام الدین هندی ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ۲۶۱، شماره ۴۵۴۳۹)

همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: «مردی خدمت پیامبر ﷺ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، به چه کسی نیکی کنم؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: بعد از او به چه کسی؟ فرمود: به مادرت. عرض کرد: سپس به چه کسی؟ فرمود: به پدرت.» (کلینی، ج ۲، ۱۵۹، ح ۹)

خداوند هم در مقابل زحمات زن از بارداری و وضع حمل و شیر دادن تا تربیت فرزند و خانه‌داری و شوهرداری، پاداش و ثواب‌هایی برای او قرار داده که با پاداش جهادِ مردان برابری می‌کند. در مقابل، مادر باید توجه کند که ابعاد شخصیت فرزندش در دامن او شکل می‌گیرد و فرزند سرمایه اصلی شخصیت خود را از مادرش دریافت می‌کند. امام خمینی (ره) درباره نقش مادر در تربیت صحیح نسل می‌فرمایند: «اول مدرسه‌ای که کودک دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواسته اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند تمام چیزهایی که دارند و آرزوهایی که دارند خلاصه می‌شود در پدر و مادر، همه چیز را در مادر می‌بینند. حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه‌ها اثر دارد...» (فراوانی ۱۳۷۸ش، ۲۹۲)

کودک انعکاسی از واقعیت جسمی و روحی و میوه‌ای از آن شجره مبارک است. (انصاریان ۱۳۷۸ش، ۴۳۳، با تلخیص)

مادری، فضیلتی ملکوتی ناشی از عالم قدس است که در وجود انسان خاکی تجلی می‌کند

و در آن صراحت و صداقت، مهر و صفا، عدل و تقوی به عالی ترین وجه خود عیان می شود و جامعه را به سمت کمال سوق می دهد.

مادرانی که اهل مسجد و محراب هستند و خود متخلق به اخلاق حسنه هستند در تربیت نسل جدید، بسیار موفقند. زنان و مادران مسجدی با داشتن ویژگی هایی که در ذیل به آنها می پردازیم، در تربیت فرزندان صالح نقش اساسی دارند.

۲-۱. محبت و صمیمیت

مادر مسجدی، سرشار از محبت، صمیمیت و مهربانی است و از حیث عاطفی و آرامش روحی روانی اسوه و الگویی برای سایر زنان و مادران است. کودک می خواهد والدین، به ویژه مادر بیش از حد او را دوست بدارند و به او اظهار علاقه کنند. فرزند چندان توجهی ندارد که خانواده اش در کاخ زندگی می کند یا در کوخ، یا لباس و خوراکش خیلی اعلاست یا نه؛ اما به این موضوع کاملاً توجه دارد که آیا دوستش دارند یا نه. این احساس درونی را چیزی جز محبت و نوازش مادران که کانون عطوفت و مهربانی هستند، ارضا نمی کند.

اخلاق و شخصیت آینده فرزندان در همین اظهار محبت ها شکل می گیرد. همین آغوش گرم مادر اهل نماز و نیایش و نوازش های مخلصانه پدر اهل مسجد است که روح بشر دوستی و علاقه به هم نوع را در فرزند می دمد و برای اظهار همدردی و کمک به دیگران آماده اش می کند؛ همچنین او را از گوشه گیری و انزوا نجات می دهد. به واسطه محبت مادران اهل مسجد است که فرزند احساس شخصیت می کند و خود را لایق دوستی می داند.

همین استعداد عاطفی در انسان، همراه با تضعیف خودخواهی و سوق دادن به سوی دیگران، سبب رشد بسیاری از فضایل در او می شود. این فضایل که در مسجد پایه ریزی و نهادینه می شود، همه کمالات را شامل می شود؛ از قبیل محبت، دوستی، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری، دلسوزی و به طور کلی تقدّم غیر بر خود. در همه این موارد، انسان برخلاف اقتضای خود خواه بودنش از دایره تنگ «خود» قدم فراتر می گذارد و گاهی به سوی غیر بر می دارد. انسان با تقدّم داشتن دیگری بر خود و در دل گرفتن مهر و علاقه او، از فردیت خویش خارج می شود. پیامبر ﷺ فرموده اند: «آگاه باشید که مودّت و دوستی مؤمن از بزرگ ترین عوامل ایمان است.» (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ۲۸۱) همچنین در جایی دیگر فرموده اند: «سوگند به آن که جانم به دست اوست، وارد بهشت نمی شوید، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نمی آورید، مگر اینکه یکدیگر را دوست بدارید.» (حسام الدین هندی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ۴۶۷)

۲.۲. پرورش شخصیت و اعتماد به نفس در فرزندان

روانشناسان می‌گویند تربیت کننده باید شخصیت کودک را پرورش دهد و اعتماد به نفس را به او تلقین کند؛ همچنین او را بزرگوار و باشخصیت بار بیاورد. مادرانی که به فرزندان احترام نمی‌گذارند، آنها را کوچک می‌کنند و شخصیتشان را خرد می‌کنند، به طور طبیعی آنها را فرزندان ترسو و بی‌شخصیت بار می‌آورند که خود را زبون و بی‌ارزش می‌پندارند. هنگامی که این فرزندان بزرگ شوند، خود را کوچک‌تر از آن می‌دانند که به کارهای بزرگ دست بزنند. چنین افرادی در اجتماع، منشأ هیچ اثری واقع نخواهند شد و به آسانی زیر بار ذلت خواهند رفت. اما اگر فردی در خانواده‌ای اهل مسجد، رشد کند، خودش را بزرگ و با شخصیت می‌بیند؛ بنابراین به کارهای پست تن نمی‌دهد و زیر بار خواری و ذلت نمی‌رود. مادران مسجدی و اهل نماز برای پرورش شخصیت انسانی فرزندان، صفات خوب او را یادآوری می‌کنند و از او در حضور خودش و دیگران توصیف و تعریف می‌کنند و بزرگی نفس را به او تلقین می‌نمایند.

همچنین، مادر مسجدی و اهل نماز، کودک خود را دوست دارد؛ زیرا محبت داشتن اساس عزت است. از سویی، اعتماد به نفس، انسان را در شناخت و انتخاب هدف عالی رهنمون می‌کند. برای توفیق در کارها هیچ چیز به اندازه اعتقاد و ایمان به توانستن مؤثر نیست. اگر انسان از اجرای کاری بترسد و فکر کند که قادر نیست آن را انجام دهد، امکان ندارد آن کار را به نحو مطلوب انجام دهد. ترس، نیروی محرکه ماشین را، که باید بازده مطلوب و کافی داشته باشد، از کار می‌اندازد و نقش ترمز را ایفا می‌کند. در مقابل، اعتماد و ایمان به توانستن و خواستن، شتاب چنین ماشینی را افزایش می‌دهد و بر کارایی آن می‌افزاید.

۲-۳. تربیت دینی

در خانواده‌های اهل مسجد، اساس تربیت، متکی بر «تربیت دینی» است. مادر مسجدی و اهل نماز، از آنجا که جهان مادی را با همه نعمت‌ها و موهبت‌هایش همواره در حد «وسیله» می‌نگرد و سعادت و نیک‌بختی خود و خانواده‌اش را هرگز در گرو عوامل مادی نمی‌داند، نه تنها ناملایمات و ناکامی‌ها روحیه‌اش را تضعیف نمی‌کند، بلکه در نظر او همین مشکلات و ناملایمات در حکم وسیله‌ای هستند که مانع آرامش روحی آنان می‌شود و جلوی هرگونه سستی حاصل از خو گرفتن به زندگی بی‌دغدغه را می‌گیرد.

جهان سرد ماشینی و بی‌روحی که در بینش مادی وجود دارد، برای خانواده مسجدی، به

جهانی زنده، هوشیار، آگاه و سرشار از روح و معنا تبدیل می شود که به زندگی روح، معنا و هدف می بخشد. در سایه تربیت دینی و مکتب مسجد، مجموعه جهان و به خصوص زندگی انسان، که از علم و حکمت مطلق خداوند سرچشمه گرفته است، تقدس می یابد و ارزشمند می شود. تجربه تاریخی نشان می دهد که هر جا ایمان واقعی تجلی پیدا کند، عالی ترین جلوه های انسانی را با خود به همراه می آورد. «ایمان به خدا» نه تنها به زندگی معنا می بخشد و آدمی را از «پوچی و بیهودگی» و «تنهایی و غربت» رها می کند، بلکه به زندگی روح و صفا می بخشد و شوق و حرکت می آفریند.

۲-۴. پاکی و طهارت جسم و جان

مادر مسجدی و اهل نماز، سلامت جسمانی و روانی دارد؛ زیرا آلودگی هر یک از این دو، (جسم و روان) انسان را از تعادل خارج می کند و او را در مسیری ناشایست قرار می دهد. در اسلام، نظافت و طهارت به اندازه ای اهمیت دارد که یکی از هدف های دین و جزئی از ایمان شمرده شده است. در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است که پاکیزگی جزء ایمان است. (مجلسی ۱۴۰۴ق، ج ۶۲، کتاب طب النبی ﷺ، باب ۸۹، ۲۹۱) امام باقر ﷺ فرمودند: «کُنُسُ الْبُیُوتِ يَنْفِي الْفَقْرَ؛ جارو کردن اتاق ها فقر را از بین می برد.» (حرّ عاملی ۱۴۰۹ق، ج ۳، ۵۷۱، ح ۲) همچنین، امام صادق ﷺ فرمودند: «در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: ۱. از سنت پیامبر است؛ ۲. دهان را پاکیزه می کند؛ ۳. نور چشم را زیاد می کند؛ ۴. باعث خشنودی خداوند است؛ ۵. دندان ها را سفید می کند؛ ۶. پوسیدگی آنها را از بین می برد؛ ۷. لثه را محکم می سازد؛ ۸. اشتها آور است؛ ۹. بلغم را می برد؛ ۱۰. حافظه را زیاد می کند؛ ۱۱. حسنات دو چندان می شوند؛ ۱۲. فرشتگان شاد می گردند.» (صدوق ۱۴۰۳ق، ۴۸۱)

خانه پیامبر ﷺ که الگویی برای همه خانواده های اهل مسجد است، با همه سادگی همیشه پاکیزه بود. پیامبر ﷺ می فرمودند: محوطه جلوی خانه خود را جارو بزنید و تمیز کنید. پیامبر ﷺ فرمودند: «نگذارید خاک روبه و آشغال، شب در خانه شما بماند، زیرا آنجا جایگاه شیطان است.» (طبرسی، ۴۹۰)

همچنین پیامبر ﷺ فرمودند: «فضای مقابل خانه خود را، جارو بزنید و تمیز کنید و مانند یهودیان کثیف نباشید.» (طبرسی، ۱۴۵)

آن بزرگوار مردم را از نشسته رها کردن ظرف های غذا و همچنین بدون سرپوش گذاشتن ظرف آب و غذای می کردند. پیامبر ﷺ دستور داده بودند آب ها را مطلقاً آلوده نکنند و موقع

شست و شوی بدن، داخل نهرها نشوند. زنان و مادر مسجدی و اهل نماز، با تأسی از سیره و دستورهای پیشوایان دین و پیروی از کلام خداوند، به پاکیزگی جسم و روان توجه بیشتری می‌کنند. به دیگر سخن، سلامت جسم و جان، آغاز تکامل اعضای خانواده اهل مسجد است.

۲-۵. رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی

از جمله ویژگی‌های مادران مسجدی و به طور کلی خانواده مسجدی، رعایت نظم، انضباط و وقت‌شناسی است. همچنان که انضباط و وقت‌شناسی از ارکان زندگانی نمازگزار است. هر یک از افراد خانواده مسجدی باید برای رعایت حال دیگر اعضا، کارهای خود را منظم کنند و در وقت مخصوص انجام دهند. در خانواده‌ای که نظم حاکم است، آرامش و صفا و صمیمیت برقرار است و همه افراد بدون نگرانی، ناراحتی و ایجاد مزاحمت برای دیگران کارهای خود را انجام می‌دهند.

امام علی علیه السلام به دو فرزند عزیزش، امام حسن و امام حسین علیهم السلام می‌فرماید: «شما (حسن و حسین) تمام فرزندان و خاندانم و هر کس را که نامه‌ام به او می‌رسد، به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می‌کنم.» (سید رضی، نامه ۴۷)

از جمله نکات مهم و برجسته در زندگی مردان بزرگ، نظم و وقت‌شناسی آنان است. درباره امام خمینی علیه السلام نوشته‌اند: امام در عین پرکاری و تلاش مداوم، بسیار منظم بودند. در واقع، یکی از اساسی‌ترین رموز موفقیت امام در زندگی، نظم ایشان بود. اطرافیان امام زندگی ایشان را به صورت ساعت خودکار درک کرده بودند و از این رو دستور کار خود را از روی کار امام منظم می‌کردند.

۲-۶. خلاقیت

خلاقیت و ابتکار عمل، ثمره شایسته خانواده مسجدی است؛ زیرا در چنین خانواده‌ای بستر رشد همه استعدادها فراهم است. لازمه خلاقیت، داشتن نگرش مثبت به فکر نو و کارهای نو است. به طور کلی، ویژگی‌های تفکر خلاق را، که در خانواده‌های متدین و مسجدی بروز می‌کند، می‌توان این گونه بیان کرد:

۱. جرئت و شهامت اظهار نظر؛ ۲. حقیقت‌جویی و در نظر گرفتن واقعیات؛ ۳. اجتناب از سطحی‌نگری؛ ۴. نگاهی غیر مرسوم به اشیا و پدیده‌ها؛ ۵. داشتن انگیزه و دانش وسیع؛ ۶. داشتن طرز تفکر انتقادی؛ ۷. داشتن پشتکار و انضباط؛ ۸. افق‌های دید وسیع؛ ۹. تلاش اجتهادی.

۲-۷. رعایت عدالت در میان فرزندان

والدین مسجدي، عدالت را در همهٔ مراحل زندگی و امور رعایت می‌کنند؛ زیرا خانوادهٔ فاقد عدالت، از حالت تعادل خارج می‌شود و نمی‌تواند پرورش دهندهٔ انسان‌های بزرگ در آینده باشد. سعادت‌مندی هر خانواده در گرو تعادل در مهر و محبت بین اعضا و فرزندان است؛ زیرا در فرزندان تمایلات و استعداد‌های گوناگون و حتی متناقضی وجود دارد و اگر والدین، به ویژه مادران عدالت و مساوات را رعایت نکنند و فرزندى یا عضوى را بر دیگری ترجیح دهند، قطعاً دشواری‌هایی ایجاد می‌شود و چه بسا آرامش خانواده در خطر می‌افتد. گاهی سرچشمه کینه‌توزی‌ها و بدبینی‌ها را باید در همین جا پیدا کرد. بنابراین، بر خوردهای تبعیض‌آمیز یا تفاوت گذاشتن‌های بدون دلیل، از جمله مواردی است که ممکن است فضای حسادت، درگیری یا انتقام را در بین فرزندان ایجاد کند. امام علی (ع) می‌فرماید: «انصاف و عدالت اختلافات را از بین می‌برد و همدلی می‌آورد.» (آمدی ۱۴۱۰ ق، ص ۸۸)

در حدیث دیگری پیامبر (ص) می‌فرماید: «با فرزندان با عدالت رفتار کنید، همان گونه که دوست دارید با شما در نیکی و لطف کردن، با عدالت رفتار شود.» (طبرسی، ص ۲۵۲)

«اگر پدر و مادر در مورد همهٔ فرزندان رفتار کاملاً عادلانه‌ای داشته باشند و هیچ کدام را بر دیگری ترجیح ندهند... حسادت کودکان تحریک نمی‌شود و ممکن است به تدریج از میان برود. هیچ‌گاه در حضور فرزندان خویش، از یکی از آنها تعریف و تمجید نکنید و کارهایش را به رخ دیگران نکشید. آنها را با یکدیگر مقایسه نکرده و خوبی بعضی را به رخ دیگران نکشید. بعضی از پدران و مادران برای تعلیم و تربیت و تشویق و به کار گرفتن کودکان خویش از روش مقایسه استفاده می‌کنند. این پدران و مادران به خیال خود می‌خواهند بدین وسیله فرزند خویش را تربیت نمایند، در صورتی که کمتر اتفاق می‌افتد که با این کار نتیجه مطلوب را به دست آورند. بر عکس، نتیجه‌ای که می‌گیرند این است که تخم حسادت و کینه‌توزی را در دل کودک بی‌گناه می‌پاشند و او را برای حسدورزی و دشمنی آماده می‌کنند.» (امینی ۱۳۸۱ ش، ۲۱۵-۲۱۶)

بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها سه خطر را متوجه خانواده‌ها می‌کند:

۱. فرزند به خواهران و برادران محبوب‌تر از خود بدبین می‌شود و کینه به دل می‌گیرد؛
۲. در برابر والدین احساس خشم و کینه می‌کند؛
۳. بی‌اعتنایی و تبعیض شخصیت، طفل را ضعیف می‌کند و موجب می‌شود تا وی در همهٔ مراحل زندگی احساس حقارت کند.

والدین اهل مسجد و نماز، در توزیع توجّه، محبّت و نگاه به فرزندان بر اساس آموزه‌های پیشوایان دین و با نهایت عدالت و انصاف رفتار می‌کنند. والدین مسجدی به فرزندان خود مستقلّ از جنسیت، سن، زیبایی و هوش محبّت می‌کنند و از مقایسهٔ فرزندان خود که موجب ناراحتی و آزرده‌گی آنان می‌شود، پرهیز می‌کنند.

۵) گفتار پنجم: مسجد و غنی سازی اوقات فراغت زنان و خانواده

بیکاری و فراغت، مقوله‌ای است که به واسطه آن بیشتر مردم به انحراف کشیده می‌شوند. چنان که پیامبر ﷺ فرمودند: «دو خصوصیت است که بسیاری از مردم در آنها فریب می‌خورند: سلامتی و فراغت.» (مجلسی ۱۴۰۵ ق، ج ۷۸، ۱۷۰)

غنی سازی بهینه اوقات فراغت شاخصی مناسب برای ارتقای سلامت جسمی و روانی و استحکام ساختار تربیتی جامعه است. بنابراین بهره‌برداری شایسته از اوقات فراغت، جامعه را به سوی سازندگی اخلاقی، شکوفایی استعدادها، خلاقیت‌ها و توسعه فکری رهنمون می‌کند. یکی از مراکزی که در برگزاری برنامه‌های اوقات فراغت اقدامات و فعالیت چشمگیر دارد، مساجد و ستاد عالی کانون‌های مساجد کشور است.

در واقع در این زمان، هنر مسجدی‌ها و متولیان فرهنگی مساجد این است که بتوانند برای اوقات فراغت غیر از برنامه‌های تبلیغی و عبادی برنامه‌های جذابی را برای تمام اقشار جامعه طراحی کنند. مردم به مسجد اعتماد و اطمینان دارند به همین منظور اگر برنامه‌ها از استاندارد و تنوع لازم برخوردار باشند با استقبال جدی آنان مواجه می‌شود. فضای مسجد فضایی مناسبی برای تأمین اوقات عبادی و فراغت اقشار مختلف است.

واژه «فراغت» به معنای آسایش، آرامی و استراحت و ضد گرفتاری از کار و شغل است. (حسن عمید، فرهنگ عمید، ذیل واژه «فراغت»)

برخی از صاحب نظران آن را «فعالیت برای خود» یا «زمان آزاد» یا «زمان فروخته نشده‌ای که متعلق به فرد است» و «زمانی که فرد به میل خود از آن استفاده می‌کند» توصیف نموده‌اند. (علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «فراغت»)

به نظر «اوژه»، منظور از فراغت، تفریحات و سرگرمی‌هایی است که افراد به هنگام

آسودگی از کار با شوق و رغبت به سوی آن روی می آورند. (کرباسی و وکیلان، مسائل نوجوانان و جوانان، ۱۱۹)

مفهوم اوقات فراغت در لغت را می توان به طور خلاصه؛ زمان ها، مواقع و ساعاتی دانست، که فرد در آسایش، استراحت و آرامش به سر می برد. (کوهستانی و دیگران ۱۳۷۸، ۴۸)

دومازیه جامعه شناس فرانسوی و مؤلف کتاب «به سوی یک تمدن فراغت»، معتقد است که اوقات فراغت، عبارت از مجموعه فعالیت هایی است، که شخص، پس از ارزشیابی تعهدات و تکالیف شغلی، خانوادگی و اجتماعی، با میل و اشتیاق به آن می پردازد و غرضش استراحت، تفریح، توسعه دانش، به کمال رساندن شخصیت خویش، به ظهور رساندن استعدادها و خلاقیت ها و یا مشارکت آزادانه در اجتماع است. (یوسفی ۱۳۷۴، ش، ۷۷)

بنابراین، می توان اوقات فراغت را زمان هایی دانست که یک فرد برای انجام وظایف فردی و اجتماعی خویش دارد و می تواند آن را با میل خود در امور مختلف صرف کند و بسته به این که چگونه و با چه وسیله ای این اوقات پر شود، می تواند پربارترین و شوق انگیزترین لحظات و یا برعکس ملال آورترین، بی بارترین و حتی مفسده انگیزترین دقایق باشد.

در آموزه های اسلامی به مسئله «وقت» توجه زیادی شده، تا جایی که خداوند در قرآن کریم به مفردات و اجزاء وقت و زمان از جمله به «شب»، «روز»، «فجر»، «صبح»، «نیم روز» و «عصر» قسم یاد کرده است. قسم یاد کردن خداوند به یکی از این اجزاء و مفردات زمان، نشانه عظمت و اهمیت آن است؛ یعنی خداوند بدین وسیله می خواهد فوائد و آثار و اهمیت زمان را به انسان متذکر شود.

حضرات معصومان: درباره بهره گیری بهینه از اوقات فراغت و چگونگی گذراندن اوقات شبانه روز، دستورالعمل های خاصی ارائه فرموده اند؛ چنان که امام رضا علیه السلام در این باره می فرمایند: «سعی کنید اوقات خود را به ۴ بخش تقسیم کنید؛ ساعتی را برای مناجات و ارتباط با معبود قرار دهید، ساعتی را برای امرار معاش و کسب روزی اختصاص دهید و ساعتی را برای ارتباط و معاشرت با برادران و افراد مورد اعتماد و وثوق خود صرف کنید. [یعنی کسانی که کژی ها و عیوبتان را به شما تذکر می دهند و در باطن به شما علاقه مند هستند] و ساعتی را نیز برای لذت بردن از امور حلال و غیر حرام خالی نگه دارید. [گذران اوقات فراغت] در پرتو وجود بخش چهارم از اوقات است که می توانید به ۳ بخش دیگر ساعات زندگی نایل آید و بهره لازم را ببرید.»

این کلام گهربار امام علیه السلام حکایت از این دارد که رهبران دین و ائمه معصومین: به مسئله اوقات فراغت انسان اهمّیت زیادی داده‌اند؛ تا جایی که امکان بهره‌برداری کامل و مناسب از ۳ بخش دیگر زندگی و توجه به امر معاد و معاش را نیز مشروط به اختصاص دادن ساعتی از زمان به بهره‌مندی لذاّیذ مشروع و مواهب مادی خدادادی دانسته‌اند.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «در نصایح لقمان به پسرش این بود که: توبه را در دلت تازه کن، و پیش از آن که کارت فرارسد و قضایات قطعی شود و بین تو و آنچه می‌خواهی، فاصله بیفتد، در ایام فراغت، [برای توبه] شتاب کن.» (کلینی، ج ۲، ۱۳۵، ح ۲۰)

همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لقمان در سفارش به پسرش، گفت: «ای پسر! بدان که [متاع] دنیا ناچیز است و عمر تو اندکی از آن ناچیز است، و از آن اندک نیز اندکی مانده است.» (طبرسی ۱۴۲۳ ق، ۴۶۱، ح ۱۵۳۷)

در برنامه‌ریزی برای پر نمودن بهینه اوقات فراغت نوجوانان و جوانان در تابستان، حتّی المقدور باید به گرایش‌ها، تمایلات و نیازهای نوجوانان و جوانان توجّه نمود و مشارکت خود آنان را در برنامه‌ریزی‌ها جلب کرد و نیز وضعیت اقتصادی، فرهنگی و تحصیلی خانواده‌ها را در برنامه‌ریزی‌ها نباید از نظر دور داشت. با این حال، اگر در پر نمودن بهینه اوقات فراغت دانش‌آموزان در فصل تابستان به شیوه‌های صحیح تربیتی توفیق حاصل ننماییم بی‌شک، زمینه انحرافات را در بین دانش‌آموزان فراهم ساخته و در نتیجه، با عواقب زیانباری مواجه خواهیم شد. (عصاره ۱۳۷۴، شماره ۱۰، ۱۰۹)

اگر این اوقات به خوبی برنامه‌ریزی شود با استفاده از پتانسیل‌های جوانان می‌تواند جامعه را به سمت پویایی و نوآوری سوق داد و علاوه بر آن زمینه برای بروز خلاقیت و استعدادهای جوانان فراهم می‌شود.

اگر این اوقات به صورت بهینه استفاده نشود از سویی موجب سستی، خستگی، ناآرامی و کسالت می‌شود و از سوی دیگر پنهان ماندن استعدادها و توانایی‌های افراد ضربات سنگین و گاه جبران‌ناپذیری را به بدنه جامعه و رشد و پیشرفت آن وارد خواهد کرد. با توجه به تنوع درخواست‌ها و تمایلات افراد برداشت‌های مردم از اوقات فراغت نیز بسیار متفاوت است و باید با توجه به نیاز جامعه، جنسیت و مخاطبان مبادرت به برنامه‌ریزی و فراهم کردن اسباب فراغت افراد کرد. با برنامه‌ریزی صحیح در اوقات فراغت محیطی سالم و پویا برای جوانان می‌توان زمینه را برای مسئولیت‌پذیری و ورود آنان به اجتماع فراهم کرد.

طبق روایات اسلامی از بیکاری نهی شده است تا جایی که زمانی که پیامبر می شنید شخصی بیکار است می فرمود: «سَقَطَ مِنْ عَيْنِي» یعنی از چشمم افتاد. اگر برنامه ریزی درستی برای اوقات فراغت انجام نشود چه بسا موجب بروز بسیاری از آسیب های اجتماعی و ناهنجاری ها در جامعه بشود.

با توجه به تنوع درخواست ها و تمایلات افراد برداشت های مردم از اوقات فراغت نیز بسیار متفاوت است و باید با توجه به نیاز جامعه، جنسیت و مخاطبان مبادرت به برنامه ریزی و فراهم کردن اسباب فراغت افراد کرد. با برنامه ریزی صحیح در اوقات فراغت محیطی سالم و پویا برای جوانان می توان زمینه را برای مسئولیت پذیری و ورود آنان به اجتماع فراهم کرد. بسیاری از استعدادها و نبوغ افراد در اوقات فراغت شناخته می شود و اگر از این اوقات استفاده بهینه شود، می تواند بر عملکرد یک جامعه تاثیر گذار باشد. و از آنجا که اوقات فراغت زمانی کاملاً شخصی است و فرد در آن به اعمالی که دوست دارد مبادرت می ورزد، بنابراین با رضایت و لذت انجام می دهد و در این صورت است که تاثیر آن، دوچندان می شود. در این میان مهم ترین عامل جلوگیری از انحرافات و برنامه ریزی صحیح برای اوقات فراغت افراد، مساجد و سایر مراکز فرهنگی و تربیتی است. حال اگر این برنامه ریزی ها مطابق با جنسیت و فضای فرهنگی حاکم بر جامعه باشد، نتایج سودمندتر و بهتری در بر خواهد داشت. همچنین می توان با برنامه ریزی و سیاست گذاری صحیح در مساجد، دوره های آموزشی متناسب با خصوصیات اخلاقی و رفتاری زنان و فعالیت های مرتبط با آنان در نظر گرفت تا علاوه بر کمک به اقتصاد خانواده زنان جامعه را به سمت مشاغل زنانه و متناسب با روحیات آنان هدایت کرد.

از این رو با توجه به خصوصیات دختران و تفاوت های جنسیتی، جسمی و روحی آنان، باید اوقات فراغتشان نیز متفاوت از جنس مذکر باشد و بیشتر متناسب با مسائل روحی و روانی آنان برنامه ریزی کرد. در این میان، باید خانواده ها با مساجد همکاری کنند و در شناسایی علایق و روحیات فرزندان، مساجد را یاری دهند. والدین می توانند با توجه به خصوصیات شخصیتی، امیال و نقاط ضعف و قوت فرزند خود نحوه گذران اوقات فراغت او را مدیریت کنند.

آمار نشان می دهد میزان افسردگی زنان در جامعه بیش از مردان است. شاید یکی از دلایل بروز افسردگی عدم مدیریت صحیح اوقات فراغت زنان و دختران است. دختران به دلیل شرایط خاص فرهنگی و سنتی جامعه و فعالیت کمتر نسبت به پسران و یا کمبود مراکز

تفریحی، رفاهی و ورزشی مناسب، بیشتر در معرض افسردگی قرار دارند. اهمیت توجه به اوقات فراغت دختران در آنجا بیشتر به چشم می‌خورد که اگر به درستی برنامه‌ریزی و هدایت شود، دختران که در آینده قرار است نقش مادری، همسری و نقش‌های مختلف اجتماعی را ایفا کنند، می‌توانند بر اجتماع تأثیرات مهم و اساسی بگذارند. با ایجاد فضاهای فرهنگی، خلاقانه و متناسب با روحیات دختران در مساجد و دیگر مراکز فرهنگی و تربیتی می‌توان سلامت روحی و روانی جامعه را نیز تأمین کرد.

بدون تردید در جامعه امروز ما، ارتباطات و گردهمایی‌های سنتی زنان، از جمله اجتماعات مذهبی و مناسکی منعقد در مساجد و حسینیه‌ها و مانند آن اهمیت و کارکرد گذشته خود را همچنان حفظ کرده‌اند؛ زیرا براساس ارتباط میان فردی چهره به چهره، گروهی و صمیمانه و همدلانه شکل گرفته و تداوم می‌یابد و از آنجا که زنان در چنین فضایی با دریافت آبی عکس العمل و یا باز خورد دیگران نسبت به رفتار خویش مواجه‌اند، به عنوان مؤثرترین بستر و زمینه اجتماعی در ایجاد تعامل و ارتباط سازنده میان آنان می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

به هر حال، اماکن مذهبی، مانند مساجد و حسینیه‌ها، به دلیل ماهیت مذهبی و شکل خود جوش و مردی خود توانایی جذب افراد بسیاری را دارند؛ محدودیت‌های جنسیتی زنان در مورد حضور یافتن در اجتماع و انجام فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی را نیز از میان برمی‌دارند و می‌توانند به عنوان کانون‌هایی بالقوه مد نظر و توجه قرار بگیرند و با برنامه‌ریزی‌های منسجم و هدفمند تقویت شوند. زیرا کارکردهای مثبت زیادی از جمله بالا بردن سطح آگاهی زنان شرکت‌کننده و حداقل آگاهی‌های مذهبی و تربیتی، حضور در محیطی دوستانه که منجر به حل برخی مشکلات شخصی و روانی می‌گردد. انجام فعالیت در امور خیریه و عام‌المنفعه، پر کردن اوقات فراغت، ایجاد شالوده‌ای برای رسوم اخلاقی جامعه؛ کنترل اجتماعی و راهنمایی و اشاعه ارزش‌ها، جهت دادن به نذورات و انفاقات، ایجاد احساس اطمینان و خودباوری در زنان، مبادله اطلاعات و برانگیختن حس مشارکت داوطلبانه و تأثیرات روانشناختی بر روی زنان را به دنبال دارد.

نتیجه سخن

حضور زنان در جامعه و تلاش و مجاهدت آنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی از موضوعات و مسائل مهمی است که همواره از مباحث بنیادین بوده است.

از دیدگاه تعلیم مقدس اسلام، زنان از کلیه حقوق اجتماعی بهره‌مند می‌باشند و هیچ مانع و حصاری نمی‌تواند راه‌های حضور فعال آنان در جامعه را سد نماید و این انسان خلاق را که نیمی از پیکر جامعه انسانی است، از بهره‌رسانی به اجتماع محروم گرداند.

آنچه مهم است، اینکه اسلام در عین این که از حضور زن در عرصه‌های اجتماع، مانند حضور در مسجد و... جلوگیری نکرده، چارچوب را نیز در نظر گرفته تا هم برای به بار نشستن اهداف اسلام بکوشند و هم حیثیت انسانی آنان دستخوش طمع دشمنان قرار نگیرد و پاکدامنی‌شان نیز حفظ شود؛ از این رو، زنان را تا جایی که حضورشان به فساد آلوده نشود، از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند، بلکه در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌کند؛ مانند حج که بر مرد و زن به یک اندازه واجب است و حتی شوهر هم حق ممانعت از همسر خود ندارد. گفتار قائلین به افضلیت نماز زن در خانه نیز ناظر به اهمیت به حجاب و پوشش زن است. اگر زنی بتواند خود را از دید نامحرم پوشاند و یا دیدگان خویش را از نگاه بیگانه فرو بندد، حضور او در مسجد منعی ندارد.

همان‌طور که در زمان رسول خدا ﷺ و دیگر حضرات معصومان علیهم‌السلام زنها با حفظ حجاب و پوشش اسلامی، در نماز جماعت مسجد حضور پیدا می‌کردند.

امام خمینی رحمته‌الله در این باره فرموده است: «اگر (زنان) بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند». (موسوی الخمینی، مسئله، ۸۹۳)

همچنین حضرت آیت‌... مکارم شیرازی می‌فرمایند: «برای زنها بهتر آن است که نماز را در خانه بخوانند، ولی اگر خود را از نامحرم به خوبی حفظ کنند، بهتر است در مسجد بخوانند، و اگر راهی برای یاد گرفتن مسائل اسلامی، جز از طریق رفتن به مسجد وجود ندارد، واجب است به مسجد بروند». (مکارم شیرازی، مسئله ۸۱۷)

حضور زن در مسجد بسیار حائز اهمیت است؛ چون او مربی و پرورش دهنده نسل هاست. امام خمینی رحمته‌الله در این باره می‌فرماید: «زن مربی جامعه است، از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند، مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است... زن با تربیت صحیح خود، انسان

درست می‌کند و با تربیت صحیح خود کشور را آباد می‌کند». (در جستجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۱۱۱)

آری؛ بانوان محجّبه با حضور در مساجد و اماکن مذهبی، برای انجام عبادات، کسب دانش‌های اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و... و خلاصه متخلّق شدن به اخلاق الهی می‌توانند در برابر هجمه‌های فرهنگی دشمنان مبارزه نمایند و در پرتو کسب این آگاهی‌ها از کانون مساجد و اماکن مذهبی، در ایفای نقش خانوادگی و در تربیت نسل شایسته و کارآمد، بسیار موفق و نسلی متفکر و سیاستمدار و مؤمن و متعبّد و تلاشگر به جامعه انسانی تقدیم نمایند. به هر حال باید به هوش باشیم که، در این برهه از زمان حفظ نظام جمهوری اسلامی و تحکیم پایه‌های اقتدار آن از مهم‌ترین وظایف مسلمانان است که اصولاً جنسیت بردار نیست؛ یعنی مهم‌ترین وظایفی است که هر کس به دلیل مسلمانی بر عهده دارد؛ وظیفه‌ای که بر اساس قانون تراحم مصالح، بر تمام احکام فردی و اجتماعی اولویت دارد. بنابراین، در این راستا چه زنان و چه مردان، می‌بایست حضوری فعال داشته و نشاط سیاسی جامعه اسلامی را همواره با تقویت روح دینداری و عابدانه خود حفظ کنند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه سيد رضی.
۳. آلوسی البغدادی، ابی الفضل شهاب الدین السید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ چهارم، ۱۴۰۵ ق.
۴. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، قم، دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، قم، مکتبه آیه الله المرعشی، بی تا.
۶. ابن ابی الفتح الإربلی، کشف الغمة، الطبعة الثانية، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
۷. ابن اثیر، اسد الغابة، تهران، انتشارات اسماعیلیان.
۸. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، احکام النساء، تحقیق عبدالمجید طعمه الحلبي، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷ ق.
۹. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۱۰. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد، ۳۸۴ - ۴۵۶ ق، المحلّی فی شرح المجلی بالحجج والآثار، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، دارالفکر.
۱۱. ابن خلدون، العبر تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالحمید آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.
۱۲. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالصادر.
۱۳. ابن ماجه، محمد بن الحسن بن علی البیهقی، سنن ابن ماجه، بیروت، دارالفکر.
۱۴. ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، سنن ابی داود، بیروت، دار احیاء النبویه.
۱۶. ادهمی مصری، شیخ محمد کمال الدین، مرآت النساء.
۱۷. اسلامپور کریمی، عسکری، مجله پیام زن، نگاه آلوده و پیامدهای ناگوار آن، ش ۱۴۲، ص ۶۸.
۱۸. مجله پاسدار اسلام، نقش عفاف و پاکدامنی در زندگی انسان، ش ۲۷۹ و ۲۸۰ اسفند و فروردین ۱۳۸۳ و ۲۸۱، سال ۱۳۸۴.

۱۹. الامام احمد حنبل، مسند احمد، بيروت، دارالفكر.
۲۰. العك، الشيخ خالد، موسوعة فقه المرأة المسلمة من الكتاب والسنة.
۲۱. النووي، محي الدين بن شرف، المجموع، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷ق.
۲۲. اميني، ابراهيم، تربيت، قم، مؤسسه بوستان كتاب قم، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
۲۳. انصاريان، حسين، نظام خانواده در اسلام، قم، انتشارات ام ابیها، چاپ يازدهم، ۱۳۷۸ش.
۲۴. بحراني، يوسف بن احمد، حدائق الناضرة، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، بی تا.
۲۵. بخاري جعفي، محمد بن اسماعيل، صحيح بخاري، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۱۹ق.
۲۶. پاينده، ابوالقاسم، نهج الفصاحة، مجموعه كلمات قصار پیامبر ﷺ با ترجمه فارسي، تهران، انتشارات جاويدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۷. حائري (شاهباغ)، سيد علي، شرح قانون مدني ايران، تهران، كتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۹ش.
۲۸. حرّ عاملي، محمد بن حسن، تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، بيروت، داراحياء التراث العربي، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ق.
۲۹. حسام الدين هندی، كنز العمال في سنن الاقوال والافعال، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
۳۰. حسيني عاملی، سيد محمد جواد، مفتاح الكرامه، بيروت، مؤسسة الأعلمي، ۱۴۱۶ق.
۳۱. حلي، علامه حسن بن يوسف، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت ﷺ لاحياء التراث، ۱۴۱۴ق.
۳۲. رازی، فخرالدين محمد بن عمر، التفسير الكبير (مفاتيح الغيب)، تحقيق عبدالرحمن محمد، مصر، قاهره، ۱۳۵۷ق.
۳۳. زبيدي، محمد مرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، بيروت، المكتبة الحياء.
۳۴. زركشي، محمد بن عبد الله، اعلام المساجد باحكام المساجد، تحقيق ابوالوفاء مصطفى المراغي، دارالكتب المصرية، قاهره، ۱۴۰۳ق.
۳۵. سباعي مكي، محمد، تاريخ كتابخانه های مساجد، محمد مكي السباعي، محمد عباسپور و محمد جواد مهدوي، مشهد، آستان قدس رضوي، ۱۳۷۳ش.
۳۶. سبزواري، محمد باقر، كفاية الاحكام، اصفهان، مدرسه مهدوي، بی تا.
۳۷. سيد قطب، في ضلال القرآن، ترجمه مصطفى خرم دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۷۸ق.
۳۸. شعيب النسائي، احمد، سنن النسائي، بيروت، دارالفكر، ۱۳۴۸ق/ ۱۹۳۰م.
۳۹. شهيد الأول، دروس الشرعية، قم، مؤسسه نشر الاسلامي، ۱۴۱۲ق.

۴۰. شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیه فی شرح المعه الدمشقیه، قم، انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
۴۱. شهید ثانی، مسالک الافهام الی تنقیح الشرائع الاسلام، مؤسسة المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۶ق.
۴۲. شیخ صدوق، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۴۴. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، علل الشرائع، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۵ق.
۴۵. صدوق، ابی جعفر، محمد بن علی بن حسین بن باویه قمی، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ق.
۴۶. طباطبای، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۹۲ق.
۴۷. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۰۹ق.
۴۸. طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن بن فضل، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، لاحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۴۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، تصحیح علاء الدین علوی طالقانی، مؤسسة اعلمی، نجف اشرف.
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح وتعلیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، چاپ اول.
۵۱. طوسی، شیخ الطائفه، ابی جعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۶ق.
۵۲. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه، ۱۳۸۸ق.
۵۳. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۵۴. طوسی، محمد حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر العاملی، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۵۵. عبد الحلیم ابوشقه، تحریر المرأة فی عصر الرسالة، کویت، دارالعلم، ۱۴۱۱ق.
۵۶. عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق.
۵۷. عصاره، علیرضا، «برنامه ریزی برای اوقات فراغت»، مجله تربیت، شماره ۱۰، ۱۳۷۴ش.

۵۸. علی بابائی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲ ش.
۵۹. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۶۰. فراهانی، مجتبی، تعلیم و تربیت از دیدگاه امام خمینی ره، تبیان، دفتر ۱۸، معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۸، چاپ دوم، ص ۲۹۲.
۶۱. فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل بن احمد، کتاب العین، طبع الثانیة، مؤسسه دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۶۲. فیض کاشانی، مولی محسن، تفسیر صافی، تحقیق حسین اعلی، قم، الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۶۳. فیومی، احمد بن محمد، «المصباح المنیر»، قم، دارالهجرة، ۱۴۰۹ ق.
۶۴. قائمی، علی، اقامة نماز در دوران کودکی و نوجوانی، تهران، انتشارات ستاد اقامة نماز، ۱۳۷۵ ش.
۶۵. قشیری النیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۶۶. قمی، علی، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
۶۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق و تعلیق علی اکبر غفاری، بیروت، دارالأضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۵ ق.
۶۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ ق.
۶۹. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه.
۷۰. محقق اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان، قم، انتشارات جامعه مدرّسین، ۱۴۰۹ ق.
۷۱. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۷۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش.
۷۳. مشکینی، علی، الزّواج فی اسلام، قم، نشر مؤلف، بی تا.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۸ ش.
۷۵. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم، منهاج الصّالحین (المعاملات)، قم، نشر مدینه العلم، چاپ بیست و هشتم، ۱۴۱۰ ق.
۷۶. موسوی الخمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان.
۷۷. مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، تهران، انتشارات پژوهش.
۷۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ق.

۷۹. نعمان بن محمد تمیمی مغربی، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعاف، ۱۳۸۵ ق.
۸۰. نوری مازندرانی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۸۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ ش.
۸۲. یوسفی، باقر، «چگونگی گذران اوقات فراغت»، مدیریت درآموزش و پرورش، شماره ۱۳، تابستان ۱۳۷۴، ۸۷-۷۷.